

عبدالصمد کامبخش

نظری به

جنبش کارگری در ایران

مجموعه مقالات

شماره ثبت کتابخانه ملی

۳۷/۴/۱۴-۹۳۰

جہا۱۵۰ریال

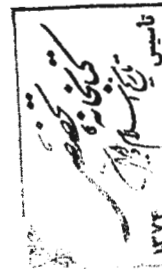
انتشارات گلبرگ

۴۷۷۸

عبدالصمد کامبخش

نظری به
جنبش کارگری در ایران

مجموعه مقالات



فهرست مطالب این کتاب

محد

۰	پیش سخن
۱۳	درباره موسسه‌الدمکراسی انقلابی در انقلاب مشروطیت
۲۷	ارتاریخ حزب کمونیست ایران
۲۷	آزادگان تاکنگره دوم
۳۸	درباره کنگره دوم (کنگره ارضیه)
۴۶	حزب توده ایران - دوران مبارزات طنی
۴۶	ارتشکلی حزب تاکنگره اول
۵۸	ارتخستین کنفرانس ابائی تاخستین کنگره حزب
۶۹	نخستین کنگره حزب
۷۶	ارتخستین کنگره حزب تا جنبش آذربایجان
۱۰۴	پس ارتلگامی جنبش آذربایجان و کردستان
۱۲۷	تا پایان فعالیت طنی
۱۳۲	مبارزه حزب علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی در شرایط غیرطنی
	ضمائم :
۱۳۸	درباره فعالیت موسسه‌الدمکراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران
۱۵۱	نظری بتاريخ حزب توده ایران
۱۷۶	نقش حزب توده ایران در تاریخ جنبش رهایی بخش مهن ما
۱۸۳	حزب توده ایران در مبارزه برای تشکیل جبهه واحد ملی و دکر
۱۹۸	شبه ای ارتاریخ ارتش ایران و مبارزات دمکراتیک درین آن
۲۲۳	گواهینامه یک زندگی



رئیس هیئت مدیره کاخ گلستان، عضو هیئت اجرائیه و دبیر
کمیته مرکزی حزب توده، ایران (۱۳۲۲ - ۱۳۵۰)

پیش سخن

درباره کتاب حاضر - درباره زندگی مؤلف این کتاب -
درباره شیوهی بررسی تاریخ جنبش کارگری ایران

۱- درباره کتاب حاضر

کتابی که در دست دارید مجموعه مقالاتی است که در ترقی فکری عبد الصمد کامبخش در برکتهای مرکزی و عضو هیئت اجرایی حزب توده ایران در باره تاریخ حزب طبقه کارگر در ایران دراد وارد می شد که آن یعنی دوران سوسیالیستیک ایران، دوران حزب کمونیست ایران، و دوران حزب توده ایران برای مجله ی تهرانی و سیاسی حزب "دنیای" نگاشته است. بنا به پیشنهاد شعبه تبلیغات و تعلیمات و نشریات حزب توده ایران قرار بود رفیق فقید این مقالات را که فقط نادوران فعالیت علمی حزب را در بر میگرفت ادامه دهد و آنرا به مآلهای اخیر برساند. قصد مؤلف این بود که ابتدا اصولی را که اصلاً نگاشته، تهیه کند و سپس دانشنامهی دکترای خود را که در دوران فعالیت مخفی حزب ما و جنبش ملی کردن نفت را در بر میگرفت بفارسی درآورد و آنرا تکمیل نوشته های سابق سازد و بدینسان مقالات خود را درباره تاریخ حزب حد اقل تا سال ۱۳۳۵ شمسی برساند.

علیرغم بیماری سخت و گرفتاریهای متعدد و بخریج حزی، باطاعت و پشتکاری که وی همیشه اوست، دست نگارشد. ولی در بیخ مرگ امان نداد و رشتگی زندگی پر محنتی که روزنه و یک انسان در ۶۸ سالگی گسست. مادر د پیل ایمن کتاب تحت عنوان "گواهی نامه ی زندگی" مستخرجاتی از آنچه که بمناسبت درگذشت کامبخش نگاشته شده با نامه های که بدین مناسبت رسیده است درج میکنیم تا معلوم شود الفکاربومی بزندگی محبوب، پرتیر و پراز اخلاص و فدکاری یکی از فرزندان شریف ایران چه پاداش معنوی شایسته ای داده است.

بدینسان در این کتاب آن اصولی که کامبخش نگاشته و تا دوران دادرسی بر او رهبران حزب را در بر میگردد چاپ میشود. سپس بدین کتاب ضمیمه ای افزوده ایم. ضمیمه مقالاتی است که کامبخش در باره تاریخ حزب طبقه کارگر در موارد مختلف در مجلس "مسائل حزبی" و "دنیای" نگاشته یا سخنرانی او بمناسبت ۵۰ سالگی حزب کمونیست ایران است که چاپ نشده.

- ۱ -

بود. این مقالات ضمیمه با آنکه از سویی برخی مطالب متن را تکرار میکنند، ولی از سوی دیگر متضمن بسیاری مطالب ناگفته است و از آنجاکه این نوشته ها متعلق به کامبخش یعنی متعلق به برکاترین مورخ جنبش کارگری ایران است، ارزشی انکار ناپذیر دارد.

آنچه که شعبه تبلیغات حزب قصد دارد در آینده انجام دهد تا از ارزشی معنوی کامبخش استفاده می درخورد شده باشد و اقدام نهیمن است:

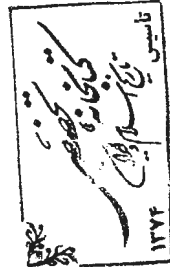
۱) کامبخش از خود آرشیو نسبتاً غنی باقی گذاشته متضمن مستخرجاتی جزیی، کپیها، اسناد چاپ شده، یادداشتها، کتب، رسالات و مطبوعات حزبی و غیره. ما از این آرشیو تمام آن اسنادی را که از جهت روشن کردن بخشی از تاریخ حزب سزاوار انتشار است درگنجا بکتابی چاپ میسرسانیم. آرشیو تدارک شده کامبخش نمودار کارفلسفی، پرسوچاس و از روی وجدان و فراوان رفیق نقد مادر را تدارک تاریخ حزب طبقه کارگری است.

۲) وظیفهی دومی که در برابر ماست ترجمه و چاپ دانشنامهی دکترای شادریان کامبخش است که تاریخ حزب را از دوران اختطاف تا سقوط حکومت ملی صدق در بر میگیرد. اگرچه ترجمه آن بزبان و قلم کامبخش نخواهد بود و ای چه بسا تا چهارم برخی از نقل قولها را بصورت ترجمه ارائه در هم ولی تصویب کنیم این ترجمه میتواند جلد دوم کتاب حاضر محسوب گردد. با انتشار آن آرشیو و این ترجمه هم وظیفهی اخلاقی ما را نسبت به آرشیوی معنوی کامبخش با پد انجام یافته شمرد و هم سرگذشت حزب طبقه کارگر در ایران در آن حد که عمری پژوهش مؤلف فقید است در دسترس عامه قرار خواهد گرفت.

اینکه پس از این معرفی کوتاه از کتاب، اندکی با شخصیت ممتاز مؤلف آن آشنا شویم.

۲- درباره زندگی مؤلف این کتاب

عبد الصمد کامبخش فرزند شاهرزاده کارمان میرزا عدل الطاف (عدل قاجار) در سال ۱۲۸۲ شمسی در شهر تهرین تولد یافت. در چهارده سالگی (سال ۱۳۱۵) برای تحصیل به روسیه اعزام شد و در آنجا در خانه یکی از دوستان پدرش میزیست و به تحصیل اشتغال داشت. آشنایی با زبان و ادبیات روسی از او آن کودکی کامبخش را به این زبان مسلط ساخته بود چنانکه آنرا همتای زبان مادری می دانست و بدین زبان با هرگی سخن میگفت و مسی نوشت. در سال ۱۲۹۸ کامبخش بار اول از روسیه با ایران بازگشت. در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۳ (۱۹۲۴-۱۹۲۵) کامبخش گام درجادی معالیهست سیاسی نهاد. عضو "جمعیت آزاد بخوانان تهرین" و "انجمن روش" شد (و خود از بنیاد گزاران جمعیت اخیر بود). در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) از طرف دولت ایران برای تحصیل مهندسی هواپیما به فرانسوا اعزام شد. وی بهنگام امتحان ورودی در دانشگاه شاگرد اول شد. در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) پس از احرارز مقام اول در امتحانات به مهن بازگشت. در ارتش پارتنی سخنان دومی ارتش وارد خدمت شد. با آنکه افسرجوانی بود بعلمت آنکه در وقت خود در ایران آنروز بکتابد اوا فرماندهی "مدرسه مکانیک" ارتش ایسران



گماشتند. فرماندهی مانورهای هوایی و بمبارانها و عملیات دگرهوایی بسا او بود. در همین سال ۱۳۱۱ با تمام سیاسی بازداشت شد. کمال و نسیم دزفغان در تیان بود. سپس از زندان آزاد و وزارتش اخراج شد. در سال ۱۳۱۳ از طرف "انترناسیونال سوم کمونیستی" (کمیتین) عهده داری تا سیس حزب کمونیست ایران که در سال ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ زیر رهبری پاپس متلاشی شده بود. به او اجازه شد. کامبخش به همراه رفیق شهید د کترتقی ارانی و رفیق شهید سرهنگ سیاطک این سازمان را احیا کرد. در اردیبهشت ۱۳۱۱ سازمان نین حزب کمونیست که بهمت فعالیت سازمانی کامبخش و کارمو شمر اید تولوئیک د کترتقی ارانی به کامبیبیهای نظنگیری رسیده بود، چنگه پاپس افتاد. ۳۵ تن از اعضا این سازمان بازداشت شدند ولی سیاطک از طمرف پاپس شناخته نند. در سال ۱۳۱۷ محاکمهی ۵۳ نفر در دادگاه جناحی شسی تبران تحت ریاست حسنتللی وحید انجام گرفت. کامبخش در این دادگاه به ده سال حبس محکوم گردید. در سال ۱۳۱۸ از زندان تبران بزنسد ان بوشهر تبعید شد و ۱۵ ماه در شرایط بسیار دشوار در این زندان بسر برد. تنها تصادف امرا از یک بیماری خطرناکه که در این زندان بدان د جسدسار شده بود نجات بخشید. در آبان ۱۳۲۰ در اثر اقدام رفقای که از زندان ن قهر آزاد شده و حزب توده ایران را بنیاد نهاده بودند از زندان بوشهرس آزاد گردید. در اسفند ۱۳۲۲ کامبخش از طرف اهالی قزوین بکالت دوری چهاردهم مجلس شورا انتخاب شد و در فروردین ۸ نفری حزب توده ایران در مجلس بکار پرداخت. در ۱۰ مرداد ۱۳۲۳ کامبخش در نخستین کنگره حزب توده ایران به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شد. در سال ۱۳۲۳ کامبخش که بهیسته با افسران آزاد پخواه تماس و آشنائی داشت موفق شد بکله سرهنگ شهید سیاطک و سروان شهید خسرو روزه "سازمان نظامی حزب توده ایران" را بوجود آورد. کامبخش تمام انرژی جوانی و ولایت سازماندهی خود را در راه ایجاد این سازمان صرف کرد و هسته نیرومند و درخورد اعتمادی پد یاد آورد که بعد هامنشا خدمات بزرگی بسسه حزب و جنبش شد.

فعالیت کامبخش در حزب، مجلس، جامعه کین بی پاپان ارجعاع و محافل امپالیستی رایسی و جلب نمود. محافل ارجعاعی علاقه ویژه ای داشتند که امرا بچنگه آورند و نابود کنند. پس از سرکوب جنبش د مکرانیک آذریا - چیران و کردستان کامبخش مورد تمقیب داعی محافل ارجعاعی بویژه رژیم آرا بیزرنگه وقت قرار گرفت. بدستور حزب در بهماه ۱۳۲۵ عازم مهاجرت شد. پنجم اردیبهشت ۱۳۲۷ در دوین کنگرهی حزب توده ایران کامبخش بسبب خدماتش بطور نمای بارز بکله به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب گردید. در ۲۱ بهرمه ۱۳۲۶ در چهارمین پلنوم کمیته مرکزی به عضویت هیئت اجرایی و دبیری حزب انتخاب شد و تا پاپان عمر در این سمت باقسی ماند. در سال ۱۳۳۸ تحصیلات خود را در آکاد می علوم اجتماعی وایسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی واقع در مسکو در رشته تاریخ نین

بپاپان رسانید و از رسالهی نامزدی علوم در بارسی تاریخ حزب توده ایران دفاع کرد. سابقانیز در ایام توقف اخیر خود در شوروی کامبخش کورن-مسنی را در رشته علم اقتصاد طی کرده بود. در پلنوم هم (فروردین ۱۳۴۱) کمیته مرکزی کامبخش را بعنوان یکی از اعضا "سه گانه" بپرویی موشت و پلنوم ۱۲ (خرداد ۱۳۴۷) بعنوان یکی از اعضا "هیئت اجرایی و هیئت دبیران کمیته مرکزی انتخاب کرد. در پلنوسهای ۱۳ و ۱۴ کمیته مرکزی در همین سمت ها باقی ماند. در آبان ماه ۱۳۵۰ (۱۰ نوامبر ۱۹۷۱) پس از ده سال بیماری دشوار (تنگ نفس و سکتی قلبی) در ۶۸ سالگی د وستان خود راترک گفت. تا "تیرصیق مرگ او در میان دوستان و نزد یگان و همعی اعضا" حزب محبیت کامبخش را پیش ازین اشکار ساخت. این محبیت ناشی از حبه محبت، پرکاری، فدکاری، ایمان سیاسی بود که در سرشت کامبخش جای داشت و حتی بدخواهانش قادر به انکار آنها نبودند. همانطور که در نامه ی کسی از احزاب برادر کشور های سوسیالیستی تصریح شده کامبخش از رجال مرشئاس جنبش کمونیستی و کارگری جهانی است. وی تمام عمر آگاهانه خود را صرف خدمت به کمونسم کرد و خود را د خود راد خود اعتماد طبقه کارگر نشان داد.

مخارج حیاتی، اطلاعات سیاسی و تشکیک کامبخش امرا برای نگارش برسی های د بارسی تاریخ حزب طبقه کارگر ایران کاملاً صالح میساخت. طبقی است نگارش این تاریخ کار بکنفرنست. کار پوزیش کامبخش بنویس خود یک کار بزرگ است و بعنوان مجموعی مقالات نشری باید. تاریخ حزب طبقه کارگر ایران باید با برسی کچی از ادراک و بشکل جمعی و در طول زمان فراهم آید. این وظیفه ایست میر و حیاتی. زیرا یکی از معایب مهم فعالیت انقلابی در ایران گسستگی داعی کار و عدم ادامه کاری در است. ای چه بسا مکر در مکر از زمینهای خالی کار آغاز شده و حال آنکه د بکران بسیار چیزها را تجربه کرده بودند.

هم سوسیال د مکراسی انقلابی هم حزب کمونیست ایران و هم حزب تسوده ایران و جنبش توده ای که با بختکار و رهبری این حزب پد آمده در ای کمیته ایستن و عجان بند. تجارب مثبت و منفی در این انبوه بسیار است که تسا امروز نیز جمع بندی و برسی نشد. حزب ما در این راه کامبشای سرداشته که باید آنها را کامبشای نخستین دانست. موفک این کتاب از روید دستل مشخصی موط به افراد تا آنجا که میسر بوده احتراز نرینده، زیرا تفاوت در این مسائل بویژه تفاوت در سیرطولاتی و بخریج اختلافات درین جنبی را در صلاحیت بررسیهای د قیفر و هیئت های صالح حزبی میسرد. و انضاف بدین این برسی درک بسر خطل نا کامبشای جنبش توده ای و حزب میسر نیست. اثر کتونی سرازغز نیکی است که قاعد تا آنرا نسل حاضر و آنسی د نهال خواهد کرد و عیار تلاشها و مقام زندهگان را چنانکه لازمی علمیت و عدالت انقلابی است برملا خواهد نمود.

کار کامبخش در زمینه تدارک تاریخ حزب طبقه کارگر در ایران جد پتسرن

و علمی ترین کار است که بشکل نمایی تاکنون انجام گرفته و گواه استوار اینست دعوی نیز ارسبو و سهمی است که کامبخش بعد از آن اصول کتاب حاضر را تهیه کرده و پایتزه سال اخیر زندگی را تماماً وقف آن نموده و در اینکار وسواس و وجدان و موع و انقلا بی را بهیوسته در پیش نظر داشته است.
جدا از این کتاب یاد قتی که سزنده هی آنست مورد مطالعه و استفساد می نسلهای نوبین انقلا بهین قرار گیرد.

۳- درباره‌ی شیوه‌ی بررسی تاریخ جنبش کارگری در ایران

بررسی تاریخ جنبش رهایی‌بخش ملی در درون آن جنبش کارگری در کشور ما تنها زمانی صحت، جامعیت و علمیت می‌یابد که مبتنی بر بررسی مشخصی و مستند ستره این جنبش باشد و حوادث محیط باین جنبش را، در خارج و حوالت همزمان جهان و ایران مطالعه کند. اگر کمترین بودن، مستند بودن مراعات نشود، اگر سیر حوادث جنبش رهایی‌بخش یا جنبش کارگری ایران در پیوند منطقی آن با حوادث جهان و ایران مورد مطالعه قرار گیرد، ناچار تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌ها با ذهنی و با مغشوط و مخدوش از آب در خواهد آمد.

از جنبش مشروطیت تا پانزدهم، غالب مبارزات سیاسی ام از آنکه متعلق بکدام طبقه بود، بی‌توجهی لبرال، دیکراتهای انقلا بی وابسته به خود، بهر روز شهر و ده، با انقلا بیون بر لثاری بطور اساسی با ناکامی روبرو شده، دارا نقائص سیاسی و علمی جدی بوده و در کنار همساری از مجاهدان که در راه خود قهرمانان جهان باخته‌اند، با پدیده‌های ناپذیری، ارتداد، تسلیم و خیانت بکرات بر می‌خوریم. راز این پدیده‌های ناپذیری، ارتداد، تسلیم نبودند، مختصات روحی مردم جست - بر عکس همه چیز گواه بر سطح بالای شجاعت و جسارت و آرماندوستی انقلا بی خلفهای کشور ما و عشق سزای آنها برای نیل به هدف است و راز آنرا باید در عدم لیاقت و پائین‌دردی این جد اگانه نیز جستجو نکرد. مسلم است که نقش رهبری و رهبران و مسئولیت آنان و تا مختصات اخلاقی، فکری و ارادی آنان در امر بهیچوجه کم نیست و نمیتواند نادیده گرفته شود. ولی این عامل را هم نمیتوان و نباید عامل قاطع دانست. عوامل عمده طبق توضیح ماتریالیستی تاریخ یک سلسله عوامل عینی است مانند مختصات تاریخی تکامل جامعه ما در سده‌های اخیر، نقش امپریالیسم و عمال آن، ترکیب طبقاتی جامعه ایران، ضعف طبقاتی کارگر، سطح نازل مدنی و فرهنگی جامعه و غیره.

جامعه‌ی معاصر ایران بسرعت تحول می‌یابد: طبقاتی کارگر پرده و پرست می‌شود، سطح مدنی و فرهنگی تکامل می‌یابد، تا تیرت‌های اورامپریالیسم پیش ازینش با مطالبی آگاهانه‌ی وجدان اجتماعی - سیاسی جامعه روبرو میگردد. در یک کلمه محمل‌های پدایش تشکل انقلا بی و انضباط، اداسه کاری، بگیری، باید اری، تحلیل درست وضع، یافتن وسائل مؤثر بیکار،

یافتن شمارهای درست مبارزه و غیره و غیره مبدم آماده تر میگردد. در این شرایط بررسی تاریخ گذشته اهمیت شکر کسب میکند. ما این تاریخ را مطالعه نمی‌کنیم که تنها قهرمانان را بستانیم و خائشان و مرتدان و پسا را ن نه راه را بکنیم. این امری احساسی و تاجدی، علمبرم ضرورت آن، فرعی است. ما این تاریخ را مطالعه میکنیم برای آنکه از آن عبرت اند و بی‌کنیم. باید دلائل مطلقیت‌ها و شکست‌ها یادفت بررسی شود و روشن گردد تا معلوم شود از چه باید احتراز کرد، به چه چیز باید توجه داشت. در اثر کثرتی مو لطف آن کوشیده است تا این اسلوب را مراعات کند و تاریخ را به در ستانم و اندرز نامهی انقلا بی بدل سازد.

توجه به تاریخ جنبش رهایی‌بخش و انقلا بی در این اواخر زیاد شده است. غیر از حزب ما، سازمانها و تنگ‌های نشریات دیگر دست به انتشار اسناد و تحلیل‌های تازه اند. نقل مقدم حزب مادر این زمینه روشن است و لسی نمیتوان از این توجه محسوس شادمان نبود. تاریخ کشور ما تاریخ شاهان نیست، تاریخ مبارزه‌ی طبقاتی است. طبقین معاصر مارکسیست‌ها نقش شکر لسی در این مبارزه‌ی طبقاتی داشته‌اند که بدین روشن کردن آن، روشن کردن تاریخ معاصر همسر نیست. این نقش، بدین ادنی‌ترید، در آینده به مراتب شکر فراز گذشته خواهد بود. لذا هر تلاشی در این زمینه درست در ست مشکوره است.

نکته دیگری که خواستاریم تصریح کنیم آنست که تاریخ حزب مادر ایران با تاریخ جنبش تجد ملی در ایران بعنوان دو مقوله عام و خاص. با هم تفاوت دارند. حزب ماتریالیستی جنبش توده‌ای و سهمی بود، بهرکت حزب: اتحاد به‌های کارگری و دهقانی، سازمانهای زنان و جوانان و انواع جنبه‌ها و جمعیت - های دیگر ملنی پدیده شده که در هیا و صد ها هزار نفر امتشکل ساخته است. این جنبش توده‌ای از جهت دامنه و فراگیری آن از حزب توده ایران بسی وسیع‌تر است. کتاب حاضر بطور اساسی به تاریخ حزب پرداخته و یاد کرد از جنبش توده‌ای در آن (جز در برخی مطالب ضمیمه متن) برجست ضرورت انجام گرفته است. لازم است که تاریخ اتحاد به‌های کارگری، دهقان، سازمانهای جوانان، زنان، سازمانهای مترقی فرهنگی غیره که طی بهیاز نیم سده اخیر در ایران از طرف حزب طبقه‌ی کارگر ایجاد شده است نیز تنظیم گردد. در اینصورت دامنه‌ی کوشش و اثر بخشی این حزب به مراتب روشن تر میشود. در همین زمینه باید به تنظیم تاریخ طبقات کارگری نیز که داستانی طولانی و شکر و پر افتخار دارد توجه جداگانه‌ای محفوظ داشت بجای بحثهای منتهی سزا انجام در باره‌ی آنکه حزب طبقه‌ی کارگر در ایران از کی شرح شده و با بجای برخورد های ذهنی به پدیده‌های اجتماعی و محکم کردن اجباری حزب توده ایران بضرر سبک‌های دست چین شده به "خرده بورژوا" بودن بهیواسه تا تاریخ خونین و پر افتخار جنبش کارگری در ایران که روح صحرک آن مارکسیست‌ها بود. اند بر خودی جدی و احترام آمیز شود. روشن است که حزب و سازمانهای طبقه‌ی کارگر در

کشورهای آسیایی، عقب مانده، کم رشد مانند ایران میبایست راه دراز تکامل ارگانیک را طی کنند. روشن است که این احزاب در مراحل مختلف زندگی خود از جهت شعارها و شیوهی مبارزه و عمل پیوسته در سطح و اوج لازم پسک حزب مارکسیستی - لنینیستی طراز نوین نبوده اند. این مشکلات و نقایص هرگز جنبش انقلابی در کشور ما نیست. ولی قلب ماهیت احزابی که با پیگیری در کنار جنبش انقلابی جهانی ایستادند و با پیگیری از کارگر و دهقان دفاع کرده اند و امپریالیسم و ارجاع را افشا نموده اند و با تلاش صادقانه مارکسیسم - لنینیسم را اشاعه داده اند گامی است ناریا و پیش از ناریا. ما با اطمینان و عنایت این افتخارآمیز حزب طبیفی کارگر و جنبش کارگری را برای سازمانهای سوسیال دمکراسی، کمونیستی و توده ای حفظ می کنیم و شمدیه بافاکت ها، دلیل تراشیهایی سلسطه آمیز ما را از این نام گذاری عماد لانه روگردان نخواهد ساخت.

در بررسی تاریخ حزب طبیفی کارگر نه فقط بسا پند به انحرافات و اشتباهاتی که در جریان مبارزه خارجی حزب (مبارزه با دشمنان طبقاتی) روی داده توجه داشت، بلکه باید به ناهنجاریها و کژ رویهایی که در مبارزه داخلی حزب (مبارزه با حاسمالان نظر بات خطا) روی داده توجه نمود. پدیدهی غم انگیز آنست که نه فقط در عرصه پیشین (یعنی مبارزه اجتماعی) بلکه در این عرصه نیز احزاب کارگری در کشور ما دچار مشکلات بزرگی شده اند. روشن است که مبارزات داخلی حزبی امری است ضروری. این مبارزه ایست بین اندیشه ها و روشهای درست، اصولی، انقلابی، و حامیان آن با اندیشه ها و روشهای نادرست، غیر اصولی، منحرف، و حامیان آن. ولی این مبارزه ایست که باید بقصد تحکیم بیشتر وحدت حزب، و حفظ و فقط در چارچوب موازین سازمانی و یکلی مبری از محاسبات شخصی و گروهی انجام گیرد. ولی بررسی تاریخ حزب طبیفی کارگر در ایران و در کشورهای نظیر ما گاه منظره ای دیگر را نشان میدهد. ذهنیگری و گروهیگری و محاسبات شخصی اینجا و آنجا در مبارزات درون حزبی راه می یابد و آنرا ناهنجاری، مغرب و ضرر میزند و در نتیجه وحدت درون حزبی را بپلک و وارفته و شکننده میکند. این درسی است عظیم که باید از گذشته گرفته شود. تا زمانیکه مبارزات برین حزبی مبتنی بر اصولیت انقلابی همراه با نرمش واقع گرایانه نباشد، تا زمانیکه مبارزات درون حزبی مبتنی بر مفادات اکید موازین سازمانی و حفظ وحدت نشود، ایجاد پسک ستاد محکم انقلابی، تسامین وحدت اراده و عمل، و لیسدا اجزاز بیسروزی در نبرد دشوار با دشمنان ماهر و محیلی ما نیستند امپریالیسم و ارجاع شدن نیست.

چنانکه یاد کردیم مؤلف تقلید این اثر در داستان پر پیچ و خم مبارزات درون حزب ما تنها در مبارزی که ایمن مبارزات محسوب

شکنجی را برای حزب بهسار آورده (مثلا به انشعاب منجر شده است) ورود کرده است. در واقع تفاوت در این عرصه هتکامی عاد لانه خواهد بود که انوهی استاد مربوط به همه دوران حزب طبیفی کارگر ایران مطالعه شود و کسانی که از شهرهای تنگه نظرانه ی مبارزات درین حزبی این سه درون فارغند، بتوانند حکم علمی و اصولی خود را با توجه به شرائط عیبی تکامل نهضت صادر کنند.

احسان طبری



سوسیال دمکراسی انقلابی ایران

(تشکیل، فعالیت و نقش آن در انقلاب مشروطیت)

تاریخ سوسیال دمکراسی ایران هنوز محتاج به کاوش‌های بسیار است. آنچه در باره‌ی او بداند سوسیال دمکراسی و چگونگی سازمان‌های اولیه‌ی آن گفته و نوشته شده است تحقیقاتی است مدتی و در بسیاری از موارد قابل تردید.

مسلم اینست که سوسیال دمکراتها در ایران از همان آغاز سده بیست در فعالیت بوده‌اند و این فعالیت همواره در ارتباط نزدیکه با سوسیال دمکراتهای انقلابی (بلشویک) روس و مسکوا^۱ قفقاز بوده است.

از جمله فعالیت‌های بنیانی سوسیال دمکراتهای ایران رساندن مطبوعات مخفی بلشویک‌ها و روزنامه‌ی مخفی "ایسکرا" (جرقه) ارگان حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه از اروپا (برلن - وین - تیبری) به پاکو است که تحت نظر شخصی لنین و همسرش کریستکا با انجام میگرفته است. چنانکه در نامه‌ای که کریستکا در ماه مه ۱۹۰۶ از صیبا به متصدی این کاردر حاجی طرخان (هشترخان) نوشته است گفته میشود:

"از طریق ایران چهار بسته فرستاده شد ۳۰۰ چگونگی اطلاع بد، سرعت حمل مطبوعات تاچه‌اندازه است؟ دانستن این موضوع اهمیت دارد تا بدانهم آیا این راه برای ارسال شماره‌های "ایسکرا" هم بدرخواست ما اینکه تنها میتوان جزوالت را از این راه حمل نمود؟ (منظور راه تیبری است و از این نوشته بداند که تا آنموقع جزوالتی حمل شده بود) است و در صد بوده‌اند روزنامه‌ی "ایسکرا" را هم از این راه بفرستد."

و نیز لنین در پاسخ گالپین - ناپند می‌روزنامه‌ی "ایسکرا" در پاکو که دیررسدن مطبوعات ارسالی براد لیل نامناسب بودن این راه میدانست شخصاً بنویسد:

مدت زیادی نیست که ما از وین به ایران (مطبوعات) ارسال داشته‌ایم و اظهار نظر در این باره بجولانه خواهد بود. چه بسا که موفقیت داشته باشیم. صاحب آدرسی رادشهر تیبری مطلع سازید که باید کتابهای دریافت کند و رسید آنها را اطلاع دهد."

در باره‌ی پایه‌گذاران سوسیال دمکراسی در ایران تاریخ نویسان بطور عده متحد القولند و آن اینکه نخستین آهنگران افکار و تشکیل دهندگان گروههای سوسیال دمکراسی ایرانیان بوده‌اند که در ماه قفقاز در کنار سوسیال دمکراتهای روس مبارزه کرده و تجربه‌اندوخته‌اند، بهرچه ایرانیانی که برای کارهای فنی و موسیقی و بانسنت دراز مدت به ماوراء قفقاز و آسیای میانه و بیض ازهمه برای کار در صنایع نفت به باکو رفت و آمد میکردند.

فردی روستا و هوشنگی کسیمی شهری در نتیجه‌ی رقابت خارجی، عده‌ی زیادی از مردم ایران

را برای تلاش معانی آواره میخواست. قسمت اعظم آنها به مراکز صنعتی روسیه تزاری روی می‌آوردند. مهمترین این مراکز میدان نفت باکو بود.

کار در میان کارگران هندی، تاسی با انقلابین روس و ماوراء قفقاز، حرکت در صبا رزات و اعصاب، سطح آگاهی آنان را بالا میبرد و خود آنها را آماده مبارزه در کشورهای و انتقال جمعی می‌بست آمد و مقابله خود به دیگران مینمود.

برای آنکه مطالب این ادورف هابتر معلوم شود کافی است گفته شود که مثلاً عده‌ی افرادی که در سال ۱۹۱۱ از مرزهای ایران خارج شده‌اند بیش از ۱۹۰ هزار و مراجعت کنندگان اندکی بهرآز ۱۶۰ هزار نفر و در سال ۱۹۱۳ ترتیب در حدود ۸۴ و ۶۶ هزار نفر بوده‌اند. اینها ارقام رسمی است که از دفتر کارگزاری‌های مربوطه (نمایندگیهای وزارت امور خارجه در پایتخت) استخراج شده و حاصل آنکه از هر هزار نفر غیر رسمی میتوان گفت که سالانه در حدود ۳۰۰ هزار نفر از نقاط مختلف ایران (آذربایجان، گیلان و خراسان) به روسیه برای کار میرفته‌اند.

در حدود پنج درصد جمیع کارگران موسسات ماوراء قفقاز و ۵۰ درصد کارگران نفت باکورا ایرانیان تشکیل میدادند که در کلیه جنبشهای کارگری این نواحی شرکت فعال داشتند. از میان آنهاست که اشخاصی نظیر رحید رضوی و رهبر آید می‌حزب کمونیست ایران بهرین آمده‌اند.

سوسیال دمکراتهای بلشویک بخصوص بلشویکهای قفقاز به این کارگران جمعی می‌آمیختند، به آنها برای مبارزه در پیشانیان الهام می‌بخشیدند و آنها را به افکار انقلابی مجهز می‌نمودند. در راستای انقلاب مشروطیت ایران رتبه‌اشخاصهای عظیمی که در بنگاههای صنعتی نفت باکو و در واحدهای نفتی دست جمعی، عده زیادی از کارگران ایرانی جمعی به ترک کار و مراجعت با ایران شدند. در بهار جلیل محمد قلی‌زاده - مدبر جلال ملانصرالدین - که بعد هاد را بران شهرت می‌سزاید ست آورد - به این کارگران چنین میخوانیم:

"پس آزادند به میهنشان مردم برهنه، گرسنه و مستکف نظیر خودتان را رسرد آهید، به آنها مرده دهید که طبعی کارگر روسیه بهاخته است. به همسپری‌های کارگر بکشید که رفتاری روس به آنها درود میفرستد، به آنها اطمینان دهد که اگر راه رفتاری اینجا را پیش گیرند و بخواهند از بیخ استبداد رهاش بایند، اگر خواسته باشند حقوق انسانی خود را بنگاه آورند و نفسی به آزادی بکشند، آنگاه است که رفتاری روسیه پرچم خود را بهاد کار به آنها خواهند سپرد. بگذار مردم تحقیر شده و فقر زده‌ی کارگر شمار ما را روی آن پرچم بخوابند. زمین متعلق به زمین متعلق به خود بگذار بخوابند و متحد شوند."

عده‌ی زیادی از این کارگران در انقلاب مشروطیت ایران که نخستین انعکاس انقلاب روسیه در رخا بود شرکت فعال جستند.

انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۰۵-۱۹۱۱) یکی از حوادث مهم جهانی زمان خود بشمار می‌آید. این انقلاب در اوایل قرن بیستم آغاز شد یعنی هنگامیکه سرمایه داری جهانی با عرصه‌ی نوین خود امپریالیسم گذاشت. جهان میان دول بزرگ و باجبارت در تقابل انحصارهای سرمایه داری تقسیم شده بود. ایران از جمله طمعه‌های باقی‌مانده‌ای بود که، بر حسب موقعیت جغرافیائی خود، میبایستی با درکنام امپریالیسم انگلیسی فرهود یا بتصرف روسیه تزاری درآید و یا بین این دو تقسیم گردد. منافسات مسلط فئودالیستی به رژیم سلطنت استبدادی راه رشد را بر بوی زوی جوان بسته بود. ضرات سرمایه

ارچی برای بهرژواری ملی و خرد و بهرژواری شهر خرد کنند بود. تجدی دهقانی زیر فشار استعمار
شبهه و فقر لاکتیکار برسربرد. تضاد های اجتماعی به منتهای حد ت خود رسیده بود.

در این شرایط و با پیچیدگی در جهان رخ داد که باعث تقویت روحیه انقلابی در ایران شد: ناگامی -
ای انگلیسی در جنگ با پرفرها ، شکست روسیه ی تزاری از ژاپن و از همه مهمتر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه .
• انقلاب روسیه آن تکان نیروی بود که موجب انفجار بلا فاصله انقلاب در ایران گشت .
• و بدو امر بهرژواری در روسیه انقلاب بفرار گرفت . طبقات در پیکر نیز خواستی از خود ابراز نمیداشتند .
• روابط خلقی برای گرفتن مواضع اولیه از استبداد بد نبال بهرژواری رفت . ولی غریزه از همان روز اول به
بهرژواری حکم میکرد که نتند نهد . جنبه دوگانه ی بهرژواری خود را ناپایان میساخت . به نسبت بسط انقلاب
بهرژواری راه طب نشینی را آماده نمود . ولی نیروی مردم این راه را بست . اواخر سال ۱۹۰۶ و اوائل
سال ۱۹۰۷ رامیتوان برافراز مرحله ی نوینی در انقلاب شروطیت شرد . در نقاط مختلف طبقات
بدانگامی مردم با خواستهای خود بحر صصی مبارزه وارد میشوند . در بسیاری از نقاط آذربایجان و گیلان
هفانان از یزید اخت بهرهی مالکانه خود داری کردند ، خواستار تقسیم زمین شدند . خرد و بهرژواری شهر
د نبال جناح اعتدالی بهرژواری طب گرد نکرد . در پیکرشته از پیکرتهای کوچک موجود کارگران دست به
تصاب زدند . مبارزه وارد مرحله ی عالی خود گشت و شکل مسلحانه ی خود گرفت که بهترین نمونه ی آن
قاع قهرمانانیه تریز و لشکر کفی انقلابی گیلان به پایتخت است .

انقلاب شروطیت ایران یکی از طولانی ترین مبارزات مسلحانه ی زمان خود بود . این انقلاب ب
جزرای نقشه های د ول امپریالیستی را (با آنکه در سال ۱۹۰۷ روسیه ی تزاری و انگلستان رسماً ایران
این خود تسلیم کردند) تا آستانه ی جنگ بین المللی کشاند و هنوز جنگ پایان نیافته بود که انقلاب
نیروسوسیالیستی اکثر این نقشه هارا در هم ریخت .

لنین با توجه خاصی که به جنبش رهائی بخش ایران - این همسایه ی بلکسل روسیه - داشت
طی مقاله ی " مواد انفجاری در سیاست جهانی " در باره ی انقلاب ایران چنین مینویسد :

" وضع انقلابیون ایران در کشی که از یک طرف اروپایان هند و از سوی دیگر حکومت
اربعامپریوس در طرف تقسیم آند ، پس دشوار است . ولی مبارزه ی سر سخت تریز
کامیابیهایی حکرتظامی انقلابیون ، که بنظر میسید درهم شکسته اند ، نسیسان
میدهد که سردمداران شاه حتی با گرفتن کمک از لیاخوف های روس و پهلانتهای
انگلیسی نیز باشد بدترین طاووت های تودهی مردم رویهستند " چنین جنبش
انقلابی که میباید به کوشندگان بازگشت به دوران گذشته اسلحه بدست پاسخ
دندان شکن بدهد و قهرمانان چنین کوشش هائی را چه به درخواست کمک
از خارج بکنند ، محوشدنی نیست و حتی بهرژواری کامل ارجاع ایران در این شرایط
تنها میباید آستانه ی هجانهای نوین تودهی ای بشود . "

صحت این پیشگویی لنین را انقلاب بهای بعدی آذربایجان ، گیلان ، خراسان به ثبوت رسانید .
در باره ی اهمیت و عظمت انقلاب شروطیت ایران و مبارزه ی مسلحانه ای که در شمال انجام شد مطالب
بسیاری نوشته شده که یکی از آنها را برای نمونه ذکر میکنم .

پاولوچ از تاریخ نویسان انقلابی روس انقلاب با ایران را چنین وصف میکند :
" میان کشورهای آسیائی ، ایران نخستین کشی است که صلاهی جنگ راهلیسه
استبداد شاهان خود ، علیه زورگوشی د منقاعی حکومتهای اروپائی ، که پشت
سراپها ایستاده اند ، در داد . ایران بیختر کوچک آسیای بد ارشد است . "

ولی بهشتازی است جسور که تادل اردگاه خصم فاخته و با وجود کوچکی خود هرگز
دردل دشمن انگند است ، زیرا از بس آن هندی ۲۰۰ مایوی و سپه سپس
۴۰۰ مایوی در حرکت است ."

ناصر پلرتی و سوسال د مکرکات بهرژو در مرحله ی دوم انقلاب ایران - مرحله ای که انقلاب ب
د رآذربایجان و گیلان جنبه ی مکرکاتیک وسیعتری بخود گرفت - نقش سازمان دهندند و
تجهیز کنند هی مهم و موثری ایفا کردند و با بهترین بگویم بهمت آنها بود که در این نواحی انقلاب مجدداً
اوج گرفت و به مرحله ی عالی خود - قیام مسلحانه رسید .

علاوه بر سوسال د مکرکاتهای ایرانی هی قابل توجهی از سوسال د مکرکاتهای بلشویک قفقاز
نیز در بهموجهی انقلاب مشروطیت به ایران شناختند . از آن گذشته انقلابیون ایران از تکهای فلسی
سوسال د مکرکاتهای روس نیز بهره مند بودند .

در تاریخ ۲ شهری ۱۹۰۷ کارتهک سفیر روس در ایران به وزارت خارجه ی روسیه چنین سسسن
گزارش میدهد :

" رابطه ی انقلابیون ایران چیزی نواحی مرزی (گیلان و آذربایجان) با کمپته های
قفقاز بدون شك برقرار است . شناخته های فراوانی که در اینجا با شمار هاد هاد
آزادی ، مساوت " منتشر میشود در چاپخانه ی انقلابی شهر با طوم طبع میشود "

در یادداشت های جرجیل مترجم سفارت انگلیس که به گیلان سفر کرده بود چنین مینویسند :

" برای من کاملاً آشکار گشت که جنبش رشت در قفقاز طرحی تری کرد بد و بدست
یک سته قفقازیان صص که عدی آنها از ۵۰ تن بهی نبوده اجرا کرد بد و طی
شش هفته ای که از هفتم فیه گذشته است برتمداد این افراد افزید ه فسد و
بطی که به من گفته شد ه هی آنها اکنون به ۲۵۰ تن بالغ است "

مرحوم کسروی در باره ی نقش سوسال د مکرکاتهای مبارزه ی تریز مینویسد :

" رشته ی کارها در دست آنان میود . . . آنان نیک میدانستند که خود کاکگی از
میان نرفته و تنها نام شروطیت نتیجه ای در بر نخواهد داشت و باید نیرو بسجید
و برای تیرد آماده کرد بد . نیک میدانستند که اگر مردم را بخود رها کنند کم سست
گرد بد و از جوش فروخواهند نشست . . . " (۱)

ن ک . . . به لولا تاریخ نویس شهری نقش بخصوص بزرگی برای سوسال د مکرکات در تاریخ
انقلاب ایران قائل است . وی به طالی از گزارش گارت ویک سفیر روسیه ی تزاری که مجری باجنیسی ی
سیاست استعماری تزاری در ایران بوده است اشاره میکند که گفته است با وجود تعادل شاه و عد ه ای از
وزرا و رجال و مطبوعات هنوز کامی هم در تصویب طرح ایجاد مجلس منابرداشته نشده است . گارت
ویک اضافه میکند :

" این نکته در لیل واضحی تریو و نفوذ جمعیت های انقلابی است . این جمعیتها
بخوی درک میکنند مجلس سناکه کنسروا نیتر است میتواند تریزی در راه اجرا هاد ف
های جنایت بارانان یافد . . . " (۲)

(۱) کسروی - تاریخ شروطیت ایران ، چاپ چهارم صص ۱۷۰-۱۷۱
(۲) ن ک . . . به لولا مقاله در باره سوسال د مکرکاتهای ایرانی در مجموعه مسائل تاریخ واد بهات کشورهای
خارجی خاور از انتشارات دانشگاه مسکو ۱۹۲۰

این نکات در باره فعالیت سوسیال د مکرسی از منابع مختلف ذکر شد تا اثرها از گتعی خسود سوسیال د مکرسیها شدی و باور هم حمل بر فو از جانب آنها نشود. د ز بهامی که هنگام انقلاب با مضا " حزب سوسیال د مکرسی ایران " خطاب به مردم کشور صادر شد، گفته میشود :

" سوسیال د مکرسی ایران بود که مشروطیت را گرفت و دفاع تیریز را سازمان داد و در آن هنگام که استبداد خود را در همه جا پیروز مند میداشت و در صوف آزاد ی جوانان ایران بائ و نا امید ی حکمفرما بود لشکرش شهران را تسبیح د بد "

این پیام مربوط به زمانی است که دخالت بیوهای اجنبی خطر جدی برای سرنویت انقلاب و استقلال کشور فراهم ساخته بود. حزب سوسیال د مکرسی " مردم صادقی و با شهاست راد عوت میکند که زیر پرچم وی گرد آیند ، حکومت منفر را سرنگون کنند و کشور را از دستم خارجی که مینماید آخرین آثار آزادی را ، که با آنچه مشتق بدست آمده ، از بین ببرد نجات دهد. " (۱)

* * * *

" شاید هی سازمان سوسیال د مکرسی ایران به اجتماعین عامین بدست حد میت " همت " ریخته شد. این جمعیت در سال ۱۹۰۴ (یکسال پیش از آغاز انقلاب مشروطیت ایران) از طرف سوسیال د مکرسی های باکو برای تار د زمان ایرانی تشکیل گردید و دفاعی واسط میان کارگران پیروز کسان کارکنان ایران و حزب سوسیال د مکرسی تارگری (بلشویک) روس بود.

مرحوم کسروی نیز معتقد است و در تاریخ مشروطیت خود میگوید که " اجتماعین عامین " پاسال قبل از انقلاب ایران در باکو تشکیل شد و رهبران نریمان نریمانوف بود. است (نریمان نریمانوف کتاب آثار بسیاری از وقایع تاریخ ایران ، از جمله بیس های تاریخی " ذابو آهنگر " ، " نادر شاه انشا " ، " آقا محمد خان قاجار " و غیره میاشد) .

این جمعیت بلافاصله به ایجاد سازمانهایی در ایران دست زد . از جمله است گروه سوسیال د مکرسی که بدست حد ریمو و کلی در تهران تشکیل گردید. گارت ویک سفیر تزاری در ایران در همان موقع اطلاع داده است که کمیته های انقلابی که در ایران تشکیل میشوند بدستور ایرانیان جوانی میچرخند که از خارج می آیند و از تقاید سوسیالیستی مسوم شد ، اند ."

اینکه از همان اوایل انقلاب جمعیت و با گروههایی در ایران بنام " اجتماعین عامین " - سوسیال د مکرسی وجود داشته و فعالیت میکرد ، اند مورد تردید نیست .

سیرا محمد علی خان تربیت که در واقع شاهد عینی است ، به کتاب " ورقی از تاریخ مطبوعات ایرانی و فارسی خود که اند وارد بر این آرایه انگلیسی ترجمه کرد و به پوست جلد دوم " تاریخ مطبوعات ادبیات ایران در دوره مشروطیت " خود نموده است ، دریاچه ای نوشته و در پایان آن زیر عنوان " تاریخچه پیدایش احزاب " چنین می نویسد :

" لازم است دقت خوانندگان را بیک نکته کوچک شایان توجهی جلب نمائیم و آن اینکه از باب سیاسی رسمی از قبیل د مکرسی ، اتحاد و ترقی ، اعتدالین و غیره هم فقط از دوره ، دوم مشروطیت ، بدیدار گشته سایر این انتساب روزنامه و پیش از دوره مذکور یکی از احزاب ناصواب خواهد بود . در دوره اول مشروطیت

(۱) پانویچ وایرانسکی - مقاله ۵ - ایران در سارز به برای استقلال " فصلی از کتاب " تاریخ مختصر کتاب انقلاب ایران " سال ۱۹۲۰

یگانه حزب متشکل سوسیال - د مکرسی (اجتماعین عامین) بود ، و " مجاهدان ارگان مطبوعاتی آن در تبریز انتشار داشت " (۱)

در قلمنامه ی پراگ (۱۹۱۲) حزب سوسیال د مکرسی تارگری روس که " در باره ی جلسه ی حکومت تزاری به ایران " صادر شد ، به تصریح از سوسیال د مکرسی های ایران نام برده شده است . م . س . ایوانف ، با استفاده از آرشیو تزاری ، به گزارش سفارت روس مقیم تهران حاوی شرح وقایع ۱۵ روزی ژوئن - ژوئیه ۱۹۰۷ اشاره نموده است . در این گزارش گفته میشود که در تیز سوسیال د مکرسی های ایران فعالیت است ، برای خود نواید ی تنظیم نموده که ظاهرا سازمان های انقلابی روس اخذ شده است . در آن تیز نیز سازمان سوسیال د مکرسی وجود دارد که کارکنان ی به انجمن های محلی وارد میکند. (۲)

از اینها گذشته در آرشیوهای تزاری اسناد مشخصی بدست آمده که جای تردید در این مسئله باقی نمیگذارد .

این نکته نیز محرز است که این جمعیت و یا حداقل گروهی از آن تا پایان انقلاب وجود داشته و فعالیت می نموده است ، زیرا بهامی ، با مضا " کمیته مرکزی حزب سوسیال د مکرسی ایران در ماه سپتامبر ۱۹۱۱ سوسیال د مکرسی " منظمه ی پاریس بدیده میشود . در این پیام ده مخاطب آن برلانی های سوسیالیستی و کارکنان جهاز میباشند ، تقاضا شده است که صدای خود را برای دفاع از آزادی ایران بلند کنند و گفته میشود که قطعنامه ی دفرانس پراگ حزب سوسیال د مکرسی تارگری روس پاسخی به این پیام است .

* * *

بنابراین آنچه گفته شد وجود حزب و با گروههای سوسیال د مکرسی از همان بد انقلاب مشروطیت جای تردید ی باقی نمیگذارد . ولی نکات زیر نیز احتیاج به تحقیق و روشن شدن دارد :

- (۱) آیا حزب واحدی وجود داشته که از یک مرکز اداره میشده است یا گروهها و محافل متعدد ی مستقل بنام سوسیال د مکرسی و با اجتماعین عامین فعالیت میدیدند ؟
- (۲) برخی از اسناد که ظاهرا مربوط به جمعیت میباشند بنام " اجتماعین عامین " و با سوسیال د مکرسی و برخی دیگر بنام جمعیت " مجاهدان " انتشار یافته است این اسباب را بوجود می آورند که آیا این دو یک جمعیت واحد و یا دو جمعیت جداگانه بوده اند ؟

در مورد مسئله دوم میتوان دو نظر ابراز داشت :

- (۱) حزب سوسیال د مکرسی و یا " اجتماعین عامین " دو جمعیت جداگانه بوده اند ،
- (۲) این هر دو یک جمعیتند منتهی جمعیت مجاهدان و سیمتر و یک جمعیت بود . اینست که سوسیال د مکرسیها هسته ی رهبری کنند می آن بوده اند .

بنظر ما نظردوم بیشتر مفرن به حقیقت است منتهی با اضافه کردن این نکته که علاوه بر حزب سوسیال د مکرسی گروه های جداگانه ای هم وجود داشته اند که خود را سوسیال د مکرسی نامیده ، ولی با

(۱) جلد دوم " تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت " تألیف پروفسور وارد بر این - ترجمه و تحشیه و تعلیقات تاریخی واد بی یقلم - محمد عباسی - چاپ تهران صفحی ۱۱۱ (۲) م . س . ایوانف " انقلاب ایران " صفحی ۱۴۳

یکدیگر در ارتباط نبوده اند.

برای روشن شدن این موضوع به اسناد مراجعه میکنیم .
یکی از اسنادی که موجب طرح مسئله شده است شماره ۱۱ است که کاتر ونگه سفیر روسیه تزاری به پیوست گزارشی شماره ۳۴ خود در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۹۰۷ برای دولت متبوع خود ارسال داشته است و م . س . ا . پاولف در کتاب "انقلاب ایران" (صفحه ۱۴۳) به آن اشاره میکند. این شماره باضا "کمیته مرکزی حزب "اجتماعیون عامین" باذکرکلمه "جهاهدان" بین دو هلال است که نشان میدهد منظور از هر دو اینها یک جمعیت بوده است. روی مهران که دو پرچم متقاطع میباشد کلمات "عدالت" و "حریت" و " مساوات" نوشته شده است.

مرحوم کسروی در تاریخ مشروطه ی ایران چاپ چهارم صفحه ۱۷ مینویسد :

"در این میان کسانی از سران کوشندگان شادروانان علی مصوو و حاجی رسول صدقیانی و حاجی علی دافرووش ۰۰۰ یک نشست نهانی بنام "مرکز غیبی" برپا کرده و پیشه کار ارجدارتر د پگری میکوشیدند و آن اینکه دسته ای بنام "جهاهدان" پدید آورند."

از آنجا که ، چنانکه از همی قرائن برمی آید ، تشکیل دهندگان "مرکز غیبی" همان سوسیال دمکراتهای ایرانی بوده اند ، این نظریه باید میشود که این هسته در صد بوجود آوردن جمعیت عمومی برای سازمان دادن مبارزتی مسلحانه برآمدند .

و نیز مرحوم کسروی در همان کتاب (صفحه ۳۹۱) پس از شرح تشکیل جمعیت "اجتماعیون عامین" به رهبری نریمان نیرمانوف ، که در بالا ذکر کردیم ، اضافه مینماید :

"سپس چون در ایران جنبش مشروطه برخاست در نیز شادروانان علی نسبو و حاجی علی دافرووش و حاجی رسول صدقیانی و دیگران همان "مراتمه" را بسه زبان فارسی ترجمه و دستخ "جهاهدان" را پدید آوردند و خود پله انجمنس نهانی بنام "مرکز غیبی" برپا کردند که رشتگی کارهای دسته را در دست میداشتند آنرا راه میرد."

در اینجا بدینک مطلب با تصریح اد شده است .

اسناد دیگری هم از روشها پدید آمده و مورد اعتقاد می محققین ایران شناس فرارگرفته است که ما ، هم از نظر اهمیت کلی آن و هم از نظر اثبات مسائل مطرحه در بالا بطور نسبتاً محصلتری از آن صحبت خواهیم کرد .

مراتمه و اساتمه ای بنام "جمعیت جهاهدان" در سال ۱۹۰۷ در شهر مشهد بتصویب رسید . است که ترجمه روسی آن در مجله "کراسنی آرخبو" شهریور طبع رسیده و در همین حال شرح مختصر آن نیز در کتاب م . س . ا . پاولف انعکاس یافته است . در هفت ماهی اساتمه گفته میشود :

"چون دستوره ای (داصل گفته شده است "تواعت" ولی بابه تعینت از مرحوم کسروی افراد دستوره ترجمه کردیم) که در وسایل پیش در اینجا بتصویب رسید بسا اوضاع و احوال کنونی وفق نمیداد لذا انظامنامه مشروطتری لازم آمد که اکنون بسه تصویب میرسد"

از آنجا که دستورنامه مذکور در دست نبود این ابهام که ممکن است این مراتمه و نظامنامه که

بنام "جهاهدان" تهیه شده مربوط به سوسال دمکراتها نباشد باقی بود.

ولی اخیراً دستورنامه ای که مربوط بسال ۱۹۰۵ است هنگام کاوش در آرشیوها توسط ن . ک . به لیا پید آمده و در مقاله ای که یکی از اسناد مورد اسناد ماست منتشرگشته است . اینکه مسائل تصویب آن ۱۹۰۵ و محل تصویب آن شهر مشهد است و برخی از مواد آن در نظامنامه ی سال ۱۹۰۷ تکرار شده است بخوبی ثابت میکند که این همان دستورنامه است که بان اشاره شده و گفته شده است که دیگر "با اوضاع و احوال کنونی وفق نمیداد" نام این سند " دستورنامه ی حزب سوسیال دمکرات ایران" است .

باید گفت که برخلاف تصور برخی از مورخین شوروی د اثر بر اینکه در سال ۱۹۰۵ برنامه ای هم تصویب شده در آنسال تنها دستورنامه بتصویب رسیده بوده است .

از آنجا که تا سال ۱۹۰۷ جنبش جهاهدان وسعت یافته و جنبه ی توده ای بخود گرفته بسود است بهنگام تجدید نظر در نظامنامه و تدوین مراتمه اسم جمعیت را "جمعیت جهاهدان" گذاردند . توصیفی جنبش جهاهدان از آمار بدستگرفته داده شده بخوبی چشم میخورد :

د رگزارش سفارت روس در سال ۱۹۰۷ گفته میشود که تعداد جهاهدان ۱۲ هزار نفر است ، بعقیده ی ن . ک . به لیا این عدد بر چندین ده هزار نفر بالغ بوده است ،

استورگرواد سکی نمایند می وزارت دارائی روسیه تزاری در تهران در گزارشی مورخه ۱۳ شهریور خود مینویسد که جمعیت جهاهدان تنها در قفقاز بیست هزار نفر تیمه ی ایرانست (۱) .

برای اینکه منظری کاملتری از اسناد سازمانی و برنامه ی جمعیت سوسیال دمکرات - جهاهدان بدست داده باشیم در همینجا شرح مختصری از آنرا بنظر میرسانیم :

دستورنامه ی مصوب سال ۱۹۰۵ حاوی ۱۴ ماده بوده است . مواد آن نشان میدهد که سر و کار ما واقعا هم با یکتود دستورنامه است نه اساتمه . آنچه که در این مواد ذکر شده وظائف اعضا و دستورات است که پانها در باره ی چگونگی رفتار ، حفظ اسرار جمعیت و تکمیلای لازم بان داده شد .

ماده ی اول دستورنامه نشان میدهد که تدوین کنندگان آن ، ولو نام جمعیت خود را " حزب سوسیال دمکرات" گذارده اند ، ولی بانسبت به اصول اولیه ی یک حزب پرولتری بیگانه بوده و بانسبکه منظورشان تشکیل جمعیتی بوده است که بتواند جنبه ای از طبقات مختلف انقلابی آنزمان را در چهارچوب خود جمع نماید . مثلا ماده ی اول دستورنامه تصریح میکند که دارند می کارت حزبی باید صاحب پیشه و با عواید معینی باشد که از راه تانوبیدست آید .

در ماده ی سوم باعضا "تاکید میشود که حق توهین و تحقار بکسی را ند آرند مگر اینکه دستورها ی کمیته مرکزی باشد . ماده ی پنجم اعضا "جمعیت را موظف میسازد احقاقی خارجیان دفاع کنند تا مبادا "نمایندگان دول خارجی تجاویزی به آزادی مانوده و از نیز راه بسه کشورما زبان رسانند" . ماده ی ششم مربوط بحق عضویت افراد است "که برای اخذ آن نور بنکار بسرد ه نخواهد شد" . هرتازه واردی بد و پاک تومان بعنوان رود خواهد پرداخت .

در ماده ی هفتم گفته میشود که رهبران حزب مسئول روفی افراد هستند . "هرعضوی که مرتکب امری کرد که کمیته مرکزی آنسرا ناشایست بداند مجازات خواهد شد" .

ماده ی ۸ دستورنامه بخصوصی جانبا است ، زیرا در این ماده بطور "مردم زحمتکش" از نظر تدوین کنندگان سند تشریح شده و آن عبارتست از دهقانان ، پیشه وران و بازرگانان . و این خود "مو" بد نظری است که ضمن تشریح ماده ی اول داده شده . ضمنا این ماده جنبه ی برنامه ای هم دارد ، زیرا در پایان آن گفته میشود :

(۱) م . س . ا . پاولف "انقلاب ایران" صفحه ۱۴۲

"وینهای ما نیست که دهقانان و نیز سایر مردم راز از برگی ملاکان و ماسخر بسین آنها برهانیم و بد نظری حق اجازه ندھیم که بسیاری از آنان برای پند لفظی نشان بخارج کشور رفته در معادن و زیر بار کارهای سنگین جان سپارند"

نکات برنامه ای در شرحی از مواد دیگر هم مشاهده میشود. از قبیل: برقراری حکومت مشروطه، احداث انجمن های شهری و وضع قوانین بلدی، دو جا در این دستنرنامه ذکری از مذکور شده: یکی در ماده می ششم که گفته میشود "پیدا حق مصیبت باید با قوانین قرآن تطبیق کند"، دیگر در ماده می ۱۱ که گفته شده است: "نار و رفتار اعضا" حزب باید متوجه یک نکته باشد - نیروی و ترقی ولی بنحوی که بشرف و قدس مذکور خدای تعالی وارد نیاید".
آخرین ماده می دستنرنامه - ماده ۱۴ - نظر به خصوصیتی که از نظر سازمانی دارند عینا نقل میشود:

"هر يك از اسناد مهم كميته ي مركزي را وارد و بر خواهد داشت، بدین ترتیب: صدر، معاینه، منشی، شات، سند و قدار، نزارول، نقر دوم، نقر سوم، نقر چهارم، نقر پنجم، نقر ششم و در وسط آنها سه کمیته مرکزی: در هر حال تعداد مهرها از ۷ مهر نباید کمتر باشد. برای اسناد نقر سوم - از قبیل قبوض، کارت عضویت - فقط مهر حزب سوسیال در مزارت کافی است"

و اما آنچه که در سال ۱۹۰۷ جاننشین این دستنرنامه شده است بعضی اسنادنامه می جمعیت مجاهدین" را میخوان تا حد معینی اساننامه می حزبیشما آورد - منتها چیزی که در زمان انقلاب بیشتر مانده است از این اساننامه را استفاده از فایده ن - که به لوا در اینجا ذکر میکنیم:
اساننامه دارای ۴۷ بخش است که هر بخش نیز دارای مواد متعددی میباشد. اشخاصی که میخواهند وارد جمعیت شوند باید یک یاد و نقر معروف داشته باشند. اعضا جمعیت میترانند در آن واحد عضو جمعیت دیگری هم، که خواهان آزادی و مخالف تمام این جمعیت نباشد، بشوند. (این ماده میتواند فریته بر این دعوی باشد که جمعیت و همترجمه آن را سوسیال در مزارت و یا "همتی" ها تشکیل داده و امکان باقی ماندن در حزب اصلی را برای خود محفوظ داشته اند) - در اساننامه توجه خاصی به لزوم انضباط سخت و رعایت پنهان نگاری شده و تذکر داده شده است که نقر اساننامه مجازاتهایی در بر خواهد داشت که آشنایان میخواهند اعدام باشد - بخش ۳۵ حاوی مواد مرتبط به حق عضویت است. این مواد بخشی نشان میدهد که منظور تشکیل دهندگان جمعیت این بود است که طبقات مختلف را که میخواهند در انقلاب مشروطیت همراه باشند در آن جمع نمایند. حق عضویتی که در این مواد برای افراد معین شده، سوازی رود به ماهانه از یک قران تا یکصد تومان است که پرداخت کننده ای آن در از زمان میباشی دارای ثروت سرشاری میدهد.
ضمن مخارجی که جمعیت برای خود پیش بینی کرده بود (بخش ۳۶) مخارج تهیه عصب، شبنامه، اعزام ناطقین و فدائیان و نظائر آن نیز ذکر شده است.

در مورد ساختمان و اصول سازمانی جمعیت گفته شده است که: جمعیت دارای کمیته مرکزی است که دستورات آن بدین معنی و جزا لازم الاجرا است. عده می اعضا کمیته مرکزی ۱۵ نفر است. جلسات آن دو بار در هفته تشکیل میشود. جمعیت در نقاط مختلف شعبی خواهد داشت. این شعب میباید شعب فرعی تشکیل دهند. امور شعب از طرف د و مجمع اداره میشود: مجمع عمومی و مجمع ضعیف، اعضا مجمع عمومی را کمیته مرکزی تعیین میکند. مجمع خصوصی دارای ۷ - ۱۱ نفر عضو اصلی

هستند که از زمان خود هیئت عامله انتخاب میکنند: صدر، معاینه، منشی، سند و قدار و در نظری با مجمع عمومی فرارها به اکثریت بهتر از نعل آرا" پذیرفته میشود. مجمع عمومی از طرف مجمع خصوصی رهبری شده و در مقابل آن مسئول است. عده می اعضا آن ۱۱ - ۱۷ نفرند که از زمان خود ترتیب مذکور در بالا هیئت عامله انتخاب میکنند. اعضا جمعیت به گروههای ۲۵ نفری تقسیم شده که هر یک دارای رئیس میباشد. کمیسرین خاصی بشکایات رسیدگی میکند. فدائیان را که احکام اعدام و سایر امور میباید - های سری را انجام میدادند فقط رئیس آنها میبایست بشناسد. از اسامی و سالی فدائیان فقط مجمع خصوصی میباید با اطلاع باشد.

در این نظامنامه توجه خاصی به اصل تعاون و همدردی میشود. مخارج ویژه ای برای رهائی رفقای زندانی، کمک های مادی به خانواده های غتولین و زخمیان و غیره پیش بینی شده است. و اما برنامه ای سال ۱۹۰۷ (۱۵ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری) که نیز در شهر مشهد همسراه نظامنامه می ذکر توصیف شده است از بسیاری جهات شبیه برنامه می جمعیت "همت" است و این خود رابطه می نزدیک این دو جمعیت را نشان میدهد. شرحی از مواد عینا از آن برنامه برداشته شده و در بعضی از آنها بر حسب موقعیت زمانی و مکانی تغییراتی داده شده است. مثلا اصلاحات ارضی در برنامه "همت" مبارزه است از ضبط کلهای اراضی، احم از دولت و پارااضی نمودال ها و ملاکان و تقسیم آن میان زارعین و حال آنکه در برنامه می "مجاهدان" تنها زمینهای متعلق بشاه و خانواده می سلطنتی بلابعض گرفته میشود. این برنامه برای ملاکان برنامه می تعدد بد مالکیت قائل شده است. زمینهای اضافی را با کلی می (که برنامه تا کمی از آنها ستاراست) با قسط خریداری نموده و دهقانان و کد را خواهد نمود.

همچنین در باره برقراری رژیم جمهوری در این برنامه چیزی گفته نشده و تنها گفته شده است که "بخش خدا و بختی از زمان، هنگامیکه مردم ایران بیدارند، مواد می باین برنامه اضافه خواهد شد".

خوابگاههای عده می برنامه ای عبارتند از: انتخابات عمومی برای مجلس بدین هیچگونگی محدود می بر حسب ملیت و پادارائی، انتخابات مخفی و همزمان به نسبت جمعیت بدین در نظر گرفتن وضع تابقائی، آزادی مطبوعات، گفتار، مجمع، اشخاص، احزاب و احصایات، تعلیمات عمومی و اجباری، لغو مالیاتهای سرانه و برقراری مالیات بردارائی و ثروت (مالیات بردارآمد) ، نظام وظیفه می دو ساله، برقراری ۸ ساعت کارروانه، مسئولیت وزیر در مقابل مجلسی که آنها را انتخاب میباید.

برنامه مبارزه می از ۱۲ ماده ۱۰ ماده می آن جالب است و آن مخالفت با تشکیل مجلس سناست (۱). چنانکه قلا گفته شد بالاخره در نتیجه می فشاری سوسیال در کراسی انقلابی، ارتجاع ایران موفق به تشکیل این مجلس نگشت (ولی آنچه در آن موقع نشد و موجبات تا مسخیر دولت تزاری را فراهم ساخت پس از چهل سال و آندی بدست حکومت محمد رضا شاه علی گشت و موجبات رضاست آریا بان امیرالینستی امروزی را فراهم ساخت).

(۱) در شهریورماه فقط ترجمه می برنامه و اساننامه سال ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ هجری قمری) که سفیر دولت تزار روس در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۹۰۸ به پست گزارش خود فرستاده بدست آمده است. این اسناد در مجله شهری کراسی از خب چاپ رسیده است. م. س. ایچانف نیز در کتاب خود و ن. ک. به لودرفااله خود قسمتی از این اسناد را آورده اند. نه متن فارسی این اسناد و نه متن فارسی دستنرنامه ای که اخیرا در آرشیه کشف شده و مورد استفاده می ن. ک. به لودرفااله گزیده است. سفاهت بدست نیامده است.

اطلاعاتی که از اسامی مسو ب سال ۱۹۰۷ در باره سازمان جمعیت بدست می آید ناچیز و عبارتست از اینکه :

« کمیته مرکزی جمعیت » مانند سابق در قفقاز است . جمعیت در شهرهای تهران ، تبریز ، مشهد ، اصفهان ، رشت و تالش دارای شعب می باشد . در باره شعب فرعی جمعیت چیزی گفته نشده است ، ولی گزارش استناد از ترکستان روس که در آرشو بدست آمده حاکی است که در عشق آباد یکی از این شعب فرعی وجود داشته که تحت نظر شمعی مشهد اداره میشد و از مشهد به آنجا مبلغ اعزام میگشته است و این شمعی فرعی تا اواخر سال ۱۹۰۷ موفق شده بود یک ستادهائی مرکب از ۱۵۰ نفر تجهیز نماید .

اینکه استناد فوق منحصر بسازمان جداگانه ای در مشهد نبوده اند محرز است . زیرا بنده ای که بدست وزارت روس افتاده متعلق به شمعی رشت و دارای مهربان شعبه می باشد . با اینحال هنوز نمیتوان کرد صحتی از شکی جمعیت سوسال د مکرآت هاو « مجاهدان » بدست داد .

گفته شد که فرض وجود یک سازمان نسبتاً متمرکز سوسال د مکرآت وجود گروه های دیگری را کسب بنام سوسال د مکرآت فعالیت میکرده اند نفی نمیکند . استادی که در دست است این نکته را تأیید میکند . در شماره پنج سال ۱۹۰۹ مجله « مسائل خاورشناسی » از نشریات آکادمی علوم شوروی مقاله ای از م . س . ایوانف تحت عنوان « استاد تازه در باره سوسال د مکرآت تبریز » در ماه سال ۱۹۰۸ تطبیح میدهد . است . این مقاله بر اساس مدارکی نوشته شده است که از آرشو شخصی که « پلخانین مارکسیست معروف روس بدست آمده است . در این آرشو چند نامه با مضافاً واسوه تری با ، کارخانینان و عد می دگر و استاد دیگری بدست آمده که برخی از آنها جانبی توجه ویژه است :

- ۱) صورت جلسه شماره ۱ مورخه ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ می نواز سوسال د مکرآتهای تبریز ؛
- ۲) نامه ای با مضافاً واسوه از تبریز به پلخانین مورخه ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ ؛
- ۳) نامه مورخه ۳ دسامبر ۱۹۰۸ خطاب به رجال جنبی سوسال د مکرآت اروجا ، که از طرف بخشی از این گروه با مضافاً تیکران درونی ارسال شده است .
- ۴) نامه ای با مضافاً چلینگریان از تبریز بنام پلخانین بتاريخ ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸ .

صورت جلسه حاکی است که در این جلسه که صدر آن سدراک اول و منشی آن واسوه بوده است ، پلخانین آرشو و واسوه د امر بلزوم تشکیل گروه مستقل سوسال د مکرآت و پیشنهاد مخالف واسوه از طرف ورام و سدراک دوم د اثر به صلاح نبودن فعالیت صرفاً سوسال د مکرآت بخدا گزارده شد . طرفداران پلخانین پیشنهاد اول استلال میکردند که ایران وارد مرحله تکامل سرطانی داری شده ، در کشور هائی از صنعت بدیده می شود ، امکان آن پیدا شده که بین رولتان فعالیت شود ، در صورت عدم فعالیت مکن است بهرژوای از رولتان با مبلغ خود استفاده کند . همچنانکه در انقلاب ۷۸۹ فرقه و سپس در انقلابهای ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ بدیده شد ، « امروز هم در ایران مبارزین فعال را مسترد م ، یعنی در رجعی اول عناصر فاقد مالکیت انجام میدهند . » پشتیبانی مطلق از شمارهای بهرژوای در حقیقت بمعنای دفاع از این طبقه و جلوگیری از رشد انقلاب خواهد بود . سوسالیست ها نمیتوانند با نمایندگان د مکرآتهای بهرژوای میخند شوند زیرا :

- ۱) سوسالیست و د مکرآت نادیده دهرای جهان بینی های مختلفه ،
- ۲) د مکرآتهای بکنفر سوسالیست باد مکرآتهای یکد مکرآت نادیده از لحاظ بگیری می خود مظلوم است
- ۳) سوسالیست اگر مطلقاً به نقطه نظر رولتان باشد با کامیابی بیشتری میتواند در انقلاب بهرژوای حرکت کند .

مخالفین معتقد بود که در ایران هنوز شرایط عینی و ذهنی برای متشکل و متحد ساختن رولتان برسریداست ، رولتانهای معاصر وجود ندارند و لذا زمینه ای برای کار سوسال د مکرآتهای موجود نیست . بنظر اینان تشکیل رولتان نمیتواند عناصر رادیکال بهرژوای را به اغوش ارجاع اندازد . لکن عقیده داشتند که باید فعلاً بجای کارخانین سوسال د مکرآتیک در مصوف د مکرآتهای داخل شد ، این د مکرآتهای را از تأملات ارجاعی صافیه نمود ، به شکل آن کمک کرد و در همی این احوال البته همانند رادیکال ترین عناصر در آن میان عمل نمود .

در این جلسه با کثرت ۲۸ در مقابل ۲ رای می پیشنهاد اولیه پذیرفته شده بود . در نامه واسوه ضماصائل دیگری هم مطرح شده است از قبیل اینکه : با اصلاح است که سوسال د مکرآتهای بنوع آزاد ی بازگانی تبلیغ نمایند ، زیرا بنظر وی در حالیکه کشور فاقد صنایع ماشینی است آزادی بازگانی نمیتواند ضربه ای بریکر بهرژوای حلی باشد و به پیدایش رولتانهای صنعتی زسان خواهد رساند . اما باید سوسال د مکرآتهای علیه سرمایه خارجی مبارزه کنند و چه مطلقاً این مبارزه ارجاعی است و چه موقتی ارجاعی نیست ؟ الخ . . .

در این نامه اطلاعاتی در باره فعالیت سوسال د مکرآتهای تبریز داده میشود . نوشته شده است که سوسال د مکرآتهای سه مطلق کارگری در نری تشکیل داده اند و در نظر است که احاد به های کارگری نیز تشکیل دهند . گفته میشود که سوسال د مکرآتهای در تبریز « نفوذ عظیمی دارند و در همی مسائل به آنها اجماعی میشود .

واسوه مینوهد که در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۰۸ در سه کارخانین جرسازی تبریز ، که مجموعاً دارای ۱۵۰ کارگر بوده اند ، تحت رهبری سوسال د مکرآتهای اعتصاب شد . کارگران پکشته خواستنیهای اقتصادی داشتند از جمله : بالا بردن مزد برای هر واحد محصول بجهت کاهش و نیم ، قبول و اخراج کارگران با موافقت نمایندگان کارگراها ، بهبود شرایط صحتی ، پرداخت نهی از اجرت زمان بچاری کارگر ، کم کردن کارهای اضافی و رساندن اجرت آن به دو برابر ، پرداخت مزد برای روزهای اعتصاب ، عدم اخراج کارگران اعتصابی و عدم تعویض آنها بوسیلهی کارگران دیگر هنگام اعتصاب . در این اعتصاب کارگران وحدت عمل شایانی از خود بروز دادند ، صندوق اعتصاب تشکیل دادند و کمیسیونی برای مذاکره با کارفرمایان انتخاب کردند . در تاریخ ۳۱ اکتبر این اعتصاب بنفع کارگران پایان یافت بدین نحو که مزد آنها بالا برده شد و کارفرما قبول کرد که کارگران اعتصابی را اخراج ننماید .

در پایان نامه گفته میشود که در تبریز سوسال د مکرآتهای فاقد کادر هائی هستند که دارای معلومات سیاسی باشند . در میان آنگان تنها چهار نفر و در میان محلی هائینهاد و نفرکارد وجود دارد که بخواننده برنمیب های سوسال د مکرآتهای دفاع نمایند . در نامه ای که در تهرونی به ژنو نوشته گفته میشود که « سوسالیست های ایران عدده شان بسیار کم است و بطور عمده در تبریز متمرکز یافته اند . اینان روشنفکرانی هستند که در روسیه تحصیل نموده و نیزاً کمروسوسالیسم بین المللی و انقلاب روسیه از بدیه های بهرژوای در وی جسته اند . تا کنون کارشان این بود است که خود آموزی کنند و میان روشنفکران بکارهای تبلیغی بپردازند . »

چلینگریان نیز در نامه خود به پلخانین مینوهد که سوسال د مکرآتهای تبریز « گروه کوچکی از روشنفکران هستند که تبلیغ ابده های مارکسیسم را هدف خویش قرار داده اند . » از شخصی صحبت میشود که کارل کائوتسکی ای که از آرشو پلخانین بدست آمده (در نامه واسوه) از شخصی صحبت میشود که در ایران ابراز مخالفت میکند و اظهار تمسید مینماید که سوسالیست ها باید تنها در مبارزهی محسومی

د مكراتيك شركت جوئند ، زيرا پشرفت اقتصادى كشورهنوز بجائى نرسده است كه برلټاهاى معاصر وجود آند ه باند. و بسو درصت اظهارات كائونسكى ترد پ مځند .

بقرامعلوم چا پټگريان مسافرتى هم په تلفسى كړده و در آنجا پس از كوشش زياد با كمېټهټى غلښى حزب سوسيال د مكرات كارگرى روس تما س گرفته است . وى در شمعېه ښكارشات اېن كمېټه گزارښى در باره ې مكاتېبه يا كائونسكى د اده است كه شرح اېن مكاتېبه در شماره ى دوم ريزنامه ى صغلى " بېرېا " (مبارزه) كه در رساله ى ۱۹۰۸-۱۹۰۹ د رظلىس منتشرمېشه ه انكاس پافته است .

مطالب فېق از اېن جېهټ با تفصيل بېشترى در اېنجا ذكرشده كه هم از نظر اطلاع از وضع سهارزات آن زمان جالب است و هم موټد نظرماد ر باره ى وجود گروه ها ى مختلف سوسيال د مكرات است كه برخى از آنها جده اگاه نه بد و ېن اطلاع د بگران مېان سجاهدان و انقلابېون كارمېكړده ه اند .

چنانچه از كلېه ى اېن نامه ها پد است نېسندگان اطلاعى از وجود گروه ها ى د بگر ، از بر نامه و اسان نامه ى سوسيال د مكرات ندانسته و برخى از آنها سوسيال د مكراتهارا چنده نفر روشنكفر بېش نې - دانسته اند .

بطورېكه مېدانېم د رېجلس اول نيز چند گروه پافراكمېون بنام " اتحاد په " ، " انجمن محلى " ، " اجتماعېن عامېون " و " سجاهدان " بطور وجود اگاهنه وجود دانسته است . در باره ى رابطه ى فراكسيون " اجتماعېن عامېون " با د بگر سازمانها ى سوسيال د مكرات سدى بدست نياورده اېم .

در خاتمه لازم است با هم نكاتى در باره ى كمكپاڼى كه از جانب سوسيال د مكراتها ى روسيه و ما هرا " ققاز به جنبش مشروطيت شده است در اېنجا گفته شو .

كمك سوسيال د مكراتها ى روس په انقلاب مشروطيت كمك ارزنده اى بود كه به جنبش نېسرو مو پخشد و موجب توسعه و تشكّل بېشتران شېد . عده اى از آنان بطور مستقيم در مبارزه شركت كړد. نتا از جمله شركت كندگان مستقيم در جنبش مشروطيت سرگى ارز نېكېد زه است كه در روا ى عده اى قرار داشت و فعاليت دامنه در ارسيا حسى انجام مېدا . بېنگام توقف وى در گېلان قسمتى از ما نېست ماركس و انگلس بزبان فارسى ترجمه شد .

مرحوم كسروى در باره ى كمك سوسيال د مكراتها ى روس و ما هرا " ققاز مېنوسد :

" ... با همد " سوسيال د مكرات " روسى ... با ېن شده كه به شورش اېسيران پشپاڼى نشان د هدد و دست هدر دى بسوى تېرېزيان دراز كند ... بسپارى از كارگران كه بستگان اېن با همد مېود ند خود خواهش مېكرد ند كه بياورى تېرېز فرستاده شوئد ...

آند ن اېتان از چند راه ماهې د لگري سجاهدان كړد پد : از پكسو دانستند كه ده همه جا ېن كوششها ى جوانمردانه اوج گدارده مېشود و اگاه كړد پد ند كه در مېان روسيان و گرجيان و د بگرتو ده هاهدر داني مېدارند و اېن كشاكش مېانه ى آزادى و بېر دگى در بسپار جاها بېش مېوئد ...

نظيرهېن نكته د روضتو ه پاولوچ پد ه مېشود . وى مېنوسد :

" فعاليت پرافتخار چنده ېن صد نفروسوسيال د مكرات ققاز ، شركت قهرمانانسه ى بسپارى از آنان د مبارزه بىر اى آزادى ايران به همى ايران نشان د ادا كسه

سپېهان اروپا پك تود ه پكټواختى را تشكېل نېد هند ، در مېان آنها هم سټكر و سټكش وجود دار د و اېن موضوع كمك بسپارى به بسط فكر برادرى ملل در محيط مسلمانان مېمصب نېود .

در مېن حال پاولوچ به آنها ښى نيز كه خواسته اند ثابت كند كه نقش قاطع د رانقلاب مشروطيت باخود ايرانيان نېوده ه پاسخ داده مېكوي د :

" مطبوعات ارتجاعى روس و انگليس مدعى بود ند كه كشور شاهشاهى انقلابى نى از خود ندانسته است . و حال آنكه در حواد ښى كه در رساله ى ۱۹۰۵ ، ۱۹۰۶ او ۱۹۰۷ در ايران رخ داد انقلابېون ققاز هچ نقشى ندانسته . انقلابېون ققاز فقط پس از ښو پ بسنه شدن مجلس بدست لېاخف قزاق روس در ايران پد اشد نسد و بد ببطرقى در مقابل اتحاد شاه ايران و حكومت روسيه اتحادى از عناصر انقلابى د كشور بېجود آورد ند ."

اېن موضوع موئد تا مېد گه لادزه (ترى پا) نيز مېاشد . وى در گزارش خود مېنوسد كه پس از مراجعه ى سوسيال د مكراتها ى ايران بود كه گروه ها ى داوطلب از جانب سازمانها ى حزب سوسيال د مكرات كارگرى روس پنا ى آند ن با ېران را گدارد ند و در تېرېز و سا ېر نقاط قهرمانانه در جنگه شركت كړد ند و اېن پك نيمه ى ابراز هدر دى برادرانه ى زحمتكشان بود كه در تاريخ كشور ها ى خاور نېلېسرو ندانسته .

كمك برادرانه ى سوسيال د مكراتها ى انقلابى روس به انقلاب مشروطيت ايران به اېنجا ختم نېشود . آنان با پټكه در اثر شكست انقلاب در روسيه خود وضع دىوارى داشتند از هېم گامى بسپرا ى پشرفت انقلاب ايران در ښخ ننمود ند : چاپ مطبوعات (در مطابع سرى باكو و باطوم) ، ارسال اسلحهٴ تېه ى مطبوعه و غيره .

اېنست اېچه كه نكارنده توانسته است تا كنون در باره ى موضوع طرح شده بدست آورد . ولس ى چنانكه در ازانگفته شد ، اېن مسئله هنوز از سا ټلې است كه در د ارج اولېه ى تحقيق مېاشد . جا ى شك نېست كه در ا پنده مد ارك تازه اى پد ست خواهد اده كه هم به اطلاعات ماد ر ا ېن زمينه خواهد افزوئد وهم شا پد تجدد پ نظرى راد رتېچه گېرى ها ى ملازم سازد .

بر اى نوشتن اېن مقاله علاوه بر نيز نېسپا ى ذ كړشه در مټن ، از منابع خارجى نيز بر نيز استفاده شده است :

- ۱) م . س . ا . پاولوف : كتاب " انقلاب ايران ۱۹۰۵-۱۹۱۱ " مقالې " اسناد جده در باره گروه سوسيال د مكراس تېرېز در رسال ۱۹۰۸ " منتشره در نشنه ى آكادمى علوم اتحاد شوروى و " مسائل ابر شناسى " شمارى ۵ سال ۱۹۰۹
- ۲) مقاله ى ن . ك . به لوا " در باره ى مسئله ى باصطلاح حزب سوسيال د مكرات ايران " منتشره در مجلېه ى " مسائل مېوټ بتاريخ واد بيات كشور ها ى خارجى خاور " سال ۱۹۱۰
- ۳) گكه لادزه (ترى پا) " سوسيال د مكرات ها ى ققاز د رانقلاب ايران " منتشره در نامه ى " سوسيال د مكرات " ارگان مركزى حزب سوسيال د مكرات كارگرى روس در پارسى - سال ۱۹۱۰
- ۴) پاولوسويچ و اېسرا نسكى " اېسيران در مبارزه بىر اى استقلال " - نصلى از كتاب تاريخ مختصر تكاملى انقلاب ايران " سال ۱۹۲۰
- ۵) كتاب " قرقبا مېارزېه نامساوى " - نشنه ى آكادمى علوم اتحاد شوروى - سال ۱۹۱۷

از تاریخ حزب از آغاز تا تشکیل کنگره دوم

چنانکه میدانیم پدایش افکار سوسیال د مکرسی و تا " تیر " حتی تا " تیر " قابل ملاحظه آن - در جنبش انقلابی ایران از اوایل قرن حاضر، بویژه از زمان انقلاب مشروطیت سرچشمه میگردد. فعالیت سوسیال د مکرسیها که گاه پراکنده و گاه متشکل و در مواردی اداری شکل نسبتاً متمرکز سازمانی نیز بود، مسئله ایست که نمیتواند با بد موضوع تحقیق مستقلی قرار گیرد. و اما آنچه مینویسد به حزب کمونیست ایران بعنوان حزب طراز نین طبقه کارگراست، آغاز فعالیت متشکل و متمرکز آن نخستین کنگره حزبی ۳۰ خرداد ۱۳۱۹ (۲۲ ژوئن ۱۹۲۰) محسوب میشود. این فعالیت تا تشکیل حزب توده، اسپران دوام داشت. حزب توده ایران که در مهرماه ۱۳۲۰ تشکیل شد راه حزب کمونیست را ادامه داد و طی تاریخ پراگماتریزی خود نشان داد که جادارد مردم ایران آنرا لوط بهترین سنتهای مسازرات کلاسیک خود بداند.

از تاریخ حزب کمونیست ایران آنچه تا حدی مورد تحقیق قرار گرفته دران انقلاب کبک و نقض حزب در این انقلاب است. مطالبی نیز جسته گریخته - ولی نسبتاً روشن کننده - در باره ی دوران فعالیت مجلسی " دنیا " و نقض دکتارانی در نوشته ها، نگاشته یافته است. ولی نسبت به دوران فعالیت سرتاری حزب بعد از انقلاب کمیته مرکزی آن بهترین تا سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) مکتوبی انجام نگرفته است. در این باره حتی آثار و مفاصلی هم که جنبه راهنماداشته باشد وجود ندارد. بهم آن میرود که زمان بگذرد و این خلا در تاریخ مبارزه ی مردم ایران باقی بماند.

هم اکنون در اثر گذشت زمان، سرکوب مکرر جنبش، پیگرد های بی دریغ حداقل مدارک لازم هم در دست نیست. ولی جمیع آوری، یعنی این مدارک به هیچوجه ناسخن نخواهد بود. منتهمی تا میوه ای که این کار نشده بهتر است بجای انتظار کشیدن کوششی برای روشن ساختن سیر کلیه ی فعالیت این دوران کرد. منظور نویسنده از این یعنی در این زمینه است. مبنای این مقاله مطالعه ی برخی مدارک و بیشتر خواننده ها و شنیده های نویسنده ی است. لذا بطور قطع دارای نارسانسی و نواقصی است. ولی میتواند انگیزه ای برای نوشته شدن مطالب بیشتر و کنش برای احیای تاریخ مبارزه حزب کمونیست ایران باشد.

دوران فعالیت حزب کمونیست در سر تا سر کشور میتوان به سه مرحله تقسیم کرد:

- ۱) از آغاز فعالیت سرتاری حزب تا تشکیل کنگره دوم.
- ۲) فعالیت حزب پس از کنگره دوم تا سرکوب آن در سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ (۱۹۳۱).
- ۳) تجدید فعالیت سالهای ۱۳۱۳ - ۱۳۲۰ (۱۹۳۴ - ۱۹۴۱).

در این مقاله از دوره ی اول سخن میرود.

سرحله ی یکم

طی این مرحله اوضاع سیاسی کشور و وضع حزب در معرض تغییرات زیادی قرار گرفت. با این حال آنچنان نقطه تحولی که بتوان آنرا مبدأ مرحله ی دیگری قرار داد تا تشکیل کنگره دوم حزب وجود نداشته است.

بطور کلی سیر اوضاع سیاسی در این مرحله بشرح زیر است:

کشور طی سالهای دراز در احوال ارتشهای امپریالیستی بسر میبرد و حتی برخی از نواحی آن عرصه ی جنگ بوده است و لذا مردم نتوانیدند هیچ وجهی را که تسلط امپریالیسم بهار میآورد روی دوش خود حس کرده اند.

موقعیتهای بی دریغی انقلاب کبک و کبکرا کبک در ایران نیز اثری عمیق و انقلابی بهخشد. است. احساسات انقلابی و ضد امپریالیستی جنبه ی همه گیر دارد و در هر ناخیه ای یخکلی بروز میکند. در نقاط شمالی کشور قیامهای مسلحانه (انقلاب کبک، قیام خابانی، قیام کفیل محمد علی خان و قیامهای کوچک در دیگر رنج رخ میدهند.

شکل دیگر بروز این احساسات تشکیل خود بخودی جنبه ی ضد امپریالیستی است که به نسبت نزدیکی و دوری بنواحی انقلابی شدت و ضعف دارد. حتی پس از ناکامیهای قیامهای شمال کشور تا مدتی روحیه ی ضد امپریالیستی تسلط دارد و منافع محدود طبقات و قشرهای مختلف را تحت الشمام قرار میدهد. در اثر این وضع سازمانهای وسیعی از نیروهای ضد امپریالیستی در نقاط مختلف کشور، بخصوص در نقاطی نظیر ترقین، همدان، کرمانشاه و غیره بوجود میآید. این سازمانها کلیه ی بقایای احزاب گوناگون سابق (دکترانها، سوسیال د مکرسیها و غیره) را در بر گرفته و بر حسب خصوصیات محل و سلیقه ی مبتکرین آن شکل و نام خاصی خود میگیرد. نامی که بتواند همه ی نیروهای مترقی آنزمان را زیر پرچم خود گرد آورد، از قبیل: " جمعیت آزاد پخواهان "، " جمعیت دکرانها " و غیره. از نکات بارز این جمعیتها - " جمعیت آزاد پخواهان ترقین " با کرمانشاه، همدان و حتی شیراز کاملاً مشهود است که افلا در این نقاط جمعیتهای نظیری وجود داشته اند. پلا نظیر آنها غالباً در رماننامه ی مختصری حاوی یک هدف کلی - آزادی و استقلال کشور - خلاصه شده است. این جمعیتها با وجود جنبه ی محلی خود دارای شکل سازمانی (کنفرانسیا، کمیته، حوزه های منظم در شهر و حتی در دهات) بوده اند. جانب توجه است که برخی از این جمعیتها، با وجود فعالیت طولانی آشکار و تشکیل کنفرانسیای علنی کمیته های خود را صلی نگاه میداشتند و اساسی افراد منتخب از کنفرانسیا را اعلام نمی نمودند.

از آنجا که مرکز با اتوریته و نفوذی نبود که بتواند این جنبه ی واحد را رهبری کند و به آن جنبه ی همگانی سرتاری بدهد، این جمعیتها از گاد فعالیت در سطح تجاوز نکردند. حزب نونیاد کمونیست ایران هم که فعالیتهاش در این جمعیتها داشت هنوز آنچنان نیروی نبود که نقض رهبری چنین جنبه ی وسیعی را ایفا کند.

حوادث بعدی یکتیوم آراضی خاطری بوجود آورد. بسیاری از مردم که در آنزمان هنوز به طام امپریالیسم بی نیریدند خطر تجاوزات امپریالیستی را زائل شده پنداشتند. بتدریج احساسات جوش ضد امپریالیستی جای خود را به تضاد های داخلی داد. منافع طبقاتی بر تضاد میان عموم خلق و امپریالیسم غلبه کرد. در این نیروهای ضد امپریالیستی مرز بندی آغاز شد. راست ترین جناح این نیروها از عرصه خارج شد. این جناح بعداً در صدد تشکیل حزب دولتی بنام " ایران نو " برآمد و اقدامات آنهمس فراهم گشت ولی راضا به ترجیح داد که در کشور هیچ جنبه ی حتی حزب دولتی هم وجود نداشته باشد.

نیروهای مبتدیانیه زنده ای برای تشکیل حزب سرتاسری "اجتماعیون" قرار گرفتند(این حزب ازطرف مرکز واحد تحت رهبری سلیمان محسن اسکندر یی - سلیمان میرزا - تشکیل یافت و سازمانهای خود را در کلگی نقاط نشو بسط داد) . مرفی ترین نیروها که جوی راه انقلابی تری بود ، رفته رفته خود را به حزب کمونیست ایران نزد یک کردند .

لذا خصوصیات این مرحله را میتوان چنین خلاصه کرد : پیدایش تمایل به تشکیل جبههی واحد ضد امپریالیستی تمام خلق و حتی تشکیل خود بخودی آن در نواحی مهمی از کشور ، سپس مزیندی میان این نیروها و تشکیل احزاب مختلف و سرانجام انحلال احزاب علنی و باقی ماندن یک حزب واحد سرتاسری مصلی - حزب کمونیست ایران .

بنابر آنچه گفته شد در اواخر این مرحله زمینهی اجتماعی مساعدی برای فعالیت حزب کمونیست ایران وجود داشت . تضاد های درون دستگا و حاکمه و کوشش رضاخان (که هرروز قدرت بیشتری را در دست خود قبضه میکرد) برای جلب افکار عمومی از طریق تظاهر به آزاد پخواهی و دمکراسی نیز تسهیلاتی برای کار حزب بوجود میآورد .

با استفاده از این امکانات ، حزب کمونیست از همان بد و فعالیت سرتاسری خود هسته هساو تکیه گاههای درون سازمانهای موجود مرفی بوجود آورد تا از این طریق بتواند با عناصر انقلابی تماس حاصل کند .

ولی قبل از هر چیز حزب مهیاست از طریق فعالیت وسیع مطبوعاتی طبقات زحمتکش روشنفکران رابه هدفهای خود و مضمون آموزشی که در نهال میکنند آشنا سازد تا گراپی و آمدن بسده حزب از روی احساسات گذرای انقلابی نه بلکه آگاهانه انجام گیرد . در سال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱) در تهران بعد پریت سید محمد دهگان روزنامهی " حقیقت " به انتشار خود آغاز کرد . شمار این روزنامه " رنجبر روی زمین اتحاد " و خود روزنامه ارگان اتحاد به هائی بود که بلكه حزب تشکیل یافته بود .ند - این روزنامه در نتیجه برخورد مارکسیستی خود در تحلیل حوادث ، طرح مبرمترین مسائل مورد ابتلا مردم و سبک خاص خود که تا آن زمان در مطبوعات ایران بکار نرفته بود ، بزودی یکی از کثیرا لاتنشارترین روزنامه های مرکز شد ، پس از اندک زمانی انتشار خود را پیچ کرد و هرروز در دو صفحه بقطع بزرگ منتشر میشد .

نفوذ روزنامهی " حقیقت " و کامیابیهای تبلیغاتی آن موجب تکرار طبقات ارتجاعی و خود رضا خان گردید . برای تعطیل ان بی بهانه بود .ند . این بهانه بدست آمد و آن بحث و مشاجره ای بود که در صفحات روزنامهی " حقیقت " و یکی از جراید ارتجاعی (" اتحاد " بعد پریت سرکشك زاده) درگفت و روزنامهی " حقیقت " در این بحث به پیروی از تریب خود ، از حدود نزاکت مطبوعاتی خارج شد .

توجهی روزنامهی " حقیقت " لطمه ای بکارتیبانی و تشکیلاتی حزب زد . ولی قدرت طولانی نشد . پس از اندک مدتی روزنامهی " کار " با همان سبک و قطع جاننشین روزنامهی " حقیقت " گشت . هموارا آن صاحب امتیاز روزنامهی " پیکان " نیز صفحات روزنامهی خود را در اختیار فعالین حزب گذاشت . پیکان که در چهار صفحه هفته ای سه بار انتشار می یافت ، روزنامه ای وزین و پرانتشار شد . درین حال حزب دست به انتشارنامهی هفتگی " خلق " زد . در باورق این نامه "القای کمونیسم" چاپ میشد . میتوان استنباط کرد که حزب در نظر داشت آنرا ارگان تشریح خود کند . ولی بحال نامعلومی این نامه پس از اندک مدتی تعطیل شد و حزب مجلسی نفیسی بنام "جرهه" با محتبانی نسبتا نئی انتشار داد . این مجله برای اولین بار مسائل جدی اقتصادی و سیاسی را بر مبنای تئوری مارکسیستی مطرح کرد . این مجله هم پیش از دو شماره نشر نیافت و لذا معروفیت چندانی پیدا نکرد .

مطبوعات مرکزی حزب بویژه روزنامه های " حقیقت " و " کار " و بموازات آن " پیکان " (سال - های ۱۲۹۹ - ۱۳۰۲ (۱۹۲۱ - ۱۹۲۳) کار بزرگی در زمینهی تبلیغات و تشکیلات حزب ، بسط

افکار و عقاید مارکسیستی ، تثبیت سیاسی عناصر پیشرو طبقه کارگر ، جلب روشنفکران بسوی حزب و برقرار رابطه با توده ها بازی کرد .ند .

علاوه بر مرکز ، حزب موفق شد در رولايات نیز جرایدی را در اختیار خود بگیرد . آنها نیز كلك بر مبناپی امر تربیت کادر و ایجاد سازمانهای محلی حزب کرد .ند . مهمترین این جراید روزنامهی " پیک " رشت بود . این روزنامه از نظر طرح مسائل و تحلیلهای مارکسیستی که در صفحات آن میشد نه تنها در گیلان ، بلکه اهمیتیی بعلیاس سرتاسرا بران پیدا کرده بود . در دوران فترت و تعطیل مطبوعات مرکز روزنامهی " پیک " تاحدی این فقدان را جبران نمود .

از روزنامه های منتسب به حزب میتوان روزنامهی " نصیحت " قرهن را بد پریت میرزا بچپی و اعظم کیوانی نام برد که بمناسبت مقالات پرشورا انقلابی خود در کادری و سمپتراز محل انتشار خود معروف یافت .

برای بردن افکار انقلابی مارکسیستی میان طبقه کارگر و د پگزر حمتشان شهر و ده نشر مطبوعات حزپی کافی نبود . حزب به کادری روشنفکر جبهه ای ملحهی مارکسیسم - لنینسم احتیاج داشت . در آن هنگام جوانان روشنفکر ذوق و شور مخصوصی به ایجاد جمعیتهای فرهنگی ، ادبی و تاعیپی از خود بریز میداد .ند . در برخی از شهرها صرف نظر از سازمانهای سیاسی چنین جمعیتهایی نیز بوجود آمد . بود . فعالیت این جمعیتها وسعت قابل توجهی یافت . عدی زیادی از بهترین روشن فکران صرف نظر از تقاد سیاسی در آنها شرکت میکرد .ند . حزب درون این جمعیتها کار میکرد و باره ای از آنها یاد خالت غیر مستقیم حزب تشکیل شد .ند .

مهمترین این جمعیتها " جمعیت فرهنگ " رشت ، " انجمن پرورش قرهن " و " جمعیت زهخت " بندر پهلوی بود . " جمعیت فرهنگ " رشت کیمتزاز جمعیتهای دیگر بود . در سال ۱۲۹۶ (۱۹۱۷) بوجود آمد . تحت تا " تیر رشد افکار مرفی وسعت یافت . بهترین روشنفکران رشت را بسوی خود جلب کرد .

" جمعیت فرهنگ " پهلوی پس از تا " سپس " جمعیت فرهنگ " رشت با كلك فرهنگی پیدا و بشابه شمه ای از این جمعیت تشکیل و فعالیت بعد پی نیز در ارتباط دانشی و محکم با " فرهنگ " انجام می یافت .

" انجمن پرورش قرهن " در سال ۱۳۰۳ از رویکردی " فرهنگ " تشکیل شد . در همان نخستین سال فعالیت خود توانست نخبهی روشنفکران شهر را از طبقات مختلف در صفوف خود جمع کند . انجمن رابطهی منظم با جمعیت فرهنگ داشت و هر دو همواره از تهر پی یک بگر از طریق تماسهای زبسنده ، ه میدان لعی نایبشامه ها ، کتب و غیره استفاده میکرد .ند .

این جمعیتها بوسیلهی دادن ناعایشما ، ایجاد کلاسهای آکابر و رفع بسواد ی ، كلك مادی به مدارس ملی و غیره با قشرهای نسبتا وسیع مردم مربوط بود .ند .

در این مرحله زنان ایران نیز از فعالیت برکنار نبود .ند . جمعیت های مرفی زنان که فعالیت شر بخشی انجام دادند عبارت بودند از جمعیت " پلك سعادت نسوان " دررشت و " بیداری زنان " در تهران .

" پلك سعادت نسوان " را در واقع میتوان شاخه ای از جمعیت " فرهنگ " دانست . این جمعیت در سال ۱۳۰۱ بوسیلهی عدی ای از زنان روشنفکر رشت بوجود آمد و عدی قابل توجهی از زنان ترفخواه رشت رابه سازمان خود جلب نمود . این جمعیت بد رسه ای بنام " پلك سعادت " و مجله ای بهمین نام تا " سپس کرد . در این مجله مقالات اجتماعی و ادبی و بخصوص مقالاتی به پشتبانی از حقوق زنان درج میشد . مجلهی " پلك سعادت نسوان " خدمت بزرگی به آگاهی و روشن شدن افکار

زبان ایران کرد، زیرا خوانندگان آن منحصر به رشت و حتی گیلان نبودند. جمعیت "بیک مساحت نسلون" از طریق ایجاد کلاس اکابر، کلاس دست دوزی و غیره رابطه وسیعی با زبانان طبقات مختلف برقرار نمود. این جمعیت برای اولین بار در ایران روز ۸ مارس را بعنوان روز بین المللی زنان پذیرفت و برگزیدگان را برگزیدگان

در تهران در سال ۱۲۹۸ جمعیتی بنام "نسلون و طبعخواه" تشکیل یافت. شمار این جمعیت فعالیت در راه آزادی میهن و حقوق زن و بخصوص رفع حجاب بود. مدعی نسبت زیادی از زنان در این سازمان جمع میشدند و بعدت روح زنان جوانی که خواهان فعالیت و مبارزه بودند به آن جمعیت میگریختند. فعالیت این جمعیت در حد تشکیل کنفرانسها، ترغیب لباس وطنی و غیره بود. در بدو امر مبارزه مینامت، تری باخرافات کرد، ولی رفته رفته مدعیان از زنان جوان که خواهان فعالیت پرهورتری بودند از آن کنار رفته و در سال ۱۳۰۰ جمعیتی بنام "بیداری زنان" تشکیل دادند. این جمعیت دست به فعالیت وسیع زد. دارای فراخوانه، چند کلاس اکابر و رفع هموادی و هیئت اکثرال بود. ناپسندهای این جمعیت موجب گرایش مدعیان از زنان جوان شد. رهبری غیرمستقیم حزب در این جمعیت به فعالیت آن جهت صحیح میداد. یکی از ناپسندها هائی که توسط این جمعیت به رهبری نایبی گذارده شد "دخترنهایی" بود که در حدود ۱۰۰ نفر بنامهای آن آمدند بودند. این نایبی در روز ۸ مارس داده شد و در آنجا ناطقین تاریخ و اهمیت بین المللی این روز را متذکر شدند و از طرف حاضرمین استقبال شد. این جمعیت در سال ۱۳۰۸ پس از آنکه جمعیتی خود را تشکیل دادند، حاکم امر را برای منحل شدن مدعیان و نقشی که آنها ایفا کردند اثرات سیاسی خود را بخشید.

در تمام جمعیتهایی که نام آنها برده شد حزب کمونیست ایران غیرمستقیم دخیل بود و فرانکسوزنی مشکلی داشت. در رهبری اغلب آنها حزب بعدی جمعیت بدست آورد. این جمعیتها یکی پس از دیگری از طرف دستگاه حاکم امر اجباری منحل شدند و نقشی که آنها ایفا کردند اثرات سیاسی خود را بخشید.

اینگونه جمعیتهای فرهنگی که غالباً تحت تأثیر روحیه انقلابی مسلط آنزمان بوجود می آمدند بخوبی مورد استناد هی حزب قرار گرفتند. همان آنها مدعیان آزادی سرشار از علاقه به آزادی کشور بودند که راه انجام آرزوهای خود را در گریختن به حزب کمونیست ایران دیدند.

ولی کار اساسی حزب در بین جمعیتهای سیاسی آنزمان بود. پس از مرز بندی و تشکیل حزب اجتماعیون، این حزب یکی از مراکز فعالیت شد. حزب کمونیست ایران در بین حزب اجتماعیون دارای فراکسیون تشکیل بود. و در کارهای سازمانی و اتخاذ روش سیاسی آن حزب تأثیر بسزایی داشت. برای کنگره دوم حزب اجتماعیون که در نظر بود تشکیل گردد، مدعیان آزادی از اصفا حزب کمونیست ایران از شهرهای مختلف تهران، تبریز، رشت، قزوین، مشهد و غیره بنامندگی انتخاب شده بودند و اگر این کنگره تشکیل میشد قطعاً حزب کمونیست در آن نقش کوچکی نمیداشت.

با استناد به صحیح از امکانات موجود حزب کمونیست ایران توانست سازمان سر تا سری خود را بوجود آورد. تا آنجا که تحقیق شده سازمانهای حزبی در تهران، گیلان، آذربایجان، خراسان، اصفهان، قزوین، کرمانشاه بوجود آمد. در بسیاری از شهرهای دیگر نامندگانی از طرف کمیته مرکزی برای ایجاد سازمان، عزام گردیده بودند.

اتحاد به های کارگری کنگره حزب توسعه یافت و اتحاد به های ایران بعنوان بنی اساسی اتحاد به های (پروپرتین) پذیرفته شدند. حزب دست به تشکیل سازمان جوانان زد. این سازمان نیز بعداً عضو "بین الملل جوانان کمونیست" شد.

رونی کار حزب را رضاخان بالفقه برای خود و حکومت دیکتاتوری که شالوده ری میگرد خداری میدانست و لذا همیشه اندکی خود را مستقریات کمونیستها را هدف حمله قرار داد. چند روز قبل از انقراض سلطنت قاجار به آخرین روزنامه حزبی - روزنامه "صیحت" - تعریف و مدح پرش و اعطای کبالتی به تهران احضار شد و شب نهم آبان (انقراض سلطنت قاجار) جلوی مجلس بقتل رسید.

از این تاریخ نخستین حمله وسیع پلیس به سازمان حزب آغاز گردید و از آن پس کمونیستها تحت تعقیب دائمی پلیس رضاشاهی بودند. حزب مجبور شد اطراف کار خود را جمعتر و پنهان نگاری و معتقدند. در این موقع حزب از داخل نیز دچار بحران شده بود.

از همان آغاز فعالیت سر تا سری حزب موضوع روش نسبت به رضاخان درد اخل حزب مطرح بود. رضاخان در نظر اکثریت بزرگی بعنوان تلفی شخص تلقی میشد که بهر حال از میان خود می مردم برخاسته دارای روح میهن پرستی و شد امپریالیستی است. روش سیاسی آن روزی حزب را نسبت به رضاخان مصلحت جرات حزبی منکسر نموده اند. این روش عبارت بود از است از تقویت توأم با انتقاد. در نظر اسپن اکثریت رضاخان کسی بود که دست سید ضیا الدین - عامل امپریالیسم انگلیس - را کوتاه کند، اقداماتی برای تقویت حکومت مرکزی بعمل آورد، راه را برای فعالیت نیروهای مشرقی و حتی حزب کمونیست مسدود نماند.

ولی عملیات بعدی رضاخان مابری بود که در مقابل حملات بی دردی کوچکترین راهی هم برای استناد به نیروهای مشرقی باقی نماند. وجود نداشتن نظر واحد در خط مشی عمومی حزب موجب آشفتگی مفری شد. بدینال آن آشفتگی سازمانی نیز آغاز گردید. در رهبری حزب دوگانگی بوجود آمد. هیئت مؤسسه نه برای اداره امور سازمانی بوجود آمد از طرف مدعیان سابق بر معیت شناخته شد و در حقیقت به حکومتی حکمفرما گذشت.

این وضع ایجاد می نمود که هر چه نزدیکتر کمی دوم حزب تشکیل شود.

مرحله دوم

با تشکیل کنگره دوم حزب مرحله دوم این دوران آغاز میگردد. کنگره دوم (کنگره ارومیه) در سال ۱۳۰۱ تشکیل شد.

مهمترین مسئله همانا موضوع آرزوهای رضاشاه و چگونگی رویه سیاسی حزب بود. چیزی که در ک مسئله برای برخی دشوار ساخت، عدم احاطه به جریانات سیاسی جهانی و عدم اطلاع از تغییرات زرفی بود که در سیاست امپریالیسم انگلیس بوجود آمده و انگلیسها موفق شده بودند خطوط اصلی آنرا مدت مدیدی مستور نگاهدارند.

سیاست سنتی انگلیس در ایران و اغلب کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره جلوگیری از مرکز نیرو در دست حکومت مرکز، تضعیف این حکومت و تهدید آن از طریق مسلح ساختن ایلات و عشقرا ن آنها در مواقع لازم بود تا بدینوسیله همیشه اختیار حکومت مرکزی را در دست خود نگاهدارد. در همین حال در میان خود ایلات نیز تخم نفاق پاشیده میشد و امپریالیسم انگلیس از تمرکز آن استفاده میکرد.

پروپرتیهای قطعی انقلاب اکثریت حکومت جوان شهری منظره بین المللی را در گریختن ساخت. امید امپریالیسم به رهبری ضد انقلابیون داخلی روسیه برآورد نشد. لشکرکشی چهارده دولت علیه جمهوری جوان شهری بی نتیجه ماند. ارتشهای خارجی در برخورد با نیروی ارتش سوخ از جنگ سر باز میسزدند. برای باره نخستین کشور موسسالیستی نقشه های طولانی تری لازم می آمد. نقشه تضعیف اقتصادی و سیاسی حکومت نو بنیاد و محاصره نظامی آن در پلان اول قرار گرفت. برای اینکه حلقه

حسبی در این زنجیر محاصره وجود نداشته باشد حکومتیای نیرومند و متمرکز لازم بود. ایران پلی از این حلقه های محاصره بود. باقی ماندن آن بشکل يك کشور زخم گسخته که همواره میبایست کشمکش با ایلات و محاصره نیروهای داخلی باشد. نمیتوانست منظر امپریالیسم انگلیس را تا همین حد حکومت مرکزی نیرومندی لازم بود که سر سرود می امپریالیسم و دشمنان شوروی باشد. تمام جدمات آزادی ستای ایران از کودتای سوم تیر، اخراج سید ضیا، ادین تا بخت نخست رضاخان میبایستی از زانو می آید وضع نوین مورد بررسی و مطالعه قرار میگرفت و حال آنکه بنای تحلیل بسیاری از نیروهای مترقی و آزادیخواه رهبری حزب همان سیاست ستی سابق انگلیس بود.

علی‌التب سید ضیا، ادین و توفیق عدی نهادی از اشراف و اعیان و وابستگان به سیاست انگلیس، کوشش برای بزرگی با حکومت جدید شوروی مقابله ای برای جلب اعتماد نسبت به وی نمود. ولی سید ضیا، ادین شناخته تر از آن بود که بتواند نسبت بخود جای اعتماد کند. در همین حال رضاخان جوانی نام و مقام همه گونه امکان داشت که اخراج سید ضیا، ادین نسبت بخود جلب اعتماد کند و مجری نامرئی سیاست تازه، امپریالیسم انگلیس گردید. صحنه سازبها و عوامل فریبکاری که از اخراج سید ضیا، ادین تا بساده‌تر رسیدن رضاخان در مراحل بعدی در تنظیم فریب نیروهای مترقی احساس کردید. بزرگترین صحنه، عایشی "انگیزش" نامه فرستاد. "شکست" خزل را نیروهای فلسطینی شکست سیاست انگلیس و گامهای بزرگی میدانستند. رهبری حزب نیز این عمل رضاخان را مورد استقبال قرار داد و در سخنان همدار عایشی شد. روزنامه "تبعیت" رضاخان را در برکت از کارزار عایشه خزل با قصد "من زدا" و توغرا و ملت ایران رضا" استناب کرد.

بدین طریق سیاست ملی شناختن رضاخان در حزب ریشه های عمیق در او نهاده بود. گویانکه در آستانه ی کنگره این فکر مراتب ضعف تر و طرفدارانش قلیل تر شدند. با اینحال این بحث بهترین بحث کنگره شد. در قطعه ای منکره گفته می‌شود:

"عدی ای از رفتار چه در ایران و چه در خارج در چار اشتباهات شد و عقیده داشت رضاخان برعکس امپریالیسم انگلیس، مبارزه کرد است. ولی حقایق مسلم ای که در عرض چند سال جمع شده بود علنا مخالف این تصورات بود. بدین جهت بود که موضوع مهم کنگره، دوم مسئله راجع به جلوگیری رسیدن رضاخان به حکومت و فعالیت سیاسی او بود." (مجله ستاره شماره ۴۴ خرداد - تیر ۱۳۰۹، روشن - زمیسه ۱۳۱۰)

کنگره ی دوم موفق به تعدیل اوضاع جهان و ایران شد. خطوط اصلی سیاست انگلیس را در ایران روشن ساخت و خط مشی اساسی خود را تعیین نمود.

کنگره ی دوم برنامه ی جدید حزب را تصویب کرد. در مقدمه ای این برنامه در مسئله ارضی نوشته شده که از وظایف دولت آینده محو کامل بقایای نفوذ ایلیم در مرحله اول الفای اصول ملاکی اراضی و تقسیم بلا عوض زمینهای آریایی، رفتی و خالصه بین دهائین است. در متن برنامه چنین تصریح شده است:

"واگذار نمودن کلیه املاک دولتی و دولتی ملکن بزرگ و موقوفات بلا عوض به دهائین، ضبط املاک شاه و اشراف و خوانین و تقسیم آنها میان دهائین"

در باره ی مسئله ملی گفته شده است که:

"حزب برای آزادی کامیاب و استقلال داخلی ملی که جز مملکت ایران زندگی میکند حتی تا مجری شدن ایشان از مرکز در صورت تمامیل بودن اکثریت زحمتکش



آن ملل برای امر) مبارزه میکند*

کنگره ی دوم حزب کمونیست ایران از صفحات مهم تاریخ جنبش رهایی بخش مردم ماست و حد دارد که تصمیمات آن مورد مطالعه ای جداگانه قرار گیرد.

کنگره ی دوم از مبارزه ی درون حزبی نتیجه گیریهای سازمانی نیز به عمل آورد و جلیل زاد و برخی دیگر را که در انحرافات خود با فشار و موجب و گانگید در داخل حزب بود نه از حزب اخراج نمود.

در کنگره ی دوم کمیته مرکزی نوینی انتخاب شد. آخوندزاده، سلطانزاده، حسین شرقی، نیک سین، پنده روی، سبکی، و پیران وارد کمیته مرکزی گردیدند.

نتیجه ی عمده ی کار کنگره ی دوم ایجاد وحدت ایدئولوژیک و سازمانی در حزب بود. پس از کنگره دوم کمیته مرکزی نوین دست بنادر احیا سازمان و تبلیغات حزب شد. در کنگره اسما و جلسات عمومی با حضور نمایندگان میته مرکزی کمیته های ایالتی و ولایتی نوین انتخاب شد. به نواحی نافع سازمان حزب نمایندگانی اعزام گشتند. کار سازمانی با وجود شرایط سخت تعقیب پامس رونق گرفت. کمیته ی مرکزی برای کار در میان جوانان، دهقانان، ارتش، زنان و غیره مسئولیتی تعیین نمود که بسا جلب فعالین حزب بشود.

سازمان جوانان حزب از طریق ایجاد اتحاد به های حصین و تارهای فریبگیر دست به فعالیت نسبتا وسیعتری زد. در سازمان اتحادیه ی حصین نفوذ قابل توجهی در دربردی، دارالفنون و طبیب دست آورد. اتحادیه ی سوز و روزه شاگردان دارالفنون در سال ۱۳۰۱ پس از جدمات شرجی شد بود که رهبری اتحادیه ی حصین را در دست در تهران از طریق اتحادیه ی حصین کلاسهای آکابر و رفع پیوندی شد. در نقاط دیگر کشور نیز سازمان جوانان فعالیت قابل توجهی در دست زد.

با وجود دشواریهای بسیاری که کار در میان دهقانان در برداشت حزب موفق شد در باره ی از نقاط آذربایجان، گیلان، مشهد، تبریز نقاط انکاشی برای کار در دهات تشکیل دهد.

حزب کمونیست ایران، سنگ اولیه ستای کار در میان ارتش را گذارد.

حزب به کار در میان زنان نیز توجه لازم کرد.

ولی همشهر میدان فعالیت حزب، طبقه ی کارگر بود. کارگران ایران از همان روزهای اولیه ی تشکیل حزب کمونیست آرا به عنوان رهبر سیاسی و دسته ی پیشرو خود پذیرفته ولی فعالیت میان طبقه ی کارگر در مرحله ی اول دوران مورد بحث، یعنی تا قبل از کنگره ی دوم از سه نقطه ی نظر برای حزب دشواریهای زیادی در برداشت:

۱) حزب هنوز قادر روشنفکری کافی بصرف خود جلب و برای خود تربیت نکرد. بود نه بتوان آنها را میان کارگران گسیل داشت و جویسه ی آنها افکار مارکسیستی را در رهن طبقه ی کارگر برد.

۲) سوی کارگران نفت جنوب ته عدی آنها به روح زیاد میشد کارگر صنعتی دیگری بمعنی واقعی آن در ایران بوجود نیامد بود. کارگران ایران مبارزه ی خود از کارگران طبایع (خصوصی تهران)، کارگران قالی باف (خصوصی در کرمان و نناط دیگری که پیوسته ی دوری خود هنوز کمتر در شعاع فعالیت حزب قرار میگرفتند)، کارگران بنادر و کارگران شیلات (انزلی - پهلوی)، کارگران انواع صنایع دستی و بازار (بطور عمده تهران، اصفهان، رشت، تبریز، مشهد، قزوین، زنجان و غیره). حزب کمونیست ایران در

نقاط تمرکز بیشتر کارگری : مطابق، باربران بنادر، کارگران شیلات، کارگران بازار (کفای، خباط و غیره) فعالیت کرد و این فعالیت نسبتاً متمرکز بود. با اینحال پراکندگی طبقی کارگر و کمی‌دادن تشکیلاتی و تبلیغاتی امکان فعالیت جدی و بطرفی اولی فعالیت را که بتواند اکثریت طبقی کارگر را در برگیرد نامیسر میساخت؛

۳) سازمان حزبی د چارآشتگی و ناهاهدنگی بود.

پس از گذرگی دوم منظره‌ی کار بعد از قابل توجهی تغییر میکند :

- ۱) کادر بیشتری در دسترس حزب است، عده‌ای از این کادرها برای عملیات سیاسی هستند؛
- ۲) آشتگی و ناهاهدنگی جای خود را به وحدت سازمانی و هماهنگی در کار داد است؛
- ۳) با ایجاد مؤسسات صنعتی رفته رفته تمرکز بیشتری در صفوف طبقی کارگر بوجود می‌آید که با صرف نیروی کمتر میتوان شری بخت‌تری از کارهای سازمانی و تبلیغاتی بدست آورد.

علاوه بر این، پس از گذرگی دوم حزب موفق با ایجاد وسائل بیشتری برای تبلیغاتی خود شد. کمیته مرکزی، تصمیم گرفت برای نشریات حزبی و کارمان فصحایی اروپا مرکزی در خارج تشکیل گردد. این مرکز مابعد پت سازمان زاده که از طرف حزب ما "مور این کار بود تشکیل و مرتضی علوی بسر پرستی مستقیم آن آماده شد. تحت نظر این مرکز روزنامه "پیکار" (دبرلن) و مجله "ستاره سرخ" (در وین) منتشر شد که هر دو ارگان رسمی حزب بود. حزب توانست کار ارسال مقالات از ایران و پخش این محصولات را در ایران بخوبی سازمان دهد.

در سالهای ۱۳۰۸-۱۳۱۱ (۱۹۲۹-۱۹۳۲) جهان در چار بحران همسایگی اقتصاد شد. بحرانی که در آن واحد صنایع و کشاورزی رادر بر گرفت. هنگامیکه کشورهای مترو پول هنوز در آستانه بحران بودند طالا به آن به کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره از آن جمله ایران رسید. سرما به در آن خارجی دست میزدند تا بحساب این کشورها جلوی بحران را بگیرند. بحران شد پیسیدی کشاورزی و صنایع ایران را فرا گرفت. ضربه‌ی این بحران در دهه‌ی اول به پیکر زحمتکشان وارد میشد. طبقی کارگر برای بهبود وضع خود بیخ از هر موقع دیگری آماده می مبارزه بود. حزب کمونیست ایران خود را وظیفه دارم تشکیل ساختن این مبارزه میداشت. مهمترین نقاط کارگری آن زمان مؤسسات نفت جنوب و کارخانه‌های جدید آلتا، سین اصفهان و برخی از شهرهای دیگر بود. حزب نیروی خود را در این نقاط متمرکز ساخت.

اتحاد همی کارگران نفت جنوب که در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) با کمک برخی از فعالین حزب بود آمده بود فعالیت از خود نشان میداد. لذا حزب در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) درصدد دادن تشکیلات مدنی میان کارگران نفت جنوب برآمد و سازمان نسبتاً محکم بوجود آورد. از طرف این سازمان مخفسی برای تشکیل کنفرانس اتحاد به های کارگری اقداماتی بعمل آمد و بیانیه‌هایی منتشر شد تا اینکه در اواخر سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) این کنفرانس با شرکت ۲۰۰ نماینده تشکیل شد. کنفرانس تصمیم گرفت علیه ففای و اختلاف ملی که کمپانی در میان کارگران انداخته بود مبارزه کند، سازمان خود را توسعه دهد، دست با "سپس کلوب کارگری، کلو پراشله و غیره بزند" و علیه خریمه، کتک و فحاشی مبارزه کند.

در آخر از نیمه ۱۹۲۹ (۱۳۰۷) در اثر اقدامات کمیته‌ی اهلالتی حزب کنفرانس دوم اتحاد به های کارگران نفت جنوب تشکیل شد. عده‌ی اعضا اتحاد به رادراین زمان مجله "ستاره سرخ" مسیه هزار نفر میبود. کنفرانس علاوه بر تصمیمات سازمانی (سبط سازمان اتحاد به و غیره) بقرشته تصمیمات سیاسی گرفت: تقاضای تجدید نظر در امتیاز نفت جنوب، حاضر شدن برای اعتصاب در اول ماه مه و غیره. کمپانی که از جریان مطلع گشت در تاریخ ۲۹ آوریل شبانه ۹۳ نفر از فعالین و کارگران عضو اتحاد به را دستگیر کرد و بدین طریق اعتصاب را در روز اول ماه مه عمیق گدارد. ولی کارگران تصمیم خود را چند روز بعد اجرا کردند. روزنامه "ستاره سرخ" جریان این نخستین اعتصاب بزرگ کارگران ایران را چنین شرح میدهد:

"روز ۴ ماه مه ۱۹۲۹ ساعت ۸ صبح اعتصاب شروع شد. دستجات پلیس که در محل واقعه آماده بودند بدلت کمی جرئت حمله بکارگران ران نمودند. کمپانی زیر فشار موبتری خود را برای حمل قشون از بنادر و شهرهای دیگر بکار انداخت. کارگران آدن قشون را با خواندن سرودهای انقلابی و فریاد محو باد کمپانی انگلیس و ایران محو باد عمال امپریالسم، محو باد امپریالسم انگلیس تلقی کردند، با سبب انسان سبازان با شمشیر و قه‌های برهنه بکارگران حمله و کارگران با سنگ و چوب قاشق کزدند. در نتیجه ۲۰ نفر کارگر و ۱۵ نفر پلیس زخمی شد. ۴۰۰ از ده هزار نفر کارگر ۹ هزار کارگر در اعتصاب شرکت کردند. عملیات معدن بکلی فلج و دکابن همه بسته و کارگران بیکار بصف اعتصاب پیوستند و جمعیتی قریب بیست هزار نفر کارگر و کسبه در برابر قشون و پلیس ترتیب دادند. در همین روز در مسجد سلیمان ونواحی نزدیک دیگر نیز اعتصاب شروع شد."

مبارزه سخت کارگران سه روز ادامه داشت، ۳۰۰ نفر از کارگران بازداشت و زندانی شدند. تقاضاهای کارگران در این اعتصاب بشرح زیر بود:

- بالا بردن دستزد ۱۵٪،
- برسمیت شناختن اتحاد همی کارگری،
- برسمیت شناختن عهد اول ماه مه،
- دخالت دادن نمایندگان کارگران در موارد اخراج و قبول کارگر،
- هفت ساعت کار برای جوانان کمتر از ۱۸ سال و غیره....

اعتصاب کارگران نفت جنوب با وجود اینکه شکست خورد، با قعی بزرگی بود که اهمیت نیروی متشکل کارگری را برای نخستین بار نشان داد. مجله "ستاره سرخ" مینویسد:

"این اولین نمایش است که از حیث عظمت و تجمع افراد صورت یک اعتصاب کارگری را بخود گرفته است. پیشنهادهای کارگران ۴۰۰ بخوبی مدلل میدارد که کارگران جنوب تا چه حد بحق خود آگاه شده‌اند."

فعالیت حزب در نقاط دیگر تمرکز کارگری نیز موقیت آمیز بود. در سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) در کارخانه‌ی وطن اصفهان که یکی از بزرگترین کارخانه‌های آن زمان بود، پس از آنکه مقدس از طرف سازمان مخفی برهبری عماله اصلاهی - کارگران کنفرانسی از نمایندگان کارگران تشکیل یافت، کارگران دست به اعتصاب همگانی زدند. این اعتصاب که پس از دو سال از تاریخ اعتصاب نفت جنوب بوقوع پیوست

نشان داد که طبقه کارگر ایران همواره آماده مبارزه است و از حملات دار ارتجاع با همه ای بند ارد برعکس دستگاه حاکمه جبهه برد برای فرو نشاندن هر چه زود تر انتصاب صاحبان کارخانه را یاد آرد که با وجود وضع بحرانی قسمتی از تقاضاهای کارگران را بر آورد سازند. نتیجهی انتصاب این شد که ۰ بند رسید به دستزد کارگران افزود، ۱۲ ساعت کار روزانه به ۹ ساعت تقلیل یافت و عمل تحقیقاتی تفهیش کارگران بهنگام خروج از کارخانه موقوف گشت.

وسعت فعالیت تبلیغاتی و تشکیلاتی حزب امپریالیسم و ارتجاع را سخت نگران ساخت. رضاشاه که همواره کوشش داشت حزب راناد به بگیرد، اکنون در پیکره جبهه تثبیت قانون ضد نفوذی گردید. ۰ درم خرداد ۱۳۱۰ مجلس ایران فرمان رضاشاه قانون تنگین ضد کمونیستی را تصویب کرد. در همان سال پلیس رضاشاهی سازمان حزب دست یافت. ۰ عده ای از رهبران و فعالین حزب بازداشت و عده ای مجبور به کناره گیری موقت از کار حزبی شدند. ۰ فعالیت حزب موقتاً دچار رکود گشت. ۰ دوران رکود تا سال ۱۳۱۳ بطول انجامید.

از این پس مرحله سوم فعالیت حزب در دوران مورد بحث آغاز میگردد. مهمترین حوادث این مرحله انتشار مجلهی "دنیای" و محاکمه ۵۲ نفر بعنوان عضویت حزب کمونیست است. رضاشاه که قانون ضد کمونیستی را تصویب کرده اند هر چه چاه اجازتی استفاد از این قانون سپاه راهم ندان تا با یاد دادگاهها کرسی تبلیغاتی کمونیسم گردند. عدهی زیادی از کمونیستها سالهای متعاقب بودند و در زندانها بسر میبردند. ۰ عده ای از کارهای برجسته حزبی نظیر مجازی و علی شرفی، سید محمد تنبا، انزلی، استاد غلامحسین نجار، پرواوند پختیمان، پورحسینی و غیره بدست در زندان رضاشاه در زندانها جان سپردند.

ولی پس از آنکه سازمان نوین در سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) بدست پلیس کشف و عدهی زیادی بر زندانهای سابق افزود، رضاشاه در این مبارزه پیروزانهی زندانهای و فشار افکار عمومی مجبور گشتند زندانهای را تسلیم دادگاه کند. محاکمه ۵۳ نفر نخستین محاکمه ای بود که طبق قانون سپاه خرداد ۱۳۱۰ بعمل آمد. دادگاه در حقیقت بدست حاکمهی دستگاه حاکمه شد. آخرین دفاع در کتارانی ادعا نامه ای بود علیه رضاشاه و قانون سپاه وی. ۰ در نظر از زندانهای بعد از مجازات محکوم شدند. ۰ ولی جریان بعدی نشان داد که برای دستگاه حاکمهی رضاشاهی حتی این قانون سپاه هم ارضامکننده نیست. مرکز در کتارانی در زندان آن که بدستباری هیئت حاکمهی آنروزی انجام شد جنایت بزرگ دیگری بود که بر جریانات گذشته افزود. عده ای از زندانهای به مناطق بد آب و هوای جنوب اعزام گشتند تا آنها نیز دچار چنین سرنوشتی گردند.

ولی تغییر اوضاع جهان و سرنگونی رضاشاه امکان داد زندانهای سیاسی از چنگ دست دشمنان رها شده ببارد بکار فعالیت سیاسی خود در صفوف حزب بود. ایران بهر ازند.



درباره کنگره دوم (کنگره ارومیه)

کنگره دوم حزب کمونیست ایران (کنگره ارومیه) در سال ۱۳۰۶ تشکیل شد. مسائل مهمی تشکیل این کنگره را ایجاد نمود. کنگره پکرشته صحیبات سازمان گرفت. ولی اهم مسائل آن تحلیل اوضاع سیاسی آن مرحله، تعیین مناسبات و تصویب برنامهی حزب بود. در این زمینه کنگره دسترس مهم صادر کرد:

- ۱) برنامهی حزب.
- ۲) تزهایی سیاسی تحت عنوان "مطالعات راجع با اوضاع داخلی و بین المللی ایران".

تزهایی سیاسی در حقیقت پلانوم اساسی آنروز حزب است. در این سند وضع سیاسی، اجتماعی و طبقاتی ایران از نظر مارکسیستی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. کنگره صحیبات بر صحنای یک تحلیل صحیح به مسائل مهم آنروز پاسخ میداد. اهم این مسائل چگونگی ماهیت سیاسی، اجتماعی حکومت رضاشاه و تعلق طبقاتی آن بود.

رضاخان بجاوند امپریالیسم انگلیس دست بگراشد. ولی برای اجرای نقشه خود تکیه گاه اجتماعی داخلی لازم داشت. عدم تعلق به طبقات حاکمه، ظاهر به آزاد خواهی و میهن پرستی، مبارزه با رژیم روسیه می موجود در وهله اول قشرهای نسبتاً وسیعی از جامعه را به وی متقابل مساعدت میروزی ایران که در انقلاب مشروطیت دچار ناکامی شده بود همواره در جستجوی راه برای تیفهی قدرت بود. رضاخان توانست اعتماد میروزی را که همواره خرد میروزی شهر را بدست نبال میکشد بخود جلب کند. میروزی چنین می پنداشت که در رسماً رضاخان نماینده می خود را یافته است و بدست وی قدرت حاکمه تسلط خواهد یافت.

شعار جمهوری که رضاخان پیش کشید با نگاه اجتماعی وی را وسیعتر ساخت. وسائل بدست گرفتن قدرت فراهم شده بود. ولی وی به شمارهای سابق خود وفادار نماند. از قدرت خود بسوسد منظورهایی در پیکر استفاده کرد. راهی را رفت که امپریالیسم انگلیس و چاه طلایی آرمندی خودش پیش وی فرار داد بود. صاحب تاج و تخت، تثبیت نظام سلطنت و تمرکز نیرو بطنع منظورهایی تهاجمی امپریالیسم.

باغصب املاک وسیع، رضاشاه بدل به بزرگترین مالک کشور گشت. میروزی ملی که امید واری- هایش بر آورد نشده بود از رضاشاه جدا شد. ولی جدا شدن میروزی ملی بمعنای جدا شدن تمام طبقاتی میروزی از وی نبود. قشر کمرباد در همچنان بطنه یکی از تکیه گاههای حکومت رضاشاه باقی ماند.

میروزی کمرباد در دلال سرما به های خارجی بود. در معامله با سرما به دران روسیهی تزاری و انگلستان منافع هنگفتی باید این قشر از میروزی شد. سرما بهی اضافی که در دست میروزی کمرباد و اینهاشته میشد راه استفاده نداشت. ریختن سرما به در صنایع داخلی خطرناک بود. صنایع ملی تساب

مقاومت در مقابل سرما به های خارجی راند است. لذا عناصر بسیاری از بهرژواری کمراد هر سرما بهی خود را متوجه خرید املاک کردند. بدین ترتیب هم از سود حاصله از استثماری خود الی و هم از سود حاصله از لالی سرما به های خارجی بهره مند میشدند. لذا این قشر از بهرژواری رفته رفته در حفظ اصول فتود الی نیز ذینفعند. در نتیجه از نظر خارجی وابسته به امپریالیسم بود، از نظر داخلی وابستگی به طبقه مورد اتکا* امپریالیسم یعنی ملاکان بزرگ داشتند.

رضاشاه که خود مالک عدی می کشور شد و بعد اکنون در پیکر نقطه ای اتکا* نداشتن طبقه ملاکان بزرگ و قشر بهرژواری کمراد هر کرد. حمایتی هم که رضاشاه بعد ها از صنایع مینمود در واقع بطور عدی و منفعت این قشر از بهرژواری بود که با حفظ جنبه ای ملکی و یاد لالی خارجی قسمتی از سرما بهی خود را در تولید و صنایع نسبتا بزرگ بکار می انداختند.

برخی از بهربران حزب کمونیست ایران قادر به تحلیل و پالکتیکی از تحولات آن زمان نبودند. مرزهای رانکه برهمنی روی کار آمدن رضاشاه طی میکرد نمیدیدند. مجموع نتیجه تغییرات ماهوی حکومت رضاشاه شدند، اذ با برخورد دکماتیک خود در چار اشتباهات بزرگ گشتند.

این نکته بویژه متوجه جناح راست رهبری حزب در فاصله بین تصاحب تخت و تاج از طرف رضاشاه و کنگره ای دوم حزب است. این جناح از بهرژواری سخن میراند ولی ماهیت بهرژواری و قشر بندی های داخل آنرا در نظر نمیگردد. اینکه رضاشاه از بد و رود به صحنه سیاست از به مراحل بهره کسب کرده است تشخیص نمیداد. فرق بین این مراحل را نمیدید. رضاشاه و رضاشاه برایش یکسان بود. این جناح با تزه های ویژه خود به کنگره آمد. خلاصه ای آن اینکه:

* کودتای رضاشان (منظور کودتای سوم آفرین نیست بلکه فراند اختن قاجار است)؛
 (ک) معنای سقوط حکومت فتود الی و استقرار حکومت بهرژواری است. این کودتای
 * مبداء جدیدی در تاریخ معاصر ایران است.

تزه های آورده شده تا زگی نداشت. همین تحلیل بود که در سنوات اخیر حزب را در چارشنج و سردرگمی کرده بود. کنگره ای دوم پس از تجزیه و تحلیل صحیح سیاسی این تزه ها را مشاهده تمسزهای
 * اهرتونیستی و ضد انقلابی* ارزیابی کرد.
 در تزه های سیاسی کنگره در این باره گفته میشود:

* رضاشان هنگامیکه برای تصرف حکومت مبارزه میکرد حقیقتا کوشش نمید که به بهرژواری ملی اتکا نمید و حتی با عناصر جمهوری طلب و تشکلات طبقه برلتن را نیز مغایرله و عقود روشنی مینمود. اما عملیات او هیچوقت از د اثره مبارزه برای تصرف حکومت در قالب رژیم فتود الی و ملکی خارج نشد. این حقیقت که در موقع کودتای رضاشان (منظر سلطنت رسیدن است) ک... (طبقه فوقانی بهرژواری را از دست کرد و حلالام تاجدی تعلیم میکند بهرژواری بدون سلطنت رضاشان را ثابت نکسرد. بلکه ظاهر میکند که رضاشان با کمال مهارت توانست اساس رژیم ملکی فتود الی را بسازد و مساجد و طبقات طبقه فوقانی بهرژواری محکم نماید. برای رضاشان این مسئله از آن جهت با آسانی صورت گرفت که در مدت ده بهشت حال اخیر در ایران بهرژواری طبقاتی تجارتی باشد تمام سرما بهی خود را برای خرید املاک صرف نموده و از مسزایهای حقیقی فتود الی استفاده کرده و بهترین زمان معاملات تجارتی و صنعتی بد اخل میگرد.

بدین ترتیب طبقه اعلای بهرژواری ایران خود به حفظ مالکیت و استثماری

بیرحمانی در هاتین... علاقه مند میباشد.

منظور از "طبقه فوقانی بهرژواری" چنانکه در جای دیگر تزه ها با صراحه گفته شده است همان بهرژواری کمراد اوست. اینکه نوشته شده است "طبقه فوقانی بهرژواری از او تقویت کرد و حلالام تاجدی تقویت میکند" دقیق نیست. جریانات بعدی نشان داد که قشر بهرژواری کمراد هر همواره یکی از تکیسه- کاههای با برجای رضاشاه بوده است.

در تزه های کنگره کوشش شده است به تامل دیگری هم که در داخل حزب وجود داشت پاسخ داده شود. عدی می معتقد بود ندکاری که رضاشان کرد صرفا یک کودتای درباری بود، هیچگونه محتوای طبقاتی نداشت. تزه های کنگره این نظریه را رد میکنند و میگویند:

* اشتباه محض است اگر کودتای رضاشان را مانند یک کودتای درباری تصور نمایم.
 ولی متعاقب این حکم صحیح بقیه فرمول بندی تزه در این زمینه روشنی لازم راند. گفته میشود:

* این کودتای نهال و نتیجه مبارزه بزرگ در داخل طبقه فتود الی و بعد مبارزه طبیق حاکمه ای ملکی بر ضد کوشش بهرژواری برای داخل شدن در حکومت ها اواخر میازمی فتود الیها و طبقات فوقانی بهرژواری بر ضد نهشتهای انقلابی و تشکیلات انقلابی میباشد.

این تزه روشن نیست، زیرا اگر رضاشاه مورد استناد می قسمتی از دربارها و فتود الیهای ناراضی از دستگاه حاکمه هم قرار گرفته باشد بدی معنی نیست که وی طی تمام دوران مبارزه برای تصاحب تاج و تخت نمایند می قسمتی از طبقه حاکمه سابق - اشراف، فتود الیها و ملاکان بزرگ بوده است. و نیز وی نمایند می طبقه ای حاکمه در مبارزه علیه بهرژواری می نبود بلکه این بهرژواری را نقطه اتکا* قرار داد و سپس آنرا فریب داد.

جناح راست رهبری حزب با تحلیل خود اثر بر اینکه باروی کار آمدن رضاشاه حکومت بهرژواری در کشور مستقر شده و مبداء جدیدی در تاریخ ایران باز شده است و در نتیجه در پیکر نیز میگردد؛ یکی اینکه با وجود رضاشاه تحول مسالمت آمیز (با اصطلاح آن زمان: "ترقی صلح آمیز") مرحله بعدی ممکن است و حزب برلتن را باید چنین امکانی را از نظر دروندارد، دوم اینکه در مبارزه با امپریالیسم تسا درجه نهادی میتوان به حکومت رضاشاه تکیه نمود؛ این حکومت نمایند می طبقه ایست که منافعه سیاسی با امپریالیسم در تضاد است، خود رضاشاه که بر اساس حکومت قرار ارد عنصری است مبین پسرست و ضد خارجی.

تزه های سیاسی این بحث را بشرح زیر جمع بندی میکند:

* درس و نتیجه ای واضیحی که از مسئله کودتای رضاشان گرفته میشود عبارت از آن است که این کودتای مخصوصا رژیم سیاسی که بعد از آن برقرار گردید به هر صورتی و راهی راجعه امکان یک ترقی صلح آمیز مبارزه طبقاتی در ایران بر طرف نموده است.

و سپس:

* از رویکه رضاشان بر عرصه سیاست قدم گذاشت متکی به انگلیس بود ولی تا سال ۱۹۲۵ خیلی ها با این حقیقت بی نبرده بودند. بعد از خلع نمودن شرفی های انقلابی بود می زحمتکشان، و بعد از تاجگذاری اتحاد سخی میان رضاشان و

انگلیس بسته شد. بنابراین هرگاه بگویم که در رد یک مدافعین تخت و تاج سلطنت رضاشاه و پهلوی که عبارت از اعیان و اشراف و روحانیین و یک قسمت از بسوزواری کمرداد و یعنی بسوزواری دلال تجارت خارجی (امیرالیمپا) انگلیس هم جاگرفتنه است احرافی نگفته ام. این مسئله منافی با آن نیست که گاهی نیز رضاشاه برخلاف سیاست استعماری انگلستان در تحت فشارمخت جغرافیه مهائی بسرارد (فراراد با روسیه).

چنانکه در مقاله پیشین گفته شد پس از مرز بندی در نیروهای ضد امپریالیستی، بسوزواری انقلابی در حزب اجتماعیون متشکل گشت. جناح راست بسوزواری رفته رفته از جنبش کنار رفت. بسوزواری کمرداد و جناح راست بسوزواری ملی یکی از نایب های حکومت رضاشاه را تشکیل دادند. این بخش از بسوزواری طرح تشکیل حزب نوبنییخت. حزب جد بد نام "ایران نو" بخود گرفت. (پس از آنکه مدتی رضاشاه تشکیل این حزب را موقوف ساخت). جناح راست رهبری حزب که رضاشاه را هدایت نمائند می بسوزواری ملی میدانست حزبی را هم که بدست طرفداران او تشکیل میسند حزبی مترقی میسند. این جناح معتقد بود که اعضا حزب کمونیست ایران همچنانکه سابقا در حزب اجتماعیون فعالیت میکردند در این حزب نیز میتوانند وارد شده تشکیل فراکسیون بدهند. این نظرسر زائید می ارزنایب غلطی بود که از این حزب میسند. کنگره دوم موقعی تشکیل یافت که حزب "ایران نو" به فعالیت آغاز نمود و در برنامه برای فعالیت آن قائل بودند. بنابراین موضوع شرکت در این حزب نیز در بلاغرم جناح راست با نظر مثبت ارزنایب میسند. لکن کنگره که نظر خود را نسبت به ماهیت حکومت رضاشاه و پایه های اجتماعی این حکومت روشن کرد نسبت به حزب "ایران نو" نیز بشرح زیر اظهار نظر نمود:

"حزب فاشیست ایران نو" که چندی قبل از این تأسیس شده و خود رضاشاه آنرا رهبری میکنند بدون شک قبل از همه بهما رز به ضد حزب کمونیست ایران ما میخواستند شد. حزب کمونیست ایران باید با تمام وسائل و قوا حقیقت ارضاعی این حزب را در برابر رنجبران ایران فاشی آشکار کرده، تودهی وسیع و زحمتگش را بخوبی آگاه نماید که این حزب در دست انگلیسها وسیلهی جد بد و یکی از وسائل مهم برای فریب دادن ملت و اسپر کردن مملکت میاشد."

رضاشاه حزب اجتماعیون و هرگونه حزب سیاسی را قدغن کرد. فعالیت سازمانهای مترقی غیر سیاسی نیز ممنوع شد. بدین طریق حزب کمونیست ایران که در همهی این سازمانها وارد بود حلقه هسای واسطی را برای رابطه با توده ها از دست میداد. رهبری حزب معتقد بود که باید هر چه بیشتر و مسائل تلفیقی کار علمی و سفلی را فراهم ساخت. روی این موضوع در تظاهرات کنگره تکیه شد و گفته میسند که حزب موقوف است از همه گونه وسائل مکنهی علمی و حسری برای احیا اتحاد پی کارگران استفاده کند. در تظاهرات میسند که "شکل طبیعی" شکل کارگران و دهقانان، اتحاد پی های کارگری بد هفتائی است. بعلاوه با پستی از سازمانهای پیشه وران که در دست راستی تواید کرد بد و عبارت از جماع مختلف است اتحاد پیه اصناف و صنعتگران و غیره میاشد" استفاده میسند.

ولی در این قسمت تصمیمات کنگره پیگیرانه نیست. در این تصمیمات روی کمک به تشکیل جماع عانی و استفاده پی کامل از آنها تکیه نشده است. نتیجه کنندگان تظاهرات کنگره بیشتر تحت تاثیر فعالیتی هستند که خود حزب کمونیست ایران در سازمان اجتماعیون کرده و حزب کمونیست چین در حزب کمونیست انجام داد. بدین در تظاهرات خود، کنگره معتقد است که با پستی یکبارد بگرهمن راه رفت و اگر حزبی

وجود ندارد که بشود در داخل آن فعالیت نمود. باید یکمکه کرد تا چنین حزبی وجود آید. در این زمینه کنگره برای رهبری حزب برنامهی عمل معین میسند. خلاصی این برنامه اینست که باید برای اچسناد رابطه با سازمانهای جد آگاهی کارگران، دهقانان، پیشه وران و بسوزواری کوچک کوشش نمود. این روابط را با اصول تشکیلی مستحکم ساخت. سپس در میان سازمانها دستجات جیب تشکیل داد. این دستجات رل فراکسیون را بازی خواهند کرد. توسط این فراکسیونها بد وسیلهی اختلاف بهمن سازمانهای جد آگاهی را فراهم نمود.

"اول آنها را بشکل ائتلافی میسند و بعد بشکل ائتلافی میسند و در اسیسی انقلابی در آورد. و بالاخره پس از تهیهی مقدمات اساسی، تشکیلی و سیاسی وسائل حزب ائتلافی انقلابی، یعنی حزب انقلابی ملی ایران را فراهم آورد."

تشکیل چنین حزبی در تظاهرات بشرابط معینی شده و گفته میسند:

- ۱) "حزب کمونیست ایران تشکیل یک چنین حزبی را باید در صورت وجود بودن شرایط ذیل جزو مقاصد خود قرار دهد:
- ۱) حزب انقلابی ملی ایران باید حزب اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان بسوزواری کوچک باشد،
- ۲) اساس آن باید تشکیلی باشد که حزب کمونیست ایران در آن رل رهبری را بازی کند،
- ۳) این حزب بد برد استقلال سیاسی و تشکیلی حزب کمونیست ایران در دست اندازی و اقدامات کند."

در خود این شرایط نیز تناقض بدیده میسند، زیرا اگر نقش رهبری را در حزب مورد نظر حزب کمونیست بازی کند، در آن صورت شرط سوم زائد است و اگر چنین نباشد از پیش نمیتوان تضمین هسانی قائل شد.

البته کنگره مشکلات امر را از نظر درون داشته است. با اینکه مقدمات عمومی تا سپس حزب انقلابی ملی را فراهم میسند این موضوع را مسئلهی روز نمیداند. علاوه بر آن عمل خبیات بار حزب گویند آن جیب را که در دست در آستانهی تشکیل کنگره رخ داد در نظر آرد. ولذ انصحیح میسند:

"حزب کمونیست ایران هنوز بسیار همبف است و فکر ایجاد حزب انقلابی ملی ممکن است آلت استفاد هی عناصر مخالف واقع شود. مشکلات و مقدمات تشکیلی حزبی حزب گویند آن" و حزب کمونیست چین ممکن است در شرایط ایران با شکل خطرناک تری برای انقلاب تکرار شود. از طرف دیگر حزب کمونیست ایران نباید به مخالفین خود امکان دهد که زمان چنین تشکیلی را بدست خود بگیرند. هرگاه پیسقی از آنکه حزب کمونیست ایران بطور کامل و کالی برای چنین کاری حاضر شود از یک طرف اقداماتی برای تشکیل حزب انقلابی ملی بشود حزب باید بهترین قوای خود را آماده کند که در رهبری گردن این امر خود را داخل نموده و سعی کنند کسه رل رهبری را بدست خود گیرند."

باطرح موضوع تا سپس حزب انقلابی ملی کنگره خواسته است پاسخی به یکی از مسائل مهم روز داده باشد. ولی چنانچه می بینیم راه حل صحیح مسئله در پیش گرفته نشده است.

یکی از بحثهای علمی که در آئین حزب را بخود مشغول ساخته بود موضوع امکان رشد سرمایه - در ایران و چگونگی عبور ایران از این مرحله بود. تزهائی کنگره به این طالب سخن صریح پاسخ میداد:

" در ایران شرایط صوری ترقی سرمایه داری هنوز موجود نمیشد ، زیرا ایران هنوز در مرحله تجمع اولیه ی سرمایه راطی نکرده و برعکس بواسطه ی کسود امنی صادرات نسبت به واردات هنوز سرمایه ی قابل توجهی ذخیره نند . است . . . با این جهت سرمایه داری در ایران با بودن رزم حاضر فقط از طریق ضمیمه شدن به سیستم کلنی های انگلیس ممکن میباشد . . . هرگاه در نظر گرفته شود که بهترین مواسسات درشت اقتصادی مملکت از قبیل پانله و تلگراف و نفت و غیره در دست انگلیسها متمرکز یافته است معلوم خواهد شد که هرگونه حرفی راجع بتوسعه ی سرمایه داری و ترقی صنایع در ایران بی اساس و بی معنی است . هرگاه ایران میخواهد در مقابل دول امپریالیستی حقیقتاً دارای استقلال کامل بوده و مدخل به سه پلک مستعمره سرمایه داران انگلیس نشود بر او لازم است (و او بر این کار قادر است) که از طریق سرمایه داری صرف نظر کند ."

باید گفت پاسخ هم که کنگره بموضوع مورد بحث آئین داده است خالی از اشتباه نیست . قبل از هر چیز علت عدم رشد سرمایه داری در ایران در این تاز دست ذکر شده است . در ایران تجمع اولیه نقد کافی موجود بود . است . بارها سرمایه ی ملی متوجه ایجاد صنایع داخلی شد . چیزی که هرگز نه اقدامی را خنثی میکند ثابت بی امان سرمایه های خارجی بود . کارخانه های روشکست شده ی نفت ، کبریت ، پلور و غیره نمونه ی کافی برای اثبات این مطالب است . در همین تها گفته میشود که سرمایه - های اضافی راه خروج خود را در خرید املاک می یافتند . در استناد دیگر حزب کمونیست ایران نیز این موضوع بارها امکان یافته است . با ایجاد اینها " مل نشدن در مرحله تجمع اولیه سرمایه " بختیوان علت اصلی ذکر میشود .

تکلیفی قابل ایراد دیگر این تزی نتیجه گیری آنست . در این نتیجه گیری واقعیت وضوع آئینی ، تناسب نیروها و سیر انقلاب سوسیالیستی در جهان کاملاً در نظر گرفته نشده . این نوسوت که در آن گفته میشود ایران " قادر است " از سیر طریق سرمایه داری صرف نظر کند ."

یکی از مسائل مهم مورد بحث کنگره مسئله ی ملی در ایران بود . ایراد نیشوریست که در آن اقوام و خلفای گوناگون زندگی میکنند . امروز هم که بیش از سی سال از تشکیل کنگره ی دوم حزب کمونیست ایران میگذرد هنوز در این مسئله روشنی کافی وجود ندارد . بطریق اولی در آئین حل این موضوع بخرنجز بنظر میسرید ، با پنخال کنگره ی دوم خواه در تزهائی خود و خواه در برنامه ی حزب خطا منسی روشنی در این زمینه اتخاذ کرد . در تزهائی کنگره گفته شده است که :

" حزب کمونیست ایران باید مطالبات و شعارهای عمومی تمام احزاب کمونیستی دنیا را راجع به مسئله ی ملی یعنی حق هر ملت بر استقلال کامل خود راجع بر بنسایمی خود قرار دهد ."

در همین حال کنگره حزب تجزیه حزب طبقه کارگر و تشکیل احزاب د پگز کارگری را بر حسب علامت ملی مجاز نشمرد . است . با اینکه در آن موقع این مسئله از مسائل حاد و مورد بحث نبود . است کنگره ی دوم لازم شمرده و وجود حزب واحد را در تصمیمات خود منمکن نماد . در تزهائ گفته میشود که حزب باید " تشکیلات خود را در میان تودی زحمتمکان این ملل تا سپس و مستحکم نماید " و " مظاف است

بطور کامل و کافی به این ملل . بنمایند که حزب کمونیست ایران یگانه حزب طرفدار آرنیاست " و تا " کسید میشد که فقط از راه توحید قوا و تشکل در این حزب میتوان پیروز شد ."

علاوه بر مسائل فوق کنگره در باره ی پکرشته از مسائل دیگر نیز اظهار نظر نمود . از آن جمله در باره ی جنبشهای انقلابی سالیان اخیر :

رضاشاه در عین مبارزه با آزاد خواهان دشمن سرسخت جنبشهای آزاد خواهانه بود . در سرکوب پاره ای از این جنبشها از اختلافات درونی استفاده کرد (گیلان) - در مورد برخی دیگر راه لجن مالی کردن آنها را پیش گرفت . از این روش در باره ی جنبش خراسان برهبری کلنل محمد تقی خسان استفاده ی کامل شد . در وی این جنبش از سایر جنبشها فضاوت در باره ی آنرا دشوار میساخت . این جنبش و بویژه محتوی ضد امپریالیستی و ضد انگلیسی آن پیشده بود . رضاخان از این جدائی برای شتم ساختن کلنل و جنبش خراسان استفاده نمود . کلنل راتمبم به رابطه با انگلیسها کرد . مختصر مراجعه به مطالبات آئین نشان خواهد داد که رضاخان در این کوشش خود کامیابهای بدست آورد . چیزی که با این کامیابها کتک میکرد این بود که خود رضاخان تا مدت در نظر برخی قهرمان مبارزه بر ضد امپریالیسم انگلیس بشمار میرفت . بنابراین القات وی بود بی ابهامی روی ماهیت جنبش کلنل محمد تقی خان کشیده بود . بسیاری از آزاد خواهان و حتی اعضا " حزب کمونیست با وارد اشتد که جنبش کلنل از جانب انگلیسها تقویت میشود . بخصوص با نظری که جناح راست رهبری حزب نسبت به رضاخان - رضاشاه پیدا کرد . بود به چنین نتیجه ی " منطقی " هم میتوانست برسد . کنگره ی دوم بر سر مسائل نسبت به جنبشهای انقلابی گذشته بعمل آورد . جبهه ی واقعی رضاشاه را بعنوان جلد جنبشهای آزادی - خواهانه فاش ساخت . به تمیتهای ناچوا نبرد آنه ای که عد ای از رهبران این جنبشها و بسوی پژه کلنل محمد تقی خان در معرض آن قرار گرفته بود پاسخ داد . گفته های زیر در تزهائی کنگره پیروز مرچط به جنس کلنل محمد تقی خان است :

" حکومت استبدادی و روزنامه نویسهای اجیر تهران برای بد نامی نهضت انقلابی و بر طرف نمودن نفوذ آن در میان تودی ه ی زحمتکش چه در داخله و چه در خارج جبهه رهبران و قائدین انقلاب بجز اجیر و مزدور انگلیس و خود نهضت را از دستاس دولت انگلستان معرفی میکرد بد برای اینکه بتوانند با تساو ت زیاد تری نهضت انقلابی ملت راخته کنند ."

حزب کمونیست باید با همعی وسائل پرده از روی جنایات مزدوران و عمال شاه برداشته و با این وسیله انقلاب بین ایران را از این قبیل تمیتهای محفوظ دارد ."

در کنگره مسائل مورد ابتلا روز و شمارهای تاکتیکی حزب نیز مورد بررسی قرار گرفت . از جمله موضوع انتخابات ، لزوم با عدم لزوم شرکت در آن بود .

حزب کمونیست هنوز رشد کافی نداشت . نفوذ حزب در بین توده های وسیع کم بود . لذا عد ای عقیده داشتند که در چنین شرایطی حزب باید همچگونه شرکت در انتخابات نداشته باشد . روش حزب باید با پکت باشد . تزهائی کنگره پاسخ صحیحی با این مطلب داد و امتناع از شرکت در انتخابات را درست ندانست . در تزهائ گفته شده است :

" اصول پارلمانی در ایران همیشه در دست طبقه ی حاکمه آلت نریب و رشخند و وسهلی تعدی و ظلم بتودی ه ی زحمتکش بود . است . حزب کمونیست ایران در همان حال که خاصیت و صفت حقیقی پارلمانهای حالیه را براری تودی ه ی زحمتکش تشمسح مینماید نباید از شرکت در انتخابات مجلس امتناع ورزد ."

در پایان تظاهراتهای مربوط به دوران مورد بحث بشرح زیر مطرح میشود :

- * مهمترین شمارهای حزب کمونیست ایران در این دوره باید تا بعد کردن رژیم سلطنت و استقرار جمهوری انقلابی باشد. جمهوری انقلابی با پشتیبانی ساوا مسائل لازم اجرای وظایف زیر را میدهد :
 - (۱) حفظ استقلال و تمامیت ایران در مقابل دول امپریالیست .
 - (۲) استحکام علاقه و دوستی ما بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی .
 - (۳) سپردن امور و مهمان خویشی بدست عناصر انقلابی .
 - (۴) محو نابود کردن قطعی بقایای فئودالیسم و تقسیم زمینهای اربابسی و غیره بین دهاقین .
 - (۵) استقرار کامل آزادی و دموکراسی .
 - (۶) وضع قوانین برای کارگران و حفظ حقوق آنها و مسلح کردن تشکیلات انقلابی کارگران و دهاقین و صنعتگران .
 - (۷) وضع قوانین انقلابی که باشد بدترین وجهی همهی اقدامات و کوششهای ضد انقلابی را برای استقرار اصول قدیمه محو و نابود سازد .*

برنامهی حزب قبل از گذرگی دوام بجا بماند از تظاهراتی که در رکنهای اول حزب تحت عنوان "وضع اجتماعی، اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست" .

کنگره ی دوام برنامهی حزب راجع به عنوان "پروگرام عملیات حزب کمونیست ایران" و نظامی حزب راجع به این و تصویب نمود. این برنامه که بر اساس تحلیل تظاهراتی کنگره ی دوام نگارش یافته مشتمل بر مقدمه، بخش سیاسی، بخش اقتصادی، سیاست ارضی حزب، بخش مربوط بقوانین راجع بکارفرمایان و اتحادیه ی کارگران، بخش اجتماعی، سیاست مالی حزب و بخش مربوط به تشکیل شرکتهای تعاونی (کوآپراتیف) است .

نه تظاهرات فوق و نه برنامهی حزب عاری از نقائص و اشتباه و بجز در هر از اشتباه همه گیر آنزمان - چپ روی - نیست . با اینحال هر دو سند که بر مبنای تحلیل مارکسیستی تنظیم شده از اسناد مهم جنبش آزاد پخش مردم ایران است که آشنائی با آن بویژه برای اعضا حزب ماضوری است .



حزب

دوران مبارزات علنی

مرحله اول - از تشکیل حزب توده ایران تا کنگره اول (مهرماه ۱۳۲۰ - مرداد ماه ۱۳۲۳)

۱- ضرورت تاریخی پیدایش حزب علنی طبقه کارگر - حزب توده ایران

الف - شرایط عینی

تحول در اوضاع اجتماعی - کودتای سوم اسفند مقدمات سقوط حکومت قاجار به روی کار آمدن رضاشاه را فراهم ساخت و این یکه پدیده ای تاریخی بود. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بویژه انقلاب کمپرونیستی اکثر تا "تیر زرف و تکان دهند" ای در ایران داشت. جنبشهای انقلابی و رهاشی بخش یکی پس از دیگری نواحی مهم کشور (آذربایجان، گیلان، خراسان) را فرا میگرفت. نیروهای انگلیس تحت فرمانداری ژنرال د نسترویل، که خود را از طریق ایران به ماوراء قفقاز رسانده بودند در اکثر پهنیهای ارتش سرخ مجبور به عقب نشینی و سپس تخلیه ایران گردیدند، ولی این عقب نشینی بمقتای صرف نظر کردن از تسلط بر ایران نبود، بلکه بدان معنی بود که سیاست نوینی در مورد ایران اتخاذ خواهد شد.

برای امپریالیسم انگلیس اکنون مسئله مهم دیگری، یعنی موقعیت سوق الجبعی ایران میباشد. هر زمان که مطرح بود در یک ششم کره زمین، در همسایگی ایران، که بیش از ده هزار و پانصد کیلو متر مرز مشترک با روسیه داشت اکنون کوششی موسوم به "سیاست نوین" مستقر شده بود .

امپریالیسم انگلیس نقشه های متعدد دی برای اسقاط حکومت نوسیناد موسوم به "سیاست نوین" برآورد که بی نتیجه ماند. لذا اکنون در صد تشکیل یک حلقه محاصره نیرومندی بدور کشور شوروی برآید. بسود ایران از نظر این سیاست میباید یکی از حلقهات این زنجیر باشد. بدین منظور لازم می آید که حکومت مرکزی نسبتاً مقتدری روی کار آید که در همین حال خدمتگذار امپریالیسم انگلیس باشد. این سیاست بسود که جانشین سیاست سنتی انگلیسها د اثر به تضعیف حکومت مرکزی شد .

حکومت ضعیف و بی اعتبار قاجار به نمیتوانست از عهد و این وظیفه برآید. از این نظر نقش کودتای سوم اسفند تحت نظارت مستقیم مأمورین انگلیس طرح شد و انجام گرفت و از آنجا که سید ضیا - ابدین طباطبائی - این عامل شناخته شده امپریالیسم انگلیس را هیچ غمیل تعمیدی نمیتوانست پاک کند نقش عمده بر عهد و رضاخان گذارد. شد که کله عوامل لازم برای عیاق فریبی و استفاده از نسر و های وسیعتر را در اختیار داشت .

رضاخان بخصوصی از عهد و وظایف محوله برآید. نخست بازی با نیروهای آزاد بخواه، سپس سرکوب آنها، تشکیل ارتش متحد الشكل و یک حکومت مرکزی مسلط بر اوضاع کشور و تأمین مقاصد سوق الجبعی امپریالیسم انگلیس .

شد طبقه کارگر - تحلیلی که از حکومت رضاشاه از جانب برخی مورخین بعنوان حکومتی کدر صد راه ساختن رشد سرمایه داری در کشور بود، میشود. تحلیلی است نادرست. تکیه گاه اجتماعی - حکومت رضاشاه نبود آنها و بویژگی کمرباد هر بود. رضاشاه خود در اندک مدتی بزرگترین مالک و قوی

شد که استثمار نیمه فواید در تمام املاک اختصاصی شدت هرچه تمامتر اجرا می‌شد.
با خیال سرما به داری در زمان سلطنت رضاشاه، بویژه در دوم سلطنتش بحمل عینی و
ذهنی چندی رشد نسبتاً قابل توجهی کرد:

- ۱) پیروگرفتن حکومت مرکزی و برقراری امنیت داخلی موجب شد قسمتی از سرما به های انباشته شده که قبلاً راه فرخ‌خود را در خرید املاک و استفاده از وجود شرایط استثمارشده پیدا در روستا یافته بود بتدریج متوجه صنایع گردد.
- ۲) رضاشاه در آرزوی خود تنها به نسیب املاک اکتفا نمی‌کرد. تعدادی از کارخانه های بزرگ را که بخرج دولت برپا می‌شد بخود اختصاص می‌داد و از این راه بدل یکی از سرما به داران عمده کشور شد. بزرگترین کارخانه های نساجی مازندران که نیروی تولیدی پیش برابریک سوم کاه کارخانه های نساجی کشور بود به شخصی وی تعلق یافته بود.
- ۳) فشار بیرونی رشد پاینده و منافع شخصی رضاشاه بعنوان پلک سرما به دار بزرگ گذراندن توانی برای در جهت حمایت صنایع داخلی موجب می‌شد که خود این نیز انگیزه بعد سرما به گذاری در صنایع بود.

این عوامل موجب رشد نسبتاً سریع صنایع داخلی در دهه ۱۹۲۰-۱۹۴۰ گردید، چنانکه طبق آمار بانک ملی ایران تعدد اشرکتهای به ثبت رسیده در این مدت از ۹۲ به ۱۷۴۵ و سرمایه سه آنها از ۱۴۴ ملیون به ۱۸۶۴ ملیون رسید. اگر به این رقم کارخانه های دولتی و نظامی جدید نیز اضافه کرد در صد قابل توجهی را نشان خواهد داد.

از نظر تحولی که در وضع طبقه کارگر ایران بوجود آمد به این نکته نیز باید توجه کرد که تنها رشد عددی کارگران مطرح نیست، بلکه وجود آمدن صنایع نوین موجب پیدایش نیروی کار نیز گردید. اگر قبلاً از سال ۱۹۳۰ صنایع ایران بطور کلی عبارت از صنایع دستی کوچک و پراکنده از قبیل قالین، ابریش، وغیره بود اکنون کارخانه های بزرگ بوجود آمده بود که در نقاط معینی متمرکز داشت: اصفهان، تهران، تبریز، بزرگترین مرکز کربلای - شرکت نفت جنوب - عد - کارگزارانش پس از تجدید قرارداد نفت در سال ۱۹۲۲ (که یکی از صدهای جنگ بزرگی رضاشاه با انگلیسها بود) و اعتماد شرکت به تثبیت وضع خود از ۱۰ هزار تا به یکصد هزار نفر رسید. ساختمان راه آهن سرتا سری ایران بیش از سی هزار نفر کارگر را بکار مشغول ساخته بود. نتیجه اینکه در آستانه جنگ دوم جهانی در حدود ۶۵۰ هزار کارگر در صنایع ایران مشغول کار بود. اگر این حقیقت را در نظر بگیریم که چنانکه لنین میگوید اهمیت پروتاریا برآیند با لاتراز سهم عددی این طبقه در بین مردم است، آنگاه ارزش نیروی بوجود آمده برای جنبش رهاشی بخش ملی کشور ما معلوم می‌شود. بویژه اینکه در میان طبقه کارگر ایران هسته آزما پیش در پدید آید وجود داشت که در نرسه سن اوقات مبارزه خود را زیر رهبری حزب کمونیست ایران تریک نکرده بود.
مدلی که باید اضافه نمود وضع رفت بار طبقه کارگر در باختر سلطنت رضاشاه است. با وجود تریک و در برابر همه زندگی، جایی که مال اخیر دستمزد ناگزیر تنبیر، بیافه برده روز کار یک کارگر غالباً از آفتاب تا آفتاب بود. حد اکثر دستمزد ۵۰۰ ریال در مقابل ۱۱-۱۲ ریال حد اقل هزینه روزانه، منافا براینکه زمان و لوگ کار نیز مجبور بودند کار کنند و باید اکثر استثمار نازلترین دستمزد را دریافت می‌کردند.

وضع دهقانان و سایر زمینداران - حکومت رضاشاه در وضع دهقانان، چگونگی استثمار آنها و مناسبات آن با بخش کوچکیین بهیچوجهی ایجاد نکرد. برعکس ورود سرما به های بازرگانی و انتظامی دیگر به دهات و به استثمار و بهره گیری بعد قابل توجهی افزود.
وضع آباد تریک نقاط روستای ایران (دماوند تهران) طبق آمار رسمی در آن موقع شرح زیر بود:

دهقانان زمین ۶۰٪، از بقیه ۴۰٪ بهتر از ۲۵٪ دارای قطعه زمینی کمتر از یک هکتار که بسا وضع زراعتی آنروزی حاصل کارشان زندگی بخیر و تمیر را بزیجت تأمین می‌نمود. از ۱۵٪ بقیه تنها پنج درصد دارا بیش از سه هکتار زمین بودند.

چنین بود تریا، بود وضع دهقانان، که بیش از ۷۰٪ اهالی کشور تشکیل می‌دادند. بهره کشی بویژه در زمانک اختصاصی شد پیدا بود. دهقانان این املاک در واقع وابسته بزمین بودند. هیچ نگاه محتاج بکارگر حتی پذیرفتن دهقانانی که املاک اختصاصی را ترک می‌کردند نداشت. حتی راه آهن ایران در بخش مازندران جبراً بود کارگزارانی از نقاط دیگر ایران استخدام نمود. از طرفی نیز ضربه اصلی بحران اقتصادی جهانی سالهای ۱۹۲۹ - ۱۹۳۱ که موجب رکود صادرات ایران گردید بر بیکرد دهقانان، پیشه وران و خرید، بیرونی شهر یار شد که هیچگاه ترمیم نکردید. دهقانان همچنان زیر بار وامهای کمربنکن باقی ماندند، بسیاری از پیشه وران و خسرده بیرونی شهر یا بکلی ورشکست شدند و در ردیف کارگران قرار گرفتند. یاد رجال نیمه ورشکست باقی ماندند.

* *

چنین وضعی بود که طبقات زحمتکش را آماده برای مبارزه می‌نمود. ولی عدم رضایت از حکومت دیکتاتوری رضاشاه تنها این نبود. این عدم رضایت در میان بیرونی ملی، کارمندان و بویژه روشنفکران که تا حدی ماهیت این حکومت را درک کرده بود نیز زیاد بود. حتی قسمی از طبقات میزدا آنگاه - خصوصاً هم از بیم تجاری که همواره به املاک و دارایی آنها از طرف دشمن رضاشاه میشد با القوه در مقام این سبب قرار گرفته بودند.

لذا با جریتم می‌توان گفت که تکیه گاه بعد حکومت رضاشاه در سنوات اخیر سلطنتش در واقع الگاری نظامی و تشریح و کراتیک با لای بود که خود از قبل این حکومت طرف قابل توجهی بسته بودند.

* *

در چنین شرایط عینی است که، چنانکه در ترهای کتبه مرکزی حزب بود، ایران بعنا سببست ۲۵ - بین سالگرد تا سیمیز حزب گفته میشود:

* جامعه ایران به حزب، طراز نوین طبقه کارگر مجهز به جهان بینی انقلابی و علمی مارکسیسم - اینهمس که نتواند تناقضات اجتماعی را بد رستی باز نشاند، در میان دردهای آفریدست دهد، در برابرش افق روشن تلاش و نبرد برای نهل بسسه دگرگونی و موسیاسیم بگشاید، برنامه عینی پند تحول بنیادی جامعه را عرضه دارد و در راه چنین برنامه ای صادقانه و بی برنامه ریزند، نیاز فراوان دانست.*

ب - عامل ذهنی - نقش حزب کمونیست ایران

تنها وجود این شرایط عینی برای پدید آید و رشد سریع حزب طبقه کارگر کافی نبود. عامل ذهنی نیز لازم بود که از این شرایط استفاده کند و قشرهای وسیع کارگران و زحمتکشان شبروده را به درخود گرد آورد، به مبارزه سوق دهد و این مبارزه را رهبری کند. چنین عامل ذهنی در وجود بقایای سازمان حزب کمونیست ایران و کادری آن بود. بده آن وجود داشت.

حزب کمونیست ایران طی مدت خدمت رضاشاه آن مبارزه خود را ترک نمود. نسیبام مساحتها گریبان، معایت نسبتاً وسیع می‌گفتند. سازمان و اتحاد به ای در شرایط مساعد نخستین

سالیهای پس از کودتای سوم اسفند، فماید صهیان‌زمینی‌ها دران سلطنت رضاشاه و بالاخره نقشی روشنگرانه بجایه " که توسط دکترازان و پارانش تا" سپس گردید و تا" نیز بزرگی در نسر بیت کادریهای مارکسیستی گذارد - اینها مراحلی بود که حزب کمونیست ایران طی کرد.

گرچه در سالهای اخیر حکومت خود رضاشاه موفق به تالشی سازمانهای کمونیستی شده و بسود ولی بقایای آن و کادریهای تربیت شده و از تجربه گذشته آن تشکیل نیروی بالقوه ای را مهیا داد که میتواند در سازمان سازمان جدیدی که جامعه ایران محتاج به آن بود فرارگیرد .

وقایع شهریور ۱۳۲۰ جامعهی ایران را دینگونه شرایط عینی و ذهنی یافت.

* *

ج- وقایع شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه

چگونگی سیاست خارجی رضاشاه ازسائلی است که هنوز هم مورد اختلاف مورخان است . در بررسی و ارزیابیهای که احزاب موجود آنزمان در این باره کرده اند نوساناتی وجود دارد . حزب اجتماعی ایران در ارزیابی مثبت خود تا تجارت که شرکت در یکی از کابینه های رضاشاه را نیز ممکن شمرد . حزب کمونیست ایران نیز در همانموقع بحکومت رضاشاهان ابراز مثبت میداد . دکتر گره دوم این نظراصلاح شد و شخص رضاشاه دست نشاند . امپریالیسم انگلیس و مجری سیاست این امپریالیسم معرفی کرد بدخلای که بدون شک درست بود . ولی ازسائاد این کنگره بخوبی پیداست که ماهیت واقعی رضاشاه بسیاری تصویب کنندگان این اسناد چنانکه باید روشن نبود . است ، زیرا در باره وی بعنوان یک عامل بسی چون و جراتی صحبت شده است که هیچگونه اراده ای از خود ندارد .

مورخان هم هنوز معتقدند که رضاشاه در بدو امر سیاسی سطر فاشه مبنی بر تعادل داشت و بعد ها این بهار بی را از دست داد .

از آنجا که اغلب این احکام بر پایه شناخت واقعی ماهیت رضاشاه و حکومتش قرار نگرفته است ، از توضیح این نکته برای صادر کنندگان آن دشوار است که چگونه و بجه علی این عامل بی چون و چواری انگلیس در پایان سلطنت خود جهت گیری خود را بنفع آلمان هیتلری تا آن درجه تغییر داد که امپریا لیستهای انگلیس به سقوطش کمک کردند .

بعقید ، نگارنده آنچه که محور سیاست رضاشاه را تشکیل میداد آنی کمونیسم بی بند و بسار وی بود . رضاشاه بعدی حرص جاه و مال داشت که میتوان گفت هنوز به سلطنت نرسیده بالقوه پشک ملاک و سرمایه دار بزرگ بود و این آزمندی خود را با استفاده از قدرتش بجه پس از رسیدن به سلطنت بنحوی بی نظیر تسکین داد .

برای چنین شخصی که پایه های حکومتش را نیز همین طبقات تشکیل میدادند همسایگی یک کشور سوسیالیستی ، که در آن مالکیت خصوصی و استعمار انسان از انسان به گورستان تاریخ سپرده شده و همواره در هر شرایطی نقش و صبر خود را روی زندگی اجتماعی ایران باقی میگذاشت ، غیر قابل فهم بود . تا آن هنگام که امپریالیسم انگلیس نیروی عمده ضد شوروی و پرچمدار لشکر کشی علیه آن بسود نظیری در سیاست رضاشاه دیده نشد . تقسیم بندی نیروهای مسلح کشور ، احداث راه آهن سراسری و راههای شیشه جدید - همه در جهت نقشه های سوق الجیشی امپریالیسم انگلیس انجام میگشت . اقدامات مشترک ضد شوروی انگلیس و ایران در سال ۱۹۳۷ منجر به انعقاد قرارداد سعد آباد شد که کلاه نیروهای متحد امپریالیسم انگلیس در خاور میانه (ایران ، ترکیه و عراق) را در یک پاکت نظمی گرد آورد . ولی در همانحال ، موقعی که امپریالیسم آلمان در وجود آلمان هیتلری داشت بسرعت احیاء

مهند ، رضاشاه بحکم تجربه و ماهیت اصلی سیاست خارجی ضد شوروی خود ، دریافت که اکنون دیگر نیروی عمده ضد شوروی را باید در وجود آلمان هیتلری جستجو کرد . پاکت ضد کمینترن منعقد میان آلمان هیتلری ، ایتالیا و فاشیستی و ژاپن مهیا بنستی شاهد گویای این واقعیت بود . اینجاست که خطسوط اولیه جهت گیری نوین سیاست رضاشاه دیده میشود . این جهت گیری نوین در آستانه جنگ دوم جهانی در دستگاه حاکم رضاشاه را در جهت مخالف سیاست انگلیس فرار داد .

برای اثبات اینکه تعیین کننده واقعی مبنی سیاسی حکومت رضاشاه جنبه ضد شوروی آن بوده است کافیهت باین نکته اشاره شود که در همانحال که این حکومت بسوی آلمان جهت گیری کرده بسود عقد قرارداد عدم تعرض بین آلمان و شوروی در سال ۱۹۳۹ بلا فاصله تردیدی نسبت به آلمان هیتلری در دستگاه حاکم ایران بوجود آورد . این حالت تردید را در صورت مطالعه دقیق میتوان در رتنگردن در ادامه وسیع پذیرش تبلیغات آلمان هیتلری ، در بازداشت عناصری در ارتش بعنوان عناصر فاشیست (جها نسوزی و پارانش) ، در انتقال عدای از کمونیستهای زندانی به جنوب و غیره بخصی دریافت . برعکس ، حمله آلمان فاشیستی به اتحاد شوروی هرگونه تردیدی در جهت گیری بنفع آلمان را بر طرف کرد . امید به بهروزی برق آسای آلمان حکومت رضاشاه را بسنگام ورود ارتش های متفقین صمم به مقاومت نمود .

آلمان هیتلری تا مجموع نیاست بود در تمام شئون اقتصادی ، اداری و نظامی کشور رسوخ کند . پس از لغو قرارداد بازرگانی ایران و شوروی از طرف حکومت رضاشاه ، آلمان بتدریج مقام اولرا چه در صادرات و چه در واردات ایران (صادرات ۴۸٪ واردات ۴۳٪) احراز کرده بود . ستون پنجم آلمان تحت عنوان کارشناسان فنی در تمام نقاط حیاتی و سوق الجیشی کشور پنجه دوانده بود .

در چنین اوضاع و احوالی متفقین پس از ارسال چند یادداشت بحکومت رضاشاه مبنی بر جلب گیری از فاشیست ستون پنجم و اخراج جاسوسان آلمانی از ایران و بلا اثر ماندن آنها در تاریخ سوم شهریور ۱۳۲۰ (۱۲۵ و ۱۹۴۱) وارد ایران شدند .

اگر شواهد های ارتش ایران حتی پیش از آنکه طرف مقابل را ببینند از هم پاشند . افسران ارشد که خود میایستی بشقدم و نمونه زیر دستان باشند قبل از دست ترك مقاومت ، از نهمران سر در آوردند . سلاح سبباری از واحد ها بجاماند و بدست عشایر افتاد . تنها واحد نیروی دریایی در یادار با پند در جنوب در مقابل نیروی انگلیس مقاومت کرد و خود فرمانده آن جان سپرد .

بد بنظری ارتشی که طی مدت بدست سال به بهانه وجود خطر از شمال بحساب پیش از آنک سوم بود چه کشور نگاهداری و مجهز شده و بطور عمده در ریزهای شمالی کشور متمرکز داد . شده بود در همان روز اول از هم پاشید .

در یکی از زمانهای ارتش که زیر نظر شخصی رضاشاه و تحت فرماندهی مستشاران سببای فرانسوی بریاست ژنرال ژاندر اجرا میشد ، پس از آنکه ژنرال زاندر سربازان و افسران جزایر ایرانی را ستود رضاشاه پرسید : بصورتها این ارتش در مقابل دشمن تا چه اندازه میتواند مقاومت کند ؟ ژنرال زاندر قبل از پاسخ سؤال نمود :- در مقابل چه دشمنی ؟ رضاشاه گفت :- مثلا در مقابل همسایه شمالی . ژنرال زاندر بدون مکث پاسخ داد :- دو ساعت . همین پاسخ به عمر سهین نظامی فرانس در ایران پایان بخشید . این پاسخ از طرف شخصی که لحظه ای پیش شجاعت سربازان و افسران جزایر ایرانی را ستود ، پید حاکمی از در نظر گرفتن نکات عمده دیگر بود که در این مورد مطرح میشد : روحه ارتش ، آماده نبودن آن برای تدکاری بدون هدف ، تماد دستگاه بالائی که در نخستین فرصت ممکن است واحد هارابه امید حوادث رها کنند ، نیروی طرف و غیره . در واقع هم این عوامل بود که نقش عمده را در از هم پاشیدن ارتش بازی کرد .

پنجم شهریور دولت علی منیر مجبور به استعفا* و دولت فروزی جانشین آن شد. فروزی بسا مراجع به مجلس علیرغم تمایل شاه مقاومت اراضع کرد. مجلس در ۲۴ شهریور رضاشاه را که همچنان در سیاست مقاومت خود بافتنار بود از مقام هی کل نیروهای مسلح خلع نمود. روز ۲۵ شهریور رضاشاه بفتح پسرش محمدرضا پهلوازلطنت کناره گیری کرد واز طریق اصفهان - کرمان قازم بندر عباس وخارج کشورگردید.

دراثر فروزی بختن بساطت و در شرایط نهن بنابه پیشنهاد دولت فروزی در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۲۰ (۱۹ سپتامبر ۱۹۴۱) از جانب شاه فرمانی مبنی برخسودگی یک ربع از محکومیت زندانیان سیاسی صادر شد و در نتیجه ده ای از زندانیان سیاسی ازانجمله ده ای از کمونیستها آزاد شد و دست به فعالیت سیاسی زدند.

کابینه دوم فروزی در تاریخ اول مهرماه ۱۳۲۰ (۲۳ سپتامبر) برنامه خود را از مجلس گذراند در این برنامه علاوه بر وعده بکشته اصلاحات اجتماعی، اعاده آزاد پهای اولیه رده در فنانسیون اساسی که د یکتای رضاشاه اثری از آن باقی نگذارد. بود اعلام میشد. پس از تصویب برنامه دولت حدید برحسب پیشنهاد دولت، مجلس در تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۲۰ (۱۶ اکتبر ۱۹۴۱) قانونی مبنی بر علو مجوسی زندانیان سیاسی تصویب کرد که بدنیال آن نخست بقیه زندانیان سیاسی مرکز و پس از چندی زندانیان انتقال یافته به جنوب نیز آزاد گردیدند.

۲- تشکیل حزب توده ایران

الف - جلسه مؤسسان و نخستین اصول مراهی حزب

در شرایطی که برای مردم ایران هنوز بلم های انقلاب مشروطیت ایران حل نشده بسود، فرو رختن رژیم اختناق و د یکتای بیست ساله و پرفراری آزاد پهای ابتدائی امکانی برای طسرح مسائل اجتماعی ومبارزه در راه حل آنها بوجود می آورد. برحسب منافع طبقات وقشرهای مختلف و برحسب جاه طلبی های اشخاص هائیکه چه کسی خود را برای اجرا* خواستهای این یا آن طبقه و بسا قشر ارجح میدانند احزاب متعددی مانند قانچ پس از باران از زمین رویدند. در اندک مدتی تعداد اینگونه "احزاب" گروه ها و دسجعات منتسب باین یا آن رچل سیاسی از بیست تجاوز کرد. ولی از این میان تنها آنبهایی برای مدت معینی و پس از چند ادغام باقی ماندند که توانستند با برنامه و عمل خود پشتیبانی طبقه و با قشر معینی را جلب نمایند.

مسئله مهمی که از ضرورت های جامعه مانا نشی میشد تشکیل حزب علمی طبقه کارگر بود که شرایط معینی و ذهنی برای تشکیل آن فراهم بود. این حزب بدست ده ای از کمونیستهای آزاد شد موقلابی در جلسه هیئت مؤسسان در تاریخ ۷ مهرماه ۱۳۲۰ تشکیل گردید. جلسه مؤسسان هیئت مرکب از ۱۵ نفر بنام کمیته موقت تشکیل داد که در روز ۱۳ آن سلیمان محسن اسکندری (سلیمان میرزا) - از میرزین و سرشناسترین رجال آزاد خواه صد مشروطیت قرار گرفت.

حزب توده ایران چنانکه از نام آن بدست میبایستی با استفاده از امکانات علمی مبارزه و عرضه داشتن درونش روشن، توده های وسیع طبقات زحمتکش را برای مبارزه تجهیز کند و با دادن شمارهای صحیح تاکتیکی و طرح خواستهای مبرم روز، راه را برای این مبارزه بگشايد و نیروهای مترقی را مرحله مرحله با قضا منافع مشترک در جبهه واحد گرد آورد.

در آن موقع که هنوز خطر د یکتای نژد یکتین خطر محسوب میشد حزب نو بنیاد نخستین شمار مبارزه را " مقاومت مشترک همه طبقات و قشرهای آزاد خواه در مقابل رجعت د یکتای" اعلام داشت و

برای این منظور دو نکته راهد ف خویش قرارداد که میتوانست خواست نیروهای وسیع رامنعمس سازد:

- ۱) بدست آوردن آزاد پهایش که بموجب قانون اساسی برای ملت ایران شناخته شده است،
- ۲) جلوگیری از ارتجاع و استبداد با اتکا* بقدرت جمعی توده ایران،

در تند بین اصول سیاسی مرام حزب نیز دیدد تا همین نظر ملحوظ شده است:

- ۱) حفظ استقلال و تمامیت ایران،
- ۲) برقرار کردن رژیم د مکراسی و تأمین کله حقوق فردی و اجتماعی از قبیل آزادی زبان و نطق و قلم و عقیده و اجتماعات،
- ۳) مبارزه علیه هرگونه رژیم د یکتای و استبدادی،
- ۴) اصلاحات لازمه در ارتز استاده از زمین و زراعت و سببوی بخشیدن بوضع زار معسین و دهقانان و توده زحمتکش ایران،
- ۵) اصلاحات اساسی در امور فرهنگی و بهداشتی و برقراری تعلیمات اجباری و مجانی عمومی و تأمین استفاده توده ملت از کله مراحل فرهنگی و بهداشتی،
- ۶) تعدد ملیاتها با در نظر گرفتن منافع توده،
- ۷) اصلاح امور اقتصادی و بازرگانی و توسعه صنایع و معادن و وسائل حمل و نقل از قبیل ایجاد و نگاهداری راههای شوسه و تکمیل خطوط آهن،
- ۸) ضبط اموال و دارائی پادشاه سابق بفتح ملت ایران(ه).

با اینکه منتهای اعتدال در این خواستها رعایت شده است، هبشت حاکمه ایران بخوبی آنچه را که زیر نام حزب توده ایران در حال تکوین بود درک میکرد. حزب توده ایران در ابتدا* امرا از آزاد پهای که برای دیگر جمعیت ها ملحوظ شد محروم بود: جلسانش در خفا تشکیل میشد، ناشری برای افکار خود نداشته، در مطابع برای چاپ نشریات حزب بسته بود. تنها پس از گذشت پنج ماه بود که حزب توانست روزنامه "سیاست" را که عباس اسکندری صاحب امتیازش بود منتشر سازد.

در نخستین شماره این روزنامه علاوه بر اصول سیاسی مرام حزب شرحی مبنی بر معرفی آن مندرج است:

* مقصود از توده ایران که گفته میشود، توجه بیک قسمت از مردم این مملکت نیست که کسی که در این سرزمین طرفدار آزادی فکر و عقیده بود. به مملکت و سعادت اهالی آن علاقتند باشد، برای تخفیف رنج بدبختان قدم بردارد و برای زبردستان در اجتماع همان حقوقی را که قانون به آنها اعطا کرده است، بشناسد، خدمتگذار راد رهبرایسی که هست تقدیر کند و جنانکار را در هر مقامی که هست از خود برانسد و بدست عدالت بسپارد ما از خود میدانیم.

حزب توده نمایندنده اکثریت واقعی این مملکت است و افراد آن قد می که بر میدارند برای ارتباط بین توده و جلوگیری از فرسودگی و تشتت و اختلاف کله و حفظ حکومت مشروطه و اصول د مکراسی است. افراد حزب جز سعادت و خوشی ایران - یعنی سرزمینی که با حدود مشخصات طبیعی و سیاسی در دنیا با این نام شناخته میشود - فکری نداشته و آسایشی و رفاهیت خود را در بقای استقلال نام آن دانسته و برای حفظ آن هم از

(ه) روزنامه "سیاست"، شماره اول، ۳ اسفند ۱۳۲۰

هیچ فداکاری قدر مضایقه ندارند.*

سهی روزنامه در باره تشکیل و فعالیت اولیه حزب، با اشاره به مواضع موجود، چنین ادامه می‌دهد:
"بهمن نظر از شهسور ماه گذشته رفقا و همفرمان ما از گوشه و کنار مملکت بیکد کمرها جمع نموده و تشکیلات قدیم خود را بررسی کرده و تجدید نمودند و هیئت مرکزی جمعیت در نقاطی که قانون اقتضای اجتماع می نمود و مواضع موجود نداشت تشکیلات حزب را توسعه دادند. در مدت پنج ماه طبق احصائیه موجود در غالب نقاط مملکت تشکیلاتی است که وجود دارد.*"

ب- گامها و دشواریهای اولیه حزب در مبارزه داخلی و خارجی

طی پنج ماه اولیه کار حزب در ایران در درجه اول بین طبقه کارگر - طبقه گاه اعلی و واقعی حزب - بود. حزب مورد استقبال این طبقه قرار گرفت. اعضا اولیه حزب - کارگران قدیمی و اشخاصی بودند که با سابقه فعالیت در حزب کمونیست ایران داشتند و پایتیکه از طریق مستقیم و غیرمستقیم بسوابق مؤسسان بی بردند. عامل عمده تر فعالیت حزب در راه بر آوردن خواسته های مردم اقتصاد بود. بدینال آن سیاسی کارگران بود: بالا بردن دستمزد، تقلیل روزکار، حق استراحت و از تعطیل - برسمیت شناخته شدن اتحادیه های کارگری.*

بمنظور دفاع از حقوق صنفی کارگران، حزب برای تشکیل اتحادیه های کارگری پیشگام شد و تحت رهبری آن شورای مرکزی اتحادیه های کارگران تشکیل گردید و بدین ریح شعب خود را بسط داد. این فعالیت اتحادیه ای از همان روز اول با مشکلاتی روبرو شد که ناشی از کار در زمان جنگ و همکاری با متفقین بود. باید متذکر شد که یکی از طرق همکاری ایران با متفقین علاوه بر واگذاری طسرق ارتباطی برای حمل اسلحه - فروش محصولات معین صنایع کشور بود. کارخانه های اسلحه سازی و برخی از کارخانه های دیگر (جمعا دسوم کارخانه های کشور) برای رفع نیازمندی های متفقین کار میگردند. متوقف ساختن کار اینگونه کارخانه ها به همکاری جنگی ایران و متفقین زیان وارد میساخت و این خود مخالف سیاست حزب داینه مبارزه با آلمان نازیست بود. از جانب دیگر استیضای حقوق کارگران بدین مبارزه که اعتصاب و تعطیل کارخانه ها را نیز در برداشت دشوار بود. از این برخوردار آگاهانه حزب توده ایران که در مواردی احتیاج به مساعدت و کارپشاهی میان کارگران داشت. دشمنان طبقه کارگر بسبب عناصر ارتجاعی اولیه حزب استناد میگردند، در یک رشته از اینگونه کارخانه ها اتحادیه های قلابی تشکیل دادند و با دعوت کارگران به اعتصاب و متوقف ساختن کار و گرفتن مزایای طبق فرارطلبی با کارفرمایان و پاروسای کارخانه ها کارگران ناآگاه را بسوی خود جلب میگردند.

این رویه ای بود که سوره اتحادیه کارگران و بزرگان و حزب "رنجبر" تحت رهبری یوسف افتخاری و یاران آن، که آنها نیز دارای سوابق و فعالیت قبل از شهسور بودند اتحاد گردید و بسیاری مدتی حزب و اتحادیه های واقعی تحت رهبری آنرا خود مشغول ساختند.*
مبارزه خشکی ناپذیرتو با تشکیلی موضعیت لازم بود تا حزب این عواملی را افتنا نماید و کارگران را از مضنون واقعی آن آگاه و به مسیر صحیح مبارزه بیاندازد و سرانجام وجد طبقه کارگر را زیر لوی اتحادیه های واقعی تأمین نماید.

*

دشواری د بک حزب مبارزه خارجی آن بود.

قبل از هر چیز حزب خود را آماده مبارزه علیه فاشیسم کرد. تسلط ریز آرتونی که آلمانهای نازی

از بدتی قبل از جمله به اتحاد شوروی و ورود نیروهای متفقین با ایران در کشور بدست آورد. بودند نیروی مادی و معنوی بزرگی را در اختیار آنان گذارده بود.

شبهه جاسوسی و خرابکاری هیتلر بها تحت رهبری جاسوسان رژیم ای مانند فرانس ماسپر و شولتسه و دیگران در همه نقاط کشور گسترده شده و بویژه در شمال تقویت یافته بود. شبهه بستری برای خرابکاری در موسسات، راهها و راه آهن سرتاسری و در داخل ارتش دیده شده و بسند و ست هائی با سران ایلات جنوب انجام یافته بود. تا در صورتیکه رضاشاه از مقاومت در مقابل ارتش شوروی سرچشمه و رابوسله کودتای نظامی برکنار کنند.*

هیتلر بها از بدتیها پیش مقدار قابل ملاحظه ای اسلحه و مهمات زیر عناوین مختلف بشکل محصولات صنعتی به آدرس کمپانیهای آلمانی و بوسیله بسته های پستی بنام اشخاص وارد کرده بودند که نه تنها حاوی سلاحهای دستی بلکه حاوی تفنگ، مسلسل و حتی توپهای کالیبر کوچک نیز بود.

طی ۸ ماهه اول سال ۱۹۴۱ از طریق مختلف بمقدار ۱۱ هزار تن تسلیحات و تجهیزات جنگی مختلف از آلمان به ایران حمل شده بود که در آنها راهای مخفی نگاهداری میشدند. تعداد قابل توجهی از این آنها را در شمال پس از ورود متفقین توسط نیروهای ارتش شوروی کشف شد (۸).

نماینده گان آلمان هیتلری آندره برقی آسا بودن پیروزی خود و استحکام پایگاههای خود در ایران اعتقاد داشتند که سایر آلمان بهنگام خروج خود حتی کرا به چند ماهه سمارت را برداشته بود که برای آیند و در اختیار آنها باشد.

آندادگی هیتلر بها تنها آمادگی نظامی نبود. آنها عده زیادی از افسران ارتش و رجال سیاسی ایران را بسوی خود جلب کرده بودند.

احزابی نیز بطور مخفی بمنظورهای تروپستی و تبلیغاتی تشکیل شده بودند که از اینجمله بودند: حزب "ملیون ایران" با شرکت مستقیم سا پر آلمانی، برهبری سرلشکر زاهدی، نو بخت و کپل مجلس، خسرو اقبال و دیگران.*

حزب "کیود" تحت نظر د کتر متین د تری - دارای شبکه قابل توجهی در تهران و بویژه در جنوب بمنظور همکاری باروسای ایلات جنوب.

از نظر تبلیغاتی هیتلر بها با استفاده از نفوذ سنتی آلمان بعنوان نیروی سوم توانسته بودند عده زیادی از جوانان را بسوی خود جلب نمایند که منجر به تشکیل احزابی مانند "پیکار" و "نبرد" شد.

از طرف دیگر دستگاه تبلیغاتی رضاشاه با ایجاد حائلی میان ایران و اتحاد شوروی توانسته بود این کشور سوسپالیستی را از جهت ماهیت خود برای بسیاری از ملیون و مهمان پرستان بویژه جوانان روشنفکر که تشنه مبارزه بودند نشان داده نگاهدارد. اتحاد شوروی بعنوان کشوری تصور شده بود که همچنان سیاست امپریالیستی حکومت تزاری را دنبال میکند.*

بدین منظور حزب توده ایران میا پستی از یکسو ماهیت امپریالیسم را بطور کلی و سیاست توسعه دایمانه و دد منشا نه آلمان هیتلری را افتنا کند و از سوی دیگر حقایق مربوط به اتحاد شوروی را که کشوری است سوسیالیستی روشن سازد.

بدین منظور حزب توده ایران بدین واهمه از نبودن های نهی که انجام میگرفت دست به تشکیل کمیته های ضد فاشیست در شهرهای مختلف زد و روزنامه "مردم" را نیز بعنوان ارگان ضد فاشیستی خود منتشر ساخت.

روزنامه مردم در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۲۰ منتشر شد. طبع مدتی از آغاز انتشار این روزنامه

(۸) این ارقام از رساله پ. و میا کرافد تحت عنوان ایران جای جنگ و دجهانی ویس آزان برداشته شد ما.

تایید آن جنبه ایران به آلمان فاشیستی گذشت که گفته های ضد فاشیست و روزنامه " مردم " فاشیست جوانی انجام دادند که با موفقیت های بزرگی روبرو بود. در شماره ۱۰۸ این روزنامه مورخ ۲۶ مه ۱۳۲۲ این مبارزه بحق چنین جمع بندی میشود:

" اگر امروز ملت ایران در افکار ضد فاشیستی خود به پای ای رسید است که دولت ایران خود را مجبور بداند بدولت آلمان اعلان جنگ دهد ۰۰۰ ماکارکنان روزنامه مسریم نفر و مهاجرات میهنم ۰۰۰ که در پاشیدن تخم این افکار ضد فاشیستی پیشقدم بود و ما بزرگترین ضربه را بدست نشاندگان فاشیسم در ایران وارد آوردیم " چرا مهاجرات نکنیم ؟ در این هنگام که ما روزنامه مردم را منتشر کردیم روزی نبود که مراسلاتی پس از قحطی و سازنا بخام نرسد و پای تلفن به ماهتکی و تهدید نکنند ۰۰۰ "

*

مشکل د بگری که حزب در مبارزه ضد امپریالیستی خود در آغاز امر با آن مواجه شد ارز بسیار بی غلطی بود که نزد برخی در باره ماهیت ائتلاف ضد فاشیستی وجود داشت که در صورت نفیج و نمونواست نتیجه گیریهای ناد رست و چه بسیار تحرافی بوجود آورد.

ما دام که حزب توده ایران دشمن عدّه انتروی رانه تنها از دیدگاه مین خود بلکه از نظر بقای تمدن بشری نیز در رسیمای آلمان فاشیستی دیدند تا چارهایستی از کنکبایشی به متفقین که بشواید پیروزی آنها را تسهیل نماید در بیخ نهند.

از این دید به دولت های امپریالیستی انگلیس و آمریکا و در درجه اول انگلیس میگویند. نفع خود استفاده کنند. نخستین گام در این زمینه اعتراف نامّه آنتونی ایدن وزیر خارجه وقت انگلیس بود که پس از پلوتن و اوراق چاپ شد منتشر گردید. آنتونی ایدن رسماً بکلیسای برای روی کار آوردن رضاخان اعتراف میکرد و توجیه مینمود که غرض از این کار حفظ مصالح انگلیس بود. است و تسهیل مینمود که نظیر چنین سیاستی تکرار نخواهد شد. علاوه بر آن از جانب دفتر تبلیغاتی سفارت انگلیس جزوه ای تحت عنوان " آبا بریتانیای کبیر کشور امپریالیستی است " چند زبان منتشر گردید مبنی بر تجلیل د مکرسی انگلستان و توضیح این نکته که اکنون دیگر بریتانیا جنبه امپریالیستی خود را، کسه زمانی سیاست وی را تشکیل میدهد، از دست داده است.

علاوه بر این اقدامات تیره جبهه، امپریالیسم انگلیس دست به فعالیت آکتیو اجتماعی در جهت جذب نیروهای د مکرانیک زد. نخستین گام تشکیل حزب " همهان " (سوسیالیست) بود که بدست

نماید. شرکت نفت جنوب در تهران - مصطفی قانع تشکیل گردید. این حزب بنظر تشکیل دهندگان آن میبایستی حلقه واسط همکاری با حزب توده ایران باشد. عناصر ناآلیده ای در رهبری این حزب آبرده شده بودند که میتوانستند نظرمساعد حزب را جلب کنند و عملاً هم مدتی در روزنامه مردم همکاری کردند. ولی حزب توده ایران با اینکه هنوز تجربه لازم را در این جریانات کسب نکرده بود توانست خود را از آلوده شدن به این همکاری حفظ کند و راه صحیح خود را ادامه دهد.

ج - نخستین کنفرانس اهلای تهران

با وجود محدودیت های که هشت حاکمه برای حزب توده ایران فراهم ساخته بود حزب در سا به کوشش خستگی ناپذیر خود سرعت بد ل به پگانه نیروی متشکل ریز کردید.

نخستین تدرت نمای حزب توده ایران میتینگ عمومی بود که در ۱۴ بهمن ۱۳۲۰ یعنی روز

شهادت دکتر تری را می دید. ر این با هیبه تشکیل شد. دولت بقاضای حزب که برای برگذار میتینگ اجازه خواست بود جواب رد داد و نیروهای انتظامی مامور شد تا از هرگونه اجتمعی جلوگیری نمایند. با این وجود حزب توانست افراد خود را از طریق مختلف به محل میتینگ بیاورد پنحوی که د پگر جلوگیری ناسکن بود.

چندین هزار نفر در این میتینگ شرکت کردند و میتینگ باشکوه خاصی برگذار شد. نمایش ۱۴ بهمن اثر زنی باقی گذارد، بر جاد به حزب افزود و هشت حاکمه را در مقابل واقعیت وجود نیروی قرار داد که د پگرترا نادیده گرفتن ممکن نبود.

چندی پس از میتینگ ۱۴ بهمن در ۱۴ اسفند ۱۳۲۰ روزنامه " سیاست " بعنوان ارگان حزب منتشر شد. انتشار روزنامه ارگان موفقیت بزرگی بود. روزنامه حلقه واسطی شد که سازمانهای حزب را در شرائط نامساعد آنروزی بهمی مربوط میساخت، آنها را از زندگی حزب و خط مشی آن آگاه مینمود. بدین سان فعالیت حزب زنده تر و تحریک آن افزونتر گشت.

در ظرف یکسال شبکه سازمانی حزب مبهترین استانها و شهرستانها را در برگرفت. عمده اعضا آن از ده هزار جاجوز کرد بود. حزب به برنامه، اساسنامه و خط مشی روشن برای مبارزه خود احتیاج داشت.

در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۲۱ کنفرانس اهلای تهران برای انجام این منظور تشکیل گردید. در این کنفرانس ۱۲۰ نماینده حضور داشت که به نسبت اعضا سازمانها سه ربع آن از تهران و اهلای از ولایات بود. کنفرانس گزارشهای زیر را امضا نمود و در باره آن قطعنامه صادر کرد:

- گزارش سازمانی،
- گزارش در باره برنامه و اساسنامه،
- خط مشی تاکتیکی حزب،
- گزارش مالی.

کنفرانس بمناسبت مبارزه موفقیت باری که حزب علیه فاشیسم و تبلیغات آن انجام داده بود ابراز خرسندی کرد و به حزب تبریک گفت.

کنفرانس متذکر شد که حزب توده ایران متکی به هیچ نیروی جز نیروی مردم ایران نیست و ما اکتفا باین نیروست که مبارزه میکند و خواهد کرد.

در برنامه حزب هلا و بهر شمار حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران شمارهای اصلی مربوط به مبارزه داخلی و خارجی حزب بشرح زیر تصحیح گردید:

- * کارگران، دهقانان، روشنفکران، پشه و ران متحد شوند.
- * بر علیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه نمایند.

از جمله موادی که بخواستهای برنامه حزب اضافه گردید دادن حقوق سیاسی به زنان کشور. خواستهای اساسی حزب در آن مرحله بشرح زیر تصحیح گردید:

- ۱) تشکیل حکومت د مکرانیک که نماید و قشرهای وسیع مردم باشد.
- ۲) اجرای آزاد بهائی که قانون اساسی برای مردم ایران لائل شده است - لغو قوانین ضد د مکرانیک زمان رضاشاه از آنجمله قانون خرد اما ماه ۰۱۳۱۰ اصلاح تائین انتخابات و دادن حقوق سیاسی به زنان
- ۳) تقسیم بلعوض املاک خالصه و املاک اختصاصی رضاشاه بین دهقانان، پسا و خسرید

املاک اربابی و تقسیم بلاعوض آنها میان دهقانان*
 ۸) گذراندن قانون ۸ ساعت کار برای تارگران، برسمیت شناختن اتحادیه های تارگری*
 کنفرانس توده خاصی، بلژیم ترتیب ایدئولوژیک کار رهانمود و تصمیم به تشکیل شعبه خاصی بنام شعبه تبلیغات حزب گرفت*
 کنفرانس تصمیم گرفت که بجای روزنامه "سیاست" که مدبران عباس اسکندری بهنامسبت روش غیرحزبی خود از حزب اخراج کرد به وجود روزنامه دیگری بعنوان ارگان مرکزی حزب در نظر گرفته شود*
 کنفرانس با تصویب اساسنامه موقت حزب سازمان آنرا پیروزی کرد*
 در کنفرانس کمیته ایالتی تهران مرکب از ۱۵ نفر و کمیسیون تبلیغاتی ایالتی انتخاب شد* کمیته ایالتی مأمور گردید وسائل تشکیل کنگره حزبی را هرچه زودتر فراهم سازد و موثرا وظایف کمیته مرکزی را انجام دهد*

از نخستین کنفرانس ایالتی تهران تا نخستین کنگره حزب

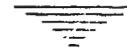
۱) اوضاع عمومی کشور

وضع اجتماعی - سقوط حکومت رضاشاه تغییر در وضع طبقاتی دستگاها حاکمه بوجود نیاورد* بود- نظام امپروکشرهمچنان در دست ملاکان بزرگ و کمزاد رها که اکثریت مجلس را هم تشکیل میدادند باقی بود با آن فرق که ثبات ظاهری اکنون در بر وجود نداشت- تضاد های مستتر و نامرئی درون طبقات حاکمه خود را بتدریج آشکار میساخت: صاحبان املاک غصب شده از جانب رضاشاه خواستار استعفا داد آن بودند، خوانین و روشای تبعید شده ایالات به سحلهای خود بازگشته اختیارات از دست رفته خود را برقرار میساختند و املاک ضبط و با تصویب شده خود را باز میخواستند* بساط خان خانان از نو گسترده میشد*

در نتیجه شرایط زائیده جنگ (رکود صادرات و واردات، ناامنی و فقدان ارتباط منظم در داخل) بحرانی تر شد دانگن کوشور شد* بود که در برخی نقاط بهره جنوب شکل قحطی بخود میگرفت* جیره بندی نان، قند، چاشنی، سیگار و غیره موجب رونق بازار سیاه شده بود پنحوی که اجناس جیره بندی شده یک بر پنج و پانک بر ده قیمتهای رسمی در بازار سیاه داد و ستد میشد* وضع مادی زحمتکشان، علیرغم مواعید متعدد دولت های وقت بهیض از پیش اسفناک بود* در حالیکه در اندک مدتی بهای اجناس مورد احتیاج بطور متوسط بیش از چهار برابر بالارفت، تغییر در دستمزدها حاصل نشده بود* هیچگونه تائونی که مدافع حقوق زحمتکشان باشد وجود نداشت* فعالیت های سیاسی کشورهای امپریالیستی که در صدد بستن طرفی از وضع آشفته بسرای حال و آینه خود بودند به وخامت اوضاع می افزود*

آلمان هیتلری نفوذ معنوی خود را بین قشرهای میهن پرست تقریبا از دست داده بود* این مورد چنانکه در گذر شده است بزرگترین نقش ازان فعالیت جبهه حزب بود* ایران بود: تبلیغات مبتنی بر منطق و استدلال، تعریف ماهیت امپریالیسم بطور عام و مقاصد امپریالیستی و آزمندانسه امپریالیسم آلمان بطور خاص و شواهد تاریخی و غیره* ولی جاسوسان و عمال فاشیستی هنوز فعال بودند* خصوصیت نسبت به انگلیس هانتوام بسا پیشرفت های "برق آسانی" ارتش آلمان عرصه وسیعی را برای جولان و تحریکات آنان بویژه در جنوب و مناطق مشیره نشین فراهم میساخت*

نخستین دو سال پس از سقوط رضاشاه، جنوب ایران شاهد وقایع و شورشهای متعددی بود* عملیات تشقااتیها و عتبارکوه کلهویه، مسنی و بختیاری در اواخر سال ۱۳۲۰، وقایع سمیرم در سال ۱۳۲۲ که تقریبا تمام پادگان ارتش نابود و مقدار زیادی اسلحه و مهمات نصیب شورشیان شدند، بهره بودن سرلشگر زاهدی عامل مستقیم آلمان فاشیستی بر اساس لشکراصفهان بهم آنرا ایجاد میکرد که



مرتا مرز جنوب ایران جولانگه اعمال آلمان فاشیستی بشود .

تنها بانفیرد رزمای جنگه درازناکامیهای آلمانها درجهبات شروی بود که وضع در جنوب ایران نیز تغییر نمود : مشرکانرا هادی بازداشت شد ، در حدود دویست نفر اعمال آلمان فاشیستی که در پناه ایلات جنوب بسر میبردند به دولت و آژان راه به متفقین تحویل کرد بدند و آسایشی نسبی در این صفحات برقرار شد .

قایت های امیرالیم - خروج آلمان هیتلری از صحنه رقابت امیرالیم یعنی پایان این رقابت نبود . امیرالیم انگلیس با وجود مواضع مستحکم که در نتیجه تسلط دراز مدت میان طبقات متنازه و دستگاه حاکمه بدست آورده بود اکنون میبایست با رقابت تازه نفس و نیرومند دگری در وجود امیرکا روبرو شود .

امیرکا تا آنجوق توانسته بود از نظرمثوی جای پائی برای خود باز کند - نظریات توسعه طلبانه این امیرالیم بهنگام مسیون شویستر و نخستین مبعوث دکتر میلسو هنوز از پرده استنار خارج نشده بود - پیوسته مسیون شویستر با مقاومت خود در مقابل فشار روسیه تزاری و انگلیس تا " شرفش در افسار محسوس باقی گذارد - این سابقه و تصویری که میان قشرهای معین مردم کشور در باره بی نظرد و در بودن امیرکا بوجود آمده بود امیرالیم امیرکا را رقیبی خطرناک میباحت که توانسته بود عده ای از مخالفین انگلیسها و طرفداران سابق آلمان را نیز بسوی خود جلب نماید -

ولی برای نقشه دراز مدت که امیرالیم امیرکا بمنظور تصرف مواضع انگلیسها در خارهمیا نسه و نزد یک پیوسته در ایران داشت اینها کافی نبود و لازم می آمد که گامهای موثرتری برداشته شود زیرا رقیب انگلیسی علاوه بر امکانات وسیع داخلی خود قسمتی از کشور را اشغال داشت که خود وسیله مطمئنی برای پیشبرد سیاستش بود - این نیروی مادی نیروی نظری لازم داشت -

لذا با اینکه قرارداد سه جانبه (ایران - شروی - انگلیس) فقط ناظر به چگونگی تسویف نیروهای شروی و انگلیس در ایران بود ، دولت امیرکا به این بهانه که طبق قرارداد وام و اجاره مست اعظم معمولات نظامی امیرکا بقصد شروی از ایران میگذرد و ما " موافق امیرکا باید در محل بموقع و سریع آن نظارت داشته باشند ، بدو خواستار برقراری کنترل خود بر بنادر جنوب و سپس بر کلیه امر حمل و نقل شد و بتدریج واحد های نظامی خود را بدین هیچ مجوز قانونی وارد ایران ساخت - در آنسندک مدتی نیرویی بالغ بر هفتاد هزار امریکائی در ایران استقرار یافت و در اکتبر ۱۳۲۱ تهران رسامفر ستاد نیروهای امیرکا در خارهمیا نه گردید -

گرچه رقابت دوا امیرالیم در نخستین سانهای پس از سقوط رضاشاه از نظر اتحادی که آنها در جنگه عامه آلمان هیتلری داشتند مستور و در پرده بود ولی در عین حال شدت داشت - انگلیسها برای حفظ و تحکیم مواضع خود ، امیرکا تنها برای تصرف این مواضع شالوده ریزی بمنظور " مسیون سیادت خود در ایران و خارهمیا نه و نزد یک پس از پایان جنگ در تلاش بودند - در روزهای آینده از نظر چگونگی وصول باین هدف هابرای هیچیک از این دو امیرالیم چند نوبه بخش بمنظر نمرسجد - نیراجتیشی دمرناک ، که هنوز ضعیف بود ، اوج میگرفت و ترکیب مجلسینند نه نیز معلوم نبود - این خود بر شتاب هرد و امیرالیم بمنظور استفاده هر چه سمحتر از وضع مسسوجود می افزود -

عدم ثبات دولت ها - بدیهی است چنین وضعی ثباتی برای دولتها باقی نمیکشد است و کابینهها نیز فشار گاه این و گاه آن امیرالیم ، که کوشش داشت هر چه زود تر از این بپند و توهمات خود را از راه سرکار آوردن دولتهای طرفدار برآورد - سازده در حال تحقق بودند -

فرقی که آمادگی چندانی برای فرونشاندن طمع هر هیچک از این دو دشمن نداد بصیرت شد در

اواخر سال ۱۳۲۰ پس از آنکه یکبار کابینه پس از ششبرهیر خود را ترمیم نمود کنار بود - او افراسفند بسا کتک انگلیسها کابینه سهیلی سرکار آمد و بلافاصله با لایردن نرخ لیره انگلیس (۶۰٪ نسبت به نرخ سین المللی) دین خود را اد اکرند - ولی پس از چهار ماه زمانداری ، با وجود اختیارات فوق العاده که از مجلس گرفته بود ، زیر فشار امریکائینها مجبور بکناره گیری گردید -

دراواسط مرداد ۱۳۲۱ دولت قوام که خود خدمتگذار دیرین امیرالیم امیرکا بود با اکثریت قلیلی از مجلس را می اعتماد گرفت و سرکار آمد و بلافاصله برای گذاردن قانون دعوت مستفساران امیکائی بریاست دکنتر میلسو دست بکار شد و در آبان ۱۳۲۱ آنرا از مجلس گذراند -

قوام هم با وجود همه گونه پیشگیری - فیضه کردن وزارت جنگه ، زائد امری و شهرمانی کل ، گذاردن قانون خدمتجوات ، توقیف جرایم مترقی و غیره سد را تزلزلوی آذرماه ۱۳۲۱ ، که با زمینسه چینی قلیلی و تحریک انگلیسها بریاستد ، پس از مقاومت شد بدو ، با اینکه کابینه خود را نیز ترمیم کرد ، مجبور به استعفا گردید - در روزهای آذر ۱۳۲۱ بازار ودکان و حتی منزل شخصی قوام در معرض چالاک و تاراج قرار گرفت و در زد و خورد بانبروهای انتقالی بیش از ۲۵۰ نفر کشته و زخمی و چندین صد نفر بازداشت شدند -

برای و صحن بار کابینه سهیلی سرکار آمد و این بار با گذاردن قانون اختیارات فوق العاده میلسو بعنوان رشوه به امیرالیم امیرکا (۳ اردیبهشت ۱۳۲۲) از طرفی ، و لغو اقدامات ضد دمرکائیک قوام و آزاد نمودن جرایم توقیف شده ، توانست کابینه خود را تا پایان انتخابات در مه چهارم مجلس شورای ملی تثبیت نماید -

سهیلی حزب پیوند ه ایران را نیز برای شرکت در کابینه خود دعوت نمود ولی رهبری حزب این پیشنهاد را که تنها بمنظور استفاده از نفوذ حزب و شرکت دادن آن در سیاست غیر ملی خود بوده رد کرد - اینگونه عدم ثبات ، امیرالیم انگلیس را راضا " نمنمود - وزارت خارجه انگلستان درصدد برآمد تا آوردن شخصی " استخوانداری " که هم مورد اعتماد کامل انگلیسها و هم از زمره رجال آنسروزی دولتی ایران خارج نباشد جرخش بزرگی بفتح خود انجام دهد -

بریم انگلیسها چنین " ورق برنده " ای میبایست سپد ضیا " الد بن طباطبائی باشد - سپد ضیا " الد بن نست به د بگر سرسودگان امیرالیم انگلیس مزایائی داشت : بیست سال از صحنه سیاست دور بود ، طرد شد و رضاخان و دشمن این خاندان محمود میبند که ظاهرا از این نظسرس میبایست گامی بهیائی احرار نماند ؛ جزوه گریهای " انقلابی " اش و اقداماتی که پس از کودتا غلبه گردانندگان دستگاه حاکمه کرده بود هنوز در برخی این توهم رایائی گذارد ه بود که میبایست منتسبا " تحولات مهمی باشد و عوامفریبی کاران و کهنه کار صحنه سیاست بود -

بدینظریق سپد ضیا " الد بن طباطبائی پس از بیست سال د مجدد ا انجام همانما کتبت بهیست سال پیش آماده کردید - بدو از فلسطین برای درج در جرائد تهران صاحبه ای انجام داد که در آن خود را مخالف د پکتانوری ، شیفته د متراس و شاکر دکتب انقلاب اکبرقلند اد نمود - در تهران با شرکت عده ا امکان " کلا " مرجع مجلس و دیران جرایم کمیته خاصی برای تهیه مقدمات ورود وی تشکیل گردید - بمنظور آماده ساختن افتار محسوس کارزار وسیعی در جرائد ارتجاعی انگلویله راه افتاد - چند روز قبل از ورودش در نتیجه فعالیت رالمطین کنسول انگلیس و با پول سرشاری که از کمیته همان کنسولگری خرج شد ، برق آسا ازبید بمانندگی مجلس چهارم هم انتخاب گردید و سپس باتجلیل فراوان وارد کشور شد - در منطقه استقرار ارتش انگلیس همه جا باد ستم استاند از غرب و فرماند اران خط مشرف با جرائغانی و قربانی استقبال شد - تهران ارتجاعی نیز از این جهت سهم خود را اد اکرند -

اکهون خطر برگشت د پکتانوری و اوضاع بیست سال گذشته بازم مجد بد میشد و مبارزه با این

خطر در سبهای سید ضیا* الله بن درد ستیز نیز نیروهای مترقی و ملی و در درجه نخست درد ستیز روز حزب توده ایران قرار گرفت .

۲) فعالیت حزب در این دوران

الف) فعالیت سازمانی

وظایف سازمانی که پس از نخستین کنفرانس تهران در مقابل حزب قرار گرفت عبارت بود از :

- فعالیت در راه تشکیل بازم بهتر و وحدت طبقه کارگر ؛
- توجه به فعالیت در جنوب ؛
- بسط فعالیت حزب در میان سایر طبقات و قشرهای مترقی ؛
- کوشش برای جمع نیروهای مترقی در یک جبهه بمنظور تشدید و شریک شدن در ساختن مبارزه علیه ارتجاع و دیکتاتوری ، در راه استقلال و آزادی ملی ؛
- کارزار انتخاباتی برای دوره چهارم هم مجلس شورای ملی ؛
- تشکیل کنگره حزب .

حزب از نخستین سال تشکیل خود توانست در چند مرکز عمده کشور سازمانیاتی بوجود آورد . ولی چنانکه از قسمت نمودگان نخستین کنفرانس تهران پدید است هنوز هسته اصلی حزب را سازمان تهران تشکیل میداد .

کمته ای که از کنفرانس اهلای تهران انتخاب کرد بد ما مورد تأکید کنگره حزب بطور صریح وظایف کمته مرکزی حزب را اجرا نماید . بوجود آمدن این مرکز صحت آغاز کار منظم سازمانی بود . کمته صحت با احساس مسئولیت در مقابل کنگره حزب ، که خود ما مورد تشکیل آن بود ، دست بکار شد . عده ای از اعضا* این کمته و فعالیت درجه اول حزب بمنظور ایجاد سازمانیاتی حزبی بسسه استانها و شهرستانهای مهم اعزام شدند : آذربایجان ، مازندران ، خراسان ، اصفهان و غیره . انتشار شمایهای حزب توده ایران ، انعکاس مبارزاتی که این حزب از نخستین روز تشکیل خود علیه دیکتاتوری ، در راه دموکراسی و حفظ استقلال کشور انجام داده و کامیابها پیش بسیاری از عناصر مترقی و مبین پرست راضی و آن ساخته بود . بطوریکه در برخی از شهرها بخودی خود و پس بدست آزاد پخواهان با سابقه و با اعضا* سابق حزب کمونیست ایران هسته های بوجود می آمد کسسه میکشیدند* با حزب ارتباط برقرار سازند . کمته صحت پس از رسیدگی بوضع این سازمانها آنها را متشکل و مرتبط ساخت .

در اندک مدتی شبکه سازمانیاتی حزبی* تعدادی از شهرستانها و بویژه مراکز کارگری راد بر گرفت . مؤلفیهای سازمانی حزب در سالهای نخست بویژه در شمال بود زیرا : شهرستانهای شمالی بیشتر در دسترس بود ، مراکز کارگری متعددی در شمال وجود داشت - تهران ، هریز ، رشت ، مازندران (که خود در ردیف اصفهان بزرگترین مرکز صنایع سبک کشور بود) - در اغلب از شهرستانهای شمال عمده ای از فعالین گذشته حزب کمونیست ایران برآکنده بودند که میتوانستند تشکیل هسته های حزبی را بعهده خود گیرند .

با اینحال مراکز کارگری جنوب هم از عرصه فعالیت حزب دور نبودند . در نگاههای نفت جنوب که هرگونه فعالیت سیاسی و اتحادیه ای ممنوع بود از همان سالهای نخست دست به تشکیل سازمانیاتی مخفی زدند . در مرکز مهم صنایع نساجی و با اصطلاح "منجستر ایران" - شهر اصفهان بلافاصله

سازمان حزبی و شبکه وسیع اتحادیه های خواهران و خواهران پیشه وران تشکیل شد صریح تضحی گرفت .

مشکل ساختن کارگران در اتحادیه ها بمنظور تأمین خواستهای اقتصادی و جلب آنها به مبارزه سیاسی زیر رهبری حزب وظیفه مهمی بود که در مقابل آن قرار داشت . تنها از این راه حزب میتوانست اعتماد طبقه کارگر را کسب کند و صفوف خود را بحساب سرپا ز گیری از میان کارگران فعال تقویت بخشد .

در این زمینه در سالهای ۱۳۲۱-۱۳۲۲ حزب توده ایران دست به فعالیت وسیعی زد . ولی موفقیت حزب که یکی از مهمترین وظایف اولیه اش مبارزه مستقیم و غیر مستقیم با محال انان فاشیستی و کنگ موثره همه جانبه به پیشرفت کار متفقین در پیروی آنها بود مشکلاتی فراهم ساخت : محمول کارخانه های مهم برقع احتیاج متفقین اختصاص داده شده بود . اعصاب و تعطیل کار در ایمن کارخانه ها بمنظور پیشبرد خواستهای کارگران بزبان جیبه جنگ تمام می شد و اتحادیه های واقعی که زیر نظر حزب قرار گرفته بود نمیتوانستند از این وسائل استفاده کنند . برعکس ، دست رقبای اتحادیه های واقعی از این نظر باز بود . آنها که خود با دستگیر شدن و واتس و کارفرمایان بمنظور خنثی کردن فعالیت حزب توده ایران و اتحادیه های واقعی در تماس بودند از طریق تشکیل انجمنها با رضایت پنهانی خود کارفرمایان و گرفتن مزایای ناچیز ، کارگران غیراگاه را به اتحادیه های فلابی خود جلب مینمودند . فعالیت دشوار توضیحی میان کارگران کارخانه های وابسته به متفقین از یکسو و کاروانو نسای بین کارگران کارخانه های غیر وابسته لازم بود تا بتدریج اتحادیه های اصیل و غیر اصیل از یکدیگر متعاضد شوند .

حزب و اتحادیه های زیر رهبری آن بخوبی از عمده این کار برآوردند . افشا* شیوه های کار اتحادیه های فلابی در مراکز نفوذ آنها توأم بمبارزه واقعی در راه تأمین حقوق کارگران در کارخانه های که برای متفقین کار نمیکردند تا* نیز خود را بخشیدند . اتحادیه های واقعی با ، نظیر گرفتن تقاضای مرط بازار و بالا رفتن سرسام آهرهای اجناس داخلی (که هرگونه تعطیل کار در آن شرایط موجب زیان فراوان کارفرمایان میشد) کارفرمایان را مجبور به پذیرفتن حد اکثر سکن خواستهای کارگران مینمودند . در نتیجه این اقدامات در برخی از کارخانه ها از جمله در کارخانه های اصفهان دستبرد تا چهار برابر بالاتر رفت . در این کارخانه ها بدین آنکه قانون کاری وجود داشته باشد کارگران موفق به کم کردن ساعات کار تا هشت ساعت ، گرفتن یک روز تعطیل در هفته و ۱۵ روز مرخصی سابقه شدند . کارفرمایان بحکم اجبار اتحادیه های کارگری را بر رسمیت شناختند و آنها را در مسائل مربوطه و وضع کارگران - پذیرش و اخراج از کار - دخیل ساختند .

این کامیابها توجه کارگران را بسوی سازمان واقعی آنها جلب نمود و پا به سازمان فلابی را که زیر رهبری بوسه* اختاری بود متزلزل ساخت . جناح سالم این اتحادیه که در پیکر مقاصد اصلی تشکیل داده شده بود وی را از سازمان خود اخراج کرد و پس از تذکره آمادگی خود را برای وحدت سازمان اصیل کارگران اعلام نمود .

پس از شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر اتحادیه های کارگران بوسه* اختاری که منظور اصلی آن ایجاد تفرقه در طبقه طبقه کارگران ایران بود و اتحادیه های دیگر نیز بوجود آمدند . تشکیل دهنده گان آنها از افراد سابقه دار حزب کمونیست ایران بودند که در خطوط اصلی با اتحادیه های کارگران زیر رهبری حزب تسوده ایران همکاری داشتند . این دو اتحادیه عبارت بود از : اتحادیه های کارگران راه آهن اسپران* و "اتحادیه های زحمتکشان ایران" .

پس از آنکه این دو اتحادیه نیز رضایت خود را برای ایجاد سازمان واحد صنعتی طبقه کسارگر

ایران اعلام دلنشند در تاریخ اول ماه مه ۱۹۴۴، با وجود مقاومت شدیدی یوسف افتخاری و کماتش، بالاخره سازمان واحد زمینیان، شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، بوجود آمد.

در مرکز این سازمان شورائی بزرگ از ۵۵ نفر قرار داشت که از میان اعضا، آن ۱۵ نفرسرحنوان هیت مرکزی و پنج نفر بمنحوان دبیرانتخاب میند.

این سازمان که بهنگام وحدت دارای ۵۰ هزارعضو بود، درآندک مدت بیش از ۶۹٪ طبقه کارگر ایران را درصقوف خودمشکل ساخت. ارگان مرکزی آن روزنامه "ظفر" وعلی‌البدل آن روزنامه "بشر" بود.

جراند حزب - درشرایط نبودن کادرکافی حزبی و دشواری ارتباط با سازمانهای ایستنهاو شهرستانها و باوجودوظایف مهم سیاسی که ازهمان روزهای نخستین تشکیل حزب درمقابل آن قرار گرفت مطبوعات حزبی میژوانستند نقش بزرگ تبلیغاتی و سازماندهی بازی کنند. نخستین جراندی کهسه حزب با استفاده از امتیازات موجود توانست دایرکنند عبارت بود از روزنامه "مردم" - ارگان سیاسی ضد فاشیستی و روزنامه "سیاست" که از ۱۴ اسفند ۱۳۲۰ بعنوان ارگان مرکزی حزب انتشار یافت.

در نخستین کنفرانس ابالیتهی تهران که درحقیقت نقش کنفرانس سراسری حزب را ایفا نمود تصمیم گرفته شد که بمناسبت اخراج عباس اسکندی صاحب امتیاز روزنامه سیاست از حزب، روزنامه دیگری بعنوان ارگان مرکزی جانشین آن گردد.

این وظیفه بمناسبت عهد روزنامه "مردم" گذارده شد. سپس درجلسه فوق العاده اول بهمین ۱۳۲۱ تصمیم گرفته شد که نامه "رهبر" بعنوان ارگان رسمی حزب منتشرشود. طبق این تصمیم در تاریخ دهم بهمین نخستین شماره روزنامه "رهبر" منتشرشد. این روزنامه که تحت نظریهت تجربهی منتشر میند، بزودی بمن اعضا، حزب و نیز خارج ازحزب کسب نفوذ و اعتبارگرد و ایجاد ارگانهای برای سازمانهای ایستنها و شهرستانها نیز در دستور قرارگرفت.

در نخستین کنگره حزب نیز که شرح آن خواهد آمد این موضوع مورد توجه خاص قرارگرفت و بمن قطعنامه سازمانی در این باره چنین تصمیم گرفته شد:

"ازاینکه ای تا"سپس حزب ناکنون چند روزنامه ناشر افکارآن بود ولی باید اعتراف کرد که این حرامدگاهی نیز مطایق اصول حزبی کارنگرد، اند حتی در مواردی ازخط منسی واقعی حزب منحرف شده اند (منظور روزنامه "سیاست" است. نگارنده). "رهبر" در بین جراند حزبی موضع خاصی دارد و کنگره خواستار است که این روزنامه در آینده برتاب بیشتر و بسا لاسر در من صلاح افکار عمومی و تنویر آن خدمت کند. کنگره ازکمیته آینده منظور است ارگان حزبی را بدرجه عالی بک روزنامه مهم کسه در واقع راهنما و رهبرحزب باشد برماند و در بین حال باید کوشش شود که در مسراکز حواس مهم ناشر افکار حزب بطرز آبروشد و جدی دایرگردد."

روزنامه رهبر ازهمه انجام این وظیفه مهم توانست برآید. علاوه بر ارگان مرکزی، حزب به انتشار یک سلسله مطبوعات در مرکز و سازمانهای تابعه خود اقدام نمود که عمده این اقدامات مربوط به میزان پس از کنگره است.

ب) فعالیت سیاسی

فعالیت عمده سیاسی حزب در این دوران متوجه خشن نمودن نقشه امپریالیسم انگلیسی بمنظور تجدید سلطه خود و تحمیل یک دوره دیکتاتوری نوین به مردم ایران بدست سید ضیا، الدین بود. این

نقشه بسیار دقیق تنظیم شده بود. خواه از نظر تبلیغات وسیع قلی، صحنه ها و مواعیدی که به مردم ایران در باره برقراری دیکتاتوری و سراسری واقعی و دوستی با اتحاد شوروی داده میند و خواه از جهت انتخاب برق آسای سید ضیا، بنما بندگان مجلس که میاهست از طرفی بمن "عشق و علاقه" مردم و از سوی دیگر موجب صحنهتیش با نند.

تنها چیزی که در این نقشه حساب آورده نشده و با اینکه عاملی قرعی محسوب شده بود، اراده مردم کشور، درجه انزجار آنها از سیاست گذشته و آمادگی برای دلیگیری از تجدید آن و وجود حسزب منظم پیکارجویی نظیر حزب توده ایران بود که عابریم جوانی خود میخوانست این مبارزه را سازمان دهد.

اکنون حزب توده ایران در مقابل دشمن آزمایش مبارزه سیاسی خود قرارگرفت. امتیازها بسا تبلیغات فاشیستی و بطور کلی با نفوذ معنوی آلمان، حزب سر بلند بیرون آمد. ولی در آن موقع حزب در مقابل بخشی از افکار غرب خورده عمومی قرار داشت و مبارزه اش نیز در جهت فعالیت متغیبن بود. و حال آنکه مبارزه علیه سید ضیا، الدین و نقشه هایش در حقیقت مبارزه بانبروی مادی و معنوی سیاست انگلیس یعنی یکی از متغیبن در جنگ با آلمان فاشیستی بود.

عامل مهمی که حزب در این مبارزه میخوانست بدان تکیه کند آمادگی مردم کشور برای پشتیبانی چنین مبارزه ای بود که خود زمینه مساعدی برای تشکیل جبهه واحدی را آماده مینماید.

حزب از نشاندن سماوی واقعی سید ضیا، الدین به آن قسمت از افکار عمومی که براه نیز واقعا عنصری انقلابی میدانستند آغاز نمود و این افشاکاری را با سرسختی و حوصله هر چه نامشروع و با کراهت باقیهات تعقیب کرد: خد ماتی که روزنامه "رد" تحت مدیریت سید جعفر خود سیاست انگلیس در ایران انجام داد، بود. با مشورت فوق العاده وی به آذربایجان مساواتی بنظراجرای نقشه انگلیس ها، انتشار رساله ویژه بخار فزاری انفراراد ۱۹۱۹ و غیره. بعدا به واقعات ریز نیز شاهد گویای وابستگی وی به نقشه های انگلیس بود که "حزب آریایی پس از دگرایی فاش مینماید: تجلیل در مناطق تحت اشغال ارتش انگلیس، انتخاب وی از یزد با دخالت مستقیم کنسول انگلیس، سیقت جستن جراند شناخته شده به طرف آری انگلیسها، در تجلیل و ترویج شخصیت وی و غیره.

در بدو ورود خود سید ضیا، اصول عقاید و نظرات خویش را در رساله ای بنام "شعائر منسی" منتشر ساخت. این رساله قبل از هر چیز نشانده دوری مطلق سید از محیط آرزویی بود. بزعم نویسند رساله دعوت به ترک لباس اروپائی، برسرگذاشتن کلاه پوستی، اعاده حجاب و اعلام مبارزه با مختصر اقدامات مترقیانه ای که رضاشاه اجبارا به اقتضای خواست زمان انجام داد، بود. میخوانست زنده مساعد در میان مخالفین در برهه دیکتاتوری رضاشاه، فراهم سازد. نگارنده "شعائر منسی" منظور حجاب فشر مر جمع روحانین و مردم عامی بقول خود "متمناتی" را برای ایرانیان قائل شده بود که هیچگاه از سنن مردم ایران بیوده است. کتاب "شعائر منسی" به نقطه ضعف مهمی برای سید ضیا، الدین میدگردید. این کتاب نشان داد که سید از واقعیت ایران بطور جدی غیب مانده است و تحولی راه در روح ایرانیان گذشته بود. نتوانسته است درک کند. کلیه تبلیغاتی که برای آراستن شخصیت سید و جلوه دادن سفسف بعباده یک قهرمان اصلاحات شده بود، در اثر آشکار شدن اینجاع و غیب ماندگی بفرط فکری سید، ختم ماند و زمینه شکست او از هر باره فراهم شد.

مطالب رساله "شعائر منسی" در جراند حزبی طی مقالات مفصل و مسلسل جز "بجز" در معرض تجزیه و تحلیل و انتقاد بوند بود. قرارگرفت مطبوعات حزب هدف و مقاصد نویسنده، سخافات فکری و عوام قرعی هایش را افشا نمود بدسجوی که سنک روی سنگ سالی آن باقی نماند. نقش عمده را در این زمینه روزنامه "رهبر" بازی کرد.

در مقاله ای که بمناسبت فعالیت در رساله روزنامه "رهبر" در شماره ۱۷۹ مروره دهم بهمین

۱۳۲۲ نوشته شده مبارزه قلمی این روزنامه بویژه علیه سید ضیا^۱ الدین چنین جمع‌بندی می‌گردد: ^۱ است:

"قدرت منطقی و زبردستی نویسنده‌گان روزنامه جنسی... موجب شد هر يك از دشمنان که با ما بمبارزه قلمی برخاست خود مطبوع... از میدان در رفت.
بهترین مثال صحت این ادعا مبارزه^۲ مطبوع و پراختیاریست که روزنامه رهبر تحت نظر سازمان رهبری حزب پرعلیه مردم سه مرتبه و سرآمد خائنین - سید ضیا^۱ نبود.
بهینک این مبارزه در تاریخ مطبوعات ایران بنام روزنامه رهبر صلحه درخشان و جاوید آبی باز نموده است. سید از این نبرد بی‌آبرو و حقیر، متکوب و مغلوب بیرون آمد و قطعاً در نتیجه ضربات سبک‌بندی که از قلم رهبر خود آمده است هرگز نخواهد توانست قدم کند."

و نیز:

"استعمارطلبان خود بخواهی میدانند که تاچه اندازه کوشش ما در مطبوع گذاشتن نقشه‌های محیله و ماهرانه آنها ملحد و موثر بوده است. ما میتوانیم بدین اینکه تصور افراق کوشی یا لال زنی بروی خود را قهرمان شکست (نقشه) هائی بدانیم که استعمار برای رونق کار سید ضیا^۱ الدین طرح کرده بود."

حزب توده ایران به کار تبلیغاتی و افشاکاری نقشه‌های سید ضیا^۱ الدین در مطبوعات خود اکتفا ننمود. حزب تمام شبکه سازمانی خود را برای مبارزه علیه نیز تجهیز نمود. میتینگ‌ها و نمائشات عظیمی در سرتاسر کشور برپا کرد. حزب تشکیل شد که شرکت‌کنندگان آن خواستار حاکم سید بختون‌نامل کودتا و قیام عمده حکومت مشروطه و طرد از ایران بختون‌ناملی است که دست

کشیده است بچند.
حزبان کارزار علیه حزب توده ایران میتینگ عظیمی بود که روز ۲۵ مهر ۱۳۲۲ در تهران بدعوت حزب داده شد. در مساله روزنامه "مردم" شماره ۱۱۱ مورخه ۲۶ مهر زیر عنوان "تاساعت ۹ شب مردم در تمام شهر فریاد می‌زند: "مردم باد سید ضیا^۱، در باره عظمت و تا^۳ ثرواین نساپیش عظیم چنین می‌خوانیم:

"قدرت توده امریز معلوم شد. توده^۴ مستعد پده، دشمنان استبداد و ارتجاع، آزاد بخوانان، کارگران کارخانه‌های تهران و حومه، دهقانان اطسراف، روشنفکران، افسران آزاد بخوان، پد رگشته‌ها، مادر مرده‌ها، زنان بی‌فرزند که در میتینگ چهل هزار نفری حزب توده ایران در میدان سنگلج جمع شده بود تا^۵ بکرای... فرهاد خود را برای آزادی، نرفت و انزجار خود را از استبداد و ارتجاع... طنین انداز کردند.

... در پیروز حزب توده بزرگترین ضربه را به ارتجاع وارد آورد... و به مردم ایران و عالمان گفت که ما مخالف دیکتاتوری و آخرین بقایای کهنه آن در ایران هستیم"

میتینگها و نمائشهای نظیر، همه مراکز حزب توده ایران در آن تشکیل شده بود، فراگرفت. سیل تظاهراتی حاکی از انزجار و نفرت از رژیم سید ضیا^۱ و فعالیت آغازنده^۶ وی به سرکز روان شد.

در نمائش عظیمی که در تهران داده شد ناظرین گفتند:

"آذربایجان با نیروی دیکتاتوری را نمیدارد، خاکی ملت را بمحاکمه جلب کنید."

در آغاز کار مجلس چهارم هم نیز فراکسیون حزب توده ایران قبل از همه نسبت به اجبار نساپت سید ضیا^۱ اعتراض کرد تا بتوان اسناد و مدارک مربوط به خیانت وی به اصول مشروطیت و عدم صلاحیتش را از تریبون مجلس برای تمام مردم ایران تشریح نمود. ولی بنا به تقاضای دکتر محمد صدق که وی نیز در این باره اجازت صحبت خواسته بود فراکسیون تصمیم گرفت بمطرح همکاری و مبارزه درجهبه هر چه وسعتر علیه سید ضیا^۱ الدین - مظهر آنروزی ارتجاع - از اجازت خود بنفع دکتر محمد صدق صرف نظر نماید.

ج - کوشش برای تشکیل جبهه واحد

حزب توده ایران در مبارزه علیه بقایای دیکتاتوری و نقشه‌های آن تنها نبود. ده‌ای از نمایندگان مترقی مجلس و رجال آزاد بخوان و عده‌ای از جراید مترقی در این مبارزه سهم بردند. ولی حزب توده ایران یگانه حزب مترقی و نیرومند کشور بود که میتواند این مبارزه را سازمان دهد و به آن روح بخشد. مبارزه با پیکرو صادقانه وی علیه نقشه‌های استعمار و ارتجاع داخلی ویرا در مرکز توجه مردم قرار داده بود. مردم ایران به چشم خود میدیدند که بین احزاب متعدد دی که پس از شهریور ۱۳۲۲ بوجود آمدند تنها حزب توده ایران است که نیرو و امکانات مادی و معنوی خود را در خدمت مردم گذارد و زیر بار هیچگونه تهمید و تهمیسی نرفته است. با وجود دعوتهای متعدد دی که از طرف کابینه‌های سبیلی و قوام برای شرکت در کابینه حمل آمد، از آنجا که شرکت خود را در آن موقعی اثر و موجب نفی توده^۷ هسا میدانست زیر بار نرفت و حتی بد پر روزنامه "سیاست" ارگان مرکزی خود عباس اسکندری را که در این راه کوشا بود از حزب اخراج و از داشتن ارگان حزبی تا امکان و تصمیم جد بد خود داری نمود.

کوشش برای انصراف حزب از راه خود منحصر به دولت‌های سبیلی و قوام نبود. سید ضیا^۱ الدین نیز که در نخستین نبرد خود با حزب د چار شکست شد کوشش نمود از رسالت و نفی برآید و در همان نبرد و تشکیل دوره چهارم مجلس بارها به نمایندگان فراکسیون توده پیشنهاد همکاری کرد و چندین بجا تکرار نمود که حاضر است با شرکت نمایندگان حزب توده ایران کابینه تشکیل دهد (روزنامه "رهبر" شماره ۱۴۱۳).

ولی حزب توده ایران از میان خلق و منظور خود مت به خلق برخاسته و هدف مبارزه‌های استقلال و آزادی کشور و رفاه مردم ایران بود و در این مبارزه هرگونه سازش را در واز دست افک بلکه خیانت میدانست. حزب توده ایران به دشواریهای آتی واقف بود ولی برای مقابله با همین دشواریها زاینده شده بود و میدان مبارزه را ترک نمیکرد.

شکست سید ضیا^۱ الدین در نخستین برفی برای مصرف حکومت، بهمنای آن تود کار اجازا^۸ نقشه‌ها و اوسمهتی که بوی محول شده است صرف نظر خواهد کرد. برعکس، اکنون نقشه مشخصتر در مقابل وی قرار داشت و آن از میان برداشتن مانع عده، یعنی حزب توده ایران و ایجاد طرفه میان نیروهای مترقی بود. این مبارزه در زمانی طولانی ادامه یافت، با اشکال و عناوین مختلف بروز کرد: گاه بنام "کنگره احزاب"، گاه زیر عنوان جمعیت‌های مختلف ("وطن"، "رعد") و همکاری مسوایی با احزاب موجود از قبیل "عدالت"، بقایای حزب "مهرمان" و غیره و همیشه همراه با همی اراد لیو اها جایی بر شده به مراکز حزب، و بالاخره زیر نام "اراده ملی" - مأمور جمع آوری همه احزاب و دستجات ارتجاعی زیر پرچم واحد - سرخ همواره در دست سید ضیا^۱ و سفارت انگلیس بود.

روزنامه "رهبر" بهنگام تشکیل حزب "اراده ملی" در باره این فعالیت ها خطاب به سید ضیا^۱ مثالی از کلبه و دمنه آورد که زلفان به بوم گفتند "اگر تو اهدات با سوسوزاند و خاکستر کند و زبند ه

گردانند و بازم بسوزانند و خاکستر کنند باز ماهیت شوم تو همان ماهیت بوم است" و نوشت :

" شما هم آقای سید ضیا" الدین بهر هیبتی که در آید و هر شکلی که اختیارت کند ملت ایران شمارا میخاند و از خاکستر شما نیز تنگ داری" (۶)

فعالیت ادامه دار سید ضیا" الدین نگرانی همه عناصر ضد دیکتاتوری و دیکرات رافرا همساخت ۰ در جریان این مبارزه صوفی حزب توده ایران که در پیشاپیش آن فرار داشت بحساب عناصر ملی و مبین پرست گسترش یافته و بر محبوبیت حزب افزود شد.

از طرفی نیز این مبارزه پل واسطی شد میان حزب و عناصر مترقی ۰ زمینه مساعدی برای همکاری زیر شمارهای عصبی - آزادی و استقلال کشور، جلوگیری از برگشت دیکتاتوری و تحکیم آزادی های مردمی - فراهم کرد ۰ حزب توده ایران برای گردآوری و تشکیل این عناصر در یک جبهه گام برداشت و از کله جراح و نومسندگان و رجالی که خود را آماده مبارزه برای تحقق این شعارها میدیدند برای تشکیل جبهه مشترک دعوت نمود ۰

ثمره کوشش خستگی ناپذیر حزب پدایش "جبهه آزادی" بود که در آستانه نخستین کنفرانس حزب مرکب از بد ایران جراحی که خود را آماده این همکاری میدانستند تشکیل گردید ۰ در ۱۹ مرداد ۱۳۲۳ رسیده که نهی از جراحی سراسر کشور را تشکیل میداد ۰

"جبهه آزادی" بتدریج نتایج یافت و شکل سازمانی خود گرفت و سپس برنامه خود را بشرح زیر اعلام نمود :

"جبهه آزادی سازمان ائتلافی از بد ایران جراح و نومسندگان و افراد آزاد پخواه است که برای پیشرفت مقاصد مشترک زیر با احزاب و اتحادیه ها همکاری و تشریح یک مساعی مینماید :

- ۱) مراقبت در حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت خاک ایران و مبارزه قطعی علیه هرگونه سیاست استعماری ؛
- ۲) مبارزه شدیدی برای برقراری حکومت ملی بر اساس قانون اساسی و مردم دگراسی ؛
- ۳) تشکیل دادگاههای ملی برای محاکمه و مجازات خائنین به منافع عمومی ؛
- ۴) مبارزه برای تأمین عدالت اجتماعی بمنظور بهبود زندگی عمومی مردم ۰

بد بطریق بیست حزب توده ایران برای نخستین بار در تاریخ مبارزات مردم کشور با جبهه واحدی پیوسته آمد که در آن عناصر دارای عقاید و نظرات مختلف برای مبارزه در راه هدف های مشترک در هم گرد آمدند و متشکل شدند ۰

"جبهه آزادی" ملی موجودیت خود خدمات ارزنده ای انجام داد که بموقع خود بدسان اشاره خواهد شد ۰

د - فعالیت انتخاباتی - انتخابات دوره چهارم هم

در آستانه سقوط رضاشاه انتخابات دوره سیزدهم هم مجلس شورای ملی با پایان پذیرفته و مجلس تازه تشکیل شده بود ۰ انتخابات این دوره نیز مانند کله ادوار انتخاباتی زمان رضاشاه طبق صورت از

پیش تنظیم شده و دستوری بود ۰ طبیعتا انتظار میرفت نخستین عمل دولتی که پس از سقوط د و ر ه دیکتاتوری سرکاری آید الفنا" این انتخابات و تجدید آن باشد ۰ ولی از آنجا که درد سگانه حاکمه از نظرماهی تغییری حاصل نشده بود چنین انتظاری مورد نداشت ۰ مجلس تشکیل شده و به هیچ گز شده پکار برداشت و از خود قوتی نپوشید مانند دعوت مستشاران امریکائی ، اختیارات فائق العاده به مجلس و نظیر آن بباد کارگذاشت ۰

امید باینکه انتخابات دوره چهارم نیز بتواند در محیطی آزاد برگزار شود نیز وجود نداشت ۰ علاقم د پده شد که همان نیرنگهای سابق با اندک استثنای جهان یافت ۰ بنابراین احتمال پیروزی نیروهای مترقی با واقعیت وفق نمیداد و برای حزب توده ایران نیز توهمی در این زمینه وجود نداشت ۰ با اینحال حزب تصمیم گرفت در انتخابات شرکت کند و در نقاطی که خود نامزد ندارد از نامزد های مترقی پشتیبانی نماید ۰ از این راه حزب میتوانست هم نیرنگهای ارتجاع راد رجحان کارزار انتخاباتی بر ملا سازد و هم در صورت گذراندن چند وکیل از تریبون مجلس بمنظور روشن ساختن افکار عامه و آشناسا خباثتهای د سگانه حاکمه و تبلیغ نظرات خویش استفاده نماید ۰

حزب توده ایران در خود بدسی نقرحیزی و غیر حزبی از تهران و شهرستانها برای نمایندگی مجلس شورای ملی نامزد کرد ۰ چونگی مبارزه حزب در انتخابات دوره چهارم خود موضوعی است که در این مختصر نمیگنجد ۰ در اینجا تنها میتوان گفت که در هر جا نامزد های ارتجاعی در مقابل نامزد های حزب توده ایران قرار میگرفتند دولت برای جلوگیری از انتخاب نامزد حزب نهایت شدت توأم با نیرنگ و تقلب را بکار میرد ۰

با اینحال حزب کامیابیهائی بیش از انتظار اولیه خود بدست آورد ۰ در برخی از نقاط ۰ بویژه در دوحوزه انتخاباتی جنوب - اصفهان و فردوس - نامزد های حزب بدین درد سر حائز اکثریت شدند ۰ نامزد حزب در اصفهان در خود بدسی و پنچ هزار رای آورد که بزرگترین رای در میان همسسه نامزد های انتخاباتی کشور ام از مرکز و شهرستانها بود ۰

جمعا به نامزد های حزب در خود بدسی و بیست هزار رای داده شد و د نفر از آنها موفقیت حاصل کردند ۰ باید اذعان داشت که در برخی از حوزه های انتخاباتی - بویژه در تهران - تعیین نامزد ها بموفقیت آمیز نبود و برای انتخاب آنها تنها به نیروی حزب اتکا شده بود و حال آنکه حزب هنوز آنچنان نیروی را اختیار نداشت که بتواند خود در مرکز مستقلا از عهد بردن اکثریت برآید ۰ تنها سلیمان محسن اسکندری میتوانست موفقیت حاصل کند (و قطعاً موفق میشد) که تا مقافه عصر ش باری نکرده ۰

از د نفر نمایندگان انتخاب شده ۰ نمایند د مازنداران غربی - رحمن قلی خلعت بسری - بمناسبت نخستین انضباط فراکسیون از فراکسیون توده اخراج شد و نمایند د شریز - میرجهانی پشه روی که بمناسبت تاخیر انتخابات آنجا د پرتو به مجلس آمد ۰ بعد ۰ اعتبارنامه اش باد سیمه قبلی نمایندگان ارتجاعی رد شد ۰

در نتیجه فراکسیون توده در مجلس از هشت نفر تشکیل یافت ۰

حزب بر اساس برنامه عمومی خود برنامه حد اقلی برای فراکسیون توده تنظیم نمود و بمنظور اطلاع عموم ملی اعلامیه ای آنرا منتشر کرد ۰

در این برنامه خاطر نشان شده بود که نمایندگان حزب توده ایران در مجلس شورای ملی کاری جز دفاع از مصالح مردم ایران ندارند ۰

- آنها از تریبون مجلس استفاده خواهند نمود تا صدای مردم ایران را بگوش جهان نیسان برسانند ۰

— آنها نگرهبان حفظ استقلال و تمامیت کشور خواهند بود -
— شما صد ه آنان میارنست از: " آزادی برای همه ، نان برای همه ، فرهنگ برای همه ،
بهداشت برای همه "

حزب فراکمیون خود را موظف به تهیه طرحهایی نمود که پاسخ دهند به خواستهای مردم
باشد از جمله : قانون کار ، تجدید نظر در قانون استخدام ، تجدید نظر در قانون انتخابات ، اصلاح
دادگستری و لغو دادگاههای فوق العاده ، اصلاحات ارضی ، اصلاحات اقتصادی در جهت صنعتی
کردن کشور ، تساوی حقوق زنان و غیره .
در اعلامیه گفته میشود که نمایندگان توده با کلیه نمایندگان آزاد پخواه و اصلاح طلب و مترقی
همکاری خواهند نمود .

فراکمیون توده با منتقاهای جدید در جهت اجرای برنامه خود و همکاری با نمایندگان مترقی
کوشید و با جدا افتادگی از کرسی مجلس نام برجسته ای در تاریخ مبارزه مردم ایران از خسو د
باقی گذارد .

نخستین کنگره حزب

حزب توده ایران از کارزار انتخاباتی با نیروی بازهم بیشتری بهرین آمد . فعالیت عده هندی
در نقاط کارگری و شهرها بود و این نکته در چگونگی ترکیب طبقاتی حزب نمایان گردید ، چنانکه ۷۵٪
اعضا " حزب کارگران ، ۱۲٪ راکارمندان و روشنفکران و تنها ۲٪ راد هقانان تشکیل میدادند - موضوع
که خود یکی از علل ناکامی نسبی حزب در انتخابات نقاط غیر کارگری شد . جمعا حزب دارای ۲۵ هزار عضو
رسمی بود و اکنون در پورتشکلی کنگره حزبی در دستور ریز قرار میگرفت تا آنکه بتوان شکل سازمانی صحیحی
به حزب داد .

طبق اسامنامه نمایندگان کنگره میباشی در کنفرانس های حزبی مربوطه انتخاب شسودند .
طل ماههای اردیبهشت ، خرداد و تیر ۱۳۲۳ این انتخابات انجام گرفت و در تاریخ دهم مرداد ۲۳
(اول اوت ۱۹۴۴) نخستین کنگره حزب در سالن کلوب مرکزی افتتاح گردید .
جلسه را مسن ترین نماینده کنگره رفیق مجاد اله رزبان نمایند ه قزوین افتتاح نمود . پسد و
به پیشنهاد رئیس جلسه نمایندگان به یاد و پاس احترام مرحوم سلیمان محسن اسکندری (سلیمان میرزا)
بهاخته سیک دقیقه سکوت کردند . سپس انتخاب هیئت رئیسه دائم بارای مخفی انجام گرفت .
پس از انتخاب هیئت رئیسه کنگره به کار خود آغاز نمود . در جریان کنگره نمایندگان سازمانهای
مهم کارگری مرکز بنتا و ب در جلسه حضور یافتند و از جانب سازمانهای خود بکنگره تبریک گفتند .
پرزنتصوب اعتبارنامه ها (که اعتبارنامه یک نماینده مورد تصویب قرار نگرفت) کنگره بسا
حضور ۱۱۴ نفر بارای قطعی و چند مهمان از افرادی که با حزب همکاری کرده بودند بکار آغاز نمود .
گزارشهای عبارت بود از :

- ۱) گزارش سازمانی
- ۲) گزارش سیاسی
- ۳) گزارش درباره تغییرات در برنامه و اسامنامه
- ۴) گزارش کمیسیون تقنینی و کنترل

۵) گزارش فعالیت فراکمیون توده .
۶) رسیدگی به امور مالی .

در ایزراف زار شهابیاسانت پرشوری در گرفت . نمایندگان در فضای بحث آزاد جهات مثبت
و منفی کار حزب و انتقادات خود را بیان داشتند . از آنجا که جهان کار و مذاکرات کنگره علنا و بتفصیل در
روزنامه ارگان حزب انتشار می یافت (کاری که تا آنروز سابقه نداشت) بحثها در حقیقت بخارج نیسب
کنانده میشد و طی یازده روز کارکنگروه ، جریان آن در مرکز توجه کلیه محافل سیاسی کشور قرار گرفت بود .
روزنامه " رهبر " چند برابر بهای خود دست بدست بفروش میسپید .

بسیاری از بدخواهان حزب منتظر بودند که کنگره آغاز تلاش حزب باشد . ولی زندگی عکس
آنرا نشان داد . روزنامه " رهبر " در شماره ۳۵۷ خود نوشت :
جریان نخستین کنگره حزبی نشان داد که مانع فقط از انتقاد نمی ترسم بلکه آنرا
با کمال سرور استقبال میکنیم .

پرشورترین بحث هاد را طراف گزارش سازمانی بود . کنگره بد واجبهات مثبت فعالیت سازمانی
گذشته را متمدن کرد و " از کلیه کماتیکه در تهران و شهرستانها برای ایجاد توسعه حزب انواع مصائب را
بر خود هموار کرد و اند و از کلیه مسئولین تهران و شهرستانها که شب و روز در راه پیش بردن حزب
میکوشیدند " سیاستزاری نمود و " از خدمات فقید سعید مرحوم سلیمان محسن اسکندری که پسکی از
جها دین وفادار حزب توده ایران بود " قدر دانی کرد . (۸)

سپس کنگره باز گزاین نکته که " حزب توده ایران در این کشور یگانه حزبی است که بسد ان
معنی حقیقی حزب تعالی میگردد " و " حزبی است که جمع کشوری از مردم کشور آنرا میباشند " به نواقص
کار حزب ، علل آن و لزوم برطرف ساختن نارسائیهات توجه خاص نمود .

کنگروه متمدن کرد که " حزب هنوز ۱۰۰۰ وارد مرحله جدی تشکیلش خود نشده و دارای نواقصی
است که از جمله علل این نواقص را میتوان عدم سابقه احزاب در ایران دانست . "

در قطعنامه کنگره گفته میشود :

" در این بیست ساله استبداد و سانسوشد بد عقائد مانع از رشد سازمانهای سیاسی
و اجتماعی بود . بسبب نبودن افراد تشکیلی و نداشتن تجارب لازم و عدم معرفت
غالب افراد مملکت به الفهای مبارزه و سیاست ، طبیعتا هر حزب نوپشادی دارای
نواقص و عیوب چند میشود که در جریان نبرد اجتماعی با بد بدت نوع اصلاح و رفع گردد . "

یکی از نواقص حزب را کنگره در نبودن کادر گامی رهبری کننده میدد و به این نکته توجه کرد که :
" از لحاظ سیاسی حزب بزرگ و معروف و با نفوذ شده و حال آنکه تشکیلات حزب قادر
به اداره نبود . بی تجربهگی و نبودن کادر با اندازه کافی در آغاز تشکیل حزب از علل
عده این نقص است . ما بین سازمانهای مختلف حزبی نیز هماهنگی و همکاری
چنانکه باید وجود نداشت و هر سازمان مطابق ابتکار خود میکوشید . ۱۰۰۰ لذا حزب با
جریانهایی بی نقشه در دستگاه اداره کنند و خود در آینده مبارزه خواهد کرد و اصول
رهبری متمرکز و نقشه ای را اجرا خواهد نمود . "

(۸) جملات بین گیومه از قطعنامه کنگره در باره سازمان حزبی (روزنامه رهبر شماره ۳۵۹) است .

کنگره توجه کمیته مرکزی آینده را به ضعف ارتباط با ولایات و لزوم برقراری ارتباط جانبدار بین سازمانهای مرکز و ولایات و نیز به عدم نظم در کار سازمانی و لزوم تکلیف دینی شمع و رعایت سلسله مراتب و انضباط حزبی جلب نمود.

اشتباه بزرگ از همان بد و تا "سهمن حزبی" عدم توجه به برتری کفایت بر کمیت بود. برای برخی این توهم پیش آمده بود که گویا حزب میتواند تا حدی وظیفه جبهه واحد را انجام دهد و لذا در پدیرش افراد دقت لازم بعمل نیامد. کنگره به این نکته پیوسته توجه نمود تا اینکه هر چه زودتر از آلودگی حزب به افراد بیگانه جلوگیری شود و صفوف حزب از عناصر صالح تصفیه شود. در این باره در قطعنامه سازمانی چنین میخوانیم:

ماده ۱۰. تصفیه حزبی باید هر چه زودتر عملی شود. باید کلیه عناصر صالحی که در حزب راه یافته اند یا ارتجاع بمنظور مینویسند و وارد کرد. با ماجراجویانی که از نام حزب قصد سوء استفاده دارند بلافاصله پس از کنگره و بعد از بازرسی دقیق طبسقی نظامنامه تصفیه اخراج شوند.

ماده ۱۲. حزب خود ایران از این پس در قبول نفرا ت تازه دقت بسیار خرج خواهد داد و پیش از عضویت دوره آزمایشی مطابق نظامنامه معمول خواهد داشت (منظور نظامنامه اصلاح شده در کنگره است. نگارنده) و خواهد کوشید که حزب از افسرد با انضباط و آگاه تشکیل شود. بهمین جهت عدم لگم ولی خوب را بر زیاد ولی بسد ترجیح خواهد داد و دعوی برای توسعه اتحاد به های کارگران و دهقانان و کارمندان بمنظور تشکل توده وسیع مردم و بمنزله نخستین آموزشگاه و پسر و رشگاه سیاسی افراد جدیت خواهد نمود.

ضمن تقدیر پس از آنکه در مورد وحدت جنبش کارگری بعمل آمده بود کنگره تنگه خاصی روی لزوم کار در ده و تشکیل اتحاد به های دهقانی نمود.

بمنظور برجسته کردن اهمیت انتقاد در حزب کنگره متذکر شد:

"از آنجاکه حزب ما حزبی مترقی و آزاد بخواد و خواهان تکامل است برای آنکه در چار نساند نشود از انتقاد بیرونی ندارد بلکه از آن باک دارد که گرفتار غرور و اشتباه گردد و در تبهایی فرورود. سازمان ما انتقاد را بمنزله سلاح اصلاح همیشه بکار خواهد بسرد ولی در همین حال مواظبت د قبی خواهد کرد که این انتقاد بصورت زیان بخش نماند انگیزی در تبهایی" (ماده ۱۱)

کنگره نظر کمیته مرکزی آینده را به لزوم کار هر چه وسیعتر بین زنان و متحد ساختن آنان در فعال تحریکات اجتماعی و نیز کوشش برای متحد ساختن جوانان و روشنفکران و "آشنا کردن آنان به روش صحیح آزاد بخوای" جلب نمود.

در مورد تبلیغات حزب کنگره این نکته را گوشزد نمود که:

"سابقا غالب تبلیغات ما چنانکه باید و شاید با روحیات عمومی تطبیق نمیکرد و در باره موارد نتایج غیر مطلوب داد. کمیته مرکزی آینده باید برای مبتنی کردن تبلیغات بر اصول صحیح دقت کند و بخصوص بنگاه نشریات توده و کلاسهای سیاسی و مدرسه"

تبهیت کادر و موسسات ورزشی و دواثر تبلیغاتی د پگرا ایجاد و توسعه دهند و همچنین برای شناساندن حزب به خارج از ایران بمعاون یک حزب پیشرو ملی و آزاد بخواد بکوشد" (ماده ۱۷)

کنگره پس از استماع گزارش مربوط به روش غیر حزبی در روزنامه "صوت" رشت و تشخیص رحن قلبی خلعت بری وکیل مجلس و عضو فراکسیون توده که با وجود خود داری فراکسیون توده از شرکت در مراسم تسلیم بمقامت فوت رضاشاه، بازهم در حوزه انتخابیه خود مجلس سکواری تشکیل داد و بود تصمیم به اخراج آنها از حزب گرفت. روزنامه "رهبر" در این باره نوشت که کنگره با این عمل خسود "بارد پگرتابت کرد که تشکلات ما وابسته به افراد نیست" و اضافه کرد که:

"ما این عمل پرشهامت را که بهترین نشانه قدرت حزب ماست به نخستین کنگره حزبی تبریک میگویم" (شماره ۲۵۷)

بحث در اطراف گزارش سیاسی

سیاست داخلی - نخستین کنگره حزب پس از بحث در اطراف گزارش سیاسی تذکر اینکه: "دستگاه شوم استبداد هنوز با برجاست" و "خطر دیکتاتوری آزادی ملت ایران را تبهید میکند" و جدا لزوم و حیاتی بودن اختلاف ملی از احزاب و افراد و جرائد آزاد بخواد را خاطر نشان ساخت و کمیته مرکزی آینده را موظف نمود "در راه ایجاد چنین جبهه ای به منتهمی درجه بکوشد"

بحث فصلی در اطراف لزوم با عدم لزوم شرکت حزب در انتخابات مجلس شورای ملی در گرفت. عد ه ای معتقد بود ند ناموقمی که جریان انتخابات بشکل فعلی باقی است و اعزام نمایندگان واقعی مردم به مجلس میسر نیست باید از شرکت در آن خود داری کرد و تنها به افتخار نبرنگهای دستگاه حاکمه اکتفا نمود. در پایان بحث کنگره نظر خود را چنین فرمول بندی کرد:

"کنگره شرکت در انتخابات را لازم می شمارد ولی باید این شرکت بنحوی صورت گیرد که از هیچ جهت به حیثیت حزبی لطمه وارد نیارد و د قیفا مطابق اصول و موازین حزبی باشد. در نقاطی که برای حزب زمینه ای نیست کنگره اجازه میدهد که حسرتب از آزاد بخوایان صالح و معروف به پاکد امنی پشتیبان کند و البته تشخیص صلاحیت این افراد با کمیته مرکزی است. تبلیغات انتخاباتی باید صوت جدی و صحیحی بخود گیرد و با مطابقت و روحیات توده مردم بمراتب پیش ازین وفق دهد و از آن حد اکثر استفاده برای تئویر اقلار عمومی بشود. تبهه زمینه انتخاباتی باید مضم بسر همه کراساس تعلیمات اصول تشکیلاتی بعمل آید" (ماده ۴)

کنگره نظر خود را در یک رشته مسائل محرم و مورد بحث نیز بشرح زیر در مواد ۶، ۷ و ۸ قطعنامه روشن کرد:

"حزب توده ایران باید د قیفا متوجه باشد و با کلیه امتیازات اقتصادی که موجب تنزل باضعیف استقلال و (موجب) بندگی اقتصادی ملت ایران گردد جدا و شند بد اختلاف برزد"

"حزب توده ایران ملت ایران را لایق آن میدانند که امور خود را اداره کند و از این لحاظ با هرگونه مستشار خارجی از هر کشور که باعد مخالف است"

" حزب توده ایران با هرگونه تأیلات تجزیه طلبی که منجر به اختلال تمامیت ایران شود مخالفت صریح و تام دارد و با اینکه تأیلات که ایجاد نفاق بین ملت ایران را بکند و با نهمه های شوم ترك و فارس و تحريك اختلاف مذاهب و ایجاد دشمنی بین ملل متوجه جد مبارزه خواهد کرد."

سیاست خارجی - كنگره پس از تأیید کلی سیاست گذشته حزب از لحاظ مبارزه علیه فاشیسم و حمایت از نبرد آزاد پخواهان ملل متفق و پشتیبانی از مطالبات حقه ملل كوچك ، سیاست آینده ه حزب را در مسائل عمده سیاست خارجی چنین تعیین نمود :

روش مودت امیز با کلیه دول متفق در ایام جنگ و دوستی با کلیه دولی که از حقوق ملل كوچك حمایت کنند بهنگام صلح ، مشروط بر اینکه این دوستی بر اساس تساوی باشد و روابط دوستانه با کلیه دول آزاد پخواه بر اساس احترام متقابل و شناسایی کامل استقلال سیاسی و اقتصادی و حفظ حرمت آزادی و حق اختیار ملت ایران در تعیین سرنوشت خویش و مبارزه با هرگونه سیاست بنده و پارک توهمین به حیثیت ملت ایران باشد و عدم شرکت در هرگونه دسته بندی که جنبه امپریالیستی دارد و نتیجه فعالیت آن استثمار ملت ایران باشد و مبارزه جدی با نظایر این دسته بندی ها ، پشتیبانی صمیمانه از کلیه جنبش های استقلال طلبانه و آزاد پخواهان ملل .

در مورد حفظ حقوق مردم ایران بعنوان متفق در جنگ علیه آلمان فاشیستی در موارد پیچ و شش تظلمنامه مربوطه چنین گفته شده است :

" حزب توده ایران معتقد است که ملت ایران در جنگ عالمسوز کنونی با تحمل مصائب بسیار و بذل کوشش بحد بیخ سهم شایانی در پیروزی نهایی متفقین دلاور ما دارد و از این لحاظ باید در زمره مللی که برضد نیروهای آفرینش فاشیسم بکار گرفته اند مرتبه ممتاز و مخصوصی بدست آورد ."

" حزب توده ایران عقیده دارد که نمایندگان کشورهای آفرینش صلح باید از میان افراد صالح و مهربان دوست و محیط برگار و آشنایی به مسائل سیاست و حامی واقعی آزادی و بربری از هرگونه شائبه همکاری با قوای ارتجاعی برگزیده شوند ."

در باره نقش و کنتزل

كنگره پس از استماع گزارش كمیسیون تحقیق و كنترل بطوركلی فعالیت این كمیسیون را در گذشته رضایت بخش ندانست و صریح نمود که این كمیسیون " نتوانسته است چنانکه باید از عهد و وظائف خود برآید و باید در آینده با رفع نقائص ، كار خود را هر چه جدیتر دنبال کند ."

سپس وظائفی در زمینه موارد زیرین برای كمیسیون آینده تعیین نمود :

- تنظیم تظلمنامه مفرح برای تصویق و مجازات بر اساس پیشنهاد هائی كس در كنگرایی شده است و
- تهیه نظامنامه اصول محاکمات حزبی و
- تدوین نظامنامه تصفیه حزبی و
- مبارزه قطعی با نشر اشاعات در داخل حزب و

هنگاری با كمیته مرکزی در ایجاد انطباط در حزب ، مراقبت و بازرسی در امور مالی و رسیدن به کلیه دعاوی مربوطه حزبی و حكمت در آن و نظارت در اجرای تصمیمات كمیته مرکزی

در مورد فعالیت فراكسیون توده در مجلس

كنگره فعالیت چند ماهه گذشته فراكسیون را مورد تأیید قرارداد و نقش مهمی را که اینس فراكسیون در كار دفاع از منافع زحمتكشان ، ترویج نظرات حزب و افشا " مخالف ارتجاعی و دستگاه حاكمه دارد متذكّر شد و لزوم همکاری هر چه بیشتر با نمایندگان مترقی و اجرا " برنامه ای که حزب در مقابل فراكسیون قرارداد است بكار د بگرتا گیرد .

در تظلمنامه مربوط به امروالی - كنگره نخست " از مصم آزاد پخواهان که از كلك به حسزب دریغ ننمودند و بخصوص در مورد تدبیر های رفیق فقیه مرحوم سلیمان محسن اسکندری که در او پیشین دم زندگی در انكاری انجام داد و نام نيك خود را در قلوب آزاد پخواهان منقوش ساخت " سیاسی - كزاری كرد .

سپس كمیته مرکزی آینده را موظف ساخت در عرض يك ماه به کلیه محاسبات كمیسیون مالی سالی رسیدگی دقیق نماید . نتیجه رایبه همه اعضا " حزب اعلام نماید . وظائفی نیز در آینده در زمینه ازد پسا در منابع مالی ، طرز وصول حق عضویت و غیره تعیین نمود .



نكته قابل توجه در كنگره موضعی بود که خلیل ملکی اتخاذ کرد - چنانکه در بدیم حزب در گذشته دارای يك سلسله دشواریهای ناشیه از سرعت رشد و از انبساط آرای اشتباهاتی بود که در كنگره ضمن بحث آزاد و سالم به آن اشاره شد و نمایندگان سخنانی از زاویه انتقاد صریح ایراد كردند .

خلیل ملکی که تنبها در آستانه تشكيل كنگره عضویت حزب را پذیرفته بود سمي كرد از این اشتباهات و انتقادات ببارد ، بفتح نقشه دراز مدت خود که برای نمایندگان نامعلوم بود حد اكثر استفاده را بنطاق توجه باین موضوع بجهت آزر نظر اوضاع و احوال موجود سیاسی و كوشش هائی که برای مبارزه از مسو ضع چپ نمائی با حزب توده ایران میشود تجربه آموز است . در حالیکه موضع واقعی سیاسی خلیل ملکیسی (چنانکه بعد ها واضح گردید) موضع افراطی راست تا حد تسلیم طلبی بود ، در كنگره بعنوان چپ جوانان طرفدار اصلاحات و دارای شور انقلابی ، حزب را از چپ ترین مواضع در معرض حمله قرارداد ، شركت حزب را در انتقادات نادرست و سیاسی را سازشکارانه دانست و حزب را متهم كرد به اینکه از مبارزه طبقاتی عدول نموده الخ . وی در كنگره به عضویت كمیسیون تحقیق کل انتخاب گردید و بعد ها سیاست تفرقه افکنانه خود را تا حد انتخاب ادامه داد .

روز ۲۱ مرداد پس از بازده روز کار پر شور و هیجان و انتخاب دستگاه رهبری ، كنگره بسه جلسات خود پایان بخشید . بازده تن از نمایندگان به عضویت كمیته مرکزی و ۹ نفر به عضویت كمیسیون تحقیق کل انتخاب شدند تا آنکه طبق اساسنامه جد بد كمیته مرکزی از میان اعضا " خود پنج نفر بعنوان هیئت سیاسی و از آن میان سه نفر برای دبیری حزب انتخاب نمایند . محل صدرت حزب پس از سرگه سلیمان محسن اسکندری بر حسب تصمیم كنگره خالی گذارده شد .

کنگره باصد و اعلامیه زیرین به کارخود خاتمه داد :

* نخستین کنگره حزب تود ه ایران مرکب از ۱۱۴ نفر نمایندگان تهران و شهرستانها در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۲۳ تشکیل گردید و در کلیه مسائل مختلفه راجع بسازمان حزب و سیاست داخلی و خارجی و امروالی و تقویت و پارلمانی و برنامه و آئین نامه رسیدگی کامل نمود و پس از مباحثات پرشور و صمیمانه فطمانه هسای مربوطه را صادر کرد و با انتخاب یازده تن اعضا* کمیته مرکزی و نه تن اعضا کمسیون تقویت کل صبح روز ۲۱ ماه مذکور خاتمه یافت.

نمایندگان نخستین کنگره حزبی که با ایمان تمام برای تحکیم و تقویت حزب خود گرد آمد ه بودند تمدیق دارند که حزب تود ه ایران وظایف خطیر و مشکلات فراوان در پیش دارد و بزرگترین وسیله غلبه بر موانع و اجرای وظایف وحدت کامل عناصر حزبی است *

نمایندگان نخستین کنگره حزبی ایمان دارند که حزب تود ه ایران پیوسته پرچمدار مبارزه برعایه ارتجاع و استعمار خواهد بود و از کمیته مرکزی آینده و کلیه دستگاه رهبری حزب منتظرند که با جد و جهد و فداکاری تمام در اجرا* وظایف دشوار و مقدس خود بکوشند *

نمایندگان نخستین کنگره حزبی امروز که جلسات پرشور و باشکوه خود را پس از یازده روز خاتمه میدهند حس میکنند که برعاصب صمیمی تر ه نزد یکتر ه پگاه تروهماهنگ تر از روز اول یکدیگر را بدرود میگویند و اطمینان دارند که در کنگره آینده با احسار از پیرونها و کامیابیهای درخشان دیکر برای اجرا* وظایف تازه تری گرد خواهند آمد *

از نخستین کنگره حزب تا جنبش آذر بایجان

۱) اوضاع عمومی

در آن مورد بحث از نظر تقسیم بندی فعالیت حزب تود ه ایران شامل دوره* پس از نخستین کنگره حزب تا آغاز جنبش آذر بایجان است و از نظر وضع سیاسی و اجتماعی عمومی عبارتست از مجلسی پشروی های اتحاد شوروی پس از پیروزی استالینگراد تا پایان پیروزمندانه ی جنگ علیه آلمان هیتلری و سپس علیه ژاپن *

شکست نیروهای آلمان هیتلری زیر بوارهای استالینگراد ضعیف شکننده ای بود که برستین فقرات هیولای فاشیسم وارد آمد * با پیشرویهای پمدی ارتش شوروی در واقع سرنضت جنگ اتم از آنکه کشورهای دیکر عضو ائتلاف ضد هیتلری د ست به اقدامات جدی نظامی بزنند یا نه روشن میشد * این کامیابیها وول ائتلاف ضد هیتلری را برآن داشت که در کنفرانس مسائل مربوط به چکوبادامه جنگ و اقدامات لازم منظور تسریع پیروزی و مسائل مربوط به دوران پس از جنگ راهبرد محالعهی مشترک قرار دهند *

در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۴۳ این کنفرانس مرکب از سران سه دولت بزرگ در تهران تشکیل گردید و اعلامیه های مشترکی خواه در باره ی تشکیل و پایان موفقیت آمیز خود کنفرانس و خواه در مورد تضمین استقلال اقتصادی و سیاسی ایران از جانب سه دولت بزرگ انتشار یافت * ولی کامیابی کنفرانس تهران بسبب چوجهی بعمنائی وجود صلح و صفای یکدیگر میان دولت ائتلاف ضد هیتلری نبود * نزدیکی پایان جنگ مسائل مورد اختلافی را با حداثت روز افزون مطرح میساخت : شناختن دولت مهاجر لیستمان (دولت مسئله روهولت و چرچیل در مقابل استالین قرار داشتند) ؛ تقسیم آلمان پس از جنگ به سزمینهای کوچک (پیشنهاد رزولت که با قاصوت استالین روبرو بود) ؛ و بالاخره مهمترین موضوع پیش چکوبی گشایشسبب جبهه دوم که چرچیل مصر اخواستار گشایش این جبهه در بالکان بود (منظور انگلستان از این پیشنهاد از یکسو به درازا کشاندن جنگ و تضعیف بیشتر بنهیی شوروی و از سوی دیکر برقراری تسلط خود در بالکان بود) *

با همعی اینها کنفرانس تهران موفقیتی بود * مهمترین مسئله – گشایش جبهه دوم – بنحویکه پایان سریع جنگ آنرا میطلبد حل گردید *

بطور کلی خصائص دوران پس از کنفرانس تهران را میتوان چنین خلاصه کرد :

- تغییر روز افزون تناسب نیروهای وارد در جنگ بتفیع کشورهای ائتلاف ضد هیتلری ؛
- افزایش اعتبار و نفوذ شوروی بعنوان عامل اصلی پیروزی نهائی بر فاشیسم ؛
- آغاز اوج جنبش رهائی بدشملتی در کشورهای مستعمره و وابسته از یکسو و تلاش کشورهای امپریالیستی برای فرونشاندن هرگونه جنبش و بی روی سیاست نواستعماری بمنظور ادامه

نسلط اقتصاد یخود در کشورهائیکه به آزاد ی سیاسی نائل آید ند واستثمار مل از طریق جد پدر
 - آغاز مرز بندی ی درد اخل ائتلاف ضد هیتلری و عمیق شدن ریز افزون شکاف بین جناحین
 آن : کوشش اتحاد شوروی برای تقویت مبارزه ی مردم جهان در برآه سوسیالیسم و آزاد عملی
 و تلاش امپریالیسم امریکا با انگلیس در راه اختناق و درهم شکستن این مبارزه *

در چنین اوضاع و احوالی وضع سیاسی ایران و مبارزه بین نیروهای مترقی و ارتجاع در داخل
 کشور نیز وارد مرحله جد پتر میشد و حد تریز افزون کسب می نمود. ارتجاع ایران بخود آید بود و با کمک
 کشورهای امپریالیستی در صدد جلوگیری از رشد جنبش تاجد سرکوب آن بود.
 در همین حال امپریالیستهای انگلیس و امریکا کوشش داشتند از وضعی که ائتلاف ضد هیتلری
 بوجود آورد بود همه جانبه استفاده کنند ، بنا بر این با عجله در راه تحکیم مواضع خود و فراهم ساختن
 زمینه برای تسلط اقتصادی و سیاسی خود پس از جنگ در تلاش بود ند *

فصلیت جوشان میسیون مالی امریکا بر با ست ملسیوه ، مذاکرات مخفی و سازشهای دوجانبه و سه
 جانبه بین امپریالیسم امریکا و انگلیس و دولت ایران در رمورد امتیاز استخراج نفت در مناطق وسیع
 جنوب خاوری ، خا هر و حتی شمال ایران ، ورود مستشاران نظامی امریکائی برای ارتش و ژاندرامی
 - اقدامات معمولی نه ای بود که بیک در ولشهای دست نشاند ه میباشند انجام گیرد. در مواردی که
 ممکن بود رقابت به اصل هدف لطمه وارد کند - مثلا در رمورد گرفتن امتیاز نفت - دو رقیب امپریالیستی
 سازش راه طرفیت ترجیح میدادند تا هر چه زود تر و در هراز در سر لقمه ی جیب سهمی خود را برپا بندند
 تنها نیروی مشکلی که در آن زمان د بمقابل این د ستبردهای د داخلی و خارجی قرار گرفته و م دم
 ایران را در مبارزه برای بهبود وضع داخلی و جلوگیری از تجاوزهای استثمارری زیر پرچم خود گرد مآورد
 حزب تود هی ایران بود *

این نکته ایست که جنگی حتی خارجیان بر آن بوده اند. الیو ساتن Elwell - Sutton
 متخصص انگلیسی مسائل ایران و محقق مسئله ی نفت که ما مبداء د رموضوع نفت به نوشته هایش مراجعه
 خواهیم کرد در کتاب معروف خود بنام " نفت ایران" احزاب آنروزی را چنین تعریف میکند :

" اکثریت اینها (این احزاب) سازمانهای کوچکی بود ند فاقد نفوذ زیاد. ولی
 بین آنها حزب بزرگ کاملاً متشکل وجود داشت که در مرحله نخستین (پس از
 دوران د پکتانوری) تشکیل یافته بود و آن حزب تود بود که استخوان بند پیش
 همان عد ه ۵۳ نفوی بود ند که آنها را در سال ۱۹۳۷ به انضمام فعالیت کمونیستی
 بزندان افکند ند و پس از استعلا ی رضا شاه آزاد نمود ند *

تحولات جبهات جنگ و بهر طرفت های ارتش شوروی اثر ژرفی در افکار عمومی مردم ایران گذاشت.
 نیروهای د مکرانیک و ضد امپریالیستی جان می گرفتند و بتدریج به حزب تود هی ایران تمایل می یافتند .
 این نیروها در روانی که هنوز جنگ به پایان نرسیده بود عبارت بود ند از کارگران ، دهقانان ، روشنفکران
 مترقی و قسمتی از نخبه روان - بورژوازی ملی و حتی خرده بورژوازی شهر در انواع فقط نیروهای با لگو ه ای
 محسوب میشد ند که میتوانستند برای آینده در ریزو نیروهای ضد امپریالیستی قرار گیرند. منافع مسا د ی
 آنها هنوز در معرض خطر مستقیم از جانب امپریالیسم نبود. آنها در نتیجه انحصاری که در اثر وارد شدن
 کالاهای خارجی در بازار داخلی بد ست آورد بود ند منافع هنگفتی میبرد ند. طی تمام مدت جنگ اینها
 تنها در کنار مبارزه اصلی و در تضاد با مهمترین نیروهای ضد امپریالیستی یعنی طبقه کارگر قرار داشتند که
 برای بالابردن د دستمزده نازل خود - سهم ناچیزی از منافع کلان - مبارزه میکرد.

هشتم ماه مه ۱۹۴۵ جنگ علیه آلمان فاشیستی با پیروزی ائتلاف ضد هیتلری به پایان رسید.
 نهم ماه مه جلسه فوق العاده ی مجلس شورای ملی تشکیل گردید و رئیس مجلس نطقی حاوی تیریک به
 شرکت کنندگان در جنگ علیه آلمان ایراد نمود.

دوازدهم ماه مه در تهران نمایش عظیمی از طرف حزب تود هی ایران و شورای متحد هی مرکزی
 به افتخار این پیروزی تشکیل گردید که بیش از چهل هزار نفر در آن شرکت کرد ند و منتهی به میتینگ
 عظیمی شد که جلوی کلوب مرکزی حزب برگزار گردید *

حزب تود هی ایران در همان تریزی که دولت ایران علیه آلمان فاشیستی اعلان جنگ د اد مو وضع
 عمیقاً متنزاعاً سوسیالیستی خود را نسبت به آلمان روشن ساخته و رسماً اظهار نمود ه بود که :

" . . . ما با آلمان فاشیستی با ستیداد ی مخالف بود ه هستیم و تازی هی هم که
 هرگونه حکومت استبدادی ی جها نگشا در این کشور برقرار باشد خط مشی ما تغییر
 نخواهد کرد. ولی نباید اشتباه نمود. ما با ملت آلمان که فلاسفه ، نویسندگان ،
 شعرا ، هنرمندان بزرگ . . . بد پد آورد ه کینه ی زیاد ی ند ایم و هر وقت ایسن
 ملت خود را از یوغ فاشیسم نجات د اد و کوشش کاملاً ملی تشکیل داد ما را با تسلط
 خود را با آلمان د مکران مانده کشورهای د مکران د پگر برقرار یقینت می نمیم " (۵)

در این ریز پیروزی نیز حزب تود هی ایران میتوانست با سبیلند ی همان مطلب را تکرار کند و اظهار
 اطمینان کند با اینکه ملت آلمان سرانجام راه را خواهد رفت که فرزند ان بزرگ این ملت پیش پا پیش
 گذارد ه اند.

پایان جنگ به مبارزه بین نیروهای مترقی و د مکرانیک و ارتجاع داخلی و خارجی حدت بیشتری
 بخشید. حزب تود هی ایران که بحکم جبر تاریخ در پیشاپیش جنبش رهائی بخش قرار داشت آماج حملات
 بازم شد بد تر از ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفت. ارتجاع بتصور اینکه گمیا اتکا عد ه حزب تود ه ایران وضع
 زمان جنگ و وجود نیروهای شوروی در کشور است خود را برای حمله محکمتند ه ای پس از پایان جنگ آماده
 میساخت.

از نرسوت که در آستانهی پایان جنگ ویس از پایان آن همواره دولت های مترجع تر و بسواری
 سرکوب جنبش مهم تری روی کار می آمد ند : حکمی ، محسن صدر (صدر الاشراف) معروف بسسه
 جلالد باشاه.

در تلاش برای اختناقی جنبش رهائی بخش و سرکوب حزب تود هی ایران اگر در بید و اسر
 امپریالیسم امریکای امید فریب و جلب قسمتی از نیروهای مترقی دست به حمله ی آشکار نیز د امپریالیسم
 انگلیسی که با گلهای موجود خود را در خطر مستقیم جد ی مید بد رسامد مقابل حزب تود هی ایران قرار
 گرفت. روزنامه های مزد و سفارت انگلیس تبلیغات وسیعی علیه حزب آغاز کرد ند. مقالات ضد تود ه ای از
 جرائد انگلیسی ترجمه و به این جرائد برای انتشار ارسال میشد.

در رمورد یکی از این مقالات ، روزنامه ی رهبر ارگان مرکزی حزب در شماره ۲۲ مرداد ۱۳۲۴ (سوم
 ژوئیه ۱۹۴۵) تحت عنوان " حزب تود ه و سیاست انگلستان " نوشت :

" مقالهی کاپلر د بر ضد حزب تود ه در روزنامه " د پلی میل " ظاهراً یک امر عسادی
 است (در این مقاله از جمله گفته شده بود که حزب تود هی ایران همان روش نازی
 های آلمان را د ارد.) (نگارنده) . . . اما همینکه د ارضی تبلیغات سفارت انگلیس

(۵) روزنامه ی " مردم " ، شماره ۱۵۷ ، ۲ دی ۱۳۲۲ (۲۴ دسامبر ۱۹۴۳)

باشتاب هرچه تماشاگر این مقاله را ترجمه میکند و رسماً به روزنامه های "بیطرف" و منتسب به سفارت انگلیس میفرستد قضیه جنبه تازه و جدی تری بخود میگیرد. با این عمل اداره تبلیغات سفارت انگلیس بر همه کس واضح و روشن میشود که سفارت انگلستان در تهران مخالف حزب تود است..."

در همین اینکه اوضاع و احوال همین موجود در این دوره از تاریخ ۱۰ اسرایران یعنی تیز فعالیت شد اسیرا لیبستی نیروهای شرقی را متوجه اسیرا لیبسم انگلیس مینمود حدت مبارزه ی حزب تود هی ایران علیه اسیرا لیبسم امریکا (چنانکه خواهیم دید) بسیار چوچه کاهش نیافت. صفت شخصی نقش حزب تود هی ایران در تاریخ معاصر کشور ما همین است که همواره با تمام نیروی خود علیه هر جنبه ای نگشا و میگریست که در مقام تجاوز نسبت به میهن ما قرار گرفت. بر علیه هرگونه استعمار کشور ایران جاناته مبارزه کرد ۴۳٪ ارگان مرکزی حزب تود هی ایران در آنوقت بد رستی نتیجه گیری کرد است که :

"استعمار در ایران هرگز با جنبه مبارزه ی قوی و هماهنگ و موثری رو بر نداشت" استعمار یانند انتر قشره و چشمانی از خشم خونین به این حزب میگرد و با تمام و ماطلی که دارد میکوشد تا این نهضت را مختق سازد... استعمار طلبان خود بجهی میداند که تا چه اندازه کوشش ما در عقب گذاشتن نقشه های و حیالنه و ماها رنه ای آنها مفید و موثر بود است (۵)

حزب تود هی ایران در این دوران با تمام نیرو علیه جبهه ی متحد اسیرا لیبسم و ارتجاع داخلی نبرد کرد و خود گذشتگی ها نمود و قربانیهاد اولی بخش از آنچه تلف نمود کامیابی بدست آورد؛ طبقه ی کارگر و زحمتکشان ایران از این نبردها با تجربه تر و برای مبارزه ی آینده آماده تر و آید به تر بسریه آید.

۱۲ فعالیت سازمانی

تشکیل نخستین کنگره قطعی عطفی در کار سازمانی و تبلیغاتی حزب تود هی ایران بود. از این پس، کمیته ایالتی تهران که میقتا کار کمیته مرکزی را انجام میداد میتوانست به کار اصلی خود که اداری میگذر سازمان حزبی - سازمان ایالتی تهران - بود بپردازد و کمیته مرکزی منتخب از کنگره وظایف خاص خود را بمسئله میگردد.

کمیته مرکزی پس از اجرای انتخابات داخلی شروع بکار کرد. نخستین گام عبارت بود از اقدام برای بهبود وضع سازمانی حزب و انداختن سازمانهای متحد هی آن - که تا آن زمان در رجوعی خود بخودی سر میگردند - به مسیر صحیح.

بدین منظور کمیته مرکزی تصمیم گرفت عد هی از اعضا "خود را به استانهای مهم اعزام دارد که میقتا، تاسر و سامان گرفتن این سازمانها سرپرستی آنها را بمسئله میگردد. بویژه سازمانهای ایالتی از ریاحان، مازندران، اصفهان و گرگان مشمول این تصمیم شدند.

در تصمیمات کنگره توجه خاصی بلزوم تحکیم اتحاد به های کارگری (شورای متحد هی مرکزی اتحاد به های کارگران و زحمتکشان ایران) و تشکیل سازمانهای تود هی ای و تقویت سازمانهای موجود و بالایی کار در میان دهقانان شده بود.

(۵) روزنامه "رهبر" ارگان مرکزی حزب تود هی ایران شماره ۴۰۸

کمیته مرکزی از همان آغاز امر به اجرای جدی تصمیمات کنگره پرداخت.

کارگران - چنانکه مد اینم حزب تود هی ایران از نخستین روز تشکیل و وظیفه ی خود را تکمیل به ایجاد اتحاد به های کارگری، تأمین وحدت طبقه ی کارگر، رهبری مبارزه ی کارگران در راه بهبود وضع اقتصادی و تأمین آزادیهای دکرانیک و انداختن مبارزه ی کارگران به مجرای خواستههای عام سیاسی مردم ایران دانست و گامهای بزرگی در این زمینه برداشت.

حزب به مشکلات بزرگی که در راه وحدت صفی طبقه ی کارگر در نتیجه همکاری بین تفرقه طلبان و کارفرمایان و ارتجاع بوجود آمده بود فائق آمد و قبل از تشکیل نخستین کنگره ی خود کامیابا قابل توجهی بدست آورد. تشکیل شورای متحد هی مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران محصول اقدامات مشترک رهبری اتحاد به های واقعی و حزب تود هی ایران بود.

ارتجاع بد رستی اهمیت طبقه ی کارگر را در صورت شکل بدست آوردن آگاهی سیاسی درک میگرد و همواره میکوشید تا فعالیت حزب را در این زمینه خشن کند و رشته های محکم که حزب تود هی ایران و طبقه ی کارگر را بیکدیگر متصل میساخت بگسلد.

در این زمینه چنانکه خواهیم دید از هیچ اقدامی ام از قطع، فریب، تهدید، تشکیک اتحاد به های قلابی، کارگران و کارفرمایان و نظارتان فروگذار نشد. کلیه عجابیه که در کشور های دیگر بدست آمده بود برای ایجاد تشقت در میان طبقه ی کارگر مورد استفاده فرارگرفت.

ولی رهبری صحیح، شمارهای سنجیده، افشا، بپنوع سیمه هائی که از چپ و راست بکار برده میشد به حزب تود هی ایران امکان داد تا به دشواری ها فایده کند، بطور روزمره کامیابیهایی نوینی بدست آورد و اعتماد طبقه ی کارگر را نسبت بخود بیشتر و بیشتر سازد. مبارزه ی طبقه ی کارگر ایران نیز، همچو حزب تود هی ایران صفحی در رخشان مبارزه ی طبقه ی کارگر خاورمیانه و نزد پلک است.

حزب تود هی ایران موفق شد طبقه ی کارگر را از چندین بار انشعاب و تفرقه بهیون کسند و سرانجام ته تنها در پک سازمان عظیم صفی متشکل سازد و به مبارزه ی بگرسیمایی بکشد، بلکه اسپن سازمان را بدینون پگانه سازمان صفی طبقه ی کارگر ایران به عافه بقبولاند. نفی میمی در زمینه آگاه نمودن و تشکل طبقه ی کارگر روزنامه "ظفر" ارگان شورای متحد هی ایالتی نمود.

شورای متحد هی مرکزی توانست حتی در بینکها ی حرکت نفت ایران و انگلیس (نفت جنوب) که بردن نام اتحاد به هم در آنجا جرم محسوب میشد سازمانهای پنهانی تشکیل دهد و به ره کارگران را برای تشکیل اتحاد به ی علنی وسیع آماده سازد.

نخستین گام برای تبدیل مبارزه ی صفی به مبارزه ی طنی در این بینکها انشعاب کارگران آبادان بود. روزنامه ی "رهبر" در شماره ۳ تیر ۱۳۲۴ خود تحت عنوان "پک موفقیت بزرگ" در این بسا ره چنین خبر داده است :

"بمبارا اطلاع واصله اخیرا انشعاب با موفقیت کامل از طرف کارگران مستقیم از پالاینگاه آبادان بعمل آمده است. توضیح اینکه فریب ۱۵۰ نفر از کارگران متشکل قسمت نامبرده بعد از تقاضای کتبی قبلی، که بدین ترتیب اثرمانند (۱۳۹ نفر) موفقیت (۱۳۲۴) جمعا به انشعاب متوسل شدند. مقامات شرکت به اسرع وقت بسیمه اصلاحات تقاضا شده تسلیم شدند. مزد کارگران از ۲۴ ریال به ۳۰ ریال و از ۳۰ ریال به ۳۵ ریال و از ۳۱ ریال به ۳۸ ریال بالارفت. تا تیر مستقیم این صل در سایر قسمتهای پالاینگاه آنا مشهود گشت بنحویکه در حدود ۵۰۰۰ کارگر در اثر این جنبش ذینفع واقع گشتند."

شتابزدگی شرکت نفت (که از آزادی بهیشت تا تیرماه توجیه به تقاضاهای کارگران نکرده بود) برای پذیرش این تقاضاها مفهوم بود: فرو نشاندن سرخ جرفه‌هایی که ناکهان میتوانست شعله ایجاد کند. ولی کار از کارگذاشته بود. اتحاد پهلوی کارگران شرکت نفت دامنه اش به همه پنگاه‌های شرکت کشیده شد و حق ملت بودن را بدست آورد.

اکنون شورای متحد می‌توانست گام‌هایی در راه ایجاد تماس نزدیک و همکارانه رفقای بین المللی، اتحادیه‌های دیگر کشورها بردارد. لذا نمایندگانی از اتحادیه‌های کارگران شوروی، انگلیس، و فرانسه به ایران دعوت کرد که قبل از همه نمایندگانی از اتحادیه‌های شوروی این دعوت را اجابت کردند و از اتحادیه‌های مختلف خود نمایندگانی اعزام داشتند. هیئت نمایندگی شوروی مورد استقبال پوشور کارگران ایران قرار گرفت.

پس از اطلاع از تشکیل کنفرانس کارگران ملل متفق در لندن که تصمیم گرفت منظور پی‌ریزی در اسبوسنند پکنائی جهانی کنفرانس دیگری در سپتامبر ۱۹۴۵ در پاریس تشکیل دهد شورای متحد به حضور پکنانه مرکز سازمان اتحادیه‌های ایران شرکت خود را در این کنفرانس خواستار شد و پاسخی بضمین زیر از دبیر کمیته اداری کنفرانس لویی ساپان دریافت داشت: *

"رفقای عزیز - تلگراف شمارسید - از درخواست تشکیلات شما برای شرکت در کنفرانس بین المللی اتحادیه‌ها که در ماه سپتامبر آینده در پاریس تشکیل خواهد شد متحضر شدیم. طبق تصمیمی که از طرف کمیته اداری کنفرانس بین المللی اتحادیه‌ها اتخاذ شده است تقاضای شما در جلسه کمیته ناظر به مطرح و بررسی خواهد شد و بعداً با اظهار نظر خود به کمیته کنفرانس جهانی که در بهمن سپتامبر تشکیل میشود پیشنهاد خواهد شد. برای تشکیلات شما امکان دارد ۵۰۰۰ پک بابت نفر نمایند که متناسب تعداد اعضا تشکیلات شما میباشد به پاریس اعزام دارید. رفقای عزیز خواهشمندم بهترین احساسات صمیمانه‌تان را در پیکارهای ما قوت بخشید."

چنانکه خواهیم دید با غیرمردم سینه‌های ارتجاع و اسپرالیسم شورای متحد می‌مرکز پیس از مبارزه‌ی حادی بعنوان پکنانه سازمان اتحادیه‌های ایران از جانب نمایندگان سند پگاهای بیسن المللی تأیید و عضو در اسپس سنند پکنائی جهانی کردید.

دهقانان - در قطعنامه‌های نخستین کنفرانس حزب توجه ویژه‌ای به کار در میان دهقانان شده است. نادرست است اگر گفته شود حزب پیش از آن اهمیت برای کار در روستا، با وجود زمین مساعده‌ای که در آنجا وجود داشت، قائل نبود. ولی قبل از ایجاد پگاه محکم در میان طبقه کارگر و آمادگی لازم از جهت کار در روستا با توجه بوضع خاص اینجا و انواع دشواریها، مشکل و لافیل کم نبود. - بهیژه اینکه هنوز رهبری مرکزی نیز وجود نداشت.

اکنون که حزب نخستین مدارج کارسازمانی خود را بهیچود به کار برساند دهقانان ابرام بیسدا میکرد و لذا بحق کنفرانس حزب این موضوع را از وظائف مهم کمیته مرکزی میسرد. در اواخر سال ۱۳۲۲ کمیته مرکزی برای کار در ده و تشکل دهقانان تصمیم به تشکیل اتحادیه‌های ویژه‌ای گرفت و بدین منظور مرکز جدید آگانه‌ای جنب کمیته مرکزی بوجود آورد. خواستهای برنامه‌ای این اتحادیه‌ها، که باقتضای آنروز و حتی امروز مترقی‌ترین شمارهارادر

* روزنامه‌ی "رهبر" ۱۷ تیرماه ۱۳۲۴

برمیگردد عبارت بود از: بازخرید املاک بزرگ و تقسیم بلا عوض آن میان دهقانان بی زمین و کم زمین وضع قوانین برای جلوگیری از تعدد بد مالکیت بزرگ، وضع قوانین عادلانه‌ای برای تقسیم محصول بیسن مالک و زارع و ادامه‌ی تقسیم اراضی هنوز اجراء نشده است، الف) روابط موجود آنها ب- رعیتسی، تا سپس بانک کشاورزی بمنظور کمک دهقانان بی زمین، بهیچود وضع روستا، تا سپس مدارس و مراکز بهداشتی، ساختمان سد ها و نیروگاهها، حفر قنوات، چاههای آرتیزن و غیره.

سازمان دادن مبارزه‌ی مردم روستا علیه ظالم ماموران دولتی، زاندارم، مالکان و باخواران و در راه بهیچود وضع اجتماعی، الف) بیگاری، انتخابی بودن کدخدایان و غیره در برنامه‌ی عسسل اتحادیه‌ها قرار میگرفت.

نخستین دشواریها عبارت بود از رفع موانع رسوخ به ده، انتخاب کارهای مناسب برای کار در ده و تربیت کار رهایی از میان خود دهقانان - کار رهایی که بتوانند بدارک ویژگیهای محل و با حوصله لازم و درواز چپ رویهای زبان بخش به امر سازماندهی پیدا کنند و با مبارزه‌ی مشکل گرفتن تد ریحی امتیازات بیفیع دهقانان اعتماد آنها را به اتحادیه‌ها بدست آورند. و این خود کار دشواری بود. چنانکه وجود زمین، ظاهراً مساعد و آمادگی دهقانان برای مبارزه برخیز از کار رها را در چارس کهچ میگرد و قبل از آنکه دست به سازمانی بزنند باید درن شمارنهائی تصرف و تقسیم اراضی، که هنوز پشتوانه‌ای نداشت و شوگرد رانی (که بد نالشی با) م بود) ایجاد میکرد، کاراد شوارتر و اعتماد دهقانان را متزلزل میساختند.

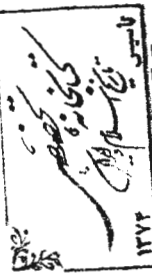
ولی این انحرفات و چهره‌ها عامل تعیین کننده نبود و کار بیسن دهقانان در این قطعنامه از زمان پیشرفت‌های کرد بطوریکه پس از یکسال کار، عده دهقانان مشکل در اتحادیه‌ها دهقانان از پنجاه هزار تجاریز کرد.

اینها نخستین گامهای حزب در روستا بود. گامهای اساسی هنگامی برداشته شد که پس از اوج جنبش در آنجا ریاچان نخستین اصلاحات ارضی در آنجا بوجود آمد.

جوانان - سازمان جوانان خود می ایران پیش از کنفرانس اول در تاریخ اول فروردین ۱۳۲۲ تشکیل گردید ولی کار در میان جوانان و روشنفکران خواه بعلمت انحرفات فکری موجود، خواه از نظر مشکلات عمومی کار با روشنفکران و خواه بعلمت کمکاری که خود تاد رجه‌ی زیادی از نواقص رشد سریع حزب ناشی میشد، هنوز سر و سازمان درستی نداشت.

کمیته مرکزی پس از کنفرانس توجه جدی به کار جوانان و دانشجویان را در دستور قرار داد و به فعالیت جدی در این زمینه پرداخت. بدو روزنامه‌ی هفتگی "مردم برای جوانان" تأسیس شد که در آن مطالب ویژه‌ای بمنظور آشنا ساختن جوانان به اصول اولیه مارکسیسم و جلب آنان به مبارزه تشریح یافت. سپس از طرف کمیته مرکزی برای این سازمان تأسیسی که هنوز خود کنفرانس ای تشکیل ندادند کمیته‌ای تعیین کرد بدو روزنامه‌ی "رزم" بعنوان ارگان سازمان جوانان خود می ایران بفرستد. پیشترت سازمان جوانان سریع بود و بزودی می توانست آگاهترین و فعالترین جوانان و دانشجویان را بدو خود جمع کند. در همین کنفرانس ابالتی تهران که در مرداد ۱۳۲۴ تشکیل گردید برای کاری که در میان جوانان و دانشجویان تهران انجام شده بود ارزش بزرگی قائل شد و در ماه می دیوم ضلمنامه خود نوشت که برای پیشرفت امور سازمان جوانان باید توجه کامل میدول کرد و بازمیچ مساعده‌ی ریغ نشو سرعت رشد سازمان جوانان خود می ایران بنحوی بود که در نوامبر ۱۹۴۵ بعنوان یکی از پیشین در اسبوسن بین المللی جوانان در کنفرانس لندن شرکت جست.

زنان - کار در میان زنان نیز از مساعده مورد توجه نخستین کنفرانس حزب بود. حزب خود ایران



ماهی‌های عام در راه حقوق زنان را که نهی از مردم کشور ما را تشکیل می‌دهند از اهم مسائل بشمار می‌آورد. کمیته مرکزی علاوه بر جلب زنان پیشگام در حوزه‌های حزبی، اقدام به تشکیل سازمان ویژه‌ای بنام "تشکلات زنان" نمود تا بوسیله این سازمان بتوان بطور وسیعی بین زنان از همه طبقات کار توده‌ای انجام داد.

خواستهای "تشکلات زنان" عبارت بود از تساوی کامل حقوق زن و مرد، بهبود وضع مادی زنان زحمتکش، دستبرد مساوی در مقابل کارمناوی بامردان، بهمه‌ی اجتماعی، مبارزه با فحش و ... آنچه که اکنون پس از گذشت سالها مبارزه و کوشش و کربانی که در باره "انقلاب شاهانه" زده می‌شود هنوز از خم پیک کوچک خارج نشده است.

"تشکلات زنان" دارای رهبری جدی‌گانه و مجله‌ی ارگان مرکزی بنام "بیداری ما" بود. گام برجسته‌ای که در راه "تأمین حقوق زنان از طرف حزب بود" می‌ایران برداشته شد نتیجه‌ی لایحه‌ی ویژه‌ای در مورد تساوی حقوق زن و مرد بود که فراکسیون بود. به مجلس آورد. به اهمیت این اقدام حزب در آن زمان و در شرایط آنروز از آنجا می‌توان پی برد که از میان آن عده از وکلای هم‌کسبه مدعی‌ای آزاد بخواهی بود که حتی سه نفر یافت نشد که با امضا خود در زیر لایحه حد نصاب لازم را برای ارجاع لایحه به کمیسیون تکمیل نمایند.

ارتش - با اینکه پیش از کنگری اول عده‌ای از افسران به حزب بود می‌ایران گروید بود که با اساسی در ارتش و کمیته مرکزی منتخب از کنگره آغاز نمود. در اندک مدتی حزب توانست عده‌ی زیاد برای افسران و درجه داران را جذب نماید. حوزه‌های ویژه‌ی حزبی در میان کله‌ی رشته‌های ارتش تشکیل شد. پی‌ریزی سازمان خاص افسری در این دوران انجام گرفت.

دوازدهم فروردین ۱۳۲۴، روزی که حزب نمایش عظیمی به عنوان اعتراض به تعقیب و ترسور ارتجاع و حمله به مراکز حزبی بزد و صفاهان تشکیل داد بود، هنگام ورود نمایش در هندگان به خیابان اسلامبول هیئت حاکمه و ستاد ارتش برای نخستین بار با سرپیچی افسران از فرمان شلیک بسوی نمایش در هندگان روبرو شد. افسر فرمانده گروهان در پاسخ به فرمان فرمانده ارتش از نظامی اعتراض کرد و گروهان خود را کنار کشید و نمایش در هندگان از خیابان اسلامبول و از جلوی کلوب حزب "آراد" ملی سید ضیا - الدین با کمال تقاضا و آرامش عبور کرد. در میدان سه نیز افسران و سربازان ما محفوظ نظم نگهنگار را کنار گذاشته و با کمک زنیان افسارهای نمایش در هندگان استقبال نمودند.

این خود نمونه کوچک ولی گویایی از رخنه‌ی نفوذ حزب در ارتش بود.

فراکسیون مجلس - فراکسیون بود. در مجلس پیکانه فراکسیون متشکل حزبی بود. اعضا "ایسین فراکسیون در شورای ترمین شرایط حمله ارتجاع و توقف جرایم آزاد بخواه صدای حزب بود. مردم ایران را از پشت تریبون مجلس منعکس می‌ساختند و هیچگاه ننگ داشتند که این صد اخا موثر ما ند.

لایحه قانونی حزب که به نظر بهبود وضع زحمتکشان توسط این فراکسیون به مجلس آورد می‌شد با اینکه به مرحله‌ی طرح نرسید، از سوی افشاگر موضع ضد ملی مجلس و دستگاه حاکمه بود و از سوی دیگر بهر حال ارتجاع را وارد ارمی ساخت که گذشت تریبون تن در دهد (مانند قانون کار).

ولی نقش اساسی و بعدی فراکسیون بود. مقابله با سانس و سیاست تجار و کاروانی امپریالیسم، افشا نقشه‌های ارتجاع و فساد دستگاه حاکمه بود. در این زمینه فراکسیون بود. از هر جهت می‌توانید تا بانیره‌های مترقی در اخل مجلس زنان مشترک بیاید و همکاری این نیره‌ها را تأمین نماید و بر مواردی موفق می‌شد. مانند مبارزه با حکومت سرد و کوشش برای جلوگیری از تعدد بدوری مجلس.

از آنجا که استفاده‌ی نمایندگان فراکسیون بود. از تریبون مجلس همواره با تجمیض و مخالفت

از جانب هیئت رئیسه روبرو می‌شد، آنها به هنگام تعقیب و داشتها که میدان صحبت در مواد برنامه وسیع بود با شب‌زنده‌داری و نیمه شب به مجلس آمدن موفق به نام نویسی می‌شدند و امکان می‌یافتند مطالب خود را بیان کنند.

شاهکار فراکسیون بود. راکه بحث در برنامه‌ی دومین کابینه حکمی بود. مجلس "مردم بسرای روشنفکران" چنین تشریح می‌کند:

"نمایندگان اقلیت، و بالخصوص وکلای فراکسیون بود. بازرنگی و چابکی بی‌سابقه که در نام نویسی بخرج دادند از موقع استفاد نمود. به تفصیل و با کمال حسرات با نطق‌های آتشین خود وضع فلاکت بار کنونی را مورد بحث و انتقاد قرار دادند. بیانات ناطقین مخالف که می‌توانستند به منطقی‌ترین آنها بوسیله نمایندگان فرانکسیون بود. انجام گرفته است. از لحاظ اهمیت در مقایسه با نطق‌هایی که در موارد دیگر ایراد شده است بی‌نظیر بود. و بطور قطع در وضع آینده‌ی کشور تا شیر زیادی خواهد داشت.

ناطقین فراکسیون بود. هیچ نکته‌ای را از نظر در دست داشته با دلایل و مدارک کافی اشکالات اقتصاد، سیاسی و کهنی فرسودگی دستگاه و سوء نیت زمامداران و فساد هیئت حاکمه و تسلیح عشار و تقویت ملوک الطوائفی و عدم مرکزیت موضع خراب ارتش و فقر و جهل و بیچارگی عمومی را تفصیل مورد انتقاد شد. بد فراراد و مسئولین اوضاع را از پشت تریبون مجلس بنام ملت ایران معرفی نمودند. در این چند روزه نظرتمام محافل و جمیع احزاب و دستجات و کله‌ی طبقه‌ی مخصوصا طبقات زحمتکش متوجه مجلس شورای ملی بود. و بنص پیک همه، انتقاد منطقی نمایندگان فراکسیون بود. با حسن قبول و شور و شعف فراوان استقبال شده است."*

جبهه‌ی آزادی - حزب بود. ایران به وزارت بسط سازمانهای حزبی بود. ای موضوع همکاری با سایر نیره‌های دمکراتیک را پیکانه تعقیب می‌نمود. "جبهه‌ی آزادی" که در استانهای کنگره با بیکسار حزب و مطبوعات حزبی واحد به ای تشکیل شده بود. در این دوران "وسعه‌ی بازهم بیشتری بیسافت بنحوی که در اردیبهشت ۱۳۲۴ از مجموع ۱۰ روزنامه که در سراسر ایران منتشر می‌شد ۳۷ روزنامه (و بعد بازهم بیشتر) عضو اصلی "جبهه‌ی آزادی" بود. که ۲۰ شماره آن در تهران انتشار می‌یافت. این جرائد با جنبش‌های بخش‌های می‌کردند و سیاست عمومی حزب بود و مطبوعات آن را تقویت می‌نمودند."**

دومین کنفرانس ایالتی تهران - درست یکسال پس از تشکیل نخستین کنگره‌ی حزب سازمان ایالتی تهران در دومین کنفرانس خود را تشکیل داد. اگر نخستین کنفرانس در شرایط ناگوار و سخت حکومت نظامی تهران و بطور مخفی تشکیل یافته بود، کنفرانس دوم در شرایطی گرد آمد که حزب، با وجود همه گونه فشار و پیگرد ارتجاع، سازمانهای خود را در سراسر کشور بسط داد. بهرزه در تهران بهتر بن عناصر مترقی بسوی حزب روی آورد. بود. - حزب بود. می‌ایران اکنون مورد قبول قشرهای وسیع مردم کشور بود.

کنفرانس از تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۲۴ با حضور ۱۹۲ نماینده در کلوب مرکزی حزب تشکیل شد. * مردم برای روشنفکران. شماره ۳۵، ۴ مرداد ۱۳۲۴. ** روزنامه "رهبر" ۱۳۲۴، ۲۷ (۲۷ ژانویه ۱۹۴۵)

گردید. در گزارشی کمیته، ادعایی گفته شد که یزد که اکنون پس از چهار سال نگار تشکیل حزب می‌اندازد میان

* بدین نظر حرکت که بهترین و سز ترین کارگران در صفوف مقدم ماجاد آرند و
پاکترین و دانشمند ترین روشنفکران، روشنفکران خود را با توده های زحمتکش ایران
پیوند دهد و قویا و استعداد های ذی قیمت خود را به اختیار سیرتفری و موقیعت
حزب گذاشته اند. * (۸)

کنفرانس در محیط افتاد و بحث سالم برگزار گردید. در تفحصنامه کنفرانس ضمایم گفته می‌شد:
* اولین کنفرانس ایالتی تهران با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی نوسانی و اظهارات
و پیشنهادات عدده ای از نمایندگان کنفرانس، نکات زیر را تصویب می نماید:
سازمان ایالتی تهران برای دفاع مشروع و عادلانه در برابر حملات آزاد یکسش
ارتجاعی، تعطیل مشروطیت و سلب حقوق ملی باید کلیه، مساعی خود را کنار
برد تا تشکیلات حزبی را عملا و نظرا آماده و از هر حیث مجهز نماید. * * *
کنفرانس ایالتی تهران توجه کمیته مرکزی را به تشریح و جلب توجه و امید و ار
است که تا کمیته عمومی حزب با آن توافق داده شود.

کنفرانس بعد از ظهر ۲۹ مرداد پایان یافت.

خلی در آن مورد بحث در همه سازمانهای ایالتی آذربایجان، گیلان، مازندران شرقی و غربی،
کرگان، اصفهان، کرمانشاه و نیز در سازمانهای مستقل شهرستانها و سازمانهای ولایتی تابعه می
استانها کنفرانسهای حزبی تشکیل و کمیته های مربوطه انتخاب گردید و در نتیجه به سازمانها سر صوت
لازم داده شد. حزب تجدید ایران بدل به حزب واقعا توده ای شد و عمیقا از اعتماد قشرهای وسیع
زحمتکشان شهر و ده، روشنفکران و افسران برخوردار بود.
علاوه بر آن حزب در این مدت بوسیله مطبوعات و آراهای خود به مبارزه خاداید نولویسک
بمنظور نشر و روح ایده های مارکسیسم - لنینیسم دست زد. در جلوه هفتگی "مردم برای روشنفکران"
مسائل علمی و سیاسی مارکسیسم تشریح می‌شد، در هر مجالسی "دنیای که مقدمات اصول مارکسیسم بموضع
خود در آن انتشار یافته بود تجدید چاپ شد، نشریات و رساله های مربوط به اصول سازمانی، تشریح
مرام حزب و غیره در چاپخانه ویژه حزب بطبع رسید.

وقتی مجموع انتشارات آنزمان را از نظر میگردانیم می بینیم که نشر افکار مارکسیستی - لنینیستی
منحصرا توسط حزب تجدید ایران و باغضا، این حزب انجام گرفته است و تنها حزب تجدید ایران است
که افکار جدانان و روشنفکران کشور را در این مسیر انداخته است.
بدین طریق پس از گذشت که تراز یکسال از نخستین کنگره خود، حزب تجدید ایران بدل به مرکز
نیرومندی شد که در مقام رهبری مردم زحمتکش ایران قرار گرفت. روزنامه "رهبر" در گزارش یکساله ی
خود در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۴ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۰۴) تحت عنوان "پیش نسیم آزادی" از جمله می نویسد:

* در سازمانهای این حزب پیش از ۲۰۰ هزار کارگران، روشنفکران، پیشه
وران و دهقانان برجسته شرکت دارند. عدده ای که در نمايشها شرکت میکنند
در تهران به ۱۰ هزار و در تبریز به ۵۰ هزار نفر بالغ می‌شود.

(۸) روزنامه "رهبر"، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۴

۴) مبارزه ی حزب علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی

مبارزه در راه د مکرر علیه ارتجاع داخلی در کشورهای وابسته نظیر ایران از مبارزه در راه
استقلال و آزادی ملی علیه امپریالیسم جد نیست.

این نکته بویژه در دوران مورد بحث صدق میکند. اوج جنبش خواه ارتجاع داخلی و خواسته
امپریالیسم ساخت نگران ساخته بود و امکان آن میرفت که نقشه های آنها را ختم بگذارد. کسوف
امپریالیستها این بود که هر چه زود تر راه بهره کشیهای آینده ی خود را در ایران هموار سازند. بویژه
آنکه بزعم آنها اتحاد شوروی که هنوز بسختی در گرجی جنگ بود و میبایست خواهان حفظ مناسبات حتمه با
موافقتن خود باشد ممکن بود در مواردی سیاست چشم پوشی پیش گیرد.

امپریالیستهای امریکا و انگلیس با آنکه در زمینه سازی برای پیشبرد سیاست خویش در رقابت
دائمی و پشت پرده ای بودند تا آنجا که امکان داشت منافع مشترکی برای خود تا همین کنند، همصدا و
هماهنگ عمل میکردند.

پس از آنکه مجلس در نیمه ی بهمن ماه ۱۳۲۴ رسمیت یافت و کابینه ی سپهسالار استعفاداد بین
د و امپریالیسم و متولیان وابسته ی مجلس بر سر کابینه ی جدید سازش شد و دولت ساعد که در حقیقت
محمول این سازش بود بر سر کار آمد. شکی نبود که این محصول برای مردم ایران محصولی نماند و راست
میخ ساعد برای حزب تجدید ایران کاملا روشن بود و لذا خواه بهنگام تشکیل نخستین کابینه
وی و خواسته ی آنزمی که کمتر از یک ماه پس از تشکیل کابینه ی اول انجام گرفت با مخالفت شدیدی
تجدید ایران مواجه شد و در هر دو مورد فراکسیون توده در مجلس به کابینه ی وی را می عدم اعتماد
داد. (۹)

در حقیقت هم چنانکه حدس زده می‌شد ساعد از همان ماههای اولی زمانداریش به انجام
ما میرفت اصلی خید برداخت.

نفت - مهمترین مسئله ای که موجب روی کار آمدن و هم رفتن ساعد شد موضوع امتیاز نفت بود. از
آنجاکه در این مورد هنوز از یکسو روشنی کمتری در اذهان وجود دارد و از سوی دیگر بویژه مخالفان حزب
تجدید ایران کوشش دارند موضع واقع بینانه و مبین پرستانه ی این حزب را در گروین جلوه دهند لازم است
در این باره اندکی بسط تر صحبت شود. (۱۰)

در اکتبر ۱۹۴۳ نمایندگان از جانب گروه نفتی "روال دچ شل" محرمانه برای مذاکره در موضو
گرفتن امتیازاتی در روابط جدید به ایران آمدند که در واقع باید گفت همان نمایندگان شرکت نفت ایران
و انگلیس (تحت جنوب) بودند.

بدین سیاست با وجود مصلحت و رخنه ای که مستشاران امریکائی در نقاط حساس داشتند موضوع
نمی توانست محرمانه بماند و لذا چندی بعد در شهری ۱۹۴۴ شرکتهای بزرگ نفتی امریکا - "استاندارد
اول نیوجرسی"، "استاندارد واکوئوم اول کمپانی"، "ساوئی واکوئوم" و "سینکلر" نیز نمایندگان از

(۹) رجوع شود به صورت جاسات مجلس شورای ملی - بحث در اطراف برنامه ی دولت ساعد.

(۱۰) نگارنده با وجودیکه خود در جریان وقایع بوده است از نظر عمیقیت بیشتر در تفاوت کوشش نمود ما ست
در مسائل شخصی بویژه موضعی که حزب از منابع مختلف خارجی بویژه از ترجمه روسی کتاب "استاندارد
Persian Oil, A Study in Power Politics, London 1952

تا" ایف ال اول ساتن، P. Elwell-Sutton، محقق انگلیسی که هیچگونه تمایل و سیمپاتی
نسبت به حزب توده ایران نداشته است و سابقا هم بان اشاره ضد استفاد کند که برای اختصاص
اول ساتن نوشته خواهد شد.

جانب خود به‌عین منظور اعزام داشتند. چنانکه می‌بینیم مذاکرات اولیه در کابینه سپهبدی به‌نگام وزارت امور خارجهی ساعد آغاز شده بود و در واقع کابینهی ساعد ادامه دهنده کاری بود که خود از همان آغاز مستقیماً در مذاکره اش شرکت داشته و ابراز خوش خد متنی نموده است.

از آنجا که رقابت د و امپریالیسم می‌توانست به منافع هر دو آنها لطمه وارد کند راه سازش بین آنها پیش‌کشیده شده. در ماه آوریل ۱۹۴۴ در کنفرانس نفت در واشنگتن که مسئله استخراج نفت ایران نیز مطرح گردید سازشی بین امریکا و انگلیس بوجود آمد. اثر براینکه هیچکدام از دو کشور به فشار بی‌فایده برای گرفتن امتیاز نفت متوسل نخواهند شد. معلوم بود که موضوع مربوط به مذاکرات تهران است. اکنون در پیکر مذاکره مناطق وسیعی را در بر می‌گرفت که شامل جنوب خاوری، خاور و حتی قسمتی از شمال میشد. یعنی ناحیهی امتیازات سابق تزاری که دولت شوروی آنها را لغو نموده بود.

بدیهی است که پس از این سازش، دولت ایران نیز موضوعی کاملاً آزاد و دراز قید قرار گرفت و مذاکرات با موافقت دولت ایران وارد مرحلهی جدی شد. از طرف دولت و نفر متخصی نفت - هربرت هورولدر پسر رئیس جمهور سابق امریکا) و آ. کرتیس - حساب دولت ایران از امریکا به ایران دعوت شدند و نیز کمیسیون مختلطی برای مطالعهی پیشنهادات واصله مرکب از رکن ویویان (عضو کمیسیون مپلسیو) از جانب امریکا و پرنیا، نخعی از جانب ایران تشکیل گردید.

هنگامی که موضوع مذاکرات در جرائد رسوخ نمود و پند ریخ پرده از روی کار برداشته شد دولت شوروی، برخلاف انتظارات امریکا و انگلیس، تصمیم به اعزام کمیونی برای دادن پیشنهادات در باره استخراج نفت گرفت و دولت ایران را در تاریخ ششم سپتامبر ۱۹۴۴ (۱۵ شهریور ۱۳۲۳) از تصمیم خود مطلع نمود. این کمیسیون بریاست کافتارادزه معاون وزارت امور خارجهی شوروی پس از جلب موافقت دولت سپهبدی در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۲۳ (دهم سپتامبر ۱۹۴۴) وارد تهران شد.

کابینهی سپهبدی که غافلگیر شده و هنوز تکلیفش از جانب امریکا و انگلیس معلوم نشده بود، مدتی کمیسیون اعزامی دولت شوروی را در حال انتظار، ولی با ابراز نظر مساعد، نگاهداشت تا آنکه در تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۴۴ کافتارادزه رئیس کمیسیون اعزامی شوروی در مصاحبهی مطبوعاتی پیشنهادات دولت شوروی را علنی کرد. پیشنهاد آنی که خواه از لحاظ سهمیهی ایران و خواه از نظر شرایط استخراج، سیاست، نفتی آن زمان انحصارات امریکا و انگلیس را در هم می‌ریخت و می‌توانست در صورت عملی شدن سرآفرینی برای دعوی تجدید نظر از جانب کشورهای دیگر یعنی بشود (ضمن شرایط پیشنهادی امریکا و انگلیس، هرچگاه اعلام نکردید).

طرح شرایط شوروی شکل دیگری به کار داد. ساعد در تاریخ ۱۶ اکتبر اعلام نمود که دولت تصمیم گرفته است بطور کلی به هیچکدام از متقاضیان امتیاز ندهد و این تصمیم گویا در دو میتهای یعنی قبل از ورود کمیسیون شوروی گرفته شده است.

عدم صحت این مطلب آشکار بود، زیرا در چنین صورتی دولت با سانی می‌توانست هنگام اطلاع دولت شوروی در مورد اعزام کمیسیون این موضوع را اعلام دارد. (۳۳)

همدما با اعلامیهی دولت ایران سفر امریکا و انگلیس هم اطلاع دادند که دولت متوجهی آنهاست با این تصمیم دولت موافقت و هیچگونه ادعایی ندارند. آنست از متولیان مجلس هم که وظیفه ارد قاع از منافع انحصارات نفتی بودند اکنون می‌توانستند نفس راحتی بکشند و در لبای میهن دست جلودگری کنند.

(۳) الاول ساتن، صفحه ۱۴۱

(۳۳) همین سؤال را یکی از سخنرانان جرائد در تاریخ ۱۳ اکتبر در کنفرانس مطبوعاتی به ساعد داد و پاسخ ساعد این بود که در آن موقع تذکرایی نکرده فراموش شده بود. - پاسخی که موجب خند می‌خسار گردید.

وضع حزب توده هی ایران - حزب توده هی ایران زمانی موضع گرفت که پرده ها با لارفته بود ولسی دولت هنوز حاضر نبود سکوت را بشکند. حزب در مطبوعات خود مصرا از دولت میخواست که در این باره توضیحاتی بدهد. نماینده هی فراکسیون توده روزنیز هم مرداد ۱۳۲۲ (دهم اوت ۱۹۴۳) هنگامی که نخست وزیر به مجلس آمد به بود موضوع را مطرح ساخت.

بدوا مطلب راز زبان الول ساتن بیان کنیم. وی مینویسد:

"دهم اوت در مجلس وکل حزب توده از نخست وزیر خواست که گزارش اسپن مذاکرات به مجلس بدهد و شید اضافه کرد که دولت باید به طرف باشد واکسر برای خود شاهیونی انتخاب میکند آنها از کسان آنهاست که امتیاز می‌خواهند نباشند. او گفت ما اصولاً علیه هرگونه امتیاز به خارج هستیم. (۳۳) (تکسسه روی کلمات همه جا از نگارنده است)."

برای روشنی بیشتر عین نقلی را نقل میکنیم: (۳۳)

"از چندی با نظرف همهی آقایان مطلع هستند که در جرائد خارجی و داخلی مضملاً راجع به نفت شرقی مطالبی خوانده ایم که آقای دکتر مپلسیو برای همین کار در دستیار از امریکا استخدام کرده اند و میخواهند راجع به نفت با آقایان مستشاران مشورت کنند و یک جریان در هم دیده میشود و آن مجالسی است که جناب آقای نخست وزیر در این هفته های اخیر ترتیب دادند و از یکدیگر از آقایان جلساتی تشکیل میدهند و مشورتهایی بهمان منظور که در روزنامه ها نوشته میشود میکنند و این جلسات هم گویا مربوط به نفت است و امیدوارم که این دو جریان یک جریان باشد و بنده خواستم عرض کنم که بنده با رضایح یاد این امتیازات بدولت های خارجی بطور کلی مخالفیم. همانطور که ملت ایران توانست راه آهن را خودش احداث کند بنده بقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی مسا می‌توانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج کنیم و شاید بتوانیم به موضوع بد بخش مردم این مملکت بهبودی بدهیم. اگر فرض کنیم که این مورد استثنائی است من تمحی از عجله در این قضیه میکنم که چرا ما در یک چنین موقع بحرانی که تمام دنیا در آتش میوزد در این امر ایتقدر تسرع میکنیم و معتقد هی بنده به هیچوجه صلاح نیست و مقتضی نیست در چنین موضعی ما با عجله یک اقدام میکنیم که شاید فریب داریه تا سلف آنرا بخیریم. بنابراین از جناب آقای نخست وزیر خواهش میکنم آنقدری که اطلاع دارند توضیح بدهند."

از این مویخگویی رسمی حزب توده هی ایران چند نکته استنتاج میشود که میتواند پاهای فضاوت در باره اقدامات بعدی حزب نیز باشد:

- ۱) حزب توده هی ایران با دادن هرگونه امتیازی مخالف بوده است.
- ۲) حزب توده هی ایران معتقد است که مردم ایران خود قادرند منابع ثروت خود را در دست بگیرند ولی حزب اضافه میکرد در صورتیکه دولت این مورد را استثنائی میداد تصمیم قطعی

(۳) الاول ساتن، صفحه ۱۴۱ و ۱۴۲

(۳۳) مشروح مذاکرات مجلس ۱۹ مرداد ۱۳۲۲

به دادن امتیاز در اردن باید چند **تصمیم** در کار داشته باشد که بعد از مطالعه لازم و در نظر گرفتن مصالح مردم و مصلحت عمل کند.

۳) حزب توده می ایران معتقد بود در چنین صورت استثنائی، مطالعه دقیق، هر کس را که مصالح کشور علاقه در اردن با این نتیجه خواهد رساند که شرایط شهری را راجع بدانند، زیرا اولاً دولت شهری نمیتواند (و بحق هم نمیتواند) موافق باشد که در مناطق مرزی وی انحصارات امپریالیستی پانگاهائی داشته باشند و ثانیاً این عمل را مادامی ۱۳ فروردین ۱۳۱۱ منع کرده است. در این ماده حکومت شهری الفاً "امتیازنامه ی و بل را مشروط به این کرده است که استخراج نفت در این مناطق به هیچ دولت تالیفی داده نشود و این قرارداد در جهت تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بوده است و باید از هر جهت رعایت گردد."

حزب توده می ایران همین داشت که انحصارهای امپریالیستی به این زودی زیر بار قبول شرایط نظیر آنچه که شهری مطرح کرده است نخواهند رفت و ترجیح میدهند تا غایب نباشند تا موقع مناسبتی برسد - چنانکه همینطور هم شد.

در این زمینه نتیجه گیری اولی سائین نیز شایان توجه است. وی میگوید:

"اگر فرض ما در باره اینکه منظور روسها این بوده است که کسپاتیهای امریکا و انگلیس بشمال ایران راه نیابند درست بوده است ... در صورت بسایند چنین نتیجه گرفت که منظور خود نائل آمدند و باید فقط تصحیح کرد از اینکه محافل رسمی انگلیس این حادثه را شکست روسها میدانند ..."

مایکل بروکس روزنامه نگار انگلیسی در کتاب خود "نفت و سیاست خارجی" (۳۳) پس از ذکر اینکه شرایط عادلانه پیشنهادی شوروی تا آنروز سابقه نداشته است میگوید:

"سفیر امریکا در ایران ریژ آرن در ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۷ اظهار داشت که امریکا از تصمیم دولت ایران در صورت رد پیشنهاد شوروی پشتیبانی کامل خواهد کرد و وزیرطراحی امریکا مارشال در نامه ای که به سفیر ایران در واشنگتن (حسین علا) نوشت ذکر کرد که اگر امتناع دولت ایران از واگذاری امتیاز نفت بروسه عواقب نامطلوبی ببار آورد دولت امریکا از ایران حمایت خواهد کرد."

بدیهی است اینهمه کوشش دولت امپریالیستی برای رد پیشنهاد های شوروی حتی بقیهست صرف نظر کردن از امتیاز برای خود بی بهترین نوبتی آنست که اگر دولت ایران لازم میداد امتیازی داده شود و با شرکت مختلط تشکیل گردد پیشنهادات شوروی از نظر منافع مردم ایران ارجحیت داشت مورد دیگری که موضوع حزب توده می ایران و مطالب فوق در آن اشاره شده است نامه ایست که دکتر صدق در باره ای لاجهی منبع مذکرات نفت که به مجلس برد برای ماکسیموف سفیر شوروی نوشته

(۳) (اول سائین، صفحه ۱۴۵)

(۳۳) Michael Brooks: "Oil and Foreign Policy", 1949 London

است. در این نامه چنین میخوانیم: (۳)

"در جلسه ۱۹ مرداد ماه ۱۳۱۲ که بطور ناگهانی دولت برای سؤال بمجلس از بنا بنندگان راجع به مذاکرات امتیاز نفت با شرکت های امریکائی به مجلس آمد یکی از اعضا "فراکسیون توده" چنین اظهار نمود:

"بنده و رفقایم با دادن امتیازات به دولتهای خارجی محظور کلی مخالفیم. همانطور که ملت ایران توانست راه آهن خود را احداث کند یقین داریم که بانک مردم و سرمایه های داخلی ما میتوانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج نماییم"

چون این بیان مطابق فکر من بود لازم دانستم در این باب اطلاعات صبیحی کم و آنزوی مدارک نظریات خود راسته لا در مجلس بیان نمایم. بنابراین مشغول تهیهی لایحه ای شدم برای اینکه هر وقت پیشنهاد امتیاز شرکت های امریکائی به مجلس مطرح شود از آن استفاده نمایم. خوشبختانه هرد جناب آقای کافران به تهران میبندد که در اخطایان امریکائی از پیشنهاد خود صرف نظر کنند و فرصت بدست نیامد که نظریات خود را در موضح معادن نفت ایران در مقام مخالفت با شرکت های امریکائی بیان نمایم ... و چون معتقدم که اتحاد شوروی حق بزرگی بر ما دارد و ما را از مضایقه های حیاتی نجات داده است میل داشتم ترتیبی پیش آید که از امتیاز شوروی در مجلس عنوان شود و اینجانب از نظر مخالفت نظریاتی اظهار نمایم. این بود که برای جلوگیری از چنین حادثه ای در جلسه هفتم آبان ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی نطق خود را بر آن نمودم و برای اینکه راهی برای مذاکره با روشد طرحی اعتقاد و خطا نشان نمودم که مخازین نفتی ما بدون اینکه امتیازی داده شود مورد استفاده صنایع شوروی واقع گردد ..."

سپس گفته میشود:

"جناب آقای سفیر - امیدوارم که نغمه ای من به مقام و موفقیت دولت فمصما علامتندم ... علاقی من به موفقیت دولت شما از نظر مصالح ایران است و چنانکه در مجلس علناً اظهار داشتم گذشته شما ثابت کرده است که هر وقت دولت شوروی از صنعتی سیاست ایران غایب شده است روزگار ایران تیره گسده است ..."

لاچهی در کترصدق که مضمون این نامه است در تاریخ ۷ آبان ۱۳۲۲ (۲۴ سپتامبر ۱۹۴۷) به مجلس تقدیم شد. این لایحه هرگونه مذاکره ای را در باره امتیاز نفت منع میکرد باقیه آنکس مجازات مرتکب از ۳ تا ۸ سال حبس مجرد و محرومیت ابد از خدمات دولتی خواهد بود و فقط میتوان در باره ی فروش نفت وارد مذاکره شد.

فراکسیون توده باد و هیئت و مصوب فی المجلس لایحه بعدون آنکه بحثی در باره ی آن شده بسا شد مخالفت کرد و معتقد بود که لایحه باید مورد مطالعه قرار گیرد، زیرا خود نیز نظریاتی داشت و

(۳) از کتاب "سیاست موازنه ی نفتی" از حسن کی استوان، جلد اول، صفحات ۲۴۶ - ۲۴۷

بهره آنکه اکنون برای این لایحه عجله ای وجود نداشته و وقتی این نظر قبول نشد، فراقسبون توده به لایحه رجبیان که بلافاصله درجلسه بعد مطرح گردید و در آن الفاء امتیاز نفت جنوب مطرح شده بود رای داد. اعضاء فراقسبون توده تنبها را می دهندگان به این لایحه بودند.

پس از بدست آوردن رای ۱۲۲۲ (۱۹ دسامبر ۱۹۲۴) دکتر صدق عدم موافقت خود را با لایحه رجبیان چنین توضیح داد که مجلس نمیتواند بدون مطالعه و تحقیق لازم به الفاء قرارداد-های صوب که جنبه بین المللی دارند رای دهد.

محافل ارتجاعی کوشیدند موضع روشن حزب توده بی ایران را تعریف کنند و در این زمینه سید ضیا و دار و دسته اش که برای رسیدن به هدف خود هرگز موضعی تو میگردانند بجز کوشا بودند.
ریز نامه رهبر شماره ۱۲۸/۲۴ دی ۲۲۴ ادراقتها ۳ین صل سید ضیا الدین نوشت :

... سید ضیائی که درصاحبی فلسطین و مقالات اولیه خود آنچه در باز دستی با شوری میزد و خود را "شاگرد مکتب انقلاب اکثر" میخوانست مصروفی کند و چنین تظاهر می نمود که همچنان او نتایج شاهد بی همچنان پیشوایان انقلاب شوری است ... همین سید ضیا "امروز که حوادث نقاب از چهره اش افکند" است با بی پروایی خاص ... به بهتان زدن آغاز کرده است ... سید ضیائی که بارها به رفقای نمایندگی ما در مجلس پیشنهاد همکاری کرد و چندین بار تکرار نمود که من حاضر باشم که شما کابینه تشکیل بدهم و حتی گفت "اگر حکومت شوری با من مخالفت نکند من در موقع زمانه اری نفت را هم به آنها خواهم داد" ... امروز دهان را به کلمات می باز میکند که بسیار برای سر بسی مغز او بزرگ است ... اینها نشانه های و اطمینان او به شکست است ...

سیاست دروغبانی دولت ماعد و تحمیل وی در مقابل امپریالیست ها بحساب زورگذاشتن در مقابل ملت ایران موجب خشم محافل مترقی و دموکراتیک گردید.

در نمايش بزنگی که هفت نوامبر ۱۹۴۴ بنا نسبت ما لگرو انقلاب کبیرا کتر از طرف حزب توده ی ایران و شورای متحد هی مرکزی با شرکت ۴ هزار نفر در تهران تشکیل گردید از جمله شمارهای اصلی برکناری ماعد و اخراج میلسو از ایران بود . نمایش دهندگان در معرض حمله پلیدی قرار گرفتند . ولی دامنه های کارزار آنقدر وسعت داشت که جلوگیری از آن نمیتوانست عواقب وخیمی بار آورد . جمصادر تهران و استانها و شهرستانها از آنجمله در شهرهای جنوبی کشور، در حدود نیم میلیون نفر رنمایشات اعتراضیه علیه دولت ماعد شرکت نمودند .

در نتیجه این کارزار کابینه ماعد جای خود را به کابینه بهات داد . اکنون یکی از خواستهای اساسی دیگر این کارزار بحثی موضوع اخراج میلسو و مستشاران امپریالیست مطرح بود .

میلسو و مستشاران امپریالیست - چنانکه قبلا گفته شد دولت قوام که در اثر پافشاری امپریالیستها در مرداد سال ۱۳۲۱ سرگازاه در اربان همانا مسائل قانونی استخدام مستشاران امپریالیست بهیاست دکتر میلسو را از مجلس گذراند . دومین کابینه سپهبدی هم بعنوان رشوه بسیاست امپریالیستها در ۱۳ اردی بهشت ۱۳۲۲ از مجلس سیزدهم اختیارات فنیق المناد برای میلسو گرفت که طبق آن تنظیم بودجهی کشور، نظارت در خارج، پرداختها و تصدیقات مالی دولت ، نظارت در امور اداری و استخدام و غیره هم در دست شخصی دکتر میلسو قرار میگرفت .

امپریالیستها در میلسو را از چند نظر برای ریاست میسیون مالی خود در ایران مناسب میدانند :

اول - از نظر قبضه نمودن اقتصاد ایران و بهیژه تصاحب منابع نفتی این کشور در کتر میلسو بحثی مشخصی که مدت طولانی در این زمینه مطالعه کرده و با مسائل مربوط به نفت سروکار داشته است یکی از ناسبتین اشخاص بشمار می آید .

ثانیاً - دکتر میلسو در سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۵ بهیمن عنوان در ایران کار کرده و آشنائی کامل بوضع ایران داشت و مبهتر آنکه تا حدی در محافل ناسیونالیست صاحب نفوذ معنوی نیز شده بود .

ولی این بار نقش مخرب میسیون مالی آمریکا در نتیجهی شناختی که در این زمینه بکار میبرد تودتسر خود را نمایان ساخت (کسر بودجه که در سال ۱۹۴۳ به ۸ میلیون دلار رسید ، پیشنهاد وام از آمریکا و غیره) . توضیح مطلب برای نیروهای مترقی آسانتر بود . در این زمینه نیز حزب توده بی ایران فعالیت پرشماری انجام داد . حزب توده بی ایران در میسینگها ، انتشارات ویژه و مطبوعات خود و نیز از راه تهیه کلبهی جرائد "جنبه ای آزادی" همواره این موضوع را برای توده بی مردم روشن میساخته که اختیارات تفویض شده به دکتر میلسو موجب ورشکستی اقتصاد کشور و خلاف منافع مردم ایران و مخالف قانسون اساسی است و لذا هر چه زود تر نه تنها باید موضوع اختیارات ۱۳ اردی بهشت لغو شود ، بلکه قانون آبان ۱۳۲۱ در باره ای استخدام میسیون مالی آمریکا نیز باید لغو گردید .

بالاخره مجلس در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۲۳ (۹ ژانویه ۱۹۴۵) اختیارات دکتر میلسو را که تا ششماه پس از جنگ اعتبار داشت لغو کرد و فراقسبون توده با وجود اینکه به حکومت بیات موقع سرگاز آمدن را می نسداده بود در این موقع که بیات از موضوع لغو اختیارات دکتر میلسو پشتیبانی کرد و اکتسسال میرفت مورد اعتماد مجلس قرار نگرفت از نظر اصولی به وی رای اعتماد داد .

اکنون دیگر افکار عمومی با این موضوع ناآن حد موافق بود که اغلب مخالفین این لایحه نیز جرئت مخالفت علنی نداشتند و جز ۶ نفر که رای مخالف دادند الباقی (۲۰ نفر) به رای منتهی قناعت نمودند . حزب توده بی ایران که سیاستش مبارزه برای ریشه کن نمودن نفوذ امپریالیسم و آزاد جمله طرد میسیون های خارجی بود مبارزه خود را برای طرد میلسو متوقف نساخت .

فردای همانروز روزنامهی "رهبر" ارگان مرکزی حزب نوشت که مامل مجلس را در این مورد لازم میدانستیم ، ولی از آنکافی نمیدانیم و خواستار اخراج میلسو و کلبهی مستشاران هستیم . این آغاز کارزار نویی در این زمینه بود .

ولی از آنجا که برای دکتر میلسو ماندن بدین اختیارات ضرر بخش نبود کار بدین پافشاری جدی با بان بافت و میسیون مالی آمریکا ایران را ترک گفت .

یکی از شیوه های "موت" ترمبارزهی حزب توده بی ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع افشا مستسند ل فعالیتهای پشت پردهی آنها - تطبیح و تهدید به ها ، داخلتهای غیر مجاز امپریالیسم در امور داخلی کشور فساد و نوکرمندی در دستگاه حاکمه و غیره بود . شیعی وسیع سازمانی حزب ، خواهد در ارتش و خواهد نهاد ارتش دولتی ، امکان میداد که این افشاکاری از روی مدارک غیر قابل تکذیب انجام گیرد . برای اینکه بدین مدارک سخن نگفته باشیم به دو مورد اشاره میکنم :

میلسو برای تأمین اکثریت در مجلس همواره با انواع رشوه ها متولیان موت ترمجلس را جبر خود میساخت . از جمله بد آنی که در این زمینه حزب بدست آورد و در مجلس ارائه کرد بدست میلسو برای فروش ۵۰۰ هزار متر پارچه از کارخانهی بهشهر به رشید پان - همه کاره ی سید ضیا بود که بدو ن چیزی به قیمت کارخانه فروخته شده و در بازار سیاه به چندین برابر قیمت بفروش رسید . بدو تا آنکه در آمد آن در اختیار سید ضیا گذارد . شود .

سند د پږگزارش رسمي ملاملا مجرمانه نهی فرماند ارشاه آباد غرب در باره ی د حالت مستقیم ما فوراً انگلیس د رگا های استناد اری و فرماند اری هابید . د راین سند فرماند ارشاه آباد غرب بصورتیا بنکه رازی بر وزارت کشور آشکارمیکند مینوسد :

" ۰۰۰ د ستگاه اداری دولتی غرب تحت نفوذ و اداره کنسولگری و ما مهین سیاسی انگلیس میباشد . ۰۰۰ استان د ارتطقه جز اراد هی ما موریسی انگلیس - کنل پیت کوچکتین تصمی از خود ند ارد - انتخاب بخشد اران و سرپست هابیه چوجه با مویست فرماند اری نیست . ۰۰۰ این اشخاص مستقیما با کنسولخانه ی انگلیس و مستشارسی خارجی طرف مناجت و مراجعه واقع شده اند . ۰۰۰ "

متن کامل این سند در مقالهی زیر عنوان "برعلیه هرگونه استعمارکشور ایران مبارزه کنید" د نشر ماه ۵۷۴ - ۱۴/۷۳/۲۴ ریزنامه ی "رهبر" منتشرشده است .
اغراق نخواهد بود اگر بگویم کمترسخنوانی د رجلیس از جانب وکلای حزب تود هی ایران میشد که استاد ی از این قبیل ارائه نکرد د .

۴) حزب تود هی ایران د رمعرض پورش ارتجاع

فعالیت همه جاتنه ی حزب تود هی ایران در راه د تکراری و آزادی و استقلال علی د سانسس ارتجاع بویزه مبارزه ی خستگی ناپذیر و ریز مری آن ضد نقشه های امپریالیستی انگلیس و امریکانه تنا حد ود موثری اجرای این نقشه هاراعتم میساخت ازهرسو حمله ی ارتجاع و امپریالیسم رامتوجه این حزب ساخت .

از اواخر سال ۱۳۲۳ (اوپایل سال ۱۹۴۵) پورش دامنه دار قبلا آماده شده ای د ر تمام صفحات کشور علیه حزب تود هی ایران آغاز شد . در همه جاز حزب تود هی ایران یاد ستجات ساخته شد هی امپریا - لیسم انگلیس بنام حزب ، مرکب از عناصر مشکوک و چاقوکش رو برو بود که میکوشید ند با ایجاد محیط تشنج و رعب و ترور اشخاص ، حزب را از فعالیت بازدارند . حمله به مراکز کارگری ، ضرب و شتم فعالین ، آتش زدن کلوب های حزب و اتحاد به ، سو ، ضد نسبت به رهبران حزب و اتحاد به های کارگری کاررویزه این احزاب را تشکیل میداد که در رأس آنها حزب "وطن" برهبری سید ضیا قرار داشت .
درماند ران اعضا "حزب "وطن" که غالبا از عده ای چاقوکش و جنایتکاران با سابقه تشکیل یافته بود بلکه د ستجات مسلح شده و از طرف ملاکان مرجع و ستاد ارتش از مراکز کارگری در شاهسی ، نوشهر و جالوس سلب امنیت کرده و هیواره موجب تصادم و زرد و خورد بود ند . در زد و خورد شد بد که در ۲۰ د سامبر ۱۹۴۴ در شاهسرخ داد عده ای از کارگران کشته و عده هی زیاد ی زخمی شد ند و حمله کنندگان به جنگل پناه برد ند .

در نواحی د پگرشمال ، د رتبریز ، سراب ، مراغه ، اردبیل ، زنجان ، سمنان ، دامغان اعضا "حزب بطورید اوم از طرف قلد رهای محلی د رمعرض سو "ضد قرار میگرفتند و مخالفان حزب بهیانه" حفاظت خود از ستاد ارتش که سرانشگزار عید درواش آن قرار داشت . اسلحه گرفته و آنرا علیه اعضا "حزب تود هی بکاری انداختند . مثلا د ر زنجان محمود د والفقاری نفوذ ال بزرگ این شهرستان بجای جیسل قیبه تنگه که برخلاف قانون د ولت برای وی تصمصب کرده بود . به پیش از چهار هزار تنگه و حتی سلسل مجبزشده بود .

د راین باره مجللی هفتگی "مردم برای روشنفکران" نوشته است :

" اقدامات و عملیات مرتجمانه ایکه بد ست دشمنان ایران د رسرا سرکشورا انجام میکرد فقط و فقط بمنظور خفه نمودن نهضت های آزاد پخواهانه ایست که از چند ی با بتطرف در کشور با بظهور پیوسته است . ۰۰۰ "

د دشمنان ایران از جنب وجوش آزاد پخواهان ایران هراسانند ، زیرا ازادی ایران بدست آزاد شدن ملل شرق نزدیک و شرق میانه از زیر بیخ استعمار و استعمار خارجسی است . ۰۰۰ "

بیش از همه امپریالیسم و ارتجاع از رسوخ حزب تود هی ایران به جنوب کشور هراسان بود ند . حزب تود هی ایران د برخی از مراکز کارگری این نواحی و مهمتر از همه د اصفهان پایگاههای مهنسی بد ست آورده بود . در نواحی جنوب : یزد و کرمان و فارس و بویزه (بطور غیر علنی) د بنگاههای شرکت نفت فعالیت حزب و شورای متحد هی مرکزی وسعت می یافت .

د ر آن موقع در نه کارخانه ی رستدگی و فاندگی اصفهان بخش از ۱۵ هزار د در منابع دستی (فروش ، پارچه ، یرده و غیره) در حد د بهست هزار کارگر بکار اشتغال داشت که اگر کارگران پخه ور رانیز اضافه کنیم عده هی کارگران اصفهان به ۵۰ هزار میرسد . ریزنامه ی "رهبر" اهمیت استراتژیک اصفهان را از نظر جنبش آزاد پخه ی چنین توصیف میکند :

" اصفهان بمنزلی پیشرفته ی بزرگ و مهنسی است که د ر دژ ارتجاع ، د ر جاتیکه ارتجاع بوسطه ی اتحاد به ی عشار سنگینند ی کرده است . ۰۰۰ قرار ارد . موضوع اصفهان برای ارتجاع یک موضوع حیاتی است " ۰۰۰ "

امپریالیسم انگلیس برای اینکه بتواند در مقابل پیشرفت نهضت بسوی جنوب سد مهنسی ایجاد نمود از اواخر سال ۱۳۲۳ د ست بکار تشکیل اتحاد به های عشار و تشنج آنها کرد بد تاد صورت لسونوم از نیروی آنها نیز استفاده نماید . د ر اواخر دی ۱۳۲۳ ریزنامه ی "سروش" چاپ شیراز د ر باره ی خطر جنوب چنین هشد ار داد :

" از چند ی پخه ی در فارس نقشه های خطرناکی بازی میشد . د بد و باز بد های سیاسی صورت میکرد . آنتر یک هاتمی یکت خارجی بعمل می آید . اتحاد به های ارتجاعسی د بد د امریکرد . د ست ارتجاعیون ، آنان که سالها با هم دشمنی خانوادگی داشتند د ر دست هم گذاشته میشد . ۰۰۰ از آن طرف د ر بناد رجوب تنگه پیاده میشد . این تنگه ها هم یو و شفاف است ، نشنگه آنها مارک ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ دارد . ۰۰۰ از همه بد تر د بد د آن اشخاص مشکوک در میدان سیاست فارس است . صبح که بد د ارمیشد سوزگله خان بلوچ راد رخا با بان شیراز می بینیم . بلوچستان کجا اینجاکجا ! ! میکنید خان بلوچ برای خرید اراضی شیراز دده ولی ابراهیم میشد برای زیارت خان شیراز و گرفتن تمالیم لازمه و مهر و امضای اتحاد به ی مخصوصم رتجه فرمود . اند "

اجرای نقشه ی پورش به سازمانهای حزب تود هی و شورای متحد د رجوب از سازمان نژاد یزد شرح شد که بلکه سازمان اصفهان موجود آید . بود . د رمورد تد ارتزی که د ر زمینه ی کوشش برای سرکوب حزب د رجوب و حمله بسازمان یزد بعمل آید . بود مجللی "مردم برای روشنفکران" د شماره ی ۳۵ خود نوشت :

" ۰۰۰ "مردم برای روشنفکران" شماره ی ۴۶ ، ۱۱ خرداد ۱۳۲۴ - اول ژوئن ۱۹۴۵
" ۰۰۰ "ریزنامه ی "رهبر" ، ۱۷ بهمن ۱۳۲۳

آزادند ی با بنظر جنوب ایران دستخوش حملات برد امنیه ارتجاعی قرار گرفتند
است... سازمانها و ملاقاتهای مرموزی بی دردی... انجام میگردد، بنابراین آشکار
است... و مباحث بین ایلات جنوب پیش میشود، صادم الله هاهل قرارداد ۱۹۲۸
نیروی جریک تبیه می بیند، مرضی قلی مصمام کوس لسن الملک، میکند...
تجدال، سرمایه دار، عمال دولت، همگی با هم دست اتحاد و اتفاق داده بر علیه
آزادی و اجتماعات آزاد بخواه تمام کرده اند.

در شهریور ماه همین دولت در روز روشن بیری سه رنگ ایران را پانین آورد و یکدسته
آنها را و آزاد را یاد اریه انش زدن کلوب حزب بود، نود و ههرونه امنیت راز
افراد آزاد بخواه سلب نموده اند...
روزنامه "رهبر" در خالفی "لندن از یزد خبر میدهد" از قول روزنامه "رینولد نیوز" رشتنیسی

بیشتر روی حادثی یزد می افکند و می نویسد:

"روزنامه" رینولد نیوز" چاپ لندن در هفته گذشته خبری منتشر کرده و اثر بر اینکه
در شهریور بلوای بر پا شده است، بدین معنی که کارگران ایرانی از کار دست کشیدند
و مطالبی سبازات اشخاصی را مینمایند که بر علیه کارگران فعالیت میکنند و سپس روزنامه
مزبور، نظایر عقیده میکند که شرکت های نفت انگلیس و ایران به مقامات شهربانی و شهر
داری یزد کمک میکنند و باز روزنامه ی مذکور می نویسد: "اخبار دیگری حاکیست که
اسلحه های زیادی به این عشاشر بختناری که خود را امام های حمله به اصفهان مینمایند
تفصیل شده است زیرا این عشاشر میخواهند مرکز حزب بود (کونیست)، مرکز اتحاد با
کارگران را در این شهر از بین ببرند" ("رهبر" ۱۲۰ اسفند ۱۳۲۳)

اطلاع "رینولد نیوز" موقی بود، برای اصفهان نقشه مفصلتری تنظیم شده بود. و با
نخستین بار در ایران (با استفاده از تجارب حزب) با تنظیم عد ای از کارگران اتحاد به ای بنسبام
"اتحاد" به کارگران و کارفرمایان تشکیل گردید. روزنامه "رهبر" در این باره تحت عنوان "تاکتیک
جدید ارتجاع" نوشته که شمارشونی ارتجاع" برکنند و سوزاندن آثار آزادی در جنوب با است و اضافه کرد
که "از فرمایان کارخانه های اصفهان تا کذب متجاوز از یک میلیون تومان برای انحلال اتحاد به خرج
کرده اند" و عد ای یزد بر گرد آورده آنها را برای جان کارگران با جان و قه و حتی اسلحه گسیرم
سلب ساخته اند."

اتحاد به ی نوساخته از همان روز تشکیل به تحریک صاحبان کارخانه ها، با چشم پوشی و حتی
ترغیب ما همبران دولت و با تکیه نیروی بختناری که پشت دروازه شهر آمد های سرریز شدن بود مقدسه ی
کار خود را با پروکاسین های بی دردی آغاز کرد و در آغاز فروردین ۱۳۲۴ دست به اجرای نقشه ی خود
زد. روزنامه "رهبر" مورخ ۸ فروردین خبر تکلفی واصله از سازمان، حزبی اصفهان را چنین نقل میکند:

"پس از تپید و تضرعات شدیدی که از چند روز قبل شروع شده بود در اثر چشم پوشی
و "مومین دواتی اصفهان، امروز صبح عد ای و رجاله های اتحاد به ی جدید طبق دستور
مدیران کارخانه حیات... با تکیه قلی شهربانی و ستانداری جمع و از مقابل حزب
تصدیه و شروع به سنگ اندازی به محل حزب و اتحاد به کردند.
کوچکترین معانعتی از جانب ما "مومین لشکری و شهربانی حمل نماند. در نتیجه رجاله"

ها وارد حزب و اتحاد به شد و کلیه ائنه و صندوقی و محل سرقت و درو پنجره را

آتش زدند، خراب نمودند، در نتیجه این حمله عد ای از کارگران و رهبران حزب و
شهرای متحد و متوجه شدند و هیچک از ضار بین دستگیر شدند. رهبری حزب شور
متحد و از نقشی ارتجاع آگاه بود و میدانست که در همان موقع شهر اصفهان در محاصره
نیروهای بختناری است."

سازمانهای حزبی و اتحاد بهی اصفهان که از آن تاریخ در فعالیت میکردند تنها پس از نبرد ی
طولانی و جلب همدردی و مساعدت مادی و معنوی همی کارگران کشور توانستند باز سازمانهای خود را
علنی سازند و این بار با تحریکی بیشتری بهارزه ی خود ادامه دهند.

طی تمام مدت تابستان ۱۳۲۴ فراگز حزب در سر تا سر کشور بویژه در جنوب در معرض حمله قرار
داشت و برای اعضا "حزب امنیتی" وجود نداشت. ارتباط و امهرالهمی در جنوب به تنظیم نقشه های خود
برای جلوگیری از بسط جنبش ادامه میدادند و چنانکه بعد ها کاملاً آشکار گردید در بار محمد رضا شاه
که کوشش داشت خود را در رسا به نگاهدارد در تمام این اقدامات نقش درجه یک را بازی میکند.

در اوائل تیر ۱۳۲۴ در چهارمحال اصفهان کنفرانس با حضور منی Many Pany دبیر
سفارت انگلیس، کنسول انگلیس در اصفهان و مصمام، پهلخان بختناری تشکیل گردید که یکی از موضوعات
آن تنظیم نقشه برای از بین بردن حزب بود. در شیراز طبق نمونه یزد اصفهان بود. در تاریخ ۲۱ تیر
کنفرانس چهارمحال در ترکیب و مسهمتری با شرکت کلد کنسول انگلیس در اصفهان، صادم الله، مرضی
قلی مصمام، عد ای از سران ایلات فارس و نماینده ای از جانب قوام الملک شیرازی تشکیل یافت که
در آن نیز موضوع جلوگیری از بسط نهیشت و بویژه رخنه ی حزب بود. ایران در جنوب کشور و تحکیم
"رشته های الت و اتحاد سران عشاشر" مطرح بوده است.

در مرداد حمله به سازمانهای فارس آغاز شد. ۱۸ مرداد عد ای تفنگچی از ایل باصری در محل
کارخانه ی مرید شت مجتمع و بطرف کلوب حزب بود. حمله مینماید و بلافاصله عد ای ائنه ی کلوب
را به پخما میرسد و کلوب را آتش میزند. (۸)
دریاضه ای از شیراز نوشته شده بود که:

"... تمام ارتجاع وطنی و بین المللی علیه تشکیلات حزب بود. شیراز تجهیز شد
است... باقی داخلی مجالتا کار گذاشته شده است و بوسیله مادی چسبندگی
بنام "لیره" بیکد بگرچسبیده اند... سروصدای مامخصوصاً مبارزه ضد استعماری
ماترین چندین ساله ی مردم را بخته و کلیه جوانان پرشور و روشنفکر را در احوال
مجمع نموده است..." (۸)

در مبارزه با حزب بود. ایران و بطور کلی برای خاموش کردن عد ای آزادی و جنبش مبارزانه
هتکاری منظم و نزدیک بین همی نیروهای ارتجاعی و امهرالهمی لیس برقرار بود و با نقشی مشترک عمل میکردند.
استاد جسته گریخته ای که در اخبار جرائد آنزمان به آن بر میخوریم نمونه های روشنی از این هتکاری ها و
توطئه هایدست میدهد:

روزنامه "نبرد" در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۲۴ خبر داد که سید شهاب الدین بازنوال باجت انگلیسی
در ابعلی با حضور آقای فتح الله فرید ملاقات محرمانه ای داشته است.
روزنامه "رهبر" در شماره ی ۱۹۴۲ اطلاع داد که در شب قبل انجمنی آقای خادم آزاد از تبران
بسوی اصفهان حرکت کرد و در کمریک سید شهاب کفلا با انجمنی د دیگری به آجاء آمد. بد سواران شد

(۸) روزنامه "رهبر"، ۲۴ مرداد ۱۳۲۴
(۸) روزنامه "رهبر"، شماره ۲۷

بطرف اصطفیان عزیمت نمودند. در همان خیزش کرده است که از کهن‌بزرگ شخص موسی با آنها بود. است و گفته میشود این شخصی کلنل انگلیسی است که در منزل خادم آزاد زندگی میکند مطابق اطلاع مطلعین مشهور سیاسی سید ضیا^{۱۰۰} است.

باز "رهبر" در شماره ۱۳۲۴ / ۱ / ۲۳ از منیع موثقی اطلاع میدهد که "مرلشگریم آزاد" در منزل سهید احمدی با مشاورانیه ملاقات نمود. هم‌قسم شدند که نسبت بیکدیگر وفادار بمانند. آقای سرهنگ علو مقصد امجدان اعلیحضرت هم و سلسله ملاقات این دو نفر را سه روز پیش با آقای سید ضیا^{۱۰۱} الد بسن طباطبائی فراهم آورد. ملاقات در اطاقی آئینه‌ای کلوب ایران بعمل آمد. است. در این ملاقات مرتب هدایت و درکطهری یکی از متولیان مجلس - نگارنده) و سید محمد باقر جازی نیز شرکت داشتند. و نیز در همان روزنامه بتاريخ ۱۳۲۴ / ۹ / ۲۸ تحت عنوان "اجرزحمت" میخوانیم:

"یکی از کنسولهای بیگانه با اتفاقی آقای نریدون خان مصاص بوسلوی اتوموبیل جیبی عازم شهرکرد شده و در آنجا آقای کنسول (منظور کنسول انگلیس است - نگارنده) به آن خدایاتی که خان بختیاری در تسلیم و اتحاد عتقاد نرید و دستورات کنسولگری را بنحو احسن انجام داده معظم له و دو نفر از فرزندانشان را از طرف امپراطوری بترتیب پائین مورد مرامم مخصوص قرار داد:

به آقای مرتضی تلی خان پلک کاپ مرصع، به آقای جبهان‌شاه خان پلک سینی نفیر، به آقای امیر بهمن خان پلک قوطی سیگار جواهر نشان ..."

باز هم پلک گزارش رسمی از بند ربهلوی برای ریاست کل شهربانی که در آن نوشته شده است:

"ریاست کل شهربانی کشور محترم با مرامم عالی میرساند ... برای سوزاندن (خوانند نقد) کلوب توده و اتحاد به نقشی ماهرانه ای ترسیم شده است که در موقع مقتضی عملی خواهد شد. برای بودن اوراق توده و اتحاد به در موقع مقتضی اقداماتی خواهد شد. بطور خفیه تبلیغات موثری با افراد روشنفکر شده است و تا حال چندین نفر سراز کلوب توده استعفا داده اند. بهر طرف حزب توده چندین نیست برای مانع بهر طرف آن بطور خفیه بناید ستور جانی تاکنون اقداماتی شده است.
کمی این نامه با آقای سید ضیا^{۱۰۲} که بن طباطبائی تقدیم شده است. با تقدیم احترامات مجدد اکبری سلطنت

این مشت هانوعی خروارها همکاری است که میان عامل امپریالیم و ارتجاع علیه حزب توده و ایران انجام میدهد و حزب توده می ایران همواره بیروی پای خود ایستاد و از مبارزه باز نماند. ارتجاع و عامل خائن امپریالیم بارها به تهر افراد و رهبران حزب متوسل شدند. کنگ زدن و کلاهی حزب، انداختن بصبه منازل و کلوب حزب و غیره ...

روزنامه "رهبر" بتاريخ ۲۵ تیر ۱۳۲۴ (۱۶ / ۷ / ۱۹۴۵) چنین اطلاع داد:

"در شب د رحد و ۸ بعد از ظهر در کافه کلوب مرکزی حزب توده می ایران مقدار زیادی متلجره ناگهان مشتعل میشود. فوراً بعضی حزب که در کافه حضور داشتند متوجه شده قبل از آنکه زانی وارد آتش را خاموش مینمایند."

در همین موقع در منازل برخی از کلاهی حزب نیز نارنجک‌های پر تاب و انفجار هائی بوجود آورد و بگذر در همان شماره چنین میخوانیم:

"عمال ارتجاع که اخیراً بعبانیت شدیدی در اثر شکستهای متوالی دامنگیرشان شدند است دوا می درد خود را توسل به اقدامات تروریستی و خرابکاری تشخیص داده به این قبیل عملیات آنا ترستی و با جاونر انده دست میزنند. اینها غافل از آنند که بسا این قبیل "نبره‌های احقانه نه تنها کوچکترین خدلی در نیروی حزب پرافتخار ما وارد نمی‌آید بلکه خود را پیش از بهر مفتضح کرد. به اضطرار ناشی از شکست خسود اعتراف می‌نمایند."

ارتجاع و تروریست‌های ارتجاع و امپریالیم نبود. مقابلهی ایدئولوژیک از طریق مطبوعات اجبر دادن شمارهای چپ و حتی دست زدن به تشکیل "حزب کمونیست" و کوشش برای جد کردن نیروهای که گرا بتر، به چپ داشتند بیبانه‌ای اینکه حزب توده حزب واقعی طبقه کارگر نیست، و غیره از اقداماتی است که به آن دست زد و میشود.

حزب توده می ایران در معرض کوهی از اتهامات قرار گرفت، ولی لکه‌ای، برداشتن نشست سیاست روشن حزب در دفاع از جنبشگران، سیاست عاری از نوسان آن در دفاع از آزادی و استقلال کشور موجب رشد روز افزون اثر افراهم میساخت.

از آنجا که احزاب ارتجاعی موجود و بویژه حزب "وطن" سید ضیا^{۱۰۳} موفقیتر در مبارزه علیه حزب توده می ایران بود ست نیامود. بودند سید ضیا^{۱۰۴} الد بین با کنگ مادی دستگامه و بویژه امپریالیم انگلیس دست به تشکیل حزب نهی زد. در نظر گرفته شده بود که حزب حد بدالتا "اراد" ملی بر نامه خود را از مواد ارتجاعی برنامهی حزب "وطن" پاک کند و خود را حزبی معرفی نماید و بکوشد تا همه نیروهای ارتجاعی را در پلک حزب مقتدر گرد آورد. کاری که چنانکه در آینده خواهیم دید انجام شد و "دیوکل" حزب آقای سید ضیا^{۱۰۵} الد بین که در سرلوحهی برنامهی حزب خود را از جمله رجالی مرموزی کرد که هرچه اراد کند خد آنرا اراد خواهد کرد (مجبور شد مفتضانه بازی را بد بگری تحویل دهد.

در جریان زمانداری حکمی که پس از بیات سرکار آمد تحریکات علیه حزب توده می ایران آنسی تخفیف نیافت. در تمام شهربانیهای شمالی دستجات مسلح علیه حزب تشکیل شده بود. بیشتر از دست نفر در اصفهان بازداشت شدند، در جنوب مسترکلد کنسول انگلیس در اصفهان و مستر ترات در بمبارت انگلیس با خوانین مرتجعیه توسطه چینی ادامه میدادند.

با اینحال ارتجاع کابینهی حکمی برای اجرای مقاصد خود ضعیف تشخیص داد. در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۲۴ (۲ ژوئن ۱۹۴۵) حکمی گرفت و در ۲۱ همان ماه مجلس در نتیجهی ائتلاف هسهی فراکسیونهای مرتجعیه محسن صدر (صدرا لائرف) را می‌تایل داد.
محسن صدر رخد متکثر ارشاخته شد می ارتجاع و مستنطق بازداشتندگان صد رمشرطیت بود که بدست در خیابان محمد علی‌شاه جان سپردند.

صد رمشوران در خیم باغشاه معروف بود و اکنون نقش تازه ای بصد می گرفت. آزاد خواهان ایران، مخالفین دیکتاتوری و بویژه حزب توده می ایران نمیتوانستند زیر بار چنین حکومتی بیروند.

ریزنامهی "رهبر" پس از شرح جنایات صدر نوشت: "محسن صدر کسی است که در اوطالیان بنا به پیشنهاد محمد علی میرزا یاد شاه

(این عبارت در سرلوحهی برنامهی حزب "اراد" ملی نوشته شده بود: "ان الله رجالات الاراد واراد یخنی" خد او را رجالی دارد که هرچه آنها اراد کند خد هم اراد میکند.

جابر خیانتکار حاضر شد شرع و قانون را بخدمت ظلم و استبداد گذارد و نهاد کارش را برین فرزند ان این آب و خاک را بنام شرع مقدس اسلام بدست درخیمان بساختند»
 سپارد...^{۸)}
 "جبهه آزاد" اعلام خطر کرد و همهی ایرانیان را دعوت نمود علیه جلدان آزادی و دستاقل بانان باغشا، بر خیزند و مشروطیت را نجات دهند. در قطعنامهی "جبهه آزاد" گفته میشد:

"شورای عالی جبهه آزادی بنام ۴۴ روزنامهی عضو جبهه و سازمانهای وابسته بنام افراد وطن پرست و آزاد پخواه و طرفداران حکومت ملی اعلام میدارد که با تشکیل کابینه از طرف صدرا لاشراف در رژیم باغشا و دوستانیان جهانگیرخان صورا سرافیل و ملکه المتکلمین و عامل استبداد محمد علشا، مخلوع بزرگترین دسیسه بر علیه آزادی و حاکمیت ملت ایران در شرف اجراست..."

در مجلس فراکسیون حزب تودهی ایران با اتفاق ۱۶ نفر اعضا فراکسیون آزادی، ۱۲ تفسیر طرفداران دکتروصدی و ۱۸ نفر از فراکسیون ملی و منفردین تصمیم به ابستروکسیون مجلس گرفتند تا مانع معرفی کابینه می صدر کردند.

ابستروکسیون کابینهی صدر مبعیترین حادثهی در وهی چهاردهم مجلس شورای ملی است. اهمیت آن بویژه برای نیروهای مرفی بود که نمر بخشی همگاری و زیانمندی تفرقه را بازمیابند. طری جهل و پنج روز مجلس جاسمی خود را برای معرفی کابینهی صدر تشکیل داد، نیرادر اثر ابستروکسیون حصد نصاب لازم بدست نمی آمد. بانکار بردن نریب و نیرنگ بود که کابینه معرفی شد. بنا بنقشای صدر در حرم کنندگان جلسات مجلس سوی فراکسیون توده که به توطئه پی برد و بد یگران نیز هشدار لازم را داد و بد حاضر شد ند در جلسه ای که صدر تمسید نمود. بد برای استعفاى دولت حاضر خواهد شسند حضور یابند. ولی صدر بجای استعفا از موقعیت استفاده نمود و دولت خود را معرفی کرد. در اعلامیهی فراکسیون توده در این مورد گفته میشد:

"... اگرچه ما اصولاً مقاومت منفی را برای پیشبرد هدفهای سیاسی کافی نمیدانیم... لیکن از لحاظ همکاری با سایر نمایندگان و جلوگیری از تفرقه... تصمیم ابستروکسیون از طرف فراکسیون توده اتخاذ گردید."

ابستروکسیون ۴۵ روزه، حکومت صدیر را چنان دچار بحران نمود که برای جلوگیری از سقوط خویش به ابداع وسائل تشبیت کرد و حتی از هیچگونه پیشنهاد سازشی مضایقه نمود لیکن با فشاری و استقامت ما اقدامات وی را در این زمینه با عدم موفقیت مواجه ساخت و ناگزیر بوسیله نمایندگان اکثریت دست به خدعه و نیرنگ زد تا آنجا که بسا وعدهی استعفاى خویش و قول متولیان اکثریت، موفق به تشکیل جلسه و معرفی کابینه سزابا ارتجاعی خویش گردید.
 نمایندگان توده چون بجای نظر کراین سیاست ما مان تریب یافته پس رضاخانیستی آشنای داشتند... همچنان از حضور در جلسات امتناع نمودند. حوادثی که بعداً باقع گردید صحت تشخیص ما را ثابت نمود و تجدید ابستروکسیون بهترین دلیل این مدعاست..."

۸) روزنامه "رهبر" شماره ۵۷۸ - ۱۸ / ۲ / ۱۳۲۴

بد پیی است که تجدید ابستروکسیون در حالیکه کابینه از وضع غیر قانونی خود بیرون آمده بسود نمیتوانست تا شیر سابق را داشته باشد و حکومت صدیر تا مدت تیانست در وام آورد و با تعویض تمام استان در اران و نرماند ایران و گماردن طرفداران سید ضیا و وکلای اکثریت فشار را به نیروهای آزاد پخواه مضاعف نمود، تا آنکه بتدریج همهی جرایم حزب توده ایران و جبههی آزادی توقیف و مراکز حزب توده می ایران حتی کلوب مرکزی تهران تحت اشغال نیروی نظامی درآمد و در حقیقت حزب در حالت نیمه علنی فعالیت می نمود و تنها نمایندگان مجلس بودند که با استفاده از صونیت پارلمانی هنوز بسه فعالیت علنی ادامه میدادند.

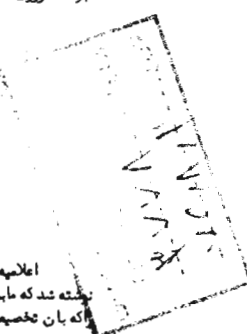
در ارتش نیز سرلشکر ارفع همکار نزد یک صد ربه تعقیب افسران آزاد پخواه و هر کسی که تصور میرفت به حزب توده تمایل داشته باشد آغاز نمود. حزب نهضت ملی که بدست سرلشکر ارفع و رهبری مستقیم سرهنگ منوچهری (سپهبد آریانی کنونی) در ارتش تشکیل گردید نامی بود برای افسران جوان که هر کسی از عضویت آن سر می پیچید در معرض تعقیب و در لیست تبعیدی های جنوب قرار میگرفت.

عکس العمل فشار به افسران جوان قیام افسران خراسان بود. اول شب ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ بیست نفر که سوی چند نفر سرباز بقیه از افسران پادگان خراسان بود تحت فرماندهی سرگرد اسکند آبی با قدارمهضات کافی بوسیله اتوموبیل های ارتش از مشهد خارج شد و در راه توه پادگان ارتش را خلع سلاح کردند و بطرف ترکمن صحرا روی آوردند که در آنجا با پگاهی برای خود بوجود آوردند. از آنجا که مجلس بسا سطره ابستروکسیون نمیتوانست تشکیل جلسه بدهد که ای از نمایندگان اکثریت بنا بنقشای صدر در تشکیل جلسهی خصوصی دادند و صدر پس از شکوه از عدم تشکیل جلسات علنی به واقعهی خراسان اشاره کرد و گفت هر د ستوری نمایندگان بدهند انرا متابعت خواهیم کرد. در جمعی اضطراب دولت را از این واقعه و ترس از عواقب آنرا میتوان از توضیح رسمی که وزیر جنگ وقت، ۲۸ مرداد ۱۳۲۴ در جلسهی خصوصی مجلس داد بخوبی حس کرد. این توضیح که در کلیهی جرایم آن روزی منتشر شد بقراین بود:

"در بارهی واقعهی پیشب یک تلگرافی از مشهد رسید که عد ای از افسران که تعد اد آنها در حد ۲۰ نفر بوده است و عبارت از... سرگرد اسکندانی و ۱۵ نفر افسر جز و دیگر می باشد در نیمه شب در کالمون دولتی را تصرف کرد و دو دستگاه بی سیم و مقداری اسلحه در حد صد قبضه تفنگ و تعد ادی تفنگ برداشته از سمت جنسورد حرکت کرده اند و حدس زد می شود که به ترکمن صحرا میروند. الساعه نیز بوسیله ی تلفن بین اطلاع دادند که این عد در راه توه خود شان را با زین معرفی کرده و اسلحهی یک اسواران را که در حد ۱۲۰ نفر بوده اند نیز گرفته اند. بحالوا افسران این اسواران باین عد ملحق شده اند ولی افراد اسواران بسمت جنسورد حرکت کرده اند. بطریقه اطلاع بد کرده ایم در ترکمن صحرا در هزار ترکمن مسلح هستند که این این افسران قصد دارند بانها ملحق شوند."

اعلامیه ای بانام "سرگرد اسکندانی" در آن موقع در جرایم تهران درج گردید و مطالبی در این باره نوشته شد که مابرای روشن شدن مطلب قسرترا از قالی روزنامهی رهبر شماره ۲۲۷ بتاريخ ۱۸ / ۲ / ۱۳۲۴ که بان مشخصی یافته است در اینجا نقل میکنیم:

"ارفع کوشش بسیار کرد که افسران را بحزب قلابی نهضت ملی خود بکشاند. لیکن مشقت محکم افسران جوان دعوت او را دهان شکسته... برای اینکه از شر اینگونه



افسران که با ذیابیت و دزدی و اساد در ارتش دشمن میگردند خلاصی شود از دست سوسی پتر در دستر داد. بود صورتی از این قبیل افسران نهبه کنند تا برای آنها با پاسپورت بد ویزند. ۰۰۰ ارفع تصمیم گرفت افسران یا کد امن بآزاد بخواد را تبعید کند. تبعیدگاه نیز همین بود: جنوب تبعیدگاه ملت ایران، تبعیدگاه آزاد بخوان و وطن پرستان، آیداکه تحت حمایت سرتیپی جهانجویان و استعمارطلبان میتوان حیوانات غیره و شرافتند میهن را محکوم به انزوا، خفقان و فراموشی کرد و در صورت لزوم بدست دزدیم سیرد. ۰۰۰ از چند هفته پیش، ما همین ارفع بدست نازرتوفیق و تبعید آنها بجلوسر تحت الحفظ بناواحی جنوب رزمه بدیدند. ۰۰۰ عکس العمل منطقی این اوضاع درخرا - سان بدید آمد. ۰۰۰*

در قیام خراسان افرادی از سربازان نیز شرکت کردند. عدای هم از افسران تهران در صحرای ترکمن به آنها پیوستند. در باره انگیزی این افسران که در نظریات خود راه حزب بود، ایران را انتخاب نکرده بودند سخنانی را که خود سرگرد اسکندانی در جلسهی سواران فخرانی و افسران پادگان مراوه تپه ایراد کرده است را باید جوییم. توضیح اینکه پس از خلع سلاح اسواران مراوه تپه، قیام کنندگان افسران این واحد را با خود به صحرای ترکمن آوردند. گرچه این افسران رضایت دادند، بدیدند که به قیام کنندگان پیوستند ولی از آنجا که سواقی و نیات آنها کاملاً روشن نبود پس از تشکیل دادگاه و رسیدگی بوضع آنان آنها را مرخصی کردند. سرگرد اسکندانی پس از پایان محاکمهی سواران فخرانی فرمود: اسواران در این دادگاه اظهارات مفصلی کرده بود که برخی از قسمتهای آنرا از روی یادداشت یک افسر حاضر در دادگان برای نخستین بار بمنظور ثبت در تاریخ منتشر میکنیم. سرگرد اسکندانی خطاب به سواران فخرانی از جمله میگوید:

" شماروی که در دانشکدهی انسانی فارغ التحصیل میشد بدیگند یاد کرد بد که تمام بحفاظت منافع ملت باشید. ۰۰۰ آیا بیهنیم تا حال با این سوگند عمل کرده اید. ۰۰۰ این کسر ۸۰٪ مردم را دهقانان تشکیل میدهند، مالک آنها را غارت میکنند، پس از غارت مالک را بدیگند ابرم بنویان تحقیقات بدیحل رهسپار میشد بدی رفاقیل "حق تقدم" و "حق الزحمه" آخرین بشقاب را از کلبهی محقر دهقان میدرد. ۰۰۰ ۸۱٪ بدیگند کشور بوسیلهی مالیاتیهای غیر مستقیم از زارعین و کارگران گرفته میشود بدی بصرفی کلمحه میرسد تا اینکه بچنان همین مردم را در زندان اسارت نگاهداشت. ۰۰۰ مگر ما و شما در دانشکدهی انسانی اولین بند این نامهی پادگانی را بخواند، ایم که قشون بحفاظت امنیت ملت از دشمنان خارجی و دزدان داخلی است؟ ماکه جز قشون هستنیم علاوه بر اینکه با ملیونتهای امریکایی و انگلیسی که دشمنان مردم ما هستند صاباره نمیکند بلکه با اعمال آنها که هیئت حاکمه بنام مستشار آورد است همکاری مینماییم. کی و کجا ملت را از دزدان و غارتگران حفظ کرد، ایم؟ ما خود برای ملت از هرگونه دزدی و دزد تر و از هر غارتگری غارتگرتر هستیم.

ملت ما کاخ شهبان نیستند. نودهای زجر کشیده هستند، نودهای غارت شده هستند. حال بیهنیم در اثر این خیانتها از ممالک غارت شده از ملت بیاچه میدهند؟ بقول خود شما افسران و گروهیان اسواران شما سه ماهه حقیق نگرفته بدیدند، چو لعلی راحواله نمیکردند و شماها میگفتند اسبها را در مزارع زارعین بچرانید یعنی بکبار

د بگردست به غارت آنان بزنید. شما پیش از این مطالب را اطلاع اید. کاری که ما شروع کرده ایم برای مبارزه با این خیانتهاست و اگر اعمال شما بملک کنند ما موفق خواهیم شد. ۰۰۰*

این افسران بعزت بی احتیاطی غافلگیر گشتند، عدای از آنان (از جمله سرگرد اسکندانی) کشته و برخی دستگیر شدند و بازماندگان توانستند در صحرای ترکمن پناهگاهی برای خود بپایندند. در اطلاعیهی ارتش گفته شده که ۷ نفر کشته و د نفر زخمی شده اند. حزب بودی ایران، که این افسران از نظر افکار خود راه این حزب را برگزیده بودند، تا نیست افسران بازداشت شده را از زندانها فرار دهد و همی بازماندگان این قیام را پس از آغاز جنبش آزاد را بچان برای کمک به آنجا بفرستد. پس از این قیام، ارفع در تاریخ د تمجیل نمود و عدای زیادی از افسران جوان راه جنسوب تبعید کرد بد کرمان بدیون هیچگونه مدرک و محاکمه ای زندانی نمود. روزنامهی "رهبر" در مقالهی تحت عنوان "مشقا" وقایع خراسان کجاست" نوشت:

" ۰۰۰ افسرانی که در حزب نبهت ملی شرکت نمیکند و یاد دزد بپها و جنسایات اغلب افسران ارشد در هیئت پیکتوری همکاری نمی نمایند محکوم به اخراج یا تبعید بنام انتقال میباشند. چنین روشی بدیون شبیه در ارتش نزل و وحشت اچسبند میکند و طبق اظهار خود ستاد ارتش که چند نفر از افسران مشهدهم با بدی کرمان منتقل میشدند تا چار منجر به حوادث ناگوار میشد. ۰۰۰*"

وقایع خراسان بدست ارتجاع بپانهی جدیدی دانتفاخ خود را نشد بد سازد. در تاریخ اول شهریور ۱۳۲۲ در تهران حکومت نظامی اعلام کرد بد. چهارم شهریور جلوی کلوب مرکزی حزب بود بدی مسلسل گذارده شد و رفت و آمد به آنجا قدغن کرد بد. پنجم شهریور مراکز حزب اتحاد به بدی بخرافت و روزنامهی "ظفر" ارگان شورای متحد بد توفیق کرد بد. حملهی نوینی در سراسر کشور آغاز شد.

شد بد ترا زهمه فشار در آزاد را بچان و بیوزده در تریز بود. به هیچک از صد هانگلر که از نواحی مختلف آزاد را بچان د اثر بد ستم ماموران دولتی و سبازات آنها به مرکز مخابره کرد بد پاسخی داده نشد. بالاخره در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۲۲ (۱۲ ر ۸ ر ۱۹۴۵) در تلگراف جنوری که رئیس مجلس، علاء وزیر بار، مستشار اوله، دکتر صدقی، وکلای فراکسیون بود و وکلای آزاد را بچان احضار شد بدی، ندی، نمایندگان آزاد را بچان مطالبی را بشرح زیر مخابره نمودند:

" فنجایی که اخیراً در آزاد را بچان روی میدهد از روی یک نقشه ارتجاعی است و بمنظور کشتن و خفه کردن آزادی احرار میبود. آزاد بخوانان قادرند که در هر موقع مرتجعین خونخوار را زانو در آورند. ۰۰۰ ولی پیش از جنبش اقدامی مردم حساب خود را با ما موهنی باید پاک کنند که موظفند جان و مال و آزادی و حقوق مردم را بحفظ نمایند و نمی نمایند. ۰۰۰ باید نصد نفر، دهقان بپروند، سازی امنیه در زندان ۰۰۰ بلا تکلیفند. ۰۰۰ شهروانی و آقای سرتیپ درخشانی این روزهای تاریک حبس را برای آنان کافی ندانسته توسطه قتل عامی را در زندان فراهم آورده اند و بپهانسی

* روزنامهی "رهبر"، ۲۱ ر ۵ ر ۱۳۲۴

اینکه زندانیان در صد د فرارند در داخل زندان محسوس را به مسلسل بسته ۷ نفر را محبوس و ۱۱ نفر را بنا بر احصائیه خود شهبانی جرح کرده اند

سپس در تلگراف ، آماری از اعضاء حزب که در دهات مختلف بدست ملاکان و مأموران کشته شده اند ذکر شد و تقاضای مجازات مرتکبین شده است .
در پاسخ این تلگراف که رئیس مجلس وزیر دربار هم در حین سفره حضور داشته اند صد را اشراف در جلسه خصوصی مجلس اظهار نمود :

" بنده خدمت آقایان عرض میکنم که نه باین تلگراف و نه به صد يك از این تلگرافها اهمیت نمیدهم " (م)

ریزنامهی "رهبر" سرطالعی شماره ۱۳۱ خود را بشرح جنایات و روش نخست وزیر غیر قانونی و مأموران وی اختصاص داد که عنوان آن این بود : " پس از قیادت ملت مشت ملت " .
این مشت در آذربایجان گره شد - در آذربایجان که بارها در پیشاپیش جنبش رهسپاری بخش مردم ایران قرار گرفته بود و خود زیر بار فشار ضاعف بد بخش های همی مردم ایران بملازمه تحمیل ملی قرار داشت .

حزب پس از ناکامی جنبش آذربایجان و کردستان

۱) مبارزه درین حزبی

ناکامی جنبش در آذربایجان و کردستان حزب توده ایران را در شرایط ناگواری قرار داد . حزب ، با وجود آزادی رسمی ، در معرض حملات همه جانبه ارتجاع قرار گرفت و مجبور در حالت نیمه علنی بسر میبرد . رهبری حزب وقتاً مجبور به فعالیت پنهانی شد . در چنین شرایط نامساعدی بحث شدیدی نیز در داخل حزب در گرفت . ناکامی جنبش مسائل بسیاری را از قبیل چگونگی سیاست گذشته حزب ، روش حزب نسبت به جنبش آذربایجان و کردستان ، صحت و سقم این روش و غیره مطرح میساخت . از جمله مطالبی که در درجهی اول توجه کادرهای حزبی را بخود جلب کرد عدم پیدایش رهبری مشترک در جنبه های موثک احزاب آزاد پخواه بود .

وضع موجود زمینه مساعدی برای استفاده هی آنهاست که در صد د تصرف در نگاه رهبری و منحرف ساختن حزب از مبانی اصولی آن بودند ، فراهم نمود .

تشکیلاتی که بمناسبت این هی سابقه جنبش در ترکیب حزب بوجود آمد ، بود فعالیت بدین عناصر را اساساً ترمیم ساخت . حزب توده ایران در اندک مدتی (طی پنج سال) کامیابی های فراوانی بدست آورد ، از گروه کوچکی به نیرومندترین حزب کشور بدل شده بود . توده های وسیعی از زحمتکشان در صفوف حزب گرد آمده بودند . رشد حزب طی دو سال اخیر - پس از پیروزی شفقین و آغاز جنبش انقلابی در آذربایجان و کردستان که نمود پیروزی های بازم بیشتر را میداد - بجزیره سرخ بود . درجهان این وقایع مدتی زیادی از روشنفکران و عناصر خرد و بزرگوار به حزب روی آوردند - از آنجمله بسیاری از عناصر منززل و بالمرست طالب استفاده و جو که امید به پیروزی نزد یک آنها را بسوی حزب جلب میکرد .

شکست جنبش د مکرانیک درین اینکه برای کادرهای علاقمند حزب بی یک رشته مسائل اصولی را مطرح میساخت ، جنب و جوش ناسالمی هم بین افراد اتقانی و گذرا بوجود آورد و مدانی برای فعالیت مخالفین درونی حزب کشید . اینان که از بدتها پیش به رهبری خلیل ملکی خود را برای مبارزه درین حزبی آماده میساختند اینک حمله آشکار علیه رهبری حزب را که از اشتباهاتی هم مضمون نبود ، آغاز کردند .

اکنون برای کادرهای علاقمند حزبی بمنظور سرو سامان دادن به وضع حزب از طرفی برای مخالفین رهبری بمنظور استفاده از موقعیت از سوی دیگر موضوع دعوت کنگری در حزب مطرح شد . بود . برای رهبری نیز در شرایط موجود اد امعی فعالیت ثمر بخش دشوار بود و بنا بر این دعوت کنگری حزب در دستور روز قرار میگرفت .

بدین طریق بنا تصویب خود کمیته مرکزی شورای بنام شورای حزب مرکب از اعضا کمیته مرکزی، کمیسیون تبلیغاتی مرکزی، سه نماینده از کمیته ایالتی تهران و دو نماینده از کمیسیون تبلیغاتی ایالتی تهران تشکیل گردید و هیئت اجرایی موقت از میان خود انتخاب نمود.

از ۷ نفر بشرح زیر: سه نفر از اعضا کمیته مرکزی، سه نفر از کمیسیون تبلیغاتی مرکزی و یک نفر از کمیته ایالتی تهران. بعداً خود هیئت اجرایی موقت دو نفر را بعنوان عضو اصلی و دو نفر را بعنوان نامزد به ترکیب خود اضافه نمود.

انتخاب هیئت اجرایی موقت تقطعی عطفی در تاریخ حزب بود. ایران بود. انتخاب اسپن هیئت، ولو بطور موقت، تشنجی که بدین حزب را پس از ناکامی جنبش در آذربایجان و کردستان فراگرفته بود فرونشاند و این هیئت توانست بلافاصله دست به اقدامات مردم سازمانی بزند.

۱۵ بهمن ۱۳۲۵ یعنی تنها ۴۵ روز پس از غلب نشینی جنبش آذربایجان و کردستان هیئت اجرایی موقت روزنامه "مردم" را بجای "رهبر" بعنوان ارگان مرکزی حزب منتشر ساخت و به ترمیم زخمهای وارده از حادثه شکست پرداخت.

گویا بنده فعالیت سازمانی هیئت اجرایی موقت از همان روزهای نخستین با اطمینان خاطر آغاز گردید ولی در فعالیت سیاسی آن هنوز عدم اعتماد بخود و نترزل احساس میشد. نمونه آن نخستین استاد هیئت اجرایی موقت است که تحت فشار عناصر پارتیونیت و تسلیم طلب از خارج و تا میسر شدن این عناصر - ذلیل ملکی - در داخل انتشار یافت.

این استاد عبارتند از: "اعلامه هیئت اجرایی موقت حزب بود. ایران خطاب بر لقای حزبی" و "بیانیه هیئت اجرایی موقت حزب بود. ایران" (روزنامه "مردم"، شماره ۱)

سند اول بطور عمده حاوی مسائل سازمانی است. در این سند پس از اطلاع اینکه:

"برحسب تصمیم متخذه از طرف کمیته سابق حزب بود. ایران هیئت اجرایی موقت برای اجرای اصلاحات لازم با اختیارات کامل انتخاب شده است."

از جمله گفته میشود که هیئت اجرایی موقت،

"بهر کراسی غلط سابق را از بین برده و دستگاه ساده و متمرکز برقرار خواهد کرد."

هیئت اجرایی موقت،

"بر خلاف گذشته نقطه به کیفیت اعضا حزب توجه خواهد کرد نه به کمیته. لذا کمیته‌ای از پنج نفر انتخاب نموده است که حزب را از کلیه عناصر فرصت طلب پاک کند."

در پایان اعلامیه خطاب به رفقای حزبی گفته میشود:

"هیئت اجرایی در موقتی مسئولیت را پذیرفته است که اوضاع از مرلحاظ پیچید و مبهم است. مانعند این تاجه حد کار ما از لحاظ سیاست کشور و او ضماح داخلی موقتت آموخ خواهد بود. ولی مطمئناً سعی خود را بدین درخ میذول خواهیم داشت"

در این اعلامیه به خط مشی سیاسی حزب نیز اشاره شده است. ولی آنچه شایان توجه است

سند سیاسی - یعنی بیانیه هیئت اجرایی است که نموداری از وضع خاص زمان خود و جهتی است که ممکن بود رهبری موقت حزب تحت تأثیر عوامل موجود بدان سوق داده شود. ذکر نکاتی از این سند بمنظور برخورد عمیق به صفحات گذشته تاریخ حزب ضروری است.

در این سند بدو بد روشی جنبه های مثبت حزب در گذشته اشاره شده و گفته شده است که حزب بود. ایران،

"برای بهداری مردم ایران کوشش خارق العاده کرده و نخستین حزب بزرگی است که در شهر و ده رخنه نموده و جامعه ایرانی را تکان داده است. حتی به دهقانان در دست ایران معنی سیاست و لزوم دخالت در آنرا فهماند. است. ۴۰۰ به مشکل کردن خود می تنظیم موفق گردید. است. ۴۰۰ در آنجا روزه حزب بود. ایران طبقات کارگرو دهقان که تا پیش از این مبارزه، در صحنه سیاست اثری نداشته وارد میدان عمل تاریخ کرده (پنجوی که) حتی مخالفین این طبقات نیز طرفداری از آنها را وسیله میاخری قرار دادند."

ولی منظوره هیئت اجرایی از نشر این سند ذکر کردی جنبه های مثبت گذشته حزب نبوده بلکه تجزیه و تحلیل روش گذشته و اعتراف به اشتباهات پیشین حزب بود. است. شکی نیست که حزب خواهی در سیاست سازمانی و خواهی در مناسبات خود با طبقات غیر پرولتری اشتباهاتی مرتکب شده بود. در بسیاری از موارد چهری های سازمان های جداگانه حزب موجب جدایی از سایر نیروهای مترقی شده و مانع اتحاد عمل میگردد. گرچه سهم حزب بود. ایران در اشتباهاتی که موجب ناکامی جنبشی آذربایجان و کردستان شد نسبتاً ناچیز بود، ولی در این زمینه نیز روشی حزب در اشتباه نبوده است. ذکر این اشتباهات میتواند کمک موفقی به روشن شدن خط مشی آینده حزب بکند و بر اعتماد طبقی کارگر و زحمتکشان کشور به حزب بود. ایران بنحایه گانه نمایندگی منافع این طبقات بجا آورد.

"مانند این نکات در بیانیه هیئت اجرایی روشنی کامل نیافته بود. در عوض قسمتی از بیانیه را مطالب مغایر با موضع حزب طبقه کارگر تشکیل میداد."

برای حزب بود. ایران در دفاع از منافع طبقه کارگر بنحایه حزب این طبقه علی طبیعی بود. حزب در عین داشتن سیاست همکاری با سایر طبقات مترقی و ضد امپریالیست آن از این وظیفه خود عدول نکرد و این خود عامل اصلی پیروزی سریع و بهیابندی حزب در میان طبقات زحمتکش شد. در بیانیه درست همین موضع مورد انتقاد قرار گرفته و گفته شده است که:

"در حقیقت حزب ما با آنکه علناً حامی و طرفدار مکراس بود در عمل روشی نشان داد که اعتماد مردم را به آزاد نخواهی خود متزلزل ساخت و بجای آنکه حمایت از آزادی را در سرلوحه خود قرار دهد بیک مبارزه طبقاتی وسیع و غیرالزامی متوجه شد و در نتیجه طبقات آسوده و مرفه اجتماع را متحرف ساخت. آنها را بجانب مرجعین متوجه گردانید."

حزب بود. ایران که در انتخابات دوره چهاردهم شرکت جست و از طریق تراکم خود به بهترین وجهی از تنهون مجلس برای افشا دستگاه حاکمه و روشن نمودن اذهان مردم کشور استفاده کرد هیچگاه راه پارلمانی را برای رسیدن به هدف های اجتماعی و حتی هدف های نزدیک اجتماعی خود مطلق نکرده بود. و حال آنکه در این بیانیه کوشش شده بود تکلیف اساسی روی مبارزات پارلمانی گذاشته شود و گفته میشد که:

"ما باید این مبارزه مبارزات پارلمانی مانند کلیدی ملل در مکررات جهان افکار صحیح خود را پیش

تکته جالب توجه وآموزند ، اینک هیت اجرائیه وقت از جانب عاصری در جهت تنظیم این بیانیته تحت فشار قرار گرفته بود در داخل خلیل ملکی و در خارج پارانی که قبلا حزب را از موضع افراطی چپ در معرض حمله قرار داد ، بودند بنحویکه نماینده افکار ملی - خلیل ملکی - در کتوری اول حزب را متهم به عدول از مبارزه طبقاتی و راه دادن عناصر غیر پرولتری به درون حزب و نیز تعقیب راه پارلمانی بجای بایکوت پارلمان میگرد . و نیز جالب است که طرح بیانیته هم توسط خلیل ملکی تهیه شده بود . در بیانیته موضع انترناسیونالیستی حزب و طرفداری از جنبش آذربایجان و کردستان نیز در معرض انتقاد قرار گرفته و روش حزب در این مسئله " جانبداری متعصبانه " نامیده شده بود . به مبارزه ضد امپریالیسم در بیانیته کم پیدا شده بود . چنین برمی آید که **شماره ۱** : " استقلال ، آزادی و ترقی " جانشین شمار اصلی " ماه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنیسم " قرار گرفته است .

مرد و اعلامیه و بیانیته شورشی همان عناصر اپروتونیست و تجدید طلب بریانده آنها این واقعه را گامی بسوی پیروزی خود دانستند . مخالفان داخلی که تصور غلطی از نیروی حزب داشتند و هر که را که از موضع سالم ، رهبری گذشته را مورد انتقاد قرار میداد از هواخواهان و متحدین خود میگردند چنین می پنداشتند که میتوان بازم بیشتر هیت اجرائیه وقت را زیر فشار قرار داد و از رضی اصموسلی منحرف ساخت .

ولی هیت اجرائیه وقت با **تاکا ۱** به نیروهای آگاه و انقلابی حزب ، که نخستین اسناد هیت اجرائیه وقت تکان دهنده آنها وارد کرده بود ، بزودی راه صحیح خود را باز یافت . سر مقاله شماره پنج روزنامه " مردم " پاسخ دندان شکنی بود که به مخربین و تسلیم طلبان داد . در این مقاله تحت عنوان " مبارزه شد بدتر و منطقی تر " با صراحت اعلام شده بود که تغییر در هدف حزب ، در تظاهرات و خواستههای اجتماعی آن حاصل نشده است ، حزب مبارزه همه جانبه خود را مانند سابق ادامه خواهد داد و کوچکترین عقب نشینی از مرام صوبی نخستین کنگره انجام نخواهد گرفت .

در واقع هم مطالب " بیانیته " روی کاغذ ماند . اندک انحرافی در خط مشی اصولی حزب حادث نشد . گامهای حزب علیه ارتجاع و امپریالیسم روز بروز مطمئن تر و محکمتر میشد . بدیهی است که این روش با خواستههای عناصر اپروتونیست سازگار نبود . لذا بحران داخلی پس از آرامش اولیه مجدداً حدت یافت تا آنجا که بالاخره کار به انشعاب انجامید .

دوران پس از تشکیل وقت تا انشعاب سرشار از مبارزه شد بد و دردناک درون حزبی است : - مبارزه با برخی کارشکنی ها و خواهر باگن ها از جانب افرادی که امید خود را از دست داده و با بسا **ماهیته** ویژه ای وارد حزب شده بودند : اقدامات اینان بصورت افرادی بشكل نشر اوراق و نوشته های گوناگون ، کوشش برای ایجاد شکاف در داخل رهبری حزب از طریق تحریف وقایع و در مقابل هم قرار دادن اعضا رهبری و غیره انجام میداد که یکی از نمونه های بارز آن **نشریه " حقایق گفتمانی " بقلم نیریز شهاب** پهر مسئول سابق سازمان حزبی کرمانشاه است ؛

- افشا و طرد این افراد که بدین دشواری ویژه ای انجام گرفت به استحکام صفوف حزب افزود ؛ - مبارزه با برخی انحرافات ایدئولوژیک موجود نزد عده ای از افراد با حسن نیت که سرانجام از شکست ناگهانی موجب تشدد آن شده بود از طریق پاکرشته اقدامات افغانی و ایضاً " موثره " ؛

- مبارزه با فعالیت فراکسیونی و انشعابگرانه ای خلیل ملکی و پارانیش که فصل مهم مبارزه در این جنبه را تشکیل میدهد و برای مدتی کار خلاق و ثمر بخش حزب را ملغ ساخته بود . این فعالیت از نخستین کنگره حزب از طرف خلیل ملکی آغاز شد و به نظر عده ای از جوانان و روشنفکران را با شمار عوامل فاسد کننده

" اصلاح وضع داخلی حزب " بسوی خود جلب کرده بود . پس از وقایع آذربایجان و تشکیل هیئت اجرائیه وقت ، این فعالیت شدت و پندرج شکل یافت . این عده بعداً بنام " اصلاح طلبان " به کار منظم گروهی مهادت وزیدند .

نخستین گام فراکسیونی که در وقایع سنگ بنای اپروتونیسم متشکل داخل حزب را گذارد انتشار جزوه " چه باید کرد " دکتر ابریم بود . دکتر ابریم از تحصیل کرده های انگلستان بود که در این فعالیت در سازمان حزبی با یک ملی ایران وارد حزب شد و از همان آغاز بسوی خلیل ملکی و پارانیش و دیگران پارت . جزوه " چه باید کرد " پیش از شکست جنبش تهیه شده ولی رهبری حزب مانع از انتشار آن شده بود . پس از وقایع آذربایجان دکتر ابریم انتشار جزوه خود را بلا مانع دیده و این جزوه بنام سه پلاتفرم **تشریح اپروتونیسم انتشار یافت .**

جزوه " چه باید کرد " حاوی **تئوری** " ایست که بمنظور رسمیت دادن فراکسیون در داخل حزب یافته شده است ، فراکسیونی که باید بنام " آوانگارد " رهبری واقعی حزب را بعهده بگیرد . " تئوری " دکتر ابریم عبارتست از لزوم تشکیل یک حزب در داخل یک جبهه و یک " آوانگارد " (پیشقراول) در داخل یک حزب وسیع . بطور مشخصی از آنجا که حزب خود ایران بهنگام نوشته شدن این جزوه بدلیل بیک جنبش توده ای وسیعی شده بود این " آوانگارد " میبایستی بصورت یک فراکسیون متشکل در داخل حزب بوجود آمده رهبری حزب را بعهده گیرد . دکتر ابریم در صفحات ۲۲-۲۳ جزوه خود مینویسد :

" چیزی که مهم است متشکل شدن عناصر مترقی و مبارز است بقسمی که آنها را (یعنی اعضا) حزب را تشکیل دهد . برای فعالیت و عمل آماده نماید . هدف این رساله تشکیل همین پیشقراول است . این سازمان جد بد رامیتوان بچندین طریق تشکیل داد :

۱- **جبهه ی مردم** با هم جبهه ی مترقی یاد مکررات که شامل اعضا " حساسیه " حزب توده ایران و سایر عناصر مترقی قابل شرکت در جبهه باشد . در این صورت پیشقراول میتواند مانند یک حزب در داخل این جبهه به فعالیت بپردازد .

۲- **گروه معینی بنام " پیشقراول حزبی "** میتوان در داخل خود حزب بوجود آورد که با اهمیت کامل از حزب دارای سازمان مستقلی برای خود باشد .

سپس در باره مشخصات این " آوانگارد " در صفحات ۲۵-۳۶ رساله مورد بحث چنین می خوانیم :

" مهمترین مسئله کشور ما فوری ترین عملی که باید انجام شود ایجاد این قایمات قابل اعتماد ، باهوش ، تربیت شده و با انضباط است که دارای تشکیلات متحرک و قوی باشد . بوسیله آن همه کاری میتوان انجام داد و بدون آن هیچ کار قابل اهمیت از پیش نخواهد رفت . بار سنگینی تمام فعالیت های دست چپ بدوش این اقلیت خواهد افتاد ، بنای حزب بر روی آن بی خواهد گرفت و آن خون حیات بختر بدن حزب خواهد بود . . . این پیشقراول طایف نقش خود ، با ایمان راسخ به پیروزی نهایی مرام خود به پیش میرود تا به هدف خود برسد .

در باره شرایط انتخاب و ایجاد این " پیشقراول " و چگونگی " تبعیت " آن از حزب تشریحی در رساله شده است . ولی این توضیحات بطور مفصل در پلاتفرم " آوانگارد " است ها

و با "اصلاح طلبان" که تحت عنوان "حزب توده ایران سرد و راه" بانام مستعار "الائتور" (برحسب حرف اول تنظیم کنندگان آن و بقلم جلال آل احمد) منتشر کردید، داده شده است.
نویسندگان "الائتور" (یعنی همان "اصلاح طلبان" رهبریی خلیل ملکی) که قبلا از نظراتنا تنگی کوشش داشتند ظاهرا از دکتر ابراهیم فاصله بگیرند، در این جزوه خود صائب "مهم" تازه ای جز همان تشکیل "آوا نگار" و دکتر ابراهیم نیافتند که پیشنهاد کنند و لذا شرط اول اصلاح حزب راهمان تشکیل "اقابیت" متشکل "قراردادند و تصدیق کردند که:

" این عقیده را قبل از ما دکتر ابراهیم در همان کتابچه "چه باید کرد" خود تشریح کرده و طرفدار ایجاد همین "آوا نگار" در داخل حزب است. چون شرایطی که امروز نهضت ما در داخل آن باید پایه های جدید خود را بریزد جز این تقاضا نمیکند اینست که ما هم عقیده ایشان را تأیید میکنیم." (الائتور، صفحه ۲۲)

جزوه "حزب توده ایران سرد و راه" (الائتور) چکیده ایست از نظریات ابراهیم متشکل داخل حزبی تحت رهبری خلیل ملکی. در این جزوه نظریات روشنیست و تجدید نظر طلبان بدین معنی که در مقابل حزب توده ایران گذشته میشد، با وضوح کامل تشریح شده است.
برزم "الائتور" جامعه از نظر حزب سیاسی به چهار گروه تقسیم میشود:

۱) حزبی ها (۲) طرفداران (سمای تیزان ها) (۳) بیطرف ها (۴) مخالفین (الائتور صفحه ۲۰)

کلمه ای هم در باره جنبه طبقاتی جامعه و احزاب سیاسی، در باره ویژگیهای حزب پرولتری، در باره متفین دائمی و موقتی آن، در باره شرایطی که در آن، این یا آن قشر جامعه در کشور معینی میتواند در مرحله ای از مراحل به هواداری و یا مخالفت با این حزب برآید دیده نمیشود.
و اما خود حزب را "الائتور" چنین تعریف میکند:

"حزب عبارت از اجتماع یک عده اشخاص هم عقیده و هم مسلک است که برای نبل به هدف و مرام مشترک سیاسی خود در هم جمع میشوند و فعالیت میکنند." (الائتور ص ۹)
و برای اینکه شك و شبهه ای در اینک منکر جنبه ی طبقاتی حزب است باقی نماند اضافه میکند:

"این تعریف خیلی کلی تر و دامنه دارتر از تعریف متداول و معمولی است که در مقابل آزاد بخواد از حزب میکنند با این طریق که "حزب اجتماع بیشترین و مبارزترین افراد یک طبقه اجتماعی است که برای نبل به هدف طبقاتی خود مبارزه میکنند." (همانجا)

برای ورود به حزب هم "الائتور" تنهادر و شرط راکافی میداند: صلاحیت شخصی (یعنی درستکار بودن) و صلاحیت اجتماعی.
"آوا نگار" بیست ها "ظواهر را در میگردند که با تشکیل فراکسیون مخفی در داخل حزب مخالفتند، گو اینکه آنها عقیده مندند علت این مخالفت هم به اعتراف خود آنها این است که:

"فراکسیون یا لایحه مخفی نخواهد ماند و کارش فاجع میشود و علاوه بر آن اثری هم نخواهد داشت فراکسیون بسیار محدود خواهد بود زیرا کابینه کارهای آن لازمست مخفی و سری باشد، در صورتیکه ما علنی برای محدود نمودن این دایره فعالیت نمی بینیم. آنچه راکسه میتوان علنی رومی انجام داد چرا باید مخفی و محدود کرد؟" (الائتور، صفحه ۷۲)

اینها صحنه جنبی برای رسمیت دادن به فعالیت ابراهیم در داخل حزب بود. فراکسیونهاست بعد روح فعالیت خود را علنی ساختند. اکنون دیگر اشخاصی که در رأس مخالفین قرار داشتند آن اعضا "علاقتمند به حزب نبودند که ناگامی جنبش آنها را موقتاً گمراه ساخته بود، بلکه منحرفی نبودند که میخواهند بهر پیشی شده است حزب را از آزاد می اصولی خود منحرف سازند.
رفته رفته گروه های مختلف ابراهیم - "آوا نگار" است. ها، انواع "اصلاح طلبان" و اشخاص "گران با اضافی عمال دشمن که به داخل حزب راه یافته بودند بهم نزد یک شده و جنبه واحدی در مقابل رهبری حزب تشکیل دادند. خطری جدی حزب را تهدید میکرد و رهبری حزب در مقابل وظیفه ی سرافرازانه سیاسی واقعی آنان قرار گرفته بود.

بدین منظور هیئت اجراییه وقت تصمیم گرفت. هیئته ای یکپارچگات و وسیعی بمنسوان "جاسات بحث و ابتقاد": تشکیل دهد. در این جلسات که کادری حزبی و اعضا "حزب" و اوطابها نه حضور می یافتند مذاقین مجاز بودند آزادانه و بطور صریح نظریات خود را بیان کنند و از جانب سخنگو بیان رهبری پاسخ بشنوند. در این جلسات در مسائل مورد اختلاف و مسما بحث میشد و حاضران امکان داشتند خود در صحت و سقم نظریات و عبارات قضاوت کنند.

علاوه بر آن از طرف هیئت اجراییه وقت و اعضا "آن دست به نشر جزوات و رسالاتی زد که در آن مواضع نامرست و ضد حزبی مخالفان میرد تجزیه و تحلیل قرار میگرفت. از جمله نشریه ویژه دبیر خانه ی هیئت اجراییه وقت که در اواسط سال ۱۳۲۶ تحت عنوان "تحلیلی از اوضاع حزب" نشر یافت. در باره هدف این نشریه در مقدمه ی آن گفته شده است:

"هیئت اجراییه وقت حزب توده ایران، در اینموقع که در اثر بروز تشتت فکری و اختلاف داند در باره برخی از مسائل حزبی و تشکیلاتی، تشنجی در سازمان حزبی پیدا شده است، لازم دانسته تحلیل خود را از اوضاع حزب بدین ساختار در دسترس همهی رفقا قرار دهد. . . . هیئت اجراییه امیدوار است که مطالعه ای بسن رساله رو بهر طرف تفکر همهی رفقای حزب را در مسیر واحدی بیافکنند و با لاف بلیند یکسر نزد یک کنند و بعد ارزیابی از تشتت فکری که اگر بدین شکل ادامه یابد . . . نتایج آن برای حزب، وخیم خواهد بود. خاتمه دهد و به وحدت ایدئولوژی در حزب کمک برساند." (۱)

این جزوه پیرایه تحلیلی مختصر شرابلی که در آن حزب توده ایران تشکیل شد و بحث مخصوصی در باره ناگامی جنبش آن را چنان که علت واقعی اوضاع در هم و برهم حزب گردیده است، و اینکه در این حالت افراد کم سابقه ی یک حزب جوان نمیتوانند باخونسردی، با منطق علمی و درست قضاوت کنند و تحت تاثیر "شیرخشم خود"، با "س و با بی اطلاعی خود نسبت به اهمیت واقعی جریان واقع نشوند، انتقاد کنندگان را به دو دسته تقسیم میکند:

۱- آنهایکه انتقاد از گذشته را بمعنای انتقاد از خود میدانند و معتقدند که باید بدارك اشتباهات گذشته و تحلیلی نواقص کنونی برای آینده نقشه عملی بریزی کرد. - در این مسئله همی اعضا "باشعور و با ایمان حزب با یکدیگر همداستانند و هیئت اجراییه نیز با این شیوهی انتقاد موافق است؛

(۱) "تحلیلی از اوضاع حزب"، صفحه ۳

۲- آنها تیکه در باره‌ی گذشته و وضع فعلی "تزه‌ای" معینی دارند و بعضی از آنان نظریات خود را کم و بیش در دو کتاب "چه باید کرد" و "حزب توده ایران مرد مرده" منتشر ساخته اند. باید گفت که آنها بعد از این روشنفکران حزبی هستند که در این اواخر برای تبلیغ قضاوت‌های خود و احراز موقعیت مشخصی در حزب فعالیت میکنند. (۱)

رسالی هیئت اجراییه موقت بدستی پدایش انتقاد کنندگان را نتایجی در تعامل اجتماع‌سوی میداند:

- ۱- عامل حزبی که افراد را به درک صحیح اشتباهات و اصلاح آنها وامیدارد؛
- ۲- عامل غیرحزبی که انتقاد را وسیله‌ی خود نمائی و ارتقا قرار میدهد - نکته‌ای که مربوط به گروه باصطلاح "اصلاح طلب" یعنی فراکسیون ذلیل ملکی بوده است.

هیئت اجراییه موقت در این سند نظریات نادرست "آوانگارد پست ها" و "اصلاح طلبان"، بر-خورد غیرعقلی آنها به پدیده‌های اجتماعی، نادیده گرفتن جنبش جهانی دمکراتیک، شیوه خرابکارانه انتقاد آنها را عمیقاً تجزیه و تحلیل نمود و و نتایجی را که از این طرز عمل عاید حزب خواهد شد نتوان داد است.

در همین حال در سند هیئت اجراییه موقت طرز دیگر نظر هم که در حزب بوجود آمده ناشی از یک نوع دکامپسم و تخریب بود، بر تصمیم راجع نشین مطلق شوری میکرد و جاشی برای انتقاد و انتقاد از خود باقی نمیگذارد، مورد انتقاد قرار گرفته بود.

انتشار نخستین بیانیه هیئت اجراییه موقت و جنبه‌ی اپورتونیستی آن نیز در این سند از انتقاد مصون نماند و گفته شده است:

"هیئت اجراییه صریح میکند که نخستین اعلامیه او، با آنکه بانیّت بدستی برای کم کردن حدت و محیط نوشته شده بود متضمن نقاط ضعیفی است. هیئت اجراییه از شناختن خطای خود در این مورد احتراز ندارد و با آنکه بروز این خطا در شرایط امروز اجتماع و حزب، از کمائی که در حیات مبارزه‌ای خود با نظیر این وضع روبرو نغسد و نبودند، بسیار غریب نیست، بخصوصی آنرا متذکر میشود. هیئت اجراییه خیلی زود متوجه این امر شد و در اعلامیه بعدی خود روش مبارزه‌ی جوانمندی خویش را نشان داد و مسلم ساخت که اعلامیه نخستین بی‌پهچوجه مقدمی یک تغییر روش به سمت راست نیست، بلکه حادثه‌ای است که اثری در آینده خود باقی نگذاشته است."

در پایان رسالی، تحلیلی از اوضاع حزب "موضوع بدستی نیز مطرح شده است که گرچه ارتباطی به مبارزه داخل حزبی نداشته ولی باید رفتار گرفتن حدت این مبارزه میتواند کسب اهمیت کند و آن موضوع باصطلاح "محافل (کرووک) مارکسیستی" بود.

از بدستی‌های برخی از مخالفان حزب و عده‌ای پروکاتور با استفاده از این واقعیت که حزب توده ایران با قضاوتی زمان نام دیگری جز حزب کمونیست روی خود گذارد است میکوشیدند برای تلافی حزب حملات خود را از "چپ" بعنوان کمونیست و مارکسیست وارد کنند تا شاید از این راه عده‌ای از کارگران و اعضا "مومن حزبی را از ان روگردان سازند (کاری که امروزه بعضی‌ها وسیعی تحت عنوان "مارکسیست - لنینیست های واقعی" و عنوان دیگر از جانب چپ‌نماها و کمونیست های کاذب انجام میدهد).

(۱) رجوع شود به: همانجا صفحه ۱۱

از جمله‌ی این اقدامات تشکیل باصطلاح "محافل مخفی مارکسیستی" بود که پیش از جنبشش آن را پلجان بدان اقدام شده و جزوای نیز از طرف تشکیل دهندگان آن برنامه "درسهای مارکسیستی" انتشار می‌یافت. "مخفی" بودن این محافل تنها عنوان بود. در واقع آنها مخفی نبودند و از جانب پلیس شناخته شده بودند، و مورد پشتیبانی دستگاه حاکمه نیز قرار داشتند. زیرا صرف نظر از ارتباطات بسرخی از کردار اندکان آنها با دستگاه‌های جاسوسی خارجی و داخلی، خود عمل آنها - حمله از "چپ" - از نظر عینی کار دشمنان جنبش را آسان می‌نمود. کوشش این کمونیست های کاذب که بعداً بنام "کرووکیست" معروف شدند در رخنه به داخل حزب و استفاده از احساسات انقلابی کارگران بود. با تلقین این فکر که گویا حزب توده ایران دارای رویه‌ی "اعتدالی" است و نمیتواند در پیشاپیش جنبش انقلابی ایران قرار گیرد سعی داشتند تا آنجا که ممکن است افرادی را از حزب جدا سازند. آنها بگرد خود محیط اسرارآمیزی بوجود آورده بود. نتایج آن برای جلب افراد حتی چنین وانمود میکردند که گویا برخی از رهبران حزب هم با آنان همدانند و عضو مخفی حزب کمونیست هستند که در این حزب توده بعنوان فراسکین فعالیت میکنند.

به‌نگام شدت بحران درون حزبی "کرووکیست" ها شرایط را برای خود مساعد تر یافته و بر تمامیت خود اتکند. لذا حزب مجبور شد در مقابل آنان نیز علناً موضع گیری کند. (شماره ۱۰۰ مورخه ۱۴/۳/۲۶) میخوانیم:

"... در ایام جنگ اخیر که تمایل بسیار شدیدی بین جوانان پرشور ایرانی مخصوصاً کارگران راجع به مطالعات کتب مارکسیستی پیدا شده بود عده‌ای که در رأس آنها یک حامی امپریالیسم قرار داشت دست بیک توطئه‌ی خائشانه‌ای زدند که بسزوی در چارنگست شد. آنها یک "حزب کمونیست" تشکیل دادند. در "کرووک" های آنها صحبت از ایقان بود که "حزب توده خیانت میکند، حزب توده براست میرود، حزب توده مبارزه‌ی طبقاتی را بطور کامل انجام نمیدهد، باید یک حزب کمونیست تشکیل بد هم و انقلاب کنیم..." بعد دسستی دیگری بنام "موسالیست کمونیست (۱)" عرض اندام نمود... سردستی آن امروز در روزنامه‌ی دولتی "نصرتی" مقاله‌ی "بضرر آزادی می‌باشد..." "ماجرایاتی که هنوزم ادامه دارد" "کرووکهای مارکسیستی" است که از بدتیها قبیل شروع به "توسعه" کرده و اکنون هم ما می‌بینیم دنبال عده‌ای از جوانان حزبی و اتحاد به‌ای را گرفته‌اند و میخواهند تزه‌ای بنظر "چپ" و در باطن راست و انحرافی خود را به اینها تحمیل کنند... مبارزه‌ی ایدئولوژیک منظم و جدی بر ضد این دسستی کوچک حتمی است..."

در شماره‌ی بعدی "مردم" در سر مقاله‌ی "بعضی جوانان مارکسیستی بالانیه پروکاتور" هویت گردانند این "کرووک" ها - "ترو" (سید باقراماسی) - که خود شی را عضو فرقه‌ی کمونیست معرفی میکند بعنوان یک پروکاتور فاش شده است.

با عناصر فاسد و مرتبط با مقامات امپریالیستی آشکار است. افراد این "کرووک" ها برخی‌ها عامل و برخی نایب خودگان یک دستگاه پروکاتور در خارج از حیزند که ماهیت پلیسی و امپریالیستی آن در این اواخر روشن شده و به ثبوت رسیده است (رجوع شود به "تحلیلی از اوضاع حزب" ص ۲۲ بعد). اینترنستند تحلیلی "پست اجراییه موقت و نشریه های خاص بدستی از قهبل جزوه‌ی "در راه یک

انحرف، " جزوی " در باره ی برخی انحرافات و شیوه های خفا* و نوشته های سیستماتیک مطبوعاتی
جزوی برای اعضا* حزب روشن کننده بود. ولی تا* شیر ویژه راجلسات بحث و انتقاد بخشد*.

بحثی که بر اساس د مکرسی وسیع درد اخل حزب انجام شد مرز موجود بین سیاست روش رهبری
حزب و طریق پیشنهادی منحرفین را آشکارا نشان داد و برای قاطبه اعضا* حزب شکی در تسلیس
طلبی و اپورتونیسیم فراکسیون " اصلاح خالب " تحت رهبری ذلیل ملکی باقی نگذارد. این فعالیت
بحث و انتقاد ی ابتکار می بخور و ارزنده ای بود که در مبارزه باد دشمنان حزب دایمی کارگر بکار بسرد
شد. این کارزار تاجیاتی. نقشه های انشما بگران راد رهم ریخت و چنانکه در فصل مربوط به انشمام
خواهیم دید آنان نتوانستند کوچکترین موفقیتی بدست آورند.

ولی قبل از شرح این موضوع لازم است تحایل مختصری از وضع سیاسی کشور، انتخابات دیره
پانزدهم و موضع حزب توده ایران بعمل آید.

۲) انتخابات دیره پانزدهم مجلس و وضع
سیاسی ایران در آستانه و جریان این انتخابات

روی کار آمدن د دولت قوام صادف بود با پایان دیره ی مجلس چهاردهم* کوشش نمایندگان
مجلس چهاردهم برای تمدد دیره ی مجلس چنانکه دیدیم در نتیجه ی مخالفت پیگیر حزب توده ایران
و سایر نیروهای دمکراتیک بی نتیجه ماند. شروع به انتخاب نمایندگان دیره ۵: اکنون جز* وظایف
اولیه ی دولت قوام قرارداد شد. ولی وجود یک اپوزیسیون نیرومند عمارت از احزاب شناخته شده ای مانند
حزب توده ی ایران، فرقه ی دمکرات آذربایجان، حزب دمکرات کردستان و سایر احزاب جبهه ی موثلف
مانع آن بود که قوام بتواند اکثریت شکنده ای بتفع خود به مجلس بیاورد. بهمین دلیلی بود که سیاست
طفره و مذاکره با احزاب اپوزیسیون راد ریش گرفته بود.

در نتیجه شکست جنبش د مکرانیک غیر از حزب توده ایران نیروی دیگری از اپوزیسیون آنهم
در شرائط نیمه گال باقی نمانده بود. بدیهی است که در چنین شرایطی امکان شرکت حزب در انتخاب
بات دیره ۱۵ منتفی بود. در مورد شرایطی که شرکت حزب راد در انتخابات ناممکن میساخت در پیغام
هیئت اجراییه ی مؤقت مردم در شماره ۱ روزنامه ی " مردم " بتاريخ ۲۰ دی ۱۳۲۵ چنین گفته میشود:

" روزنامه های مخالف ما میخواهند چنین جلوه بدهند که گویا حزب توده ی
ایران در اثر "هرسکتگی" از عهدی شرکت در انتخابات برهنی آید... و بجسای
اعتراف به شکست خود عذری تراهید و از نبودن آزادی و فشار شکایت میکند
... از چهار ماه پیش تا امروز دولت و حزب دولتی دست به اجرای نقشه وسیعی
برضد حزب توده ایران زده اند... کارگران منتسب به حزب راد آستانه ی زمستان
سیرحانه از کار خارج کرده اند... دهقانان طرفدار حزب مارا تحت شکنجه ی
زاندارم گذارند... کارمندان عضو حزب مارا با توسل به بهانه "مقتضیات اداری" از
شغل خود محروم و بابه نقاظ دوردست منتقل ساخته اند (مثال کلوب رشت).

" بعضی جرایم از بیانیه هیئت اجراییه سو* استفاده کرده و چنین جلوه میدهند
که گویا حزب نهمنتهای آنان را قبول کرده است..."

ما یکی ند اینم از اینک بگویم د کارمانقصی وجود داشته ولی در همین حال افتخارات
بزرگی داریم که بان همیشه خواهیم بالید. ما بزرگترین نهیست زحمتشان این کشور
را بوجود آورده ام و امروز مانند همیشه طرفداری از طبقات کارگر و دهقان و کلهبی
کسانرا که با کار خود زندگی میکنند مانند سنت مقدس یادامه خواهیم داد.*

در آستانه ی انتخابات و در جریان آن هرگونه امکان سازمانی از حزب توده ایران سلسبب
شده بود. در این شرایط قوام درصد بود که انتخابات را برقی آنا انجام داده، اکثریت نام مجلس را
برای خود تأمین نماید. ولی این کار د شوارتر از آن بود که تصمصیرت* انتخابات دیره ۱۵ بدل به
عرضه مبارزه ی د امهالیسم شد، زیرا در مقابل نخستین مجلس د وران همی از جنگ - مجلسی دیره
پانزدهم - حل یکرشته مسائلی قرارداد شد که میتوانست موقعیت این بان امهالیسم را تحکیم بخشد.
نقشه ی امهالیسم امیکان بود که بدست دولت قوام - طرفدار بی چون و چرای خود -
و حزب دولتی دمکرات ایران و اتحاد به های قلابی انتخابات را بتفع خود پایان داده و امهالیسم
انگلیسی را از مواضع خود عقب براند.*

کوششهای قوام برای بدست گرفتن کامل مجلس نگرانی شدیدی برای امهالیسم انگلیسی
فراهم ساخته بود. امهالیسم انگلیسی نمیتوانست آسانی مواضع سنتی و سبادت خود را در صنایع نفت
ایران از دست بدهد. همهی امهرمها و شبکه ی وسیع عمال وابسته به سیاست انگلیس به حرکت درآمد.
جبهه ی واحدی از گروه بندیهای نظیر "حزب مردم" (برهبری سید محمد صادق دیاباطبائی رئیس
سابق مجلس ۱۴)، "حزب نهیست ملی" (تحت رهبری سرلشکر رفیع عامل شناخته شده انگلیس)،
"حزب ملت"، "حزب استقلال"، "حزب کشور" و غیره تشکیل شد و بپا نیه ای با هم "احزاب
متحد" صادر کردند و به دسائش دولت قوام و حزب دولتی وی در انتخابات اعتراف نمودند.
لذا در ردیف افشامت حزب توده ایران و دیگر عناصر مترقی که عمارت بود از طرف اران دکتر
مدق و اتحادیه ی دانشجویان مترقی که روز ۹ دی دست به انصاف عمومی زدند، اپوزیسیون بسالا
نیز بوجود آمد. نمایندگان این اپوزیسیون پیمراه برخی از عناصر اپوزیسیون مترقی در دربار بست
اختیار کرده و خواهان اقدام برای تأمین آزادی انتخابات شدند.*

برای روشن شدن بهتر وضع سیاسی آنزمان و چگونگی مبارزه ی انتخاباتی دیره ۱۵ برخی
از نوشته های مطبوعات د مکرانیک و مخالفان د یگرو ملت راشاهد می آوریم. روزنامه ی "مردم" ارگسان
مرکزی حزب توده ایران در سرصفحه ی مورده ی ۲۱ دی ۱۳۲۵ در این مورد چنین مینویسد:

" امروز علاوه بر آن قدرتی که در سال ۱۳۲۹ زمام ایران را بدست گرفت قدرت
جدیدی نظیر او در صحنه ی سیاست ماعرضانده ام میکند... امریکا از چند سال اخیر
که در نتیجه ی تحولات جنگ گذارش به ایران افتاد... بهمی کرده است ابتکار
سیاست و اقتصاد را از دست بریتانیابگیرد... از اوایل امسال مخصوصا بسا رود
نمانده ی جدی امریکابه ایران مرحله ی تازه ای در ابراز علاقه ی امریکابه کشورهای
احساسی شد... صمیمت بادولت "بیطرف" امریکاهم جامورد تبلیغ قرار میگرفت،
سفیر کبیران کشور به روزنامه نگاران "جبهه ی ملی مطبوعات" در هتل د ریند در میانگ
مطبوعات میداد. در جریان اخیر و ختم جریانات آذربایجان نیز دست رفقهای
امریکائی خوانده میبند تا جایگاهی کارآمد آکره و وطنیان به اظهار رسمی وطنی کشیدند.
جریان این مدت دستهای که در دیره ی چهاردهم و قبل از آن روی کار بود دند و

تعیین سیاست‌های سیاسی در پیرو سکوت و آرامش‌ناکه آثار عدم رضایت گاهگاهی از آن خوانده می‌شود مراعات نمی‌شود . . . چیزی که از اظهار شدن اختلاف بین این دو دسته جلوگیری میکرد همان جسیسود "مخاطراتی" بود که آنها را تهدید میکرد و بمجردی که با پیش آمدن قضایای اخیر "خطر" بر طرف شد ریشه های تضاد که مخفی فعالیت مینمود آشکارا مینمودند. آن عده که با توجه به خطر از انتخابات دوری ۱۴ راضی شده بودند در سته دیگری از طبقه‌های حاکمه روی کار آیند اکنون که آن دسته رل خود را انجام دادند سعی دارند قدرت از دست رفته را بازیابند و مواضعی را که سابقا از روی اجبار با مصلحت از دست داده بودند پس بگیرند."

موضع اینرسیون طرفداران سیاست انگلیس را صریحتر از همه روزنامه‌ی "ایران نو" منتسب به سید ضیاالدین و حزب اراد می‌داند در نخستین شماره ی خود پس از خروج از توقیف در ماهه از طرف توأم روشن می‌بازد . این روزنامه در نامه‌ی سرگشاده ای که به آقای آن سلفیگر آمریکانگاشته است چنین مینویسد :

" دولت کنونی با تکیه سیاست دوستانه‌ی خارجی و تقویت عمل سلف جنبه‌های روی کار آمدن و مجلسی ایران نه از نظر عقیده به مسئول دولت بلکه از نظر اقتضای سیاسی و اینکه مسئله‌ی آزادی‌بخش در سیاست جهان . . . تمام شود . . . تکلیف کرد و ولی اینکه که ملت ایران میتواند بدون مصلحت خارجی در حق دولت قضاوت کند ، در این قضاوت ملت ایران دولت حاضر را بطرف افکار و فعالیت خود نمیداند ."

بر آن تو ادامه میدهید :

"نویسندگان خود را ناگزیر از افشا " این مطلب میدانم که اولاً مقیمت دولت فعلی که افکار ملت ایران معتقد است از حمایت بیطرفانه‌ی جنبه‌های سیره مند بوده در اوضاع و احوال کنونی مبارزه با احساسات میسر ملت ایران داشته و ناچار چنین احساساتی مخدول روابط دوستانه‌ی ملت ایران و ملل متحد می‌شود ."

نامه‌ی ایران نو به اظهارات آقای آن در هتل در بند در اوایل سال راجع باینکه مخالفت با آزادی اید " شیطنت بعضی" است اشاره نموده و مینویسد :

" ملت ایران امروز از آنجانب میسرند آبا شیطنت بعضی نیست در یک کشور دمکراسی آئیم موقع انتخابات حزب مطلق دولت با تکیه قدرت دولت خود را بطرف منحصر افکار میسرند انسته از تمام وسائل دولتی منحصر استفاده می‌نمایند و از تمام اجتماعات حزباتی که سلب آزادی و حتی نطق و تبلیغ نماید . . . چنانچه اظهارات سابق جنبه‌های در هتل در بند از لحاظ علاقه به اجرای اصول منشور ملل متحد میسرند . است برای چه در این موقع که اصول مقدس منشور با کمال بی‌پروایی از طرف دولت و حزب دولتی با ممال میسرند بسکوت برگذار میشود ؟"

راد بولند نیز علناً و بطرف وسیعی از مردم آزادی انتخابات در ایران سخن میگفت - ولی توجه ن اینرسیون انگلیس متوجه حزب دمکرات توأم که بنابه یک حزب دولتی قطعاً اکثریت را بر می‌گردد ، خود تا مینمیکرد امکان استفاده از این حزب و جلب وکلای منتخب بسوی خود بود . همانطور که انتظار میسرند حزب دمکرات در نتیجه برگذار کردن یک انتخابات قبلی در مجلس

حائز اکثریت نام شده . ولی مطلب بر سر این بود که آیا وکلای منتخب خواهند توانست در مجلس فرانسویون محتملی تشکیل دهند که مطیع سیاست توأم باشد یا اینکه این فرانسویون پس از چندی به اجزا " اولیه‌ی خود تقسیم خواهند شد . روزنامه‌ی مردم در شماره ۵۴ به این موضوع پاسخ روشن داد . حزب دمکرات توأم هنگامی تشکیل شد که از جماع می‌کشید همه نیروی خود را در یکجا گرد آورد و عناصر مختلفی از جنبه‌های سیاسی گوناگون ، خواه بمنظور اصلی مبارزه با جنبش دمکراتیک و خواه بمنظور بدست آوردن مقاماتسی در دستگاه دولتی و باره یافتن به مجلس ، با این حزب روی آوردند و در جریان بعدی جزیه و جدا کردن آنها کارمشکلی نبود . امپریالیسم انگلیس با سانی موفق به وارد کردن شکاف در این فرانسویون شد . بدین ریح عده ای از منتخبین توأم به اقلیتی که با اعمال نفوذ انگلیس ها انتخاب شده بود پیوستند . بمنظور ارضای امپریالیسم انگلیس توأم در تاریخ ۳۱/۳/۱۳۲۶ (۲۲/۳/۱۹۴۷) کابینه‌ی خود را ترمیم کرد و با اعتمادی که به شخص خود داشت اکثریت کابینه را از اشخاصی تشکیل داد که بقول روزنامه‌ی " قیام ایران" در لیست سفید امپریالیسم انگلیس جا داشتند .

ولی این ترمیم نمیتوانست هیچک از امپریالیسم راضی کند و بالاخره توأم مجبور شد در تاریخ ۹۸ آذر ۱۳۲۶ پس از تعلق مفصلی که در آن وکلای عهد شکن مورد حمله‌ی وی قرار گرفتند از کار کناره گیری کند .

طرح حکومت ۲۲ ماهه‌ی توأم امپریالیسم آمریکا توانست مواضع محتملی در میان سیاست داخلی ایران بدست آورد . امپریالیسم انگلیس با وجود نفوذ نقش خود اکنون در مبارزه با امپریالیسم آمریکا در حقیقت در مقام تدقیق قرار داشت . تنها هدف امپریالیسم انگلیس در شرایط پس از جنگ ، نه بدست آوردن مواضع نین ، بلکه حفظ مواضع موجود خود بود .

بطوریکه پس از برکناری حکومت توأم معلوم شد در ۶ اکتبر ۱۹۴۷ بدون اجازه و اطلاع مجلس قرارداد بی‌امضا " جم ویرجینک و جرج آن سفیر آمریکا با امضا " رسیده بود که بعد ها بقدر ارداد جم - آن معروف شد . این قرارداد در حقیقت ارتش ایران را در اختیار مستشاران آمریکائی قرار میداد . قرارداد نه تنها به حق حاکمیت ایران لطمه وارد میساخت بلکه ایران را بدولت به پایگاه نظامی علی‌بسه همسایه‌ی شمالی ایران - اتحاد شوروی - مینمود . روزنامه‌ی " مردم " در باره‌ی این قرارداد در شماره ۲۳۵ مرخه ۴ دی ۱۳۲۶ (۲۶/۱۲/۱۹۴۷) خود چنین نوشت :

" در دوران اخیر اخبار حیرت آوری در باره‌ی انعقاد یک قرارداد نظامی بین دولتمین آمریکا و ایران از راد پوها و خبرنگارهایی مختلف جهان منتشر گردیده و ملت ایران را از بی‌پروایی و قانون شکنی زمامداران خود غرق تعجب ساخته است . این اخبار حاکی است که آقای توأم نخست وزیر سابق . . . روز ۱ اکتبر (دوشنبه ی ۱۳ مهر) گذشته بدون اجازه‌ی مجلس ایران (در آن موقع مجلس مفتوح بود . ک .) قرارداد نظامی خطرناک و ساربت آوری را با آقای جرج آن سفیر آمریکا امضا نمود . این قرارداد یک هفت نظامی افسران آمریکائی را با شرایط سنگین بکنار شکن در امور نظامی ایران دخالت میدهد . این هفت نظامی چنانکه خبرنگارانها اخیر میدهند موظف است ارتش ایران را " ارشاد " کند و ادارهی امور نیروی ایران را تنظیم نماید و بدو مسائل مربوط به " عملیات نظامی " و " دفاع از ایران " . . . به ارتش ایران اندرز میدهد و آنرا رهبری نماید .

در این قرارداد صریح شده است که دولت ایران تمام امور و اطلاعاتی را که برای اجرا " ما میسرند " افسران آمریکائی میسرند . دارند لازم است در اختیار این هفت

خواهد گذاشت و این امر با اجازتی زیر چنگ ایران صورت خواهد گرفت. و نیز قرار داد برای مستشاران نظامی امریکایی در امراتش ایران امضا شد و قید میکند که دولت ایران جز با اجازتی دولت امریکایی ندارد مستشارانی از دول دیگر استخدام کند.

اطلاع از عقد این قرارداد موجب هيجان بزرگی شد. دولت و ستاد ارتش نخست تکذیب کردند ولی حقیقت بزودی آشکار شد. اطلاعی که از طرف بخش مطبوعات سفارت شوروی در باره وجود ایسمن قرارداد انتشار یافت به روشن شدن موضوع کمک کرد. در این اطلاعیه گفته شده بود که چون حافل رسمی ایران میگویند موضوع امضا چنین قراردادی را سرکشوند شعبه مطبوعات سفارت شوروی با اطلاع میرساند که این قرارداد از طرف ایران توسط آقای محمود جم و از طرف ایالات متحد می امریکایی توسط آقای جرج آلن امضا شده و به دبیرخانه سازمان ملل متحد برای ثبت داده شده است.

بزودی وجود قرارداد پنهانی دیگری نیز فاش شد که ژاندرامی ایران را در اختیار امسبران امریکایی دارد. متن این قرارداد در روزنامه "قیام ایران" (شماره ۹ اسفند ماه سال ۱۳۲۶) بطبع رسید و برای اولین بار افکار عمومی از وجود این قرارداد آسارت آگاه شد.

بخوازا قرار داد های نظامی که ارتش و ژاندرامی ایران را در کنترل امریکایی قرار میدهد ادانتهی هم برای حمل و امسای آسارت آهر و فروش اسلحه امریکایی به ایران انجام میگرفت و در این معامله اسلحه های از نظرمادی و معنوی فرسود می امریکایی در مقابل وام به ایران فروخته میشد. مقدمه ای نخستین وامی که بدین منظور میباشد به ایران واگذار شود در زمان حکومت قوام تبیه و در کابینه بعدی حکمی از تصویب مجلس گذشت (بمبلغ ۱۰ میلیون دلار).

بدین طریق امریکایی در مواضع کلیدی را در خاور میانه و از جمله در ایران بدست می آورد. دخالت امریکا در امور این منطقه اکنون دیگر بدین پدیده پیشی انجام میدهد. دخالت امریکایی در امر ایران بویژه طی ۲۱ ماه اقامت جرج آلن سفیر کبیر امریکا که قسمت اعظم آن مصادف با کابینه قوام بود کاملاً بی پرده انجام میشود. در این زمینه روزنامه "مردم" در شماره ۲۴۷ مورخه ۲۰ دی ۱۳۲۶ (۱۱ اردیبهشت ۱۹۴۷) بنسایت پایان ما مهیبت جرج آلن مینویسد:

"دیروز اعلام کردید که آقای ژوز آلن سفیر کبیر امریکا در تهران به سمت وزارت خارجه امریکا انتخاب شده و چند هفته دیگر از ایران خواهد رفت. آقای آلن از اوائل اردیبهشت ۱۳۲۵ یعنی قریب بهشت یک ماه سمت سفارت کبیری امریکاد را بر سران داشته اند. در دوره سفیر کبیری آقای آلن فعالیت سیاسی امریکاد را بران بنحسو حیرت انگیزی آغاز شده و او ادامه میدهد. در این دوره بوده که دیپلماسی انگلستان در ایران مؤتاعقب رفته و ابتکار عملیات در کشور ما کاملاً بدست سیاست امریکاد افتاد. میتوان گفت که در ظرف این ۲۱ ماه دولت ایران در همه عیضیات مهم حتی جزئی خود بدستور مستقیم سیاست امریکاد کار میکند.

... باد بکنه این سیاست بود که حزب دمکرات ایران برای تضعیف جنبش های آزاد پخواهانه بکمک سرنیزه و زهر تا "میس شد" سیاست امریکاد بود که جریانات فجع جنوب ایران را بنسایت نهضت فارس راه انداخت. این سیاست بود که ایلات را در همه جا تحریک کرد و به آنها اسلحه داد، ریز تولد لیدرهای آنان را در سفارت خود جشن گرفت. ایلام آقای آلن و سیاست امریکاد بود که دولت سابق را در سرکوبی بی رحمانه ای آزاد پخواهان تا این اندازه بی پروا و جسور ساخت. این سیاست بود که

ژاندرامی و ارتش ایران را بوشلای مستشاران خود قبضه کرد. بود. سیاست امریکاد در انتخابات دوره ۱۵ مجلس نقش مهمی داشت. کاندید های حزب دمکرات ایران اغلب با پشتیبانی این سیاست از دست رفت. بویژه سیاست امریکاد بود که کلیه مظاهر حیات اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران را بدست گرفته بود و همه آنها را بجهل خود میگردانید.

در دوره اخیر "فرضه" ی دولت و پنجاه میلیون دلار از بانک بین المللی، مسئله فرضه جنگی ۲۵ میلیون دلار برای خرید اسلحه، مسئله تعدد استخدام مستشاران نظامی امریکایی که ماجراجویی است که دست آقای جرج آلن در تمام آنها آشکار بوده است.

... هنگام مطرح شدن مسئله موافقت نامه ایران و شوروی سیاست امریکاد بدست آقای آلن تشویق و فشار را برای رد موافقت نامه بحد اعلان رسانید.

چنین است منظره رقابت های امپالیستی که موجب سقوط حکومت قوام گردید.

۲) اوج نهین در فعالیت حزب توده ایران

حملات همه جانبه ارتجاع پس از ناکامی جنبش و بحران داخلی، لطمه فراوانی به حزب توده ایران وارد نمود. ولی رهبری حزب در آنک مدت نتوانست خود را از بحران خارج کند و دست به بهبود سازمانهای حزبی بزند.

حملات و پیگرد های همه جانبه بخودی خود تصفیه ای در صفوف حزب انجام داد. بسیار از عناصر مرتزلزل و فرصت طلب حزب را ترك گفتند. با اینحال رهبری حزب تصمیم گرفت خود بدست به تصفیه حزب از وجود عناصری که از نظر اخلاق و روش خود شایستگی عضویت حزب را نداشتند بزند. گرچه این تصفیه بنحوی که باید انجام نگرفت ولی تا همان اندازه که اجرا شد کمک بسزایی بود به بالا بردن انضباط حزبی.

از بهمن ماه ۱۳۲۵ رهبری حزب به انتشار نشریه هفتگی "آغاز نمود که در آن مسائل مربوط به زندگی داخلی حزب و مسائل نظری اقتصادی و سیاسی که میباشد در سازمانهای اولیه ی حزبی مورد نظر قرار گیرد مطرح گردید، کلا سیاسی حزبی از نو شروع به کار کردند، در همه جا سازمان های حزبی احیا میگردد.

رابطه بین المللی حزب و اتحادیه های کارگری نیز مجدداً برقرار میگردد. نکته ای که بنهت خود برای رشد و تثبیت حزب تا "تیرشیت" داشت. در بهمن ماه ۱۳۲۵ سازمان جوانان حزب از طرف قد راسین بین المللی جوانان برای شرکت در جشنواره جهانی دعوت شد. در فروردین ۱۳۲۶ از نمایندگان سازمان جوانان حزب برای شرکت در دادسای مشورتی سازمان جوانان کشورهای آسیایی به هند وستان (پیشی) دعوت بعمل آمد. در دوره اجلاس هی ۲۰ - ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۷ کمیته ای اجراییه قد راسین بین المللی زنان سازمان زنان حزب توده ایران را بعضویت پذیرفت.

از اوائل بهار ۱۳۲۶ حزب به تهیه مقدمات دعوت کنفرانس ایالتی تهران آغاز نمود. این کنفرانس در تیرماه (از ۲۱ تا ۳۱) و بسا شسرکت فعال نمایندگان و در محیط بحث آزاد و خلق بر گزار گردید.

ارگان مرکزی حزب در شماره ۱۳۱ مورخه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۶ در این باره نوشت:

" سومین کنفرانس ایالتی تهران پس از یکسال و دو ماه که از تاریخ تشکیل دو مین کنفرانس ایالتی میگذشت با حضور نمایندگان حوزه های حزبی تهران روز پنجشنبه پانزدهم تیرماه در سالن کلوب مرکزی گشایش یافت و روز شنبه بیستم تیر پس از انجام وظایف سنگین خود طی جلسات متعدد و پر حرارت خاتمه پذیرفت. در شرایط کنونی تشکیل این کنفرانس، مطالبی که در جلسات آن مطرح گردید و نتایجی که از آن مباحثات پر شور گرفته شد، تا " تیری که در روح اعضا خود باقی گذاشت، همه و همه دارای اهمیت شایانی است. با آنکه شرکت کنندگان در نقادای و اظهار نظر صریح و قطعی را سخ بودند هنگامیکه کنفرانس با پایان پذیرفت چیزی جز صمیمیت مطلق در میان اعضا حس نمیشد. فشار دشمن این صمیمیت واقعی را بوجود آورد، است. رشد اعضا در این کنفرانس شکفت انگیز بود. هیچ چیز سرسری نگذشت، هیچ چیز بتعارف برگذار نشد. ...

نکته اساسی در تمام بحث ها پند گرفتن از گذشته و بی افکندن کارآینده بر اساس درست و خردمندانه بود. کنفرانس شد بد آنکسانرا که در گذشته اصول مرام و نظام حزبی تخطی کرده و خود سرانه اعمال خطائی کرده بودند تفتیح کرد. ... و نیز خود را برای جلوگیری از هرگونه خطاکاری و خود سری نشان داد. ...

صندلی هارا که کسانی اشغال کرده بودند؟ کارگران، دهقانان و روشنفکران بیگانه شده، زندان کشیده، در بدر و آواره شده، گرسنگانی که چشمان بدرستی میدید و مغزشان بدرستی درک میکرد. ...

کنفرانس به ملت ایران پیام فرستاد که مواظب و بعد اریاشد، به نیروی خود اطمینان کند، چیزی جز قدرت ملی را در خود اعتماد نشمرد، رسوائی دشمنان رنگارنگ را ببیند و عدم قابلیت و انحطاط آنها را درک کند، مطمئن باشد که حزب توده ایران و مبارزین آن حتی یک آنی از راه حق خود که راه اوست. ... منحرف نخواهند شد. کنفرانس به ملت ایران پیام فرستاد که به اغیار جبهه خواران ایزراه بدر نرود و درام امپریالیسم نفیست، بکوشد تا در حفظ صلح، در تأمین عدالت بین المللی نقش موثری بازی کند، به فرزندان ناخلف وطن مهلت ندهد تا آنها تاریخ و حیثیت ما، رفاه و آزادی مردم ما، صلح و امنیت خطه ی ما را به بهای ناچیز بفروشند و دست متعدی امپریالیسم را در کشور گشاده کنند. ...

" نزد بی نیست که در سومین کنفرانس ایالتی تهران حزب ما کام بزرگی در راه تکمیل خود، رفیع ناقص خود، تجدید سازمان و تعاضاد آرمی کند می خود برداشت. ..."

قصدا لبت سازمان جوانان حزب نیز دوش بدوش حزب بسط مییافت و این سازمان در شهریور ۱۳۲۱ کنفرانس نوبتی سازمان ایالتی تهران خود را برگزار نمود. در گزارش کمیته مرکزی سازمان گفته میشود که با وجود ضربه سختی که به سازمان وارد شد سازمان نه تنها نتوانست جسد دای صوف خود را جمع کند بلکه اکنون بتعداد اعضا سازمان نیز ۲۰٪ افزود شده است. ترکیب اجتماعی سازمان بهنگام افتتاح کنفرانس عبارت بود از: دانشجویان طبقات مختلف ۷۰٪، کارگران ۳۷٪، پیشه وران ۱۷٪، متفرقه ۴٪.

در قفسه نامه کنفرانس تکلیفی خاص روی لزوم تربیت جوانان، مبارزه با هرگونه دست بندی و بالا بردن انضباط در صفوف سازمان شده بود (رجوع شود به شماره های ۸۱ و ۸۲ روزنامه " مردم ").

بد بطریق حزب تند روچ ضربه ی وارد و راتریم میکرد. مخالفان حزب نیز به این موضوع توجه داشتند. مثلا موسوی زاده که یکی از رهبران حزب دمکرات ایران و وزیر اد کستری کابینه قوام بود، هنگامیکه در روزنامه " راستگو " (مورخه ۳۰ آذر ۱۳۲۱ - ۲۱ آذر ۱۹۴۷) از لزوم جلوگیری از تلافی حزب دمکرات ایران صحبت میکند متذکر میگردد که:

" حزب توده می ایران تابحال چندین بار کتک خورده است و بارها در محسوزب را بسته اند، مبارزین آنرا گرفته و زندانی کرده اند، عده ای را بر علیه آن شوراند تا ند و قوای مسلح ارتش را هم برای وارد آوردن فشار جلوی درهای آن گذاشته اند. ولی این حزب باز هم توانست موجودیت خود را کامکان محفوظ بدارد."

حزب توده ایران با اصلاح اشتباهات، جمع آوری نیروها و تحکیم سازمانهای خویش، خود را برای ادامه مبارزه علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم آماده میساخت.

پس از در هم شکستن جنبش آذریا جان فشار و ترور در آذریا جان بقیان غیر قابل تصویری بسط یافت. هزاران نفر منبوان شرکت در جنبش دمکراتیک تهران و پاینده ای شده و با نفی بلسد میگردد بدند. حد و مرزی برای رشوه و ارتشا وجود نداشت. اتهام زنی منظر ا ستفاد از شمشیر و سبها رواج یافته بود.

حزب توده ایران برای دفاع از حقوق مردم آذریا جان بسیار خاست. مطبوعات حزب به افشا پیگیر اقدامات جنا پنگارانه ی ماموران دوات برداختند. روزنامه " مردم " در شماره ۶۶ بتاريخ هفتم تیر ۱۹۴۱ وضع زندانیهای آذریا جان را چنین شرح میکرد:

" وضع زندانیهای آذریا جان بسیار رقت آراست. صد ها کارگر و زارع و روشنفکر بلا تکلیف در میان شپش ها غوطه میخورند. زنان آنها، فرزندان آنها ... متوازی و یاد رکوجه ها به تنگی مشغولند. برای ملاقات هر زندانی پتجاه بهال رشوه لازم است. اما همه کس استطاعت پرداخت این مبلغ را ندارد."

طبق اطلاع روزنامه " مردم " (۱۲ آذر ۱۳۲۱ - ۱۶ آذر ۱۹۴۷) در آذریا جان بنا بر آسار رسمی ۷۶۰ نفر اعدام شده بودند. کمیسیون محرمانه ی ویژه ای برای تعیین عناصر " ناصالح " به نقاط در دست جنوب تشکیل شده بود. مطبوعات حزبی این توطئه را برملا ساختند. در روزنامه " مردم " شماره ۶۸ - ۲۰ فروردین ۱۳۲۱ نیز عنوان " پلک بخشنامه ی محرمانه از دفتر نخست وزیر " راجع به " مهاجرین شمال " با ذکر شماره و تاریخ بخشنامه گفته میشود:

" شماره ی این بخشنامه ی محرمانه به وزارتخانه ها ۱۶۵۱۷ من ۴۸۸۵۲ بتاريخ ۲۹ آذر ۱۳۲۵ مییاشد. ماقبالا خیردادیم که شورای شهرستان تبریز تصویب کرده بود که عده ای را بنا به مهاجر به شهرستانهای جنوبی ایران تبعید کنند. اکنون خیر مکمل به ارسید است مبنی بر اینکه طبق تصمیم منطقی کمیسیون منعقد در دفتر نخست وزیر در ۲۱ آفرورد ۱۳۲۵ عده ای از مهاجرین شمالی به شهرستانهای بزرگ، گلبان و کرمان اعزام میشوند."

بجزه سرطاله ی مردم " شماره ی ۱۱۳ مورخه ۶ مهر ۱۳۲۱ - ۲۹ آذر ۱۹۴۷ تحت عنوان " کاروان اسیران " انعکاس وسیعی یافت. در این شماره برده از روی خبر مسافرت فرماندهان نظامی تهران به خرم آباد بنظر " جابجا کردن " مهاجرین آذریا جان " که بنابه اطلاعیه ی فرماندهان نظامی

عدی آنها بالغ به ۷۰۰ نفر بوده است بر داشته میشود. روزنامه‌ی "مردم" منبسط:

"هفته‌ی گذشته روزنامه‌های تهران خبر دادند که آقای سرتیپ ظفری فرماندار نظامی تهران مسافرت فوق‌العاده‌ای به خرم‌آباد نموده‌اند و منظور از این مسافرت ترتیب دادن مسائل زندگی و اسکان عدی‌ای از مردم آذربایجان است که آنها را بعنوان مهاجر از محل سکونت خود کوچ داده‌اند و به اردوهای که از طرف ارتش برایشان فراهم گردیده است اعزام داشته‌اند. ضمن مصاحبه سرتیپ ظفری گفت که در اردوگاه‌های زیراکتون قریب ۷۰۰ نفر از مهاجرین بیکارگی شامل زن و مرد میباشند سکونت دارند. اکنون در شمال و غرب آذربایجان بازهم مشغول جمع‌آوری مهاجرین هستند و مرکز تجمع آنها عجلانزجان است که پس از آن‌ها رانیز به اردوگاه‌های خرم‌آباد انتقال دهند. اخبار موشقی که ما شنیده‌ایم حاکی است که عدی‌ای این افراد ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر ۱۷ هزار نفر است. بین آنها عدی‌های کثیری زنان و دختران هستند. حتی در ایستگاه‌ها بسیار نسبت به معنی آزار آنها تعد تجاوز شده است. روزنامه‌ی اطلاعات میگوید که اینها اشخاص بی‌بضاعتی هستند که قادر به تأمین خود نمیشوند و حال آنکه سپهبد شاه‌بخش ضمن مصاحبه با مجریو نمردان گفت: اینها کسانی هستند که در آذربایجان امنیت عمومی را دچار اختلال نموده و روابط ایران را با همسایگی شمالی ما اتحاد شوروی تیره ساخته‌اند."

بناسبت این سرفقاله روزنامه‌ی "مردم" توجیه شد:

بره فعالیت حزب در رقابله با اقدامات امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا نیز بروز افزوده میشود. کارزار وسیع تبلیغاتی حزب علیه دخالت‌های جریح‌آلین امپریالیسم امریکا، علیه وام‌های اسارت آمریکا به ایران، علیه انعقاد قرارداد‌های نظامی، علیه نقشی ۷ سالگی تحمیل شده از طرف امریکا و غیره برای نیروهای ضد امپریالیستی ماهیت تجهیزکننده داشت. تحکم هرچه بیشتر صفوف و بهبود وضع داخلی حزب امکان مبارزه با ارتجاع را سهلتر میساخت و بهمین دلیل ارتجاع و امپریالیسم توجه زیادی به انعقاد حزب از داخل داشتند و امیدواری آنها به امپریالیسم داخل حزب بود. این امپریالیسم که از نظر ایدئولوژیک اکنون در پیکر شکست خورده بود هنوز مواضعی را در دست داشت: اکثریت کمیته‌ی ایالتی تهران و برخی از مواضع کلیدی در پیکر امپریالیسم و در رأس آن خلیف ملکی تصمیم گرفتند تا موقعی که این مواضع از دست نرفته است دست به انشعاب بزنند تا بتوانند نیروی هرچه بیشتری را بخود بپیوند.

۴) انشعاب در حزب توده ایران

انشعاب یکی از مهم‌ترین رویداد‌های زندگی حزب توده ایران است. این انشعاب مانسی سازمانی، وحدت و یکپارچگی حزب را که در شرایط حمله همه‌جانبه‌ی ارتجاع برای حزب جنبه‌ی حیاتی داشت زیر ضربه قرار میداد. پرچم‌دار انشعاب ذلیل ملکی بود. در بدو امر ذلیل ملکی بعنوان خیرخواه حسیزب،

شخصی که مایل است از راه انتقاد به حزب کمک کند به فعالیت خود در حزب آغاز نمود. وی درگذشته جز ۵۳ نفر کمونیست بود که به‌همراه دکتر آرائی محاکمه شدند. پس از خروج از زندان از تشکیل حزب توده ایران وی خود را کنار نگذاشت و تنها در آستانه‌ی نخستین کنگره وارد حزب شد. ولی بنسب سابقه‌ی که داشت در همان کنگره به عضویت کمیسیون تقنین انتخاب گردید. از راه انتقاد بر شخصی نارسیانها که زاید می‌رشد سریع حزب بود وی توانست عدی‌ای از اعضا جوان حزب را که مایل به رفع نواقص حزب بود ند بسوی خود جلب کند. بنا به چنین سابقه‌ی ای بود که وی پس از شکست ۲۱ آذر ۱۳۲۵ به عضویت هیئت اجراییه‌ی موقت درآمد.

پس از ورود برهبری حزب، ذلیل ملکی دست بکار متحد ساختن گروه‌های مختلف امپریالیست از قبیل "آواگارد پست‌ها"، باصطلاح "اصلاح طلبان"، سازمان تصفیه حزب توده ایران (۴) و غیره میشود. با تشکیل امپریالیسم واحد انشعابگران می‌کوشند از سردرگمی موجود برای بدست آوردن مواضع کلیدی در داخل حزب استفاده کنند. بودن ذلیل ملکی در هیئت اجراییه‌ی موقت و وجود دتراکسیون به این کار کمک میکند.

نخستین "پیروزی" خود را انشعابگران در سومین کنفرانس ایالتی تهران بدست می‌آورند. این کنفرانس در محیط دیکراسی وسیع روح حزبی برقرار شد و بسیاری از عیوب گذشته مورد انتقاد قرار گرفت. با استفاده از این وضع و یادداشتن یک فرانسیون مشکل مخفی انشعابگران موفق شدند اکثریت کمیته‌ی ایالتی جدید را بدست آورند. ۱۷ نفر از طرفداران خود را بعنوان نماینده برای کنگره‌ی دوم حزب برگزیدند.

این "موفقیت" به انشعابگران پر وبال داد و باید اینکه در کنگره‌ی حزب نیز خواهند توانست بهمین طریق اکثریت لازم را بدست آورند بلافاصله پس از کنفرانس ایالتی تهران هیئت اجراییه را برای تشکیل کنگره‌ی دوم تحت فشار قرار دادند.

جریان کنفرانس ایالتی تهران برای هیئت اجراییه‌ی موقت هشدار باشی بود. روشن شد که نرمش هیئت اجراییه‌ی موقت و کوشش رهبری برای تخفیف مبارزتی درون حزبی از جانب امپریالیسم نحو دیگری تعبیر شده است و آنرا بحساب ضعف رهبری گذارده‌اند. اکنون می‌بایستی نه تنها از نظر ایدئولوژی بلکه از نظر سازمانی نیز این امپریالیسم در هم شکسته شود.

آنچه که از نظر ایدئولوژی شکست امپریالیسم را تا مینمود انشعاب جزوات توضیحی، نشریه‌ی هفته‌ی بویژه جلسات بحث و انتقاد بود که از طرف هیئت اجراییه‌ی موقت تشکیل داده شد و قبلا بنسب آن اشاره شده است. در این جلسات به بیان بیان اعضا حزب که در آن شرکت می‌جستند سمای امپریالیسم، ضد حزبی بودن این جریان و اینکه این جریان با معارف چه کسانی خدمت می‌کند نشان داده میشد و جلسات بحث و انتقاد نتیجه مثبت خود را بخشید.

اکنون موقع تعرض به مواضع سازمانی امپریالیسم فرارسیده بود. طبق اطلاع هیئت اجراییه‌ی موقت، امپریالیسم در داخل حزب دست به فعالیت نهانی زد بود. در پائیز ۱۳۲۶ کمیسیونی مرکب از سه نفر اعضا هیئت اجراییه‌ی موقت برای رسیدگی به فعالیت نهانی‌ی زد بود. در پائیز ۱۳۲۶ کمیسیونی مرکب در همان بدو امر در لابل محکمی از فعالیت زیرزمینی "اصلاح طلبان" بدست آمد. امپریالیسم در صد در صد برآمد به روحی که هست مانع کار کمیسیون بشود. بنا بناتصمیم امپریالیسم ذلیل ملکی در جلسه‌ی وسیع کمیسیون تقنین ایالتی با استفاده از اکثریتی که امپریالیسم بدست آورده بود با ذکر ظاهری علیه عدی‌ای از اعضا هیئت اجراییه‌ی موقت کوشید در هیئت اجراییه تفرقه ایجاد کند و اظهار داشت که تنها هنگامی به فعالیت خود در هیئت اجراییه‌ی موقت ادامه خواهد داد که کمیسیونی مرکب از افراد مورد قبول وی هر مطلبی که خواهد گفت رسیدگی نماید. تقاضای وی مورد قبول واقع شد. کوشش وی در کمیسیون مشکلسه

برای اثبات "رویه غیرحزبی" برخی از اعضا "هیئت اجرائیهی موقت بی نتیجه ماند".
 تشدید موقفیت آمیز مبارزه علیه انشعاب و روش محکم هیئت اجرائیهی موقت انشعابپسوان را
 وادار به تسریع عمل خود نمود. ذلیل ملکی پس از بیرون رفتن از هیئت اجرائیهی موقت علناً در جلسات
 بحث و انتقاد وارد عمل شد تا شاید بتواند با توجیهی خود تا "شیرمشی بنفع انشعابپسوان بماند". ولسی
 بحث و انتقاد چند ماهه اکنون دیگر انترخود را بخشیده بود. ضد حزبی بودن نظریات اپوزیسیون برای
 شرکت کنندگان در این جلسات روشن بود و هیچ اثریته ای نمیتوانست اثر داشته باشد.
 اپوزیسیون پس از آنکه آخرین امکان خود را از دست رفته دید تلاش خود را در جهت تشکیل
 هرچه زودتر کنگره حزب تشدید نمود تا شاید بنحوی بتواند اکثریت کمیتهی مرکزی آینده را بدست آورد.
 ولی در جلسه ای که هیئت اجرائیهی موقت از نمایندگان حاضر در تهران کنگره تشکیل داد همهی نمایندگان
 گان (بااستثنا دوفتر) را می به تا "خبردعوت کنگره دادند".

باز دست رفتن این امکان و دیدن اینکه زمان بنفع آنها کار نمیکند انشعابپسوان به آخر رسیده
 تصمیم خود دست زدند. روز یکشنبه ۱۳ آذر ۱۳۲۶ (۱۹۴۸) نخستین اعلامیهی انشعابپسوان
 د اثر به انشعاب از حزب انتشار یافت.

اعلامیه دارای امضا "ذلیل ملکی عضو هیئت اجرائیهی موقت و یازده نفر از اعضا" کمیتهی
 اپالیتی تهران، هیئت تحریریهی ارگان مرکزی حزب و نمایندگان کنگره بود که هر یک از آنها، بمنظور تاثیر
 بیشتر، سمت های حزبی خود را نیز بران قرار دادند.
 در همانروز اعلامیهی دیگری و پس از دو روز جزوهی ۵۹ صفحه ای تحت عنوان "د روش در
 راه پلک هدف" منتشر شد. در این جزوه کوشش بعمل آمده بود که موضع سیاسی انشعاب روشن شود.
 در آغاز این جزوه، حزب توده ایران عواطفیانه بمنحون حزبی توصیف شده است که:

"تجسم مترقی ترین نهضت اجتماعی تاریخ ایران بود. است و بهمین مناسبت امید
 زحمتکشان ایران بشمار میرود و در ضمن افتخارات و پیروزیهای بزرگ خود توانایی
 و جنبه های منفی نیز داشته است."

این جزوه پاسخی است به جزوهی "تحلیلی از اوضاع حزب" که تحت عنوان "نخستین نشریه"
 دبیرخانهی هیئت اجرائیهی موقت حزب توده ایران، منتشر شد و متضمن تحلیل عمیقی و منطقی وضع حزب
 و انتقاد از نظریات نامرستی است که در آن وجود داشته.
 در جزوهی "د روش برای پلک هدف" رهبری حزب به سه دسته تقسیم شده است:

اپوزیسیون های راست که مایل به سازش با محافل راست هستند،
 اپوزیسیون های چپ که تمام مواضع کلیدی حزب را در دست دارند،
 طرفداران اصلاحات که مایلند حزب بدل به حزبی "جدی و پیشرو" گردد.

علاوه بر آن از جملهی اصلاح طلبان گروهی نیز بمنحون "تلفیقین" ذکر شده است که در
 انتقاد نسبت گذشتگی حزب بگیر نیستند.

منظر از "تلفیقین" آنهاست بودند که در همین انتقاد از توانایی گذشته از مواضع ذلیل ملکی نه
 تنها دوری جستند بلکه پس از روشن شدن مواضع با شدت با آن مبارزه نمودند و حال آنکه ذلیل ملکی به
 پشتپان آنها که دارای نفوذ قابل ملاحظه ای میان روشنفکران بودند امید وارد.

مهمترین عامل تسریع انشعاب از طرف اپوزیسیون تصمیم کمیتهی مرکزی به تاخیر دعوت کنگره
 بود. هیئت اجرائیهی موقت معتقد بود که وقتی میتوان کنگره را دعوت نمود که در نتیجهی بحث درون حزبی

موضع هر دو طرف برای اعضا "حزب کاملاً روشن شده باشد".
 فردای انشعاب اعلامیهی هیئت اجرائیهی موقت در این باره انتشار یافت. زیرا اعلامیه را
 همهی اعضا "هیئت اجرائیهی موقت شورای ذلیل ملکی امضا" کرده بودند که خود علامت وحدت در داخل
 رهبری بود.

همانروز (دوشنبه ۱۴ آذر ۱۳۲۶) جلسه ای از نمایندگان تشکیل یافت که در آن هیئت
 اجرائیهی موقت در بارهی انشعاب گزارش داد. در این گزارش موضوع انشعاب و تاریخچهی آن
 که موجب آن شده و بتفصیل تشریح شده و از جمله گفته شده بود:

"هیئت اجرائیه طبق نامه رسمی یکماه پیش از این اشخاص و رفقای دیکر منتخب
 ۰۰۰ کنفرانس اپالیتی تهران خواهش کرد که تزه و نظریات خود را بنویسند و
 نقشه های اصلاحی خود را بطور مشخص بگویند. آنها کوچکترین پاسخی باین نامه ی
 هیئت اجرائیه ندادند."

۰۰۰ آنها انشعاب میکنند و حزب را میخواهند تجزیه کنند چرا؟ چه موقع در یک
 حزب باید انشعاب رخ دهد. آنچه که حزب از طریق اصولی خود منحرف شده بود
 جادهی اپوزیسیون افتاد، آنچه که اختلاف نظریات اصولی در حزب پدید آمد
 است و هیچگونه امیدی به اصلاح آن نیست. آیا در حزب چنین وضعی حکمفرماست؟
 ۰۰۰ ریشه های این انشعاب از خیلی پیش بوسیلهی این آقایان فراهم شده
 بود. جلسات مخفی مرتب، حملات دسته جمعی از روی نقشه و انتشار شمارهای
 پکنواخت مقدمات این انشعاب بود. هدف این بود که با پخش انواع اخبار دروغ
 و عوامفریبی ها حتی المقدور توده های بیشتری را همراه بکشند. هدف این بود که
 حزب را مراد چارتر فرقهی جدی سازند. ولی عمل آنها بیفایده و حزب ما مستحکام خود
 را در مقابل این تبلیغات نشان داد و مبلغین را شناخت و امروز باعث فخر ماست که
 عدوی انشعاب کنندگان انگشت شمارند."

هیئت اجرائیهی موقت این نکته را نیز در نظر گرفت که ممکن است برخی از اعضا "حزب پس از
 درک اینکه از طرف انشعابپسوان گمراه شده اند خواسته باشند اشتباه خود را ترمیم کنند. لذا برای این
 افراد مهلت پنج روزه برای برگشت به حزب قائل شد."

در واقع هم عدوی از اعضا "حزب از انشعابپسوان روگردانند، ولی انشعاب هنوز ریشه
 کن نشده بود. هیئت اجرائیهی موقت در سیزدهمین جلسهی مورخه ۲۳ آذر ۱۳۲۶ خود تصمیم
 گرفت موضوع ماهیت انشعاب را با امضا "حزب مشخصتر در میان بگذارد. ریزنامهی مردم در شماره ۲۵۰
 مورخ ۲۳ آذر ۱۳۲۶ خود موضوع را چنین تشریح میکند:

"بر طبق اطلاع مسلم و قضاوت بدون تردید هیئت اجرائیهی موقت انشعاب نتیجه ای
 توطئهی مدتی است که در عرض یکسال اخیر در حزب وجود داشته، با انتشار کتاب
 "چه باید کرد" آغاز شده و با انتشار کتاب "حزب توده ایران سرد راه" بحرجملی
 جدی تر و عملی تر خود وارد گردیده و با انشعاب خاتمه یافته است. این عمل به
 کارگردانی ذلیل ملکی و اعضا "کمسیون مخفی" آوارنگار دست انجام گرفته،
 هدف آن منفر کردن حزب از داخل و ایجاد پلک سازمان عوامفریبی با اصطلاح
 "سوسیالیست و مترقی" است. ۰۰۰"

این انشعاب مربوط به فعالیت مخفی صومخه امیرالایم در داخل حزب مایه که با کلبه‌ی وسایل مستقیم و غیر مستقیم خود ماهرانه عمل کرده ، از کلبه‌ی انحرافات فکری و خود پسند بها و تنگ نظری ها استفاده کرده است . بنابراین عمل انشعاب مجلسی است خائنه و بقصد خیانت انجام گرفته است و افرادی که در این عمل شرکت داشته اند بعضی دانسته و بعضی ندانسته به سازمان حزبی خود ورای و روش آن خیانت کرده اند .*

در تحلیل هیئت اجرایی نیز به موضوع فعالیت نهائی امیرالایم که کوشید است از هرگونه انحرافی ، از تالیفات شخصی ، خود خواهیها ، جاه طلبیها و کینه بینیها افراد بمنظور تاملی حزب از داخل استفاده کند ، اشاره شده و عمل آنهاست که عالما به این کارتن در داده اند بعنوان خیانت ارزیابی شده و اخراج آنهاست که بیانه‌ی انشعاب را ماضی نموده و ابراز پشیمانی نکرده اند اعلام گشته است (خلیل ملکی بدین برگشت) .

انشعاب چون در جزوه‌ی خود کوشید ، بود تدبیر خود و جزوه‌ی "چه باید کرد" در کتاب هم مرتبندی نمایند . این دو روش را در زمینه "مردم افشا" میکند و نامه‌ی آنرا که چند روز پیش از انشعاب دکتر ابریم به هیئت اجرایی موقت نوشته بود ، است شاهد می‌آورد که در آن دکتر ابریم بگانه راه خروج از تنگنا را بدست آوردن اعتماد اصلاح طلبان نسبت به سیاست داخلی حزب دانسته است و می‌نویسد که چه خوب می‌بود که هر چه زود تر چند تن از این رقبا به هیئت اجرایی موقت برگماشته شوند .

روزنامه "مردم" با استدلال ثابت میکند که انشعاب از مدتی پیش آماده میشد است . مثلا از جلسه جزوه ای که نه تنها از نظر نگارش بلکه از نظر فنی کمتر از ده روز نمیتوانست آماده شود پس از دو روز انتشار یافته بود .

عکس العملی که توده های حزبی در مورد انشعاب از خود نشان داد بدترین علامت سطح بالای آگاهی و رشد آنها بود . انشعاب تا "شیرشدن" آنرا که ای بخشید . حتی موضعگیری سازمانهای نظیر دانشگاه تهران نشان داد که تاچه اندازه حساب انشعابین که هرانتقاد کننده ای را بحساب رزوه خود میگذارد اند غلط بوده است . مشاهده می‌شود که در این انشعابین موجب وحدت بیشتر اعضا حزب شد . در همان نخستین روزهای انشعاب هیئت اجرایی موقت بمنظور آگاهی از تالیفات اعضا حزب در سازمان حزبی تهران اقدام به رفتارند نمود . در این رفتارند ۹۸٪ اعضا حزب به رهبری ابراز اعتماد کردند . نمایندگان سومین کنفرانس اپالنی تهران نیز انشعاب را محکوم کردند و افرادی که در این انشعاب سابقه اعتماد آنها را برآورد نکرده بودند انتخاب کسردند . انشعاب از طرف سازمانهای توده ای از قبیل شورای متحد هی مرکزی اتحاد پهی کارگران و زحمتکشان ایران ، سازمان جوانان ، سازمان زنان و دیگر سازمانهای توده ای و مطبوعات دمکراتیک همساز محکوم گردید .

چنین عکس العمل هماهنگی از طرف بدنه‌ی حزب و نیروهای دمکراتیک برای انشعابین که میکوشیدند سیاست خود را پنهان کنند غیرمنتظر بود . اکنون تنها یک راه باقی مانده بود : خروج از محرمه بنحوی که بتوان در ظاهر آبرویی برای خود حفظ کرد . دوم بهمن ۱۳۲۱ (۲۳ آذر ۱۹۴۸) اعلامیه‌ی جدی بی‌مبنی بر انحراف از تشکیل "جمعیت سوسیالیست توده ایران" تحت عنوان "اعلامیه در باره‌ی انتشارات بی‌پایه‌ی چند روز اخیر" انتشار یافت که در آن گفته شده بود :

"عده‌ی معدودی از رهبران حزب توده که زمینه‌ی بی‌اندازه مساعدی بسرا ی پیشرفت جمعیت سوسیالیست توده ، پیش‌بینی نمودند از روی لجبابت و عناد ناشی

از خود خواهی و ابراد تمهت و افترا میخواستند ما را از مبارزه با حزب و بسا رهبران حزب (۴) نمایند . بد لایلی که در اعلامیه ذکر شده و برای اجتناب از مبارزه که موجب تضعیف نهیست میشود مطابق پیشنهاد آقای خلیل ملکی و تصویب آن از طرف فعالین از تشکیل "جمعیت سوسیالیست توده ایران" انصراف حاصل شد . ما تمام آزاد بخوان و کسانی را که به ما پیوستند و باد رشرف پیوستن بویستند دعوت مینمائیم که در حزب توده‌ی ایران حلقه زنند و از هر نوع تشقت و اختلاف صرف نظر و جلوگیری نموده و مبارزه‌ی پرافتخار حزب را کاملتر از گذشته ادامه دهند ."

این اعلامیه بعنوان "فوق العاده قیام شرق" در تاریخ دوم بهمن ۱۳۲۱ نشر یافت .

در پاسخ به این اعلامیه با ماضی "سی و چند نفر رسیده و تذکره داده شده بود که اعلامیه از طرف ۱۰۰ نفر از درها خوانده و ماضی شده است ."

انتشار این اعلامیه اعتراف ابریمین به شکست در مبارزه‌ی سرخستی بود که طی یک سال لرحزب و نیروهای دمکراتیک را بسوی خود جلب کرده بود . اینکه تاچه اندازه انشعابین در اظهارات غیر خود هم صدق بود تدبیر فعالیت بعدی آنها بدست . اگر در آغاز امر انشعابین ظاهرا تنها باهان تجدید نظر در سیاست سازمانی حزب بود . در باره‌ی تجدید نظر در مواضع شیوکی حزب شرایط را مراعات میکردند ، بعد ها نشان داده شده که پلا تفرم اساسی آنها تجدید نظر در مواضع شیوکی حزب بوده است .

مطالعه‌ی دقیق فعالیت ابریمین در دوران های مختلف از کنگری اول حزب و نطق پسر یرو "انقلابی" خلیل ملکی گرفته تا سیاست تسلیم طلبانه‌ی پس از توافق آذربایجان بهترین نمونه‌ی سیاست روینویستی است .

در جزوه ای که در بحبوحه‌ی مبارزه با ابریمین از طرف رهبری حزب تحت عنوان "راه حزب ایران" انتشار یافت نمونه‌ی هر چه ای از سیاست ابریمینستی ابریمین و هرنگ شدن با بان آورده شده است . در این جزوه نشان داده میشود که چگونه بهنگام اوج جنبش ، شرکت حزب دمکوت قوام از طرف دکتر ابریم و هواداران بنحون در آن برجسته‌ی نهم بد فعالیت حزب پای شده و چگونه پس از ناکامی جنبش همین عمل حزب بود نکوهش قرار میگیرد ، چه توصیفی از بران حزب در آن موقع میشد و چه لجن مالی ای اکنون میشود .*

حزب توده ایران بموقع صفوف خود را از این جریان پاک کرد و پس از صحو عواقب انشعاب عمدا به صحت راه خود بسوی تشکیل کنگری دوم حزب گام برداشت .

این مطلب اشاره است به مقاله‌ی "جلال آل احمد در مجلسی شیوکی حزب" مردم "در باره" پیگردانی رهبران حزبی نوشته است .

قطعه‌نامه‌ی مربوط به فعالیت گذ شته‌ی حزب دارای اهمیت خاصی است. در این قطعه‌نامه فعالیت گذ شته‌ی حزب مورد تأیید ولی همراه با برخی انتقادات است. در ارزیابی از فعالیت گذ شته‌ی حزب به مبارزه‌ی حزب علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی توجه خاص شده است. قطعه‌نامه، سیاست و ولت‌ها را که ما بریم منافع واقعی ایران همواره متوجه حفظ منافع ایران با- ایسم و تیره کردن روابط با کشورهای صلح دوست و آزاد بخواه بود است محکوم می‌سازد. قطعه‌نامه برای مبارزه‌ی پیگیرانه و بدون تزلزل فراقسبون حزب توده ایران و کوشش‌های این فراقسبون در راه توجید نیروهای دمکراتیک در داخل مجلس علیه دولت‌های ارتجاعی ارتش بزرگی قائل شده است. در قطعه‌نامه گفته شده است که فراقسبون حزب در مجلس وظایفی را که بمحمد اش گذاشته شده بود، با سر بلند ی انجام داد و از تریبون مجلس برای آگاهی و بیداری مردم ایران بنحو شایسته ای استفاده کرد.

در مورد جنبش آذربایجان در قطعه‌نامه یکبار دیگر تأکید شده است که این جنبش جنبشی ملی متکی به کارگران، دهقانان، پیشه‌وران بوده و پشتیبانی حزب از خواسته‌های مردم آذربایجان و اعتراض به اقدامات غیرقانونی دولت در آن زمان ۱۳۲۵ بجا و مبرور بوده است.

کنگره در قطعه‌نامه‌ی خود تأکید حزب را در مورد شرکت در حکومت قوام تأکید صحیح و مسرود دانسته و متذکر شده است که این شرکت بمنظور تسلط نفوذ حزب بوده و نتایج مفید داشته است و بنا بر این کار «فرز» حزب خالی از نواقص نبوده است آنها به وظایف محوله وفادار ماندند.

در مورد اختلاف با سایر احزاب در قطعه‌نامه گفته شده است که این تأکید بطور کلی درست بوده گو اینکه سیر سریع‌الطایع با نیاز آن شده است که بتوان نتیجه‌ی مثبت و لازم از آن گرفت. بکار بردن این سیاست را از طرف حزب در راهز اپورتونیسیم و سازشکاری دانست و در آینده هم با یستی حزب در مبارزه خود از ائتلاف با همی نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتور ی استفاده کند مشروط بر اینکه همواره نقشی از پیش آماده و مشخص داشته باشد.

قطعه‌نامه مبارزه‌ی دستگیرانه‌ی پروگراک حزب پس از شکست آذربایجان برای تسلط و تحکیم سازمان‌های خود انجام داده است مثبت ارزیابی کرد و تصمیمی را که در باره‌ی تشکیل هیئت اجرایی موقت گرفته شده است، ولو با موارد اساسنامه هم تطبیق نداشته، درست دانسته است.

بحوالات جنبه‌های مثبت کار گذشته، کنگره جنبه‌های منفی آن را نیز نادیده نگذاشته و مورد انتقاد قرار داده است. این جنبه‌های منفی عبارتند از ضعف کار سازمانی، فقدان نقشه‌ی مشخصی در کار و مستی انضباط، رشد سریع حزب با امکانات رهبری آن تطبیق نمی‌نمود و این خود باعث پیدایش جریان خود بخودی در کار بوده است.

در مورد همکاری با قوام، با اینکه سیاست حزب درست بوده است، رهبری حزب در اعتماد به وی زیاد و روی کرده و هشجاری لازم را به بنمندی که می‌بایستی بهنگام آج خود را آماده‌ی بحران ممکن بنماید بخرج نداده است.

کنگره متذکر می‌شود با آنکه اکثر اشتباهات گذشته نتیجه‌ی فقدان تجربه‌ی لازم و جوانی حزب بوده است در آن لازم است زیرا رهبری حزب نباید از انتقاد و تذکرات اشتباهات خود بپرامد و نباید به آسوده‌خاطری راه بدهد.

در قطعه‌نامه‌ی مربوط به انشعاب، ارزیابی هیئت اجرایی موقت از انشعاب تأیید شده و انشعاب بعنوان خیانت تلقی می‌شود و گاه اقدامات سازمانی هیئت اجرایی موقت در مورد انشعاب یون مورد تأیید قرار گرفته است.

کنگره قطعه‌نامه ای هم در باره‌ی «کروئیکست‌ها» تصویب نموده در آن «کروئیکست ۱۸» را

از دومین کنگره حزب ایران تا پایان فعالیت علنی

ساعت ۱۹ روز یکشنبه پنجم اردیبهشت ۱۳۲۷ (۲۵ آوریل ۱۹۴۸) در سالن کلسوب مرکزی دوین کنگره‌ی حزب توده ایران افتتاح گردید. در کنگره ۱۱۸ نماینده پارلمانی قطعی ۵۰ نفر کمتر از عدد نمایندگان نخستین کنگره‌ی حزب حضور داشتند. درست است که در نتیجه‌ی شکست جنبش آذربایجان و کردستان و بحران داخلی حزب و کناره‌گیری عدد ای از افراد متزلزل و موقع‌شناس از عدد هیئت‌اعضا حزب کاسته شده بود ولی علت عدد می‌تواند عددی کمتر از این باشد. نمایندگان آذربایجان که در نخستین کنگره یک چهارم عدد را تشکیل می‌دادند، دانستند زیر پس از الحاق سازمان ایالتی حزب به فرقه‌ی دمکرات آذربایجان، حزب توده ایران خود در این استان دارای سازمانی نبود.

کنگره‌ی حزب توسط مسن‌ترین نماینده‌ی کنگره افتتاح گردید. پس از آنچه که گذشت طبیعی است که کنگره‌ی حزب توده ایران نمیتوانست در مرکز توجه دوست و دشمن قرار بگیرد. از نظر سازمانی حزب بحران ژرفی را گذرانده بود و لذا این سؤال برای ناظرین پیش می‌آمد که آیا حزب خواهد توانست خود را از عواقب این بحران برهاند؟ از نظر سیاسی حزب می‌بایستی بیک مسئله مسائلی که زندگی خود در مقابل آن قرار داده بود پاسخ دهد. مدت سه سال هفت ماه فاصله‌ی بین نخستین و دومین کنگره‌ی حزب سرشار از حوادث مهم سیاسی بود و می‌بایست موضعی که حزب در این حوادث اتخاذ کرده بود ارزیابی شده و بر اساس این ارزیابی فعالیت گذشته، روبرو آید هیئت‌طلسر ح برزی شود. مسائل زیر در دستور کنگره قرار داشت:

- ۱) گزارش عمومی هیئت اجرایی حاوی اوضاع بین‌المللی و داخلی ایران، وضع عموم حزب، چگونگی فعالیت فراقسبون حزب در هر چهار هم‌جلس، روش حزب نسبت به جنبش دمکراتیک آذربایجان، شرکت حزب در کابینه‌ی قوام و فعالیت هیئت اجرایی موقت.
- ۲) تغییر اساسنامه‌ی حزب.
- ۳) گزارش ویژه در باره‌ی انشعاب در حزب.
- ۴) تصویب قطعه‌نامه‌ها.

در این قطعه‌نامه‌ها که کمی مسائل مورد ابتلا حزب بررسی شده و تکلیف وظایف آیند هیئت حزب را روشن می‌ساخت.

یک عدّه پروکاتورها و دشمنان طبقه‌ی کارگر معرفی میکند.
 در کنگره اساسنامه‌ی جدید تصویب شد که طبق آن کمیته‌ی مرکزی حزب پلنوم هائی خواهد شد
 داشت که در آن اعضا* و اعضا* مشاور کمیته‌ی مرکزی شرکت خواهند داشت (را'ی اعضا* مشاور مشورتی
 است) - جلسات پلنوم طبق اساسنامه‌ی جدید میبایستی هر سه ماه یکبار تشکیل شود - پلنوم از میان
 خود هیئت اجرائیه*، دبیرکل و دو نفر دیگر (دبیر سیاسی و تشکیلاتی) انتخاب میکند - کمیسیون
 تفتیشی از داخل پلنوم انتخاب میشود.
 کنگره‌ی کمیته‌ی مرکزی مرکب از ۱۹ نفر انتخاب کرد.

کارکننده در محیط وحدت کامل انجام شد و در پایان قطعنامه‌ی نهائی تصویب رسیبند
 یاد رهم شکستن اشعاب و گذراندن موفقیت آمیز کنگره‌ی خود، حزب توده ایران امکان یافت
 با وحدت کامل صفوف خود به مرحله‌ی نوینی از مبارزه‌ی خود در راه آزادی خلق‌های ایران از ستم ارتجاع
 داخلی و امپریالیسم قدم بگذارد.

پس از کنگره‌ی دوم، حزب توانست سه ماه دیگر در شرایط غلبه‌ی فعالیت نماید - طی ایسین
 مدت کار نرمال حزبی جانشین محیط تشنج و بحثهای داخلی شد - بلافاصله پس از کنگره، نخستین
 پلنوم کمیته‌ی مرکزی دعوت شد و در این پلنوم هیئت اجرائیه‌ی دائمی مرکب از ۱۱ نفر انتخاب کرد بد که
 رهبری سازمانی و سیاسی حزب را بهین دو پلنوم عهده گرفت *

اماد می وضع عادی به حزب امکان داد تا فعالیت اید تلوویک و بپوزه فعالیت خود را در جنبه‌ی
 سیاسی کشور پیش از پیش توسعه بخشد - اکنون حزب توده‌ی ایران در ستار کشور یگانه حزبی بود
 که با سیاست خلقی و میهنی خود عرض وجود میکرد - حزب با مسئولیتی که در مقابل مردم احساس مینمود
 با پیروی از برنامه‌ی عمومی خود از هر چه امکان نسبی برای بدست آوردن حداقل مطالبات خود فروگذار
 نمیکرد و همواره دولت‌های وقت را در مقابل پیشنهادات خلقی خود قرار میداد - از آنجمله آنست
 پیشنهادات حزب توده‌ی ایران به دولت هنر*

در تابستان ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) دولت هنر جانشین کابینه‌ی حکمی شد - سیاهی هنر برای
 حزب روشن بود، با اینحال چون برنامه‌ی دولت جدید حاوی مواهید بسیاری در جنبه‌ی بهبود وضع
 مردم و اصلاح سیاست داخلی و خارجی دولت بود - حزب توده ایران روش خود را نسبت به دولت
 موکول به پذیرش یک رشته پیشنهادات حد اقلی کرد که از چهارچوب برنامه‌ی عرضه شده خارج نبود تا
 خود مسئله‌ی بزای نشان دادن حد اعتدالت و ولت باشد و از نراه بتوان سیاست عوام نرنامه‌ی دولت جدید
 را افشا کرد -

پیشنهادات ۱۲ ماده‌ی حزب عبارت بود از خواسته‌های اولیه در راه دمکراسی کرد نواقعی
 اوضاع کشور: لغو حکومت نظامی که برخلاف نص صریح قانون اساسی برقرار شده بود، آزادی افرادی
 که طی دو سال اخیر برخلاف قانون بازداشت شده بودند، تصویب آنچنان قانون کاری که جوابگویی
 احتیاجات مردم کارگران باشد، آزادی فعالیت اتحادیه‌ی ای و عدم دخالتی دولت در کار اتحادیه‌های
 کاری، اقدام برای حل مسئله‌ی بیکاری، عملی کردن تصویبنامه‌ی حکومت توام در مورد ۱۰٪ تقلیل سهم
 مالک و تنظیم روابط ارباب و رعیت، حفظ صنایع داخلی از رقابت خارجی از طریق وضع تعرفه‌ی هسای
 لازم گیری و غیره *

ولی هدف دولت و محافظان ارتجاعی و بپوزه دربار که پس از وقایع آذربایجان روز بروز نقش
 مسلط تری را بازی میکرد، برقراری مجدد دیکتاتوری با پشتیبانی امپریالیسم بود - بدیهی است در این
 شرایط پیشنهادها حزب تنها میتوانست نقش افشاگرانه و تجهیز کننده داشته باشد -
 اواسط تابستان ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) شاه به انگلستان سفر کرد - منظور از این سفر ظاهراً غیر

رسمی حه حوال اعتماد از پشتیبانی امپریالیسم از شاه و اقدامات ضد دمکراتیک وی بود - مذاکرات شاه
 در انگلستان مهمتین مسائل مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور را در بر میگرفت - روزنامه‌ی تریون
 د وناسپین در این باره نوشته بود:

* شاه ایران در روز در اعیان قصر پوکتینگام بسربرد - کسی او را در این دو روز ندید -
 کسی ندانست که پس آن در پورهای ضخیم چه میگذرد - تنها چیزی که دیده شد
 فراوانی ماشینهای بود که به آنجا رفت و آمد داشت - (از روزنامه‌ی "مردم" شماره
 مخصوص ۴۳) -

روزنامه‌ی کیهان نیز در صفحات خود این موضوع را که شرایط مساعدی برای تحکیم و تقویت
 موقعیت شاه وجود آمده و در مسافرت غیررسمی خود، شاه از انگلستان خواهد خواست که به تحکیم
 موقعیت وی کمک کند منعکس ساخت: (کیهان، سوم مرداد ۱۳۲۷ - ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۸) -

در واقع هم سیاست تسلط شاه و برگشت نسوی دیکتاتوری هر روز خود را به پیش نشان
 میداد - ارتجاع ایران که نتوانست بدین سرو صدای حزب توده ایران را از داخل منجر سازد دست به
 تهیه پروپاگانداهای آشکار زد - روزنامه‌ی "مردم" در مسافله‌ی ۲۵ فروردین ۱۳۲۷ خسوسود
 چنین نوشت :

"هیئت اجرائیه حزب توده ایران، در این موقعه نقطه تازه‌ای برای برجیدن ته
 بساط آزادی عملی میشود - لازم میدانند شمار از حقایق آگاه سازد و ندانی را نذکسر
 دهد - چنانکه بر همه کس معلوم است در دهفتمی اخیر بر طبق زمینه سازی‌های
 پیشین، در مراسم کشور اقداماتی برای خفتن کردن با ننگ آزاد پخواهی ملت صورت
 گرفته است و در زمان دران و گیلان و اصفهان به حبس و تبعید مدامی دست زده
 شده - اخبار گوناگون حکایت از این میکنند که این عملیات مقدمه‌ی عملیات وسیع
 تری است که برای ریشه کن کردن نهال آزادی در ایران انجام خواهد گرفت - در
 واقع از چند ماه پیش کمیته‌های متعدد در برای تهیه وسایل تبعید دست جمعی
 ده‌ای از هموطنان ماکه هیئت حاکمه آنها را با اصطلاح خود "مشکوک" تلقی می‌کند
 تشکیل شده بود و نیز چنانکه شایع است، با شرکت عدده‌ای از عمال بیگانه مجامع
 دیگری بمنظور تهیه صورت اشخاص "ناراحت" (۱) بوجود آمد و در این مجامع
 اساسی شرافتمند ترین و باارزشتین فرزندان مهنین مادر نظر گرفته شده است تنها
 برای توقیف و تبعید آنها اقدام شود - صحت این اخبار متواتر از خبرگزارانهای بیگانه
 نیز مکتوم نداشته اند و بنا بر اطلاع جراید تهران از هم اکنون خبرگزارانهای امریکائی
 وارد پوهای انگلیسی برخاستن موج سهگیتی از عملیات اختتاقی اورهیئت حاکمه را
 خبر داده اند - میتوان سکوت دستگاه حاکمه را در مقابل این اخبار متواتر لیسل
 موید می‌دگری دانست و بدین ترتیب و با ماطد ماتی که صلا آغاز شده تردید،
 در این نیست که هیئت حاکمه برضد امنیت بهترین عناصر جامعه ایرانی و بسرای
 مستتر ساختن حکومت مایشائی خود دست میبندد و در صد اقداماتی است
 - ملت ایران باید بداند که نقطه برضد حزب توده ایران و آزاد پخواهان پیشرو
 این سرزمین مقدمه‌ای برای تکمیل اختتاقی عمومی است - این نقطه فقط بسر ضد
 مجاهدین حزب ما چیده نشده بلکه هدف آن وسیع و عمومی است - هدف آن بر
 تزاری حکومت مطلق العنانی و سلب هرگونه استقلال و شخصیت از افراد ملت است -

ملت ایران در معرض این سالها که تا اندازه ای طعم شهین آزادی را چشید و از طرفی کابوس استبداد را هم در خاطر دارد میتواند به مهابت خطری ببرد. کسانی که ندای مبارخاموش میکنند میخواهند باین وسیله بتمام شرافتمندان این سرزمین که خواهان آزادی هستند، بتمام ایرانیانی که میخواهند تن به بندگی سپارند اخطار نمایند اطاعت کنید و الا با شما نیز همین معامله را میکنیم. ما بدینوسیله به آن عدو از نمایندگان مجلس، ارباب مطبوعات، رجال اجتماعی و هموطنانی که مایلند حق آزادی بیان برای آنها محفوظ بماند و زنجیر غلامی برگردان آنها گذاشته نشود اعلام میکنیم که در این "هدف مشترک" تمام عناصر شرافتمند با افراد حزب توده ایران هم آواز باشند.***

و نیز روزنامه "مردم" در مسافله ۲ شهریور ۱۳۲۷ خود در این باره چنین نوشته است:

"ما از سرنوشت خویش نمیترسیم - دیکتاتور نشان از سرنوشت خویش بیاید بنشنسد. سیل اسلحه‌های آمریکا سرازیر شده است و خاصیت این اسلحه این است که گلوله‌های آنها فقط برای کله‌ی روزنامه نویسا و سینه‌ی دکترا زده‌ی ها و پهلوی ذوالخیرها از لوله خارج میشود. ماکه قدم در راه مبارزه گذاشته ایم از زندگی گذشته ام قوتی نشان داد که اگر باد هان توپ و تفنگ هم با ما صحبت کنند در همان مارا بخوابانند بست. اما آن کسانی که جان خویش را بیشتر از تمام جهسان دوست دارند و میلیونها از افراد بشر را برای تأمین عشرت خویش در آتش قفسر و تنگ دستی مسوزند خصومت از سرنوشت دیکران پند بگیرند."

در شماره‌های بعدی "روزنامه" مردم و سپس روزنامه "بشر" (زیرا "مردم" چندین بار توقیف شد) تهیه‌ی یک سلسله اقدامات ترویجی علیه رهبران حزب و پروکاسیون‌های راعلیه حزب افشا نمودند.

حزب توده ایران همواره توطئه‌های مخالف در باری و دولت راعلیه آزادی و دیکراسی افشا میکند. بابتکار حزب توده ایران در تابستان ۱۳۲۷ "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتور" تشکیل شد. گویا اینکه عمر این جبهه طولانی نبود ولی از آنجا که توانست مدبران پکرشته از جبهه مختلف الصلک را در هر خود جمع کند نمایند می‌شد مقاومت در مقابل لجام کسبختگی ارتجاع بود. همین نکته موجب‌کنانی مخالف ارتجاعی و امپریالیستی بود. توجه اصلی ارتجاع معطوف به حزب توده ایران بود. محاسن ارتجاعی در صد دسپانه‌ای برای وارد نمودن ضربه‌ی قطعی به حزب توده ایران بود. و این سبانه را سو' قصبه شاه در ریز ۱۵ سپتامبر ۱۳۲۷ (۴ شهریور ۱۹۴۹) در دانشگاه بدست داد. شمساه اندک جراحی برداشت. فخرآزانی - سو' قصبه‌کننده درجا به قتل رسید. سو' قصبه به شاه نقطه‌ی عزیمت حمله‌ی عمومی نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم علیه حزب توده ایران و پان دادن به فعالیت است علنی آن شد.



مبارزه حزب و ارتجاع در شرایط غیر علنی علیه امپریالیسم

(۱) حاکم‌های حزب توده ایران

ارتجاع ایران طی هفت و اندی سال عمر حزب توده ایران همواره از هیچ اقدامی بسرای خنثی کردن فعالیت آن خودداری نکرد. ولی این اقدامات در هر مرحله‌ای در حد و میسر بود. در اوائل تشکیل حزب به پروکاسیونهای جد آگانه کتفا میشد. دلیل آنها ضعف و سردرگمی ارتجاع پس از سقوط رضا شاه بود. علاوه بر آن فعالیت ضد امپریالیستی حزب در دوران جنگ بطور عمدت متوسوچه امپریالیسم آلمان - آلمان هیتلری یعنی در جبهه‌ی مبارزه‌ی متفقین بود که دولت ایران هم پس از اعلام جنگ به آلمان تأسیس در آن زمره قرار داشت. این نکته تقویت ارتجاع ایران را از طرف امپریالیسم آمریکا و انگلیس محدود نمیداد.

با اینحال چنانکه دیدیم حتی در دوران جنگ و بیرون در اوایل آن حملات ارتجاع بتدریج جنبه‌ی همگانی بخود گرفت و بدو از جانب امپریالیسم انگلیس و سپس در آستانه‌ی حمله‌ی به آذربایجان از جانب هردو امپریالیسم (انگلیس و آمریکا) پشتیبانی میشد.

پس از درهم شکستن جنبش آذربایجان و کردن ستان تصمیم ارتجاع بدو باسرایین قرار گرفت که باشیوه‌های فاشیستی بدوین تثبیت به غیر قانونی نمودن و حفظ ظواهر دیکراسی فعالیت حزب افلیح سازند. ولی چنانکه دیدیم در این زمینه موفقیتی بدست نیامد. حزب مجدداً جان گرفته، نفوذ آن رو به تازید میرفت و حزب بدل به نیروی نگران‌کننده‌ای برای ارتجاع میشد. این نکته است که دیکتاتورهای رژیم فرقه‌هاگ وقت هم دوام پس از سو' قصبه به شاه در مجلس بروشنی به آن اعتراف کرد.

بنابراین ارتجاع با استفاده از سو' قصبه نسبت به شاه کوشید با تمام امکانات آبروی خود را از دست بدهد. ایران را زیر ضرب قرار دهد.

ریز سو' قصبه به شاه صادق باروز یاد شد. بود که حزب توده ایران همه ساله در ریز شهادت دیکتاتوری برگذار می‌نموده منتها برآستفاده از تعطیل در آن سال‌های ۱۴ بهمن متبستگی سنتی به ریز ۱۵ بهمن منتقل شده بود. سو' قصبه به شاه در ساعت ۱۵ ریز ۱۵ بهمن بموقع پیوست و لذا رهبری حزب و قسمت اعظم فعالین آن که جمعی دو روز را در متبستگی یاد بود بسر میبردند تنها پس از مراجعت از این باب به شهر از موضع باخبر شدند و فرصتی برای اقدامات احتیاطی نداشتند و اینگونه اقدامات را هم ضروری نمیدانستند، زیرا حزب دخالتی در این امر نداشت. لذا پلین موقع شد قسمت اعظم فعالین و نه نفر از ۱۹ نفر اعضا کمیته مرکزی را در یک موقع بازداشت نمودند.

برای اینکه بتوان تأحدی به این اقدام جنبه‌ی "قانونی" داد دولت تصمیمنامه ای دائر به غیرقانونی شناختن حزب تود به صادر نمود و این موضوع را به اطلاع مجلس رساند بدون اینکه بتصصوب مجلس برسد و اجنبیهی قانونی بخود بگرد.

مادام که همی این سرود اهامر بوط به سو^۱ قصد به شاه بود طبعی است که تعقیب و محاکمه هم میباشست متوجه کسانی باشد که مستقیماً در این عمل شرکت داشته اند. ولی محاکمهی همکاران سو^۲ کندند و آنهائی که وی را از جهت اسلمحه تا^۳ مین کرده بود جنبه فرعی بخود گرفت. بعنوان متهمین در جبهی اول رهبران و اعضا^۴ حزب تحت تعقیب قرار گرفتند و محاکمهی آنها طبق ماد می در پگری زقا^۵ بین - مطابق قانون ضد کمونیستی ۱۰ خرداد ۱۳۱۰ آغاز کرد. بموازات آغاز محاکمهی اعضا^۶ حزب تود می ایران قانونی از مجلس د اثر بتوثیق اموال حزابی که مشمول قانون ضد کمونیستی شد ه اند گذراند ه شد تا تصرف اموال حزب تود ه ایران جنبه^۷ "قانونی" به خود بگرد.

فرد ای روز سو^۸ قصد در تهران و سپس در ولایات حکومت نظامی اعلام شد ، تفتیش منازل مظنونین بمخوابت در حزب تود می ایران و تعقیب آنان در سراسر کشور آغاز شد. چندین صد نفر از فعالین و اعضا^۹ حزب در همان روزهای اول بازداشت شد. علاوه بران انفرادی دارای افکار مترقی نیز از ادارات دولتی اخراج میشدند.

برای اینکه عمل غیرقانونی محاکمهی حزب بدین سرود اجرا^{۱۰} شود محاکمهی متهمین به حزب تود می ایران به دادگاه های نظامی محول گردید. از آنجا که هیچگونه مدرکی در مورد شرکت حزب در سو^{۱۱} قصد نسبت بشاه وجود نداشت این محاکم مجبور بودند به فعالیت گذشتگی^{۱۲} بسیدگی کنند و حال آنکه حزب طی مدت فعالیت خود قانونی و لگال بود ، در مجلس وکیل و وکیل^{۱۳} ویر داشت و از جمله متهمین یکی از ورا^{۱۴} حزب بود که میباشست طبق قانون ویژه ی محاکمهی ورا^{۱۵} ، به حق محاکمه شود.

متهمین وکلای آنان این قانون شکنی هارامندگرددند و در مقابل این اعتراضات دادستان مجبور بود به بهانه های مضحکی از قبیل اینکه دادگاه به کارهایی رسیدگی میکند که متهم قسلس از اشتغال به وزارت مرتکب شده و آنچه که مربوط به دوران شرکت در حکومت است بخود می خود معلوم است و غیره متنبست شود.

بمناسبت کثرت عد می متهمین دادگاه های متعدد دی برای رسیدگی به کار متهمین تشکیل گردید که هر یک شماری خاصی داشت. در روزنامه ی نهرسمی اطلاعات ستون ویژه ای به اطلاع از جریان دادگاه ها اختصاص داده شد. در شهرستانها نیز دادگاه های نظامی مشغول کار شد. متهمین نیز گروه بندی شده بودند: گروه رهبران ، گروههای متعدد فعالین ، نویسندگان مقالات در مطبوعات حزبی ، بخش کنندگان اعلامیه ها و غیره. با استفاده از موقع پاروژنامه نگاران و رجالی هم که هیچگونه دخالتی در کار حزب تود ه ایران نداشتند و صفاتی با دربار و دولت کرده بود نند نیز تصفه حساب میشد.

افراد ی که پاپس به بازداشت آنها مطلق نند ه بود توسط طبویات احضار میشدند تا در صورت عدم حضور بتوان آنها را غیاب محاکمه نمود ، چنانکه عد ه ای باین ترتیب محاکمه و محکوم شدند. تعقیب و محاکمات وسیع سرتاسری کشور آزمایشی بود بسرای حزب جوان تود ه ایران ، برای اعضا^{۱۶} آن - آید بدگی آنان و ابطال آنان به راهی که انتخاب کرده بودند. حزب از این آزمایش سر بلند بیرون آمد. در همه جا بنیکت متهمین بد ل به ترتیب محاکمهی هیئت حاکمه شد. در جزئیات تحت عنوان " یک محاکمهی تاریخی" که یکسال پس از این محاکمات نشر یافت در این باره چنین میخواند:^{۱۷} " در واقع می ۱۵ بهمین هیئت حاکمه از خاطره^{۱۸} سببیت بی پروائی که در تشکیل محاکم غیرقانونی و کثرت بدین رخ مردم آنرا بچنان نشان داد ه بود برای مرعوب ساختن

مردم استفاده مینمود: چرخ آدم کشی بکار افتاد ، شکار مردم شروع شد ، از کارخانه^{۱۹} از مزه^{۲۰} ه ، ازبدرسه ، از پشت میز اداره ، از بالای تریبون دانشگاه ه از کنسار^{۲۱} اطفال بیگناه ، مبارزان حزب مارا مورد تعقیب قرار دادند و زندانها را از آنان سپهر کردند. در طهران ، مشهد ، اصفهان ، کرمانشاه ، رشت ، شیراز ، مازندران^{۲۲} خوزستان ، محاکم نظامی متعدد برپا شد و صد ها نفر از مبارزان حزب مادر جنین محیط وحشت زائی بر بنیکت اتهام نشستند ولی در همه جا ، چه در طهران و چه در شهرستانها آنها بر رژیم تیره غلبه کردند و در هر جا که کترین راهی یافتند از فرصت استفاده نمود ه حقانیت حزب تود ه ایران را با صدای بلند اعلام داشتند.

کسانیکه برای برانداختن نفوذ امپریالیسم ژمیمن خود مرده کوشید ه بودند ، مردانی که برای صیانت ثمرات انقلاب ایران از دستبرد قدرت طلبان و تکامل دادن مشروطیت مبارزه کرده بودند باتهام^{۲۳} خود بت با سلطنت مشر و طه^{۲۴} بهای میز محاکمه کشانده شدند. این بار جرم آنها فقط داشتن یک عقیده می مترقی بود. بالا تر از این آنها گناهکار بودند که برای بداری ملت کوشید ه اند ، مستوجب عقوبت بودند که مبارزه ی ملتی برابر ی کسب حقوق^{۲۵} منصوصه اش برانگیخته اند ، شایسته ی حبس و شکنجه بودند که با استعمار طلبان ، با خداوندان نفت در افتاد ه و پرد ه از چهره ی کریمه ی طبیعی حاکمه برگرفته اند.

مبارزان حزب تود ه ایران ، بکار کنندگان راه ملت ، در محاکم که زیر نظر پاپس و ارتش اداره میشد و سرنیزه بجای قانون بر آنها حکومت میکرد ، مردانسه و سرفراز - با پشانی گشاده و صدای رسا بدفاع از حقیقت پرداختند. از تهدید بد نشر میدند و از تطمیع تردیدی به دلشان راه نیافت. آنها که بحقانیت راه خود اچسان^{۲۶} داشتند ، بارها دشمن راد را در برابر صلابت رفتار خود حیرت زده و مغلوب ساختند. بارها دشمن را وادار کردند که به عجز خود اعتراف کند و شهادت و قدرت روحی آنها را بستاند.

این عمری کوچکی نبود ، این نتیجه ی هفت سال مبارزه بود. این نمره نشان میداد که حزب تود ه ایران موفق به تهیت انسانهای نهنی شده است که بسا انسانهای عادی محیط معاشرت اساسی دارند. انسانهای نهنی که ضعف عین و محافظه کاری نهنی شانستند - انسانهایی که زندگی برابر ی مبارزه میخواهند و بسه زندگی تنگین و آلوده تن در نمیدهند. دشمنی که آنها را محاکمه میکرد بسیار ترسو و زبون بود و با وجود سرنیزه هایی که محافظت میکردند وحشت و اضطراب داشت. نمونه هایی از این وحشت و اضطراب در محاکم نظامی مشاهده شد.^{۲۷}

از جمله اتهامات دادستان این بود که گویا اعضا^{۲۸} حزب با مقامات خارجی در ارتباط بوده اند ه اتهام متد اول نسبت به همی کمونیست های سراسر جهان.^{۲۹} رنسللکن و کلمدافع متهمین پس از رد این اتهام اظهار داشت:

" شما باین عد ه اشخاص اید ه آل که بمنظر خدمت به مملکت با ترویج مرام خود میخواهند به بدبختیها خاتمه دهند و مملکت را بسوی آزادی و دموکراسی مسوق دهند سرو کار دارند. دادستان اصرار دارد وجود رابطه ای را بین حزب تود ه

ایران و بیگانگان اثبات کند. چرا آقای دادستان اصرار دارد يك امر غیر واقعی را که فوق العاده از لحاظ سیاست ایران مهم است باین کیفیت واقع وانمود کند؟*

آن نمایندگان بهرژوازی که چنین موضعی داشتند در آن موقع تصور نمیکردند مومنی خواهد رسید که بحث سیاست تغییر اوضاع سیاسی جبهه خواهد شد. موضع خود را صد و هشتاد درجه عوض کنند و بدین طریق حمایتی دیگر خود را نمایان سازند.
با آنکه رسماً اعلان شده بود که محاکمهی اعضا* حزب در دادگاه های ملی اجرا خواهد شد دادگاه ها در واقع در بسته بودند و تنها برخی از مدبران جرات داشتند از محاکمات و محاکمات ارتش به دادگاه ها راه داشتند. علاوه بر آن کوشش بعمل آمد تا شاید هر چه سخت تر بر آن محاکمات بویژه محاکمهی گروه رهبران پایان داده شود. ولی کارزار وسیعی که در اطراف این محاکمه خواهی در داخل و خواه در خارج کشور، برپا گردید. این کوشش ارتجاع را خنثی نمود. متهمین با مراجعه بسسه سازمان ملل متفق غیر قانونی بودن این محاکمات را اعلام داشتند. سازمانهای دمکرات جهانی — اتحاد پهی بین المللی حقوقدانان دمکرات ، سازمانهای جهانی دانشجویان ، زنان ، جوانان به ایمن جریبان اعتراض کردند. اتحاد پهی بین المللی حقوقدانان دمکرات خواهان متوقف ساختن محاکمهی گروه رهبران و پذیرفتن نمایندگی این اتحاد به شد.
بد پهی است چنین عقب نشینی هائی برای ارتجاع ناممسر بود. ولی اجرای نقشه گذراندن برق آسای محاکمه نیز ناممکن شد. (ه)

(ه) دستنویس رفیق کا بهوش در اینجا قطع میشود. وی امکان نیابت بند مربوط به دادرسی اعضا* حزب را تکمیل نماید. همانطور که در پیش سخن این کتاب گفته شده ، ما خواهم کوشیدیم تا نهالسی این صحبت را که در دانشنامهی دکتوری رفیق فقید منمکس است ترجمه و بموقع خود منتشر کنیم.

سخنرانی رفیق کامبخش در جشن صد سال
پنجاهمین سال حزب کمونیست ایران
- زوش ۱۹۷۰

درباره

فعالیت سوسیال دموکراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران

ضمائم

مقالاتی که رفیق ققید کامبخش در مطبوعات حزبی
در باره تاریخ حزب طبقه کارگر ایران نگاشته
و یا در محافل حزبی بصورت سخنرانی
ایراد کرده است

چشنی که ما امروز برگزار میکنیم بمناسبت پنجاهمین سالروز تشکیل رسمی حزب کمونیست ایران است ، که حزب ما ، حزب توده ایران - وارث بالاستحقاق و ادامه دهنده راه آن میباشد . این جشن را ما در زمانی برگزار میکنیم که مصادف با سالگرد های سیمی خواهد در مقامش جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری و خواه در مقامش نهضت داخلی خود کشور ما است .

۲۲ آوریل گذشته جشن صدمین سال تولد ولاد پیرامیلچ لنین ، پیشوای بزرگ زحمتکشان جهان برگزار شد ، که بانی نخستین دولت سوسیالیستی جهان بود - در واتی که تشکیل آن مسووب تحولات بزرگی در جنبش رهائی بخیر کشورها و رهائی آن از جنگ و دامنهایسم است .

لنین توجه خاصی به انقلاب ایران و جنبش رهائی بخیر خلقهای ماد است . در مضاللات متعدد ی او به این موضوع اشاره کرده و حتی قطعنامه ویژه ای بنابه پیشنهاد وی از جانب کنفرانس پراگ حزب سوسیال دمکراتی (بلشویک) روسیه در سال ۱۹۱۲ صادر شد که مداخله حکومت تزار را بمنظور سرکوب انقلاب مشروطیت ایران سخت محکوم نمود .

راجع به این موضوع در سمینارهای متعدد ما خواه بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کمپرس سوسیالیستی اکثر و خواه بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین کبیر بتفصیل سخن رفته است و در این سخنرانی احتیاجی به تکرار آن نیست .

۱۹ ماه مه گذشته نیز ۵۰ سال از روز برسمیت شناخته شدن حکومت شوروی از طرف ایران گذشت . در آن موقع اوج انقلاب در سراسر شمال و آغاز جنبش در نقاط دیگر کشور و دولت ایران را با دار کرد که حکومت نو بنیاد شوروی را برسمیت بشناسد ، و این افتخار برای مردم ایران باقی ماند که ما نخستین کشوری بودیم که روسیه شوروی - جنبشی را که لنین تشکیل داده بود - برسمیت شناختیم .

بالاخره ما سال مصادف است با نودمین سال تولد حیدر رضواغلی ، انقلاب بزرگ ، پی ازموسمین حزب کمونیست ایران و رهبرشایسته و واقع بین نهضت کمونیستی کشور ما که در مبارزه برای مساوات و نیکوئی مردم ما جان سپرد . سرانجامی زندگی حیدر رضواغلی توأم با جنبش سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران است . ولذا بحق حزب ما تصمیم گرفته است جشن نودمین سالروز تولد این شخصیت بسز رنگ انقلابی با برگزاری پنجاهمین سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران توأم کرد .

در بالا گفته شد که امروز پنجاهمین سالروز رسمی حزب کمونیست ایران را برگزار میکنیم . تکیه ی خاص ما روی کلمه رسمی از این جهت است که تاریخ جنبش کمونیستی کشور ما محدود به این پنجاه

سال نیست . آغاز رسوخ افکار و تشکیل گروههای سوسیال دمکراسی را که مقدمه تشکیل جمعیت های احزاب ماقبل حزب کمونیست بود باید آغاز صد می بهیستم دانست .

نوعی فعالیت و اقدامات عملی سوسیال دمکرات های ایران و همکاری آنها با سوسیال دمکرات های (بلشویک) روس از سال ۱۹۰۱ چشم میخورد .

مدارک موجود حاکی از آنست که از آغاز سال ۱۹۰۱ سوسیال دمکراتها در تبریز فعالیت نهانی داشتند . از آنجمله رساندن روزنامه " اسپکرا " بود که از طریق برلن - وین - تبریز به باکو فرستاده میشد و این کار تحت نظر شخص لنین و کروپسکا یا (همسر لنین) بود . در نامه ای که کروپسکا در ماه مه ۱۹۰۱ از موصح به متصدی این کار در حاجی طرخان (هشترخان) نوشته است گفته میشود که از طریق ایران چهار بسته فرستاده شد چگونگی را اطلاع بده ، سرعت حمل مطبوعات تاجه انداز است ؟ دانستن این موضوع اهمیت دارد باید انیم آیا این راه برای ارسال شماره های " اسپکرا " هم بدرخواست با اینکه تنها میتوان جزئیات را از اینراه حمل نمود .

در پاسخ لنین - نمایندگی روزنامه " اسپکرا " در پاکو که در رسیدن مطبوعات ارسالی را دلیل نامناسب بودن این راه میدانند ، لنین شخصاً مینویسد :

" مدت زیادی نیست که ما از وین به ایران (مطبوعات) ارسال داشته ایم و اظهار نظر در این باره معجل خواهد بود . چه بسا که یقیناً داشته باشیم . صاحب آدرس را در شهر تبریز مطلع سازید که باید کتابهایی از برلن دریافت کند و رسید آنها را اطلاع دهد " (لنین جموعه نامه ، جلد ۳۴ ، صفحه ۵۱)

نخستین آوردن افکار و تشکیل دهندگان گروههای سوسیال دمکرات ، ایرانیان بودند که برای کارهای موسمی و پائینستا دراز مدت به ماوراء قفقاز آسیای میانه ، به ویژه برای کار صنایع نفت باکو ، رفت و آمد میکردند .

از مراجعه به آمارگرگزی ایران و دفاتر کارگزاران که رفت و آمد های بدین گذرنامه را که در آن موقع مرسوم بود در برنمیکرد ، میتوان بوسعت این رفت و آمدها پی برد . عددی افرادی که برای کارهای اصلی بقصد روسیه از مرزهای ایران خارج شده اند در سال ۱۹۱۱ بیش از ۱۹۰ هزار نفر و سرانجامست کنندگان بادی که بیش از ۱۶۰ هزار نفر در سال ۱۹۱۳ بترتیب در حدود ۸۳ و ۶۶ هزار نفر بودند . بطور کلی ۵۰٪ یعنی نیمی از کلیه کارگران صنایع نفت باکو را ایرانیان تشکیل میدادند و از میان آنهاست که اشخاصی نظیر حیدر صغایلی بیرون آمده اند .

سوسیال دمکراتهای بلشویک قفقاز آنها را آماده میساختند و برای مبارزه در میان نشان الهام می بخشیدند و مجهز مینمودند . مثلاً در پهای به عدد ای از این کارگران که در آستانه انقلاب مشروطیت به ایران مراجعت میکنند از طرف جلیل محمد لالی زاده مد برمجلی " ملا نصرالدین " که در ایران شهرتی بسزا بدست آورده بود چنین میخوانیم :

" پس از آمدن به میهنان مردم برهنه ، گرسنه و ستمکش نظیر خود ثان را کرد آورد ؛ به آنها مژده دهد که طبعی کارگر روسیه بهاخته است . به همنسپهان کارگر بگویند که رفتاری روسی به آنها درود میفرستند ، به آنها اطمینان دهد که اگر راه رفتاری اینجا را پیش گیرند و بخوانند از پیوسته ادراهائی پایتند ، اگر خواستند بافند حقوق انسانی خود را بگف آوردند و نفسی به آزادی بکشند ، آنگاه است که رفتاری روسیه ای آنها برجم خود را بگذارند که آنها خواهند سیرد . بگذر مردم تحقیر

شده و فقرزدی کارگر ، شمار مارا روی آن برجم بخوانند : * رنجبران روی زمین متحد شوید . بگذار بخوانند و متحد شوند ."

حزب بلشویک روسیه صرفنظر از تبلیغ اید ه های مارکسیستی در میان کارگران ایرانی بکشاند آنها به مبارزه عملی ، فعالیت ویژه ای برای تشکیل آنها انجام میداد . چنانکه در سال ۱۹۰۴ بانکار بلشویک های روس توسط گروهی از سوسیال دمکراتهای ایرانی جمعیتی بنام " همت " تشکیل شد . کسه پند بیج نفع گرفت ، و عددی قابل ملاحظه ای از کارگران ایرانی صنایع نفت باکو را در بر خود گرد آورد . آنها از طریق این جمعیت برای مبارزه در راه نامین حقوق خود تجهیز و رفته رفته به مبارزات سیاسی جلب میشدند .

انصاف میبوی و نمایش عظیم کارگران نفت که بمناسبت کشته شدن صفر علی اولف - یکی از رهبران جمعیت " همت " بر پاگردید تا آنروز سابقه نداشت و هشداری برای حکومت تزاری بود . روزنامه " همت " ارگان این جمعیت ترقیف شد و فعالیت جمعیت بیش از یکسال نیانید . ولی نقش تاریخی خود را بسازی کرد . جمعیت سوسیال دمکرات (اجتماعین عامیون) تحت رهبری نریمان نریمان اولف بر زمینهای همین جمعیت وجود آورد .

جمعیت " همت " فعالیت قابل توجهی در زمینه رسوخ اندیشه های انقلابی انجام داد . روزنامه " همت " ارگان این جمعیت در حقیقت نخستین نشریه ای بود که اندیشه های مارکسیستی لنینیستی را به ایران آورد و کارگران را با روحیه همدردی و انترناسیونالیستی پر انرژی تربیت مینمود . از آن هنگام تا به امروز انترناسیونالیسم پر انرژی مانند خط سرخ از کلیه جنبش کمونیستی ایران میگذرد و هیچ کوشش از جانب بدخواهان و دشمنان مانتو نیست است ما را از این شاهراه منحرف سازد . سوسیال دمکراسی ایران گرچه نتوانست شکل یک حزب واحدی بخود بگیرد ولی سازمانهای جداگانه ای آن نقش بزرگی در بسط و پایداری انقلاب مشروطیت به ویژه در نواحی شمال ایران - آذربایجان و گیلان بازی کردند .

عددی زیادی از سوسیال دمکراتهای بلشویک قفقاز بکلی سوسیال دمکراتهای اسپرانی شناسافتند . در تاریخ ۳ فبروری ۱۹۰۷ کارتیوک سفیر روس در ایران به وزارت خارجه روسیه چنین گزارش میداد :

" رابطه ای انقلابیون ایران بویژه نواحی مرزی (گیلان و آذربایجان) با کمیته های قفقاز بدین شک برقرار است . شبنامه های فراوانی که در اینجا با شمار " عدالت " آزادی ، مساوات " منتشر میشود در چاپخانه انقلابی شهر باطوم طبع میشود ."

در یادداشت های جرجیل مترجم سفارت انگلیس که به گیلان سفر کرد ، بود چنین میخوانیم : " برای من کاملاً آشکار گشت که جنبش رشت در قفقاز طرح ریزی گردید و بدست یک دسته قفقازیان همم که عددی آنها از ۵۰ تن بیش نبود ، اجرا گردید . با وجود موطی شش هفته ای که از هشتم فبریه گذشته است بر تعداد این افراد افزودند و شش و بطوریکه بین گفته شد عددی آنها اکنون به ۳۵۰ تن بالغ است " (اسناد سیاسی حرمانه در باره ای ایران - خ - ۳۶ - بهمن ۱۴۸) .

انقلاب مشروطیت ایران که یک انقلاب بهرژوئزی بود در نقاط دیگر کشور و خود مرکز از ایسسن چهارچوب فراتر رفت ، بهمت سوسیال دمکراتهای ایران و کمکهای ارزنده بلشویکهای قفقاز ، در شمال ایران ، به ویژه در آذربایجان ، جنبه وسیع تری پیدا کرد و در دفاع تبریز به اوج خود رسید

که توجه جهانیان را بخود جلب کرد*
لنین با توجه خاص خود به جنبش‌های بخش ایران طی مقاله‌ی "مواد انقلابی در سیاست جهانی" مینویسد:

"وضع انقلاب بین ایران در کشوری که از یکطرف اروپایان هند و از سوی دیگر حکومت ارتجاعی روس در شرف تقسیم‌اند، پدید شواراست*
ولی مبارزهی سرسخت تریز، کامیابیهایی مکرر نظامی انقلابی چون که بنظر میرسد در هم شکسته‌اند، نشان میدهد که سرداران شاه حتی با گرفتن کمک از لیاخوف‌های روس و دیپلمات‌های انگلیس نیز باشد بدترین طاقت‌های توده مردم رو برو هستند*"

جنبش انقلابی که میتواند به کوشندگان بازگشت به دوران گذشته، اسلحه بدست پاسخ دندانشکن بدهد، و قهرمانان جنبش کوششهایی را مجبور بسسه در خواست کمک از خارج بکند صحتش نیست و حتی پیروزی کامل ارتجاع ایران در این شرایط تنها میتواند آستانه‌ی هچان‌های نوین توده‌ای بشود*
- پیشگویی که صحت آنرا انقلاب‌های بعدی از رباچان، گیلان، خراسان به ثبوت رسانید*"

در باره‌ی اهمیت و عظمت انقلاب مشروطیت ایران و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی که در شمال انجام شد مطالب بسیاری نوشته شده که یکی از آنها را برای نمونه ذکر میکنم*
پاولویچ از تاریخ نوسان انقلابی روس انقلاب ایران را چنین وصف میکند :

"در میان کشورهای آسیایی، ایران نخستین کشوری است که صلابت جنگ را علیه استبداد شاهان خود، علیه زورگویی دشمنان و حکومتهای اروپایی که پشت سر آنان ایستاده‌اند، در داد*
ایران پیش از کوچک آسیای بیدار شده است. ولی پیش از این است جسرکه تا دل اردوگاه خصم تاخته و با وجود کوچکی خود هراس در دل دشمن افکند، زیرا از بی آن روز ۲۰۰ میلیون و سپس چوین ۴۰۰ میلیون در حرکتند*"

در راه سوسیال دموکراتهای قفقاز که بلك انقلابی ایران آمد، بودند، سرگئی زینبیدزه قرارداداشت- زینتور وی قسمتی ازنامه‌ی حزب کمونیست مارکس و انگلس بزبان فارسی ترجمه شدند که متا"مفاهه نسخه‌ای از آن در دست نیست*"

در صوفی افکار و اندیشه‌های شرقی دورانی را روزنامه‌ی "ایران نو" تشکیل میدهد (۱۹۰۱)*
در این روزنامه که رسماً از طرف حزب دمکرات بود، سوسیال دموکراتها نفوذ داشتند. در سفرهاها و پرکشته مقالات مسلسل این روزنامه بطلاب زیاد ی در باره‌ی مارکس و مارکسیسم، قانونمندی تکامل جامعه، مبارزه طبقاتی، برخورد مارکسیستی به ترور انفرادی، نقش شخصیت در تاریخ و نظریات برهمینصوب که برای آنزمان بسیار روشن کننده است*"

انقلاب مشروطیت ایران بواسطه‌ی دخالت نیروهای مسلح خارجی، مورد ارتش روسیه تزاری و فعالیت امپریالیسم انگلیس ناگام ماند. ولی جنبش پایان نپذیرفت. پیروز سوسیال دموکراتهای ایران که تجاری بدست آورده بودند اکنون در صدد تشکیل نیروهای خود برآمدند*"

در سال ۱۹۱۶ عده‌ای از کارگران ایرانی گروهی بنام "عدالت" بوجود آوردند که برپایه‌ی آن در ماه ۱۹۱۷ حزب سوسیال دمکرات "عدالت" برهبری اسداله غفارزاده، یکی از انقلابیون با

تجربه‌ی زمان خود تشکیل گردید*
اکنون تحت نام "تیرا انقلاب نوی روس، زمینه مساعد تری برای فعالیت سیاسی فراهم شده بود. حزب "عدالت" علاوه بر هسته‌های که در میان ایرانیان طیف ماوراء قفقاز، عشق آباد، تاشکند و غیره داشت موفق شد سازمانهای خود را به نقاط متعدد ایران، آذربایجان، گیلان، خراسان و تاسا حدی خود تهران بسط دهد*"

حزب دارای دو ارگان چاپی بود: مجله‌ی "بیرو عدالت" و روزنامه‌ی "حریت". در مقدمه‌ی منتشره در روزنامه‌ی "حریت" خصوصیات این حزب بعنوان یک حزب پرولتری و انتزاعی سوسیالیستی ذکر و گفته شده است که حزب عدالت متعلق به کارگران و دهقانان است، ولی صفوف آن برای قشرهای دیگر زحمتکش نیز باز است. "عدالت" حزی است که در راه نگروری همهی زحمتکشان و برای خدمت به همهی بشریت تشکیل یافته است و در راه تبلیغ اندیشه‌های سوسیال دموکراسی و برقراری مالکیت عمومی بروسائل تولید مبارزه میکند*"

نخستین کنفرانس حزب با حضور نمایندگان از سازمانهای حزبی در سوم خرداد ۱۲۹۹ (۱۳ آوریل ۱۹۲۰) تشکیل شد*"

در این کنفرانس، حیدر مصفاغلی گزارشی مبسوط حاوی تحلیل وضع آنروز ایران خواه از نظر اقتصادی و خواه سیاسی، روش حزب نسبت به سلطنت، مسائل سازمانی و تاکتیکی حزب و غیره داد که مفعول به صد روز سندی گردید که در آن تجویزات امپریالیسم در کشورهای خاور، پیروز در ایران، تشریح شده و وظیفه‌ی مبارزه علیه اسارت ایران بدست امپریالیسم انگلیس، در مقابل سازمان حزبی قسراسر میگرفت. در مسائل سازمانی کنفرانس، که تنها نماینده‌های بخشی از سازمانها در آن شرکت داشتند، نتوانست تصمیماتی اتخاذ کنند و مرکزی برای سر تا سر حزب بوجود آورد*"

تنها پس از اینکه اوج انقلاب گیلان فعالیت عملی کمونیستها را در این منطقه امکان پذیر نمود حزب "عدالت" موفق شد کنفره‌ی خود را با حضور نمایندگان همهی سازمانها در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در شهر انزلی - پهلوی امروز، برگزار کند که ما آنرا کنفره‌ی مؤسسان حزب کمونیست ایران میدانیم و جشن امروز نیز بدین مناسبت است*"

در این کنفره که لنین و نریمان نریمان اف برپاست اختاری آن برگزیده شدند، نام حزب "عدالت" به حزب کمونیست (عدالت) ایران بدل شد که بعد االکلمه "عدالت" نیز از آن حذف گردید*
کنفره برناه و اساسنامه‌ی حزب را تصویب نمود*"

مواد اساسی نخستین برنامه‌ی حزب کمونیست ایران بصوب در کنفره‌ی اول عبارت بود از اخراج کامل امپریالیست‌های انگلیس از ایران، سرنگون ساختن سلطنت قاجار، اعلام جمهوری، ایجاد حکومت دمکراتیک، مصادره زمینهای ملاکان بزرگ و فتوای الهی و تقسیم بلا عوض آن میان دهقانان لغو امتیازات خارجی و غیره*"

در برنامه‌ی صوب کنفره‌ی اول حزب کمونیست ایران، نیز بکار دیگر روی وظیفه انتزاعی سوسیالیستی حزب تکبھی خاصی شده است و گفته میشود که "ما با پشتیبانی زحمتکشان و پرولتاریای همهی جهان، که پرچم سرخ انقلاب سوسیالیستی را برافراشته و شمار مشترک پرولتاریای جهان متحد شویم" را اعلام داشته‌اند "به هدف خود نائل خواهیم شد*"

کنفره کمیته مرکزی را مرکب از ۱۵ نفر انتخاب نمود*"

امکان فعالیت عملی نیروهای انقلابی و تشکیل کنفره‌ی حزب کمونیست ایران، در نتیجه‌ی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و گسترده شدن پیروزیهای حکومت شوروی در مراحل بعدی تارم‌های

ایران پدید آمد.

پس از نخستین انقلاب روسیه - انقلاب فبریه ۱۹۱۷ و برافتادن حکومت تزاری روس، انگلیس ها که اکنون دیگر بدون رقیب نمانده بودند خود را تنها مالک الرقاب ایران میدانستند. ایران توسط نیروهای انگلیسی اشغال شد. در سال ۱۹۱۹ انگلیسها موفق شدند با دولت وثوق اوندوله قرارداد دادی منعقد سازند که رسماً ایران را تحت الحمایه انگلیس میساخت. با اینکه قرارداد تنها پس از تصویب مجلس شورای ملی می توانست قدرت قانونی بیابد، عملاً به اجرای پاره ای از مواد آن دست زده شد. امپریالیسم انگلیس به اشغال ایران اکتفا نکرد و درصدد تصرف مراکز صنعتی مهم ماورا قفقاز و به ویژه صنایع نفت باکو بود. در این مورد لنین طی تظلی درجلمسی کمیتهی اجرایی مرکزی روسیه در ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۸ گفت که: «انگستان ایران را تماماً بلمیله است و اکنون خود را بانبروی نظامی به جنوب قفقاز نزدیک میکند». حکومتهای پوزشالی کشورهای ماورا قفقاز که بدست مساواتسی‌ها و داشناک‌ها تشکیل یافته بودند خود را عملاً زیر حمایت انگلیس قراردادند. ارتش انگلیس رهسپار قفقاز گردید. کوچک خان که پس از شکست قزاقان روس تحت فرماندهی سرهنگ پچراخوف تسلیب مقایست در مقابل نیروی انگلیس نداشتند سازش و عقد قرارداد عدم تعرض با انگلیس هانت داد و نیروی انگلیس برای اشغال باکو و نواحی ماورا قفقاز راه یافت.

ولی بیرونیهای حکومت شوروی روقی را برگرداند. انگلیس هانه تنها با گام‌های خود را رماورا قفقاز، بلکه قسمت شمال ایران را نیز ترک کردند.

بد ظنریق میدان فعالیت علنی برای نیروهای درمکراتیک و حزب کمونیست ایران بساز شد. انقلاب گیان اوج گرفت. در ماه ژوئن، اندکی قبل از تشکیل کنفره حزب کمونیست ایران، کسچک خان بانبروهای خود وارد رشت شد و در گیان جمهوری شوروی اعلام کردید. حکومت انقلابی جمهوری گیان با شرکت نمایندگان کمونیست تشکیل گردید. در این مرحله حزب کمونیست یکی از نیروهای اصلی سرکره انقلاب گیان بود. و در حقیقت حکومتی که تشکیل شد حکومت جبهه واحد همی نیرو هسای انقلابی بود که اگر دچار اشتباهات و اختلافات نمیشد امکانات بزرگی برای کامیابی‌های بعدی داشت. متأسفانه حکومت انقلابی گیان در این ترکیب خود دیری نمانید. از یکسو کوچک خسان که نمایندگی‌ها لکن متوسط و بهرژواری متوسط و بطور عمده خرد و بهرژواری بود، از گسترش انقلاب بمانک شده بود. و از جانب دیگر بهرژواری حزب کمونیست نتوانست اوضاع و احوال و مرحله ای را که انقلاب بطی میکرد درک کند. شور و هچان انقلابی که انگائی به تجربه و تحلیل ژرف و صحیح مارکسیستی نداشت، رهبران حزب را دچار بیماری همه گیرمان خود، یعنی چپ روی و سکتاریسم کرد. رهبران حزب بدلی توجه به مرحله انقلاب فشار انقلاب سوسیالیستی را پیش کشیدند و با اقدامات چپ روانه و نقضی تصمیمات کنفره اول که مبارزه علیه امپریالیسم را در یک جبهه واحد لازم دانسته بود، مانکن متوسط و بهرژواری و خرد و بهرژواری کوچک خان نمایندگی این طبقات را که جناح مهم انقلاب بود، رسانند. در نتیجه این کشش دوجانبه حکومت ملی متلاشی شد.

تشکیل نخستین کنفره خلقهای خاورد را باکو در ده می اول سپتامبر ۱۹۲۰ که نمایندگان کمی حزب کمونیست ایران بهیاست حید رحمانوفی در آن حضور داشت، با نتیجه و تحلیل صحیح از وضع جنبشهای رهایی بخش ملی شرقی، و تماس بعدی عدای از نمایندگان، این کنفره، از آنجمله نمایندگی ایران رفیق آخوندزاده پاکمبختن و شخص لنین، کله بزرگی به بهبود وضع داخلی حزب کرد. در رهبری حزب تحول بوجود آمد و حید رحمانوفی به دبیری حزب انتخاب شد. در ژانویه ۱۹۲۱ زهای مروف حید رحمانوفی در پارهی وضع اجتماعی و اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست (عدالت) ایران تصویب رسید، که رهنمود کارآیندی می حزب بود.

در این تزهابد با اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از جمله گفته شده است که ایران در حال حاضر در آستانه گذار از نظام قبیله ای و قشودالی بسوی سرمایه داری است. ۵۰۰ گانه طبقه مولد ایران طبقه دهقانان است که زیر استثمار شد بد ملاکان و فئودال‌ها و دولت های متکی باین طبقات میباشد.

ایران فاقد صنایع بزرگ ماشینی است. کامیابی که برای ایجاد صنایع در اواخر سده می حاضر برداشته شد، در نتیجهی رقابت انگلیس و روسیهی تزاری خنثی گردید و بنابراین در مرحلهی فعلی، ایران فاقد پرتلای صنعتی است. ۵۰۰ صد هاهزار از پشه وزان صنایع دستی در اثر رقابت خارجی به صف بیگاران و لوسین پرتلای شهرافزیده شده اند. سرمایه بازرگانی که مقاومت بیشتری نشان داد نیز در اثر انحصار اعتبارات دست بانکهای خارجی، در آستانه ورشکستی کامل است.

در تزهادهای از ذکر نقش بزرگی که روحانیان در زندگی کشور بازی میکنند روحانیان به دو قشر مشخص تقسیم شده اند: قشر بالائی که دررد پنه ملاکان بزرگ قرار گرفته اند و طبعا در منافع طبقاتی آنها شریکند و قشر دیگری که بخش عمدهی آنها شهرنشین هستند و از لحاظ طبقاتی منافعیان با منافع خرد و بهرژواری بکمی است.

در تزهادهای گذشته است که طبقه حاکمی ایران متکی به ملاکان بزرگ است که تعدادشان در سرتا سر کشور از ۳۰۰۰ نفر تجاوز نمیکند و هر یک از آنها دارای دهها و صد هاد هستند. نتیجه اینکه ایران نه تنها در حال صعود اقتصادی نیست بلکه منحنی نزول را طی میکند. و لذا وضع موجود زمنه مناسی برای انقلاب فراهم ساخته است.

و اما نیروهای که بالقوه میتوانند به انقلاب بگردند در تزهادهای بترتیب زیر طبقه بندی شده اند:

- هزاران پیغمبر ورشکسته،
- کارگران بنگاههای تعطیل شده و دهقانان بیخانمان که رو به فرقه طبقه ای از فقرای شهرها تشکیل میدهند،
- طبقه دهقانان بی زمین،
- طبقه وسیع بازرگانان خرد و متوسط که در حدود ۳ میلیون نفرند و در برنگاه فقر و نیستی قرار گرفته اند.

از نتیجه و تحلیل فوق وظائف بیرونی حزب نیز تعیین شده است که خلاصهی آن عبارتست از تهیه هرچه بیشتر کادری استوار، جمع آوری همی نیروهای انقلابی زیر پرچم جنبش رهایی بخش ملی، تبلیغات وسیع برای شناساندن نقش امپریالیسم جهانی و سیاست انگلیس هاد را بران، تبلیغات وسیع میان دهقانان و فقرای شهر ب منظور پیدا کردن آگاهی طبقاتی آنها. ۵۰۰ با در نظر گرفتن تمصبسات مذ همی آنها. کار وسیع سازمانی بین طبقات زحمتکش، تشکیل اتحادیه ها، شرکتیهای تعاونی و غیره، تشکیل نیروی مسلح انقلابی - ملی برای مبارزه با امپریالیست های خارجی و دولت شاه. ۵۰۰ و اما لحظتی محسوس حزب با هستی بنی بر اتحاد همی طبقاتی از پرتلای گرفته تا بهرژواری متوسط علیه سلطنت قاجاریه و امپریالیسم باشد.

در این تزهادهای بعدی می مبارزهی داخلی حزب متوجه عناصر چپ است که با سیاست سکتاریستی خود موجب انشعاب در حکومت موقت ملی شدند. ولی در عین حال عناصر راست نیز در جریان مبارزه با چپ روی پدید آمده بودند که معتقد بودند شمارصا درمی املاک بطور کلی باید از برنامهی حزب حذف گردد تا طبقه مالکن درکنار نیروهای دولتی به مبارزه با انقلاب بچین دست نزنند.

در مطالب این انحراف در تهاگفته میخود ؛ باید در نظر داشت که از یکطرف مبارزه علیه انگلیس هاخواه ناخواه ملاکان بزرگ را که انگلیس ها پشتیبان آنها هستند بر میانگیزاند ، و از طرف دیگر مصادره اموال این طبقه بیهیچوجه تضاد یا منافع خرد به جزواری و بیوزواری منوط ندارد و آنها را از انقلاب دور نمیکنند و حال آنکه این عمل محرکی خواهد بود برای دهقانان که به جنبش انقسلایی بپیوندند .

تضادهای جدید رصوعلی مبوب کمیته مرکزی حزب (در ترکیب نهن خود) در حقیقت نخستین آزمایش جدی نمین تاکتیک حزب و وظائف مرم آن بر اساس تحلیل مارکسیستی وطبقاتی و تمییین مظنین بر لاریا در مرحله معین انقلاب بود . بدیهی است که این تضاد برای همان زمان نیز خالی از نفس نبود . از آنجمله در تحلیل طبقات موجود اشاره ای به بیوزواری کمزاد مر که یکی از پایه های رژیم آنزوری بوده است نشده و برخی نکات د پگر ولی این نارسائیهها بیهیچوجه از اهمیت آن نمیکاهد .

چهاست نهن حزب زمینه بسیار مساعدی برای همکاری همه نیروهای انقلاب آنزوری و در درجه اول همکاری بانیزوی جنگلی ها فراهم ساخت و این همکاری برای مدت کوتاهی بوجود آمد . انقلاب از نو نیرو گرفت . در پی از جنگها ارتش انقلابی بسرکردگی جدید رصوعلی شکست سختی به نیروهای دولتی وارد ساخت .

ولی تزلزل نیروهای بنیانی انقلاب بقوت میرفت . کوچک خان از پیشرفتهای حزب کمونیست هراسناک بود . بالاخره این تزلزل کار را به خبانت کشاند . جدید رصوعلی غدارانه بدست کوچک خان کشته شد . کمیته انقلابی که پس از ترمیم کمیته مرکزی حزب تشکیل شده بود در هم ریخت . ارتجاع و دروازی آن رصاخان به کوچک خان نیز ایفا نکرد . وی بهنگام عقب نشینی در کوههای طالش از سرما تلف شد و سر بریده اهی را برای رصاخان آوردند .

انقلاب گیلان یکی از بروجده ترین صفحات جنبش انقلابی به تنها ایران ، بلکه خاورمیانه و نزد است . تشکیل جمهوری گیلان زینت بخش تاریخ مبارزه مسلح مردم ایران برای استقلال و آزادی خویش است . در این جنبش حزب کمونیست ایران باهمی نواقص و اشتباهات ، نقش مهم خود را سازماندهی و بسجج نموده هابازی کرد و تا نیرویی در سرحواوت داشت .

از نتایج مهم این جنبش و بطور کلی جنبشی که سرانگشور را فراگرفت ، لغو قرارداد ۱۹۲۱ با دولت شوروی و خروج نیروهای انگلیسی از ایران بود . انکلیس ، انعقاد قرارداد فیهی ۱۹۲۱ با دولت شوروی و خروج نیروهای انگلیسی از ایران بود . انکلیس مردم ایران در این مبارزه ، حکومت نیشنال شوروی بود . حکومت شوروی بلا فاصله پس از انعقاد قرارداد ایران و انگلیس در ۱۹۱۹ اوت ۱۹۱۹ رسط پشتیبانی خود را از مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم انگلیسی اعلام داشت . در این پیام گفته شده است :

" در این هنگام که فاتح سر مست ، یعنی درنده های انگلیسی ، در صد دست کسند بردگی را برگردن مردم ایران بیافکنند ، حکومت کارگری و دهقانی جمهوری روسیه با قاطعیت هر چه تماثر اعلام میدارد که قرارداد انگلیس و ایران ، قرارداد ای راکه به این بردگی تحققی میخشد برسمت نمیشاند . . . مردم زحمتکش روسیه دست برادری خود را بموسی شما توده های زحمتکش ستمدیده ی ایران دراز میکنند . دور نیست لحظه ای که ماصلا موفق شویم وظیفه مبارزه مشترک خود را بهمه شما علیه درندگان بزرگ و کوچک و مستگران که سرچشمه زجر و شکنجه های بهشمار بود ه اند انجام دهیم ."

پس از شکست انقلاب گیلان دوران دیگری در زندگی حزب کمونیست ایران آغاز میشود . در دوران

سازماندهی و گسترش فعالیت سازمانی حزب در نقاط مختلف کشور و جل از همه در مرکز . در بد و اسمر حزب کمونیست در شرایط نسبتا مساعدی قرار داشت . رصاخان که برای رسیدن به قدرت طلبسق براند اخفن سلطنت قاجاریه ، انکلیس احتیاطی مطمئنی نداشت ، نمیتوانست نیروهای مترقی و از آنجمله حزب کمونیست ایران را نادیده بگیرد . با آنکه حزب کمونیست از آزادی برخوردار نبود . در این مرحله امکاناتی برای بسط فعالیت سازمانی و ابد تولونیک بدست آورده بود :

از نظر سازمانی در دست داشتن رهبری اتحادیه های کارگری از طریق فراکسیون های حزبی ، تشکیل جمعیت های فرهنگی ، شرکت در احزاب مترقی و تشکیل فراکسیون در این احزاب و غیره .

یگانه حزب مترقی آنزمان حزب اجتماعی بود ، که توسط سلیمان میرزا از عناصر مترقی تشکیل شده و شاخه های خود را در اغلب شهرستا نهادگشترش داده بود . حزب کمونیست ایران نفوذ قابل توجهی میان اجتماعین بدست آورد . اعضا حزب در سازمانهای این جمعیت دارای فراکسیون های حزبی بودند و نحوی که برای کنگرهی اجتماعین که قرار بود تشکیل شود و بناسبت تغییر سیاست رصاخان تشکیل نشد عدی قابل توجهی از کمونیستها انتخاب شده بودند .

دوام بهتری جمعیت های فرهنگی داشتند که را " ما توسط کمونیست هاد رصبرهای مختلف تشکیل شدند ؛ جمعیت فرهنگ رشت ، جمعیت فرهنگ انزلی ، جمعیت پرورش قرین ."

این جمعیت هابا استفاده از روحیهی انقلابی آنزمان توانسته بودند سرکل جوانان شهرهای خود را در سازمانهای خود گرد آورند و از طریق دادن نمايشها ، تاسیس کلاسهای اکبر و کتک بسسه موسسات و مدارس باقشرهای وسیع مردم رابطه برقرارکنند . فعالیت این جمعیت هامنصر به فعالیت فرهنگی نبود ، اعضا آنها برای کارزارهای سیاسی نیز تجهیز میشدند .

علاوه بر آن حزب کمونیست ایران در این دوران ، فعالیت وسیعی بین زنان انجام داد . جمعیت " پهلک سعادت نسوان " که در واقع شعبه ای از فرهنگ بود دوش بدوش آن جمعیت فعالیت میکرد . در تهران جمعیت بیداران زنان که مستفها بدست حزب تشکیل شده بود نمايشنامه های چندی صحنه گذاری کرد که یکی از آنها صاف باربوز هشتم مارس بود و برای نخستین بار با انفال پلیس از این روز بین المللی تجلیل شد .

این جمعیت هاصطالبات خاص زنان را در برنامه های خود مطرح میساختند .

در این دوران و در این ایامی بعدی حزب کمونیست ایران توجه خاصی به فعالیت ابد تولونیک داشت . مطبوعات حزبی آنزمان مقام ویژه ای در تاریخ جنبش کمونیستی دارند . روزنامه " حقیقت " بد بهرت سید محمد دهگان عضو کمیته مرکزی حزب که رسا ارکان اتحادیه های کارگران تهران بشمار می آید ولی در واقع کار ارکان مرکزی حزب را انجام میداد ، وسهما و با زبان ساده افکار و نظریات مارکسیستی را در دسترس توده هافرار میداد .

نخستین شمارهی این روزنامه باشمار " رنجبر روی زمین اتحاد " در ۹ دی ۱۳۰۰ انتشار یافت و بواسطه تحلیل مارکسیستی حوادث بزبان ساده ، طرح مسائل مردم روز ، وضع کارگران و دهقانان ، و نواقصهای خود بزودی در ردیف برتریترین روزنامه هاد آمد و معمولا پس از توزیع کامل بچند برابر قیمت خرید و فروش میشد . مقالات مسلسل روزنامه " حقیقت " در باره ی تساریخ جنبش کمونیستی توجه روشنفکران را بخود جلب کرد . شدت فعالیت رصاخان را از بوظیفه های که روزنامه " حقیقت " بداند کرده بود ، از پنجامستان فهمید که برای مشوراد وله نخستین وقت بهنام داد که این روزنامه باید توقیف شود و اگر توقیف نشود دستور میدهم شمارا به نخستین زیری راه ندهند . نکته ای که باعث سقوط حکومت مشوراد وله شد .

پس از توقیف روزنامه " حقیقت " روزنامه های دولتی کار و پیکان انتشار یافتند که " کار " با

همان سبک روزنامه‌ی "حقیقت" و "پیکان" با مطالب ساده تری خلاصه را پرکردند. روزنامه‌ی هفتگی "خلق" نیز به این دو اضافه شد که ترجمه‌ی کتاب‌های آلبانی کونینم را در پاره‌ای منتشر میکرد. حزب در ولایات نیز مطبوعاتی داشت که از جمله: فرهنگ رشت و روزنامه‌ی پیک رشت و روزنامه‌ی نصیحت تفریز که در پاره‌ای به نشر مطبوعاتی در پاره‌ی ماتی‌لیسم در پالکلیه آغاز کرد. بعد میتوان نام برد.

بجاست که پادی نیز از جمله "جرقه" بخود. از این جمله نفیس پرچم و پرچم‌ها که بحث را در اطراف مسائل اجتماعی و سیاسی از نظر مارکسیسم - لنینیسم آغاز کرد. بود و شماره بیست منتشر شد. ولی همان دو شماره جای پرارزشی برای این جمله در تاریخ مطبوعات مارکسیستی لنینیستی ایران باز کرده است و به جرئت میتوان آنرا سلف جمله "دنیایا" دانست.

در این دوران سازمانی جوانان کونینست نیز تشکیل شد و با کوشش حزب که خود از بسد و تشکیل در کمترین عضویت یافته بود اتحاد به های ایران و سازمان جوانان کونینست نیز برترتیب بسد عضویت انترناسیونالین المللی اتحاد به ها (پرو فینترین) و بین المللی جوانان در آمدند. برای روضاخان که پس از گذراندن کارزاری بمنظر اعلام جمهوری بنیاع خود بفرماندگی افتاد بود اکنون دیگر نیروهای مترقی و بویژه حزب کونینست ایران میتوانستند سد راه باشند. لذا حزب کونینست در معرض پیکر شد بد فرار گرفت. به فعالیت جمعیت اجتماعی نیز بد پیج پایان داده شد. روزنامه‌ی "نصیحت" که از بقایای مطبوعات حزب بود توفیق و واضع تفریزی سد ایران بطرز جمعی بقتل رسید.

حزب وارد مرحله‌ی دشوارتر مبارزه - مبارزه‌ی عمیق زیرزمینی شد.

بآنکه پس از کارزار برای اعلام جمهوری و بویژه هنگام کارزار برای لغو سلطنت قاجار بسد سهامی واقعی روضاخان خود را روشنتر و نمایانتر بساخت، وی هنوز برای برخی نیروهای مترقی معانی بود. شخصی بود از میان مردم بهرین آمده، طرد کننده‌ی سید ضیا الدین - عامل شناخته شده‌ی انگلیس، و کسی بود که برای همکاری با نیروهای مترقی آماده‌ی ظاهر شدن نشان داده بود و حزب کونینست در عین داشتن روحی انتقادی بد تی از وی پشتیبانی میکرد. مالا به بران سیاست تمرکز و سرکوب نبود الهیا و خوانین نیز که ظاهرا مخالف سیاست سنتی انگلیس ها - حکمرانان از راه جدائی انداختن - بود از نظر معنی مترقی و مبین پرستانه بمنظر میرسید. لذا عدای (اکثریت) کمیته‌ی مرکزی هینسوز معتقد به سیاست مبارزه و وحدت با وی بودند. و حال آنکه اقلیت رهبری با تجزیه و تحلیل هشداراته - تری از اوضاع محلی جهان و موقعیت ایران به نتیجه‌ی دیگر و صحیحتری میرسید و آن اینکه تشکیل دولت مومسالیستی شوروی اکنون اجرای سیاست بد پیری را از طرف دشمنان این کشور بویژه امپریالیسم انگلیسی اجاب نمیداد. یعنی ایجاد رژیم مومسالیستی شوروی دارای رژیم ضد شوروی، و تعلق تری نیروهای این دول که ایران یکی از آنها بود. لذا اکنون تمرکز و تقویت نیروهای آن در برنامه قرار گرفته بود - رضاشاه که بد ریج به بزرگترین ملکان کشور بدل میشد در موضع بلاترد بد ضد شوروی قرار میگرفت.

کنگره‌ی دوم (۱۹۲۷) با کله کمترین اختلاف را بنیاع پلا نظرم اقلیت حل کرد و با فشار ترسین بد اقصین پلا نظرم طرف مقابل از حزب اخراج شدند. احیا وحدت ایدئولوژیک امکان داده حزب، با وجود دشواریهای نامی از پیکر ها، با انرژی و شمر بخش‌بختری بکار خود ادامه دهد.

در پاره‌ی کنگره‌ی دوم حزب کونینست ایران (کنگره‌ی اروپا) مطالعه ویژه‌ای در جمله " دنیا " (شماره ۳ سال اول) درج شده است و در اینجا تکرار آنرا بد میدانم.

کنگره‌ی دوم راه روشنی در مقابل حزب باز کرد و فعالیت آنرا متوجه تلهیت سازمانی و بد لوژیک و مبارزه با ارتجاع داخلی و درویش آن رضاشاه و امپریالیسم و بطور عدای امپریالیسم انگلیس نمود. با وجود شرایط دشوار مبارزه، حزب در دوران پس از کنگره‌ی دوم تصاحب قانون ضد کونینستی

خرداد ۱۳۱۰ که بازداشتها و پیگرد های مشتاقان برای بد تی فعالیت حزب را متوقف ساخت، کامیاب های قابل توجهی بویژه در مراکز کارگری بد ست آورد.

به نفسنج جنبش کارگری در این دوران میتوان از اعتصابات بیمایقه ای که مستقیما از طرف حزب اداره میشد، بی برد:

ارد بهیشت ۱۳۰۸ اعتصاب عمومی کارگران نفت جنوب که در آن بیست هزار نفر شرکت کردند و برای سرکوب آن علاوه بر نیروهای نظامی ایران نیروی دریائی انگلیس نیز شرکت کرد. کونینستهای رهبر این اعتصاب همچنان بلا تکلیف در زندان رضاشاهی ماندند تا شهریور ۱۳۲۰ فرار سید. اعتصاب هزار و دویست نفر کارگران راه آهن در مازندران در تابستان همین سال.

اردی بهیشت ۱۳۱۰ اعتصاب کارگران کارخانه‌ی کازرونی " وطن " اصفهان که برهبری حزب کونینست انجام گرفت و در نتیجه‌ی آن ساعات کار به ۹ ساعت تقابل یافت و ۲۰٪ بد مزد کسارگران افزوده شد. نصراله اصفانی (کامران) رهبر این اعتصاب تحت الحفظ به تهران اعزام گرد بد کسه توانست بین راه فرار کند.

در نتیجه‌ی این اوج جنبش است که قانون سیاه ضد کونینستی خرداد ۱۳۱۰ باد یکسه تی شخص رضاشاه از مجلس میگردد.

در مرحله‌ی حمله‌ی بیرحمانه‌ی ارتجاع که منجر به گذراندن قانون مزبور شد علاوه بر کمپهای عمومی کمترین و تکلیف ویژه‌ی حزب کونینست اتحاد شوروی، بجاست که پادی از کمپهای بشود که حزب کونینست آلمان به حزب ماکرد است.

وسائل انتشار جمله‌ی تشریک حزب " ستاره سرخ " و روزنامه‌ی ارگان حزب " پیکار " را حزب کونینست آلمان فراهم نمود که بکله آن اولی دروین و دومی نخست در برلن و سپس دروین منتشر میشد جمله‌ی " ستاره سرخ " به مسائل تشریک مارکسیستی و مقالات تحلیلی مربوط به اوضاع داخلی کشور و روزنامه‌ی " پیکار " به مسائل آکتوئل تخصصی یافته بود.

بویژه در روزنامه‌ی " پیکار " مسائل مبتلا به روز، تحلیل مرحله‌ی انقلاب ایران، تشریح انقلاب بوزنیائی و بویژا - در مکرانیک، لزوم سرکردگی طبقی کارگر و مقالاتی در پاره‌ی امپریالیسم از اثر لنین مطرح بود. آنچه که ارتجاع ایران و درویش آن شخص رضاشاه را از کوه بد در میبرد جنبشی اشتراکاتی این روزنامه بود. یکی از مسائل حاد آنروز موضوع امتیاز نفت جنوب بود که بد مقدمه‌ی بد آن با نظاره به مخالفت با آن آغاز شده بود. روزنامه‌ی " پیکار " تحت عنوان " پیکار اسرار را افشامینا بسد " (۱۵ دسامبر ۱۹۲۲ مطابق با آذر ۱۳۱۱) و سپس در مقالات مسلسل ماهیت ذکرات با کمپهای نفت و هدف آن یعنی بد بد این امتیاز بقیقت بالا بردن ناچیز سهم ایران را آشکار ساخت و در خدایچه ای به کارگران و عموم زحمتکشان ایران اعلام داشت که آنچه از نظر منافق مردم ماطرح است عبارتست از: تصرف نیروی مومسالیست و طرد کمپانی نفت جنوب، الغا کله‌ی بدین ایران بسد انگلیس، قضا عیبات بانک شاهنشاهی که یکی از عمال عدای امپریالیسم در ایرانست، تحریسم اتمعی انگلیسی و غیره (پیکار، سال سوم، شماره ۲۱، تاریخ ۱۵ فبره ۱۹۲۲).

عصیانیت شد بد رضاشاه از همان بد و انتشار روزنامه‌ی " پیکار " وی راه اقدام رسوائی داد که عبارت بود از خجاستن سایر ایران از آلمان و تبید بد به قطع روابط سیاسی در صورت ادامگی نشسر این روزنامه در آلمان. گوا اینکه نفیس آلمان بلا فاصله دست به اقدام زد و روزنامه‌ی " پیکار " توقیف شد. بدیر مسئول آن دکتر کارل وهنر Carl Wehner که از طرف حزب کونینست آلمان انتشار روزنامه را بجمده گرفته بود در معرض پیکر قرار گرفت و مرتضی علوی که از طرف کمترین ما " مرکز حزب در آلمان بد جمده گشت، ولی محاکمی " پیکار " که در نهایت Moabit و سپهر را اساس شکایت بکلی " پیکار " در

محکمه عالی تیز آلمان در لایپزیک انجام شد، رسوائی بازهم بیشتری برای رضا شاه بهار آورد. وکیل "پیکار" که از طرف حزب کمونیست آلمان معرفی شده بود، برده از روی جیبات رضا شاه برافکند و بسا اراضی اسناد و مدارک متفن (قتل واعظ قزوینی، قتل عشقی، موضوع فرخی بزدی که همان زمان بهمنسوان مهاجر در آلمان بسر میبرد و برای شهادت حاضر بود. و غیره) حقاقت نوشته های "پیکار" را ثابت کرد.

دوره ای منتشره از طرف دانشجویان مترقی ایرانی در پاریس در باره ی توفیق "پیکار" از جمله چنین میخوانیم:

"روزنامه "پیکار" تنها بارقه ای بود که به ملت ایران... روح تازه دمید. و امید و آری... میداد. از این جهت ماهی تمجیب نیست اگر حکومت ایران انتشار "پیکار" را برای خود یک مسئله حیاتی دانسته به حکومت آلمان تهدید قطع روابط نموده است... خوشبختانه همانطور که ما انتظار داشتیم جرایم آزاد بخواد و مخصوصا جرایم کارگری آلمان... ساکت نشستند... توفیق "پیکار" و جمعید یک محصل انقلابی برای ماتوفیق اجباری شد که تمام جرایم آلمان به مسئله ایران توجه نمودند... و ما توانستیم همه ای از اوضاع امریزی و رژیم استبدادی و محبت شخص رضاخان را در جرایم کارگری و آزاد بخواد آلمان منتشر نماییم."

پینگام توفیق "پیکار" روزنامه "نیست" تحت مسئولیت اریخ رینکا Erich Rinke در برلن انتشار یافت و سپس "پیکار" ادامی حیات داد و شماره هائی در... روح طبع و به ایران ارسال میگردد. بد تا آنکه رژیم ترور و وحشت رضا شاهی برای مدتی توانست با بازداشتهای وسیع فعالیت حزب را تعطیل نماید.

از اوائل سال ۱۹۳۳ کمیتن با اعزام یک مخصوص و انتخاب نماینده ای برای ایران مقدمات احیا رهبری حزب را فراهم نمود و هستی اولیه ای آن با شرکت د کثرتی ارانی تشکیل شد. مجله "دنیا" که قبل از طرف د کترارانی تأسیس شده و منتشر میگشت به عنوان ارگان حزب شناخته شد. وظایفی که در مقابل هستی جدید رهبری قرار گرفت گرد آوری نیروهای پراکنده و تهیه ای کادر برای آینده و از این لحاظ فعالیت خاص میان روشنفکران بود.

نقش اخیر را مجله "دنیا" و شخص د کترارانی بوجه احسن ایفا کردند. مجله "دنیا" هنگامی به انتشار خود آغاز نمود که حزب کمونیست تار و مار شده بنظر میآمد و از این جهت توجه خاص به نشی می جدید وجود نداشت. به علاوه مجله "دنیا" توانست خود را در سایه ی زمان باصلاح لنین از یوزپ مستور دارد بنحویکه سپس تا موقع کشف سازمان نوین به مساهمت واقعی آن بی نبرده بود.

دوران مجله "دنیا" را از نظر کار ایدئولوژیک و پیش اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی باید پرشورترین دوران فعالیت حزب کمونیست ایران دانست. ترویج سیستماتیک این اندیشه ها در ی زیادی از روشنفکران را که تشنه آشنائی با آن بودند در مجله و کترارانی گرد آورد. مجله "دنیا" پس از یکسال در حالیکه سپس هنوز در حال افقال بود بحالت تصمیم وزارت فرهنگ که کاربندان خود را از دخالت در سیاست ممنوع میداشت تعطیل شد ولی تا آن پینگام کار خود را کرده بود. از میان روشنفکرانی که در اطراف آن و ارانی گرد آمده بود نداد رهایی برای آینده ی حزب تربیت یافتند.

هم اکنون مجله "دنیا" ارگان تئوریک حزب ماکه ادامه دهند می کارارانی و باران اوست، اسناد آنروزی "دنیا" را منتشر میکند تا بخوانندگان به اهمیت کاری که آنروز انجام شده است می بیزند.

کشف سازمان نین حزب و بازداشت عدده ای از گردانندگان آن که مقدمی محاکمه معروف به "۵۳ نفر" بود برای پیکار د یگر فعالیت حزب را در چار وقفه کرد.

ولی خود محاکمه ۵۳ نفر، دفاع متهمین و درد رجهی اول دفاع تاریخی د کترارانی انگیزه ای بود برای شناساندن حزب کمونیست و کمونیستهای ایران که د سگانه حاکمه را بجای خود روی نهکست متهمین نشانند.

پایان دوران اخیر فعالیت حزب کمونیست ایران آغاز پایان دوره ی خود کاگی و د پکتائوری رضا شاه بود. سقوط رضا شاه امکانات جدیدی برای کار کمونیستها فراهم ساخت. آنان تحت لوای حزب تود می ایران بمتابه خلف شایسته و جانشین حزب کمونیست ایران فعالیت کردند و راه انرا بمقیاسی بهمایقه ای ادامه دادند.

آنچه را که حزب تود می ایران از نظر تشکلی آموزی، ترویج مارکسیسم - لنینیسم و تربیت افسرد با روح فدکاری و خودگذشگی انجام داده باکلمات زرین در تاریخ جنبش رهایی بخش کشر مائیت است و حگ شد نی نیست. حزب مازنده است و راهی را که حزب کمونیست ایران باز کرد همچنان ادامه داده و خواهد داد.

زنده باد پانچاهمین سالروز حزب کمونیست ایران!
زنده باد حزب تود ما ایران - وارث و ادامه دهند می راه حزب کمونیست ایران!
زنده باد کمونیسم!

این رشد بیسابقه معالول این حقیقت بود که حزب توده ایران توانست ضرورت زمان را درک کند و پاسخگوی خواستههای مردم باشد. انتقال سنت فعالیت های گذشته نیز منبع نیروی رشد آن بود. حزب توده ایران بدست کارهای گذشتهی حزب کمونیست برپا شد و این خود اعتماد فشر آگاه طبعی کارگر را از همان نخستین روز به حزب جلب نمود. در این هسته آگاه پرلنار باید که بزودى عناصر دیگر زحمکش - تشنه سازمان و آباد می مبارزه - گرد آمدند.

تاریخ حزب توده ایران سرشار از تجارب سازمانی و سیاسی است. صفوف حزب در مبارزه ی پیگیر با ارتجاع داخلی و هرگونه استعمار و امپریالیسم فترده شد. وقایع گوناگون اشکال متنوعی برای مبارزه میطلید. در جستجوی بهترین راه مبارزه ، حزب همواره ابتکار بنکار برد و در عین حال دچار اشتباهاتی نیز گردید. ولی آنچه بدست آمده است میتواند راهنمایی برای مبارزان آید. فرارگیرد بدین هیچگونه حاسه سرائی میتوان گفت که : حزب توده ایران پیشگام مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم بود و در میان احزاب تشکیل یافته پس از شهبور لژوم و چوکونگی مبارزه علیه امپریالیسمو استعمار نخست حزب توده ایران طرح نمود.

حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی بود که فکر لزوم تشکیل جبهه ی واحد نیروهای مترقی را برای مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم مطرح ساخت و ابتکار عمل را نیز در این زمینه خود بدست گرفت. در مقالات آینده برای اثبات این دعاوی طبق اسناد و مدارک کوشش لازم بعمل خواهد آمد. در این مقاله که پیشتر جنبه ی تئوریک دارد نه تحلیلی به ذکر حوادث بشکل گذرا اکتفا میشود. **حل تاریخ حزب :** 'ران را بنظر نگارنده از لحاظ سازمانی و مبارزات انجام شده میتوان به مرا زمین تقسیم کرد :

- ۱) از تأسیس حزب تا کنگره ی اول (سپرماه ۱۳۲۰ - مرداد ۱۳۲۳)
- ۲) از کنگره ی اول تا عقب نشینی در آذربایجان و کردستان (مرداد ۱۳۲۳ - آذر ۱۳۲۵)
- ۳) فعالیت حزب پس از حوادث آذربایجان تا پایان فعالیت علنی (آذر ۱۳۲۵ - بهمن ۱۳۲۷)
- ۴) فعالیت غیر علنی حزب تا کنگره ی ۲۸ مرداد (بهمن ۱۳۲۷ - مرداد ۱۳۳۲)
- ۵) دوران دیکتاتوری پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در این مقاله که تنها مراحل چهارگانه ی اول را در بر میگیرد ، همین ترتیب رعایت میشود .

مراحل یک - فعالیت حزب توده ایران از بدو تا تأسیس تا کنگره ی اول (سپرماه ۱۳۲۰ - مرداد ۱۳۲۳)

تأسیس این مرحله :

شده بد فعالیت سیاسی و تبلیغاتی آلمان فاشیستی که از چند سال پیش با استفاده از طرق گوناگون آغاز شده بود ، ورود نیروهای متفقین ، سقوط رژیم رضاشاهی ، برقراری دموکراسی های نسبی ، پیدایش احزاب مختلف ، تشکیل حزب توده ایران ، مبارزه ی شدید و مخفیتهای تبلیغاتی حزب توده ایران علیه فعالیت های آلمان هیتلری ، کوشش امپریالیسم انگلیسی برای تسلط مجدد بر سر د ستگا حاکمه کشور ، ورود سید ضیا'الدین طباطبائی بمنظور اجرای نقشه های امپریالیسم انگلیسی ، مبارزه ی شدید و کامیابانه ی حزب توده ایران و نیروهای دمکراتیک علیه سید ضیا' و نقشه های اولیه ی وی ، گامهای امپریالیسم امریکا بمنظور برقراری تسلط اقتصادی و سیاسی و نظامی خود ، رقابت دو امپریالیسم انگلیسی و امریکا در این راه که نتیجه ی آن تعیین خصوصیات حرکت (سهیلی - قسوام -

مقاله ی زمین نوشته ی رفیق نقدی ابتدا کابخدیش در شماره ی اول سال هفتم مجله ی " دنیا " از صفحات ۴۸ تا ۶۸ درج شده است .

نظری به تاریخ حزب

حزب توده ایران که همواره هدف عدو ارتجاع داخلی و امپریالیسم بود ، با رهاد رمعرض حملات هارفرار گرفته است . تعجب ، تمطیل های برون فعالیت حزب ، اشغال اماکن حزبی حتی بهنگام قانونی و علنی بودن آن ، غیرقانونی اعلام کردن و راندن حزب بفعالیت پنهانی موجب میشد که بسیاری از اسناد و مدارک حزبی از میان برود . هم اکنون به بسیاری از اسناد و حتی مطبوعات گذشته حزبی دسترسی نیست .

در اثر انقطاعی که پس از کنگره ی ۲۸ مرداد و پیروزمال ۱۹۵۴ در کار حزبی بوجود آمد ، امروزه بسیاری که به حزب ماری میاورند از تاریخ مبارزات سرا یا اقتصاد این حزب آگاهی ندارند . چه بسا اینها میگویند که هیچکس از این جریان وارد حزب شده اند چیزی به اطلاعات لازم در باره ی فعالیت گذشته ی حزب نیستند .

شرایط تاریخی و دشواری تعالی ها بسیاری از مطالب را برای این عدو از افراد حزبی ناروشن نگاه میدارد و در برخورد با افراد غیر حزبی در مقابل سئوال هایی که مطرح میشود پاسخی که روشن کننده ی واقعیت باشد نمی یابد .

برای آنکه تجربیات گذشته که حزب ما ضمن فراز و نشیب های فراوان مبارزه ی خود بدست آورده است به یوتی فراموشی نرفتند و گذشته ی حزب چنانکه بوده است روشن شود مجله ی " دنیا " در نظر دارد مقالاتی در زمینه ی تاریخ حزب منتشر سازد .

بدیهی است نگارش تاریخ حزب تاریک با چند نفر نیست . از طرفی هم موقوف ساختن این امر به روزی که چنین فرصتی دست دهد بمعنای آن خواهد بود که بسیاری از لاکتها از نظر ها محو شود و با قضاوت در باره ی وقایع جنبه ی تجربی ی بخود بگیرد . ولی میتوان با استناد بصوبات مراجع صلاحیتار حزبی و مطبوعاتی که دسترسی بدان هست تا آنجا که ممکن است رؤس مطالب را روشن ساخت و از اشتباهات جدی صحنه مانده قبل از شرط لاتی که حاوی مراحل از تاریخ حزب باشد بحدید بد شد این مقاله که حاوی نظری عمومی تاریخ گذشته ی حزب با ذکر تواریخ عدوی حوادث است در دسترس خوانندگان گذارده شود .

مقدمه

حزب توده ایران برای ادای کار حزب کمونیست ایران در شرایط خاص پس از شهبور - سور بهی در شرایط اشکال فعالیت علنی بوجود آمد . احزاب متعدد دیگری نیز در جهان وقایع شهبور ۱۳۲۰ و پس از سقوط رضاشاه تشکیل شد ولی این احزاب با پیروی از میان رفتن و با همچنان در حال جنبه ی شکل گریه های جد آگاهی سیاسی باقی ماندند . تنها حزب توده ایران بود که سپاه و شکل واقعی حزبی بخود گرفت ، سرعت رشد کرد و بدل بحریان عظیم و موثر سیاسی گشت .

سهیلی (و موفقیت امریاد درتحمل مستشاران امریکائی تحت ریاست مهلسو است ، توجه خاص حزب توده ایران به تأمین وحدت نیروها بمنظور مقابله باهرگونه د ساس دول استعمارطلب .

فعالیت سازمانی در این مرحله

شوم شهریور ۱۳۲۰ (۱۲۵ او ت ۱، ۴۱) : نیروهای متفقین وارد ایران شد ند . رضاشاه مجبور به ترك سلطنت شد و در تاریخ ۲۵ شهریور بنفع پسرش محمد رضا پهلوی استعفاء داد و زكشور خارج شد . نخستین عقب نشینی ارتجاع در این جریان يك درجه تخفیفی بود كه شاه جد پد طبق حق كه قانون قائل شده است به زندانیان داد . در نتیجه این تخفیف عد آى از كمونیستها در تاریخ ۲۸ شهریور آزاد شد ند .

نخستین سنك: بنای حزب توده ایران از طرف این كمونیستهاى آزاد شده گذارد ه شد . مرحوم سلیمان محسن اسکندری (سلیمان میرزا) كه از مبارزان برجستهی جنبش آزاد پخش مردم ایران بود برای شركت در تاء سیمی این حزب دعوت شد و در نخستین جلسه ای كه در واقعاً جلسه مؤسسان بود صدارت جلسه را بعهده داشت . این جلسه در تاریخ ۷ مهرماه ۱۳۲۰ تشكيل كرد پد . بعد ها حزب توده ای ایران بمنظور احیا سنت باستانی مهرگان تاریخ رسمی تشكيل حزب را ریز دهم مهر اعلام داشت .

در این جلسه كمیتهى موقتى مركب از ۱۵ نفر تشكيل كرد پد .

هیتت مؤسسان بیانیه ای خطاب به مردم ایران حاوی اصول برنامه ای حزب صادر نمود و اعلام داشت كه در این موقع خطر بین المللی و داخلی حزب توده ایران برای مبارزه در راه بسرقراری د مراسی ، در راه حفظ استقلال و تمامیت خاک ایران و كوشش برای يك سلسله اصلاحات مبرم و مورد نیاز مردم ایران با بصرى سیاست مگذارد .

در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۲۰ (۱۶ اکتبر ۱۹۴۱) مجلس ایران زیر فشار افكار عیسوی و فعالیست زندانیان آزاد شده مجبور به گذاردن د قانون غلو عیسوی همهی زندانیان سیاسی شد . كمونیستهاى آزاد شده بى بعمدی نیز به رفقای خود پیوستند و جریان تشكيل حزب توده ایران رونق یافت . با اینکه وجود آزادی های د مكراتيك از طرف مجلس و دستگاه حاكمه اعلام شد و گروههای متعین بوجود آمد هی سیاسی از آن استفاده میگرد ند حزب توده ایران تأییدى بر سمیت شناخته نشد . زیرا ارتجاع ایران (كه هنوز در حالت بهت بسربرد) و حامیان اصیالیستش د رینمای حزب توده ایران را در نظر خود مجسم میداشتند . حزب نتوانست حتى بهانه و برنامهى موقت خود را د مطابق علنی بچسباند و رساند و مجبور شد از وسائل غیر مستقیم استفاده كند .

تنها در اوائل خرمال ۱۳۲۰ بود كه حزب توانست آشكارا قدم در میان مبارزه گذارد و با استفاده از آشنیاری كه سابقاً بنام عباس اسکندری وجود داشت ریزنامهى " سیاست " را بعنوان ارگان مسرکزى حزب منتشر سازد . در این شماره خطاب به مردم ایران چنین گفته میشود :

" حزب ماجز سعادت و خوشی ایران ، یعنی سرزمینی كه با حدود و مشخصات طبیعی و سیاسی در دنیا با این نام شناخته میشود فخری ند داشته و آسایش و رفاه خود را در بقا استقلال تام آن دانسته و برای حفظ آن از هیچكدی كاری مضایقه نخواهد كرد . در شماره ۴ این ریزنامه اصول اساسی مرام حزب داد ه شد . است كه خلاصهی آن عبارتست از : - حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران ، - برقراری رژیم د مكراسی و تأمین کلیهی حقوق فردی و اجتماعی ،

- مبارزه علیه هرگونه رژیم د پكتاتوری و استبدادی .

فعالیتهاى حزب علیه ارتجاع و در راه تأمین حقوق كارگران در همان آغاز مبارزه منجر به كامیابیهای بزرگ شد . صفوف حزب بسط یافت . پس از آنكد مدتى در پكرشته از مراكز كارگری تشكيلات اتحادیه ای و هسته های حزبی بوجود آمد .

در ۱۶ بهمن ۱۳۲۰ حزب خود را قادر پد بهمناسبت ریز شهادت دكتراى ناپیشی تنظیم نماید . علیرغم قدغن دولت در این ریز چند نفر هزار نفر سر مزار اراضی گرد آمد ند و میتنگی بهمناسبتى داد ه شد . عد هی زیادی در این ریز باز داشت و تمیید شد ند . ولی نمایش مزبور كه نخستین تظااهر حزب بود اثر لازم خود را گذارد .

پس از يكسال حزب در اغلب از ایالات و ولایات سازمان داشت . در شهرهای ریز سازمان های ایالتی بوجود آمد : آذربایجان ، اصفهان ، گیلان ، مازندران ، خراسان . مهمترین سازمان ایالتی در تهران بود . در تاریخ ۱۷ سپر ۱۳۲۱ نخستین كنفرانس ایالتی تهران تشكيل كرد پد . در آپسن كنفرانس ۱۲۰ نماینده حضور داشت كه سر و سه نقرآن از ولایات دعوت شده بود ند .

كنفرانس متذ كرشده كه حزب توده ایران متنى به هیچ نیروی جز نیروی مردم ایران نیست و به انكأ این نیروست كه مبارزه میکند و خواهد كرد .

در برنامهى حزب علاوه بر شعار حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران شعارهای اصلی مربوط به مبارزهى حزب بشرح زیر تصریح كرد پد :

- " كارگران ، دهقانان ، روشنگران و پیشه وران متحد شوید "
- " بر علیه هرگونه استعمار كشور ایران مسأ رزه نمائید "

يكی از مبادی كه به برنامهى حزب اضافه شد دادن حقوق سیاسی به زنان كشور بود . كنفرانس با تصویب اساسنامهى حزب اصول سازمانی آنرا ب ریزی نمود . كنفرانس تصمیم گرفت بجای ریزنامهى سیاست ، كه بمناسبت اخراج مد یوران از حزب تعطیل شده بود ریزنامهى " رهبر " بعنوان ارگان مركزی حزب انتشار یابد . در كنفرانس ، كمیته ایالتی تهران مركب از ۱۵ نفر انتخاب شد . این كمیته موظف كرد پد در اسرع اوقات وسائل تشكيل كنكرهی حزب را فراهم سازد و تا موقع بطور موقت وظائف كمیتهى مسرکزى را بعهده گیرد .

در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۲۱ ریزنامهى " رهبر " ارگان مركزی حزب منتشر شد . در عرض يكسال اختراز ریزنامه از د هزاران جایز كرد و از نظر كترت انتشار د وسین ریزنامهى ششمی پس از اطلاعات بود . ضمنی كه مدتها اجازهى تشكيل نمى یافت و حتى كنفرانس ایالتی تهران خود را غیر علنی گذراند اكنون د پكر از طرف ارتجاع بحساب آورد ه میشد . دولت قوام و سپس دولت سپهلی كوشید تا از زندانبندان كان حزب توده ایران در گابینه های خود شركت دهد . منظور اولاً استفاده از نفوذی بود كه حزب هم اكنون بدست آورد ه بود و در ثانى خد شه دار كردن انهرتھی آن . حزب كه با این مابورسیاسی بسرده بود زیر بار چنین شركتی نرفت .

ولی با ستیجش نیروی ریز افزین خود حزب تصمیم گرفت . در انتخابات دوره ۱۴ شركت نماید . ۹ نفر از نامزدهای حزب بنما پندگی مجلس انتخاب شد ند و تشكيل فراكسیون توده را داد ند كه طی دو سال ممر این مجلس فعالیت ثمر پخشى داشت (اسفند ۱۳۲۲ - اسفند ۱۳۲۴) .

بعوازت توسعهی سازمانهای حزبی اتحادیه های د مكراتيك نیز بسرعت بسط یافته و در اول

ماه مه ۱۹۴۴ (اردیبهشت ماه ۱۳۲۳) پس از مبارزه طولانی اتحادیه های موجود دژری در پیک سازمان - شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران - متحد شدند.
 پس از انجام کارزار انتخاباتی سازمانهای ایالتی و ولایتی حزب طبقه کارگران تشکیل گرفتند.
 دادند و نمایندگان خود را برای کنگره انتخاب کردند. نخستین کنگره حزب در تاریخ دهم مرداد ۱۳۲۳ در تهران در کلوب مرکزی حزب با شرکت ۱۶۴ نفر نماینده تشکیل شد و تاریخ ۲۱ مه در آن جریان داشت.

کنگره بدو از سلیمان محسن اسکندری که مرگ وی را از صفوف حزب برود بود تجلیل کرد و سپس گزارش های کمیته ایالتی تهران را که موافقت و طایفه کمیته مرکزی را انجام میداد در زمینه های سازمانی، سیاسی، مالی، فعالیت فراکسیون حزب در مجلس استماع و قطعنامه هائی بطور جداگانه در باره هر یک از این گزارشها صادر کرد.
 کنگره اصلاحاتی در برنامه و اساسنامه حزب وارد کرد، خط مشی عمومی سیاسی حزب را تعیین نمود و کمیته ای بینه را متوجه این نکته ساخت که اکنون در پیک هنگام آن رسیده است که حزب توجه خاصی بکار در روستا معطوف سازد.

کنگره متذکر شد که حزب بجهت ایران با اینکه در این کشور یگانگی حزب بمعنای حقیقی است ولی هنوز نقایص بسیاری در سازمان آن وجود دارد که با بستی مرتفع گردد.
 کنگره سیاست خارجی حزب را " در اصول کلی خود" صویزه از لحاظ مبارزه ای که علیه فاشیسم انجام شده است تا "باید نبود و کمیته مرکزی باید در اموظ ساخت مبارزه خود را برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بر علیه هرگونه تسبیست استعماری که نسبت به ایران اعمال گردد تشدد نماید."
 کنگره "باید فعالیت فراکسیون حزبی خود در مجلس و طایفه خطیری را که در آینده نیز در برابر این فراکسیون فرار داشت خاطر نشان نمود و برنامه کلی عمل آنرا تعیین نمود. کنگره توجه خاصی به لزوم تشکیل جبهه ای واحد همه نیروهای دمکراتیک و ملی علیه ارتجاع نمود و در قطعنامه مربوط به سیاست داخلی با ذکر اینکه خطر دیکتاتوری هنوز آزادی ملت را تهدید میکند یک ائتلاف ملی از افرا و و جرایم آزاد پهلوی را امری لازم شمرد.

در این کنگره کمیته مرکزی جدید عبارت از ۱۱ نفر و کمیسیون تقنینی عبارت از ۹ نفر انتخاب گردید.
 طبق اساسنامه جدید کمیته مرکزی میبایستی دارای یک هیئت سیاسی مرکب از پنج نفر و هیئت دبیرانی مرکب از سه نفر انتخاب کند.
 کمیته مرکزی جدید پس از اجرای انتخابات داخلی و تعیین مسئولیت شعب مختلف بسمه اجرای وظایفی که از طرف کنگره به آن محول شده بود آغاز کرد.

مبارزه سیاسی حزب در این مرحله

مرامی تاریخ حزب بجهت ایران مبارزه بیکری علیه ارتجاع داخلی، امپریالیسم و هرگونه تسبیست استعمار کثیر بوده و هست. در دوران پس از شهریور حزب خود را ایران نخستین حزبی بود که مبارزه با استعمار و امپریالیسم را در برنامه خود گذارد و اجرا نمود. در همین مبارزه علیه هرگونه استعمار لیبی نیز این مبارزه متوجه امپریالیسم و استعماری بوده است که در آن مرحله خطر صده رانشکلیب میداده است.
 در بدو تشکیل حزب این خطر کشور ما را از جانب آلمان هیتلری بیش از هر امپریالیسم دیگری تهدید مینمود. عمال آلمان هیتلری در کاپی شئون کشور رخنه کرده بودند. آنها تا پلانی را که نسبت

به آلمان بطور کلی وجود داشت و مبتنی بر یک سلسله وقایع گذشته بود. ماهرانه مراد استاد فرار میدادند و از این راه مواضع نسبتاً محکمی بجزیه بین قشرهایی از روشنفکران بدست آورده بودند. تشکیل احزاب و گروههای "غیر حزب کیود"، "ملیون"، "پیکار"، "میمن پرستان" و نظائر آن تاحد زیادی متکی باین مواضع بود.

وجود چنین ریشه های سنتی کار مبارزه علیه تبلیغات آلمان فاشیستی را دشوار میساخت.
 حزب خود را ایران قبل از هر حزب دیگری برای این مبارزه کمر بست و دست بکار جسدی افشائی و ایضاً جاری زد و از رو بردن با خطری که از جانب عمال فاشیستی متوجه آن بود نهراسید.
 برای مبارزه ای دینولیک و افشائی علیه فاشیسم، روزنامه "هیریه ضد فاشیستی" مردم " تا" سپس شد.

در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۲۰ نخستین شماره این روزنامه منتشر گشت. کارکنان این روزنامه از این مبارزه سر بلند بجهن آمدند. روزنامه "مردم" پس از مدتی کثرتزد و سال در شماره ۲۱ مه رساله ۱۳۲۲ خود بحق نوشت:

" اگر امروز ملت ایران در افکار ضد فاشیستی خود به پایه ای رسیده است که دولت ایران خود را مجبور میداند به دولت آلمان اعلان جنگ دهد... ما کارکنان روزنامه "مردم" فخر و مباهات میکنیم... که در پاسیدن تخم این افکار ضد فاشیستی پیشقدم بوده ایم و بزرگترین ضربه را بدست نشانندگان فاشیسم در ایران وارد آورده ایم."

در همین حال همان روزنامه "مردم" اعلام داشت که نباید اعلان جنگ ایران را به آلمان فاشیستی بمعنای دشمنی با ملت آلمان تلقی نمود که فلا سفه، نصیحتگان، شعرا و هنرمندان نیز که بدیده آورده است.

" هر وقت این ملت خود را از بوخ فاشیسم نجات داد و حکومتی کاملاً ملی تشکیل داد ما روابط خود را با آلمان دیکرات مانند سایر کشورهای دیکرات برقرار و تقویت میکنیم" (مردم، شماره ۱۵۷).

مرکز مبارزه علیه آلمان فاشیستی بمعنای اکتفا باین مبارزه نبود. نیروهای دیکرات استعماری - امپریالیسم انگلیس و آمریکا - هر یک از راه در دیکرات زمینه سازی برای تحکیم و بسط نفوذ خود بودند. این رقابت بصورت روی کار آمدن این یا آن حکومت طرفدار امپریالیسم جلوه مینمود. روی کار آمدن حکومت قوام در مرداد ۱۳۲۱ و تصویب لایحه استخدام دیکتر میسپو که بخش اقتصاد کشور را بدست امپریالیستها میسپرد، برکشتن سهیلی ب نظام نخست وزیر در سپتامبر ۱۳۲۲ در واقع پیشبرد مجدد سیاست انگلیس بود.

مواضع محکمتر در این مرحله امپریالیسم انگلیس داشت. نقشه امپریالیسم انگلیس این بود که برای تثبیت هر چه بیشتر این مواضع یکی از سر سودگان پارچای خود را به زمانداری برساند. بدین منظور سید ضیاالدین پس از تبلیغات مقدماتی بطنیل با تجلیل بمسابقه ای در آذر بهار ۱۳۲۱ وارد ایران شد و با دخالت مستقیم مستر رالین کنسول انگلیس از بزد به وکالت مجلس انتخاب گردید.
 مبارزه علیه سیاست امپریالیسم انگلیس و عمال این سیاست که در صفوف و اطراف حزب ساخته شده از طرف سید ضیا" گرد آمده بودند (که نخستین آن حزب وطن بود) جهت تصدی سیاست حزب خود را ایران را در این مرحله و در مرحله بعدی تشکیل میداد. حزب ما پیشاهنگ این مبارزه بود. کارزاری که حزب خود را ایران عا به سید ضیا" الدین بمنظور افشا و شناساندن وی به مردم

ران برپانمود در تاریخ فعالیت احزاب سیاسی همسایه بود. بد نهای نمایش چهل هزار نفری که در دهان سنکلیج تهران برای نخستین بار (در تاریخ ۲۵ مهرماه ۱۳۲۲) برپا شد. پنجمین شعار "مرد به باد خد ضیا" در همین شهرهای بزرگ کشور منعکس گشت و یکی پس از دیگری در این شهرها نمایشهای بده ای داده شد و سپس تلگراف های اعتراض بسوی مرکز روان گشت.

در پایان بهمن ماه در جمع بندی که روزنامه "رهبر" از این تظاهرات بعمل آورد بد رستسی وشته شده بود. ما میتوانیم به این نکته تصور اغراق گوی یا لاف زنی برو خود را قهرمان شکست نقشه-دانی بدانیم که استعمار برای رونق کار سید ضیا" طرح کرده بود (رهبر، ۱۰ بهمن ۱۳۲۲).

ولی عده دانستن جهت مبارزه علیه د سانس آلمان هیتلری و امپریالیسم انگلیس بمعنای آن بود که حزب تودا ایران مقدمه جینی های تجاوزی امپریالیسم امریکارا بمنظور بسط پس از جنگ این تجاوز نمود بد. حزب تودا ایران قبل از هر حزب و یا گروه سیاسی دیگر برای افشا" سیاست امپریالیستی می کلام برداشت و توجه آنهاش را که امریکارا واقعا بی طرف میدانستند و پا در این زمینه گمراه شده بودند باین نکته جلب میکرد که :

" امروز امریکا یکی از عوامل موثر سیاست بین المللی است و باید دانست که در مورد ایران ناظر بی طرف نخواهد بود و در هیچیک از امور سیاسی و اقتصادی کشور بد نظر نیست".

چنانکه خواهیم دید بعد ها نیز پرچید اراضی مبارزه علیه امپریالیسم امریکا، حزب تودا ایران شد.

مرحله دوم - از پایان کنگره تا حوادث
اذربایجان (مرداد ۱۳۲۳ - آذر ۱۳۲۵)

شناختن این مرحله :

توسعه سریع صلیف و سازمانهای حزب، بسط عمومی جنبش دمکراتیک، نگرانی ارتجاع و امپریالیسم از اوج جنبش، آغاز تعرض آشکار ارتجاع بکمک د و امپریالیسم انگلیس و امریکا (با فعالیت بیشتر امپریالیسم انگلیس)، پیروزیهای جنبش در اذربایجان و کردستان، عقب نشینی موقت ارتجاع بمنظور گردآوری و آرایش نیرو، حمله جبهه متحد نیروهای ارتجاع و امپریالیسم برای سرکوب جنبش اذربایجان و کردستان که منجر بشکست جنبش در آن سامان گشت.

فعالیت سازمانی حزب در این مرحله

بمنظور اجرای دستور کنگره اول در مورد تقویت کار در روستا، رهبری حزب در اوائل پائیز ۱۳۲۲ تصمیم به تشکیل اتحادیهی دهقانان گرفت. برنامهی این اتحادیه بانوجه به مسائل حساس مورد ابتلا" دهقانان تنظیم گردید که عده ترین مواد آن عبارت بود از مبارزه علیه رژیم ارباب - رعیتی، تقسیم بلا عوض زمینهای خالصه، بازخرد و تقسیم بلا عوض زمینهای اربابی. مبارزه ریز مرهی این اتحادیه از بسیاری از نقاط منجر به کامیابیهای قابل توجه در زمینه لغو بیگاری ها و جلوگیری از تجاوز مالکین گردید.

شماره های اتحادیهی دهقانان چندین صد هزار دهقان را در صفوف آن گرد آورد. در اواخر سال ۱۳۲۵ اتحادیه درگیلان، مازندران، کرمان، خراسان، همدان، کرمانشاه، اصفهان،

فارس، تهریز، اراک، یزد دارای سازمانهای وسیع بود. اصلاحات ارضی در اذربایجان پس از تشکیل حکومت ملی به بسط نفوذ حزب در روستا تکمیل بسیار گرد.

کوشش بیکر حزب برای تشکیل جبهه واحد نیروهای مترقی بمنظور حفظ و بسط آزادی بر ساری بک آمد. و جلوگیری از بازگشت د پکتائیری در اواسط تابستان ۱۳۲۳ بشمر رسید : جبهه ای از مدبران جرائد مترقی و نویسندگان زیر عنوان " جبهه آزادی " بوجود آمد. این جبهه در بهمن ماه همان سال هدف خود را اعلام داشت : حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت خاک ایران و مبارزه قلمی علیه هرگونه سیاست استعماری، مبارزه شد بد برای برقراری حکومت ملی بر اساس قانون اساسی و رژیم دمکراسی ...

در این مرحله سازمان جوانان حزب، در دانشگاه و بین دانش آموزان فعالیت بشرفشسی انجام داد. سازمان ویژه ای در جنب حزب برای زنان بوجود آمد.

نفوذ حزب از مرزهای سرپازخانه ها نیز گذشت. افسران مهین د وست بسوی حزب رو آوردند. ریز ۱۲ فروردین ۱۳۲۴ هنگامی که نمایش سپار حزب تودا ایران خط سیر خود را در جهت بسط آن بپارستان قرارداد گروهان نظامی ما مور جلوگیری از حرکت بسوی مجلس برای اولین بار در تشارخی جنبش آزاد یعنی مردم ایران بفرمان فرمادند خود از دستور داده شده از طرف فرمانداری نظامی سر پیچید و راه را برای نمایش دهندگان بازگرد. در همان ریز نمایش دهندگان هنگام عبور از میدان سه باگلف زن نمود استقبال سرپازان گروه های دیگر ما مور مراقبت قرار گرفت.

کامیابیهای حزب در تجهیز کارگران، رخنه به روستا، در جلب جوانان و دانشجوسان و مطبوعات مترقی و بالاخره نفوذ ریز افزاین در ارتش موجب تکرانی افراوان د سنگاه حاکمه و ارتجاع را فراهم کرد.

توطئه همه جانبه علیه حزب آغاز شد. رجالی منتسب به سید ضیا" الدین و حزب " وطن"، اشرار مسلح در نزوحی مازندران با پشتیبانی شخصی ارفع رئیس ستاد ارتش، صاحبان کارخانه هسای اصفهان با پشتیبانی آشکار شهربانی، مالکین دردهات بکک زاندر امری، از هر سو سازمانهای حسیزب تودا ایران را در معرض حمله و هجوم قرار دادند.

در ۱۴ بهمن ۱۳۲۲ در یزد رجالی منتسب به سید ضیا" الدین بانقبت شهربانی کلسوب حزب ارتش زدند. ششم فروردین ۱۳۲۴ حملهی عمومی به سازمانهای اصفهان آغاز گردید، کلوبهای حزب و اتحادیه با تاراج شد، اتحادیه های قلابی که بدست کارفرمایان تشکیل شد کارگران را در معرض فشار و تطمیع و تهدید قرار داد و موفق به تعطیل اتحادیه های دمکراتیک و سازمان علنی حزب شد. از اینیه سال ۱۳۲۳ بعد در سرتاسر مازندران اشرار مسلح کلا رستاق که از طرف ستاد ارتش مسلح شده بودند از سازمانهای حزبی تودا سلب آسایش کرده، بضر و شتم اعضا" حزب و غارت اماکن حزبی آغاز کرده بودند.

افسرانی که حاضر بشرکت در حزب فاشیستی نهضت ملی ارفع نبودند و باظن آزاد پخواهی در باره شان میرزت نقاط دور دست و بد آب و هوا تبعید میشدند و بااصطلاح تغییر ما موریت می یافتند. ارتجاع برای اجرای نقشه های ضد دمکراتیک خود لازم بد حکومت را بدستی نیرومند تر و شخصی متفکک بسپارد که در بخین کشیدن آزاد پخواهان تجربه ای دراز دارد. این شخص را در جوسد صد را لاشرف جلال معروف صد ر مشروطیت یافت. با اینکه اکثریت مجلس نسبت به نخست وزیر صد ر اظهار تمایل کرده بود اقلیت نیرومند با ایستروکسیون خود حکومت را در حال غیر قانونی نگاه داشتند. تراکسیون حزب تودا ایران وزنه قابل تامل تیر این اقلیت بود که پس از تلالا ش آن نیز در مواضع خود باقی ماند و باحکومت صد ر مبارزه کرد.

سازمان تهران حزب توده ایران با استفاده از آخرین امکانات فعالیت آزاد دوسین کنفرانس ایالتی خود را در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۲۴ گذراند.

حکومت غیرقانونی صد رجلسه عمومی رابه سازمانهای حزبی آغاز نمود. کلهها واماکن حزبی از طرف ارتش تصرف شد و پناخت رفت.

فشار د سنگاه حاکمه و تضییقاتی که بطیقات زحمتکش و بخصوص دردهات برای فرو نشانیدن جنبش دهقانی وارد میشد درآذربایجان دامنهی وسیعی پیداکرد. سیل تلگرافات و نامه های شنکاپتاز سرسرا درآذربایجان باریدن گرفت و صفحات جرائد تهران را پرکرد. - شنکاپاتی که حکومت وقت کوچکترین اثری برای ان قائل نبود.

تضییقات درارتش نیز به عکس العمل هائی برخورد که مهترین آن قیام افسران خراسان بسا شرکت عده ای از افسران تهران بود که در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ شروع شد و با اینکه پس از چند روز بخون کشیده شد تا " شیر بسزای از خود باقی گذارد" رجوع شود به مقالهی نگارنده دربارهی ارتش - - - - - مجله " دنیا " سال ششم ، شماره ۲) .

جنبش وسیع آذربایجان و کردستان که د سنگاه حاکمه میکشید با ایجاد رعب و تضییقات گوناگون آبرماتلشی سازد توانست نیروی خود را در مقابل ارتجاع متشکل سازد و از حالت دفاعی دست به تفرص بزند.

در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ فرقه دکرات آذربایجان تشکیل شد و باتوق بی سازمان ایالتی حزب توده ایران که به آن پیوست پس از سه ماه مواضع ارتجاع را در هم شکست و در تاریخ ۲۱ آذر قدرت حاکمه را بدست گرفت.

ناکامیهایی دولت صدر در سیاست اختتامی که پیش گرفت و عدم موفقیت دولت حاکمی که پس از صدر در صد فرو نشانیدن جنبش آذربایجان و کردستان برآمد ارتجاع را متوجه عدم کامدگی و ناپسندگامی حلا تشر کرد و اادار بعقب نشینی موقت نمود. زمام امر به احد قوام سپرده شد.

زمامداری قوام که بمنظور تجمع و تجهیز نیروهای ارتجاع سرکار آورده شد در عین حال تنفسی هم برای جنبش دکراتیک بود . ارتجاع جبر بود که آزاد بهای گرفته شده از احزاب مترقی را ولو بطور موقت هم شده است بازگرداند.

درواقع دوران حکومت قوام تا مدتی دران رقابت مسالمت آمیز بین نیروهای آزاد خواه و ارتجاع برای تجمع قیامنظور مقابله بعدی بود. سرخوشت این مبارزه بسنگی داشت باینکه کامد از طرفین بهتر بتواند از این تنفس استفاده کند.

حزب توده ایران از روز نخست باین نکته توجه داشت و لذا از یکسو برای تضعیف مساوضاع ارتجاع و از سوی دیگر برای تشکیل جبههی واحد نیروهای دکراتیک کوشاید - - - گو اینکه د نرساتیک اجرائی سیاست خود از اشتباه بدور نبود.

نخستین مبارزه حزب پس از یافتن امکان آزادی عمل، علیه تعدد دورهی چهاردهم مجلس بود. مجلس چهاردهم که قانون تحریم انتخابات و موکول نمودن آنرا بخرچ کامل نیروهای متفقین تصویب کرده بود اکنون درسدان بود که دورهی فعالیت خود را بند نماید.

در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۲۴ کمیتهی مرکزی حزب توده ایران و شورای متحدی مسرکسری کارگران که نیروی مدعی جنبش را در آرزوی تشکیل میدادند متفقا قطعنامه ای صادر کردند که در ان اعلام مبارزه جدی با این تمایل مجلس شده بود.

پس از این اعلامیه مجلس در محاسرهی آزاد پخوانان درآمد و تا پایان مدت قانونی خود امکانتی برای تشکیل جلسه بدست نناورد تا اینکه در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ پایان دورهی آن از طرف دولت

اعلام گشت

درجهان این مبارزه فراکسیون توده نیز بطرز موفقی در داخل مجلس عمل کرد و بسرای آخرین بار نقش خود را ایفا نمود. فعالیت فراکسیون حزبی توده از لحاظ اهمیت خود در تاریخ مشروطیت ایران نظیرنداشت و موضوعی است محتاج به طالعصی کافی وجداگانه.

اول ماه مه ۱۹۴۶ حزب توده ایران و شورای متحدی مرکزی نیروی خود را سان د بدند. در این ریز در تهران ۸۰ هزار نفر و در ولایات ۲۵۰ هزار نفر روزه رفتند.

کوشش پیگیرانهی حزب توده ایران برای تشکیل جبههی واحد نیروهای دکراتیک برای مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم نیز در خود را بخشید. این کوشش در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۲۴ منجر به تشکیل جبههی موفی تلف احزاب آزاد پخواه مرکب از حزب توده ایران و حزب ایران شد که هر دو در عین حال شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکش را بعنوان یگانه سازمان صنفی کارگری اسپران برسمیت شناختند.

بعوازت کوشش برای ائتلاف با احزاب مترقی با برخی از سازمان ها و با گروههای سیاسی نیز وحدت سازمانی بعمل آمد. باجمیعت دهقانی " مختلط ملی " (۸۱۹ ر ۱۳۲۵) ، با سازمان جوانان حزب آزادی (۸ ر ۱۳۲۵) ، با سازمانهای حزب مهبین در خراسان (۲۷ ر ۱۳۲۴) و در کرمانشاه (۱۴ ر ۱۳۲۵) .

در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۲۵ قوام تصمیم به تشکیل حکومت ائتلافی گرفت. در این حکومت ۴ نفر از جبهه موفی تلف احزاب آزاد پخواه (سه نفر از حزب توده ایران و یک نفر از حزب ایران) شرکت داده شدند.

بدیهی است که منظور اصلی قوام استفاده موقت از نفوذ این جبهه و شرکت دادن آن در مسئولیت اقداماتی بود که در نظر داشت بعدا انجام دهد.

حزب به این مطلب توجه داشت. مهبذ تصمیم گرفت در دولت شرکت کند تا بتواند از امکانات موجود برای تقویت سازمانهای خود استفاده نماید.

درواقع هم در این دوره سازمانهای حزب احیا شد و بسط یافت و رخنهی حزب در پوستسا زوف شد. اتحاد بهای دکراتیک در نگاههای نفت جنوب و کرمانشاه که در خلفا فعالیت میکرد نسد سازمانهای خود را اعلامی کردند و به مبارزه ی وسیع علیه دخالتهای شرکت نفت در امور سیاسی و انتظامی دست زدند.

بمنظور احیا جشن ملی مهرگان حزب جشن پنجمین سالگرد خود را به این روز انداخت و انرا میدان " سیس خود قرارداد. ریز دهم مهرماه ۱۳۲۴ یعنی پنجمین سالگرد حزب و نخستین جشن مهرگان بنامش عظیم و بهسابقه ای منبرگشت که تنها در تهران بیش از ۱۰۰ هزار نفر در نمایش و روزه شرکت کردند.

قوام نیز نیروهای ارتجاعی را در یکجا مرکز میداد. برای این منظور در تیرماه ۱۳۲۴ حسرت دکرات ایران را تشکیل داد و احزاب دیگر ارتجاعی رفته رفته منحل شدند و بدان پیوستند. این حزب با استفاده از تک نیروهای انتظامی دست بکار ترسب و تضعیف سازمانهای حزب توده ایران گشت.

دراوا تل پاییز ۱۳۲۵ ایلات جنوب با الهام از خود مرئز علیه دولت قوام کردند. قوام ظاهرا خود را آماده ی مقابله نشان میداد و سر لشکر زاهدی را مامور فرو نشانیدن غائله نمود. ولی بزودی اعلام داشت که این جنبش را نیز بعنوان جنبش دکراتیک مینماید و دست از مقابله با آن کشید.

در مقابل این اوضاع و احوال واقدامات ماقبل انتخاباتی که از طرف قوام بعمل آمده بود حزب در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۲۴ تصمیم گرفت بشرکت در کابینه پایان دهد.

از این پس دولت خود را آشکارا آماده ی حمله به آذربایجان و کردستان کرد و مستقیما از

امریکا لیس آمریکا ملک گرفت.

حزب بود. ایران آخرین کوششهای خود را برای گردآوری همی نیروهای دمکراتیک بخار برد. نهایت در آبان ماه ۱۳۲۵ فرقه دمکرات آذربایجان و حزب، مکررات کردستان و نیز احزاب سوسیالیست و جنگل به "جبهه مو" نلف احزاب آزاد بخواه" پیوستند. ولی این تاخیر در وحدت عمل امکان آنرا نداده که ستاد واحدی که بنیاد جنبش راهما هرنگه کند. و رهبری عمومی آنرا در دست گیرد بوجود آید. بنظر نگارنده، نبودن وحدت عمل همی نیروهای آزاد بخواه کشور را باید یکی از علل شکست جنبش در آذربایجان و کردستان دانست.

مبارزه سیاسی و ضد امپریالیستی حزب در این مرحله

در این مرحله امپریالیسم انگلیس، آمریکا در عین اینکه رفائشان در اواخر جنگ و بجزه پس از پایان آن شدت در مقابل اوج جنبش آزادی ملی که حزب بود. ایران براساس آن قرارداد اردت عمل میکنند. ولی اگر در پایان این مرحله یعنی بهنگام جنبش آذربایجان و کردستان و در سرکوب این جنبش امپریالیسم امریکائی نقش درجهی اول را بازی میکند در عین تمام دوران، با نگرانی امپریالیسم انگلیس است. این امپریالیسم با استفاده از عوامل بسیاری که میان اشراف کشور، جوانین و روشنفکران در همه جا، نیروهای ارتجاعی را علیه حزب بود. ایران و جنبش کارگری تجهیز میکند. نقشه های هجوم به سازمانهای حزب بود. ایران، درهم شکستن اعتصابها، تشکیل اتحاد به های عشائرس، تجهیز اراذل و واباش برای ضرب و شتم فعالین جنبش غالباً بدست مأموران سیاسی و نظامی انگلیس و حتی با حضور آنها طرح میشود.

بهمین جهت است که در این مرحله حزب ما در مبارزه خود علیه امپریالیسم انگلیس و آمریکا مجبور است لبهی نیز مبارزه را متوجه امپریالیسم انگلیس و عمال داخلی آن بسرکردگی سیدضیا و حزب وی سازد.

نیزه ای چند از حوادث، چگونگی اوضاع سیاسی و فعالیت انگلیس ها را روشن میسازد:

در بهمن ماه ۱۳۲۴ انگلیس ها برای توسعه اتحاد به های عشایر جنوب، مسلح ساختن و آماده نگاهداشتن آنها در مقابل جنبش دمکراتیک مشغول کار میشوند. روزنامهی رهبر (مار ۱۳۲۳) تحت عنوان "خطر در جنوب" بتفصیل برده از روی این نقشه بر میدارد.

در اوایل تیرماه ۱۳۲۴ بدو کانفرانسی از روسای عشایر در چهارمحال اصفهان با شرکت مستر ضعیف، دبیر سفارت انگلیس و کنسول انگلیس در اصفهان، صارم الدوله و مصمص بختیاری تشکیل میشود.

سپس در تاریخ ۲۱ تیر جلسهی دیگری این کانفرانس تشکیل میگردد که مستر گلد کنسول انگلیس در اصفهان، صارم الدوله، مصمص بختیاری، نماینده هی قوام و دیگران در آن شرکت میکنند. در این کانفرانسها چگونگی مبارزه بانجست و بخصوص با حزب بود. ایران مطرح است.

در شرح نیز نظیر این اقدامات بدست کلنل اسمیت سرکنسول بریتانیا در مشهد جریان دارد. نخست در سبزوار و سپس در کاهنور و بعد در تربت حیدری حزب بود و اعضا آن مورد تهنیتساجم قرار میگیرند.

در تیرماه ۱۳۲۵ اعتصاب بزرگ کارگران شرکت نفت جنوب بدست عشایر مسلح بخون کشیده میشود. نقشی این حمله از طرف مستر اسکین مستشار سفارت انگلیس که یکروز پیش به خوزستان آمد، کشیده شده بود و شرح آن در شماره ۶ آر آر ۱۳۲۵ روزنامهی رهبر آمده است. مجوزات این اقدامات که در غرب نیز توسط مأمورین سیاسی انگلیس انجام میشد و سایر اقدامات

پس برده ای، مطبوعات انگلستان نیز حزب بود. ایران را آماج حملات خود ساخته بودند. مقالات این جرائد و سفارت انگلیس در تبران کثیر میشوند و برای جرائد منتسب به انگلیسها ارسال میگردد. در مقاله ای که بقلم کلیر در روزنامه دلی میل نوشته شده و باعجله برای جرائد مرکز ارسال گشته بود روش حزب بود به روش تازیهای آلمان مقایسه میشد که با پستی ناآن مبارزه کرد. روزنامهی "رهبر" در شماره ۱۲ مرداد ۱۳۲۴ این عمل را صاف مستقیم سفارت انگلیس دانست و شدیدا به آن اعتراض کرد.

عالم داخلی امپریالیسم انگلیس - سیدضیا - اهلین و طرفدارانش - نیز پس از آنکه حزب "وطن" گارش به روشنگری گرائید دست به تشکیل حزب نین "ارادۀ ملی" زدند که میایستی از جبار کشته بهره اندوزی کند و مرکز تجمع احزاب دیگر ارتجاعی قرار گیرد.

ولی عقب نشینی موقت ارتجاع پس از حادثه قیام انسران و بجزه پس از اوج نهجست در آذربایجان و کردستان به نقش سیدضیا و جنبش پایان داد.

نوبت به قوام و حزب دمکرات ایران رسید که با کمک مستقیم امریکائی جنبهی واحد ارتجاع و امپریالیسم را باطل نمود.

مرحله سوم - از شکست جنبش در آذربایجان و

کردستان تا پایان فعالیت علنی حزب بود. ایران

شاخصی این مرحله:

فراغت ارتجاع از مسئله آذربایجان و کردستان، فوشش برای تلاش حزب بود. ایران، بحرا داخلی حزب، انشعاب در حزب، تجزیه جنبهی واحد امپریالیسم به عناصر اولیه و تشدید رقابت میان امپریالیسم انگلیس و آمریکا و عمال داخلی آنها بر سر بدست آوردن کرسیهای مجلس پانزدهم. کوششهای امپریالیسم انگلیس برای تثبیت مواضع خود، تعرض امپریالیسم آمریکا بنظر بد کسردن رقیب انگلیسی از عرصه سیاسی ایران - خروج حزب بود. ایران از بحران داخلی، رونق فعالیت حزب، زمینه جنبی ارتجاع برای حمله مجدد به حزب بود. ایران و انحلال آن، سو قصد نسبت بشاه و استناد هی ارتجاع از این سو قصد علیه حزب، پایان فعالیت علنی حزب بود. ایران.

فعالیت سازمانی در این مرحله

سرکوب جنبش آذربایجان و کردستان میدان وسیعی برای حمله حزب بود. ایران گشود. ارتجاع که مطمئن بود میتواند حزب را با حملات غیر مستقیم و موضعی متلاشی سازد، بنظر ظاهر بوجود آزادی احزاب از اقدام رسمی علیه حزب خود داری کرد. ولی ضریبات خود را عملاً از هر سو وارد میساخت. لذا حزب تا مدتی اجباراً در حال نهم علنی و یاد راهی اصلیش در حال مخفی میسرید نمود. بحثهاش که در داخل حزب بواسطه شکست جنبش آذربایجان بوجود آمد تا تیرمندی خود را بخشید. بود. برای ارباضهای تماس بیشتری با کارها و سازمانهای پائینی حزب لازم بود و حال آنکه وضع نهم علنی این امکان را محدود میساخت.

گروهی که تحت رهبری ذلیل ملکی بعنوان اصلاح طلبان از کنگره اول در حال این هیوس بود احساس نمود که از این وضع اشته میتوان استفاده نمود. رهبری حزب در معرض حملات شدیدا پسین گروه قرار گرفت که میخواست رهبری را در کنار این شکست گناهکار جلوبه دهد.

با در نظر گرفتن اهمیت موقع، کمیتهی مرکزی تصمیم به ترمیم رهبری گرفت. بدین منظور شورای

مرکز از کمیته مرکزی، کمیسیون تشکیک منتخب از کنگره باضافه سه نماینده از کمیته ابائلی تهران و دو نماینده از طرف کمیسیون تخفیف ابائلی تهران تشکیل داد. بنابه تصمیم این شورا هیئت بنام هیئت اجرائیه مؤقت تشکیل گردید که بعد ها با برنامی در نظر گرفته می آن به ۹ نفر رسید.
هیئت اجرائیه مؤقت مامور شد کنگره حزب را دعوت نماید و تا موقع کار حزب را خود اداره نماید. طبق تصمیم هیئت اجرائیه مؤقت روزنامه "مردم" بجای روزنامه "رهبر" ارگان مرکزی حزب گردید.

شماره اول روزنامه "مردم" در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۲۵ نشر یافت که حاوی اعلامیه هیئت اجرائیه مؤقت بود.

بدین طریق حزب توانست حبران صبیح سازمانی را که در نتیجه شکست آذربایجان و کردستان بوجود آمده بود در مدت کوتاهی (۲۵ روز) بعد قابل توجهی تقلیل دهد و کار حزب را در مجرای سازمانی معینی بیاندازد.

نخستین اعلامیه هیئت اجرائیه مؤقت که تحت نام "شیر افکار منشئت انرژی و بیوزره تحت فشار گروه خلیل ملکی" نوشته شده بود در مواردی از موضعگیری، صحیح سیاسی در شده و جنبه های فرسایشی خود گرفته بود. ولی هیئت اجرائیه مؤقت بزودی به اشتباهات این اعلامیه پی برد و کوشید با تکیه با افکار صوبی و بیوزره فشار کارگری حزب خود را از زیر فشار گروه تسلیم طلب آزاد کند.

سرطالی شماره پنج روزنامه ارگان مرکزی حاکی از تصحیح خط مشی حزب بود. اعلام شد که حزب هیچگونه تغییر در هدفها و خواستههای خود نخواهد داد و گامی هم از برنامه خود عقب بر نخواهد داشت.

این آغاز تجدید مبارزه میان سیاست تسلیم طلبانسی خلیل ملکی و اکثریت قاطع هیئت اجرائیه بود. خلیل ملکی گروهش را "پروتیسم و رومینوئیسم خود را زیر پرده اصلاحات پنهان می ساختند و باین ترتیب دامی برای جلب بسیاری از جوانان و روشنفکران علاقمند به حزب گسترده بود نه در وسوسه کنفرانس ابائلی تهران که روز پانزدهم تیر ۱۳۲۶ تشکیل گردید هنوز تا "تیر این الفکار" دیده میشد.

ولی سیاست صحیح هیئت اجرائیه بزودی برده از روی خطای برداشت. تصمیم هیئت اجرائیه بتوسعه فعالیت ترویجی و اتنماعی علاوه بر نشر مقالات و رسالات بصورت جلسات وسیع بحث و انتقاد نیز بمرور اجرا کرد. مسائل گری در این جلسات به بحث گذاشته میشد، طرفین اظهار نظر میکردند، افراد حزبی امکان داشتند قضاوت و موضعگیری کنند.

جاسات بحث و انتقاد و تبلیغات یکپارچه حزب زمینه را از زیر پای گروه تسلیم طلب کشید. مخالفین که امید بسته بودند کنگره ی آینده را نیز تحت نام "شیر افکار خود بگیرند وقتی بناگامی خود اطمینان حاصل کردند تصمیم به تسریع انشعاب گرفتند.

در ۱۳ تیر ۱۳۲۶ نخستین بیانیه انشعابیهون دایره انشعاب از حزب و تشکیل "جمعیت سوسیالیست خود ایران" باضا" خلیل ملکی و عده ای از کادرهای حزبی منتشر گردید. در همان سرور خطاها بود و یکی پس از دیگر روز رساله ای حاوی مواضع انشعابیهون منتشر شد.

خلیل ملکی که در کنگره اول حزب از مواضع ماورا" انقلابی دم زد و عمل شرکت حزب را در انتخابات خیانت شمرد و بدین ترتیب عده مهمی را متوجه خود ساخت اکنون راه پارلمانی، مسالمت سازش در مقابل هیئت حاکمه و طرد هرگونه سیاست انقلابی را پیش پای حزب میگذاشت. بدینهاست که چنین راهی در مقابل کادرها و افراد حزب که در وانی برآز مبارزه جوانان را گذراند بود. در پاسخ فرزندم هیئت اجرائیه ۹۸٪ اعضا "حزب انشعاب را

محکوم کردند. انشعاب به آگاهی افراد حزب برخورد و درهم شکست.
در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۲۶ اعلامیه انشعابیهون منی برانصراف از تشکیل حزب جدید منتشر گشت. عذر بد تراژیکه این اعلامیه آن بود که هیئت اجرائیه خواست آنها را در مقابل حزب قرار دهد و آنها لازم دیدند از مبارزه با حزب اجتناب ورزند.
فراغت از مبارزه با انشعاب به حزب امکان داد باگامهای سریعی بسوی تشکیل دو سیم کنگره حزبی برود.

در تاریخ پنجم اردیبهشت ۱۳۲۷ (۲۵ آوریل ۱۹۴۸) دو سیم کنگره حزب تشکیل گردید. در کنگره ۱۱۸ نماینده از کلیه سازمانهای حزبی جز آذربایجان و کردستان حضور داشتند. کنگره پس از استماع گزارش هیئت اجرائیه مؤقت:

در قسمت سیاست خارجی برای مبارزه ای که حزب طی مدت میان دو کنگره علیه امپریالیسم بیوزره امپریالیسم انگلیس انجام داد و بود ارزش فراوانی قائل شد، از سیاستی که اکنون دولت برای نزدیکی با امپریالیسم متعصب میشود. مخصوصا نسبت به فرانسه دادیم. این منعقد در ۱۱ اکتبر ۱۹۴۷ اظهار انزجار و تنفر نمود، مبارزه مردم چین، یونان، اندونزی و ویتنام را در راه آزادی خود ستود، ارزش بسیاری برای مبارزه فرانسهون حزب در مجلس قائل شد، ارزشهای حزب را در باره جنبش آذربایجان و کردستان تأیید نمود، قطعنامهی خاصی در مورد انشعاب صادر نمود، انرا محکوم کرد و صلی دانست که بهر جهت نفع امپریالیسم و ارتجاع بوده است.

طبق تفسیراتی که در اساسنامه داده شد کنگره ۱۹ نفر را برای عضویت اصلی و ۱۶ نفر را برای عضویت مشاوره کمیته مرکزی انتخاب کرد. دوران پس از کنگره دوم دوران رشد سریع حزب در محیط سالم و خالی از اختلالات است. طی ۹ ماه فعالیت علنی خود، حزب در تنظیم کار سازمانهای حزبی کامیابهای سریعی برداشت. هنگامیکه سایر احزاب از بین رفته و یگانه حزب موجود یعنی حزب دمکرات ایران در چار پیمانی و پراکندگی شده بود. حزب خود ایران بدل به یگانه حزب منظم کشور شده بود. روزنامه "راستگو" در خرداد ۱۳۲۶ در این زمینه نوشته بود:

"... چند ی پیش آتای موسوی زاد که از تشکیلات منظم و مرتب حزب خود ده مقابل اوضاع از هم کسخته و پاشیده حزب دمکرات ایران نگران و دل سرد شده بود اظهار داشت که: حزب خود ایران تا بحال چندین پارکته خود است و بارها در حزب رایسته اند، مبارزهون آنرا گرفته و زندانی کرده اند، عده ای را بر علیه آن شورا ند و اند و قوی مسلح ارزش راهم برای وارد آوردن فشار جلسوی درهای آن گذاشته اند. در نتیجه همین کتک های اساسی است که حزب مزبور نسبتا تصفیه شده و فقط اشخاص و جوانان مؤمن در آن باقی مانده اند..."

مخبر روزنامه "اوسوند" که در مهرماه ۱۳۲۶ به ایران آمده بود پس از مطالعات در باره ی احزاب و گروههای سیاسی گفت:

"حزب خود بهیچک خدمت بزرگی در باره ایران انجام داده و رخوت متصادمی خودی مردم را از میان برده است... امروز در ایران حزب خود تنها حزبی است

که بمعنای واقعی کلمه وجود دارد. احزاب سیاسی بطور کلی از بین رفته اند و کسانی که باقی ماندند مانند باستانهای حزب خود فرصت طلبانی هستند که امیدوارند در اثر پیشرفت زمامداران خودشان به مقامی پامعنی برسند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع

جنبش آزادیخواهان و کردستان با دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا بخین کشیده شد. درباره این دخالت چیزی گویا تر از نوشته روزنامه "دکرات ایران" ارگان حزب دکرات قوام نمیتوان گفت. این روزنامه نوشت:

" سیاست بین المللی ترتیبی پیش آورد که دولت آمریکا در جرس پلانات آذربایجان ۲۰۰۰ زینفع شد و عملیات ایران مد اخلاقی کرد و این سیاست بنفع ایران شد."

این مرحله - دوران نوسان بین سیاست آمریکا و انگلیس با سنگین شدن کفهی ترازو بتفصیح سیاست تجاؤزگرانهی آمریکا است؛ بهمین جهت سهم بزرگ تبلیغات افشاگرانهی حزب خود - ایران اکنون متوجه سیاست تجاؤزگرانهی آمریکا است:

- افشا: ماهیت نقشی هفت ساله با اصطلاح عمران کشور که با صرف ۲۱ میلیارد ریال بحساب قواعد نفت و وامهای کمربکن سیاست منافع اقتصادی و استراتژیک امپریالیسم آمریکا تائید میکنند.
- افشا: ماهیت بانک بین المللی که قرضی ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک مهابت به ملت ایران تحویل میدهد.

- مبارزه علیه وام متوسط بخردار سلحه و اخود می انگلی.
- فاش نمودن پیمان مخفی نظامی آمریکا و ایران که حق انحصاری دخالت آمریکا را در ارتش ایران رسمیت میدهد الخ.

ولی رخنهی آمریکا در دشمن مختلف کشور همواره با مقاومت سخت امپریالیسم انگلیس و برپهود انکاس این مبارزه درد بند پهای انتخابات دوره ۱۵ مجلس در روی کار آمدن های حکومت - های مزدور این و با آن امپریالیسم بروز میکند (قوام، حکیمی). روزنامه "مردم" ارگان مرکزی حزب خود - ایران همواره پرده از روی عملیات این دوساست خارجی برمیکرد و دست بند پهای داخلی متعلق بهبودی آنها را رسوا میساخت.

در این مرحله که در حقیقت آغاز برقراری حکومت دکتاتور در کشور محسوب میشود حزب خود - ایران با تعقیب سیاست سنتی خود یعنی برتشکیل جبههی واحد در مقابل تجاؤزات ارتجاع و امپریالیسم موقی به گرد آوردن جبهه ای از طبقات تحت عنوان "جبهه طبقات ضد دکتاتور" گردید که عدد تساهل توجیبی از بد ایران جرات دارای نظریات سیاسی مختلف را در خود جمع کرد. ولی این جبهه دیری نتواند از آن پس حزب خود را بران ستایه یگانه نیروی اجتماعی متشکل در مقابل ارتجاع و امپریالیسم قرار داد. بدینوسیله وجود چنین حزبی، هنگامیکه مقدمات دکتاتور و تسلط امپریالیسم آمریکا فراهم میشود نمیتوانست برای امپریالیسم و ارتجاع قابل تحمل باشد. برای انحلال حزب نقشه هاترح کشید. اتهامات گوناگون به حزب زدند. "استادی" منتشر شد که گویا حزب در کار انجام نقشه های خطرناکی است و مشغول تهیه مقدمات جنگ پارتیزانی و قیام علیه حکومت مشروطه است. تا اینکه اوضاع و احوال پنهانی قابل استفاده تری را بدست ارتجاع داد.

این سبانه سو" فصد ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ بود.

مرحله چهارم - از آغاز فعالیت پنهانی حزب

تا کؤد تالی مرداد (بهمن ۱۳۲۷ - مرداد ۱۳۲۸)

شاخص این مرحله:

استفاده از ارتجاع و امپریالیسم از خلا" مظاهری که در آغاز انتقال حزب بکار پنهانی بوجدید آمد. بود و از نبودن هیچگونه نیروی دیگر از چپسمین رای تحکیم سریع مانی دکتاتور، شدت بازهم بیشتر رقابت امپریالیسم آمریکا و انگلیس در شرایط نقد ان اوج جنبش رهائی بخش، ورود مجدد حزب خود - ایران به صحنه مبارزه و پیدایش علامت اوج در جنبش؛ شدت رقابت گروههای وابسته به امپریالیسم بهنگام انتخابات دوره ۱۶ مجلس، ورود نیروهای دکترلی در مبارزه انتخاباتی، تشکیل جبههی ملی زیر رهبری دکتر صدق، بحال انتخابات تهران و پیروزی این جبهه در انتخابات - بات مجدد با استفاده از پشتیبانی سایر نیروها و از رقابتهای موجود، اوج جنبش، مبارزه برای ملی کردن صنایع نفت، روی کار آمدن دکتر صدق، فعالیت برای اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت، رقابت شدیدی و امپریالیسم در بد و امر و تعرض متحد آنها بهنگام خطر، پیروزی نیروهای ملیسی، کؤد تالی ارتجائی شاه - زاهدی بانک مستقیم امپریالیسم آمریکا (۲۸ مرداد ۱۳۲۸).

فعالیت سازمانی و سیاسی حزب

این فعالیت را میتوان بد، دوران تقسیم نمود. دوران پیش از جنبش برای ملی شدن صنایع نفت و دوران مبارزه برای ملی شدن صنایع نفت.

خصوصیت دوران پیش از جنبش ملی شدن نفت از نظر سازمانی عبارتست از فعالیت بمنظور احیا" سازمانهای از دست رفته، تجدید آرایش نیروهای حزبی، تحکیم مانی پنهانکاری، برای نشان دادن اینکه حزب خود - ایران تاجه حد موجب تکرار ارتجاع بود و چه چیزی قطع فعالیت این حزب را از نظر امپریالیسم و ارتجاع داخلی ایجاد مینماید کافی است به گفته های دکتر آقبال وزیر فرهنگ وقت استناد نمائیم که پس از جاد شمی ۱۵ بهمن در جواب دکتر قاشی در مجلس اظهار نمود:

کار حزب خود - بجائی کشیده بود که از جنب و نطف محصلین بجای جزوی د درس برنامهی حزب شود و بیرون میآید.
ارتجاع پس از جاد شمی بهمن کوشید تا حزب خود - ایران را برابری همیشه از صحنه مبارزه دور سازد. در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۲۷ یعنی فردای جادنه دولت تصویب نامه ای مبنی بر غیرقانونی شدن احزاب حزب خود - ایران صادر نمود. بدین آنکه جنبه حد اقل قانونیت به آن بد شد. متعاضب این تصویب نامه تعرض عمومی در سرتاسر کشور علیه حزب خود - ایران، سازمانها و اعضا آن آغاز گردید. در سرتاسر کشور حاکم غیرقانونی نظامی بکار افتاد. صفحات جراد انوروی پراسست از اطلاعات مرچوب بحرین کار دادگاههای نظامی و احکام صادره علیه حزب خود - ایران، تنهاد رتبهان ۵۰۰ نفر بازداشت و از محاکم نظامی گذشتند.

حزب خود - ایران از این محاکمات سر بلندت بیرون آمد.
بردرسته ترین این محاکمات محاکمهی سران حزب خود - ایران بود که ارتجاع با ارباب و ففسار

خواست آنها را به تسلیم وادار و تاجوب شکست روحیه افراد حزب بود.
ولی متهمین بودند که محاکمه کنندگان خود را برینکت متهمین نشانند، جنایات دستگاره را
فاش کردند و از حفاظت حزب و راه آن دفاع نمودند.
مصرفین و کلاهی تهران و اوطالیانته دفاع متهمین را بعهده گرفتند و با احترام خاصی نسبت
به شخصیت آنان این وظیفه را اجرا نمودند.
دکتر شایگان - وکیل یکی از متهمین خطاب به دادستان گفت:

" متوجه باشید که یکمده از برجستگان ملت را بدین گناهی بهای محاکمه کشاندند.
امثال اینها در مملکت فراوان نیست. اسراف نکند."

نه تنها ارتجاع بلکه بسیاری از علاقمندان بحزب توده ایران، حزب را از میان رفته میدانستند
ولی علیرغم خلاه ظاهری در کار حزب توده ایران وقفه ای حاصل نشده بود. حزب سرعت نتوانست فعالیت
خود را بر شرایط مخفی متطابق سازد.

هشت ماه پس از اعلام غیر قانونی شدن حزب، روزنامه "مردم" ارگان مرکزی آن در مساجد
پخشیه دو هم مهروما ۱۳۲۸ - مطابق با روز تا "سپس حزب توده ایران - انتشار یافت."
انتشار روزنامه "مردم" واقعه ای بود که در سرتاسر کشور طنین انداخت. ارتجاع تا بدستی
بهت زد بود. تقریباً تمام جرائد مرکز خبرنگار روزنامه مخفی "مردم" رادرج کردند. در صفحه اول
برخی از جرائد کلمه "روزنامه" مردم" و با تمام صفحه اول این روزنامه گلپشه شده بود.
مگهان این حادثه را بحق دلیل بزرگه بودن حزب شمردند.

آغاز مجدد فعالیت حزب توده ایران برای علاقمندان به آزادی و استقلال کشور از این نظر
باعت خوشبختی بود که مضار دور بودن آنرا از محیط سیاسی کشور در عمل مشاهده کرده بودند. طوسی
مدت هشت ماه خاموشی که حزب توده ایران مشغول تجدید آراهای قبلی از هیچ دست و گوهی ابراز
وجود نداشت و ارتجاع نتوانست بدین برخورد به مقاومت قابل توجهی بکوشد اقدامات برای تحکیم
مواضع خود و برقراری مجدد دیکتاتوری دست زد و میدان را مجدداً برای فعالیت امپالیست
پازگند:

- تشکیل مجلس مؤسسان،
- تجدید نظر در قانون اساسی،
- تشکیل مجلس سنا،
- قانون تجدید آزادی مطبوعات،
- دادن حق تعطیل مجلسین به شاه،
- برگرداندن املاک اختصاصی شاه،
- آوردن مجدد رضاشاه و اعطای لقب "کبیر" - بعنوان مقدمه برای تحکیم دیکتاتوری پسرش،
- ایجاد شرایط برای ادامه فعالیت بانک انگلیس،
- آغاز مذاکره برای تجدید قرارداد نفت جنوب،
- تحکیم مواضع امپالیسم امپیکاد رارتش.

انتشار روزنامه "مردم" حادثه گذران بود. اینکه تا چه اندازه کار انتشار ارگان مرکزی حزب
خوب سازمان داده شده بود. آرتاجا بدست که طی تمام دوران فعالیت بعدی حزب تا ۲۸ مرداد
حتی یک شمارهنی تعطیل نداشت و همواره از دستبرد ارتجاع مصون بود.

در نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۲۸ روزنامه "زیم" ارگان مرکزی سازمان جوانان توده ایران در
آغاز فروردین سال ۱۳۳۰ روزنامه "ظفر" ارگان شورای متحدی مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران
نیز به مطبوعات پنهانی نیروهای دمکراتیک افزود. شدند.

بعضی از مطبوعات پنهانی نیز به مطبوعات متحد و جنبش خود: اعتصاب کارگران شاهر که به
زد و خورد با نیروهای انتظامی انجامید (سپتامبر ۱۳۲۹)، اعتصاب دانشکده طب تهران (سپتامبر ۱۳۲۹)
که سه هفته بطول انجامید. هر دو این اعتصابات هاجت رهبری مستقیم حزب انجام شد. بهمنسوان
همسنگی با دانشکده طب تمام دانشکده ها سه روز اعتصاب کردند.

سازمان انتخاباتی در پی شانزدهم، لغو انتخابات تهران، تشکیل جبهه ملی، پیروزی در
انتخابات مجدد تهران نشان بزرگی بود که اوج جنبش را بدین حال داشت.
اکنون دگر سواهی نیروهای متعلق به حزب توده ایران نیروهای دیگری بحرکت آمده، مواضع
ارتجاع را متزلزل کردند.

شب ۲۵ از ژانویه اعضا زندانی شده کمیته مرکزی حزب توده ایران و خسرو روز به جمعا
دو نفر با نقشی دقیق قبلی که از طرف حزب کشیده شده بود از زندان قهر بیرون آورد. شدند.
دستگاه دولتی با وجودیکارانداختن همه امکانات خود موفق بدستگیری آنان نشد. آپسن
نیروی تازه ای بود که بدستگاه رهبری حزب اضافه شد و آنرا تقویت نمود.

اینترسیاسی و مبارزه علیه امپالیسم فعالیت این دوران حزب عبارتست از مبارزه علیه قرارداد
تکمیلی نفت. طی تمام این دوران امپالیسم انگلیس با شتاب هرچه تمامتر کوشید قرارداد بی معنوی
تکمیل قرارداد ۱۳۳۰ "نهای دست نشاندگی خود منعقد سازد و از تصویب مجلس بگذراند. بزعم
امپالیستهای انگلیس. قرارداد آنها این قرارداد میباشند پاسخگوی قانونی باشد که در مجلس
پانزدهم بعنوان قانون. استقبالی حقوق ملت ایران از شرکت نفت انگلیس و ایران" گذشته بود.
مذاکرات اولیه میان دولت ایران و نمایندگان شرکت در محیط نسبتاً آرام پس از حادثه
۱۵ بهمن آغاز گردید.

آخرین متن این قانون پس از چند بار تغییر در اواخر تیرماه ۱۳۲۸ از طرف ایران با امضا "وزیر
داری وقت گلشایان و از طرف شرکت نفت با امضا "نمایند" این شرکت - گس رسید و بقانون گس -
گلشایان معروف گردید.

ولی مخالفت انگار عمومی اوج تدریجی جنبش مانع تصویب برق آسای آن شد. امپالیسم
امریکا نیز که در صدد تصاحب بی رقیب همه منافع نفت ایران بود بدست عمل خود مانع ترانس نمود.
آخرین فشار دستگاره حاکمه برای گذراندن این قانون نخست ضریب "مردم" بود. ولی با نقل
وی (اسفند ۱۳۲۹) فاجعه قرارداد گس - گلشایان نیز خوانده شد و دوران جدیدی آغاز گشت که
عبارت از ملی شدن صنایع نفت بود.

دوران مبارزه برای ملی شدن صنایع نفت

فعالیت سازمانی حزب:

همراه با اوج جنبش رهائی بخش فعالیت حزب نیز در گسترش بود و تا "تیرماه برای اوج
بازهم بیشتر از خود باقی میگذارد. حزب توده ایران در این دوران نتوانست با موفقیت زیادی ناموفق
خود را با کارگزارانی تلقی نماید: همکاری نزدیک با سازمانهای علمی از قبیل "جمعیت ملی مبارزه بسوا
استعمار"، "جمعیت آزادی ایران"، "انجمن کتبد هفتانان"، "سازمان زنسان ایران"،

«کانون جوانان دسکرات» ، « جمعیت هواداران صلح و غیره »
 بزرگترین سازمان سیاسی که حزب ما نیز فعالیت خود را با فعالیت آن تعلق نمود « جمعیت ملی مبارزه با استعمار » است . این جمعیت در د پناه ۱۳۲۹ بنام « جمعیت ملی مبارزه با شرکت استعماری نفت جنوب » تشکیل گردید . در کنفرسی اول این جمعیت که در آفرورد بهشت سال ۱۳۳۰ تشکیل شد نام آن به « جمعیت ملی مبارزه با استعمار » تبدیل گردید . این جمعیت ریزنامه‌ی « شبهاز » را ارگان مرکز خود ساخت . این جمعیت در دوران ملی شدن صنایع نفت بزرگترین نیروی مبارزه علیه امپریالیسم بود . نقش مهمی در دوران ملی شدن صنایع نفت ریزنامه‌ی « بسوی آینده » بازی کرد که بزودی از شیرازلا انتشارتین جرائد مرکز شد . این ریزنامه دچار تحریف‌های بی دریغ شد ، بیش از هفتاد بسا ر عنوان عوض کرد ولی هیچگاه تعطیل نشد .

مبارزه‌ی سیاسی و ضد امپریالیستی حزب را در این دوران از فعالیت سایر نیروهای ضد امپریالیستی که در راس آنها اینک جبهه‌ی ملی قرار گرفته بود نباید جدا ساخت ، با این فرق که حزب مادرین مبارزه‌ی پیکر علیه امپریالیسم انگلیسی بخوبی نقش ضد امپریالیسم امریکارادک کرد و بخشی با آن مبارزه نمود . چیزی که در مبارزه‌ی سایر نیروها یاد به نمیشد و با ضعیف بود . بزرگ مبارزه‌ی ضد امپریالیستی مبارزه ایران بود که در پان این مرحله از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما ، شعار « سرده بساد امپریالیسم امپکا » ، « بانکی کشور ما ترک کن » در همه جا طنین انداخته و بر دورد و دیوار نوشتن شده بود .

در دوران ملی شدن صنایع نفت مبارزه‌ی نیروهای ملی از سه مرحله گذشته است :
 مبارزه علیه قرارداد گس - گلشائیان که منجر به تصویب قانون ملی شدن صنایع نفت و روی کار آمدن صدق شد ،
 مبارزه برای اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت تا وقایع ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ،
 و از وقایع ۳۰ تیر تا کد تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ .

۱- مبارزه‌ی که منجر به تصویب قانون ملی شدن صنایع نفت گردید

در اسفند ماه ۱۳۲۹ رزم آرا بدست ذلیل طبعمایی قتل رسید . علاء نخست وزیر شد . اکنون د پیر گذاردن قرارداد تکمیلی گس - گلشائیان در مجلس با مقاومت بیشتری رو برو گردید . کمیسیون نفت مجلس که موضوع ملی شدن صنایع نفت نیز در آن طرح شده بود تقاضای مهلت دو ماهه نمود . در ۲۴ اسفند این تقاضا تصویب رسید که در حقیقت بمعنای موافقت با ملی شدن صنایع نفت بود . تزلزل که دامنگیر مجلسیان گردید تنها بعلمت قتل رزم آرا نبود . حوادث چند ماهه اخیر و شمارهای که در نمایشات و میتینگ‌ها داده میشد جهت سیر جنبش را بخوبی نشان میداد . کالهیست برای نمونه عد ترین رویداد هزاران کرکتم :

- در آذرماه ۱۳۲۹ سازمانهای دانشجویی تهران اعلامیه ای د اثر بتقاضای اخراج استعمارگران انگلیسی منتشر ساختند . چند روز بعد نمایش د هزار نفری د دانشجویان تهران بسوی مجلس روان شد و این تقاضای خود را به هیئت رئیسه مجلس تسلیم کرد .
 - در پناه هما نسال نمایشاتی د تهران و شهرهای دیگر از طرف جمعیت آزادی ایران و میتینگ بزرگی در تهران از طرف جبهه‌ی ملی علیه قرارداد شرکت نفت جنوب به پا شد .

- چند روز پس از قتل رزم آرا د دکتر زنگنه وزیر فرهنگ کابینه رزم آرا بقتل رسید .
 - در اول فروردین ۱۳۳۰ چند روز پس از سرکار آمدن علاء د پندرهمشور کارگران دست به اعتصاب زدند و اعتصاب بسرعت بسط یافت . طی دو هفته ۴۰ هزار نفر در حالت اعتصاب بودند که منجر به خونریزی شد .
 - آخر فروردین دانشگاه تهران اعتصاب همبستگی اعلام داشت .
 - یک روز بعد بنا بسد عوت « جمعیت ملی مبارزه با شرکت استعماری نفت جنوب » در تهران نمایش تشکیل شد که در آن ۴۰ هزار نفر شرکت کردند .
 - فردای آنروز کارگران اصفهان نمایش بعنوان همبستگی با کارگران جنوب تشکیل دادند .
 - یک هفته بعد ۲۰ هزار نفر د انشجویان دانش آموز مدارس تهران علیه قتل وزیر کشور طرف مجلس روان شدند .

- د امتحان اعتصاب‌های همبستگی به پنگاهبهای مختلف کشور گسترش یافت .
 - اول ماه مه ۱۹۵۱ بنا بسد عوت حزب توده و سازمانهای دمکراتیک ۸۰ هزار نفر از کارگران ، دهقانان اطراف ، پشه روان و روشنفکران د ر شهر رزه رفتند و شمارهایشان علیه قرارداد با شرکت نفت جنوب بود .
 - ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ دولت علاء در مقابل فشار افکار عمومی و عدم موافقت مجلس با قرارداد تکمیلی نفت مجبور با استعفا گردید و رزام امور در دست دکتر صدق قرار گرفت .

در مقابل چنین جنبشی بود که در ۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ دولت علاء مجبور به استعفا شد و با روی کار آمدن د دکتر صدق موضوع قرارداد تکمیلی منتفی و قانون ملی شدن صنایع نفت کشور تصویب گردید و اجراء آن در دستور روز قرار گرفت .
 طی دوران قبل از جنبش برای ملی شدن صنایع نفت و آغاز این جنبش شمارهای نیروهای ملی جبارت بود از :

شعار « استهای حقیق ملت ایران » - از آن جبهه‌ی ملی ،
 شعار تجمهیز کننده تر : « لغو قرارداد نفت جنوب » - از آن حزب توده ایران .
 ولی در پان نخستین مرحله‌ی جنبش برای ملی شدن نفت حزب توده ایران تحرك لازم را برای تغییر بوقع شمار خود بخرج نداد و ابتکار را از دست خود رها نمود .
 پانچم چهارم کمیته مرکزی حزب این روش هیئت اجرایی ی وقت رامورد انتقاد جدی قرارداد و آنرا « هم از نظر منطقی و هم از نظر تاکتیکی » نادرست شمرد .

۲- مبارزه برای اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت - تا سی تیر ۱۳۳۰

آغاز این مرحله از جنبش - سرکار آمدن حکومت دکتر صدق است .
 این مرحله سرشار است از وقایع مهم داخلی و خارجی . تنوع این وقایع حصول تضاد دید د دو امپریالیسم و تا تیر این تضاد در مسیر جریان حوادث است که بالاخره در پان منجر به پیدایش تضاد بین هر دو امپریالیسم از یک طرف و دولت دکتر صدق از طرف دیگر میشود .
 در آغاز این مرحله حزب توده ایران د موضوع عدم اعتماد نسبت به جبهه‌ی ملی قرارداد دولت این عدم اعتماد ترکیب جبهه‌ی ملی (وجود عناصر طرفدار امپریالیسم امپکا از قبیل بقائی ، مکی و غیره)

و ترکیب دولت صدق (وجود اشخاصی مانند سرلشکرزاهدی) و همچنین کوشش میان امیرالهیسم امیرکا
 برای استفاده از چنین ترکیبی برای تأمین منافع خویش است.
 با انحلال حزب توده ایران بر حسب خصلت شد امیرالهیسم خود مادم که مبارزه بهرجهت
 متوجه امیرالهیسم انگلیس است با تمام نیروی خود از آن پشتیبانی میکند.
 نخستین ماههای پس از تصویب قانون ملی شدن صنایع نفت پراست از مناقشات و سمیتگهاش که
 تحت شعار ترسوع در اجرای این قانون برگزار میشود.
 نیروی عدی پس این جنبش کارگران ، کسبه و دانشجو یانند.
 برای آنکه بتوان بوسعت جنبش کارگری بی برد کالیت گفته شود در این مرحله که مدتش يك
 سال پیش نیست ۲۰۰ اعصاب کارگری رخ داده است که برخی از آنها اقتصادی و سیاسی و برخی صرفاً
 سیاسی بود است.
 رویدادهای عدی پس این مرحله که از کنار آن نمیتوان گذشت بشرح زیر است :

- نمایش بنا سبت هجدهمین سال قرارداد تنگین ۱۹۳۳ منعقد ه با شرکت نفت جنوب این
 نمایش (۱۳۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰) بر حسب دعوت حزب توده ایران و جمعیت ملی مبارزه با
 شرکتهای استعماری نفت در تمام شهرهای بزرگ ایران (بجز خوزستان که در آنجا حکومت
 نظامی اعلام شده بود) برگزار شد.
- در تهران ۸۰ هزار نفر از کارگران ، دهقانان اطراف شهر ، دانشجویان و پیشه وران در
 این نمایش که سه ساعت و نیم بطول انجامید و منجر بصحیبتیک با عظمتی جلوی بهارستان
 گردید ، شرکت نمودند.
- نمایش پکشنهی ۲۳ تیر ۱۳۳۰ که معروف به پکشنهی خونین شد نیز بنا بدعوت حزب
 توده ایران و "جمعیت مبارزه با شرکتهای استعماری نفت" بنا سبت سالگشت اعصاب
 بزرگ خوزستان (سال ۱۳۲۵) برپاگردید.

مقدم بر این حادثه در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۳۰ بر فراز بنگاههای شرکت نفت جنوب پهرچم
 ایران با هزار تاز آمد و در تمام شهرها بدین مناسبت با پکشنها و سمیتگهای متعدد دی داده شد . اوج
 جنبش نه تنها امیرالهیسم انگلیس ، بلکه اکنون دیگر امیرالهیسم امریکار نیز نگران مباحثه بنا به
 توصیهی تریون رئیس جمهوری امریکا بین دولت ایران و نمایندهی شرکت نفت انگلیس (جاکسن) که
 بشهران آمد مذاکرات بی نتیجه ای رخ داد که بدینحال این مذاکرات دکتر صدق نامه ای دائر بر موضوع
 ایران برای بهرین نت تریون نگاشت . تریون نزد پکشن مشاوران خود هان همان رابایران بحسنوسان
 مباحثی برای حل اختلاف اعزام داشت . آمدن هاریمان به تهران مصادف با ۲۳ تیر بود .
 نمایش آتیز میدل به نمایش عظیمی علیه امیرالهیسم امریکا و مداخلی آن در کار ایران شد و
 باشماره های "خروج فوری هاریمان از ایران" و "اجرای کامل قانون ملی شدن نفت" پایان یافت . در
 نتیجهی تصادم با نیروهای نظامی (که در رسیدگیهای بعدی معلوم شد بدستور شخصی زاهدی و وزیر
 کشور نمایش دهندگان رامورد حمله قراردادند) در آتیز درحدود هزار نفر کشته و زخمی شدند (در
 اطلاعاتی رسمی گفته شده است ۲۰ نفر کشته و دهسنت نفر زخمی ، ریزنامهی "طلوع" نوشت یکصد نفر
 کشته و ۶۰۰ نفر زخمی) .
 بدینحال این حادثه رفت و آمد های متعدد هاریمان و شکایت انگلستان سازمان ملل متفق
 نیز بلا نتیجه ماند .
 ولی دولت وقت هنوز امیدواری خود را به ثمر بخش بودن میانجیگری امریکا از دست نداده بود

و بهمین لحاظ بود که قرارداد کمک نظامی امریکا با ایران که در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۵۲ پایان مسی یافت
 مجدداً تجدید شد .
 از آنجا که در مری مجلس ۱۶ به پایان میرسد ، دکتر صدق پس از مراجعت از امریکاکه بحسنوسان
 رئیس هیئت نمایندگان ایران در شورای امنیت بمناسبت طرح شکایت انگلستان رفت بود ، مصمم به
 برگزاری انتخابات در مری ۱۷ مجلس گرفت .
 حزب توده ایران نیز تصمیم خود را برای شرکت در این انتخابات اعلام داشت .
 در تهران حزب توده ایران در ائتلاف با "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" ، "انجمن کمک به
 دهقانان" و "جمعیت آذربایجانیان مقيم تهران" در انتخابات شرکت نمود .
 کاندیداهای حزب توده ایران در همه جاد ر معرض ضرب و شتم و خطر جانی بود . عملاً امکان
 هر نوع شرکتی از آنان سلب شده بود . در تهران با وجود ممانعت هائی که بعمل آمد کاندیداهای حزب
 توده ایران و مو" تلفین آن ۲۹ - ۳۰ هزار رأی داشتند که در شرایط عادی بمعنای اکثریت آرا
 میداد .

جبههی ملی نیز با آنکه قدرت دولتی را در دست داشت نتوانست در مقابل عمال سرسپرده ی
 امیرالهیسم انگلیس اکثریت قاطع بدست آورد و در جهان کار مجلس عدی را از دست داد . بهمین
 جهت در پایان این مرحله و در مرحلهی بعدی جنبش ، بارها مجلس در برابر ولت فرار گرفت .
 از آنجمله طاووست مجلس در مورد دادن اختیارات ششماهه به دکتر صدق بود . این موضوع
 و مخالفت شاه با تصدی وزارت جنگ صدق موجب شد که دکتر صدق استعفاداد (۱۳۳۱) .
 فردای آتیز مجلس با حضور فقط ۴۲ نفر رأی تمایل خود را به قوام داد و بلا فاصله فرمان
 نخست ضروی وی از طرف شاه صادر شد .

سی نثار از وکلا "طرفدار صدق" به این عمل اعتراض کردند و در ۲۹ تیر در پیام خود به مردم
 تهران دعوت به اعتراض علیه این تصمیم مجلس نمودند . در همان تیر "جمعیت ملی مبارزه با استعمار"
 نیز مردم را برای مظاهر در ۳۰ تیر دعوت کرد .
 نمایش ۳۰ تیر بزرگترین حادثی دوران ملی شدن صنایع نفت است . در آتیز مردم تهران
 درحدود ۸۰۰ نفر کشته و زخمی دادند ولی عقب ننشستند . پافشاری مردم و تزلزل آشکار د نیروهای
 انتظامی قوام را مجبور به استعفا و فرار نمود .
 فردای آتیز تریون مجد د نخست وزیر صدق صادر شد . حادثی ۳۰ تیر نشان داد که چگونگی
 با نیروی متحد و جبههی واحد میتوان توسطی مشترک ارتجاع و امیرالهیسم را درهم شکست .

۲- از حاد های سی تیر ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

سرکار آمدن قوام قبل از هر چیز علامت مجز امیرالهیسم انگلیس و آمادگی آن برای گذشتنهای
 بهتری به امیرالهیسم امریکا و در مین حال علامت آن بود که امیرالهیسم امریکا دیگر آمیدی به جبههی
 ملی و حکومت صدق نداشت و میتوان با استفاده از ضعف رقیب خود یکی از عوامل مستقیم خود را سسر
 کار آورد .
 از نظر داخلی ، حادثی ۳۰ تیر نقطعی عطفی بود که هم در وضع جبههی ملی تغییر مباحث ایجاد
 کرد و هم بصحیبتگیری حزب توده ایران نسبت به دکتر صدق و دولت وی اصلاح کرد .
 عناصر طرفدار امریکادرداخل جبههی ملی که از چند ی پیی در این سبسون فرار گرفته بود تا اکنون
 از این جبههی بریدند و در نظام خصوصت برآمدند .

در " حزب زحمتکشان ملت ایران " بلای نیش انشعاب بعمل آمد . انشعابین تحت رهبری خلیل ملکی حزب جد پی بنام " نیروی سوم " تشکیل دادند و میتوان هواداری از دکتر صدقی نقش گوهر آیرا بین جبهه ملی و حزب توده ایران بازی کردند و باصطی کردن شکاف بین این دو نیرو و شکست ۲۸ مرداد را تسهیل نمودند .

سپاست حزب توده ایران نسبت به دکتر صدقی و دولت وی پس از ۳۰ تیر به نسبت مساوی توجیهی اصلاح شده بود . گرچه هنوز ناپهگیری هائی وجود داشت ولی ازحادثه ۱۹ اسفند بهمدان این ناپهگیری هالیندر تادرجعی زیادی ناسته شد . در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۳۱ حزب پیشانی خود را از دکتر صدقی عملا بمرضی نمانش گذارد .

برحسب توطئه قلمی در بار ، میا پستی شاه اعلام داد که برای معالجه بخارج میرود و تلویحا چنین وانمود کند که این مسافرت در نتیجه عدم رضایت از دکتر صدقی است . پیش بینی شده بود که متعاقب این اعلامیه ، دستجات قبلا آماده شده ای از اراد ل و او باقی بمنزل دکتر صدقی حمله ور شوند .

روز ۹ اسفند ارتجاع به اجرای نقشه خود آغاز نمود . ولی صفوف منظم حزب توده اسپران و " جمعیت ملی مبارزه با استعمار " راه راه حمله کنندگان سد کردند و حمله رادرم شکستند . گویا اینکه صراحتا نیز بهای باسنا ۲۸ نفر وکلای طرفدار دکتر صدقی منتشرگشت ولی نیروی جبهه کتند ه همچنان حزب توده ایران و نیروهای دمکراتیک همبسته با آن بودند که ملی چهار روز به نمانش های خود علیه شاه و در بار ادامه دادند .

جنبش مردم در این مرحله همواره در جهت مخالفت باشاه و سلطنت سیر میکرد . انزجار و تضرر مردم نسبت به شاه روز چهارم آبان ۱۳۳۱ - روز تولد شاه - بشکل بازی خود را نشان داد . از صفوف ورزشکاران و مردمی که برای شرکت در این جشن به میدان جلایه آمد ، بودند بجای هورا ، فریاد های " مرده باد شاه " طنین افکند و میدان مبدل به صحنه تیرد بین مردم و نیسرو هسای انتظامی گردید .

دکتر صدقی که اکنون دیگر مجلس را پشتیبان خود نمیدید تصمیم گرفت با مراجعه به آراء عمومی آیرا منحل سازند .

فرماندم بانکله مو " تر حزب توده ایران و نیروهای دمکراتیک موظفانه باپان یافت . ۹۹٪ رأی دهنندگان انحلال مجلس را تصدیق کردند . دو میلیون نفر رأی مثبت دادند . در ۲۱ مرداد ۱۳۳۲ دولت انحلال مجلس را اعلام داشت .

راهی که ارتجاع و امپهالیم در مقابل این وضع برگزیدند برانداختن دکتر صدقی از طریق کودتای نظامی بود .

فردای انحلال مجلس شاه فرمان عزل دکتر صدقی و نخست وزیر سر لشکر زاهدی را صادر کرد و برای اینکه خود از مرکز دور باشد به رامسر رفت .

سرهنگ نصیری فرمانده گارد سلطنتی مامور ابلاغ فرمان شاه و بازداشت صدقی بود . ولسی حزب توده ایران که از جزئیات این توطئه اطلاع حاصل کرده بود در تکرصدقی را متوجه جریان کسرد . ماموریت سرهنگ نصیری عظیم ماند ، خود او بازداشت کرد و شاه با هوای بیای شخصی خود به بغداد و ارتجاع به رم فرار کرد (۲۵ مرداد ۱۳۳۲) .

ولی نقشه کودتای همچنان باقی بود . روز ۲۸ مرداد با شرکت مستقیم امپهالیم شد . طبق اسناد منتشره ، در آنروز برای این کار ۲۹۰ هزار دلار توسط امپهالیم مصرف رسید .

نقای و پراکنگی نیروهای آزاد پخواه و نبودن جبهه واحد ضد امپهالیمت یکبار دیگر در

واقعی ۲۸ مرداد نتایج خود را بسود امپهالیم و ارتجاع بخشید .

مرحله پنجم - مربوط است به دوران پس

از کسود کسای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در این مرحله بزرگترین ضرات ارتجاع و امپهالیم متوجه حزب توده ایران بمنظور تلاش آن بود . سپاست صوبی حزب - کوشش مد اوم برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتور و ضد امپهالیمت و احیا سازانهای حزبی است .

از آنجا که این مرحله از موضوع مطالعه حاضر خارج است به ذکر تاریخ عددی مربوط به پانویس کمیته مرکزی که خط مفسی سیاسی و سازمانی حزب را تعیین کرده اند اکتفا میکنیم :

پانوم چهارم وسیع کمیته مرکزی	تیر ماه ۱۳۳۱
پانوم پنجم	اسفند ماه ۱۳۳۱
پانوم ششم	شهریور ماه ۱۳۳۲
پانوم هفتم وسیع	تیر ماه ۱۳۳۲
کنفرانس وحدت بافرسی دمکرات آذربایجان	مرداد ماه ۱۳۳۲
پانوم هشتم (اول)	مرداد ماه ۱۳۳۲
پانوم نهم	شهریور ماه ۱۳۳۲
پانوم دهم	فروردین ۱۳۳۱
پانوم یازدهم	بهمن ماه ۱۳۳۲

پانوم چهارم کمیته مرکزی پانوم وسیع بود که در آن کادریهای حزبی نیز برحسب ممالکهای همین حضور و در کاران شرکت داشتند . این پانوم قبل از تعیین خط مشی آندهی حزب کارگشته را از نظر انتقاد ای مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و به نتایجی در مورد روش حزب و خطاهای آن در جریان جنبشی برای ملی شدن صنایع نفت رسید که در دسترس عموم قرار گرفت .

در پانوم هفتم که آنهم پانوم وسیع با شرکت ده ای از کادرها و نمایندگان سازمانها بسود تصمیم نهائی در باره ی وحدت بافرسی دمکرات آذربایجان گرفته شد و بلافاصله پس از آن کنفرانس وحدت و پانوم هشتم (اول) برگزار کرد . در این پانوم که پس از انجام وحدت بود ترکیب کمیته مرکزی طبق توافق که در کنفرانس وحدت بعمل آمده بود ترمیم گردید .

پس از پانوم یازدهم ، حزب در مقابل مشکل جد پی قرار گرفت . اختلافاتی که در جنبش جها کمونیستی و کارگری بوجود آمده در حزب مانع از انعکاس یافت . دو نفر از اعضا کمیته مرکزی که خط مفسی ویژه خود را در مقابل خط مشی حزب قرار داده بودند از ترکیب کمیته مرکزی کنار گذارده شدند . در ترمیم ۱۹۶۵ پس از آنکه برچند اران خط مفسی دمکراتیک با اصطلاح بهتر روز یو نیسم

چپ تصمیم به انشعاب گرفتند ، کنارگدارده شدگان از کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز از این تصمیم تبعیت کردند و تشکیل حزب نهی را اعلام داشتند . بمبارت دیگر خود را از حزب بهین گذاشتند و حزب رادیکال انشعاب قرار دادند .

چنانکه گذشت ، این نخستین بار نیست که حزب توده ایران در مقابل انشعاب قرار میگیرد . بموقع خود خابیل ملکی و گروهش از موضع رهیونیسم راست کوشیدند حزب را از صراط مارکسیستی - لنینیستی خارج کنند و براه تسلیم طلبی سوق دهند . سرزشت آنها و حقانیت آنرزی حزب اکتسون روشن است .

انشعابگران امرزی از موضع رهیونیسم چپ میکوشند حزب را از راه مارکسیسم - لنینیسم کنار بکشند . سرزشت اپنان نیز بهتر نخواهد بود .

حزب ما همچنانکه بدنبال رهیونیست های راست ترفت بدنبال رهیونیست های چپ نیز نخواهد رفت .

نه تسلیم طلبی در مقابل دشمن ، نه ماجراجویی ، هیچک از این دو راه ، راه حزب طبقه ی کارگر ، راه حزب مارکسیستی - لنینیستی نیست .

این موضوع در تصمیمات پانوم اخیر (پازدم) کمیته مرکزی نیز صرح است . حزب ما که حزب انقلابی مارکسیستی - لنینیستی است خود را برای هرگونه مبارزه آماده میکند ، از همه ی راههای مبارزه استفاده خواهد کرد با نتیجه بر روی آن راهی که در شرایط مشخص تاریخی و سطحی اوضاع و احوال اجتماعی برجستگی پیدا میکند .



مقاله زمین نوشته رفیق نقید عبدالصمد کابخش با انشا "ع . ص . م" در مجلسه "مسائل حزبی" شماره ۱۰ مورخ فروردین ۱۳۳۹ (صفحات ۹ تا ۱۵) چاپ شده است .

نقش حزب

در تاریخ جنبش رهایی بخش میهن ما

حزب توده ایران مهرماه ۱۳۲۰ تشکیل شد . پیش از آن طی بیست سال کشور زیر فشار رژیم پهلوی قرار داشت . جنبشهایی که در دوران پس از نخستین جنگ جهانی و بهیژه پس از انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ میهن ما را فراگرفت یکی پس از دیگری بدست دستگاه مترجم حاکمه و امپریالیسم و بخصوص پس از کودتای ۱۲۹۹ بدست رضاشاه سرکوب شد . اگر رضاشاه قبل از رسیدن به سلطنت چشمتنگ پنهانمر آزاد بخواد میزد ، پس از رسیدن به سلطنت کلیه احزاب و جماع را تعطیل کرد و هر نوع فکری را در معرض پیگرد قرار داد . حزب کمونیست ایران ، یگانه سازمان متشکلی که باقی ماند بود ، تحت تعقیب شد بدو وحشیانه بود .

در همین حال جامعه ما طی این بیست سال در جاده ی رشد و تکامل متوقف نماند . احداث راه آهن سراسری بمختصرهای استراتژیک و پیدایش بکرشته کارخانه و بنگاههای صنعتی دولتی و شخصی موجب رشد کمی قابل ملاحظه ی طبقه ی کارگر و نیروگرفتن بهر یوازی ملی شد . طبقه ی کارگر خود ستار بهبود وضع خود بود . از تاریخ نخستین اعتصاب بزرگ کارگران نفت جنوب یعنی طی بیش از ده سال با وجود افزایش قابل ملاحظه ی هزینه ی زندگی در دستمزد کارگران تغییری حاصل نشده بود . کارگران خواهان مبارزه ی متشکل بودند . بهر یوازی ملی شرکت بیشتری را در حکومت طالب بود . میان طبقات مختلف نارت برپا بقیه ای نسبت به رژیم حاکم وجود داشت .

در چنین شرایطی بهنگام جنگ و پس از ورود نیروهای متفقین با ایران رضاشاه مجبور به ترک سلطنت گفت .

تشرهای آزادی پرست جامعه ی ما و در رأس آنها طبقه ی کارگر برای متشکل ساختن مبارزه ی خود و جلوگیری از تجدید ایام شوم خود سری محتاج به حزبی بود که در شرایط آنزمان بتواند بطور عملی مبارزه ی آنان را رهبری کند . بنابراین پیدایش چنین حزبی ناشی از ضرورت تاریخ و خواستهای مردم و بالنتیجه پدید آمدن آن بود .

ولی هسته ی اولیه ی چنین حزبی میبایست دارای ذخیره ای از سنتهای مبارزه ی گذشته باشد تا بتواند مبارزان پختن و نیروهای انقلابی و مترقی را بد فروخود جمع کند . از میان همه ی احزابی که تشکیل شد و برخی خود را منتصب به طبقه ی کارگر و از وارثین سنتهای گذشته نیز قلند اد میکردند همانا حزب توده ایران بود که با این مطالبات پاسخ میداد و شرایط لازم یک حزب انقلابی در آن جمع شده بود . راز پیشرفت سریع حزب و اینکه همواره از ریز تشکیل خود یگانه حزب متشکل و نیرومند کشور بود . در همین است .

حزب توده ایران از امکان فعالیت عملی استفاده کرد و برای نخستین بار در تاریخ کشور توانست توده های وسیعی از کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، پشه روان و سایر افراد زحمتکش کشور را بدو

خود جمع کند.
 نخستین گام های خود را حزب در راه متشکل ساختن طبقه کارگر، آموختن راه و تاکتیک مبارزه به کارگران برداشت. از همان آغاز مبارزه ی خود، کارگران در نقاط نظیر اصفهان، تبریز و غیره کامیابهای بزرگ به دست آوردند، دستمزدها شان بمقایس قابل ملاحظه ای بالاتر آمد، از مدت کسار روزانه شان گامی نداشتند، در برخی نقاط کارگران نه تنها موفق به تشکیل اتحادیه شدند، بلکه اداره امور داخلی کارخانه را نیز به دست گرفتند.

بزرگترین اتحادیه های کارگری ایران در اترککهای بندر بخت حزب مایه وجود آمد. با مجاهدت ایمن اتحادیه و پیشانی حزب شکاف در سازمان صغی طبقه کارگر که در شمال دست نمای آن ایجاد کرده بودند برطرف شد. شورای متحد مرکزی اتحادیه های کارگران و زمینکاران تشکیل شد. در اندک مدتی اکثریت نزدیک تمام کارگران کشور در آن متحد شدند و راه مبارزه ی محکم را یافتند. نماینده های اولیه ما هم ۱۹۴۱، نماینده کارگران بهنگام آمدن در بیاراول در اسون جهانی سند پکاها، جشن پنجمین سالگشت حزب - نخستین جشن مهرگان - نمونه هایی از عظمت نیروی کارگری ما بود. این نماینده های وسیع مردم تا آن هنگام در کشور ما سابقه نداشتند.

مبارزه مداوم حزب توده ایران و شورای متحدی مرکزی برای گذراندن قانون کارگریست حاکمه را وارد از کرد لزوم چنین قانونی را مورد تأیید قرار داد، قانونی با این عنوان ولو ناقص تصویب کند. کارگران ثمره ی مبارزات خود را از پرهریزی حزب توده ایران دیدند و لمس کردند. به تمام و موقعت واقعی خود پی بردند، حتی در نظر هیئت حاکمه نیز دارای شخصیت انکارناپذیر شدند، بطوریکه خود دستگاه حاکمه در صد اتحادیه سازی و تملق گوئی از طبقه کارگر برآمد. برجسته کردن شخصیت و نقش طبقه کارگر که بپار برای همیشه در جامعه ماضی شد. بدین ترتیب در از خدمات برجسته ی حزب ما است - تمام تلاش هرات عواطف واقعی ارتجاع ایران را که حتی از نام "کارگر" احتراز داشت و اکنون مظاهر بکارگردوشی میکند باید نتیجه ی این خدمت حزب ما دانست.

حزب توده ایران کوشید مقاومت دهقانان را در مقابل تحمیل های مالکین برانگیزد و مبارزه ی آنان را متشکل سازد. تشکیل اتحادیه های دهقانان پس از کنگره ی اول حزب گام موثری در این راه بود. با همه ی مشکلاتی که در روستای نیمه توده ایران وجود داشت حزب توده و اتحادیه های دهقانیسی توانستند در آن رسوخ کنند. استفاده از آزادی نسبی در بدو حکومت قوام و بهنگام شرکت وزرای مادر دولت موجب جنبش قابل ملاحظه ای در دهات گشت. تنهادر اصفهان در اتحادیه های دهقانی ۱۵۰ هزار نفر ناموسیه کردند. در ماسرا سیزدهقانان بجنبش درآمدند. در کرمان نماینده ی حزب را دهقانان از چند فرستگ روی شانه بشهر بردند، در اطراف تهران برشت، قزین و ناط در دیگر جنبش جدی دهقانی بوجود آمد، در ملام دهقانان با نیروی زاندمسلحانه چنگ زدند.

درست است که حزب ما در زمان کارمخصی نتوانست توجده کافی بکار برد و بکند و ولی اثری که مبارزه ی حزب در ده گذارد، است زنده ی نیست. دهقانان امروز دیگر آن دهقان چشم بسته سابق نیستند. طبقه حاکمه بحکم اجبار نیروی دهقانی را بحساب آورده است. اقدامات عواطف واقعی ای که در زمان حکومت قوام بامد برتصمیمنامه تقلیل سهم مالک شروع شد و امر بصوت "تقسیم املاک شاه" و قانون اصلاح ارضی درآمد. است ناشی از بیبی است که دستگاه حاکمه در مقابل آمادگی دهقانان برای جاززه دارد. حزب توده ایران مسئله ارضی را که طبقه حاکمه میکشید آنرا مسکوت گذارد با تمام قوا مطرح کرد. دهقان را که نیروی فراموش شدی جامعه بود به صحنه نبرد اجتماعی کشاند و بدینسان تحریک اجتماعی را به بطون جامعه مارکس داد. طرح مسئله ارضی بدان شکل که حزب ما را رساند و مدارک رسمی و مطبوعات خود بپیمان نهاد برای اولین بار بود. هرگز هیچ سازمان

سیاسی دیگر چنین نقشه ی عینی برای ما توده ایسم و نجات دهقانان ایران مطرح نداشت. حزب توده ایران موجود جنبش وسیع فکری است. آنچه در ابتداء حزب کمونیست ایران و بویژه در مرحله ی نهایی آن توده ای از تئوری مارکسیسم در حد امکان تا رزم پلیسی رضاشاهی مطرح شدند، ولی فعالیتی که حزب ما در این زمینه کرد بسیار ساده بود. حزب توانست بعد از نین مسائل مربوط به جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی را در دسترس قشرهای وسیع مردم بگذارد و ضربه ی شکننده ای به پایه های جهل و خرافات وارد نماید. حزب توده ایران کمپنیه ی گرانهایی از کتب، مجلات و رسالات علمی، هنری و فلسفی بوجود آورد. دوره ی نامی هفتگی مردم، مجله ی علمی ما هیا نسی مردم، نشریه ی سیاسی رزم و سایر مطبوعات حزب هم اکنون از مهمترین منابع مراجعه و استفاده ی روشنفکران ایران است. فعالیت این تئوری و مطبوعاتی حزب تحول عینی در افکار ایجاد کرد. مفهوم مبین پرستی را بحدیستی علاقه بسر نوشت خلاق در افکار رسوخ داد، راه رستاخیز مبین ما را از طریق استقرار حاکمیت مردم و احراز استقلال سیاسی و اقتصادی روشن ساخت و در مکتب بزرگ فکری و اجتماعی خود نه فقط اعضا حزب بلکه مایه تاجران زمینکاران شهروند را رهبرش داد. امروز با وجود تشتت سازمانی حزب روح حزب در اعصاب قلوب و افکار مردم ایران زنده است و امیرالهیسم و ارتجاع باهمی سعی خوین خود نمیتوانند به این روح غلبه کنند.

فعالیت وسیع دامنه دار مطبوعاتی حزب پس از ۳ تا ۴ سال اولیه که هسته ی روشنفکری آن ضمیمه بود، سیل روشنفکران رابوسی حزب روان ساخت. اکثریت مجلیم دانشجویان و بسیاری از روشنفکران دیگر عضو هیواد ارتحزب شدند.

حزب توده ایران توانست جوانان ایران را از گرداب فساد و انحطاطی که سیاست هیست ساله در آن غوطه ور ساخته بود بپهرین کشد، نقضی استعمار را که همواره در صد دست جوانان کشور ما را بر رخ بردگی، تملق و عداوتکافینفس بپهرا نده کشید، روح آزادی و غرور ملی را در آنان تقویت کند. هیچگاه جنبش از جوانان بان نیرومندی و با آن مضمون که حزب توده ایران بوجود آورد در ایران سابقه نداشت.

حزب ما بدین هراس از ظرافات موضوع آزادی، زنان بمعنای واقعی آنرا مطرح کرد، برده از روی عواطف مبینا برداشت، برای نخستین بار طرح قانونی در این زمینه به مجلس برد و حق انتخاب را برای زنان ایران به مجلس پیشنهاد کرد، زنان را برای گرفتن دستمزده مساوی با مرد، آزادی اقتصادی و سیاسی به مبارزه خواند و کوشش نمود آنرا در سازمانهای خود متشکل سازد.

حزب توده ایران برای شناساندن مردم ایران و مبارزه ی خلق ما در راه آزادی خود به جهان بینی کوششهای کامیابانه کرد. برسمیت شناخته شدن و شرکت سازمانهای مختلف توده ای در مجالس بین المللی بطور عده و در اترککهای و مساعدتهای فراوان حزب انجام شد.

حزب توده ایران از بدو تشکیل باین نکته کاملاً واقف بود که مبارزه ی مردم برای آزادی واقعی تنها موقتی میتواند شمری کامل بیار آورد که کشور از قید نفوذ مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم رهائی یابد.

مبارزه ی حزب علیه امپریالیسم از همان ریز تشکیل آن آغاز شد. بهنگام جنگ که هم کلیه نیروهای آزاد بخواب جهان متوجه شکست فاشیسم و دفع خطر آن بود حزب توده ایران لبهی نیز مبارزه ی خود را متوجه آلمان فاشیستی نمود. این مبارزه برای حزب نو بنیاد مبارزه ی بس دشوار بود. امپریالیسم آلمان از همان جنگ بین المللی اول توانسته بود از احساسات دشمنانیه مردم کشور نسبت به انگلستان و حکومت تزاری استفاده کند و با خدعه و تلهب جاشی برای خود بعنوان باصلاح نیروی بطرف ساز کند. بحال آلمان هیتلری نیز موفق شد تا از بقایای این احساسات بهره برداری کند. حزب توده ایران مبارزه ی خود را با تشکیل روزنامه ی ضد فاشیستی آغاز نمود و با متعقب همه جانبه و بپهرا نی ایمن

مبارزه توانست ماهیت امپریالیسم آلمان را که خونخوارتر از هراسمپریالیسم دیگری بود فاش نماید، برده از روی عمال آلمان هبترری برافکنند و بسیاری از غریب خوردگان را به صفوف مبارزان علیه هرگونه استعمار ر وارد نماید.

در همان حال حزب توده ایران در سانس امپریالیسم امریکا و انگلیس را نیز از نظر دور نداشت. امپریالیسم امریکا و انگلیس طایرغم مبارزه درجهبه ضد فاشیستی میگویند نه راه نفوذ استعماررادر کشور هموارسازند. نخستین اقدام امپریالیسم انگلیس این بود که حکومت مطلقه جدیدی برای جلوگیری از بسط جنبش مردم برقرارکنند. امپریالیسم انگلستان سید ضیاالدین را برای اجرا این نقش در نظر گرفته بود. مبارزه پیگیرحزب ما این نقشی امپریالیستی را فاش ساخت و کاملاً قتم نمود.

حزب مادر همان زمان جنگه نقش بزرگی در زدن کردن نقشه های امپریالیسم امریکا بازی کرد. امپریالیسم امریکا کوشش فراوان داشت تا از راه مستقرساختن مینیم امریکائی بریاست ملسو زمینه را برای هجوم اقتصاد ای پس از جنگه هرچه بهتر آماده کند. فعالیت حزب ما بخصوص مبارزه فرانسویان حزبی مادر مجلس یکی از عوامل مؤثر خارج مینیم امریکائی از ایران بود.

یکی از خدمات برجستهی حزب ما افتخار امپریالیسم و سالیب کار او و تجویز توده های مردم علیه اوست. این امر موجب برانگیختن خشم و کینهی حیوانی امپریالیسم علیه حزب ما شد و بهین جنبه است که استعمارطلبان و چاکران ایرانیان میگویند با آتش و خون از ما انتقام کنند. ولی کیمت که در این عمل حزب ما یکی از عظیم ترین خدمات تاریخ وی را بیند.

حزب توده ایران در همان سالهای اولیهی حیات خود همواره کوشید هرگونه تلاش که از جناح ایس از شهربر برای اتحادی حکومت دیکتاتوری و جلوگیری از وسعت آگاهی مردم بکار میرد قتم گذارد. مبارزه برای جلوگیری از روی کار آمدن حکومت صدر صفحی برجستهی از تاریخ مبارزه فرانسویان

پارلمانی حزب ما را تشکیل میدهد. به همت فرانسویان پارلمانی حزب توده ایران که نقش بزرگی در متحد ساختن نیروی اپوزیسیون مجلس بازی کرد ایستروکسیون حکومت صدر در مجلس پیش از چهل روز بطول انجامید و سرانجام این حکومت سقوط نمود. در دوران مجلس چهارم هم حزب ما موفق شد فرانسویان در مجلس داشته باشند. این نخستین فرانسویان حزب طیفی کارگر در مجلس ایران بود. فرانسویان حزب

ماترییون مجلسی راهی محل تشییع وضع مردم متحدی در ایران و خواستهای آنها میدادند. نمایندگان حزب ما با وجود مشکلاتی که برای آنها وجود داشت و چه بسا استفاده از ترهیم را برای آنان مشکلس میساخت موفق شدند ساعات متوالی این ترهیم را در دست خود نگاه دارند. تنها هنگام بحث در برنامه شرکت کوتاه مدت و گذرای حزب ما در دولت قیوم نمونه کوچکی بود از اینکه حزب در صورت شرکت

و سحرآمیز توانست با برتری در روح مترقی برای اصلاح وضع کشور عمل کند. از همان روز نخست تشکیل خود حزب توده ایران با این نکته توجه داشت که تنها با نیسروی متحد خلق میتوان نبردی کامیابانه علیه امپریالیسم و دشمنان خلق اجرا کرد. حزب همواره در این راه گامهای عظمی برداشت. جنبه آزادی که بنا با پیکار حزب ما از مطبوعات مترقی تشکیل شد توانست از ۱۰ روزنامه که در آن هنگام در ایران منتشر میشد ۴۴ روزنامه (از جمله ۲۰ روزنامه تهران را) در داخل خود متشکل سازد. سازمانهای از احزاب دیگر بخصوص حزب مینیم پسوی حزب ما را یوردند و با آن در آمیختند. در ترمیم ۱۳۲۵ حزب موفق به تشکیل جنبهیی مومکلف احزاب آزاد پخواه شد که با طایرغم آن شکست کامل عناصر متراجامی در داخل کشور، قلع و قمع استعمار، حفظ وحدت صنفی طبقه کارگر زیر رهبری شورای متحد مرکزی بود. بعد ها حزب موفق به ایجاد جنبهیی مطبوعات ضدسخت دیکتاتوری گردید و کامیابهای دیگری در راه توحید قوای مطبوعات و سازمانهای آزاد پخواه بدست

آورد.

نظامی نهیضت نجات بختر. ملی ایران در سال ۱۳۲۵ و شکست نهیضت آذربایجان لطمه ای بزرگی به جنبش آزادی بختر. ملی کشور ما وارد ساخت، ولی حزب توده ایران خود را از زیر ضربه ارتجاع بیرون کشید و بجایات خود ادامه داد. هیچک از حملات آشکار و نهان و دسائسی که دشمن بکاربرد نتوانست حزب توده ایران را از پا در آورد. اقداماتی که برای منفرساختن حزب از داخل بکار برده شد و حملهی عمومی ارتجاع پس از واقعهی ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ نیز عقم ماند. این قابلیت حیات و پیکار جوشی حزب ما بسیاری از عناصر مترقی را بیاوردهی اینده امیدوار ساخت. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی طبقه کارگراست که توانست ادامه و پیگیری در فعالیت را علی رغم تحول شرایط و نسا مساعد شدن وضع حفظ کند.

محاکمه اعضا حزب توده ایران پس از واقعهی ۱۵ بهمن صرفنظر از اینکه خود یکی از مراحل آزماپش حزب مادر عمل بود این امید واری عناصر مترقی را نیز نشان داد. عده ای از مرفهترین و کلاهی دادگستری افتخارا و ثالت رفقای ما را در محاکمه سران حزب توده مسمد گرفتند. روش این وکلا نشان داد که حزب برای آنها واقعا نیروی امید وارکننده است.

حزب توده ایران پس از ترک اجباری فعالیت علفی با سرعت بی نظیری سازمانهای خود را بجا حفظی در آورد. پس از گذشت تنها ۸ ماه از واقعهی سو فصد غیرقانونی اعلام شدن حزب روزنامه صنفی مردم ارگان مرکزی حزب شروع به انتشار نمود. انتشار روزنامهی مردم ارگان حزبی که ارتجاع انرا ممدوم اعلام داشته بود از بزرگترین حوادث سیاسی آنروز بشمار میرفت. حزب توده ایران شبکهی وسیع سازمان صنفی خود را در سراسر کشور بسط داد.

برای ملی شدن صنایع نفت حزب نقش مهمی ایفا کرد. هنگامی که سایر عناصر ملی هنوز از همکار استعظای حق ملت ایران با فراتر نگذارد بودند حزب توده ایران مردم را زیر شعار لغو امتیاز نفت جیبی و طرد امپریالیسم انگلیسی جمع میزد. درست است که رهبری حزب ما بعداً دچار اشتباه جدی شد و بطولع شعار ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران را در سرلوحهی مبارزهی خود قرار داد، ولی توانست در دوران مبارزات نفت نقش مهمی را در تجویز نیروهای ضد امپریالیست خدسلس ایفا کند.

حزب توده ایران در تاریخ احزاب سیاسی کشور نخستین حزبی بود که دست به تلقیق کار صنفی با کار علفی زد و این شیوه را مطلقانه بکار برد. هشاری صیحاتی حزب ما با جمعیت ملی مبارزه علیه شرکت نفت انگلیس و ایران که بعد ها موسوم به جمعیت ملی مبارزه با استعمار گشت موجب شد که این جمعیت بتواند نیکی از حبه های مهم اجتماعی مبارزه در راه افتخار نقشه های استعمارریدل گردد.

جنبش جوشانی که بهواد آری از صلح در کشور ما بوجود آمد در قسمت عدهی خود مرهین پشتیبانی حزب توده ایران بود. جمع آوری ملیونها اشیا زیر بانایهی استعمار ایران راه نیت جمعیت خود در میان کشورهای سرما به داری پس از فرانسه، ایتالیا و ژاپن در مقام چهارم فرار داد. مساعدتهای حزب ما به سازمانهای دیکر توده ای از قبیل سازمان زسان ایران، کانین جوانان، نکرات ایران، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، انجمن دک به دهقانان و پگرفته سازمانهای دیکر کامیابهای بزرگی برای آنها تارمین نمود. تنها در تهران دو پست جمله جمعا با شسرتون

۵۰۰ نفر زن برای تهیهی کنفرانس سرتاسری زنان ایران بهواد آری صلح تشکیل گشت. کسانوت جوانان د نکرات بهی از سازمانهای بزرگ توده ای بدل گشت. سازمان دانشجویان دانشگاه تهران اکثریت شکنندهی دانشجویان مرکز را در برگرفت. انجمن کتک به دهقانان با وجود مخالفت موجود توانست کامیابی قابل توجهی برآورد. انتخابات در ۱۷ مجلس نمونهی باوری از مطبعتیهای

بود که حزب ماد همکاری با سایر نیروهای آزاد بخواد کشور بدست آورد. نامزد های "کمته ملی مو" فلسفه اشتباهات " که حزب توده ایران نیز از آن نفوذ می نمود در تهران همچنان رانی بدست آوردند که در شرایط نرمال، انتخاب آنها را تا "مین" می نمود.

حزب توده ایران همواره موجود روح همستگی بین زحمتکشان در مبارزه برای منافع حیاتی خود و بین کلیه مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بود. است. دوران اوج مبارزه مردم ایران در راه ملی کردن صنایع نفت کشور شاهد نمونه های بارزی از حس همستگی مردم ایران است. عظیم ماندن نقشه کمپانی نفت ایران و انگلیس بهنگام اعصاب بزرگ کارگران نفت در فروردین ماه ۱۳۳۰ مرهم جنبش همستگی بود که در سراسر ایران بوجود آمد. کمپانی که از جانب کمپه و پیشه وران محمل به اعصابه بود، اعصاب کارگران اصفهان، تهران و سایر نقاط، ناپستی بزرگی که جسمیت مبارزه با استثمار تشکیل داد و بالاخره خود داری نیروهای انتظامی در آبادان، اصفهان و غیره را نیز براندازی محوی اعصابه و ناپستی دهندگان، روح طاقت کارگران را تلویت و کمپانی نفت را جبهه به تسلیم نمود. تنها در سال ۱۳۳۰ در ایران دو دست اعصاب بطرح پیوست که سهم بزرگی از آنها اعصاب همستگی تشکیل میداد.

طی این مبارزات سطح آگاهی مردم ایران بقیاس قابل توجهی بالا رفت. مهمترین عامل رشد آگاهی مردم ایران فعالیت ایدئولوژیک است که حزب توده ایران با وجود نداشتن امکان کار علمی انجام داد. روزنامه، ارگان حزب در تمام دوران مخفی قبل از کودتای ۲۸ مرداد و مدتی پس از آن کودتای بدون اندک فترتی منتشر میشد. نشریه های علمی و سیاسی حزب در این مدت تعطیل نشد. در مطابع مخفی بزرگی که حزب بنا بر آن دست دها کتاب و انواع رسالات سیاسی و اجتماعی چاپ رسید و منتشر شد. تبلیغات وسیع حزب تحول بزرگی در افکار بوجود آورد. مبارزه مردم ایران را در جبهه صریح انداخت. حزب موفق شد سهام واقعی و امپریالیستی سیاست آمریکا را که برای بسیاری پوشیده بود نمایان سازد و مبارزه یکجانبه علیه امپریالیسم انگلستان را مبارزه علیه امپریالیسم بطور کلی و بغداد را قابل توجهی علیه امپریالیسم آمریکا بدل سازد.

نفوذ عمیق حزب توده ایران در دوران مبارزه برای ملی کردن صنایع نفت مورد تصدیق همی ناظرین داخلی و خارجی است. گواهی نیروی جهت یکنندگی حزب ما نظاهراتی نظیر ۲۳ تیر ۱۳۳۰ هنگام ورود هارپان، ۳۰ تیر ۱۳۳۱، ۴ آبان ۱۳۳۱ و غیره است.

حزب توده ایران در گذراندن موفقیت بارز فریاد هم نفی موثری ایفا نمود.

حزب توده ایران با وجود کوششهای مداومی که برای تشکیل جبهه واحد ضد استعمار نمود نتوانست در دوران مبارزه برای ملی شدن صنایع نفت در این زمینه کامیاب شود. در این عدم کامیابی اشتباهات رهبری حزب ما نقش بسزایی داشت.

اوضاع نامساعد بین المللی، دولتی و مردمی و خود پدیده های ملی و اشتباهات بزرگ رهبری حزب ما موجب شد که جنبش آزاد بخش ملی مردم ایران با نیمه کامیابیهایی که بدست آورد، بود سرکوب کرد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که نقشی آنرا امپریالیستها طرح کرده بودند عملی گردید. آنچه در این زمینه مربوط به اشتباهات رهبری حزب ما است پانزدهم چهارم وسیع کمپانی مرکزی چونگی آن و تا "نیروی را که این اشتباهات در شکست جنبش داشته است تراز بندی و ارزیابی کرده است. ولی با ستاد ایمن اشتباهات همچنان نقش بزرگی را که حزب توده ایران در تاریخ جنبش جهانی بخش مردم ایران داشته است نادیده گرفت و با آنرا کوچک ساخت. امروز هم مردم ایران چشم امید خود را به حزب ما بشناسه

سازش ناپذیرترین سازمان انقلابی ضد استعماری خلق دوخته و اطمینان دارند که در مبارزه آینده نیز حزب ما نقش مهمی را ایفا خواهد نمود. تاریخ گذشته حزب ما بحق مایه افتخار و سر بلندی هر فرد توده ای است. حزب توده ایران بزرگترین و موثرترین حزب سیاسی و اجتماعی ملی تمام تاریخ کشور است. این حزب در راه آزادی و استقلال وطن ما قربانیها داده و مسامحه حیرت انگیزی صرف کرده است. امروز ارتجاع مسلط است ولی آن روح عصیان طغیان که مبارزات حزب در سراسر ایران بوجود آورده است از میان نرفته است، در همین آنکه باید از درسیهای شکست عبرت گرفت، اشتباهات را مجدداً مورد بررسی قرار داد و علل و عوامل آنرا روشن کرد، نباید از تجارب مثبت و کامیابیهای فراوان اجتماعی ما غافل شد. توجه به این جنبات نیروی ما را در نبرد و اطمینان ما را به پیروزی تقویت میکند.

ع. ص.

مقاله زیرین نوشته رفیق‌فید عبد الصمد کاشغری در شماره ۲ سال پنجم مجله ی " دنیا " صفحات ۶ تا ۹ درج شده است.

حزب برای تشکیل جبهه واحد ملی و دمکراتیک

صفحه ای چند از تاریخ حزب ما

تاریخ گذشته مبارزات مردم کشور ما کجمنه ایست از تجارب - استناد می صحیح آزان می تواند کسک شایانی برای مبارزه رهائی بخش ماد را بید باشد - این مبارزه فراز و نشیب های بسیاری طسی کرد - است - آنچه امروز د پگرنه می تواند در مقابل واقعیات تاریخ گذشته منکری داشته باشد لزوم وحدت نیروهای آزاد بخواه در مبارزه برای دمکراسی و استقلال کشور، علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی است - مراحلا کونگون مبارزه هر بار وحدت نیروهای مبنی را ضرور می سازد - لذا تحلیل صحیح و تشخیص هدف و جسارت در انتخاب متحد می تواند تا مین کنند می پیروی سبب باشد - و بالمعکس تشخیص نادرست، استناد می صاحب از جبهه ی گذشته و تردید و تزلزل در جبهه به این بیان نیروی همراه پیروی را (بر حسب درجه ای اشتباه) محقق می اندازد و پا جنبش را در چار شکست فاحش و طولانی می سازد -

امروز دشمن عد می با امپریالیسم و رژیم کودتاست که با کمک مستقیم امپریالیستها بر ما تحمیل شده و بسرکردگی شاه هرگونه آزادی و دمکراسی را در کشور سرکوب نموده است - مبارزه در راه برقراری آزادی برای دمکراتیک علیه این رژیم آنچنان عرصه ی پهنای است که می تواند همی خلق را در برگیرد - اکنون ضرورت تشکیل جبهه ی واحد بر کسی پوشیده نیست - این فکر همه گیر شده است - همکاری صرف نظر از تعلقات کونگون، علاوه در میان توده ها راه باز می کنند - تشکیل این نیروها آغاز پان سلطه امپریالیسم و ارتجاع خواهد بود - لذا طبیعی است که دشمنان برای جلوگیری از چنین تشکلی بهسر گونه فشار و هرنوع خدعه و نیروکی تشمت می کنند -

تحلیل دقیق تاریخ مبارزات اخیر دلتیهای ایران بخوبی نشان می دهد که علیرغم گرایش نیرو - های مترقی و آزاد بخواه بسوی وحدت، هر بار امپریالیستها و مرتجعین توانسته اند، با صرف نظر کردن موقت از رقابتی خود، به حرکت بیشتری ناائل آیند - از طرفی این تحرك و از طرف دیگر ایجاد عدم اعتماد و تفرقه میان نیروهای آزاد بخواه، گمراه ساختن ناگاهترین آنها، فعالیت از طریق مستونیای پنجم و غیره به ارتجاع امکان می داد - است که بر نیروهای دمکراتیک غالب آید -

هدف عد و همواره مبارزات از انداختن جدائی بین حزب توده - یعنی رکن عد می - این

جبهه - و سایر نیروها - اینک دیده می شود که علاوه بر تمهت زدنها و افترا کوشیها و بر حسب هائی از قبیل " غیراصیل " و غیره و بموازات بکار بردن این جنبه های رنگ زده، گاه و بگاه دست به تحریف تاریخ جنبش و مبارزه ی گذشته نیز می زنند - منظور از این تحریف انکار واقعی است که حزب مادر گردشته و حال در راه مشکل ساختن نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی و تشکیل جبهه ی واحد پلما کرد ما است سابقا مجله ی " دنیا " در مقاله ای تحت عنوان " ملی کیست " (سال سوم شماره اول) از زوايه د پگر به برخی از این نکات و از جمله به این نوشته ی مجله ی " سوسیالیست " پا سخ داده مدعی بود :

" تا سال ۱۳۲۹ هیچ حزب و جمعیت سیاسی برای مبارزه علیه امپریالیسم بهسر نفاسته بود و با اینکه نه سال از سقوط دیکتاتوری میگذشت و شرایط اجتماع می و سیاسی مساعدی برای مبارزات ملی و خدا استعماری فراهم بود هیچک از احزاب و نیروهای سیاسی در راه تحقق استقلال ملی و اقتصادی ایران جنبش را آغاز نکرده بود -"

اکنون این لکنه تنها در مطبوعات بلکه در برخورد های کونگون و بحث هائی که انجام میگرد گاه دانسته و گاه ندانسته به جوانانی که تازه پا در عرصه ی مبارزه گذارده اند تلقین می شود - نتیجه ای هم که گرفته می شود همواره پنی است : کاستن از اهمیت همکاری با حزب توده ایران - و حال آنکه حزب مادر گشته میتر و تاندنی پگانه پر چند ار وحدت نیروها بوده است -

از اینرو نه تنها از نظر دفاع از حق حزب توده ایران بلکه از نظر احیا واقعیات تاریخ الحسیر جنبش ملی مردم ایران بجاست نکاتی را از این تاریخ باارائه اسناد و مدارک از نظر خوانندگان بگذرانیم - هدف و منظور اصلی مقاله ی حاضر همین است -

نخستین گامها برای تشکیل جبهه ی واحد بمنظور مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران توسط حزب کمونیست ایران برداشته شد - ولی در شرایط تهر رضاشاهی نتوانست به نتایج مثبتی برسد - این کار را حزب توده ایران با شکلهائی نهن آغاز نمود و با پیگیری و سرمختی ادامه داد -

با از میان رفتن رژیم دیکتاتوری رضاشاه امکانات تازه ای برای جنبش پیدا شد - ارتجاع در چار سرا سبکی بود - پشتیبان های امپریالیستی آن در آغاز امر نمیتوانستند آشکار علیه آزادی های مختصر دمکراتیک که مردم بدست آورده بود ند به ارتجاع کسک برسانند - از جانب د پگر توده های وسیعی از مردم زحمتکش امکان یافتند با خواستیهای خود که ملی بیست سال انباشته شده بود وارد میدان مبارزه شوند - تشکل پذی بر تراز همی طبقات خوه از لحاظ ماهیت طبیعی خود و خواجه از لحاظ آمادگسی، طبیعی کارگر بود - این طبقه طی ده سال اخیر حکومت رضاشاه از لحاظ کمی نیز رشد فابل ملاحظه ای کرده بود -

سازمان دادن طبقه ی کارگر و تبدیل مبارزه ی محدود پنهانی آن به مبارزه ی آشکار و بسیج نیروی این طبقه ضرورت می بود که حزب طبقه ی کارگر را با اشکال و وظایف نهنی رو برو ساخت -

بد پنی است که وظیفه ی حزب طبقه ی کارگر، مانند همه جا، در این چارچوب نمیتوانست بسالی بیاند - طبقه ی کارگر تحت رهبری حزب خود میا پستی توده های هرچه وسیعتری را برای مبارزه ی پسر دامنه در راه تشیت و توسعه ی دمکراسی و پاره کردن هرنوع فید و بند خارجی سازمان دهد - برای این منظور میا پستی جبهه ای از همی نیروهای د پتغ در مبارزه وجود آید - این تا و مراحلی لازم داشت :

تحمیل سازمان خود طبقه ی کارگر - بوجود آوردن استخوان بندی جبهه ی مورد نظر از طریق کار در میان دهقانان و ایجاد اتحاد محلی از این د طبقه که متحدین طبیعی و دراز مدت اند - جمع آوری طبقات

و قشرهای دیگری که میتوانند در مراحل معینی همد و شن با کارگران و دهقانان مبارزه کنند.
 حزب توده ایران هنوز در حال جنبشی بود که پیکار وسیعی علیه افکار فاشیستی انجام داد و کامیابیهای قابل توجهی بدست آورد.
 در همان کامیابی نخستین تشکیل خود حزب آمادگی خود را برای همکاری هر چه وسیعتر با مردمی که تازه از قید دیکتاتوری آزاد شده بودند اعلام داشت. روزنامه "سیاست" نخستین ارگان مرکزی حزب در شمارهی اول خود با زبانی ساده منظر خود را چنین بیان نمود:

"هر کسی که در این سرزمین طرفدار آزادی فکر و دارای عقیده بود که به معنات و سعادت اهالی این خدمت کند، برای تخفیف رنج بدبختان قدم بردارد و بسرای زودستان در اجتماع همان حقوقی را که قانون به آنها اعطا کرده است بشناسد، خدمتگزار را در رهبرانی که هست تقدیر کند و جناحکار را در هر مقامی که هست از خود براند و بدست عدالت بسپارد، ما او را از خود میدانیم".

در آئین مردم هنوز شیخ دیکتاتوری وحشتناک رضا شاه را میدیدند، دوران بهت سالهای گذرانده بودند که در آن اثری از آزادی نبود، قانون و حقوق ملموسی نداشت، صومیت جانی و مالی برای کسی باقی نمانده بود.

حزب توده ایران در عرض مدت یکسال بعد کالی از مبارزات گذشتهی حزب کمونیست ایران بهره جست، سازمان خود را در صورت داد، نیروهای را که در اختیارش قرار گرفته بودند بسج نمود. در این مدت احزاب و گروههای مختلفی آمدند و رفتند و هیچکدام از آنها نتوانست سازمان ثابلی توجیهی نیابد. ولی حزب توده ایران که راه صحیح انتخاب کرده بود و متکی به مرفقی ترین طبقات و ستهای گذشتهی آن بود، روز بروز در جمعی اعتبارش افزود.

از این جهت وظیفه سنگین انداختن جنبش رهائی بخش مردم در مجرای صحیح بعهد هی حزب با فرار گرفت. حزب میبایستی در راه بالا بردن در جمعی آگاهی توده ها بکوشد، باقتضای اوضاع و احوال شمارهای انتخاب کند که بانها زمند بهای مردم وفق دهد.

در تاریخ ۱۷ مهرا ۱۳۲۱ نخستین کنفرانس ایالتی تهران حزب با حضور ۱۲ نماینده تشکیل شد. این کنفرانس با آنکه کنفرانس ایالتی بود نقش سازماندهی مهمتری در قیاس ستر تاری ایران بازی کرد و برنامه و اساسنامهی حزب را تدوین نمود.
 شمارهای اساسی حزب در این کنفرانس از تصویب گذشت:

"کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه وران متحد شوید."
 "بر علیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید"

نیروهای مرفقی در آن زمان با اوضاع و احوال خاصی روبرو بودند؛ جنگ علیه آلمان هیتلری موجب شده بود که کشورهای دارای سیستمهای مختلف اجتماعی (کشور سوسیالیستی اتحاد شوروی از یک طرف و کشورهای سرمایه داری انگلیس و آمریکا از طرف دیگر) در یک جبهه قرار گیرند. تضاد های اجتماعی بین دو سیستم فرصت بروز نی یافت. محال امپریالیسم میکوشیدند این وضع را آتش میان دو سیستم قلد اکنند. برای این منظور از سطح نازل آگاهی سیاسی آئین مردم حد اعلاي استفاده میدید.

تنها فعالیت خشکی تا بدی یک حزب مارکسیستی - حزب توده ایران - میتوانست نقشه های محیلائی محال امپریالیسم را افشا نماید. تبلیغاتی دراز مدت و ژورف لازم بود تا ماهیت امپریالیسم و

استعمار را یاد ر نظر گرفتن اوضاع آن زمان برای توده مردم آشکار سازد، آنچه را که پس برده و طایر سرح پزنی میشد تا بی از جنگه آشکارا بدین عمل تنید پیشاپیش افشا نماید. توده ها را برای مبارزه آگاهانه آماده و تجهیز کنند.

برای ارزیابی کوشش حزب توده ایران در این زمینه کافی است به فعالیت طبعی حزب در آن زمان رجوع شود. از فعالیت های سیاست برای توده های عامی گرفته تا کتب پخربخ علمی، اجتماعی، اقتصاد برای قشرهای روشنفکر، حزب ما آنچه را که در حیطه ای امکان بود در دسترس توده های وسیع مردم قرار داد. حجم مطبوعات آموزنده سیاسی، علمی، اجتماعی و ضد امپریالیستی که حزب ماطی دوران فعالیت علمی خود نشر داد است افزونتر از مجموع انتشارات همهی احزاب آئینان و دوران ماقبل آنست.

حزب توده ایران برای مبارزه با هرگونه استعمار کشور ایران طبقات مختلف مردم را دعوت به اتحاد نمود. ممکن است گفته شود که از شعارهای اساسی حزب - کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه وران متحد شوید - ناقص بود و کاملاً جمع کننده نبود، بورژوازی ملی در آن فراموش شده بود. آزادی است بجا. از نظر ذهنی جزب توده لازم را با این موضوع نکرده بود. ولی این عدم توجه دلیل عینی نیز دارد که از نظر تحلیل وضع آئینان مهم است:

"همه از مجموع جنگ و بخصوص پس از ورود متفقین به ایران را: طبقه بازرگانان ایران با دنیسای خارج تقریباً قطع شد. اجناس داخلی رونق خاصی گرفت. بهای این اجناس چندین برابر مرفقی کرد. سرمایه داران ملی و حتی قسمتی از پیشه وران و بورژوازی کوچک شهری از برضی رقابت اجناس خسار جی برکنار مانده اند. سود های کلانی تا بد سرمایه داران ملی میشد. مزد کارگران کارخانه های ملی از زبسان گذشته در سطح نازلی باقی مانده بود. تضاد میان کار و سرمایه در دهلهی اولیه شکل حادی خود را نشان داد. کارگران یک سلسله مبارزاتی برای بالا رفتن دستمزدها انجام دادند که حزب توده ایران همواره از آن پشتیبانی کرد. بورژوازی ملی زیر ضعیف اقتصادی امپریالیسم نبود. فشار آتراحس نمیکرد. جنبهی ضد امپریالیستی آن نمیتوانست بچشم بخورد و میبایستی آنرا تنها در درونما دید. ایسمن بد به بطور عینی تحلیل وضع این طبقه را در چار دشواری میساخت.

معمداً حزب توده ایران عملاً همهی نیروهای مرفقی را برای مبارزه دعوت و جلب میکرد. لزوم یک جنبین مبارزه متحدی هر روز بیش از پیش آشکار میشد. ارتجاع رفته رفته بخود می آمد. خود را برای تعرض آماده میساخت. میبایستی آزاد بهای بدست آمده را حفظ کرد و با نیروی دسته جمعی در راه بسط آن کوشید.

مدیران جبراعد و نویسندگان مرفقی، رجال و افراد آزاد بخواه میتوانستند نقش بزرگی در آما ده ساختن افکار سوسیالیستی کنند. حزب توده ایران گردآوری این قبیل عناصر مرفقی را در یک جبهه و جبهه همت خویش قرار داد. کوشش پیگیر حزب و کارزار تبلیغاتی که بخواه در جبراعد حزبی و بخواه از طریق تمام بد نهی حزب و دستگاه تبلیغاتی آن انجام شد نخستین نمری خود را در اواسط سال ۱۳۲۳ بخشید. به ابتکار حزب توده ایران و با دعوت این حزب جبهه ای از مدیران جبراعد مرفقی مرکز و ولا یسات، نویسندگان، نمایندگان گروه ها و دسته های مرفقی تشکیل شد.

این "جبهه" رفته رفته سعی سازمانی بخود گرفت، شورای عالی انتخاب کرد و برنامهی خود را اعلام داشت. این برنامه در شمارهی ۴۸ روزنامهی "رهبر" در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۲۳ بشرح زیر پسر انتشار یافت:

"جبههی آزادی سازمان ائتلافی از مدیران جبراعد و نویسندگان و افراد آزاد بخواه است که برای پیشرفت مقاصد مشترک زیر با احزاب و اتحادیه ها همکاری و تشریک ساعی می نمایند:

- ۱) مراقت در حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت خاک ایران و مبارزه ی قطعی علیه هرگونه سیاست استعماری.
- ۲) مبارزه ی شدیده برای برقراری حکومت ملی بر اساس قانون اساسی و رزق مکرر ملی
- ۳) تشکیل دادگاههای ملی برای محاکمه و مجازات خائنین بنا بر منافع عمومی.
- ۴) مبارزه برای تأمین عدالت اجتماعی بمنظور بهبود زندگی عمومی مردم.

"جبهه آزادی" بسرعت رشد یافت. در بدو امر ۱۲ روزنامه در این جبهه عضویت داشتند، در آخر سال ۱۳۲۳ سیسی روزنامه عضو آن شده بود. در اوایل ۱۳۲۴ چهل و چهار روزنامه، یعنی نصف تمام جرائد منتشره در کشور در این جبهه عضویت یافته بود.

"جبهه آزادی" خدمات گرانبهایی به حفظ آزادبهای موجود و جلوگیری از هجوم ارتجاع انجام داد: مارتوی پیگری علیه حکومت صدر و برای برانداختن این حکومت، علیه تعدد مجلسین چهارم هم، برای تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و غیره.

در تاریخ مبارزات رهائی بخش کشور ما این نخستین بار بود که عده ای دارای نظر پست و عقاید مختلف برای مبارزه در راه هدفهای مشترک که عده ترین آن حفظ استقلال سیاسی و اقتصاد دی ایرانست بنام "جبهه" دروهم جمع شدند، مبارزه کردند و موفقیت بدست آوردند.

برای اینکه نیروهای مختلفی که در یک جبهه گرد می آیند با یکاه ممکن داشته باشند میباشند وحدت در عده ترین طبقات متشکله ای این جبهه یعنی وحدت میان طبقه کارگر وجود داشته باشد. حزب ما با تمام نیرو به اتحاد هی کارگرای که متکثر تشکیل آنهم خود حزب بود کف رساند تا بناتوانند اتحاد به های مختلف را زیر یک پرچم گرد آورد.

در اردیبهشت ۱۳۲۳ این وحدت انجام شد و شورای متحد هی مرکزی کارگران و زحمتکشای ایران بعنوان یگانه سازمان صنفی طبقه کارگر ایران بوجود آمد. این یکی از بزرگترین کامیابی هابود. پس از انجام این وحدت شورای متحد به سرعت بی نظیری پیش رفت. اگر در اوایل خرسال ۱۳۲۳ تنها ۴۷ صنف و جمعا ۵۰ هزار کارگر در سازمان اتحاد به ای متشکل بود، چند ماه بعد این عده به ۷۰ هزار پکسال بعد به ۱۸۰ هزار نفر و بعدا تا آنجا رسید که در حدود ۹۵٪ همهی کارگران ایران زیر رهبری شورای متحد هی مرکزی گرد آمدند.

در مرداد ماه ۱۳۲۳ نخستین کنگره ی حزب توده ایران تشکیل گردید. در این کنگره از ۴۹ سازمان ایالتی و ولایتی ۱۶۹ نماینده حضور داشت. علاوه بر قدرت معنوی در میان طبقه کارگر و دیگر قشرهای زحمتکش در خود حزب بهنگام تشکیل کنگره ی اول پس از ۲۵ هزار نفر عضویت داشت.

ولی ترکیب اعضا "حزب حاکم ایران بود که باید نیرو را متوجه کار در روستا نمود و اتحاد واقفسی و نیرومندی از کارگران و دهقانان بوجود آورد که بتوانند پایه و استخوان بندی جبهه ی واحد همسه ی نیروهای مترقی گردند. ترکیب حزب در آن موقع عبارت بود از ۷۵٪ کارگر، ۲۳٪ کارمند و روشنفکر و تنها ۲٪ دهقان.

کنگره ی حزب تصمیم به بسط هرچه بهتر فعالیت در دهات گرفت. در تعقیب این تصمیم بلا فاصله پس از کنگره اقدام به تشکیل اتحاد هی دهقانی در سراسر کشور شد. این نخستین و یگانه سازمانی بود که برای دهقانان ایران داده میدهد که حقوق جمعی آنانرا مطرح سازد.

تشکیل این اتحاد به نکان نیرومندی به جنبش دهقانی ایران داد. در نتیجه ی فعالیت این اتحاد به و تا "تیراصلاحات ارضی که بعد از آغاز جنبش آزادیبخش در آنجا انجام شد چندین صد هزار نفر دهقان بمضو پت آن درآمدند. جنبش نیرومندی سر تا سر روستای ایران را فراگرفت. در تقاطعی

نظیر اراک، گیلان، قزوین، کرمان، شیراز کار به تصادم های متعدد و در برخی از نقاط به مبارزه ی مسلح انجامید.

بجزرت میوان گفت جنبشی که این اتحاد به و تا "تیراصلاحات آزادیبخش را بجان بوجسود آورد پایهی تمام آن چیزی است که دهقانان ایران بدست آوردند. از بخشوده شدن بهنگاری و رسوم و سیورسات و ۱۵٪ تخفیف بهره ی مالکانه در زمان قوام گرفته تا اصلاحات نیم بند امروزی که بمنظور اسکاوت روستای ایران و نرو نشانندن جنبش بعمل می آید. اکنون هم دهقان ایرانی گرایش خود را بسوی حزب توده ایران اژد ست نداند و نجات واقعی خود را بدست این حزب میداند. شکوهی د کتر ارستجانی و پرکشآوری وقت از اینکه دهقان ایرانی بجای اینکه به تبلیغات آنها توجه داشته باشند همواره گوشش به راد پوی "پیک ایران" است بپیوسته نمود و منعکس کننده هی واقعیت بود.

در ایجاد اعتماد متقابل بین نیروهای ترقیخواه، در پایه گزارهی همکاری و تجمع نیروها نقش قابل توجهی فراکسیون حزب توده ایران بازی کرد. این همکاری با نیروهای دیگر در مقیاس کسو چک پارلمان نمونه ای بود برای نشان دادن امکان همکاری در مقیاس وسیع کشوری. در مبارزه علیه سید ضا"الدین، در مبارزه برای طرد مبلسبو و مستشاران امریکایی، در مبارزه با حکومت صدر، در مبارزه برای جلوگیری از تعدد مجلس چهارم هم، در تمام این موارد فراکسیون حزبی ما نیروی وصل دهنده و تقویت کننده هی همکاری بود. در مبارزه با حکومت صدر فراکسیون حزبی ما هم همکاری صادق و هم یزنیه اصلی بین د نیرو و هم پیگیرترین نیرویی بود که کول میباید صدر را نهدزد و تا آخر به موضع خود بماند ارماند.

در پایان جنگ جهانی حزب ما بعنوان بزرگترین نیروی متشکل د مکرانیک شناخته شده بود. موفقیتهایی که حزب در تشکیل "جبهه آزادی" و فراکسیون حزبی ما در همکاری با نیروهای مترقی بدست آورد، بودند، تبلیغات مداوم و موفقتری که حزب در زمینه ی لزوم وحدت نیروها مینمود، موجب گرایش روز افزون نیروهای جوان و روشنفکر بسوی حزب شد. این گرایش گاه شکل ائتلاف مستقیم د سنجات مختلف با حزب و گاه شکل الحاق به حزب بخود میگرفت. مثلا سازمانهای حزب "میهن" که خود نمری اتحاد چند حزب و گروه از انجمله احزاب "پیکار" و "میهن پرستان" بود بتدریج با سازمانهای حزبی ما ائتلاف زدند و با به آنها ملحق شدند. نخستین سازمان حزب "میهن" که کاملا ملحق به حزب توده ایران شد سازمان کرگان بود. پس از آن در اسفند ماه ۱۳۲۴ سازمان کرمانشاه الحاق خود راه حزب توده ایران اعلام داشت. خبر این الحاق در روزنامه ی "رهبر" شماره ی ۶۶۴ بتاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۲۲۴ بشرح زیر داده شد:

"در تاریخ ۱۷ اسفند ماه ۱۳۲۴ ساعت پنج بعد از ظهر برائزید اکراتی که قبلابمسن کمیته ایالتی حزب توده ایران غرب و کمیته ی شهرستان حزب میهن جربان یافته بود، تصمیم گرفته شد کمیته ی حزب اخیر که سمت نمایندگی از طرف عموم افراد حزب را داشته و تصمیم خود را بتصویب عموم اعضا رسانده بود به کمیته ایالتی حزب توده ایران رسا الحاق شده و عموم افراد کارت عضویت حزب توده ایران را دریافت دارند."

اندکی بعد سازمان حزب میهن در خراسان نیز به سازمان حزب توده ایران پیوست و مشترکا بهانه ای دادند که در آن از جمله چنین نوشته شده بود:

"در این موقع که کشور نیازمند اتحاد کلیه ی آزاد پخواهان است افراد حزب میهن و

حزب توده خراسان این نکته را از پیش بخوبی دریافته و پس از دو ماه مطالعه می دقتی و مذاکره در باره اتحاد کامل د حزب امروز دست اتحاد و برادری بیکدیگر داده باغز می رانج و اطمینان کامل ... برای مبارزه در راه استقلال ایران کسر د آمد ایم ...

بموازات این، گذشته از سازمانهای این حزب و گروههای دیگر در گیلان، مغان و سایر نقاط با سازمانهای حزب توده ایران بر روی همین زمینه ائتلاف کردند. یکی از اتهامات بهشمار می که به حزب مازده شد این بود که گویا حزب توده ایران فقط زیر سایه وجود ارتش شهری توانسته است نیرو بگیرد و مبارزه کند و پس از تذبذبهی ایران قطعاً از هم خواهد پاشید در فروردین ۱۳۲۵ آخرین سران ارتش شهری ایران راترک گفتند. ولی فعالیت حزب ما نه تنها ضعیف نشد بلکه گسترش یافت. حزب نفوذ خود را تا اقصی نقاط جنوب بسط داد و نشان داد که قابلیت حیاتش از بجای د بگردد از مردم و صد اقتش در پیشگاه خلق سرچشمه میگرد. اکنون حزب خطراتی را که با پان جنگ متوجه کشور ما میگرد بخوبی میداند. شکست آلمان هیتلری و پایان همکاری د دول بزرگ ایران را در مقابل مظامع د امپریالیسم امسکا و انگلیس فرامیداد. در مبارزه با این خطر فترهای وسیع مردم د بنفع میگردند. حزب توده ایران در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۲۵ اعلامیهی دائر به دعوت جدی از احزاب آزاد بخواجه برای تشکیل مساعی و مبارزه مشترک صادر کرد و راهبر اعلامیه پس از ذکر اینکه اکنون دیگر هیچ نیروی خارجی در کشور نیست و پس از رد اتهامات و نسبتهای ناروایی که به این حزب داده شده بود چنین گفته میشد:

"حزب توده ایران نه تنها بیگانه پرست نیست بلکه با کلیه کسانی که از سالیان دراز جیره خوار بیگانگان هستند و منافع استعمار طلبان را مصالح حقیقی مهین خود ترجیح میدهند جدا مبارزه میکند. ملت ایران برای حفظ استقلال ملی خود پس و در راه مبارزه با استعمار تاکنون قربانیهای بهشمار داده است. لیکن این قربانیها برای استعمار طلبان کافی نیست. ... هزاران ایرانی شرافتمند باید جان بکشند و آفتاب سوزان صحاری را تحمل کنند و روزها خود و عائله اش گرسنگی بکشند تا قدرت این خداوندان زور زیاد تر و زنجیر اسارت و بندگی ملت ایران روز بروز فشرده تر گردد. ... در مقابل چنین اوضاعی که حیات سیاسی و استقلال واقعی مهین ما را تهدید میکند وظیفهی هرا ایرانی با شرف و مهین دوست و هر حزب و جمعیت آزاد بخواجه اینست که بدین توجه به مسائل طبقاتی، مناقشات حزبی و سیاسی برای نجات ایران عزیز ... از هیچگونه فداکاری مضایقه نکند و زمینهی یک اتحاد وسیع و نیرومند از کلیه ملین و مهین پرستان حقیقی را فراهم نماید. حزب توده ایران که مبارزه علیه هر نوع استعمار کشور ایران را شعار خویش قرار داده است امروز پیش از هر موقع دیگر بلزوم چنین اتحادی معتقد است و تصمیم دارد با تمام نیروی مادی و معنوی خود پس برای ایجاد یک جبهه واحد ملی یکپارچه از احزاب و دستجات آزاد بخواجه و اصلاح طلب کوشش نماید ..."

پس از این مقدمه حزب توده ایران رسماً احزاب آزاد بخواجه را برای تشکیل جبهه ای بنام "جبهه مو" تلف احزاب آزاد بخواجه" دعوت مینماید. چنانکه می بینیم حزب توده ایران در همان موقع درک صحیحی از جبههی واحد داشت:

ائتلاف احزاب (نه حل احزاب در داخل یک حزب) در راه اجراء عمومی ترین شعارها - حفظ استقلال ملی.

نخستین حزبی که دعوت حزب توده ایران را اجابت کرد حزب ایران بود. با ائتلاف این دو حزب "جبهه مو" تلف احزاب آزاد بخواجه" تشکیل شد. پایه هائی که این دو حزب بر بنیاد آن ائتلاف کردند و در پیکر (۱۸ آذر ۱۳۲۴) در روزنامهی "رهبر" ارگان مرکزی حزب توده ایران و روزنامهی "جبهه" ارگان مرکزی حزب ایران منتشر شد و از طرف حزب ایران آقایان البهار صالح و مهتندس سزیرک زاده امضا کرده بودند عبارت بود:

در سیاست داخلی - از مبارزه مشترک برای شکست کامل عناصر ارتجاعی - یعنی دست نشاندگان استعمار و مداخلین اصلاحات - مبارزه در راه آزادی و ترقی ملت ایران.

در سیاست خارجی - از مبارزه مشترک در راه تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و پیشه کن ساختن استعمار.

یکی از موفقیتهای بزرگ این جبهه توافق نظر در باره حفظ وحدت سازمان طبقیه کارگر بود. "جبهه مو" تلف احزاب آزاد بخواجه" اعلام داشت که شورای متحدی مرکزی اتحادیهی کارگسران و زحمتکشان ایران را بگانه سازمان کارگری مینماید و از هیچگونه تمکی به آن دریغ نخواهد ورزید. جنبش د مکرانیک پس از جنگ همواره در حال آج گرفتن بود. در سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۱۵

جنبش ملی د مکرانیک در آذربایجان و کردستان دامنه وسیعی یافت. در این مناطق فرقهی د مکران آذربایجان و حزب د مکران کردستان بوجود آمدند و به موفقیتهای زیادی نائل گردیدند.

حکومت قوام این جنبش را بعنوان جنبش د مکرانیک برسمیت شناخت. علاوه بر آن چهار نفر از "جبهه مو" تلف احزاب آزاد بخواجه" را در دولت شرکت داد. ولی این شرکت سه ماه بهتدریسول نکشید. ارتجاع از وحدت نیروهای د مکرانیک هراسناک بود و خود را آآمد می هجوم مینمود. نیروهای آزادی و ارتجاع آشکارا در د و قطب متشکل میشدند. حزب د مکران ایران که توسط قوام تشکیل یافته بود بطور صحت محل تجمع نیروهای پرواگند می ارتجاع شد. از طرف دیگر دعوت حزب توده ایران مورد اجابت روز افزون نیروهای مقابل قرار میگرفت. د رموردی گرایش بسوی د و قطب بصورت انشعاب احزاب و دستجات سیاسی به جناحهای مختلف و گرویدن آنها از سویی به حزب د مکران قوام و از سویی دیگر به حزب توده ایران مظاهر مینمود.

مثلاً در اواخر مهر ۱۳۱۵ وقتی حزب آزادی الحاق خود را به حزب د مکران ایران اعلام داد، سازمان جوانان آن حزب بلافاصله خود را به حزب توده ایران ملحق ساخت. در نامه ای این سازمان مندرجه در روزنامهی "رهبر" شماره ۸۴۶ بتاريخ ۲۸ ر ۱۳۲۵ چنین مینویسند:

"سازمان جوانان و روشنفکران حزب آزادی که در اشاعه افکار نو و ترقی و مبارزه با ارتجاع در طول یک سال عمر حزب نامبرده نقش بزرگی را بازی کرده است چون حزب آزادی بدین جلب نظر افراد فعال سازمان مذکور به حزب د مکران ایران پیوسته ... بدینوسیله الحاق خود را بصرف مبارزه حزب توده ایران ... ابلاغ و جوانان کشور ... به پیوستگی به حزب مبارز توده ایران دعوت مینمائیم"

بدینال آن "جمعیت مختلط ملی" که با گامه صد و اش روستا بود، الحاق خود را به حزب توده ایران اعلام داشت و خبر آن در روزنامهی "رهبر" شماره ۸۵۷ بشرح زیر داده شد:

" هزاران نفر در تهران و برخی از شهرها تظاهراتی تحت عنوان " جمعیت مختلط ماسی " تشکیل شده بود. نه به حزب توده ایران پیوسته اند ، فقط یکپارچه با قصد نفر از این جمعیت در زرت به حزب مائو اتحاد می دهند آنان وابسته به مملکت شده اند هر پنجشنبه افراد این جمعیت از ساعت سه و نیم بعد از ظهر در کلوب خودشان واقع در چهارراه حسن آباد مجتمع میشوند تا ستهن چهار بطرف کلوب مرکزی حزب توده ایران حرکت کنند "

با اینکه با تشکیل " جبهه " موکلف احزاب آزاد بخواه " و احاد نیروهای پراکنده در مکرراتک بده حزب توده ایران و مرکز نیروهای کارگری در اتحاد پی واحد مکرراتک ، " جبهه " آزاد پخواهان بخوانیم به سابقه ای توسعه یافته بود ، بدین ایجاد همکاری محکم با احزاب بزرگی نظیر فرعی در مکررات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان ، قابلی عملی با نیروهای متشکل از جماع که دارای قدرتی نظامی و از پشتیبانی کامل امپراطوریم برخوردار بودند ، امکان پذیر نبود . در اواخر شهریور و اوائل آبان جرسان مذاکره با این احزاب پایان پذیرفت و چهار حزب الحاق خود را به " جبهه " موکلف احزاب آزاد بخواه " بوسیله نامه اعلام داشتند : فرعی در مکررات آذربایجان ، حزب دمکرات کردستان ، حزب جنگل ، حزب سوسیالیست .

بخوان توضیح چگونگی این ائتلاف در روزنامه " رهبر " شماره ۸۵۲ بتاريخ ۸/۹/۱۳۲۵ باصفا " شش حزب اطلاعاتی زیرین درج شد :

" عدّه ای از خوانندگان با اطلاع عمیق از کمیته مرکزی حزب دمکرات آذربایجان " کردستان ، سوسیالیست و جنگل متوجه شده بود که این چهار حزب به " جبهه " موکلف احزاب آزاد بخواه " مرکب از احزاب توده ایران و ایران پیوسته اند . اینک برای مزید اطلاع اعلامی " جبهه " موکلف احزاب آزاد بخواه " را که در شماره ۹ تیرماه روزنامه مارجر شده بود ، و باره نشر داده و توضیح میدهم . که اکنون شش حزب توده ایران ، دمکرات آذربایجان ، ایران ، دمکرات کردستان ، سوسیالیست و جنگل رو ، اساس اعلامی زیر " جبهه " موکلف احزاب آزاد بخواه " را تشکیل میدهند . "

با اینکه تجزیه و تحلیل علل شکست آرزوی جنبش از موضوع این مقاله خارج است معذرا این نکته را نمیتوان در همین "خاندن کرد" که پی از علل آن بدین شک این بود که علیرغم همی کوشش هسا جمع نیروهای آزاد بخواه بکنده انجام میشد و هنگامیکه ارتجاع خود را کاملا آماده هجوم متمرکز کرد هنوز جبهه آزاد پخواهان تسخیر لازم را نگرفته و موفق به هماهنگ ساختن اقدامات خود نشده بود . ارتجاع ایران گمان داشت که حزب توده ایران پس از خروج نیروهای متفقین و پس از شکست جنبش در آذربایجان و برپش همه جانبه و منظم ارتجاع خود بخود از میان خواهد رفت . ولی حزب بسا سرعت کمر راست کرد و باز پیشاهنگ ساززه شد . اکنون دیگر پیدا بود که ارتجاع ایران در مدد محوگلی آزاد پهای دمرا تابه و برقراری د پکتوری آشکاراست .

نخستین قدم حزب توده ایران باز اقدام برای گردآوری نیروهای متفرق و مبارزه مشترک علیه این خطر بود . نیروی سازمانی و تبلیغاتی خود را حزب متوجه این کار کرد . در اعلامیه هیئت اجرایی حزب منتشره در روزنامه " مردم " شماره ۳۱۹ مورخه ۱۵/۱۲/۱۳۲۷ زیر شعار " خطر عمومی رده " مشترک " پس از ذکر سانس ارتجاع برای برقراری د پکتوری چنین نوشته

شده بود :

" ما باید بد بوسیله به آمده از نمایندگان مجلس ، انبای طبقات ، رجال اجتماعی و هموطنانی که مایلند حق آزادی بیان برای آنها محفوظ بماند و رنجبرانی برگردان آنهاگذاشته نشود اعلام کنیم . . . که در این هدف مشترک تمام عناصر شرافتمند باید هم آواز باشند . "

اگر کسانی باشند که خطرات از خود در می بینند ، خود را به انواع وسایل می بینند و باور میکنند که آنها از این بلا مصون خواهند ماند باید اکنون بیدار باشند "

شعار حزب در آن موقع برای تشکیل جبهه این بود : " همه با هم برای دفاع از مشروطیت و آزادی اساسی " . موفقیتی که در آن موقع یک آمد تشکیل " جبهه " طبقات ضد د پکتوری " بود که توانست برای مدت قلیلی ۴۷ روزنامه را در وجود آورد . " جبهه " طبقات ضد د پکتوری " پس از شرح نمونه های گذشته د پکتوری تشکیل خود را چنین اعلام داشت (روزنامه " مردم " شماره ۳۴۸ - ۲۹ آذر ۱۳۲۷) :

" . . . از این جهت ما اضفا " کنندگان زیرین - ارباب جرائد و سرد بیرون - با حفظ عقاید و سالیک متفاوت خویش به منظور جلوگیری از د پکتوری . . . یک جبهه " طبقاتی " بنام " جبهه " طبقات ضد د پکتوری " بوجود آورده ایم . . . ما اینک بنام وظیفه نامه نگاری خویش به ملت ایران اعلام خطر میکنیم که دشمنان ایران برای د پکتوری جد بد زمینه چینی مینمایند و اگر رشد ملت ایران و هشماروی بیداری آزاد پخواهان نباشد زود است که ظلمت وحشت زای خود کامی اسپران را فراگیرد "

ولی " جبهه " طبقات ضد د پکتوری " د پری نیانید . بکار د پکراتجاع و دست نشانندگان امپراطوریم توانستند با سانس آزمایش شدی خود تخم نفاق بکارند و آرامتلاشی سازند . از آن پس د روزمانی حزب توده ایران بگانه نیروی شد که جلوی هجوم ارتجاع را سد کرد . بالاخره ارتجاع ، حادثی د ۱۵ بهمن (حادثی سو " قصد بشاه) را که کوچکترین ارتباطی با فعالیت حزب توده ایران نداشت موجب منع فعالیت حزب فراراد و حزب توده ایران را منجم ساخت . سازمانها و فعالین حزب در معرض حملات خرد کننده قرار گرفتند ، ولی حزب سنگرهای خود را محفوظ داشت . در اندک مدتی توانست به سازمانهای خود در خفا سر و سامان دهد . تنها هشت ماه از جاده های ۱۵ بهمن گذشت بود . از هر چه حزب و دسته ای اثر نهد که روزنامه " مردم " ارگان مرکزی حزب در مرکز منتشر شد و فعالیت حزب رو بد امنه گرفتن نهاد .

برای آنکه اهمیت فعالیت حزب و تاثیر آن را کامی فعالیت بسا پرنیروها در جلوگیری از اقدامات خبانت بار ارتجاع بیداد نشان دهم کالیست بگویم که مهمترین کامی برای فراهم ساختن زمینه د پکتوری شاه و برقراری آتیرزم اختناق و تهر در دست در قطعه زمانی انجام گرفت که حزب وقتا از عرصه خارج گردیده بود : تشکیل مجلس موکلف سانس ، تجدید نظر در قانون اساسی ، تشکیل مجلس سنا ، دادن حق تعطیل مجلسین به شاه ، برگرداندن املاک اختصاصی ، ساختن بت از رضا شاه و اعطای لقب " کبیر " برای استفاد می بعدی پسرش ، ایجاد شرایط برای ادای فعالیت بسانک انگلیس و نهایت آغاز مذاکره برای تجدید فراراد نفت جنوب .

بسط مجدد فعالیت حزب توده ایران نشان نمیی به نیروهای ساکن داد . اکنون تغییر قابل

توجهی در اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور رخ داده بود. رقابت آشکار دو امپریالیسم که پیشتر فراخس یافته بود، بدست تصمیمات مخصوص درآرایش نوای داخلی بوجود آمده بود. از طرف دیگر بحالت سرریز شدن امتیاز خارجی و شدت یافتن رقابت آن صنایع داخلی زیر ضربه قرار گرفتند. طبق آمار رسمی از فروردین ۱۳۲۷ تا فروردین ۱۳۲۸ واردات ایران به چهارمیلیارد ریخت و هجده میلیون ریالی در مقابل یک میلیارد و هشتصد و دو میلیون ریالی صادرات رسید. هر ریز به حدی بکاران افزودند.

صاحبان صنایع ملی، خرده و بزرگوازی شهر در صف نیروهای فعال برای خود جا باز میکردند. در چنین شرایطی اواخر سال ۱۳۲۸ و بهار سال ۱۳۲۹ شاهد انبوهی از طایع بود: آفاض فعالیت انتخاباتی، دکتروصدق و تجدید انتخابات در پی ۱۶ جلسه در تهران، تشکیل "جبهه ملی" توسط دکتروصدق، یک سلسله اعتصابات در شمال و نواحی شمالی در تهران، بدین هیچگونه عدول از فروتنی و باجریست میژان گفت که اگر حزب خود به ایران نتوانسته بود مجدداً نیروی خود را بسنجد و وارد میدان مبارزه شود جنبش رها می‌بخش ما به آن درجه از اوج موفقیت، که در دوران تصدیس قد، نه می‌رسد.

دوران حکومت صدق صفحات برجسته ای از مبارزه رهایی بخش خلقهای ایران در تاریخ کشور مکتوب. حزب خود ایران در این دوران دچار اشتباهاتی در ارزیابی جبهه ملی و خلعت ضد امپریالیست آن شد. با اینحال نقش صدقه ای که حزب مادر این مبارزه ایفا کرد اشتباهاتش را زیر سایه گرفته است.

با تعلق کارملنی و مخفی حزب توانست فتنه‌های وسیع را در سازمانهای ملی در مکران ایجاد کرده، مطبوعات حزبی و هالی ای اطراف آن با رونق همسایه ای که داشت برای تجهیز افکار عمومی فعالیستو تری کرد.

پانزدهم چهارم کمیته مرکزی حزب با کامل صداقت و صمیمیت در مقابل ملت ایران، اشتباهات حزب را گفت، روش چپ روانه و سکتاریستی آنرا انتقاد شد و کرد ولی در عین حال ارزش اقداماتش را نیز متذکر گردید: نه با پیشانی که حزب بنظر عدلک جبهه ملی واحد ضد استعماری و خشن کردن اقدامات ارتجاع ترتیب داد، تبلیغات حزب بنظر تشکیل این جبهه، مذکرات با سران جبهه ملی بسیاری تحققی بخشیدن به آن، انشا" توسط های محافل امپریالیستی و ارتجاعی و شرکت در فریاد م".

شکست جنبش رهایی بخش ملی مردم مادر ۲۸ مرداد یکبار دیگر نشان داد که با چه سرسختی نیروهای ارتجاع به هنگام خطر رقابتها را کنار می‌گذارند و خود را برای مقابله با جنبش آماده میکنند و تا چه حد نفاق و پراکنندگی نیروهای ملی و نقد آن جبهه ملی واحد موجبات چنین شکست هائی را فراهم میسازد.

پانزدهم چهارم کمیته مرکزی حزب خود ایران که پس از گذراندن یک دوران بحرانی تشکیل شد با زهم نخستین توجهش به همین نکته بود. پانزدهم متذکر شد که "نفاق و پراکنندگی نیروهای ملی و نقد آن جبهه ملی واحد ضد استعمار یکی از صدها ترین موجبات شکست و ناکامی هر جنبش ضد امپریالیستی است. نتیجه مبارزات گذشته خلقهای ایران این حقیقت را بارها به ثبوت رسانده است. در جریان مبارزه برای ملی کردن صنایع نفت این امر بطور بارز تأیید شد. ... از این رو کوشش در تدارک زمینه و تشکیل جبهه ملی واحد، نیروهای ضد استعمار عدله ترین وظیفه حزب در دوره کنونی جنبش ضد استعماری مردم ایران است."

از آنروز حزب خود ایران باز در این زمینه همواره کوشا بوده است. در پیام کمیته مرکزی حزب خود می ایران به کلیه عناصر ملی و آزاد بخدا ایران که در شعار می اول دوره اخیر رزمناهی "مردم" در فروردین ماه ۱۳۲۸ انتشار یافت از جمله گفته میشود:

"تنهارا و اقمی تا همین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و رهایی مردم از یوغ

استعمار و ستم ارتجاع آنست که همی عناصر میهن پرست، همیون فقرهای ضد استعمار و ارتجاع ... قطع نظر از طایفه مختلف سیاسی، خواستهای طبقاتی و نظریات اجتماعی خود در یک جبهه ملی واحد و در زیر پرچم مشترکی برای رستخیز واقعی کشور گرد آید. کوشش در تشکیل چنین جبهه ملی واحدی مهمترین وظیفه هر ایرانی میهن پرست و شرافتمندی است. اعمال هرگز نه سیاست نفاق و طعنه و نفاق در تشکیل این جبهه بسود دشمن مشترک است."

شماره های حزب ما برای تشکیل جبهه ملی واحد در این دوران نیز همواره بنحوی بود که بتواند زمینه وسیعترین همکاری ها را فراهم سازد. ما گفتیم که تنها بروی شمار دفاع از مکران و آزادی و استقلال کشور حاضریم با هر حزب و دسته ای همکاری کنیم. در نخستین کنفرانس نمایانسی در پی بیست و هفت نیروهای مرکزی را دعوت کردیم که در تصدیق بنحون یکانه نامزد انتخاباتی را می بدهند. دستگاه تبلیغاتی و راد یوی ما همواره در راه وحدت نیروهای ملی کوشیده است. هنگامی که جبهه ملی، با استفاده از وضع مناسب، ایجاد با به عرصه میهنی گسارده، کمیته مرکزی حزب ما، طی نامه سرگشاده ای ابراز مسرت کرد و نوشت:

"پرویزها و شکستهای که در پشت سرداریم باید برای ما سرشکلی و درس عبرتسی باشد و ما را در نبرد های آینده هدایت کند. اگر جبهه ملی واحد نیروهای خلق وجود داشت، اگر حزب خود ایران و جبهه ملی بر ضد دشمنان مشترک متحد اصل میگردند، ممکن نبود ارتجاع ایران بسرگردگی شاه و به پشتیبانی امپریالیستها پیروز گردد و با چنین قساوت نبخت ملی ایران را بخون کشد ... درست به همین جهت است که دشمنان مشترک ما مساعی بسیاری بنا میبرند تا همین ما نفاق اندازند ..."

حزب خود ایران در آن موقع متذکر شد که یکبار دیگر شرایط مساعدی برای حصول کامیابی نیروهای ملی فراهم میشود و بر ما است که از این شرایط استفاده می صحیح بکنیم. سرکار آمدن دکتر امینی و انحلال مجلسین نموداری از بحران رژیم شاه و کودتاج و کشور را بر سر درواهی قرار داد. در آن موقع ما با از همدار باش دادیم و در نهایتی را که در مقابل جنبش ما قرار گرفته بود تشریح کردیم و گفتیم:

"با نیروهای د مکرانیک، با کانگاردن منافع تنگ نظرانه دست، بدست یکدیگر داده و با بسط آنچه که تا کنون بر اساس مبارزات بدست آمده راه را برای تشهیر مکرانیک سیاست داخلی و خارجی میگذرانند، با اینکه ارتجاع با ایجاد طفره و پراکنندگی در صفوف مبارزان راه استقلال و آزادی کشور مانع اتحاد آنها گردید و در دوره مواضع خود را تظلم میکنند آنچه را که از دست داده باز پس میگرد."

ماتسلطه با زهم د ساسی ارتجاع و مساعی دشمنان مشترک ما از نادی صادقانه حزب خود می ایران مؤثر تر و فاعل شد. رهبران جبهه ملی همینه در رونمایی برای فعالیت خود بدست نابعلمی هر چه تماثر کوشیدند از حزب خود ایران تهری و چونند و از ابراهیم بطور غیر مستقیم خواست دشمنان خود را بر او کنند. مساعی حزب ما را در زمینه ایجاد همکاری د سیمه و حله و ملی جبهه "عت" برای "راه پانفن به جمع پیوسته" جبهه ملی خواهد شد (نامه آقای باقر کاظمی - روزنامه های ادلغات و تهنان - ۲۸

چشم ۱۳۲۹) و در اعلامیه دوم مرداد ۱۳۴۰، با استناد از جملیات روزنامه پلستی فرمان حزب مارا یکبار دیگر امانت قرار دادند.

علاوه بر اجتناب از همکاری با حزب توده ایران عاملی که در چند سال اخیر به تجمع نیروهای دکرانیک زبان فراوانی نزد سیاست‌اشتهای آمیزی بود که جنبه ملی بطور کلی در مورد همکاری با احزاب و گروههای ملی پیش گرفت. علیرغم نظر اکثریت این احزاب و گروهها - و بدین توجه به توسعه های آقای دکتر صدقی - حتی با پنهان نگاه داشتن این توصیه ها - عده ای از سران جنبه ملی در اروپا با پشتیبانی رهبری جنبه ملی در ایران، با استناد اینکه دوران ما دوران پیروزی جنبه هاست همکاری با جنبه ملی راست‌تر از انحلال احزاب و گروههای سیاسی و پیوستن ارگانیک آنها به جنبه ملیسی دانستند و باین نظر جنبه مصمم سازمانی دادند. ولی انعقاد این تصمیم نه تنها نیروی به جنبه ملی نیاورد، بلکه طرفی قابل‌تأملی در سازمان خود جنبه ملی بوجود آمد. خوشبختانه در اثر در حالت آقای دکتر صدقی، که یکبار دیگر معنی جنبه راه رهبران جنبه ملی گوشزد کردند، این تصمیم در نگرانی اخیر سازمانهای اروپائی جنبه ملی لغو گردید و نظرد دکتر صدقی تأیید شد.

گو اینکه در این نگرنه هم باز موضوع همکاری با حزب توده ایران با سکو بر گزار شد ولی لغو تصمیم سابق و اظهارات سالکی که از جانب عده ای دائر بلژیوم اجتناب از نفاق و پراگندگی نیروهای دکرانیک شده است خود گامی است بجلو و مثبت - مسکوت گذارده شدن همکاری با حزب توده ایران هم اگر نگرانی در ما ایجاد کند - تنها از نظر علاقه است که ما به بهر ترف هرجه سرعتر جنبش رهائی بخش مردم کشور خود داریم. والا از آنجا که این همکاری در جهت تاریخ جنبش ماست گزینی از آن برای آن نیروهای ملی، که صدقانه خدمت بخلاق را پیش گرفته باشند، نخواهد بود.

حزب توده ایران وظیفه گزینی بدویش دارد و آنچه فعالیت در راه احیاء و تحکیم سازمانهای خود، بسبب نیروهای عده ای جاسمی ما - کارگران و دهقانان است که اسخوار بندی جنبه ملی واحد مبارزه ما را تشکیل میدهند. بموازات انجام این وظیفه، حزب توده ایران، چنانکه در گذشته نیز عمل کرده است از هیچ کوششی برای همکاری با نیروهای مخالف دیکتاتوری و امپریالیسم دریغ نخواهد ورزید. در نامیه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران بکلیه سازمانهای ملی و آزاد بخواه، که در آستانه تشکیل نگرنه اخیر سازمانهای اروپائی جنبه ملی منتفر شد، یکبار دیگر این موضوع تکرار و گفته شده است که:

" اختلاف نظر بین سازمانهای ملی و حزب توده ایران، هر قدر هم مهم و اصولی تلقی گردد در برابر هدف مشترک مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران، فرعی است و نمیتواند و نباید مانع اتحاد عمل بین نیروهای ملی گردد. " (" مردم " شماره ۸۰، پایتزم هم تیر ماه ۱۳۴۳)

آنچه در بالا ذکر شد همه ای بود از واقعات تاریخ مبارزه حزب توده ایران در راه گردآوری نیروهای ملی، در راه دکرانسی و تأمین استقلال کشور. طی تمام تاریخ مبارزه خود حزب توده ایران همیشه در گردان به گفتار خود وفادار بوده است. حزب مانه تنها برای ایجاد وحدت و در هم آمیختن جنبه ملی وسیع، بلکه برای کمک ب حفظ وحدت در داخل هر یک از احزاب و نیروهای جداگانه ای که دکرانیک آماجگ نشان دادند و در مواقع بحرانی امکانات و مقدرات خود را در دسترس آنها گذارده است. کافی است گفته شود که کودتای اولیه ای که در ۲۵ مرداد از جانب امپریالیسم امپراتور شاه و زاهدی نقشه کشی شده بود در اثر کوشش حزب ما خنثی ماند که هم طرح ریزی آنرا قبل از شروع به عمل و

هم حرکت عده ای تحت فرماندهی سرهنگ نصیری راهبندگام عمل به دولت دکتر صدقی اطلاع داد. در مورد کودتای ۲۸ مرداد نیز حزب ما اطلاعانی را در دسترس دولت صدقی و شخص وی گذارد و آمادگی خود را برای هرگونه اقدامی اطلاع داد. و اگر تردید پدید میآورد دولت صدقی که بزبان رسمی دولت اظهار داشت دولت بر اوضاع مسلط است و با پشتیبانی از هرگونه اقدام خود داری شود نمیدود، و حزب ما علیرغم این تذکر از اقدام قاطع خود داری نمی نمود، چه بسا این کودتای نیز در هم میخست. پلنیوم چهارم وسیع کمیته مرکزی این کوتاهی را به رهبری حزب خمره گرفت و متذکر شد که حز بهر حال بیستای میباید وارد عمل میشد و در باره کلیت این اقدام چنین گفت:

" این امر سنگی به بسط حوادث داشت و در آغاز میتوانست تحت شعار دفاع از حکومت قانونی، دکتر صدقی بصورت متشکل کردن نظام هرات نیرومند مردم درآید و بقدری و در صورت هرات به اقدامات قطعی برای سرکوب کودتای و حفظ حکومت دکتر صدقی منجر گردد (از قلمنامه پلنیوم - تکه از نگارنده است)

اکتوبر بهینم منشا " تردید پدید میآورد دولت صدقی چه بود. پاسخ ایمن معشوار میتوان در سر مقاله روزنامه " نیروی سوم " (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و سندرجات همان روزنامه " رهائی کارواند بقیه بافت. خط سرخ مطالب این دو روزنامه که اولی در واقع یکی از ارگانهای اعلام نشدنی آنروزی در ولست صدقی بطراسی آمد این بود که اکتوبر در کوشش شاه منقعی است و خطره عده حزب توده ایران است و با پشتیبانی لاهی نیز مبارزه متوجه این حزب گردید.

چنان بود وظیفه ای که پلنیوم کمیته مرکزی حزب توده ایران برای حزب ماد صورت اقدام قاطع معین کرده بود - یعنی حفظ حکومت دکتر صدقی - و چنین بود القائی که به حکومت دکتر صدقی میشد - سرکوب حزب توده ایران، یعنی بزرگترین نیروی متفق.

متأسفانه در مواردی بگرتیز ما شاهد این طرز عمل بوده و هستیم و بولوی بعنوان حاشیه در اینجا برای بهترین نشان دادن روش حزب ما در همکاری با سایر نیروها ذکر نمونه هایی را لازم میدانیم. هنگامیکه حزب ما پس از گذراندن دروایش و شوار و بحرانی مجدد، آغاز فعالیت نمود، دست به انتشار مطبوعات خود زد و طبق سیاست سنتی خود یکبار دیگر نیروهای ملی را بخواه در ایران و خواه در اروپا دعوت به همکاری و وحدت نمود، مجلسی " علم ژوندگی " (صفحه ۲۲ - ۲۳)

تحت عنوان " نامه ای از آلمان " چنین نوشت:

" هر چه بهترین میگذرد فعالیت توده ایها بهتر و وسیعتر معلوم میشود که حتی قابل صبر هم نیست. و افتاح حزب توده راه ایچامنتل کرده اند و سازمان منظمی چشم میخورد. در آلمان پیش از ۳۰۰۰ دانشجوی ایرانی وجود دارد که بهترین طعمه برای حزب توده میتوانند باشند و در ایران مورد بهترین استناد قرار گیرند. بطوری که شنیده ایم وضع اطرفی بدتر از اینجاست. این موضوع خیلی جای تعجب است که دولت فقط " سرش را زین براف کرده است " و غیر از داخل مملکت - آنهم با وضعی که معلوم است - از جای دیگر خبر نبرد ارد. رفتار دولت پادانگی - جوان درست متطقی باطفا اینست که سنگ را بسته و سنگ را رها کرده اند. عسلا محدودیت برای دانشجویان همین پرست و آزادی عمل برای بیگانه پرستان "

در ایجاد یک برای سرکوب حزب توده ایران توسل به دولت صدقی نیست بلکه توسل به سباهترین نیروهای ارتجاع و سازمان امنیت شاه است. نویسنده را حتی آنچه هم که در ایران نیست

به اعضا حزب ما از شکوه و کثرتشده است ارضا نمیکند. ضمناً برای اینکه دیده شود کی "رها" است و کی "بسته" مجلسی مزبور در همین صفحه دستوراتی سازمان خود در اروپا در باره می چگونگی گذراندن کنفرانسها و کنگره ها میدهد.

نظیر همین کوششها اکنون بشکلهای نویی برای ایجاد شکاف در حزب خود می ایران بمحصل میباشد که عملاً کار بهمت است، ولی در همین حال نشان دهند می طرز کار برخی از طرفداران ظاهر می و در حقیقت مخالفین واقعی وحدت عمل نیروهای دمکراتیک میتواند باشد.

برای حزب ما چنین طرز عملی بیگانه است. حزب ما به رویی سنتی خود ادامه خواهد داد و اطلاعاتی ندارد که مبارزه می مردم، خود وحدت عمل نیروها را بوجود خواهد آورد.

تفرقه نیروهای دمکراتیک هم اکنون به شاه و رژیمش اجازه داده است دست بهت بهت سلسله اقدامات اسارت آور نویی بزنند. وام دو دست ملین دلاری بمظهورهای نظامی و تعدد به مبارزه با جنبه می مردم و دادن حق صونیت سیاسی به مستشاران امریکائی که بمنزله ایها "کاپیتولاسیون" خواهد بود، فشار نویی نسبت به مخالفین رژیم که نمونهی بارز آن تجدید آیت اله خمینی است الخ ...

حزب ما در همین اینکه از امکانات خود برای مقابله با این گامهای اسارت آور استفاده کرده و خواهد کرد. بیکار دیگر با پیشنهادهای شخصی و از آنجمله تشکیل کمیتهی مشترک برای دفاع از آیت اله خمینی و آزادی همی زندانیان، نیروهای ملی و دمکراتیک را دعوت به همکاری نموده است. در اعلامیهی کمیتهی مرکزی حزب بتاريخ اول آذر ۱۳۴۳ گفته میشود:

"در این موارد حساس باید مشترک عمل کرد، چه می سالوس شاه را انقضا نمود، رژیم تهر را در ایران برعلا ساخت، از عناصری که با استبداد شاه مبارزه میکنند مدافعهی قطعی بعمل آورد. ما بنوبه می خود در کشور و در خارج از کشور با تمام نیرو در این زمینه مبارزه خواهیم کرد."



طالبی زمین نوشته رفیق نقیذ عبد الصمد
کامیجف در مجله "دنیا" شماره دوم
سال ششم چاپ شده است.

شبه ای از تاریخ ارتش ایران و مبارزات دمکراتیک دوران آن

آنچه تاکنون درباره ارتش ایران نوشته شده است بصورت ناقص آثار جد آگاهانه ای بوده است که نمیتواند منظره جامعی بهت بهت بدهد. و حال آنکه جادارد تاریخ ارتش ایران، که مسود نمونه ایست از چگونگی سیاسی که امپریالیسم برای مطیع ساختن ارتش در کشورهای وابسته و طبمانده بکار میبرد، و بسویزه مبارزات برافتخار عناصر میهن دوست و دمکراتیک در داخل ارتش ایران مورد تطبیق صریح قرار گیرد.

کوشش نگارنده این بوده است که فقط کرده ای برای این تطبیق بهت بهت بدهد. ممکن است بواسطه کمی اطلاع بهت بهت حساس از وظایف جای لازم به آن داده نشده و یاد روآوری اشتباهی رخ داده باشد. همین خود انگیزه ای خواهد بود که خواننده و کسو برای تکمیل و باریق اشتباه هم باشد اطلاعات خود را در دسترس ما بگذارد تا بدین طریق این رشته از تاریخ مبارزات مردم کشور ما نیز روشن شود.

مقدمه

ایران از اولخرترین نوزدهم تا به امروز یعنی طی تقریباً هفتاد سال تاریخ خود هیچگاه از قید وابستگی به امپریالیسم و استعمار تمام رها نبوده است.

* برای این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱) ملکه الفهرای بهیار - تاریخ احزاب سیاسی
 - ۲) ایوانف - تاریخ نویی ایران
 - ۳) آذری - قیام گلگل محمد تقی خان پیمان
 - ۴) جرات و سجالات و در درجهی اول روزنامهی ارگان حزب توده ایران
- ۵) خاطرات و یادداشت های خصوصی

در اوائل قرن بیستم در حقیقت ایران به مستمره ای تبدیل شد - استقلال اقتصادی، مالی، و گمرکی از دست رفت - تنهادر نتیجه رقابت بین دو امپریالیسم همسایه - روسیه تزاری و انگلیس - ظاهری از استقلال باقی بود - آنهم پس از سازشی که بین این دو امپریالیسم در سال ۱۹۰۷ بعمل آمد و سر تا سر خط تمام آنها - از ایران تا تایتت رادر برمیگرفت ، از میان رفت .

در نتیجه این سازش ایران به دو منطقه تفویض تقسیم گشت - نفعی جزب تر جز منطقه نفوذ امپریالیسم تزاری و نفعی کوچکتر - ولی تا مین کننده ی راه هندوستان - منطقه نفوذ امپریالیسم انگلیس شد - منطقه حائلی در میان باقی ماند که آنهم طبق قرارداد صلی ۱۹۱۵ در مقابل بخاز دارد ائل که به روسیه تزاری و جد داده شده بود ، به امپریالیسم انگلیس واگذار میشد .

پس از انقلاب فبریه ۱۹۱۷ روسیه، انگلستان خود را در ایران بی طرف بد - ارتسسی انگلیس تا قفاز پیش رفت و بعدا توافق قرارداد ۱۹۱۹ ایران در واقع میا پستی جزئی از مستعمرات آسیای عظیم انگلیس گرد -

ولی پس از انقلاب کبیرا کثیر رفته رفته این نقشه ها در هم ریخت - حکومت نو بنیاد شوروی قرارداد های مخفی را فاش ساخت - دولت شوروی طبق قرارداد ۲۱ فبریه ۱۹۲۱، از کلبه ی مزایای که دولت تزاری در ایران بد ست آورده بود بطلع ایران صرف نظر کرد و راه رشد مستقل بسرای ایران باز شد -

با اینحال امپریالیسم انگلیس موفق شد نقشه های خود را از طریق غیر مستقیم بد ست رضاخان - رضاشاه صلی سازد -

فرو ریختن بساط رضاشاهی و بسط جنبش آزاد ی بخش زیر رهبری حزب توده ایران بسار دیگر امکانات زیادی برای رهائی از قید امپریالیسم بوجود آورد - در دوران حکومت معدنی و ملی شدن صنایع نفت این جنبش به اوج اعلا ی خود رسید - ولی دستگاه حاکمی ایران بکک امپریالیسم و بانگهی مستقیم به امپریالیسم آمریکا مجددا راهی را که نهضت آزادی بخش گشود ، بد ست کرد -

از کدو تا ی ۲۸ مرداد بعهد تسلط امپریالیسم همواره محکمر میشد و به جرات میتوان گفت که هیچگاه کشور ما بد رجعی امری و عملا وابسته به امپریالیسم نبوده است -

۱- کوشش امپریالیسم برای بد ست گرفتن ارتش

در کلکلی این اد وار امپریالیست ها کوشیده اند ارتش ایران را زیر نفوذ خود داشته باشند - نخستین کوشش در این زمینه تشکیل واحد های قزاق بود - سال ۱۸۷۹ بین روسیه تزاری و تراسر الدین شاه سازش در مورد تشکیل یک هنگ قزاق طبق حونه - بروهای قزاق روسی بعمل آمد - افسران و درجه دارانی از طرف حکومت تزاری زیر نظر سرهنگ ۲ ستاد - زینا تنویچ به ایران اعزام گسرد پسند -

هنگ قزاق بزودی توسعه یافت ، ابتدا امدل به تیپ (برگاد) ۱۵۰۰ نفری و سپس به لشکر دینچه قزاقی شد - حین انحلال عدی آن بالغ بر ۸۰۰۰ نفر بود -

با وجود چنین نیروی منظمی رفته رفته برگاد مرکزی موجود و واحد های که بر اساس پنجگسه بندی (۱) تشکیل میشدند علت وجودی خود را از دست دادند و بان تشکیل ژاندارمری زیر نظر افسران سویدی که شرح آن خواهد آمد کاملا منحل شد -

(۱) درگذشته سزای گیری بترتیب پنجگانه انجام میشد : هر یک از نقاط کشور موظف بود بد بحسب تقسیم بندی که بعمل آمده بود عدی معینی سزای برای خدمت در ارتش اعزام دارند -

قزاقخانه از ایستادگی تشکیل خود مستقما وابسته به دیار شد و خدمات مربوط به گارد سلطنتی را نیز بعهده گرفت - افرادی که برای خدمت در قزاقخانه و بخصوص برای مد رسعی افسران پذیرفته میشدند از کنترل دقیق میگذشتند و در تسلیم و تنهیت آنها اهتمام خاصی بعمل می آمد و بدین ترتیب قزاقخانه رفته رفته بد ل به د و ارتجاع گرد بد - بد ست برگاد قزاقی تحت فرماندهی سرهنگ لاکخاف بود که محمد شاه عدی در سال ۱۹۰۸ مجلس و مسجد سپهسالار را که محل تجمع آزاد پخواهان بود بد توپ بست - تاشروطه را تعطیل کند و حکومت مستبده را از نو برقرار سازد - پس از آن نیز قزاقخانه همچنان بعنوان نیروی ضعیفی علیه هرگونه جنبش آزاد پخواهی بگزار برده میشد : نهضت خبابانی ، جنبش گیلان ، قیام لاهوتی ، قیام کلنل محمد تلی خان و الیغ ...

امپریالیسم انگلیس طی دوران اولیعی انقلاب مشروطیت و تازمانی که پرده از روی قرارداد ۱۹۰۷ برداشته نشده بود تظاهر به تنهیت نیروهای دمکراتیک میکرد ولی پس از افشا این قرارداد و بجزیه پس از انعقاد قرارداد سری ۱۹۱۵ علنا موضمگیری کرد -

در این هنگام است که علا و بر نیروهای انگلیسی و هندی که در جنوب ایران پیاده شده بودند انگلیسها بدین هیچگونه قرارداد ی بد ست تشکیل نیروهای تخنکی ایرانی زدند که بنام پلیس جنوب (ا.س.بی. آر. S.P.R.) معروف شد - عدی پلیس جنوب که تحت فرماندهی ژنرال سایکس انگلیس طبق نمونهی سپاهیان هندی تشکیل یافته بود بهنگام انحلال در حدود ۵۰۰ نفر بود -

پلیس جنوب که در تشکیل آن حتی ظواهر امر هم ملحوظ نشده بود از طرف هیچیک از دولتهای ایران بر رسمیت شناخته نشده - دولت وشوق الدوله هم که عاقد قرارداد ۱۹۱۹ بود روی این عمل صحه نگذارد - با اینحال انگلیس ها هنگام انحلال آن بهی از دو میلیون لیره انگلیسی از ایران غرامت طلبیدند (یکصد و سی هزار لیره) معروف که در مقابل قرارداد ۱۹۱۹ توسط صارم الدوله و زبیر مالیعی وقت برای خود او وشوق الدوله و نصرت الدوله پرداخت شده بود نیز جز این مبلغ بود - تنها پس از دستر شدن رضاشاه که در حقیقت انجام نیات انگلیس ها را بعهده گرفت از مطالبه ی این مبلغ صرف نظر شد -

انقلاب ۱۹۱۷ و بر افتادن رژیم تزاری انگلیسها را موقتاً در ایران حاکم مطلق کرد - آنها بلا فاصله قزاقخانه را زیر نظر خود گرفتند - در سال ۱۹۱۸ با اعصال نفوذ انگلیسها وشوق الدوله نخست وزیر شد و پسال بعد قرارداد معروف را با انگلیسها امضا نمود - در این قرارداد اعزام افسران انگلیسی و تخمیر سازمان ارتش ایران تحت فرماندهی بلا واسطه ی افسران انگلیسی پیش شده بسجد -

نیروهای منظم ایران در آن موقع عبارت بود از :

ژاندارمری در حدود ۸۵۰۰ نفر تحت فرماندهی افسران ارشد سویدی ،
 دینچه قزاق ۸۰۰۰ نفر تحت نظر ۵۶ افسر و ۶۶ درجه دار روسی ،
 پلیس جنوب ۵۰۰۰ نفر تحت نظر ۴۷ افسر و ۲۵۱۶ درجه دار انگلیسی ،
 بقایای برگاد مرکزی و واحد های سزای پرانکند و در ولایات و افراد نظمی .

طبق قرارداد ۱۹۱۹ که هنوز بتصویب مجلس هم نرسیده ولی عملا به اجرای آن آغاز شده بود کلکلی ارتش زیر فرماندهی افسران انگلیسی قرار میگرفت - برای اجرای این ماده از قرارداد کمبجهن مختلطی از افسران انگلیسی و ایرانی تحت نظر ژنرال دیکسن بمنظور تجدید سازمان ارتش افسران تشکیل گرد بد - طبق نظر این کمبجهن ارتش ایران میا پستی متحد الفکک و بالغ بر ۸۰ هزار نفر بشود - معارج آن نزد یک به سالیان بهست میلیون تومان پیش بینی شده بود - نظرا افسران انگلیسی این بود که افسران این ارتش از سروان بجالا انگلیسی باشند -

انقلاب کبیرا کثیر و بسط د امنی این انقلاب به تفری تمام نقاط روسیه سابق درهای امید را بر روی مردم ایران کشید. قیام و عسبان علیه وضع موجود و تجاوزات امپریالیسم انگلیس سر تا سر کشی میز به آذربایجان، گیلان و خراسان رافرا گرفت. مجلسی که بمنظور تصویب قرارداد ۱۹۱۹ تشکیل شده به سو د این قرارداد وارد کرد. در ایران دولت باقی پس از دیگری تغییر یافت. بالاخره در پابل و ضحیح موجود و علاقه ای که از هر طرف به برقراری روابط با روسیه شوروی نشان داده میشد دولت ایران مجبور گشت روسیه شوروی را رسمیت بخشاند. در ۲۱ می ۱۹۲۱ قرارداد معروف ایران و شوروی منعقد گشت.

برای رضاخان که با استفاده از این اوضاع و احوال توانست سلطنت قاجار به ران براندازد میدان فعالیت وسیعی بنفع کشور و مردم باز میشد. ولی سیاست ارتش وی هم تابع سرسپردگی به امپریالیسم انگلیس بود. ارتش متحد الشکلی که بدست رضاخان تشکیل میشد و وظیفه داشت: وظیفه ی خارجی - شرکت فعال در تنگ کردن حلقه ی محاصره ی اتحاد شوروی، وظیفه ی داخلی - سرکوب هرگونه جنبش آزادی بخش.

نخستین تقسیم بندی ارتش متحد الشکل نمود اهرد ف سوق الجیشی آن بود. ارتش به سه پنج لشکر تقسیم شد: یک لشکر برای تمام نواحی جنوب (خیزستان، فارس، اصفهان، بختیاری، کرمان، بلوچستان) یعنی برای کلیه ی نواحی که در گذشته بناگاه تانواز انگلیس ها و در آن موقع سرسرتک جمع کلیه ی ایلات خلع سلاح نشده بود تخصیص داده شد. چهار لشکر در شمال و جناحین آن مستقر گشت: لشکر مرکز، لشکر شمال غرب، لشکر غرب و لشکر شرق.

وظیفه ی داخلی خود را نیز این ارتش طی بیست سال بخوبی اجرا کرد: هرگونه جنبش اعتراضی مردم سرکوب شد و خیانت‌های از قبیل تجدید قرارداد نفت جنوب، اجرای انتخابات قلبی، بکار افتادن دادگاه‌های نظامی انجام شد که گذشته هیچگاه شاهد نظائر آن نبوده است.

دوران جنگ دوم جهانی و پس از آن، دوران ورود فعال امپریالیسم امریکای صدهی سیاست ایران بدست اندازی مستقیم این امپریالیسم بمنظور برقراری تسلط خود بر کلیه ی شعبه اقتصادی و سیاسی کشور بدرجه ی اول در ارتش ایران است.

بهره برداری عملی از این سیاست از نخستین کابینه ی قیام آغاز میشد. طبق قرارداد منعقد با قیام در ماه مارس ۱۹۴۳ یک مسمین نظامی امریکائی تحت ریاست ژنرال ری دلی وارد ایران شد. در همین موقع سرهنگ (بعدا ژنرال) شوارتسکف به ریاست کل ژاندارمری ایران تعیین گردید. در کابینه ی ساعد قرارداد جدیدی بین ساعد و دیوفوس (۱) امضا گردید که طبق آن بسر اختیارات مسمین نظامی امریکائی که اکنون تحت ریاست ژنرال گرو قرار میگرفت افزوده شد. همین قرار داد ژاندارمری ایران را یکجا در اختیار افسران امریکائی و شوارتسکف رئیس این هیئت قرار میداد. در ماه می ۱۹۴۰ این قرارداد گفته میشد:

"وزیر کشور رئیس هیئت را (مقصود هیئت مستشاران امریکائی ژاندارمری است) که بدست مستشار وزارت کشور عهد دار امر ژاندارمری است بریاست کل تشکیلات ژاندارمری ایران برای مدت این قرارداد تعیین خواهد نمود. رئیس هیئت بر همه ی افسران ژاندارمری حق تقدم خواهد داشت. مشارالیه مستقیما عهد دار کلیه ی اداره و کنترل ژاندارمری خواهد بود و حق خواهد داشت طبق مقررات انصاف یا تفریح یا تنزل یا اخراج هر خد متکثر ژاندارمری را بوزیر کشور پیشنهاد و با تصویب

(۱) سفیر انجمن امکا در ایران

ایشان بوقع اجرا بگذارد. مقام دیگری حق مداخله نخواهد داشت."

این قرارداد مدتی مخفی نگاه داشته شد و تنها در ۱۹ اسفند ۱۳۲۱ متن آن را روزنامه ی "قیام ایران" منتشر ساخت.

بدین طریق نقشی تسلط امپریالیسم امریکای ارتش ایران با قیام تصویب دستگاه حاکمی ایران نیز برده ی استوار تر جاعلی میشد.

پس از پایان جنگ در ششم اکتبر ۱۹۴۷ قرارداد ای بین دولت قیام و امریکای منعقد شد که بعد ها معروف به قرارداد جم - آلن گردید (۱). این قرارداد و عوالمی را که از آن ناشی میشد میتوان با قرارداد ۱۹۱۹ هم تراز دانست. بهمین جهت هم دستگاه حاکمی ایران و هم دولت امریکای با تصام نیروی کوشیده اند آنرا تا آنجا که ممکن است پنهان دارند. حتی هنگامی که در ۲۳ دسامبر ۱۹۴۷ طالی در این باره در روزنامه ی "نیویورک هرالد تریبون" نشر یافت وزیر جنگ وقت - سپهد بزدان پناه قسورا آنرا تکذیب نمود. وزیر جنگ امریکای جنسی فرستل نیز بنامندگان مطبوعات و رادیوی واشنگتن سر بصد اظهار داشت که ما اطلاعاتی را نه میتوانیم به "امنیت ملی" لطمه زند ما نسور می کنیم. این میخوبسا را هانبری و لاسی نیز که بعدا نامزد ریاست جمهوری امریکای شد، در مقاله ای تحت عنوان "قرارداد مخفی با ایران" اطلاع داد و نوشت که دستگاه حاکمی ایران و امریکای مترسیدند که بنشر ضمن این قرارداد باعث اعتراض مردم ایران و موجب لغو قرارداد شود.

بالاخره موضوع قرارداد از آنجا که میبایست به ثبت دفتر سازمان ملل متحد برسد آشکار شد. روزنامه ی "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران که با پیگیری هر چه متاخر نقشه های میخورا فاش میساخت در شماره ی ۲۳۵ بتاريخ ۴ دیماه ۱۳۲۱ (۲۶ دسامبر ۱۹۴۷) زیر عنوان "پیمان نظامی امریکای ایران" در باره ی این قرارداد چنین می نویسد:

"در دوران اخیر اخبار حیرت آوری در باره ی انعقاد یک قرارداد نظامی بین دولتمند امریکای ایران از راه و خبرگزاریهای مختلف جهان منتشر گردیده و ملت ایران را از بی پروایی و قانون شکنی زمانه ی ااران خود غرق تعجب ساخته است. این اخبار حاکی است که آقای قیام نخست وزیر سابق ۰۰۰ روز ۱ اکتبر (دوشنبه ۱۳ مهر) گذشته بدین اجازتی مجلس ایران (در آن موقع مجلس مطوح بود) نگارنده قرارداد نظامی خطرناک و اسارت آوری را با آقای جرج آئن سفیر امریکای امضا نمود. این قرارداد یک هیئت نظامی افسران امریکائی را با شرایط سنگین و کمر شکن در امور نظامی ایران دخالت میدهد. این هیئت نظامی چنانکه خبرگزاران بسیار خریدند موظف است ارتش ایران را "ارشاد" کند و ادارهی امور نیروی ایران را تنظیم نماید و در مسائل مربوطه به "صلیبات نظامی" و "دفاع از ایران" ... به ارتش ایران اندرز بدهد و آنرا رهبری نماید.

در این قرارداد تصریح شده است که دولت ایران تمام اسرار و اطلاعاتی را که برای اجرا میبایست که افسران امریکائی بصدقه دارند لازم است در اختیار این هیئت خواهد گذاشت و این امر با اجازتی وزیر جنگ ایران صورت خواهد گرفت. و نیز قرارداد برای مستشاران نظامی امریکای حق انحصاری در امر ارتش ایران را می شناسد و قید میکند که دولت ایران جز با اجازتی دولت امریکای حق ندارد مستشارانی

(۱) در آن موقع جم وزیر جنگ و آن سفیر امریکای در ایران بود.

از دول دیگر استخدام کند *

در همین موقع قرارداد ساعد - در پیوس در باره ی ژانده امری نیز تافریرین ۱۹۶۹ تمدید کرد * در مورد همین قرارداد است که سرهنگه شهید سپاهک عضو سازمان انفری حزب توده * ایران در دادگاه گلت :

* حق اینست که من به تمبوری تن بچاسوسی داد * ام * بلی من هرروز صبح تمام اخبار و اطلاعات ژانده امری را تنظیم میکردم و تحویل یک افسر خارجی میدادم * اما این افسر افسر شهروی نبود ، بلکه یک امریکائی و ما هم سازمان جاسوسی وزارت خارجهی امریکاجو که بنام مستشار در راهی ژانده امری میهن من قرارداد شد و من این عمل ننگین را بموجب دستور شخصی بزرگ ارتشداران فرمادنه انجام میدادم *

در نوامبر ۱۹۶۹ شاه به امریکامسافرت نمود * در این مسافرت زمینی تمدید قرارداد جنم - آن فراهم گشت و بعد از دو ماهه ۱۹۷۰ بصورت قرارداد جدیدی بنام قرارداد " کک متقابل بمنظور تاج در آمد " در این قرارداد مواد عهدی قرارداد سابق بقوت خود باقی ماند ، برکنک تنظیمی امریکا با ایران افزون گردید ، عدی میسیون نظامی امریکا در برابرگشت و به این میسیون حق داده شد که در تمام امور ارتشی مداخله نماید * به واحد های ارتشی و مدارس نظام ، افسران امریکائی وابسته میندند ، به افسران امریکائی حق ارشدت نسبت به همد رجه های ایرانی داده شد * ریاست میسیون جدید به عهدت ژنرال اوانس بود *

دوران حکومت مصدق نیز تمبیری در وضع مستشاران امریکائی در ارتش نداد * مصدق کوشید تا وزارت جنگ و ستاد ارتش را از انحصار شاه سیرین کند * این موضوع موجب ورود قبل از وقت شاه بعد از مبارزه با مصدق و انصاف قوام گردید و وقایع ۳۰ تیر را بوجود آورد که در نتیجه شاه باصوابد بد امریکا تصمیم به عقب نشینی سریع ولی موقت گرفت * ولی حکومت مصدق از موقعیتی که نصیب آن شده بود استفاد نکرد * همین تردید که مبادا امریکائیها نیز دست به مخالفت با دولت بزنند یکی از موجبات شکست و سقوط حکومت مصدق شد * حال آنکه امریکائیها همان موقع تصمیم خود را بر مخالفت جدی با حکومت مصدق گرفته بودند منتبھی هنوز آمادگی کافی نداشتند *

پس از سقوط دولت مصدق و انعقاد پانگتایفد اد (بعد استو) و بجزه پس از بسته شدن قرارداد دوجانبه ایران و امریکا میسیون نظامی امریکاد ارتش میدان وسیعی برای فعالیت خود بدست آورد * عدی این میسیون که تا تابستان ۱۹۷۸ در حدود ۱۲۰۰ نفر بود بتدریج دوبرابر شد * اخیرا بنامیوشتی " وال استریت جورنال " ارگان انحصارات امریکائی ، این عدی به ۱۶۰۰ نفر بالغ گردید * است * جالب توجه اینست که در همین مقاله مقاصد دولت امریکا نیز بشرح زیر تشریح شده است :

" امریکا در متابیات خود با ایران مصالح استراتژیک خود را در نظر دارد * دولت امریکا در ایران بیش از یک میلیارد دلار روی داپره ریخته است و حاضر است بیش از این نیز خرج کند تا مواضع استراتژیک خود را حفظ نماید * مستشاران امریکائی ایران را اشغال کرده و رهبری ارتش را تماماً در دست دارند * "

اگر مصونیت سیاسی و اقتصادی راهم که به افسران امریکائی در ایران داده شده است - است نظر بگیریم نمیتوان قرارداد ۱۹۶۹ وثوق الدوله را با این فرق که اکنون امریکائیها هم امریکاست که چشمن امریکالیسم انگلیس شده است با المضاعف اجرا شده دانست *

قرارداد مصونیت سیاسی مستشاران امریکائی در دهی اول آبان ماه ۱۳۴۳ همراه باگام احارت آورده دیگری که عبارتست از وام دو بیست میلیون دلار و بیژ خرید تانک ، موشک ، کشتی جنگی و هواپیما به جلسین آورد * شد و با اینکه عدی ای از ناپندگان مجلس تحت فشار افکار عمومی مخالف آن بود تمدید و لغیرت تحصیل گردید *

در این باره اعلامیهی کمیتهی مرکزی حزب توده * ایران چنین میگوید :

* احوالی مصونیت سیاسی به مستشاران همانطور که در افکار عمومی ایران بد رست می ارزنایب شده است چیزی نیست جز احیا " کاپیتولاسیون " حالا کاملاً معلوم شده است که وارهی مستشاران وارهی دروغی بیش نیست و این مدها مستشار نظامی و غیر نظامی امریکائی که بر کلهی ششون کشور ما مسلطند کارمندان اداری و فنی امریکا هستند و ایران مستقیماً بوسیلهی کارمندان یک سفارت خارجی اداره میشود * هر سفیطة ای که انجام گیرد ، هیچ چیز دیگری از ناپن مصونیت سیاسی مستشاران امریکائی نمیتوان فهمید *

۲- جنبش د مکرانیک در درون ارتش

جنبش راهبانی بخش مردم ایران که طی مدت بییش از یک فرین هر روز بنحوی تجلی میبود و هچگاه خاموش نشده است نمیتوانست اثر خود را در ارتش نیز نچشد *

ماوریهی عناصر پاکدامن و میهن دوست در ارتش علیه خیانتهای گوناگون در سگاه خاکه گاه بصورت پاسیف و گاه آکتیف ، گاه بشکل اقدامات انفرادی و گاه در رابطه با نهضت عمومی انجام داده است *

اغلب این اقدامات بدست افسران روشنفکر بوده است * دلیل آنرا هم باید ضعف فعالیت سازمانهای د مکرانیک در میان دهقانان که تود می و اقمن افراد ارتش را تشکیل میدهند و دشواری فعالیت در خود سرمازخانه هادانست * با این وجود کم نیست جنبشهایی که سرمازان نیز در آن دخیل بوده اند *

در ترازخانه که مدت گانه نیروی منظم ارتش بود ، بدلائلی که ذکر شد زمینهی مساعد برای رشد افکار د مکرانیک و آزاد پخواهانه وجود ندانست * نخستین گامها در این جهت از طرف افسران ژانده امری برداشته شد * بدی است که در اینجا بصحبت از ژانده امری در مطلع تاریخی است و نباید آنسرا با ژانده امری فعلی اشتباه نمود *

نیروی ژانده امری با تصمصب مجلس دوم زیر نظر ژنرال پالمارسین که در راهی یک میسیون نظامی سویدی با ایران دعوت شد تشکیل گردید * منظور آوردن مستشار از کشوری بوده است که به طرف خود را حفظ نموده و صلا در جنگه دخالتی نداشته باشد * افسران سویدی تشکیل دهندهی ژانده امری ایران گرچه از چنین کشوری بودند ولی خود تمایلی نداشتند * منتها این تعاللات در آن زمان با موضوعی که آزاد پخواهان ایران در آنکتهت خود اتخاذ کرده بودند وفق میداد *

در آن زمان برای روشنفکران ایرانی و افراد میهن پرست نفق خاص امریکالیسم روشن نبود * آنان خطری که استقلال ایران را مستقیماً تهدید میکرد از طرف دو همسایهی بلا واسطی خود حسود میدیدند * لذا این فکر آنها مسلط شده بود که با پستی به کشور نیروند تا نشی توسل جست ، و این " نیروی سوم " را بوجود آمان میجستند که باد و امهرالیسم تزاری و انگلیس مشغول جنگه بسود *

امپراطور آلمان با استفاده از این موقعیت و با تبلیغات وسیع خود در درون کشور توانست نظر همه ی زبانی از آزاد خواهان را نسبت به خود جلب نماید. در نتیجه فکرمکاری با ارتش آلمان و تزکیه علیه ارتشهای موافقین بین همه ای از آزاد خواهان قوت گرفت و مقدمه ای برای مهاجرت آنها به غرب و تشکیل حکومتی موقت گردید.

حکومتی موقت با یاری باطنی افسران سویدی با نظریات نیکو عدو ای از جوانان دارای شور و هیبت خواهی را به خدمت در نیروی ژاندارمری راغب ساخت. از میان این عدو اشخاصی نظیر کنتزل فضل اله خان، کنتل محمد علی خان، مائز لاهوتی، سرهنگه پولادین، سرتهپ شیانی و دیگران بیرون آمدند که هر یک با اقتضای طریز تفکر خود نقشی بازی کردند و این نقش در مواردی شایسته است که در تاریخ جنبش آزاد یی پیش مردم ما ملامت برجسته ای را احراز نماید.

الف - دوران جنگه بین المللی

دوران جنگه اول بین المللی شاهد فداکارانه ای از جانب افسران ژاندارمری آذربایجان است که خود را آماده مبارزه با ارتشهای تزاری و انگلیس و نیروهای ارتجاعی داخل کشور کرده بودند. گسر چه پاره ای از این اقدامات باستانی " سوم " خارجی بحمل می آمد ولی پادشاه نظیر گرفتن طریز تفکر آنروزی نیست آن اشخاص که فدائاری در راه مهین بوده است نمیتوانند نیرعلات مشغول قرار گیرند. این تفاوت مورد قبول قاطبه مورخین است، حتی آنها تکیه با جریان آنروزی موافق نبودند مثلا ملک الشمرای بهار که خود از زمره ای این اشخاص بود میهنست:

" عدو ای از جوانان، بحشق خدمت به وطن وارد ژاندارمری شدند. در سنه ۱۳۳۰ که ناصر الملک عدو ای از مکرانها و جمعی از اعتدالین آزاد پخواه زابه تم تمجد کرده بود. افکار پرهشان و عدم رضایت شدیدی بین آزاد خواهان خاصه افسران ژاندارم برضد دولت پیداشد. در این موقع بعضی از صاحب نصهان خون گرم و غیر ژاندارمری از قبیل مرحوم علی اصغر خان فرمانزاد هی تهریزی که مسافر پشتمیای قم تا عراق بود برضد دولت مرکزی قیام کردند و پشتمیای ژاندارم بین خط تهران و قم را خلع سلاح نمودند. "

اطلاع نگارنده در باره قیام فرمانزاد در حدود اطلاعی است که بهار داده است. بقرار همین اطلاع فرمانزاد به حکوم به اقدام شد و مردانه شهید گشت.

از جنبه همین وقایع است قیام نیروهای ژاندارمری فارس به هنگام جنگه بین المللی اول. هر دو ارتش انگلیس به صفحات جنوب احساسات پرشوری را علیه انگلیس برانگیخت. تبلیغات عوام - قیامی آلمانها و مخصوصا نمایندگی و موسس کنسول آلمان در فارس و مواعیدی که در باره پشتمیای از جنبه مردم جنوب از طرف آلمانها داده شده بود به جنبش ضد انگلیس نیرو بخشید. این سلات جنوب راه را بر نیروی انگلیس سد کردند. در این موقع افسران جوان ژاندارمری فارس نیز بانسروهای باوایی خود علیه انگلیس برخاستند و شهر شیراز را تصرف خود در آوردند. سرچی نیسروهای ژاندارم از ایامر دولت و استقرار آنها در شیراز موجب گردید که نیروهای ضد انگلیس از عقب جبهه ای خود اطمینان حاصل کنند و حرکت نیروی آشنائی انگلیس در چارشکال کرد.

برخی از افسران مهین دوستی که در این قیام شرکت جستند، پس از حتم شدن سقوط شیراز چون راه نجاتی برای خود نمیدیدند، خودکشی را به تسلیم به دشمن ترجیح دادند. از این جمله از برادر کنتل محمد علی خان پیمان و پسر صومی او یاد شده است که با قرار قبلی یکدیگر را هدف گلوله

فرار دادند.

یکی از افسران شرافتمندی که همین راه خودکشی را برای ابراز اعتراض خود برگزید کنتسل فضل اله خان بود. وی تحصیلات خود را در انگلستان سپان رسانده و در خدمت ژاندارمری ایران به درجه سرتهپی رسیده بود. پس از فرار از آذربایجان در کمپین مختلفه که با طاق افسران انگلیسی برای طرح ریژی ارتش آید هی ایران تشکیل شد کنتل فضل اله خان و یکی دیگر از افسران ژاندارمری نیز ضمیمه شدند. این دو افسر حاضر به اعطاء صورت مجلس این کمپین نشدند و مسود اعتراض وزارت جنگه قرار گرفتند. کنتل فضل اله خان که بهیچ قیامی حاضر به تسلیم نبود ریژی افسران (حمل) ۱۲۹۹ بعد از ظهر در منزل خود خودکشی کرد.

ب - دوران دیکتاتوری رضاخان - رضاشاه

پس از پیروزی انقلاب کبیر روسیه، با پایان جنگه داخلی و برقراری حکومت شوروی در قفقاز و کشورهای همجوار ایران ارتش انگلیسی مجبور شد ایران را ترک کند. جنبش دامنه دار مردم ایران موجب اغا " فرار از آذربایجان " گردید. لذا انگلیسها با پشتیبانی از طرف روسیه تسلط خود را بر ایران و بر ارتش آن طرح ریژی نمایند. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که تحت رهبری ژنرال اسامیس انجام گردید، مقدمه ای برای " نقشه جدید " و تشکیل ارتش متحدالشکل نیز فراهم شد. مستقیم رضاخان مکمل این نقشه بود. طریز جوان متحدالشکل ساختن ارتش و تلاش رضاخان برای بدست گرفتن مطلق قدرت حاکم جنبش هائی در ارتش رخ داده است که نادرست خواهد بود اگر آنها را مانند برخی صرفا بحساب رقابت بین باصطلاح ژاندارمری و رضاخان بگذاریم.

قیام کنتل محمد علی خان پیمان

مقدم برهمی این جنبشها چه از نظر زمان و چه از لحاظ اهمیت خود قیام کنتل محمد علی خان پیمان است. قیام کنتل یکی از بزرگترین و درموقع خود بزرگترین حادثه ای بود که در ارتش ایران رخ داد. در باره قیام کنتل مطلب زیاد نوشته شده است. منظوما تکرار وقایع نیست و به توصیف مختصرا از شخصی کنتل و تحلیلی از مضمون واقعه اکتفا میکنیم.

صلاط شخصی کنتل: کنتل مردی بود دانشمند دارای معلومات وسیع عمومی. اطلاعات نظامی برای موقع خود عمیق و توأم با تجربه و عمل بود. با اینکه خود افسر تیغانه بود از زمین دیگر نظام نیز اطلاع کافی داشت. فن خلبانی را نیز تا حدی آموخته و پروازهای مستقلی انجام داده بود. به علوم ریاضی علاقه مفرد داشت. از موسیقی نیز بهره مند بود. برخی از سرودهای ژاندارمری ساخته ای اوست. اخلافا شخصی بود با اراده، جسور در عین حال فروتن و رؤیفا، گهائز از توصیفی که اینج همسرا در باره اش کرده چیزی نمیتوان گفت:

رشید القصد صحیح الفعل والقول فتاده آنطرف حتی زلاحول
مؤدب، باحیا، عاقل و فروتن مہذب، پاکدل، پاکیزه دامن
خلیق و مہربان و راست گفتسار توانا، باتوانائی کم آزار

معتقدات کنتل: کنتل شخصی بود ناسیونالیست مئبت و واقعی کله، سرشار از علاقه به مهین. درجه علاقه به وطنش را خود چنین وصف میکند:

* اگر مرام باشند قطرات خونم کلمه ای ایران را ترسیم خواهد نمود و اگر بسوزانند خاکستر نام وطن را تشکیل خواهد داد *

موقع خود عضو حزب دمکرات بود . مانند سایر دمکرات‌های آنروز معتقد بود که با پشتیبانی دست نهمی روسی ایران را از تجاوز روسیه نزاری و انگلیس مصون داشت . به همین علت در بد و لمس‌الیت سیاسی به آلمان‌گرایی داشت . پس از آغاز مهاجرت ، بهنگام جنگ بین المللی در خط کرمانشاه - همدان - قزوین در راسش عده ای زاندارم علیه ارتش روسیه نزاری جنگید . در جنگ معروف صلا با واحد زیر فرماندهی رضاخان (رضاشاه بعدی) رو برو شد و آنرا شکست داد . چهار سال (از ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۰) در آلمان بسر برد و پس از بازگشت از مبارزان جدی نبله فرار داد و شوقی اندوله بود .

انقلاب روسیه و پیروزی انقلاب کبیر اکثر راباشوری فراوان استقبال کرد . علاقه‌ی وافرش به آن آرایین نظر بود که اکنون ایران را از تجاوزات دولت نزاری رهامید بد . هنگام عبور نشود در روتشتین نخستین سفیر روسی شوروی ، در مشهد از وی پذیرائی شایانی کرد و این پذیرائی رابانطق‌های رد و بدل شده در واقع به نمایشی علیه انگلیس بدل ساخت .

از نظر ایدئولوژی نامانده‌ی افکار خرد و به‌ویژگی و به‌ویژگی انقلابی بود . در مشهد کلمه ای تشکیل داد بنام " کمیته ملی " که شعاع‌عده اش در سیاحت خارجی ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیسم انگلیس از ایران در سیاست داخلی " برانداختن " حکومت پوسیده " اشرفی و تشکیل حکومت و اقامه مرکزک برپایه تائین اساسی بود .

این کمیته شعاع‌اصلاحات ارضی دمکرات‌های ایران در هفتان برد و آنرا در روستا نفوذ داد بطوری که پس از شکست جنبش ، قیام‌های دهقانی در نواحی مشهد تا چند سال ادامه داشت (تا سال ۱۹۲۵) . کلنل در عهدشاه تاریخ : مراجعه به اسناد تاریخی و جرائد وقت نشان میدهد که نسبت بقیام کلنل در موقع خود بحث‌هایی وجود داشته است . حتی در مطبوعات مترقی آنزمان میتوان مواردی برخورد که تحلیل نامرست حوادث منجر به ارزیابی‌های منفی و دراز حقیقت شده است .

رضاخان نیز با انواع چیل کوشید تا با استفاده از موقعیت خود که هنوز بسیاری او را مردی مهربان دوست و مخالف امپریالیسم انگلیس میدانستند ، کلنل را جاسوس و دست نشانده‌ی انگلیس‌ها معرفی کند - کوشش‌های بی‌ثمر نمودند .

چند نکته به اینگونه نتیجه‌گیری‌های نامرست و یا قبول تمهت و افترا کلمه میدهد : نکته اول اینکه کلنل مورد تمهت استبداد سید ضیا بود که مسلماً انگلیس‌ها را کارآورد نبودند . نکته دوم اشتباه رایج آنزمان در باره رضاخان بود که گویا برخلاف میل انگلیسها قدرت حاکمه را در دست خود قبضه میکند . بنظر آنها کمیته جرجس سیاست امپریالیسم انگلیس را در ایران درک نکرده بودند چنین میسرید که قیام کلنل در جهت سیاست سنتی انگلیسها است که می‌کوشند حکومت مرکزی همواره ضعیف و لیسند ا فرما نمودار باشد . ضمناً از اینکه قیام بدست کلنل باز داشت و پشیمانان اعزام شد رضاخان نیز کمیته‌ی در پرتنه ای از کلنل بمناسبت شکست خود در صلا در دل داشت نیز چنین نتیجه می‌دهد که علت اصلی قیام فرار از انتقام بود . است .

این ارزیابی‌ها موجب شده که حقیقت امر در زمان حیات کلنل مستتر بماند و قیام خراسان در موقع خود از پیش‌بینی قشر‌های وسیعی محروم گردد .

تنها بعد ها معلوم گشت که جنبش خراسان نه تنها مورد تائید سیاست انگلیس نبود بلکه انگلیس‌ها در مراحل کوشیدند تا ناشاید بنحوی به آن پایان بخشند . اینکه انگیزه‌ی این قیام ترس کلنل پشیمان از انتقام جوئی قیام و بارضاخان هم نبود از آنجا پیداست که کلنل پیداکس کنسول انگلیس در

مشهد بارها بین دولت و پشیمان واسطه شد و حتی تضمین نمود که او بتواند بهر جای اروپا برود و مستمری دایمی دریافت دارد - پیشنهادی که کلنل با قطعیت تمام رد کرد .

کلنل پشیمان برای جلوگیری از هرگونه دسائیس انگلیسها مخابرات آنها را بوسیله سم مخصوص که همیشه در اختیار داشتند متعصم ساخت . کنسولگری انگلیس را نیز مراقبت داشت فرار داد و کلیه اشخاصی را که با آنجا رابطه داشتند بازداشت نمود و مکاتبات کنسولگری را تحت بازرسی در آورد .

بنظر تیره‌ی اینگونه قربانی‌های سیاست فریب و تقلب و بی‌پروم بنظر تیره‌ی کلنل پشیمان است که در فرار موصوبه‌ی ننگر‌های دم حزب کمونیست ایران گفته میشود :

" حکومت استبدادی و روزنامه‌های اجیرتهران برای بدنامی نهضت انقلابی و برطرف نمودن نفوذ آن میان توده‌ی زحمتکش چه در داخله و چه در خارج رهبران و قائدها بین انقلاب را اجیر و مزدور انگلیس و خود نهضت را از دسائیس دولت انگلیس مخرجی میگردند برای اینکه بتوانند با قسوت زیاد تر : نهضت انقلابی ملت را خفه کنند . حزب کمونیست باید با همه‌ی وسائل برده از روی جنایات مزدوران و عمال برداشته و باین وسیله انقلاب بین ایران را از این قبیل تمهت‌ها محفوظ دارد ."

امروز دیگر از نظر قاطعی مبرهین قیام کلنل قیامی است که بخاطر آزادی ایران از دست امپریالیسم انگلستان و احیای تائین اساسی و برقراری حکومت و اقامه دمکراتیک انجام گرفته است . قیام کلنل با کشته شدن وی بدست روسا " عشر فوجان و بجنود در تپه‌های جعفرآباد در ماه مهر ۱۳۰۰ پایان یافت .

قیام لاهوتی

ماژور (باور) لاهوتی نیز از اشخاصی بود که رویداده‌ی ژاندارمری را مانع برای نبل به هدف‌های دمکراتیک خود می‌شمرد . وی از شرکت کنندگان انقلاب مشروطیت بود . هنگامیکه عده‌ی از دمکرات‌ها و آزاد پخواهان راهی تمهت کردند - که این مقدمه ای برای مهاجرت آنها شد - لاهوتی رئیس قسمت ژاندارمری قم بود ، از احکام دولت سرپیچی کرد ، عده خود را آماده قیام نمود ولی موفقیتی بدست نیاورد . در نتیجه قیام محکوم به اعدام شد و به ترکیه فرار کرد . پس از آنکه اتاترک در ترکیه به جنبش آزاد پخواهان مهاجریست و از آن طریق وارد مبارزه شد .

پس از پایان دوران مهاجرت و پس از تولد ای ۱۹۱۹ بی‌مجددا وارد ژاندارمری شد و با درجه‌ی باوری مشغول خدمت گشت . ولی این بار نیز منظر او از رویداد خدمت نظام ، که در اثر آشنائیس و وساطت مخیرالسلطنه انجام گرفت ، تمعقب هدف‌های پیشین بود . در آذربایجان که محل جسد بد خدمت لاهوتی بود باز زمینه برای اوج جنبش فراهم میگشت . عده ای از آزاد پخواهان در تبریز دست به فعالیت زدند . لاهوتی و عده ای از افسران ژاندارمری تصمیم گرفتند با آزاد پخواهان تبریز رابطه بگیرند و با همکاری نزد پلانیان دست بقیام بزنند . سرانجام عیبرای رابطه به تبریز اعلام گشت و نظر لیدر‌های آنزمان دمکرات‌ها را که عبارت بودند از فیضات ، سرتهپ زاده ، اقا زاده و هرهه ، جلب کرد . لاهوتی در رأس قیام قرار گرفت و تبریز را عده‌ی خود تصرف کرد و به آزاد پخواهان اعلام محسوق شد (آخر سال ۱۳۰۰) .

قیام لاهوتی بارانفاز آغاز یک جنبش مشکل و باهدفی بود که میبایستی همه نیرو‌های دمکرات و ضد امپریالیست آذربایجان را در وجود مشکل سازد . در همان روز‌های اول پس از تصرف تبریز

ده هی زبادی از ملینین به آن پیوستند. برای رهبری قیام کمیته ملی تشکیل شد. کلیه ای ادارات و ولایات بصرف قیام کنندگان درآمد.

ولی نبودن سازمان صحیح و آمادگی قیامی بود قیام موجب شد که قیام از همان روزهای نخستین در معرض شکست قرار گیرد. نیروهای اعزامی دولت از یکطرف و قزاقهایی که خود سرانته به نظریه قارت وارد تبریز شده بودند از جانب دیگر نیروی آزاد پخواهان را تحت فشار قرار دادند و مجبور به عقب نشینی کردند. لاهوتی توانست خود را به خانه شهری برساند و پناهنده شود.

لاهوئی اسلحه رازمین گذاشت ولی خلع سلاح نشد. وی بظاهر یک شاهزاده است که اکنون دیگر کمونیس را هدف خویش قرار داده بود قلم بدست گرفت و تا پایان صرمایزه کرد. کمیته ای که بشکسل دیوان اشعار انقلابی از خود باقی گذارد نام او را جاهدان برای هر کمونیستی میزنگاه خواهد داشت.

قیام پادگان سلما و خوی

در آذربایجان و خراسان بزمینهای جنبشهای قیامی آمادگی هائی برای مبارزه وجود داشت که ارتش را زیر تا محدود میگرفت. سال ۱۹۲۱ شاهد دو واقعه قابل توجه در داخل ارتش است. یکی از آنها قیام گنجان پادگان سلما (شاهپورسلما) است. این قیام با وجود اهمیت خاصی آن تاکنون مورد تحقیق قرار نگرفته است. و حال آنکه قیام پادگان سلما قیامی است توده ای و راسا از طرف سربازان که منشأ و هدفانی داشته اند انجام شده است.

در ژوئن ۱۹۲۱ پادگان ۷۰۰ نفری سلما را از امر فرماندهی سرچیده. انگیزه ها و دلخواه ها که سربازان را به ریح همراه کرد موضوع تاخیر برداخت حقیق بود. روی این زمینه سربازان متفکسل شدند، رهبرانی از میان خود انتخاب کردند و دست بقیام زدند. پس از تصرف شهر سلما به شهر خوی روی آوردند و بخشی از پادگان خوی را نیز با خود همراه ساختند. جنبش تا حوالی ماکو پی گرفت. از شهرهای آن اطلاع دقیقی در دست نیست ولی مسلم اینست که توده های وسیعی از پیغمه روان کارگران شهری و دهقانان رادر بر میگرفت و تکرانی بزرگی در دستگاه حاکمه بوجود آورد. با انضمام سدهای مستجابی از تبریز و پادگانهای دیگر دولت موقتی به فرونشاندن آن شد و دهدهای از سرجهانسان آن اعدام شدند که همچنان گنجان مانده اند.

قیام لپاک خان باوند (سالار جنگ)

در همان سال ۱۹۲۱ بافاصله چند هفته پس از واقعه سلما و خوی در خراسان نیز جنبشهای بسیاری لحاظ شیمه به قیام پادگان سلما آغاز کرد. پادگان بجنورد زیر فرماندهی لپاک باوند (سالار جنگ) از اطاعت دولت سرچیده. این عمل با شرکت فعال خود سربازان انجام گرفت. وقت چنانکه قیام کشته شد قیام کلنل جنبش در میان دهقانان بوجود آورد که چند سال ادامه داد. لپاک باوند با استفاده از روحیه موجود بین سربازان که اکثریت آنها را دهقانان تشکیل میدادند آنها را آماده برای قیام کرد و امیدوار بود که با وجود موجود در روستا بزودی داعشی جنبش وسعت خواهد گرفت. قیام با فاکلده از جانب دهقانان و پیغمه روان شهر پشتهائی شد. شهرهای بجنورد، هروان و توجان بصرف شهرشان درآمد و کلیه ای ادارات دولتی را تصرف شدند.

برنامه ای که قیام کنندگان در میزنگاه ها و مجامع ارائه مینمودند عبارت بود از انقلاب دهقانی و حوای شمار صادرین املاک و تقسیم بلاعوضی آن بین دهقانان. در این برنامه خواستهای زمین نیز مطرح شده بود.

تغییر سیستم مالیاتی منقطع کمیته شهر باستان

برقراری مالیات بر صادرات

استقرار حکومت جمهری و قطع نفوذ انگلیسها در ایران

برای اجرای برنامه خود قوشان دست به عمل نیوزند. ده هی زیادی از خوانین و مومنین که موقی بقرار شده بودند بازداشت گردیدند. انبارهای گند و دانه و ملاکان شکافته شد و غله بین مردم تقسیم گردید.

حکومت رضاشاه از امکان توسعی این قیام در خراسان، که هنوز خاطری قیام کلنل محمد تقی خان زنده بود سخت بهنگام کردید و باز انگلیسها نیز استعداد جست اسلحه و هواپیما گرفت و در ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۱ موقی به فرونشاندن قیام شد. سران جنبش توانستند خود را به مرز اتحاد شوروی برسانند و به آنجا پناهنده شوند.

سرهنگ محمود پولادین

یکی از افسرانی که به اتهام توطئه علیه حکومت رضاشاه با تفاق عده ای بطور مرموز اعدام گردید بجاست که نامش در اینجا برده شود. سرهنگ محمود پولادین بود.

سرهنگ پولادین از افسران با شرف زاندری و پیوسته تصدی مشاغل مهم بود. قبل از کودتای سوم اسفند فرماندهی پادگان زاندری قزاقان را بصدقه داشت. برخلاف بسیاری از افسران زاندری متحد الشکل شدن ارتش را استقبال کرد و تحت فرماندهی مرتب شیبائی با جدیت انجام وظیفه میکرد. سرهنگ پولادین فرمانده مائز لاهوتی بود و هنگام قیام لاهوتی از طرف قیام کنندگان که او را مخالفین میدانستند بازداشت شده بود.

سرهنگ پولادین تحولی را که در قیام انجام شد و نگارنده از زبان یکی از سحران وی شنیده است چنین ابداع میکند که: تشکیل ارتش متحد الشکل واقعی شرقی و مخالف میل انگلیسها میدانسته است. رضاخان در نظرو شخصی میهن دوست بود که از طبقات پائین بیرون آمده و در صد دهائی کشور از وضع موجود است. لذا او (پولادین) با هر صلی که میتوانست سد راه اصلاحات آغاز شده از جساب رضاخان باشد مخالف بود و با آن مبارزه میکرد. ولی خدمت بمدی در ارتش عکس این مطلب را ثابت کرد و او مصمم شد به بهای جان خود هم باشد با این دستگاه که اکنون دیکر تسلط بیگانگان را در آن بچشم میدید مبارزه کند.

میهن دوستی سرهنگ پولادین مورد تأیید کلیه اشخاص است که وی را از نزدیک میشناخته اند. از آنجمله ملک الشعراء بهار در کتاب "تاریخ احزاب سیاسی" خود مینویسد: "او مرد جوانی است نیتی که در راه وطن دوستی بیروز داد شایسته تقدیر است".

سرهنگ پولادین قیامی در ارتش عدا ارائه میدید. یکی از همکاران نزد یک وی را وحید خسان هم امین رئیس کار رضاخان بود که محکوم به اعدام و باخلفی که داده شد محکوم به حبس ابد گردید. سرهنگ پولادین در ستارانی در خارج از ارتش داشت که عبارت بودند از حشم وکیل سابق کلیمان در مجلس، شیخ المراقبان زاندری، برادر رهنما در بیروزنامه ایران، سرکشک زاندری، بیروزنامه اتحاد و دیگران. رهبری این عده با حشم بود که در گذشته از وابستگی بسیار است امیرالیم انگلیس بود و بعد امرد سوخن خود انگلیسها قرار گرفت و از پیشانی آنها موقع انتخابات مجلس محرم شد.

پولادین، با اینکه سابقه وابستگی این اشخاص را به مقامات انگلیس میدانست، اکنون حشم رازد شتمان سرسخت انگلیسها و دارای نفوذ در جامعه مطبوعات و غیره میسرمد، غافل از آنکسسه

د وستان نزد يك حشم همچنان سرسپردگی خود را حفظ کرده اند . سفارت انگلیس (که بر حسب اظهار
 رفقای نزد پولادین) از طریق شیخ المرآتین زاده از منوچهر با خبر بوده است ، جریان را تحت مراقبت
 میگیرد و قبل از آنکه عملی انجام گیرد ، رضاخان را از ماجرا آگاه میسازد -
 سرهنگه پولادین در دادگاه سرپسته محکوم باعدام گردید . حکم اعدام با آنکه مرتباً شهبانی
 از افاضه آن خود داری کرد بموقع اجرا گذارده شد - حشم مدت مدیدی زندانی بود و سپس او نیز سر
 تیر با ران گردید .

۳- دوران فعالیت حزب کمونیست ایران

جنبشهایی که در رفیق شرح آن گذشت غالباً از افکار و احساسات میهن پرستانه نشأت میگرفت
 دارای هدف و درونمای مشخصی و پایتختی برپا بود ولی برای معین و استواری نبود . برخی از افسرانی که در
 راهس این جنبشها قرار گرفتند در گذشته وابستگیهای به سازمانهای صحن سیاسی داشتند (کلسل
 پهلوان ، لاهوتی) ولی هنگامیکه دست بمحاربه زدند هیچگونه سازمانی که بتواند فعالیت آنها را هماهنگه
 سازد وجود نداشت و آنها کاملاً منفرد عمل کردند .

ولی متحد اشکل شدن ارتش و توسعه سریع آن پس از تصویب قانون نظام وظیفه بحساب
 طبقات زحمتکش از یکطرف و توسعه فعالیت حزب کمونیست ایران از جانب دیگر در رونمای تساهزای
 بوجود میآورد .

ارتش احتیاج به کادر افسری و درجه دار داشت . دانشکده افسری و مدارس دیگر نظام
 درهای خود را وسیعاً بروی د اولیایان باز کردند . احتیاج مایع آزان بود که برای ورود باین مدارس
 محدود یعنی قائل گردند و با نظام افسری را مخصوص طبقات ویژه ای بکنند . لذا کادر افسری ارتش ایران
 همواره از قشرها و طبقات مختلف تشکیل میداد که بسیاری از آنها با امدادی پذیرفتند و متراکمه بودند .
 فعالیت مستقیم بین خود ه های زحمتکشی که اکثراً افراد ارتش را تشکیل میدادند بواسطه سطح نازل
 آگاهی باین خود ه ها هنوز یاد شوی بپای بسیاری روبرو بود . این خود بر اهمیت کادر افسری که میتواند
 حلقه واسطی این فعالیت کرد می افزود .

از این نظر حزب کمونیست ایران بجهت پس از تکوین دوم خود توجه خاصی به کادر سیاسی
 ارتش و کادر افسری آن معطوف داشت . یکی از رشته هائی که در تقسیم کار کمیته مرکزی جد به ملحوظ
 شد فعالیت در ارتش بود . مسئول جد آگاهته ای برای این کار تعیین کردید . افراد حزب بی تشویق نبودند
 در خدمت ارتش و مدارس افسران و درجه داران میشدند .

این فعالیت با وجود دشواریهای بزرگ آن روزی بی ثمر نماند . گرچه عددی از افراد جلب شدند ه
 ناچیز بود ولی هالی قابل توجهی از آنها باین بوجود آمد ه بود . این هسته از جمله سرهنگه شهید
 سباطه راحزب موفق شد از دستبرد پاپس هار رضا شاه محفوظ دارد . بعد هاد بزمان فعالیت حزب
 توده ایران این هسته بد ل به رکنی از سازمانهای جد آگاهته ای مربوط بحزب و سپس پایه ای بسراسری
 سازمان افسری حزب توده ایران شد . طبعی که در قطعنامه پنجم چهارم وسیع کمیته مرکزی در باره
 سازمان افسری حزب توده ایران نیز به آن اشاره شده است .

۱- دوران حزب توده ایران

مسلط رضا شاه وقت با فعالیتهای علنی راه داد . حزب توده ایران بعنوان وارث حزب

کمونیست تشکیل شد . تشکیل حزب توده ایران انقلابی در جامعه ما بوجود آورد . تجربه مبارزات
 حزب کمونیست ایران توأم با مبارزات کارکنی امکان زیادی برای تأمین توده ه ها بوجود آورد . تقریباً
 حزب تئوری تصحیر کنند ه مارکسیسم - لنینیسم را وسیعاً در قشر فرار داد . روشنفکران از جمله
 افسران جوان و روشنفکران دیر خود علاقه امکان یافتند شاهراهی را که حزب ماد ر مطالب آنان فرار داد از
 بهراه تمیز دهند . آنان این راه را ، بگفتی رایی شهید خسرو رفیقه ، با تمام عقل و شمر و منطق و
 دراپه و باقتضای آنتی که در درون سینه هاشان بطاخر خدمت به خلقهای ایران فصله میکشیدند ،
 انتخاب میکردند .

گرای افسران جوان بسوی حزب توده ایران از نظر کارگردانان ارتش پوشیده نبود . لهذا
 آنان علاوه بر اقدامات تشویقی مجبور بودند از طریق مختلف دیگر نیز استفاده کنند .

دوران سپاه دیکتاتوری ۱۰ ساله رضا شاه راه را برای نفوذ هرگونه حقیقتی سد کرد ه بود .
 روشنفکران ایران حتی در باره ه همسایهی هم مرز خود اتحاد شهوری کوچکترین اطلاعیه نداشتند .
 واقفیت حکومت شهوری برای آنها مجهول بود . تمایز آنها از حکومت تزاری درک نمیکردند . لذا افکار
 سابق وجود لزم آنگاه به " نیروی سوم " در بسیاری از آنها تسلط داشت و راه براندختن حکومت
 دیکتاتوری را هم دراستند از این نیرو میدانستند . هنوز دیکتاتوری رضا شاه ساقط نشده بود که با
 افسران برهبری سروان جهان نسوزی با همکاری " نبرد من " هیتلر فعالیت دست زدند و به فکر کودتا
 علیه رضا شاه و جستن انقلابی آنگاه نزد آلمان هیتلری افتادند . جهان نسوزی اعدام شد و بارانفیس
 جسمهای گران قیمت محکوم شدند و تنها در زندان اغلب آنها نادرست بودن راهی را که میرفتند دریافتند .

پس از سقوط رضا شاه و تشکیل حزب توده ایران یکی از طرفش که ارجحاً در ارتش همسراه با
 تشویق علیه افسران برای گمراهی افراد آزاد بخواهد در پیش گرفت تقویت فکر استفاده از " نیروی سوم "
 بود . این سیاست با آنکه در واقع مطلع آلمان بود از جانب امریکا نیز تقویت میشد زیرا آنها ما را خود رآن
 " نیروی سوم " حساب میکردند که میبایست جانشین آلمان باشد . به همین دلیل امریکا تنها از رفیع
 در مقابل رزم آرا که در اختیار شناخته شد ه ای امپالیم انگلیس بود همواره تقویت میکردند تا آنجا که
 ارفع بدترین سیاست ستاد ارتش را در دست داشت .

تشکیلات " نیروی سوم " در ارتش همان حزب " نبضت ملی " بود که برهبری واقعی ارفع
 بدست سرهنگه منوچهری انیز و سهید آبیانای امریز میگفت . برخی از افسران را از راه لیب و برخی
 دیگر از راه طامع و پانته بد وارد این سازمان میکنند . زیرا مناطق روشنی که حزب توده ایران در
 مقابل افسران جوان و روشنفکر فرار داده بود جلب آنها را به حزب " نبضت ملی " از طریق تبلیغ و بحث
 همواره دشوارتر میساخت تا آنجا که افسران طایفه در معرض تپید به حس و شهید قرار گرفتند .
 این روش همگی اصلهایی بوجود آورد که نخستین آنها تقیام افسران خراسان تحت فرماندهی
 سرگرد اسکندانی بود .

تقیام افسران خراسان

تقیام افسران خراسان یادگاری کافی تهیه شده بود بجهت امکان هرگونه تمهیب و بازتسلط
 بین معشد و مرکز را برای مدتی که افسران بتوانند به محل مظهر برسد تا منکن میساخت . سرگرد
 اسکندانی از طریق دیکتاتوله از جانب افسران حرکت کند . به فرماندهی ارفع فاد ۲۴ مرداد
 ۱۳۲۴ اول شب افسران از خراسان خارج شدند . ۲۶ مرداد سر راه خود بسوی صحرای ترکمن
 بادگان مراد تپه را که عبارت از بله اسواران تحت فرماندهی سروان افرانی بود خلع سلاح نمودند .

سهازان را مرخص کردند و فرمانده و افسران اسواران را با خود بردند.
 تمام افسران خراسان در زمان دولت نیرمنا نویی مدر بطوع پیوست ، هنگامیکه در نتیجه همکاری عناصر مرتزی مجلس ا و فعالیت خستگی ناپذیر فراکسیون مجلس حزب توده ایران کابینهی مسدود در معرض با بکوت قرار گرفته بود .
 درجسی اضطراب دولت را از این واقعه و ترس از عواقب آنرا میتوان از توضیح رسمی که وزیر جنگ وقت ، ریفر ۲۸ مرداد ۱۳۲۴ در جلسهی خصوصی مجلس داد بخوبی حس کرد . این توضیح که در کلیهی جرائد آن روزی منتشر شد بقرار زیر بود :

در بارهی واقعهی پیشب یک تلگرافی از مشهد رسیده که عده ای از افسران که تعداد آنها در حدود ۲۰ نفر بوده است و عبارت از ۰۰۰ سرگرد اسکندانی و ۱۰ نفر السرجز* دیگر میباشد در نیمه شب دولت را متصرف کرده و دو دستگاه بمبیم و مقداری اسلحه، در حدود صد فشه تفنگه و تعدادی فشنگ برداشته از سمت جنوب حرکت کرده اند و حدس زده میشود که به ترکمن صحرا میروند. اسامه نیز بوسیله تلفون بمن اطلاع دادند که این عده در مراوه تپه خودشان را با نرس معرفی کرده و اسلحهی یک اسواران را که در حدود ۱۲۰ نفر بوده اند نیز گرفته اند. بحال و افسران این اسواران با این عده ملحق شده اند ولی افراد اسواران بسمت جنوب حرکت کرده اند . بطوری که اطلاع پیدا کرده ایم در ترکمن صحرا و هزار ترکمن مسلح هستند که این افسران قصد دارند با آنها ملحق شوند.*

اعلامی ای با ماضی سرگرد اسکندانی در آنجولج در جرائد تهران درج گردید و مطالبی در این باره نوشته شد که ما برای روشن شدن مطلب قسمتی از مطالبی روزنامهی "رهبر" شماره ۱۲۷ بتاریخ ۱۶ ر ۱۳۲۴ را که بان خصیصی یافته است در اینجا نقل میکنیم:

"اربع کوشش بسیار کرد که افسران را بحزب فلا پی نبخت ملی خود بکشاند . لیکن شش حکم افسران جوان دعوت ایراد هان شکست ۰۰۰ برای اینکه از قرا اینگونه افسران که با خیانت و دزدی و فساد در ارتش دشمنی میکردند خلاصی شود از بد پیش دستور داده بود صورتی از این جهت افسران تهیه کنند تا برای آنها پاساژی بدوزند . ۰۰۰ اربع تصمیم گرفت افسران پاکدامن و آزاد چخواه را متحد کند . تمهیدگاه نیز همین بود : جنوب ، تمهیدگاه ملت ایران ، تمهیدگاه آزاد چخواهان و وطن پرستان ، آنجا که تمت حمایت سرتیژی جبهه چو پان و استعمارطلبان میسوان جوانان غیر و شرافتند همین را محکم به انزوا ، خلفان و فراموشی کردید . صورت لزوم بدست در تهم سیرد ۰۰۰ از چند هفته پیش ما همین اربع دست کار تو قیف و تمهید آنها بطور تمت الحفظ بنا چو جنوب زده بودند . ۰۰۰ عکس العمل منطقی این اوضاع در خراسان بدید آمد . ۰۰۰"

در پیام افسران خراسان افرادی از سهازان نیز شرکت کردند . عده ای هم از افسران تهران در صحرائی ترکمن به آنها پیوستند .
 در بارهی انگیزی این افسران که در نظریات سیاسی خود راه حزب توده ایران را انتخاب کرده بودند سخنانی را که خود سرگرد اسکندانی در جلسهی محاکمهی سروان فخرانی و افسران پادگان مراوه تپه ایراد کرده است در اینجا میآوریم . توضیح اینکه پس از خلع سلاح اسواران مراوه تپه ، تمام

کنندگان افسران این واحد را با خود به صحرائی ترکمن آوردند . گرچه این افسران رضایت داده بودند که به تمام بپیوندند ولی از آنجا که حواشی و نجات آنها کاملاً روشن نبود پس از تشکیل دادگاه و رسیدگی به وضع آنان آنها را مرخص کردند . سرگرد اسکندانی پس از محاکمهی سروان فخرانی فرمانده اسواران ، در این دادگاه اظهارات مفصلی کرد . بوجهی برخی از قسمتهای آنرا از روی یادداشت یک افسر حاضر در دادگاه برای نخستین بار بمنظور ثبت در تاریخ منتشر میکنیم . سرگرد اسکندانی خطاب به سروان فخرانی از جمله میگوید :

" شماریزی که در دانشکدهی افسری فارغ التحصیل میشدند بگویند یاد کردید که تمام عمر حافظ منافع ملت باشید ۰۰۰ آیا بجهتیم تا حال با این سؤگند عمل کرده اید ۰۰۰ در این کشور ۸۰٪ مردم را دهقانان تشکیل میدهند . مالک آنها را غارت میکنید ، پس از غارت مالک را زندان میکنند تا بگویند تحقیقات به محل رهسپار میشوند و در مقابل حق اقدام " و " حق الزحمه " آخرین بشقاب را از کلیهی محقر دهقان میسرید ۰۰۰ ۸۱٪ بودجهی کشور بوسیلهی مالیاتهای غیر مستقیم از زارعین و کارگران گرفته میشود و به مصرف اسلحه میسرید تا اینکه بتوان همین مردم را در قید اسارت نگاه داشت ۰۰۰ مگر ما شما در دانشکدهی افسری اولین بند آئین نامه پادگانها را بخواند ما می که نقشین حافظ امنیت ملت از دشمنان خارجی و دزدان داخلی است ؟ ماکه جز ؟ نقشین هستیم علاوه بر اینکه با ممالیزهای امیکاشی و انگلیسی که دشمنان سرد ما هستند مبارزه نمیکنیم بلکه با اعمال آنها که هیئت حاکمه بنام مستشار آورده است همکاری مینماییم . کی و کجا ملت را از دزدان و غارتگران حفظ کرده ایم ؟ ما خود برای ملت از هرگونه دزدی و دزد تر و از هر غارتگری غارتگر هستیم .
 ملت مالک نشیمان نیستند . توده های زجر کشیده هستند ، توده های غارت شده هستند . حال بجهتیم در اثر این خیانتها از اموال غارت شده از ملت ما چه میدهند ؟ بقول خود شما افسران و گروهبانیان اسواران شما سه ماه حقوق نگرفته بودید ، پول علیق را حواله نمیکردند و شفاها می گفتند اسپههارد رمازغ زارعین بجرا نیی یعنی یک بار دیگر ست به غارت آنان بزنید . شما پیش از میلاد این مطالب اطلاع دارند . کاری که ما شروع کرده ایم برای مبارزه با این خیانتهاست و اگر امتثال شما بجا نکند ملت ما موقی خواهیم شد . ۰۰۰"

تمام کنندگان در ارتش احتیاطی هاشی غافلگیر شدند . هنگام عبور از راهی که میبایستی بسرای رسیدن به دست کرگان از آن عبور کنند در معرض شلیک زانده ارمی و پلیس که در کمین آنها بودند قرار گرفتند و در این برخورد پس از چند ساعت تیراندازی عده ای از آنان بجنابادت رسیدند که عبارتند از سرگرد اسکندانی ، ستوان یکم شهبازی ، ستوان یکم چندی ، ستوان یکم مناشی ، ستوان یکم نجفی ، سرگرد محمد سلیمان ، سرگرد فرهوشی . از باقی ماندگان عده ای متواری شدند و سپس به جنبش ادرا با چنان پیوستند چهری دیگر دستگیر شدند . این بدند ، ولی پس از محاکمه بانک حزب توده ایران توانستند از زندان بگریزند . درباره فرار این عده خبرگزاری پارس در ۲۲ فروردین ۱۳۲۵ اطلاع داد که افسران منزه " مراقبین بسد و ن اسلحهی خود را افغان و بوسیلهی اتوبوسی که با توپخانهی قلبی برای رسیدن آنان حاضر شده بود . قسار کردند " این عده نیز به جنبش ادرا با چنان پیوستند .
 برخی از این افسران پس از اتمامی از راه چنان بدست در خیابان محمد رضاشاه اقدام شدند و مردانه آنرا جان سپردند ، برخی هم اکنون عنوانه اکار حزب توده ایرانند (در بارهی اقدام شان به

جزوی " یاد نامه تمهید ان " منتشره از طرف حزب تود ه ایران رجوع شود .
 قیام خراسان یکی از طایفه پراهمیت تاریخ مبارزی نیروهای آزاد پخواه و در ارتش ایرانست که تاکنون از نایب کالی ننده است . شرکت کنندگان این قیام از افسران پاکد امن و مبین دست ارتشس ایران و مورد احترام طایفه افسران ارتش بودند . این قیام از آنجا که شرایط لازم در آن ملحوظ ننده بود و محلت بی احتیاطی هائی که در صل راه ثبات بخون کشید ه شد ، ولی نام سرگرد اسکندانی کسه فرمانده و بالاستحقاق این قیام بود و افسران شرکت کنند هی آن و جانیازی پوزانتفاخارانسان ههچگاه از صفحات تاریخ مبارزی رهائی بخش مردم ایران زدود ه نخواهد شد .

تمهید و تمهید افسران آزاد پخواه بد ست ارفع

تگرانی از قیام افسران خراسان و ههچانی که این قیام در مرکز بوجود آورد ه بود ارفع را مجبور ساخت فورا افسرانی را که در مرکز در تمهید نظریات سیاسی خود توفیق شده بود ند به جنوب تمهید کند . شرح این تمهید در شماره ۱۲۸ ریزنامه " رهبر " بتاریخ ۱۳۲۴ آرا ر ۱۲۲۴ چنین درج شده است :

" از د ریز پیش در محافل ارتش شایع بود که افسران توفیق شده و رابندی به جنوب تمهید خواهند کرد زیرا مترسند مردم هجوم آورند و زندانیان را خلاص کنند و محلا و مگیند یکی از دلائل فتن کردن مجور و مرز از ساعت ۱۰ شب ببعد این بود که تمهید افسران بدین حضور مردم و دروازه نظر آنها باشد تا موجب برانگیختن ههچان و خشم آنها نگردد .

د شب یک ساعت بعد از نیمه شب بد ای از افسران زندانی رابنواحی جنوبی فارس تمهید نمودند بدین آنکه به آنها پول و خرجی بدهند و با خانواده شان خدا شاکس کنند . هنگام تمهید افسران عموما مقاومت وزیدند . آنها میگفتند حکم تمهید بسا انتظا لشان با در رسا با آنها ابلاغ شود و محترما و آزادانه بروند نه مانند اسپران جنگی آنها را رگامین انداخته در زیر سرنیزی یک عد سه باز صلح تمهید نماند . مقاومت بجائی رسیده بود که هر یک از افسران راشی نفر از گروهانان در زبان کشان کشان بزور بهرین برد ه و در ماهین می افکندند .

سرتیپ انصاری ساهین ستاد که ظاهرا خود را از جریان متاثر نشان میداد و خواست با سرگرد بهرامی یکی از افسران توفیق شده دست دهد تقاضا پیش از طرف سرگرد نامرود ه رد شد و با وجود اسرار ، سرگرد بهرامی به او دست نداد . سرگرد بهرامی نطقی کرد که همی افسران را متاثر ساخت .

افسران مورد فضا ارفع تمهید شدند در حالیکه احساسات پاک مبین پرستی عشق به آزادی بهی جنبش آنها را شعله و رساخته بود . آنها بدرحاله که متاثر بنظر میرسیدند با روحیهی حکم و مقاومت مردانهی خود نشان دادند که تمهید به جنوب هم یک درویشی آزما پیشی است که روح آنها را محکمتر کرده و مانند قهرمانان ایران نو از پختی امتحان بهرین خواهند آمد .

افسران تمهید شده به جنوب بدین ههچگونه به حاکمه و اعلام جرمی در کرمان زندانی گشتند و عد ای نیز بنام انتفال اداری بنواحی جنوب فرستاده شدند . ولی این تمهید ها با نتظالات جنبشی را که در ارتش آغاز شده بود خاموش نکرد ، بلکه بر شدت آن و بگرا پیشی افسران و درجه داران بسوسی حزب تود ه ایران افزود . جنبش به پائین نیز سراپت میکرد . اغلب مشاهده میشد که در بنا پیشی هائی نه

از جانب حزب داد ه میشد ، واحد های نظامی مامور انتظام برای نمایش د هندگان دست میزدند و ابراز احساسات مینمودند . در زمان دولت حکمی هنگامیکه د مونسرا مبین حزب تود ه ایران خوا بست حرکت خود را در جهت مجلس ادامه دهد گروهانی که برای ما نعمت از این حرکت تعیین شده بود از فرمانده ارتظامی سر بهیچد و راه را برای نمایش دهندگان باز کرد .

اسپهالیم و ارتجاع داخلی احساس کردند که د پگر بد ست ارفع و حزب قلابی وی و بسا شیوه های اعمال شده و از آزما پیش گذ شتی قبلی کاری ساخته نیست و با پیشی تشهیر و روش داد . لندا تصمیم به عقب نشینی وقت گرفتند . اکنون د پگرتا نزد نیروی متحد ارتجاع رزم آرا بود که نقش این سهیون را بگرا مینمود . رزم آرا بجای ارفع سرکار آمد و با عواطفی خاص خود دست بگرا زد .

اندکی پس از روی کار آمدن رزم آرا ، اخرا سفند ۱۳۲۴ ه افسران زندانی کرمان اعلام گرسنگی کردند و تلگرافی مخابره نمودند که در جرایع تهران نشر یافت . در این تلگراف نوشته شده بود :

" از صبح ریز ۲۶ اعلام گرسنگی مینا میم و هیئت حاکمه مسئول هراغرافی در برابر ملت ایران و خانواده های ما خواهد بود .

این موضع سرصد ای زادی میان ارتشیان راه انداخت و رزم آرا مجبور شد در اقدامات خود تسریع نماید . وی افسران تمهید ی را به مرکز احضار نمود و به آنها (از آنجمله به خسرو ریز به کسه باصطلاح ستواری بود) اعلام نمود که با حفظ سابقی خدمت و دیانت حقیق عقب افتاد هی خود ، بدین آنکه اجبارا به نقاط بد آب و هوا اعزام گردند میتوانند مشغول خدمت شوند .

حاق افسران به جنبش آذریا پجان

افسران نیز بنوعی خود خواستهای متقابل داشتند . خواستار اعلام برائت کامل خود و سحا که و مجازات ارفع بودند . از آنجا که در اجرا این در خواستها تعمل میشد عد ای از افسران آزاد شده ترجیح دادند بد منظور اد امی مبارزه در راه آزادی و استقلال کشور به جنبشی که در آذریا پجان آغاز شده بود بپیوندند و در بهار سال ۱۳۲۵ این تصمیم خود را عملی ساختند . در اعلامیه ای که این افسران منتشر ساختند پس از تشهیر خواستهای عملی نند هی خود و اینکه " بر آنها سلم شده که ایادی نا پاک استعمار با کما ل مساجت در دستگاه ارتش فعالیت خانمان برانند از می کنند " از جمله چنین گفته میشود :

" . . . چون همکاری با این سازمان ارتشی که آلت بی اراد هی ارتجاع و استعمار و عمل بی وطن وی است ، در نظر هرا آزاد پخواه با شعوری جنایت محسوب میشود . . . برای ما بد افند هر نوبه که در جرگه ای این گروه دزد و خائن اد امی خدمت دهم و از طرفی در این د فائق حساس تاریخی که برادران قهرمان آذریا پجانی ما جان بگف در راه آزادی و استقلال واقعی ایران مشغول فد اکاری میباشند نمیتوانستیم ساکت و ناظر بجزرف باشیم و با اهلان باین ننته که رهائی ملت رنجبر ایران وابسته به دوام و قوام جنبش آزاد پبختر آن سامان می باشد لذ استقا به ارتش ملی که از برادران آزاد پخواه و پاکد امن و د لاور ما تشکیل گرد بد ملحق گرد بدیم .

این اعلامیه با ۱۵ نفر از افسران از آنجمله : سرگرد جمنا ساطاتی ، سروان جسدوت ، سروان نصیری ، ستوان یکم تنوایی ، ستون یکم د بریتیا ، ستوان دوم توپال ، ستوان دوم آرمین تاش و پگرا در جرایع آنریزی درج شده است .

این افسران و افسران د پگری از واحدهای مختلف و نیز افسرانی که پس از قیام خراسان برای

ادامی مبارزه به جنبش آذربایجان پیوسته بودند سرانجام ولاداری شدند که از هیچ فدائیکاری در راه جنبش دریغ نداشتند. برخی از آنها کشته شدند، عده ای قهرمانانه شربت شهادت نوشیدند و عده ای در مصیبت مبارزان باقی مانده اند (رجوع شود به " یاد نامه شهیدان ")

سازمان انجمن حزب توده ایران

شکست جنبش آذربایجان و تصاحب دهنش باری که ارتجاع از افسران کشته گراپی را در ارتش سموی جنبش رهایی بخش و حزب توده ایران متوقف ساخت. صدها نفر از پاکدامن ترین افسران ارتش که چکیده استعداد، فداکاری و دراهمیه بودند در جنبش حزب توده ای - سازمان متشکل شدند. سازمانهای مختلفی که حزب از رسته ها و گروههای مختلف ارتش بوجود آورد و مدتها زیر رهبری حزب فعالیت می نمودند در یکجا متمرکز شدند و سازمان نیرومندی از افسران بوجود آوردند. بجزئیات میتوان گفت که اکثر جنبش رهایی بخش و کشورمان بسته است تا این درجه از تصاحب در ارتش نفوذ کند.

سازمان انجمن حزب توده ایران در دوران فعالیت مخفی حزب و دوران ملی شدن صنایع نفت خدمات گرانگیزی به حزب و جنبش انجام داد. این سازمان دژ محکمی بود که در بسیاری از موارد بفرمانین حزب در اجرای وظایف آنان کمکهای گرانگیزی کرد و فعالیت حزب را رفاه بخش و حزب را از خطرات احتمالی مصون می داشت.

تولید حزب و بطور کلی جنبش رهایی بخش را این سازمان در ارتش هنوز توسعه میدهد. ارتجاع فعالیت سازمان انجمن حزب توده ایران سخت نگران ساخته بود. امپالیست ها و شاه که تنها نقطه اتکالی از کاپی سر نیزه های ارتش بود از حوادتی که درین ارتش رخ میداد بهتاک بود. از جمله واقعه ۳۰ تیر برای آنان هشداری باشی بود. در این روز حادثه ای که منتظر رانشی بود ادعا نسا نا فرمانی آفریند می میان ارتشیان بود. تصمیم ارتجاع به عقب نشینی پس از آن گرفته شد که سرهنگ ۲ پرمان با تانک خود به جنبش مردم گروید و نیروهای انتظامی حالت تردید بخود گرفتند.

همی این جریانات موجب شد که پس از یک ماه ۲۸ مرداد ارتجاع با تمام نیرو و کسب کمکهای مستقیم و غیر مستقیم از دستگاههای جاسوسی آمریکا و انگلیس درصدد کشف سازمان انجمن حزب توده ایران برآید. پس از آنکه سپاه ای به رمز از اسامی اعضا این سازمان بدست آمد و رمز آن کشف گردید در حدود ششصد نفر افسر بازداشت شدند. ۷۱ نفر محکوم به اعدام، ۱۹۲ نفر محکوم به حبس ابد، ۱۲۹ نفر محکوم به ۱۰ سال و االباقی به حبسهای از ۱۰ تا ۳ سال محکوم شدند. ولی بانگ اعتراض که در سازمان طنین افکند دست جلا در راهی از اعدام ۲۶ افسر و مرتضی کجیان همزیم نظامی آنها متوقف ساخت.

در سازمان انجمن حزب توده ایران افسران متشکل شدند که سرشار از علاقه به میهن خود بودند، زندگی را برای خدمت به آن و محامدات آید می میخواستند. شهید ای این سازمان نشان دادند که تا دم مرگ به آرمان خود و به حزب خود وفادارند.

مصطفی ازجریان شکیه ها و ادوسی افسران و نخبه ای از گفتارهای دم مرگ آنها که حاکی از نیروی روحی و استواری ایشان آنهاست در جزواتی که از طرف حزب ماموت عنوان "رزم تیر و اختاقی" و "یاد نامه شهیدان" انتشار یافته منعکس است. و اما موضوع تشکیل این سازمان و تشکیل قهرمانیها و جانبازانیهای اعضا آن حماسه ایست که احتیاج به تاریخ جدید دارد. در اینجا بجزوای خود محفوظ به ذکر آنها که سرگرد وکیلینا پندگی از طرف همی افسران که در انتظار شهادت بودند برای باران خود فرستاد اکتفا می نمودیم:

" این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت درواپسین روز زندگی خودمان است. نخست درید آتشین ما را بید بید، د پگرا نکه بد اند تا آخرین دم به خلق و سادار ماندیم "

خسرو ریزیه

خسرو ریزیه یکی از بنیان گذاران سازمان انجمن حزب توده ایران بود. زندگی سیاسی ریزیه نمونه ای از چگونگی تحولی است که در افسران میهن دوست پس از اینکه راه حزب توده ایران را یافتند رخ داد. این تحول در آخرین دفاع وی، که کمیته مرکزی حزب در دست مردم ایران و جهانیان قرارداد داده است، بخوبی منعکس است: " تا روز پدی روح وی، جستجوی هاهراه مبارزه، آنتی که حزب توده ایران در درین وی روشن ساخت و سرانجام ایمانی که وی به راه حزب طبقه کارگر و سوسیالیسم پیدا کرد:

" حزب ما حزب استعمار شکن و مدافع استقلال و تمامیت ارضی کشور است. ما جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همی تار و پود وجودم این راه را راه مقدس شناخته است، تمام سلول های بدن من و تمام ذرات وجودم تود مای است. چنین است وصی که ریزیه از حزب خود و ایمانش به آن میکند.

دفاع خسرو ریزیه سبلی محکمی است به صورت طبیعی حاکمی ایران که به افسران با شرف و میهن دوست ارتش ایران راه جاسوسی، خیانت به میهن و تخریب استعمار می آموزند. ریزیه به بنام هزاران سرشرافتند ارتش اعلام میکند که:

" افسران ایرانی از لحاظ هویش و فراست و قدرت ابتکار و سرعت درک و حساسیت تشخیصی و با معلومات بهیچوجه از هیچیک از افسران ارتشهای جهان چیزی کم ندارند "

و اضافه میکند:

" با وجود این واقعات ما سف مقدم وقتی میدم فلان درجه دار به سواد امریکایی چندین برابر فلان افسر تحصیل کرد می ایرانی از مستند وی ارتش ایران حقوق میگردیم. بحلاوه کراه خانه و ماشین نهی و اتوموبیل و کلفت و نوکر هم در اختیارش میگذارند "

خسرو ریزیه سازمان انجمن حزب توده ایران را که همی اعضا آن هم مسلک و هم آرمان او بودند چنین ارزیابی میکند:

" همی اعضا (این تشکیلات از نخبه افسران و گمبهای سرمد ارتش بوده اند و همی آنها از کسانی بودند که بد رستی، پائی، میهن پرستی، شرافت، انساندوستی و با سوادی شهرت داشتند. هیچیک از افسران وابسته به تشکیلات افسران آزاد نخواهد ایران با عقیدتی خیانت متشکل نشده بودند بلکه با روح فداکاری و گذشت و با علم به خطرات احتمالی که جان و نظام و زندگی و کانون خانوادگی آنها را تهدید میکرد به راهی قدم گذاشتند که آزاد، استقلال و سر بلندی میهن

عزیزان و سعادت ، راه و حق حاکمیت ملی هبوطنا نشان را تا من نماند .
رویه در این فعالیت خستگی ناپذیر خود تا تمام عضویت کمیته مرکزی حزب ارتقا یافت . وی در سخت ترین شرایط سنگرمبارزه را تکیه تکیه تا با مقاومت خود لکه های خصل و ارادت ادراکه روش سرخس د انگیز حزب کرد ، بود بشهد . وی به کمیته مرکزی حزب نوشت :

" من وظیفه خود میدانم بجهت جان خودم این سقوط روحیه را جبران کنم .
و در دفاع خود بنیان حافظت گفتم :

در دفاعی گریز نباشد ز سوز و ساز استاد ، ام جو شعع مترسان ز آتش

خسرو پیوسته پس از طاقوی قهرمانانه دستگیر و محکوم دادگاه دستبسته نظامی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ اعدام گشت .

کمیته مرکزی حزب بود . ایران در مقدمه ای به مدافعات رویه در دادگاه مینویسد :

" کمیته مرکزی حزب بود . ایران بسی شادمان است که این استاد پراخ را اکنون در اختیار همی رفقای حزبی ، همی مردم ایران و جهانیان قرار میدهد . این استاد بهتر از هر توصیف دیگری میتواند قدرت روحی مردی را که در برابر خطر جسمی مرگه از تابناکترین آرمانهای انسانی با همچانی عالی مدالعه میکند نشان دهد ."

مردم ایران با بدین سیمای درخشان رویه ها و افسران سازمان نظامی حزب بود .^۳ ایران و مقامی آن با باقیانی که در دزدان و چانیان از قبیل حاجملی کپاشا ، هدایت ها ، پختیارها ، آزبده ها و امثال آنها یافتند . در از خودمیره جدا کنند و در بارهای و قطب ارتش کشتاوت نمانند . فلسفه کرد حزب بود .^۴ ایران حلقه میزند و فلسفه که متکا " هفت حاکمه و رژیم منحوس شاه و کودتاست ."

۵ - پسایان

از آنچه گذشت پیداست که در اجتماع ایران پیوسته کوشیده است ارتش را که باید در خدمت مردم و مدافع حقوق دموکراتیک و حافظ استقلال و تمامیت کشور در مقابل استعمار باشد بدل به نیروی ضد ملی برادرش ، خلفه کند . جنبشهای دموکراتیک و قزاقان و نیکوچین و جهای امپریالیسم سازد . افسران سپید دست ارتش همواره متوجه این نقش پاید فلسفه حاکمه بود . اند و از هر فرصتی برای اعتراض خود استفاده کرده اند . در گذشته این اعتراضها شکل اقدامات و باقیانی میسر و ناهماهنگه انجام میگرفت . حزب کمونیست ایران در راههای نگرشی دوع خود در بارهای این اقدامات جداگانه میگوید :

" از همی این خورشید پنهان و در دست آمده و آن اینست که این خورشیدها بدون تپهیی زمینه ، بدون تشکیلات منظم و بدون رهبریت و ارتباط با ترقی انقلابی ظهور کرده اند ."

حزب بود . ایران توجه خاصی به امر تشکیلات افسران و هماهنگه ساختن فعالیت آنان بود . در مصوبات پنجم چهارم وسیع کمیته مرکزی حزب در بارهای این فعالیت چنین میخوانیم :
" حزب ما پس از نگرشی اول خود به مسئله فعالیت در میان افسران ارتش توجه

نمود و در مدت کوتاهی موفق شد ثلوث قابل ملاحظه ای در بین افسران بافتسه سازمان خاصی مرکب از افسران ارتش تشکیل دهد .

اگرچه گرایش افسران بسوی جنبش دموکراتیک سنتی طولانی تر از تشکیل حزب بود .^۵ ایران دارد ولی شالوده ای اساسی این سازمان را حزب بود .^۶ ایران نخست . این سازمان رفته رفته توسعه یافت و تبدیل به نیروی مهمی گردید . طی ۱۳ سال فعالیت این سازمان ، اعضا^۷ آن خدمات گرانها و جانهازیهای بشماروی در راه حزب جنبشی خلقهای ایران کرده اند .

سازمان نظامی حزب بود .^۸ ایران بحق از رهبری انفجارات حزب ما بشماروی آید .

پنجم چهارم کمیته مرکزی حزب بود .^۹ ایران عال ناگامی و لو رفتن این سازمان را نیز بررسی کرد . اشتباهاتی را که در این زمینه ، چه از طرف رهبری حزب و چه رهبری خود سازمان ، رخ داده بود مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و از آنجمله معايب کار خفای این سازمان و گزند پذیر شدن آنرا^{۱۰} تسلسل نادرست سازمان نظامی ، بهرگز اساسی ، متمرکز ساختن اسناد و اداره مرحله سازمان در یکجا ، اطلاع غیر ضروری بعضی از افراد حزب از وجود سازمان نظامی ، طرز ناصحیح ثبت و ضبط اسامی اعضا^{۱۱} سازمان با نام و نشان و مشخصات دانست .

لو رفتن سازمان افسری حزب بود .^{۱۲} ایران فلسفه بزرگی به جنبش دموکراتیک درین ارتش و بطور کلی به حزب مازد . ولی نادرست خواهد بود اگر تا^{۱۳} تیر صفیرا که پیدایش سازمانی به این عظمت در میان ارتش باقی گذارده است نادیده بگیریم . تاریخ گذشته مبارزات دموکراتیک در ارتش که پسته تشکیل این سازمان معجز گردید ، نشان میدهد که هر فکستی جدا^{۱۴} پیدایش جریانها آگاهتر و با تجربه تر بود . است و پرچم مبارزه هیچگاه به زمین افکند و نغده است .

فلسفه مسلسلی که در کاخ مرمر بدست شمس آبادی انجام شد حاکی از وجود روحی مسدوم رضایت و آمادگی برای مبارزه و فدائاری است . شاه و درباریان کوشیدند جریانها را که در داخل گسار سلطنت میگذشته است بپوشانند و توجه را بجای دیگری معطوف دارند . چراغ مزد روز قهیل اطلاعات و غیره حساسه های در مورد جانهازی و شاهدوستی گارد جاوید ان نوشتند تا حقیقت امر را مستتر دارند و حال آنکه مقدمات این امر در خود گارد جاوید ان انجام شده بود . و در بار با تمام قوا کوشیدند تا مکتوم نگاهدارد . برار اطلاع هم اکنون به ای افسر در بازداشتگاهها بسر میبرند و تحت تعقیب و بازپرسی میباشند .

شکی نیست که در ارتش نیروهای هستند که با اسطاده از جهنمات گذشته نفی خود را بسازی خواهند کرد . اکنون که نرت مردم از شاه و دار و دسته اش طوری آنها را منفرد ساخته که بگانه نقش انتانتان سر نیزه است نفی ارتش و عناصر سپید پرست آن بر مراتب مبهر و قاطعتر خواهد بود .

فهرست مطالب این کتاب :

صفحه

۴	مبارزه حزب توده ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع در شرایط فهرستی (بهمن ۱۳۲۷ - مرداد ۱۳۳۲)	۱
۴	۱- خصلت جنبی آزادیبخش ملی در ایران و آرایهی نیروهای اجتنابی در آستانه سال ۱۳۲۷	
۱۲	۲- جریان محاکمه حزب توده ایران	
۲۱	۳- اقدامات ضد دیکتاتوره و ضد خلفی ارتجاع	
۲۹	۴- آغاز تفهد پد فعالیت حزب توده ایران در شرایط فهرستی به آغاز اختلالی میس جنبی	
۳۳	۵- آغاز اختلالی میس جنبی	
۴۳	حزب توده ایران در مبارزه به خاطر ملی کردن صنعت نفت	۲
۴۳	۱- حرکت نفت انگلیس و ایران به شاه بهگ موسسه امپریالیستی	
۴۸	۲- مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت	
۴۹	الف) مرحله اول مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت	
۵۷	ب) مرحله دوم مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت	
۷۷	ج) مرحله سوم مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت	
۹۷	۳- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت دکتر مصدق و تلفی امپریالیسم امریکا در این کودتا	
۱۰۷	پایان سخن	۳

نظری به

جنبش کارگری در ایران

بخش دوم

۱

مبارزه حزب علیه امپریالیسم و ارتجاع در شرایط غیر علنی (پومین ۱۳۲۷ - مرداد ۱۳۳۲)

۱- خصلت جنبش آزاد بخش ملی در ایران و
آرایش نیروهای اجتماعی در آستانه سال ۱۳۲۷

خصلت جنبش های آزاد بخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریتش پیورکرد^۱، لنین میگوید اکنون دیگر

" انقلاب اجتماعی فقط و بطور صد % مبارزه پرولتاریای انقلابی هر کشوری علیه بورژوازی کشور خود نبود ، بلکه مبارزه تمام کشورهای مستعمره و وابسته تحت استعمار امپریالیسم ، علیه امپریالیسم جهانی خواهد بود " (۱)

اگر در گذشته ، تا فرارسیدن دوران انقلاب جهانی ، جنبش آزاد بخش ملی کشورهای مستعمره و وابسته بخشی از جنبش د مکرانیک عام را تشکیل میداد ، پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت و فرارسیدن دوران انقلاب جهانی این جنبش بخشی از انقلاب جهانی را بوجود می آورد . چنین است خصلت عمومی جنبش ها و انقلابهای آزاد بخش ملی دوران مصادد رگشورهای مستعمره و وابسته ، و از جمله در ایران . تعریفی که در چهارمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران (۵ تا ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱) از مرحله انقلاب ایران بعمل آمده ، بر همین حکم استوار بود . در اسناد این پلنوم گفته میشود :

" انقلاب ایران در مرحله بورژوا - د مکرانیک طراز زین پهنی در مرحله انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی است و در دوران کنونی لبه تمیز آن مسوجه امپریالیسم است " (۲)

اگرچه انقلاب های بورژوا - د مکرانیک مصادد کشورهای مستعمره و وابسته انقلاب های طراز زین بود ، و بخشی از انقلاب جهانی سوسیالیستی پرولتاری را تشکیل میدهند ، از اینجاست که

(۱) آثار لنین ، چاپ چهارم ، جلد ۳۰ ، صفحه ۱۳۸
(۲) اسناد چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران (۵ تا ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱)

چنین نتیجه گرفت که این انقلاب هاشمه یکسان بوده و تلاوت باهم ند آرند. چنینی های انقلابی در این کشورها متناسب با ویژگیهای هر کشور و بر حسب درجه رشد اقتصادی ، چگونگی وضع سیاسی و تناسب نیروهای طبقاتی از مراحل گذار صنعتی میروینکنند.

چگونگی رشد و تکامل طبقات در کشورهای مستعمره و وابسته و نقش این طبقات در جنبش ، بار شد و تکامل طبقات و نقش آنها در کشورهای تریبل تفاوت بسیار دارد. مثلا در کشورهای مستعمره سرمایه داری ابتدا به بیوزاری صنعتی و سپس بیوزاری صنعتی بد می آید و رشد بیوزاری های مسوده هماهنگ با رشد سرمایه داری داخلی انجام میگردد. ولی این منظره را نمیتوان همیشه در کشورهای مستعمره و وابسته نیز مشاهده نمود. چون صدور سرمایه خارجی به کشورهای مستعمره و وابسته و پیدایش مو سمات سرمایه داری غیرطبی در آنها پیش از پید آمدن صنایع ملی انجام میگردد. بیوزاریان نیز در این کشورها میتواند مستقل از بیوزاری ملی بوجود آید و به سطح مهمی از رشد آگاهی سیاسی دست یابد و در راه احراز رهبری در جنبش آزا دی پیشرفته مبارزه برخیزد.

ایران یکی از این کشورهاست. بیوزاریهای صنعتی ایران پیش از پیدایش بیوزاری صنعتی بوجود آمد. البته در ایران نیز انباشتی که در عرصه بازرگانی و با صنایع دستی و پیشه وری بوجود میآید، شرایط نقد مانی را برای پیدایش صنایع ملی فراهم می آورد. ولی سرمایه خارجی به کمک سیاست دی مینگ در قیمت ها ، مو سمات ملی را دچار شوک سنگینی کامل میکرد. چنانکه اولین صنایع قند سازی و کبریت سازی و شیشه سازی و غیره در ایران در چارچوب سرنوشتی شدند. به این ترتیب تمام کوشش های که برای سرمایه گذاری در صنایع ملی ایران بعمل میآید ، با ناامنی زو برو میگردد. فقط در اثر امکاناتی که پس از انقلاب سوسیالیستی اکثر روسیه بد پید آمد ، کشور ما توانست خود را از فشارات رقابت خارجی تا حدی مدی محفوظ دارد. ولی از آنجاکه قشر فئدالی مالکان و کمراد ورها در صنعتی شدن کشور ذینفع نبودند ، از این امکانات نیز بجنوی شایسته استفاده نشد.

بدینسان صنایع ماشینی در ایران بطور صد در سالهای ۳۰ قرن کنونی امکان رشد بد دست آورد. صنایع ملی ایران در سالهای ۲۰ فقط به کارگاههای کوچک سرمایه داری نظیر قالیبافی ، آبریش بافی ، چرم سازی و غیره محدود می شد. نخستین کارخانه نساجی ایران در اواخر سالهای ۲۰ در اصفهان بوجود آمد. این کارخانه سبید کارگرداشت و کارخانه " وطن " نامید می شد. ساختمان راه آهن سراسری ایران نیز در همین زمان شروع شد. ساختمان و بهره برداری از صنایع ماشینی ایران در سالهای ۳۰ آغاز گردید.

شرکت نفت ایران و انگلیس نیز در این زمان به مو سمه ای داری اهمیت جهانی تبدیل شد و بدو در آن تعد اد کنه ی کارگر اشتغال داشتند. این کارگران علاوه بر مهارتات اقتصادی بسسه مهارت سیاسی نیز جلب شده بودند. مثلا در سال ۱۳۰۸ کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس با اعتصاب کردند. دولت نیروهای نظامی ایران و انگلیس را علیه آنان بکار برد. کارگران در این اعتصاب علاوه بر مطالبات اقتصادی ، مطالبات سیاسی یعنی اجازه ایجاد اتحاد به های ملی ، قانونی کردن جشن اول ماه مهر و غیره را نیز مطرح کردند.

بنابراین همه اساسی بیوزاریهای صنعتی ایران بطور صد و پسر پایه سرمایه خارجی بسجود آمد. در همین حال رشد صنایع ملی نیز از دوراه انجام میگرفت: صنایع دولتی و صنایع خصوصی. فقط بخش کوچکی از مو سمات صنعتی بسوسیله بخش خصوصی ایجاد شده بود. بسیاری از مو سمات نظیر راه آهن ، صنایع نظامی (اسلحه سازی و شیمیائی و غیره) ، کارخانه های قند و سیمان و غیره بسوسیله دولت احداث شده بود. قسمت قابل ملاحظه ای از مصادن نیز به دولت تعلق داشت. پس انترکاری رهاشاه از مملکت ، مو سماتی که در تعلق او بودند ، به مالکیت دولت درآیدند.

بدین ترتیب رشد صنایع ایران از سه راه انجام گرفت:

- ۱) از راه سرمایه گذاری خارجی ؛
- ۲) از راه سرمایه گذاری دولتی ؛
- ۳) از راه سرمایه گذاری خصوصی ؛

در همین حال در حدود $\frac{1}{3}$ کارگران صنعتی ایران در مو سمات دولتی و خارجی مشرک شده بودند. هم تناسب میان سهم سرمایه های خصوصی در صنایع ملی از یکسو و رشد کمی و کیفی بیوزاریان از سوی دیگر ، از همین جاناتی می شد.

عده بیوزاریان ایران پس از جنگ دوم در حدود ۷۰۰ - ۷۵۰ هزار نفر بود. از این عده بیش از ۱۰۰ هزار نفر در مو سمات صنعتی دولتی و خصوصی ، در حدود ۱۰۰ هزار نفر در شرکت نفت ایران و انگلیس و تقریبا ۳۰ هزار نفر در راه آهن ، بکار اشتغال داشتند. اگر تمرکز نسبی کارگران را در یک سلسله از مو سمات قالیبافی (تعد اد کل کارگران شافل در کارگاههای قالیبافی ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار نفر بود) و نیز در کارهای ساختمانی در نظر بگیریم ، در اینصورت میتوان گفت که تقریبا نیمی از مجموع بیوزاریان ایران در رشته های صنعتی فوق الذکر تمرکز یافته و بقیه در کارگاههای کوچک پیشه وری پراکنده بودند.

با در نظر گرفتن این نکته لنین که اهمیت بیوزاریان به بنیادیت پیش از صنعتی است که در جمعیت کشور دارد ، روشن میشود که این عده بیوزاریان ، برای کشوری با جمعیت کم (در حدود ۲۰ میلیون نفر در آن زمان) و تراکم بسیار قلیل (که در آباد ترین نواحی از ۳۰ نفر در یکلو متر مربع تجاوز نمیکرد و در برخی مناطق فقط به ۱ نفر بالغ می شد) و خلقت زراعتی اقتصاد آن (۸۰٪ اهالی در روستاها بسر میبردند) حائز اهمیت فراوان بود.

علاوه بر بیوزاریان ایران ، همراه با خاصه های اساسی مشترک برای تمام کارگران ، داری خاصه های جزوه دیگری است که نقش آنرا در زندگی اجتماعی کشور بالا تریبرد. بدین معناکه بیوزاریان ایران از تمرکز شد بد در نواحی مهمی کشور برخوردار بود: مانند مو سمات نفتی در جنوب ، صنایع نساجی در اصفهان ، مو سمات تولیدی تهران و مازند انو غیره.

بیوزاریان ایران دارای ستن انقلابی غنی است که از دوران پیدایش نطفه های این طبقه بهنگام انقلاب ، مشروطیت به هم میگرد. این ستن که بسوسیله کارگران مهاجری که در سبب سوسیالیسم در کراسی روسیه پرورش یافته بودند ، بوجود آمد ، در جریان مبارزات بعدی که تحت رهبری حزب کمونیست ایران انجام میگرفت ، غنی تر شد و سرانجام با تجارب گرانمایه های دوران مبارزه ای که در مسال های پرحوادث پس از ۱۳۲۰ تحت رهبری حزب توده ایران انجام گرفت ، به غنای آن افزوده شد.

طبقه کارگر ایران داری متحد و پاد آری چون دهقانان ایران است. دهقانان ارتش اصلی جنبش آزادی بخش ملی را تشکیل میدهند. این جنبش بدون این ارتش نمیتواند چنانکه باید گسترش یابد و به پیروزی نائل آید. ولی دهقانان ایران فقط متحد بن بالقوه ای را که قبول رهبری طبقه کارگر بسود آنان است ، تشکیل نمیدهند. رشته های دیگری نیز دهقانان را با طبقه کارگر پیوند میدهد. طبقه کارگر ایران در طولکی هنوز جوان است. عده کنه ی از کارگران راکسانی تشکیل میدهند که تازه از روستاها مهاجرت کرده اند و هنوز با روستاها رابطه نزدیک دارند. آنان ستم فئدالی ها و مالکان را از بساد نبردند. کارگران رابطه میان مبارزه خود و مبارزه دهقانان را بطور غریزی احساس میکنند و این امر کار اتحاد آنان را آسان میکند.

د هفتان در ایران کنیروالده ترین بخش جامعه را تشکیل میدهند و درین حال متکلیف ترین طبقات هستند . کافی است به ارقام رسمی خود دولت توجه کنیم تا بوضع نویسد انه دهفتان ایران

در نتیجه برسیهای دولت در مناطق نسبتاً فشرده در تهران و دامون انجام داد ، معلوم شد که در این نواحی ۶۰٪ د هفتان فاقد زمین هستند واز ۴ درصد باصطلاح دهفتان مالک ۲۵٪ کمتر از یک هکتار ، ۱۰٪ بین ۲ تا ۳ هکتار زمین دارند و فقط ۵٪ دهفتان کم بیش مرفه هستند . باید خاطر نشان کنیم که در شیوه عقب مانده کشاورزی ایران ، دهفتانی که مالک یک هکتار زمین است دارای وضع زندگی بسیار فقیرانه است که با وضع زندگی دهفتان بی زمین چندانی تفاوتی ندارد . در برخی مناطق ۹۰٪ دهفتان فاقد زمین بودند و حال آنکه مالکان که فقط ۲٪ جمعیت کشور را تشکیل میدادند ، ۷۰٪ زمینهای مزیوی را اختیار داشتند که اگر اراضی اوقاف را نیز به آن اضافه کنیم ، این رقم به ۸۰ درصد بالغ میگردد .

دهفتان ایران به وجهیانه ترین نحو استثمار میشدند . با آنکه دهفتان ایرانی ظاهرآ آزاد بنظر میرسید ، عملاً وابسته زمین بود و از وام های اسارت آمولکان خلاصی نداشت . در ایران مناطق وجود داشت که دهفتان در صورت ترک روستای خود ناگزیر بودند اموال غیر منقول خود را به مالک واگذار کنند . دهفتان رعیت که از زمین آنها بهره برداری میکردند ، میبایست بخش مظلومی از محصول خود را که در برخی نواحی به ۱۰٪ بالغ میشد ، به مالک بدهند . علاوه بر این دهفتان میبایست انواع هدایا و سروساات و عوارض بپردازند و بگاری کنند . به این ترتیب آخرین عصاره کار و تمام وقت آزاد روستائیان را که بنحوی میتوانست صرف بهبود زندگی آنها نگردد ، از دهفتان باز میستاندند .

دهفتان صاحب زمین حتی قشر نسبتاً مرفه آنها نیز بار سنگین مالکان و فئودالها را برد و داشتند . بند به جهت دهفتان ایران در راه تا " بین حقوق حیاتی خود و بخاطر زمین و طبع مستم مالکان فئودال و غارت مأموران دولتی و ژاندارم بارها به مبارزه برخاسته اند . نبح اول قرن بیستم سرشار از مبارزات دهفتان بصورت امتناع از پرداخت بهره مالکانه و سهمی از فرمان و انجام بگاری و غیره بوده است . این مبارزات گاه بصورت تعرض طبع مالکان و تصرف محصولات آنها و این قبیل اقدامات بروز میکرد . این جنبش در سالهای جنگ جهانی دوم و پس از آن در نواحی شمال و جنوب کشور شکل مبارزات مسلحانه بخود میگردد . فعالیت های سیاسی و سازمانی حزب توده ایران در زمان جنگ و پس از آن ، انجام اصلاحات ارضی در زمان حکومت ملی در آذربایجان و نیز عقب نشینی های دولت در نتیجه مبارزات نیروهای مترقی ناگزیر بدان تن در میداد ، برای بالا رفتن سطح آگاهی سیاسی توده دهفتانی ایران در آرای اهمیت بزرگ بود .

خرد ، بیروازی شهر بخشی پیشه وران ، روشنفکران (بطور عمده) دانشجویان و کارمندان جز دولت ، کسبه و غیره یکی دیگر از نیروهای محرکه انقلاب ایران بوده و اکنون نیز این نقش خود را میزبان نهاد حفظ کرده است . پیشه وران و کسبه نیروی عظیمی را در ایران تشکیل میدهند . زیرا ، اولاً آنان نخستین قشرهایی هستند که در معرض رقابت خارجی قرار میگیرند و بهیچ از سایر قشرها ضرایب امپریالیسم را بر خود احساس نمیکنند ؛ ثانیاً ، این قشرها در شرایط ایران معمولاً زیاد پراکنده نیستند . در ایران پیشه وران و کسبه در بازار متمرکز هستند و این امر به آنان امکان میدهد که به سهولت اقدامات مشترک متوسل شوند . در گذشته بسته شدن بازار تمام زندگی شهری را طبع میکرد و همیشه یک حد که بهسار مردم نقلی میشد ، لذا دولت میبایست اقدامات بازار را بنحوی جدی در نظر بگیرد .

اینگونه احتساب (بسته شدن بازار) میتوانست به تغییر حکام و سایر امور مهم دولتی متحرک گردد . د انقلاب مشروطیت ایران با احتساب در بازارها آغاز گردید .

روشنفکران نقش بزرگی در ایران دارند . کارمندان و دانشجویان را میتوان در شمار روشنفکران آورد . دانشجویان تا " نیز بزرگی در جبهات سیاسی کشور دارند . دانشجویان تهران در زمان خود سهم جدی در مبارزه طبعی قرار داد اسارت آور ۱۹۱۹ داشتند . در سالهای سپاه ارتجاع رضاشاه ، احتساب دانشجویان که برپه حزب کمونیست ایران انجام گرفت ، نمودار آگاهی این بخش روشنفکران بود . روشنفکران ایران جز قشر کوچکی به بخش کم درآمد مردم ایران تعلق دارند . روحیات ضد امپریالیستی در میان روشنفکران ، نه فقط معلول وضع مادی آنان است ، بلکه از بیداری جنبوی آنان نیز سرچشمه میگردد . مواعنی که امپریالیسم در راه رشد فرهنگ ملی کشورهایی نظیر ایران بوجهی می آورد ، روحیه انقلابی میان روشنفکران را تقویت میکند . آگاهی ملی میان روشنفکران نیرومند است و این امر در فعالیت آنان تا " نیروی بخشد و این فعالیت را در جهت ضد امپریالیستی سوق میدهد .

افسران ایران (افسران جز) متوسط) را نیز بطور کلی باید در زمره این روشنفکران دانست . توهمین و تحقیری که روشنفکران در نتیجه رنوخ امپریالیست ها به ایران احساس میکنند ، بخصوص بر روشنفکران نظامی تا " نیز شدید باقی میگذارد . آنان میبایست تحقیر باصطلاح کارشناسان و مستشاران خارجی را تحمل کنند . پس از کشف سازمان افسری در سال ۱۳۳۳ معلوم شد که تقریباً ۱/۳ افسران جز متوسط ارتش ایران به حزب توده ایران گرویده بودند . این واقعه نشان میدهد که این قشر از ارتش تا چه حد به جنبش آزاد بخش ملی گرایش دارد .

بخشی از بیروازی ملی بخشای متحد وقت در مرحله معنی از مبارزه جز " نیروهای محرکه انقلاب است . بیروازی کشورهای متوسل در نتیجه وضع مسلط خود در اقتصاد و سیاست ، به نیروی ارتجاعی تبدیل شده است . ولی بیروازی بطور عام و از آنجمله بیروازی کشورهای مستعمره و وابسته در نتیجه تنوع فعالیت اقتصادی خود ، بر حسب آنکه سرمایه آن در چه رشته ای بکار افتاده است ، دارای گرایش های سیاسی مختلف است .

بخشی از بیروازی (کمرباد وها) با سرمایه خارجی ارتباط مستقیم و پیوند اقتصادی دارد و بخشای عامل مستقیم آن عمل میکند . این بخش بیروازی همراه با فئودالها و مالکان بزرگ تکبسه گاه امپریالیسم در داخل کشور هستند .

بخشی از بیروازی که سرمایه خود را در رشته های تولید داخلی و با بازرگانی داخلی بکسار انداخته است ، زیر ضرایب رقابت خارجی قرار دارد و باینجهت دارای تمایلات ضد امپریالیستی است . این بخش بیروازی از رقابت کمرباد وهای بزرگ نیز زیان می بیند و این امر میان آنها تضاد بوجود می آورد . این بخش بیروازی در جستجوی بازار داخلی بوده و در گسترش بازار داخلی از راه افزایش قدرت خرید و دهفتان که در معرض غارت فئودالها و مالکان بزرگ هستند ، ذینفع است . از اینجها است که میان ضایع آنان و فئودالها تضاد بدید می آید . این قشر بیروازی که بیروازی ملی نسبی است میشود ، در نتیجه عوامل ذکر کرده ، برای تحکیم مواقع اقتصادی و سیاسی خود در بکسار رز ضد امپریالیستی ذینفع است .

بیروازی ملی در کشورهای نظیر ایران معمولاً سرمایه متوسط و کوچک در اختیار دارد . این بخش در مورد بیروازی صنعتی صادق است . بیروازی بزرگ صنعتی بصورت خالص خود معمولاً در این قبیل کشورها وجود ندارد . علت اینست که سرمایه گذاری در صنایع کشور رقابت خارجی در معرض خطر قرار میدهد . باینجهت در صورتیکه سرمایه صاحب کارخانه افزایش یابد ، قسمتی از این سرمایه را

در رشته های دیگر بکاری اند آزد و بد پیمان درصن حال به مالک و پاکمراد رسیدل میهود. گاه نیز کمردا و رها و مالکان قسمتی از سرمایه خود را در صنایع بکاری اند آزد. در این موارد اگر کمردا و رها و مالکان سرمایه پرگزیرا در صنایع بکار آند آزد بازم این سرمایه قسمتی و درصن حال معمولاً قسمتی کوچکی از سرمایه آنان خواهد بود، زیرا آنان نیز از ترس رقابت انحصارهای خارجی نخواهند سرمایه بزرگی را بخطر آند آزد. منافع این قبیل سرمایه در آران که در آن واحد به دو طبقه تعلق د آرن معمولاً با منافع ضد امپالمستی بهرژواری طی کمتر تطبیق میکند، زیرا برای آنان قسمتی از سرمایه اشان کسه کمردا و رمعرض خطر است و درصن حال بخش بهختر سرمایه آنان را تشکیل مید هد، آرزوی بهختر آرد. بد پیمان فقط بهرژواری متوسط و کوچک یعنی بهرژواری طی د آرای منافع ضد امپالمستی بود ه و جناح چپ آن یعنی جناحی که قدرت مالی کمردا آرد، از قاطعیت بهختری برخوردار است.

بهرژواری تجاری ایران در اواخر سن ۱۹ به جایزه ضد امپالمستی وارد شد و معمولاً خسرد ه - بهرژواری فبهرا نیز بد نبال خود میدرد. این بهرژواری در انقلاب مشروطیت ایران و در جنبش انقلابی ای که پس از انقلاب کمبر اکثر کشور افر ا گرفت نقش برجسته ای داشت. این نقش انقلابی را بعد ها بهرژواری صنعتی که از صفوف بهرژواری تجاری برخاست، به میراث برد.

بهرژواری طی ایران د آرای خاصه میزه د پگزیز هست. بد پقرار: اولاً، کوشش دائم برای بد ست آردن حاکمیت بلا جناح، زیرا انقلاب ایران که تا تمام باقی ماند، تمام قدرت حاکمه را بسره بهرژواری طی نسپرد و آنرا فقط به شه که کوچکی در اداره کشرد بد ل کرد. بهرژواری طی هم در مجلس و هم در دولت بهرجهت زانده ای در کنار مالکان قنود ال و بهرژواری بزرگ کمردا و ر باقی ماند. بهرژواری طی در کوشش خود با مقاومت امپالمستی نیز که نهمواست نمایندگان طبقه د ود ل را جانشین متحد بسن طغیان می سازد، روبرو بود. به علاوه منافع بهرژواری طی نمیتوانست با منافع مورد نظر امپالمستی ها در کشور عطاق لازم داشته باشد. ثانیاً، هنوز هم بخش قابل توجهی از خرد ه بهرژواری شهر، یعنی پیشه وران و کسه (با اصطلاح بازار) بد نبال بهرژواری طی میدرد. کسه و پیشه وران هنوز نتوانسته اند در سهام بهرژواری طی د شمن بالقوه خود را که در جریان رشد خود سرمایه های کوچکتر را خسواد بلعند، باز شناسند. تمام این خرد ه بهرژواری و بهرژواری طی آشکارا زیر ضرات سرمایه خارجی هستند و این امر جنبش نسوری بد پی آورد که آنان د آرای منافع کاملاً مشترک هستند.

تمام این عوامل بهرژواری طی ایران را راد یکال تر و نهموند تراز وزن مخصوص آن د رجسامه میسازد.

هنگامیکه از بهرژواری طی بهانه متحد موقت جنبش آزاد پیش سخن میگویم، درصن حال نباید خلعت بد گانه آرن نیز که در تمام جنبش های انقلابی پیوسته بروز کرده است، از نظر د ورد آرم. عواطفی که ذکر شد خلعت ضد امپالمستی و ضد قنود ال بهرژواری طی را تعیین میکنند و آنرا به مبارزه علیه نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی سوق مید هد. ولی بهرژواری طی د آرای خاصه نسوری د پگزیر میوهست که جنبه سازشکارانه و منززل آن را نشان مید هد. اولاً، خصائص عامی که ذاتی تمام بهرژواری است یعنی ترس از سر نوشت مالکیت خود و عطف سود جویی، ثانیاً، خصائصی که از مشخصات بهرژواری طی است یعنی ضعف آن در برابر سرمایه خارجی، وجود پیوند های عمیق با قنود المسم و امپالمستی، ترس از نفع جنبش که میتواند به مالکیت و سیطره بهرژواری طی لطمه زند و قدرت حاکمه را به برولتان منتقل سازد.

جنبش بود شرح مختصری در باره نیروهای محرکه جنبش آزاد پیش طی در ایران. ولی برای حصد گوی در دست در حواد ت و تجزیه و تحلیل صحیح آنها، د انستن خصوصیات این نیرو ها کافی نیست. آگاهی بچگونگی آرایش این نیروها د هر یک از لحظات مبارزه د آرای اهمیت زیادی است،

زیر آرایش نیروها بر حسب مجموعه ای از عوامل داخلی و خارجی میتواند د دستخوش تغییرات قابل ملاحظه کرد د. مثلا در آرایش نیروهای اجتماعی ایران در سالهای جنگ و پس از آن تغییراتی حاصل شد، بد بین معنا که تمايلات این پالآن فقر و حتی طبقات اجتماعی دستخوش تحول گرد بد و تمام آنها در جنبش آزاد پیش طی تغییر نمود. وضع اقتصادی کشور و روابط اقتصادی خارجی آن مشأ این تغییرات بود. مثلا، در زمان جنگ، تولید داخلی کشور توسعه یافت. جنگ برای بد پی صد و سرمایه را بسره کشورهای مستعمره و وابسته متوقف ساخت. صد و کالا نیز به این کشورها، از جمله به ایران، قطع شد. کشورها بیست با کالا های تولید داخلی حواج خود را بر طرف سازد. درصن حال صنایع کشور بسره صنایع نظامی و صنایع سفارشیهای فراوان برای تولید کالا های مورد نیاز متوقف د رفایت میگرد. حواج بازار داخلی نیز افزایش یافت. عده زیادی از دهقانان روستاها ارتک گرفتند و در موسسات حمل و نقل متفقین و سایر موسساتی که برای متفقین و با بازار داخلی کار میگرد ند، به مزد روبرو شدند. این دهقانان صرف کنندگان جد بد کالاهای صنعتی را تشکیل مید اد ند. بد پیمان تقریباً ون آنکه ظرفیت موسسات افزایش باید، تقاضا با لافرت. این امر باعث شد که بهرژواری برای تصرف بازار داخلی فعالیت کند. صنایع پیشه وری نیز رونق و توسعه یافت.

ولی حتی بسره برد آری کامل از تمام ظرفیت صنایع ماشینی بد ست نمیتوانست جوابگوی تقاضای روز افزون بازار باشد. این امر باعث افزایش شد بد قیمت کالاهای صنعتی و البته میزان وصول صاحبان صنایع گرد بد. برای روشنی بهختر جدول تغییرات شاخص قیمت ها را از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۲۸ می آورم (۱)

سال	شاخص کل	خورد	کرایه منزل	سخت و روشنائی	لباس	متفرقه
۱۳۱۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۱۵	۱۲۱	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۲	۱۲۱	۱۳۱
۱۳۱۶	۱۳۳	۱۲۸	۱۴۷	۱۲۶	۱۳۰	۱۶۸
۱۳۱۸	۱۶۲	۱۵۲	۱۹۴	۱۳۸	۱۶۸	۲۱۲
۱۳۱۹	۲۴۳	۲۵۲	۲۱۸	۱۸۵	۲۵۵	۲۷۱
۱۳۲۰	۴۷۶	۵۲۲	۳۶۰	۳۴۴	۵۰۰	۴۴۹
۱۳۲۱	۱۰۰۳	۱۰۸۱	۷۲۴	۷۶۹	۱۱۱۲	۹۲۴
۱۳۲۲	۱۰۳۰	۱۰۲۹	۹۷۲	۶۵۳	۱۲۹۵	۹۸۹
۱۳۲۳	۸۸۲	۷۶۸	۱۱۱۱	۵۸۴	۹۶۶	۹۵۰
۱۳۲۴	۷۸۰	۷۷۹	۱۰۳۴	۵۰۰	۷۵۱	۸۳۱
۱۳۲۵	۸۳۲	۸۱۸	۱۱۶۲	۴۹۱	۸۲۶	۸۹۱
۱۳۲۶	۹۶۵	۹۴۰	۱۳۲۸	۴۹۲	۸۱۹	۱۰۲۶
۱۳۲۷	۹۶۶	۱۵۵۸	۱۵۴۴	۸۵۵	۷۲۱	۱۰۸۳
۱۳۲۹	۷۸۴	۷۴۲	۱۵۷۲	۳۶۸	۵۹۱	۸۶۰

این جدول نه فقط تغییرات قیمت ها بلکه خصوصیات آرن نیز بد پی نشان مید هد. تا پایان جنگ قیمت ها پیوسته افزایش می یابد. قیمت کالاهای صنعتی مانند لباس تقریباً ۱۳ بار بالا می رود. پیشه

وران یکسبه افکنده از این راه به درآمد شان افزوده میشد، انگیزه ای برای مبارزه علیه امپریالیسم و کمپرا-دوره انداخته، زیرا موفقیتشرا اقتصادی آنان را محسوس نمیکردند. سرمایه در ایران به حساب فساد رت زحمتکشان سودهای هنگفت بدست می آوردند و موجبات انزجار و تنفر آنان را فراهم می آوردند. انسان نافعهاستند حتی سهم کوچکی از این سودها را برای افزایش دستمزدها بکارگران بکار برند. کارگران ناگفته بودند از راه مبارزه پیگیری سرمایه در ایران راه افزایش چرتی دستمزدها وادارند. این امر تضاد میان سرمایه و کارگر در رجه اول قرار می داد. در این شرایط ایجاد جبهه واحد مبارزه علیه امپریالیسم که بهرژواری ملی باید یکی از شرکت کنندگان در این جبهه باشد، کاری بود بسی دشوار. باین ترتیب بخشی از نیروهای محرق جنبش ضد امپریالیسم و ضد نفوذ آلی نه فقط از این جنبش حذف میشد، بلکه تا حدی در معنی در نقطه مقابل این نیروها قرار میگرفت.

پس از جنگ با منظره دیگری رو برو میشویم. چنانکه ارقام جدول نشان میدهد قیمت کالاها سی صنعتی پس از جنگ در اتماکاهش می یابد و در سال ۱۳۲۸ به رقم برابر ۵۰٪ قیمت سال ۱۳۲۲ میرسد. از طرفی تنزل بهای کالاها ی خوراکی کند تر انجام میگردد. کرایه خانه که یکی از اقلام اساسی بود جبهه زحمتکشان را تشنگین میدهد، بدون وقفه افزایش می یابد. بنابراین حتی در صورت پلانتهیرمانند نسایر شرایط همین افزایش کرایه خانه پشمانی میتوانست قدرت خرید زحمتکشان را پائین آورد و بازارد داخلی را محدود سازد. در این حال، بازار داخلی بطور کلی از انحصار سرمایه در ایران طلی خارج میگردد پسند. زیرا هجوم کالاها ی خارجی آغاز شده بود. تشکیل بازار سوسیالیستی نیز رشد صنایع در برخی کشورهای مستعمره و وابسته بازار سرمایه در آری را بهرژوان زیاد محدود کرد. و باین جهت کشورهای مسده سرمایه در آری برای صدور کالا به کشورهای نظیر ایران توجه خاصی داشتند. کالیمت گفته شد که مطابق آمار رسمی، صادرات ایالات متحده آمریکا به ایران در سال ۱۳۲۵ بیش از ۹ برابر صادرات آن در زمان جنگ بود. به آنچه گفته شد باید مسئله بهکاری رانیز بهرژوانم. در نتیجه کاهش امور ساختن و حمل و نقل متعلقین بهکاری بلافاصله سراسر کشور را فراگرفت. بدین ترتیب مالیهای پس از جنگ حاکم برکرد اقتصاد-دی کمپورسرخ اقتصادی امپریالیسم (بهرژو امپریالیسم آمریکا) و بهکاری و قورگرتسگی بود.

کامل روشن است که تغییرات پس از جنگ ناگهانی انجام نگرفت. باین جهت زمان این تغییرات رانه سالهای اول پس از جنگ و بلکه اول سال ۱۳۲۶ و اوایل ۱۳۲۷ باید دانست.

وضع کشور در این سالها اضطراب آور بود. سرمایه های ملی انباشت شده عرصه ای برای فعالیت نداشتند. لذا امیالیست جریان رنج آور انتقال سرمایه ها انجام گیرد. برای کالاها ی داخلی بازار فروش وجود نداشت. آنها رانه انباشته شده بودند. موسسات پایسته شدند و با باظرفیت کامل کار نمیگرددند. کتو از کالاها ی خارجی بررشد بود. مهاجران روستائی کار بدست نمی آوردند. حتی حرفه ای مانند در کشیکه رانی که هزاران نفر از قبل آن امر را معاش میکردند، در نتیجه روید تاکسی های سبک و ایزان آمریکا در رتنگن افرا رگرفته بود.

یکی و نماند که مجلس در دستفرانی خود ضمن شرح وضع تهدید آمیز حاکم بر کشور چنین گفت: اقتصاد کشور کشتی سکانی را با ظرفی آورد که معلوم نیست چه کسی آنرا هدایت میکند چه کجا میراند. در نتیجه این هرچ چیز صادرات ما اکنون به ۱۰ میلیون لیره واردات ما به ۴۰ میلیون لیره رسیده است. (۱) روزنامه های ایران در از زمان پرازا اخباری بود که در باره بحران صنایع، گرسنگی، بهکاری، فقر ریز افزون و فلاکت مردم نقری یافت. مثلا روزنامه "داد" بهانات فرور، بد برصا بل بانک صنعتی ایران را منتقرا ساخت که در آن گفته میشد که بحران تمام رشته های صنایع را تهدید میکند و تا نیمه ماه ۳۸ کارخانه های اصفهان، کارخانه بزرگ "خوردید" در کرمان و کارخانه "بوستان" در تبریز تعطیل

(۱) گزارش ط اکرآت مجلس، جلسه ۴، تیرماه ۱۳۲۸

شده اند. طبق اطلاع روزنامه "باخترامیز" در فروردین سال ۱۳۲۸ کارخانه بلورسازی نیکوتر تعطیل شد و در نتیجه آن تقریباً ۲۰۰۰ کارگر کار خود را از دست دادند. این روزنامه در مرصقاله خود نوشت: در سراسر آذربایجان گرسنگی حکمفرماست و در استانهای گندم خیز خراسان و سیستان مردم با ساطف سد جوع میکنند.

در بسیاری از نواحی کشور مردم گرسنه دست به تظاهرات میزدند، کارگران اعتصاب میکردند و بهبودی ابط کار میزدند. خود را باطله میخواندند. روزنامه "گهبان" از صبیان فصلی خودگان مرافعه خبر داد که برای آرام کردن آن از تبریز نیروهای نظامی و ژاندارم اعزام کرد بد (۱). از سایر شهرهای آذربایجان و کرگان و مازندران و قزوین و قم و بوشهر و غیره نیز اخباری در باره این قیام تظاهرات انتقاری یافت.

چنین بود وضع کشور در آستانه سال ۱۳۲۷. کاملاً روشن است که در چنین اوضاع و احوال آن نیروهای هم که در رسالهای بیگ بملت منافع اقتصادی خود از صرکه برکنار بودند، وارد میدان مبارزاً سیاسی میشدند. بهرژواری ملی و بخصوص خرده بهرژواری شهرته فقط از منافع خود محروم شده بود، بلکه باورشکستگی روبرو بود. حمایت از صنایع کشور در برابر رقابت خارجی نه فقط به شعار بهرژواری، به شمار برندان یا نیز که در نتیجه تعطیل کارخانه های کوچک ها رخنه میشدند، محدود بل گردید.

حال در یکرومضگیری طبقات بیشتر روشن میشد. تضاد داخلی میان زحمتکشان و بهرژواری ملی در نتیجه تشدید تضاد آنها با امپریالیسم که دشمن عدده خارجی بود و نیز تشدید تضاد با مالکان بزرگ و کمپرادورها که نیروهای ضد و نیکه گاه اصلی ارتجاع داخلی بودند، تخلیف می یافت. طبقه کارگر بهی از این قیامانتر میشد. ارتش بیگاران به صفوف مبارزه کارگران می پیوستند.

آمالدی دهقانان نیز که ثمرات مبارزه را چشیده بودند برای نبرد بیشتر میشد.

بد بنمان برای جنبش آزاد بیخش ملی در مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی امکانات وسیعی بد پد آمده بود. کامیابهای کشورهای سوسیالیستی تاثیر میدزا و الهام بخش داشت. بهرژوایی نیروهای انقلابی چین نیز تاثیر بسجی کتند و باقی میگذاشت. در نتیجه تمام این عوامل کتشی بسوی نیروهای تریخوفا و بطور عدده حزب توده ایران افزایش می یافت، آنچه نیکه بخصوص ارتجاع را نگران می ساخت.

ناراضی مردم نه فقط بصورت گرایش بسوی جنبش با اقدامات خود بخودی و عصیان منتظساهر میشد، بلکه بصورت تلاش های نوپدانه تهر انفرادی نیز بروز میکرد. در سالهای پس از جنگ تا زمان سرکاردن دولت صدری که نمایندگه نیروهای آریوسون بهرژواری ملی بود، اقدامات تهری فراوانی انجام گرفت که در نتیجه آن عدده ای از رجال سیاسی قتل رسیدند. اکثر این تهریست ها از صبیان خرده بهرژواری بر فراسته و کسان می بودند که امید خود را به بهرژواری مبارزه مشکل از دست داده بودند. سو" ضد طبقه شاه در سپمن ۱۳۲۷ یکی از این اقدامات تهریستی بود که ارتجاع برای سرکسوپ مبارزه مشکلی که در آن شرایط میتوانست توده های وسیع مردم را برای احقاق حقوق خود بحرکت درآور از آن استفاده ننمود.

۲- جریان محاکمه حزب توده ایران

ارتجاع ایران طلی هفت و اندی سال عمر حزب توده ایران همواره از هیچ اقدام برای خنثی کردن فعالیت آن خود دری نکرده بود. شیوه عمل ارتجاع همیشه یکسان نبود. در اوایل به نوطه و تهر کتانی

(۱) روزنامه "گهبان"، ۲ تیر ۱۳۲۸

جد اگانه اکتفا می‌شد و کار به تعرض فرجه جانیه نمی‌گشت. فعالیت حزب در دوران جنگ بطور عمده و طبیعی تبلیغات فاشیستی منوجه بود. این تبلیغات با استفاده از شرایط تاریخی جنگ جهانی اول در میان برخی قشرهای ریشه دوانده بود.

دراواخر جنگ بافتند بد ارتجاع و بسط تحریکات امپریالیستی مبارزه حزب پتانژ بر حصلت تمرینس آشکارا طبع امیرالمجم بخود میگرفت، شیوه های مبارزه نیز باقتضای شیوهی حزب تغییر یافت. پس از سرکوب جنبش آذربایجان و کردستان تکیه دولت بیشتر به شیوه های فاشیستی و انفجار حزب از داخل منوجه بود. ولی چنانکه دیدیم دولت در این کار موفق نشد و نفوذ و اجبار حزب افزایش یافت. حزب اکنون به نیروی بدل شده بود که ارتجاع را سخت بوحشت می‌انداخت. دکتر آقا و وزیر فرهنگ وقت دو ماه پس از سو" قصد طبع شاه در پاسخ و کتر بقائی در مجلس چنین اعتراف نمود:

" پس از طایع آذربایجان امضا" حزب توده شکست سختی خوردند. آنان به خانه - های خود رفتند تا وضع را بررسی کنند بعد سیاست خود را تغییر دادند و توجه خود را به روشنفکران معطوف داشتند و به وزارت فرهنگ رسوخ کردند. پس از مدت تمام مد ارس از دستمان گرفته تاد انگشاه نیز نفوذ آنان قرار گرفت و توده های هلوچوانسان بی تجربه را از راه بدر بردند. کار حزب توده ایران بجائی کشید که بود که از جهیب و کیف مصححین بجای جزیره درس، برنامه حزب و مطبوعات منوجه بیرون می‌آمد. (۱)

با پنجبخت شکست آوری نیست که ارتجاع با استفاده از سو" قصد طبع شاه تصمیم گرفت که بانجام قوا به حزب توده ایران حمله کند درین حال به تعرض خود علیه نیروهای ترقیخواه جنبه "قانونی" بدهد. سو" قصد در روزی انجام گرفت که حزب مراسم یاد بود شهید آ" راه آزادی را برگزار می‌نمود. اسپن مراسم که همه ساله در روز ۱۴ بهمن برگزار می‌شد، بحالت تعطیل صومی در ۱۵ بهمن برگزار شد. در تهران و شهرستانها میتینگ های تشکیل شد. این میتینگ در تهران طبق معمول در نیمه دوم روز برگزار شد. در روزهای مبارزه راه آزادی طبق کارگزاران که در زندان بسلامت رسیده بود در امزاده عبدالله برگزار کرد پس سو" قصد بشاه در سامه " برخورد پیوسته با پنجبخت رهبری حزب و قسمت اعظم فعالیتها آن که نیمه دوم روز در امزاده عبدالله بسر برده بود لده لفظ پس از آنجا گفت که شهر از وقوع این حادثه باخبر شد و در فرست برای اقدامات احتیاطی ند اشتند و اینگونه اقدامات راهم ضروری نمیداشتند. زیرا حزب در حالتی در این حادثه نداشت. لذا در نتیجه پورش ناگهانی پاپس قسمت اعظم فعالین و ۹ نفر از ۱۹ نفر هو کتبه مرکزی حزب بازداشت شد.

دولت برای اینکه به اقدام خود علیه حزب توده ایران بنحوی جنبه " قانونی " بدهد تصمیم - نامه ای در اثر به عرفانوش شناختن حزب توده صادر کرد و این موضوع را به اطلاع مجلس رساند. بدون آنکه حتی جنبه تشریفاتی امر را برای صورت قانونی دادن به عمل خود رعایت نماید.

مادام که همه این سرودها آهانی بود به سو" قصد به شاه بود، طبیعی است که تعقیب و محاکمه هم میبایست منوجه کسانی باشد که مستقیما در این عمل شرکت داشته اند. ولی محاکمه هتکاران سو" قصد کننده و آندانی که بی رازحمت اسلحه تامین کرده بودند، جنبه فرعی بخود گرفت و کار با محاکمه رهبران امضا" حزب توده ایران آغاز کرد بد. بملوه رهبران امضا" حزب بصوجب مواد قانونی دیگری (طبق قانون ضد کمونیستی ۱۰ خرداد ۱۳۱۰) بیه اتهام " ضد پت با سلطنت خطرناک " و داشتن " سرگرم اشتراکی " محاکمه شدند. و این کارلا قابل درک بود، زیرا برای ارتجاع مهم این بود که با استفاده از

(۱) روزنامه "اطلاعات"، شماره ۶۹۱۷، اردیبهشت ۱۳۲۸

فرست، به پیگترین مبارزان راه آزادی ملی راسکوب کند. ارتجاع به تجربه دریافته بود که فقط کمیست ها میتوانند چنین مبارزاتی باشند.

در باره صادره اموال حزب و سازمانهایش که مشمول قانون ضد کمونیستی شدند، ماده واحد - ای نیز بتصوب مجلس رسانده شد. در طبقه این قانون گفته میشود که هدف این قانون تعیین تکلیف اموال حزب منوجه توده و سایر احزاب و سازمانهای مشابهی است که بنحوی از آنها " مشمول مواد او آ و ۳ قانون خرد اد ماه ۱۳۱۰ میشوند و طبق اصل ۲۱ متم قانون اساسی (۱) بوسیله دولت منحل اعلام میگردد و بهای باید تعطیل شوند. و چوهی که از فروش این اموال بدست می‌آید و یا خود اموال صادره شده برای تامین هزینه آموزش ابتدا افرایگان مورد استفاده قرار خواهد گرفت (۲).

منوجه کردن فعالیت حزب توده ایران با پیگرد وحشانه اعضا" آن و تمام کسانی که به عضویت در این حزب ملظنون بودند همراه گرد بد. ابتدا در تهران (پله روز پس از سو" قصد) و سپس در شهرست ها حکومت نظامی اعلام شد. جستجو و بازداشت در سراسر کشور آغاز گرد بد. روزنامه "داد" در اسفند ۱۳۲۷ خبر بازداشت درحد بد ۲۳۰ نفر از اعضا" رهبری و فعالین حزب توده ایران را انتشار داد. این روزنامه نوشت که همراه با تعقیب رهبران حزب که اکثرا شهرت و محبوبیت فراوان دارند، الحراج افراد دارای افکار مترقی از بد ارس و مقامات فرهنگی انجام میگردد.

در کارخانه ها کارگاهها تعقیب و بازداشت دسته جمعی انجام میگرفت. در سراسر کشور دادگاه - های نظامی تشکیل شد که بطور عمده به محاکمه رهبران و فعالین حزب توده ایران میپرداختند. در بار برای تشکیل دادگاههای نظامی برای خود انگیزه ای داشت: تحمیل رای به دادگاههای عادی، با بودن قضاتی که حاضر نبودند زیر بار تحمیل برونه، کار دشواری بود، تشریفات اداری در دادگاهها عادی میبایست مانع اجرای نقشه دولت گردد، زیرا طبق قانون برای محاکمات سیاسی حضور هیئت منصفه ضروری بود. بملوه نقض قوانین چنان آشکار بود که فقط از طریق دادگاههای گوش فرمان نظامی انجام آن ممکن بود. مثلا طبق قانون، تشکیل دادگاههای نظامی فقط پس از اعلام حکومت نظامی میبایست انجام گیرد و این دادگاهها فقط میتوانستند به جرائع رسیدگی کنند که در زمان حکومت نظامی انجام گرفته است. ولی در اینجا رسیدگی به آن امری به دادگاههای نظامی ارجاع میگردد بد که پیش از اعلام حکومت نظامی بطرح پیوسته بود بد. از آنجا که هیچگونه مدرکی در مورد شرکت حزب در سو" قصد نسبت بشاه وجود نداشت، این محاکم مجبور بود بد به فعالیت گذشته حزب رسیدگی کنند و حال آنکه حزب ملی تمام بدت فعالیت خود قانونی و طبق بود بد. در مجلس وکیل و در دولت وزیر داشت.

مشهین و وکلای آنان هنگام اعتراض به صلاحیت دادگاه تمام این قانونی شکنی هارا متذکر شد و در مقابل این اعتراضات دادستان مجبور بود به بهانه های مضحکی متوسل شود. چنانکه دادستان در پاسخ به اعتراض یکی از وکلای مدافع در باره چگونگی رسیدگی به پیونده و زیر سابق اعلام داشت که دادگاه به کارهای رسیدگی میکند که منجم قبل از اشتغال به وزارت و پاپس از آن مرکب شده و " آن قسمت که وزیر بود و اند، بجای خود بماند. " (۳)

بحالت کثرت عدده ضمیمه دادگاههای متعدد دی برای رسیدگی به کارهای منجم تشکیل گرد بد که هر یک شماره خاصی داشت. روزنامه های تهران، بخصوص روزنامه نیمه رسمی "اطلاعات" برای انتشار

(۱) در این اصل متم قانونی اساسی از جمله گفته میشود: " انجمن ها و اجتماعاتی که مولد فتنه و بنسی و دنیوی و منحل نظام نباشند، در تمام مملکت آزاد است. " (۲) روزنامه "اطلاعات"، شماره ۶۹۳۵، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۸ (۳) جزوه " پله دادگاه تاریخی"، از نشریات حزب توده ایران، ۱۳۲۸، صفحه ۱۰

جهان دادگاه ستونهای صحنه اختصاص داده بودند. اخبار واصله از شهرستانها نیز در باره صبح پیکر و بازداشتها در روزنامه ها منتشر میشد.

شبهین به گروههای مختلف تقسیم شده بودند: گروه رهبران، گروههای متعدد دفاعالسنه و نویسندگان مقالات در مطبوعات حزبی، پخش کنندگان اعلامیه ها و غیره. با استفاده از موقع بارزنامه نگاران روحانی هم که هیچگونه دخالتی در کار حزب نود. ایران نداشته و مخالفتهایی با دربار و دولت کرد. بودند نیز تصفیه حساب میشد.

افرادى که پاهیس به بازداشت آنها موفق نشده بود توسط مطبوعات احضار میشدند تا در صورت عدم حضور بتوان آنها را غیاب محاکمه نمود. چنانکه عد. ای باین ترتیب محاکمه و محکوم شد. عد. محاکمات و اقدامات وسیعی که در سراسر کشور علیه حزب نود. ایران انجام میگرفت، آزمایش جدی برای این حزب جوان بود. در اینجا میبایست درجه آید بدگی حزب و وفاداری اعضا. آن به آزمایشی که در راه آنها مبارزه میکردند، به ثبوت رسد. حزب و اعضا. آن از این آزمایش سبقت بیرون آمدند. تفرهاد رهمه جانینکت شبهین به نیروی محاکمه هیئت حاکمه بدل شد. در جزوه "پک دادگاه تاریخ" که یکسال پس از این محاکمات از طرف حزب نود. ایران نشایفت، در این باره چنین میخوانیم:

" در تهران، مشهد، اصفهان، کرمانشاه، رشت، شیراز، مازندران، مغزستان محاکم نظامی متعدد در برآشد و در آنرا هزاران حزب مادر چنین محیط وحشت - زای برهنکت آنها نمشتند، ولی درهمه جا، چه در تهران و چه در شهرستان ها، آنها بر رژیم تور غلبه کردند و در هر جا که کترین راهی یافتند از فرصت استفاده نمود. حقانیت حزب نود. ایران را با صد ای بلند اعلام داشتند." (۱)

میان تمام محاکمات، محاکمه با اصطلاح گروه اول سران حزب نود. ایران مقام خاصی داشت. این محاکمه که از ۱۲ اسفند ۱۳۲۷ آغاز شد، حادثه سیاسی بسیار مهمی بود. این گروه شبهین نه فقط عد. ای از رهبران راد بر میگرفت، بلکه از لحاظ ترکیب خود نیز جالب توجه بود. در این دادگاه در کنار سرگل روشنگران ایران (دانشندان و استادان دانشگاه تهران) کارگران نشسته بودند که دفاع جنبش آنان را به مقام رهبری حزب ارتقا داد. این محاکمه از این لحاظ نیز قابل توجه بود که دفاع از شبهین را ۲۰ تن از برجسته ترین وکلای مدافع تهران و از جمله صد نفر از نمایندگان مجلس (قبادیان، شهامت زاده و رحمانیان) داوطلبانه بعهده گرفته بودند. عد. ای از این وکلادرجهان حوادث آتی بشایه آید لیونگ های بخش شرقی بوزاری ملی شهرت بدست آوردند و به نمایندگی کسی مجلس انتخاب شدند. این وکلان فقط دفاع از رهبران حزب نود. ایران را داوطلبانه بعهده گرفتند بلکه از شهید به های پلیسی نیز بهره اید و آنرا در دادگاه افشا کردند. چنانکه در کتابگان، یکی از وکلای مدافع در این باره گفت:

" بعضی ها بمن میگویند بهتر است کنار بروی، بعضی هم استدلال میکنند که چون کاری از پیش نمیرود، ممکن است دفاع مانعچه خوشی نداشته باشد، باید کنار گیری کرد. کسی که این استدلال را بید برد شاید از نظر شخصی خیالش درست باشد، ولی از نظر اجتماعی به مملکت خیانت کرده است." (۲)

شهید زاده، وکلای مدافع در گزارشها داشت:

(۱) جزوه "پک دادگاه تاریخی"، از نشریات حزب نود. ایران، ۱۳۲۸، صفحه ۴
(۲) همانجا، صفحه ۱۳

" در روزهای اولی که ادعایه تنظیم شده بود و هنوز این شدت و وحشت نبود... یکی از آقایان خارج من باب نصیحت بدراته بمن گفت که این کار خوب نیست، به صلاح تو نیست، ممکن است این مدالعه برای تو و همقطارهایت اسباب زحمت شود. این شرط حزم و احتیاط بود و روانه بشی نیست. من به او گفتم ما متوجه جمیع این شرایط هستیم ولی مطلب اینست که ما وظیفه ای داریم." (۱)

ایشانکات کاملاً مهمی هستند که تجزیه و تحلیل ماراد در بخش قبلی در باره روحیات و تمایلات روشنگران و بوزاری ملی که در این زمان آماده مبارزه بودند، به ثبوت میرساند. بخش راد یکسال بوزاری ملی ایران در رجستجوی نیروی مقدر و متشکلی که بتوان به آن تکیه نمود، در مراحل اولیه توجه خود را به حزب نود. ایران معطوف داشته بود. باید خاطر نشان سازیم که بوزاری ملی و بخصوص جناح راد یکسال آن زمانیکه به مبارزه در راه منافع خود روی می آورد و این مبارزه بوزاری سهل و آسانسی را وعده نمیداد، هنوز ناپیگیری وی در همکاری با جنبش انقلابی آشکار نیست. در چنین شرایطی برای بوزاری ملی میتوانست چنین تصویری پدید آید که با حزب طبقه کارگر صمیمانه همکاری کند و حتی ممکن است بوزاریهای این حزب را مورد تحسین قرار دهد. تحسین و تسجیدی که برخی از وکلای مدافع از سالینت حزب و رهبری آن بعمل می آوردند از همین جاناتاشی میشد. مثلا قبادیان، یکی از وکلای مدافع خطاب بد شبهین گفت:

" من واقعا بشما تبریک میگویم که واقعا آنچه گفته اید، عمل کرده اید. من پک نفس ایرانی، میبستم کسی که هر چه گفته عمل کرد، شما بودید." (۲)

نهایتی، وکلای دگر اظهار داشت:

" من برای این مردان که شمارشان در زندگی بسوی فتح مارگ است، استرحام نمیکتم، زیرا گناهی مرتکب نشده اند. اینها نمیترسند، از مرگ بزدان هم بیخسی ندانند. بالاخره هم مملکت باید بدست اینها اصلاح شود. همینطور هم خواهد شد." (۳)

از جمله اتهامات دادستان این بود که گویا اعضا. حزب با مقامات خارجی در ارتباط بوده اند. اتهام تند اولی نسبت به همه کمیونتهای سراسر جهان، رضاطلی، وکلای مدافع شبهین پس از راد این اتهامات گفت:

" شما باید عد. اشخاص اید. آل که بمنظور خدمت به مملکت بانو هیچ مرام خود میخواستند به بد بختها خاتمه دهند و مملکت را بسوی آزادی و دموکراسی سوق دهند، سرکار اید... چگونه میتوان چنین اتهاماتی را به کسانی وارد کرد که زندگی خود را فدای مین خویش میکنند و خون خود را در این راه صهریزند." (۴)

آن نمایندگان بوزاری ملی که چنین سخن میگفتند، شاید پیش بینی نمیکردند که در زمستان اوچ جنبه مجبور خواهند شد موضع خود را تغییر دهند.

دولت میخواستند محاکمه راد در پشت درهای بسته انجام دهد. با آنکه رسماً اعلام شده بود که

- (۱) جزوه "پک دادگاه تاریخی"، از نشریات حزب نود. ایران، ۱۳۲۸، صفحه ۱۶
- (۲) همانجا، صفحه ۲۲
- (۳) همانجا، صفحه ۲۲
- (۴) همانجا، صفحه ۱۰

محاکمه اعضا* حزب درد ادگاههای پلنی اجرا خواهد شد، د ادگاهها در واقع در بسته بود ند و تنهسا برخی از بد یران جرائد ارتجاعی وصال پلیمی و رکن دوم ستاد ارتش به د ادگاهها راه داشتند. بحلاوه مقامات دولتی میگویند ند سرته محاکمات را هرچه زود تر بهم آوردند و به متهمین امکان ند دهند تا بسا پرونده ه کاملا آشنا شوند و از خود دفاع نمایند.

ولی آبن نقشه برهم خورد و در باره این محاکمات کارزار وسیعی بعمل آمد: نامه های به مجلس ارسال گرد بد ، متهمین به سازمان ملل متحد مراجعه کرده ه اعلام داشتند که بازداشت آنان بی معنائی نفس اعلامیه حقوق بشر است. سازمانهای د مکرانک جهان نظیر اتحادیه بین المللی حقوقدانان بد کرات، فداسیون های جهانی د دانشجویان، جوانان و زنان و غیره به اعتراض برخاستند. اتحادیه بیسن - المللی حقوقدانان د مکران در نامه فصل. خود خواهان متوقف ساختن جریان محاکمه تاروید نمایندگان ن این سازمان شد.

بد بهی است ارتجاع نمیتوانست به چنین عقب نشینی هائی تن در دهد. ولی نقشه آن برای محاکمه برق آسا در پشت درهای بسته نیز تحقق نیافت. متهمین موفق شد ند برای دفاع از خود و آگاه ساختن توده های وسیع کشور فرصت لازم بدست آوردند. ضعف نسبی ارتجاع نیز به این امر کمک کرد. ارتجاع علیرغم صاعی خود برای پایان د اد ن به موجودیت حزب، هنوز خود را بحد کافی نیرومند نمید ند تا سیمای خود را کاملاً آشکار سازد و به شیوه های د دشمنانه و فاشیستی کنونی متوسل شود. علاوه بر تمام اینها ارتجاع هنوز برای مبارزه با احزاب انقلابی تجربه کافی ند داشت و د جبار این خیال واهن بود که متهمین در برابر خطری که آنان را تهدید بد میکند از خود ضعف نشان خواهند د اد و از مواضع اصولی خود عد ول خواهند کرد و بد نیشان حزب از لحاظ معنوی خلع سلاح خواهد شد.

ولی، چنین وضعی پیش نیامد. متهمین، بخصوص اعضا* رهبری حزب ، به آن مسئولیت تار بخشی که عهد به داشتند، واقف بود ند. حزب تا آن زمان از تمام آزمایشها سر بلند بیرون آمده و نشسان د اد ه بود که در صورتیکه زمام حکومت را بدست گیرد چه چیزی عاید مردم خواهد ساخت. مردم هنوز سخنان نمایندگان حزب توده ایران را در مجلس و فعالیت نمایندگان آنرا در ولت بخاطر د داشتند. د ر اینجا آزمایش د بگری در پیش بود: رفتار رهبران حزب در برابر خنجر چگونه خواهد بود، آسا آنان به منافع خلق وفادار خواهند ماند؟ پاسخ مثبت یا منفی به این سؤال برای سرنوشت حزب و سرنوشت تمام نهضت اهمیت قاطع د داشت. این پاسخ مثبت بود. متهمین اعلام کرد ند که از دفاع شخصی صرف نظر خواهند کرد و ه تن از اعضا* کمیته مرکزی به دفاع از مواضع عمومی حزب خواهند پرداخت. باین ترتیب مبارزه د بر راه مواضع اصولی حزب و منافع مردم به د اخل د یواری د ادگاه کشاند ه.

شد. در مراسم کشور نیست به جریان د ادگاه توجه و علاقه خاصی مید ول میشد. این د ادگاه نخستین د ادگاه در نوع خود بود. د ادگاه مشهور ۵۳ نفر که در زمان سلطنت رضاشاه جریان یافت، در پشت درهای بسته انجام گرفته بود. در آن زمان فقط ادعای نامه د اد ستان در معرض افکار عمومی گذاشته شد. در سال ۱۳۲۶ نیز خسرو روزبه ، سروان سابق ارتش (بعد ها عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران) را بخاطر عقاید مترقی و مبارزه او علیه شیوه های استبدادی د ر ارتش محاکمه نمود ند. در آن زمان دفاع جسرانه روزبه توجه تمام محافظ ترقیخواه کشورا بسوی خود جلب کرده بود، ولی این محاکمه در آن زمان بهایه یک محاکمه انفرادی تلقی میشد و در عین حال رابطه این محاکمه با حزب توده ایران برای عده ه زیادی هنوز روشن نبود.

ولی اکنون رهبران حزب بر نمکت متهمین نشسته بود ند. باینجهت مطالبی که در باره ایسن د ادگاه بتفصیل با اختصار در مطبوعات منعکس میشد، توجه عامه را بخود جلب میکرد. اهمیت ایسن د ادگاه نیز در همین بود که از طریق آن نثریاتی حزب توده ایران میتوانست در سترس توده مسرد م

فرارگری*

تعمیق حزب توده ه ایران و بطور کلی جنبش د مکرانک که پس از جنگ آغاز شد و بد نجه د امنه وسیع بخود گرفت، هدف مهم د داشت و آن عبارت بود از تجد ود کردن ند در جسی آزاد بهای د مکرانک و احیا رژیم استبدادی شیبه به رژیم که طی تقریباً ۲۰ سال بر کشور حاکم بود. ولی این کار در شرایط آزاد بهای موجود، ولو کاملاً ناممکن بود، در شرایط قدرتی که جنبش توده ای بدست می آورد و در شرایط تشکیکی که حزب توده ایران به این جنبش مید اد کاری د شوار بود. در عین حال در مقابل امپریالیسم و ارتجاع د اخلی سائلی قرار گرفته بود که میبایست به سود مشترک آنان حل نمود.

اعمال قهر صرف و غیر قانونی اعلام کردن حزب توده ایران نمیتوانست حل قطعی مسئله را برای ارتجاع تاهین کند. لذ فعالیت ابدی طولیک و آماد ه کردن افکار عمومی ضرورت داشت. باینجهت اهرم های تبلیغاتی دولت بکار افتاد. ابتدا اینجوی محتاطانه و سپس با وضوح بیشتر در باره محاسن رژیم بیست ساله رضاشاه، سیاست باصلاح ملی ضد امپریالیستی و اقدامات او در عرصه سیاست خارجی و لغو رژیم کاپیتولاسیون، تجد بد نظر د قرار داد اد امها را انگلستان و تد ابر او در اخل کشور نظیر احد آ راه آهن سراسری و غیره تبلیغات وسیع انجام میگرفت.

این تبلیغات در عین حال با تحریف واقعبیت های اتحاد شوروی و در موارد مهم، بسو پوه در مسئله جنبش آذربایجان با کارزار ضد شوروی همراه بود. این قبیل اقدامات از آنجهت نیز برای ارتجاع لازم بود که حماری که در عرض ۲۰ سال با کوشش تمام میان خلق های ایران و اتحاد شوروی کشیده شده بود، در حال فروپختن بود و مردم ایران بخش از پیش به ماهیت انقلابی اتحاد شوروی میبردند. وظیفه محافظ اجتماعی ترقیخواه و در درجه اول حزب توده ایران بود که این تبلیغات را افشا کنند و سیمای واقعی سلطنت بیست ساله رضاشاه و ماهیت ارتجاعی و وابستگی آنرا به امپریالیسم نشان د دهد. میبایست نشان د اد ه شود که الغا* رژیم کاپیتولاسیون در کشور نهاد رنجه سیاست خارجی رسیده شوروی امکان پذیر بود رژیم رضاشاه نه فقط بیکران الغا* نیست، بلکه برعکس از تمام امکاناتی که سیاست خسارچی صلحجویانه اتحاد شوروی برای اولین بار در مناسبات خارجی خود با کشورها اعم از بزرگ و کوچک، قوی و ضعیف، برهمنی تا سوی حقوق بوجود آورد، استفاده نمود و بسپاری از تد ابیرد اخلی و خارجی رژیم رضاشاه، که ظاهراً خصلت ملی داشت، صلا به نفع امپریالیسم انجام میگرفت. د کتر کپانوری، عضو هیئت اجرایشه کمیته مرکزی حزب توده ایران در لایحه دفاعی وسیع خود تمام جزئیات رژیم استبدادی بیست ساله رضاشاه را افشا* کرد و نقش امپریالیسم را د راست قرار د یکسانسری و تد بدیل ایران بهایگه د تجا ز وظیفه اتحاد شوروی نشان داد. کپانوری قرار داد اسارت آرمسال ۱۹۱۹ ایران و انگلستان را با قرار داد سال ۱۹۲۱ ایران و شوروی که برای ایران د ررهائی از اسارت امپریالیستی آزادی عمل کامل و امکان واقعی بوجود می آورد، مقایسه نمود (۱).

کپانوری سیاست امپریالیسم انگلستان را که پس از ناکامی در انعقاد قرار داد سال ۱۹۲۱ به مانور د بگری دست برد و سیاست خود را ابتدا بسویسه عامل خود سید ضیا* الدین و سپس از راه مرکز آرم دن رژیم استبدادی رضاشاه اجرا میکرد، بتفصیل تجزیه و تحلیل نمود. اوماهیت اقدامات نظیر تجد بد نظر د قرار داد با شرکت نفت، ایران و انگلیس (۱۳۱۲) و جنبه استراتژیک راه آهن سراسری ایران را کسه بمنظور رفع حوائج اقتصادی و نظامی انگلستان احدث شده بود، آشکار ساخت و گفت:

* اجرای این کارها یعنی تاهین نیابت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم انگلستان د ایران ایجاد مینماید یک حکومت د یکتاتوری بروی کارآید و کلیه مواضعی که در سراسر ا ه

(۱) جزوه* یک د ادگاه تارخی، از نشریات حزب توده ایران، ۱۳۲۸، صفحه ۲۲

اجرای تمایلات سیاسی انگلستان در ایران وجود داشت بوسیله این حکومت برطرف شود.
 ••• بزرگترین این موانع همان احساسات ملی و افکار مترقی و آزاد پخواهانه ای بود که در
 مهین پرستان ایران وجود داشت. •• این افکار و احساسات ملی بخصوص بر اثر پیدایش
 کشور شوروی و موقعیت حکومت شد استعماری آن کشور و نفوذ ممتدی بزرگی که این حکومت
 بدست آورده بود، ریز بوی تریشد* (۱)

کمانبری همچنین از جنبش آذربایجان به دفاع پرداخت و در باره خصلت خلقی آن به تفصیل
 سخن گفت. او خاطرنشان ساخت که در سال است مردم شاهد تلاش‌های هستند که از طرف ارتجاع
 برای بازگشت به وضع گذشته انجام میگردد، فقط با این تفاوت که شرایط کنونی کشور تحقق فوری این کار
 را میسر نمی‌سازد. کمانبری سپس گفت:

"ملت ایران ••• يك تحول عظیم در پیش دارد. این تحول عظیم بزودی خواهد رسید
 و هر قدر دستگاه حاکمه ما بر بهره انگلیس و سر نیزه و تانک آمریکائی تکیه کند و از آنها
 مدد بگیرد در جریان رسیدن این تحول عظیم تغییر محسوس رخ نخواهد داد." (۲)

پس از برکناری رضاشاه، جنبش سند پکائی در ایران در مدت نسبتاً کوتاه به نیروی بزرگی تبدیل
 شد. جریان های مترقی کارگری که در زمان واحدی برپه شورای متحد مرکزی گرد آمده بود، سند
 تغییرات تمام طبقه کارگر ایران را در مصوف خود متحد کرده بودند. این نیروی بود که ارتجاع اجبار میبایست
 بنحوی جدیدی بحساب آورد. بخصوص نهیفت متشکل کارگران شرکت نفت موجدات ناراحتی خیال هیئت
 حاکمه را فراهم میکرد. اعتراضهای سیاسی عموماً سالهای اخیر، سطح عالی آگاهی سیاسی کارگران و
 باید اری آنان را نه فقط در مبارزه و در راه تامين حقوق اقتصادی، بلکه در تامين حقوق سیاسی نیز
 نشان میداد.

اگر دولت توانسته بود طبقه حزب توده ایران، بنشانه يك حزب سیاسی، اتهامات دروغین و ولسی
 بهر حال سیاسی وارد سازد، در مورد اتحاد به ها کار در شوارتر بود. غنی و قانونی بودن اتحاد به ها بوسیله
 قانون کاری که خود دولت تنظیم کرده و بموقع اجرا گذارده بود، برصمیت شناخته شده بود. دولت
 میبایست برای غیر قانونی اعلام کردن اتحاد به های صنفی مترقی راه حل‌هایی پیدا کند و سرانجام چنین
 راهی را " پیدا کرد". دولت، شورای متحد مرکزی را شمشه ای از حزب توده و یا بقول دادستان "قوه
 مجریه" حزب اعلام کرد و بر این اساس شورای متحد مرکزی رانز مشمول قانون ضد کمونیستی ساخت.
 رهبران حزب میبایست این شمشه به بازی رانز افشا کنند و نقش اتحاد به ها و اهمیت آنرا برای طبقه
 کارگرنشان دهند.
 در کتچودت، عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، این وظیفه را در ادگاه بعهد
 گرفت. او گفت:

" آقای دادستان ••• قصد داشته اند که به پیروی از نظریات محافل امپالیستی که
 همیشه سعی کرده اند اتحاد به های کارگری را یکی از شعب و شاخه های احزاب مترقی
 قلمداد نمایند، شورای متحد مرکزی اتحاد به های کارگران و زحمتکشان ایران را یکی
 از شعب حزب توده ایران جلوه گزسانند." (۳)

(۱) جزوه "يك دادگاه تاریخی"، از نشریات حزب توده ایران، ۱۳۲۸، صفحه ۶۵
 (۲) همانجا، صفحه ۸۱
 (۳) همانجا، صفحه ۸۹ - ۹۰

ولی خود زندگی ناد رستی این ادعای نشان میدهد. در کتچودت در آید ادعای تاریخ پیدا پیش
 اتحاد به ها را در ایران و مبارزه آنها را در راه منافع حیاتی طبقه کارگر مختصر بیان داشت و گفت که حزب
 توده ایران از اتحاد به ها حمایت کرده و میکند. ولی این البته بدان معنا نیست که اتحاد به ها شمشه-
 ای از حزب طبقه کارگر را تشکیل میدهد.
 در کتچودت سپس به مسئله اعتصاب عموماً کارگران صنعت نفت در تابستان سال ۱۳۲۵ که داد-
 ستان در ادعای خود آنرا بنشانه خیانت به منافع مردم ایران ازبهای کرده بود، پرداخت و گفت:

" آقای دادستان در این قسمت مانند يك مدافع شتاب زده شرکت نفت انگلیس جلوه-
 گری نمود، برای حفظ منافع آن شمشه بروی کارگران و زحمتکشان ایران آخته و
 خط نقض بر روی بزرگترین ثروت ارضی ایران عزیز کشید. اندک بسیار جای تا سفسف
 است که هیئت حاکمه مابه آن درجه از تندی و استعمار پرستی رسیده است که در
 محکمه عالی نظامی دادستان جرات دفاع از بزرگترین عامل استعمار ایران را بیسند
 میکند." (۱)

در مبارزه ضد امپالیستی ریز افزون خلفای ایران مسئله شرکت نفت ایران و انگلیس اهمیت مبرم
 کسب کرده بود. افشا ماهیت این مؤسسه امپالیستی و پرده دری از سیاست دولت که مخواست بسا
 هیا هوئی که برآه انداخته بود، فعالیت شرکت نفت را قانونی جلوه دهد، مسئله ای بود که اهمیت جدی
 داشت. باینجهت این مسئله جزو مسائلی بود که متشبهی شرح آنرا در ادگاه ضروری استند. خود
 دادستان با ذکر مسئله اعتصاب کارگران شرکت نفت در ادعای خود، راه را برای این کار باز کرده بود.
 در کتچودت با استفاده از این موقعیت نقش استعماری شرکت نفت را تجزیه و تحلیل کرده وضع فقیرانه
 کارگران را در رؤسبات این شرکت نشان داد و چنین نتیجه گرفت که تمام این کدی که محاکمات از آنجهت
 برای امپالیسم لازم است تا شرایط اسارت آور تازه تری بسود شرکت نفت و سایر مؤسسات امپالیستی
 به مردم ایران تحمیل کنند.

بطوریکه گفته شد، رهبران و فعالین حزب توده ایران مطابق قانون ضد کمونیستی سال ۱۳۱۰
 محاکمه میشدند و دولت موفق نشد که ادعای خود را در باره شرکت آنان در سو قصد به ثبوت رساند.
 ولی با اینهمه دولت از این اتهام صرف نظر نکرد. باینجهت در ادعای میبایست این مسئله تمیز
 روشن گردد. در اینجهت مهم این نبود که عدم شرکت حزب توده در این ترور بر یا به واقعیات اثبات شود،
 بلکه مهم نشان دادن این واقعیت بود که حزب مارکسیستی طبقه کارگر نمیتواند مبارزه خود را بسر ترور
 یعنی سازد و ترور باشوری و لذا برآنکه حزب کارگری متکی بر جهان بینی مارکسیستی مغایرت دارد.
 شخصیت هارنخ را بوجود نمی آورد و سازنده آن نیستند. باینجهت حذف این یا آن فرد نمیتوانست
 مسیر تاریخ را تغییر دهد. برعکس، توسل به ترور در موارد بسیار میتواند به تشدید بیکر هارنخ سازها
 بلکه برای افکار عمومی حائز اهمیت فراوان بود. این مسئله نیز در ادعای وارد به حزب در مورد سو
 قصد محتوی دفاعیات عبدالحسین نوشین، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را تشکیل میداد.
 در کتچودت نیز که از دفاع شخصی صرفه نظر کرده بودند، در ادگاه شجاعت کامل از خود نشان
 دادند. صد حکمی، کمونیستوران سالخورده و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گفت:

" الان که بنیاد حضور شما آقایان ایستاد. ام آشکارا صد ای بچه های خود را میبشوم"

(۱) جزوه "يك دادگاه تاریخی"، از نشریات حزب توده ایران، ۱۳۲۸، صفحه ۹۱

همه فرهاد میکنند و میگویند: پدرجان برای خاطر ما از همه یکس ترجم قبول نکن، ما از تو بیکه تقاضا داریم و آن اینکه از دادگاه صدای ما را بگوش طلت ایران برسانی» (۱)

رفقار زمین و دفاع آنان درد دادگاه تاخیر خود را باقی گذاشت. با آنکه ستاد کلد دستور شد بدترین مجازات‌ها را برای زمین صادر کرد. بود، سرهنگ بزرگ امید یکی از قضات دادگاه، از اطمینان حکم محکومیت زمین امتناع ورزید و نظر خاص خود را نوشته بود که در آن گفته می‌شد، پس از استماع دفاهاست وکلای مدافع و آخرین دفاع زمین، اتهامات دادستان را بطلت فقد آن درج وارد ندانسته و زمین را تبرئه میکند.

با اینشبهه را دادگاه شد بد بود. دو نفر از زمین هم یک به ۱۰ سال، دو نفر به ۷ سال و سه نفر به ۵ سال و بقیه به سه سال و کمتر از آن به زندان افراد می محکوم شد.

حاکمه سایر گروههای زمین نیز بهمین نحو انجام گرفت. دادستان نظامی تهران اعلام کرد که ۱۹ تن از اعضا کمیته مرکزی و فعالین حزبی که طبق احضاریه خود را معرفی نکرده اند، غایب محاکمه خواهند شد. این تهدید به بروی کاغذ باقی نماند. چند روز بعد را می غایب دادگاه اعلام کرد. مطابق آن ۸ نفر از اعضا کمیته مرکزی حزب توده ایران و اعضا شورای متحد مرکزی که دستگیر نشده بودند، به اعدام و بقیه به ۱۰ سال پاکت محکوم شده بودند (۲).

ولی ارتجاع در محاسبه خود دچار اشتباه بود. از محاکمه حزب توده ایران نتایج مورد انتظار بدست نیامد. برخی، این دادگاه به وسیله ای برای آگاه کردن توده مردم به مسائل حاد مبارزه بود شد و ولاد اریصیق زمین راه آرمانهای خلق نشان داد. این محاکمه به بالا رفتن اعتبار و نفوذ حزب و گرایش بیشتر تمام عناصر ترقیخواه بسوی آن کمک کرد، امری که بعد ها بنحوی بارز برای ارتجاع نمود آرگردید.

۳- لفظ امامت ضد مکرانیک و ضد خلقی ارتجاع

همزمان با پیگردن ها و محاکمات طبع حزب توده ایران یک سلسله اقدامات ضد مکرانیک و ضد خلقی در پیگزین انجام میگرفت.

حوادثی که موجب کناره گیری رضاشاه از سلطنت شد، برخی آزاد پهای پیش بینی شده در قانون اساسی را، که سالها از مردم سلب شده بود، به آنان بازگرداند. ولی هنوز قشرهای فوقانی فئودال و کهراد و روحکوت را در دست داشتند، فقط با این تفاوت که آزاد پهای نیم بندی که مردم بدست آورده بودند، به این قشرها برای اقدامات ضد خلقی میدادند.

جنبش وسیع اجتماعی و سیاسی در کشور نشان داد که حتی در شرایط آزاد پهای ناقص نیز این جنبش میتواند تا حد خطرناکی برای طبقات حاکمه گسترش یابد. با اینجهت طبقات حاکمه همزمان با نقشه های سرکوب قهرآمیز جنبش و احیای دیکتاتوری خود، از طریق تصویب قوانین محدودکننده و تجدید نظر در برخی مواد مهم قانون اساسی به محدود کردن آزاد پهای پیش بینی شده در قسانون اساسی نیز پرداختند. اینکه تا آن زمان فقط مجلس شورامشا قانونگذاری بود برای طبقات حاکمه برخی ناراحتیها فراهم میکرد پیوسته موجب اضطراب آنان میشد. مثلا ارتجاع نقشی را که فراکسیون حزب توده ایران در مجلس داشت پیوسته بخاطر داشت. البته با تقبل در انتخابات که همیشه به آن عمل میشد ازنظر این ناراحتیها میشد جلوگیری کرد، ولی اینگونه تقلب ها نمیتوانست تضمین چندی

(۱) جزوه "یک دادگاه تاریخی"، از نشرات حزب توده ایران، ۱۳۲۸، صفحه ۱۱۶

(۲) روزنامه "اطلاعات"، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۸

برای ارتجاع بوجود آورد. بملامه ارتجاع بطش نمود که بتواند از نفوذ سایر گروههای اپوزیسیون از میان برینوازی طی و غیره به مجلس جلوگیری بعمل آورد. تجربه سالهای اخیر نشان داد که وجود حتی گروههای کوچک اپوزیسیون در مجلس نسبتاً در امر قانونگذاری، بسود طبقات حاکمه و با ثبات دولتهاست که به سرکار می آوردند، مسانسه جدی بوجود آورد.

عدم ثبات در مجلس تقریباً به یک پدیده دائمی در سالهای اخیر بدل شده بود. این امر نتیجه نفوذ نمایندگان سایر طبقات به مجلس بود. آنها نمیتوانستند در حل تمام مسائل عامل گوش بفرمان همت حاکمه باشند. برای نمونه میتوان ترکیب مجلس دوره پانزدهم را مثال آورد. در این دوره ترکیب نمایندگان چنین بود:

مالکان بزرگ	۶۲	نفر
صاحبان موسسات صنعتی	۱۰	"
بازرگانان بزرگ	۱۰	"
وزرا و صاحبان مقامات عالیترتبه سابق	۲۲	"
وکلای دادگستری، روزنامه نگاران و سایر نمایندگان منتقد روشنفکران	۲۸	" (۱)

ترددی نیست که طبقات حاکمه در این مجلس دارای اکثریت قاطع بودند. ولی باید در نظر مسر داشت که در موارد بسیار چنین پیش می آمد که منافع گروه های مختلف نظیر صاحبان صنایع، بازرگانان و پاروشنفکران خرد و برینوازی با هم تطبیق میکرد. اینگونه گروه های اپوزیسیون (ولونایا پاید ار) در شرایط مجلس ایران نمیتوانند اقدامات دولت را قلع کنند. علاوه بر این، در آمیختن منافع اقتصادی برخی گروه ها، بخصوص اگر تعلق یک فرد را در آن واحد به دو طبقه در نظر بگیریم (مالک سرمایه دار و پاروشنفک و غیره) به تجدید گروه بند بسیار منجر میشد.

اگرچه اعضا هر یک از فراکسیونهای همان مجلس پانزدهم را در نظر بگیریم، این عدم تعادل در منافع سیاسی را بوضوح بیشتر خواهیم دید:

فراکسیون "دیکرات ایران"	۲۶	نفر
فراکسیون "دیکرات"	۲۰	"
فراکسیون "اتحاد ملی"	۲۴	"
فراکسیون "ملی"	۱۱	"
فراکسیون "اتفاق"	۸	"
نمایندگان منفرد	۴۳	"

البته، فراکسیون هادرمجلس ایران کاملاً بر مبنای حزبی بوجود نمی آمدند. غالباً فراکسیون ها در چارچوب منافع طبقاتی در اطراف افراد منتقد صحنی پدید میشدند. بنابراین شخصیت نمابنده مجلس در اینجا نقش مهمی داشت. بهرحال، وجود فراکسیون ها، صرفنظر از انگیزه تشکیل آنها، بنوعی خود به خود ثبات مجلس کمک میکرد.

مخالف حاکمه برای رهائی خود تصمیم گرفتند این وضع را، که در دوران چهل ساله پس از انقلاب

(۱) روزنامه "رزم"، شماره ۳، سال ۱۳۲۷

مشرطیت وجود داشت، برهم زینند و تغییرات لازم براد قانون اساسی وارد سازند تا به این ترتیب اولاً، مواضع طبقات حاکمه را تحکیم بختند و ثانیاً، در مواقع لازم برای رهایی از دست مجلس ماضی ب امکان بدست آورند.

با نتیجه این فکر بد آمد که (۱) مجلس سنا تشکیل شود و (۲) مواد قانون اساسی چنان تغییر یابد که شاه در مواردی که برای ارتجاع لازم است حق انحلال مجلس را داشته باشد.

مسئله محدود کردن مجلس شورای تفتت قدرت شاه بخواهد نماینده محافل ملیت‌ستیزی و نیز لخوا آزاد بجای دیکراتیک برای محافظه‌المیستی نیز دارای اهمیت حیاتی بود. در این مورد نفوذ سنتسی امپریالیسم انگلستان نقش بزرگی ایفا نمود. سفرشاه و سپس سفرنوری اسفند پاری، وزیر امور خارجه (در دوکامپنه هئیر پیش از کامپنه سنا) در تابستان سال ۱۳۲۷ به انگلستان و تماسهای مستقیم او با رجال سیاسی حده انگلستان که درجهان آن مسئله خالق انگلستان در ایران نیز مورد توجه قرار گرفت، تاثیر لازم را در سیاست دولت ایران باقی گذاشت. مسئله تشکیل مجلس سنا و دعوت تشکیل مؤسسان بسیاری تجدید نظر در مواد اولیه قانون اساسی مطرح گردید.

علاوه بر این، مسئله شرکت نفت ایران و انگلیس و فعالیت بانک انگلیسی ("بانک شاهی") نیز در دستور روز قرار گرفته بود. مسئله پاهان دادن به غارت شرکت نفت بد نهایت که از طرف محافظان ترقیخواه کهنه و بخصوص از طرف حزب موده با ایران مطرح می‌شد. این مسئله بارها بوسیله برخی نمایندگان مجلس مطرح گردید و واقفان صوری را بخود مشغول می‌داشت. شرکت نفت و دولت انگلستان برای پیشگیری از افتاد مات افراطی احتمالی، خود آماده تجدید نظر در شرایط امتیاز و افزایش سهم دولت ایران از طریق تنظیم قرارداد جدید تصویب آن در مجلس بودند.

بجایوی بهرودی مدت امتیاز ۶۰ ساله بانک شاهی پاهان میبافت و لذا مسئله ادامه فعالیت و یا انحلال آن میبایست حل‌شود.

در برابر دولت مسائل دیگری نیز مانند تصویب نهایی برنامه هفتساله انتخابات دوره شانزدهم و غیره قرار گرفته بود.

ارتجاع در نظر داشت با استفاده از فرصت تمام این مسائل را حل کند و انتخابات را انجام دهد. یکی از کلاکای مدافع اعضای حزب موده ایران، این وضع را بضموی کامل و موجز چنین شرح نمود:

"الان که ماوشما مشغول این حاکمه سران حزب موده هستیم، مسائل بسیار مهمی از نظر سیاست داخلی و خارجی ما در شرف وقوع است. من حق ندارم که در اینجا اظهار نظر کنم، این حق از من سلب شده. از وقتی که نمایندگان شرکت نفت آمدند و آقای گلشایان، وزیر ارشیه را بخت میز نشانند، حکومت نظامی اعلام شد، روزنامه‌ها را بستند و درین آن مسئله نفت، تشکیل مجلس سنا، تشکیل مجلس مؤسسان، برنامه هفتساله، از یاد ما در انستار استکس و هزار مسئله دیگر درجهان افتاد." (۱)

در واقع نیز در شرایط حکومت نظامی، نیرو و بگری و جنبانه نیروهای مترقی، زمانی که مردم هنوز تحت تاثیر ضربت ناگهانی ارتجاع قرار داشتند و صد تن نیروی اجتماعی کشر یعنی حزب موده - ایران سرگرم تحدید سازمان خود بود و رهبران این حزب بر تنگت ذهنین نقشه بودند، ارتجاع با حصرات تمام به اجرای مقاصد خود آغاز کرد.

چند روز پس از سوزن قصد به شاه برنامه هفتساله تصویب رسید. سپس در ۲ بهمن لایحه قانون محدودیت آزادی مطبوعات به مجلس تسلیم شد و در ۱۲ اسفند تصویب رسید. طبق این قانون مطبوعات

(۱) جزوه "بیک ده‌گانه تاریخی"، از نشریات حزب موده ایران، ۱۳۲۸، صفحه ۲۱

نه فقط بعنوان "توهمین" به شاه و خانواده سلطنتی و رؤسای کشورهای خارجی، بلکه همچنین بعلت "توهمین" به اعدا دولت نمایندگان مجلس و مقامات عالی‌رتبه اداری و قضائی نیز بلافاصله توقیف شد و سرد براه آنها بنویسندگان مقالات به دادگاه جلب میگرددند.

شاه در ۴ اسفند ۱۳۲۷ نمایندگان مجلس، نخست وزیر ساعد، عده ای از نخست وزیران رجال سابق را احضار کرد و تصمیم خود را در باره دعوت مجلس مؤسسان با اطلاع آنان رساند. این مجلس بنا به گفته شاه میبایست در باره برطرف کردن برخی تقاضای موجود در قانون اساسی تصمیم بگیرد. شاه بسمه آنان فرمان داد که تصمیم او قابل تجدید نظر نبوده و اوستد دارد علیرغم مجلس عمل کند. (۱) علاوه بر این چنین شد. روز بعد اظهارات شاه در فرآکسیون های مجلس مورد بحث قرار گرفت (این مسئله در جلسه عمومی مجلس اصلا طرح نشد). نخست وزیر (ساعد) پس از ۴ روز یعنی در ۹ اسفند ۱۳۲۷ نامه ای به شاه نوشته و در آن تقاضا کرد که فرمان دعوت مجلس مؤسسان را صادر کند. در هم اسفند فرمان شاه صادر گردید و ساعد در مجلس به نمایندگان اطلاع داد که طبق تصمیم دولت برای تجدید نظر و اصلاح اصل ۴۸ قانون اساسی (در باره شرایط و ترتیب انحلال مجلس توسط شاه)، تنظیم و تصویب اصل الحاقی در باره ترتیب تجدید نظر و تکمیل قانون اساسی و نیز در صورتیکه مجلس شورای تشکیل مجلس مؤسسان نظامنامه مجلس را تصویب کند، تجدید نظر در اصل ۴۴ قانون اساسی (در باره اینکسسه نظامنامه های مجلس سنا) باید بتصویب مجلس شورای برسد)، مجلس مؤسسان دعوت می‌شود.

در اردیبهشت مجلس مؤسسان بکاربرد اخت- از هر حوزه انتخاباتی دو برابر عده نمایندگان مجلس شورای نماینده انتخاب شده بود. در انتخابات مجلس مؤسسان، بنا بر سابقه موجود (چونست مجلسی بوسیله رضاشاه نیز تشکیل شده بود) فقط اهالی شهرها شرکت داشتند. اقلیت های مذهبی از حق رای کاملاً محروم بودند (اقلیت های مذهبی نظیر آرامنه و زردشتیان نمایندگان در مجلس شورای اردنا) برای اینکس تاثير منفی این اقدامات تا حد جدی خنثی شود و در ظاهر چنین جلوه گر شود که گویا افکار عمومی موبد این اقدامات است، کارهای مسخرهای انجام میگرفت. مطبوعات ارتجاعی از نامه های ساختگی با امضا های کثیر "و تلگرام های دروخن که گویا از شهرستانها و اصل می‌شد، پر شده بود و ششلا تلگرام هایی از عشایر در باره تغییر اصول معنی از قانون اساسی درج می‌شد.

این اقدامات نشان میداد که دولت نقشه های دور و درازی در سر دارد. زمینه برای ایجاد رژیم استبدادی آماده میگردد، به معنای قانون اساسی که شمره انقلاب نافرمام مشروطیت ایران بود و بهرروزی ملی میخواست با انکا" به آن زمام قدرت را بدست گیرد، ضربات جدی یوار می‌آید.

دستگاه حاکمه با سرکوب حزب موده ایران میخواست از فرصت مناسب استفاده کرده و خود را از هرنوع مخالفتی، ولید رسماً برای راست ترین عناصر بهرروزی ملی، خلاص کند. بهمین جهت حتی نمایندگان جناح راست بهرروزی ملی نظیر دکتر قاشی و مکی (که بعد ها به هنگام اوج نهضت به ارتجاع پیوستند)، با وجود محدودیت شواریزیر، علیه این اقدامات برخاستند. دکتر قاشی در سخنرانی خود در مجلس نسامه سرگشاده ای را که به شاه نوشته بود، قرائت نمود. در این نامه، قلابی بودن انتخابات مجلس مؤسسان افشا میگردد. بقاشی در مورد با اصطلاح "تقاضای مردم" برای دعوت مجلس مؤسسان گفت که تمام این تلگرام ها ساختگی بود و این صحنه ساز بهاید دستور مقامات نظامی انجام میگردد. وی تاکید کرد که فکسر دعوت با اصطلاح مجلس مؤسسان و تجدید نظر در قانون اساسی ایران، از لندن به محافل حاکمه ایران تلقین شده است. تقریباً این اظهارات از طرف مکی نیز در جلسه ۱۹ فروردین مجلس انجام گرفت (۲)

(۱) روزنامه "اطلاعات"، شماره ۱۹۰۹، ۲۸ فروردین ۱۳۲۸
(۲) مذکرات مجلس، جلسه ۱۱ فروردین ۱۳۲۹

این اقدامات که از طرف دستگاه حاکمه کمرهادر و راهرومالکان بعمل می‌آید، از انگیزه های جلب بیزواری ملی به مبارزه بود. لغو قوانین ضد دیکتاتوری که در این دوران تصویب رسید یکی از مطالبات این بخش بیزواری ایران رادرسالهای اغلا" مبارزه مردم تشکیل میداد. ولی در این زمان که حزب نود ایران یعنی نیروی سازمانگرسد به فعالیت غیرقانونی واد اترشد و بود و بیزواری ملی خود به نرسوری سیاسی جدی بدل نشده بود، این اعتراضات ضعیف نمیتوانست مسبرجواوثراتریشیرد.

اصل ۴۸ قانون اساسی پیش ازتجدید نظر به شاه حق میداد "هریک از مجلس شورای ملی و مجلس سناراجد اگانه و یادومجلس رادرآن واحد منحل نماید" و انتخابات جدید در اعلام د ارد. بحالوه در اصل الحاقی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۸ پیش بینی میشد که " در هر موقعی که مجلس شورای ملی و مجلس سناهریک جد اگانه خواه مستقلا خواه نظر به پیشنهاد دولت لزوم تجدید نظر در یک یا چند اصل معین از قانون اساسی یا قسم آترا به اکثریت دوثلت کلیه اعضا" خود تصویب نمایند و اعطحضسرت همایون شاهنشاهی نیز نظرمجلس راتا باید فرمایند، فرمان همایونی برای تشکیل مجلس موسسان و انتخابات اعضا" آن صادر میشود." (۱)

دولت همزمان با انجام انتخابات مجلس موسسان لایحه تشکیل مجلس سنارابه مجلس بسرد. در قانون اساسی ایران تشکیل مجلس سناپیش بینی شده بود، ولی ناآزمایان این مجلس هیچوقت دعوت نشده بود. لایحه جدید میبایست مجلس سناراحیا کند. این لایحه با این حساب به مجلس برده شد. بود که تا پایان جلسات مجلس موسسان نظرمجلس شورا در باره آن روشن شود. دولت در نظر داشت اگر مجلس شورا نظرفرضی نمیت به این لایحه ابرازد، آترایتصویب مجلس موسسان برساند ولی از آنجاکه دولت موفق شد این لایحه راتا پایان کار مجلس موسسان تصویب مجلس شورا برساند، طرح آن در مجلس موسسان لزومی پیدا نکرد. (۲)

آشنائی مختصر با این قانون نشان میدهد که طبقات حاکمه در سیمای مجلس سناچه صلاح طبقاتی مناسبی بدست آورده اند. طبق این قانون مجلس سنااز ۶۰ نماینده تشکیل میشود که ۳۰ نفر آنها انتخابی بود و ۳۰ نفر دیگر بوسیله شاه منصوب میشوند. از ۳۰ نماینده انتخابی ۱۵ نفر از تهران و ۱۵ نفر دیگر از سایر نقاط کشور انتخاب میشوند. انتخابات در درجه ایست. کسانی برای سناتوری نمیتوانند انتخاب شوند که در صلح دارای شهرت بود و کمتر از ۴ سال داشته باشند. نمایندگان سنایزبان گروههای زیر انتخاب میشوند: روحانوی طراز اول، کسانیکه سه بار بسمه نمایندگی مجلس شورا انتخاب شده اند، وزرا" وسفرا سابق، قضائی که ۲۰ سال سابقه خدمت داشته باشند، امرا" بانزمنه ارتش، استادان دانشگاه با ۱۰ سال سابقه استادی، مالکان و بازرگانی که سالانه حداقل ۵۰۰ هزار ریال مالیات مستقیم میپردازند، وکلای پایه ۱ دادگستری در صورت در ابراد ن در درجه دکترا - با ۱۵ سال سابقه و بدون درجه دکترا - با ۲۰ سال سابقه (۳)

همراه با این اقدامات در عرصه قانونگذاری، اقدامات دیگری نیز برای تحکیم سلطنت پهنسی نگه که اند عده طبقات حاکمه بعمل آمد. سنن سلطنت ۲۰ ساله رضاشاه احیا گردید. تصمیم گرفته شد تجدید رضاشاه که در حال تبعید در یوهانسبورگ درگذشته بود، به تهران بازگردانده شود. ایست جسد اینده قاهره حمل و برای مشایعت آن هیئت خاصی از طرف دولت اعزام گردید. برای مراسم تدفین، از کشورهای که با ایران روابط سیاسی داشتند، نمایندگانی دعوت شد. طبق محاسبه نویسنده نامه ای که به روزنامه " مردم " ارسال شده بود، هزینه این مراسم به ۱۵ میلیون تومان بالغ میشد که

(۱) روزنامه "اطلاعات"، ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۸

(۲) همان روزنامه، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸

(۳) همان روزنامه، ۲۱ فروردین ۱۳۲۸

بگفته او با این پول میشد یک ایالت را آباد نمود. (۱)

بحالوه در ۳۱ خرداد ۱۳۲۸ طرحی باقیبند دوطرقت تصویب مجلس رسید که مطابق آن به رضا شاه عنوان " اعطحضسرت رضا شاه کبیر" داد میشد. در این طرح پس از ذکر خدمات بی نظیر " رضا شاه در راه " تجدید دوران مجد و عظمت تاریخی ایران" گفته میشود:

" مجلس شورای ملی پناه به پاس حق شناسی ملت ایران تصویب میکند که عنوان رسمی سرسلسله دودمان عظیم الشان پهلوی اعطحضسرت رضاشاه کبیر خواهد بود. ایست تصمیم باید در لایحه طلاحه و در آراگاه شاهنشاه فقید نصب گردد." (۲)

حائری زاده، یکی از نمایندگان اپوزیسیون هنگام طرح این مسئله گفت:

" ۳۱ روز به آخر مجلس پانزدهم بیشتر مانده است و در این مدت کوتاه بساید لواایح مهم و فوری که درد سترهست مطرح وتصویب کنیم. یکی از این لواایح لایحه بود چه است که از مهمترین وظایف مجلس است که همینطور راگد مانده، آنها با وجود چنین وضعی صلاح است یک چنین طرحی را مطرح کنیم، زیرا با کلفت فلان سفهس کبراست و با فلان کبیر سفهسراست درد و اندیشید." (۳)

در تکمیل تمام این اقدامات، برای اعاده " املاک خصوصی" شاه نیز قانونی تصویب رسید. رضاشاه که پیش از بدست گرفتن زمام قدرت نه ثروت داشت و نه یک وجب زمین، طی ۲۰ سال سلطنت خود ثروت هنگفتی گرد آورده بود. رضاشاه از راه غصب چهری املاک خرد و کلان طی مدت کوتاهی مالک تقریبا سراسر ایالت مازندران، قسمتی از گیلان و بسیاری از املاک حاصلخیز سایر نواحی کشور گردید. این املاک غصبی به ثمت میرسیدند و حتی هزینه ثمت را افراد زیان دیده میپرداختند. در عین حال رضاشاه تعدادی کارخانه را که بحساب دولت ساخته شده بود، به تصاحب خود در آورده بود. چون تمام این واقعت هانیز در خاطر مردم مزنده بود و افراد مضر در بی فرصت مناسب برای بازگرداندن اموال خود بودند، این مسئله پس از برکناری رضاشاه مطرح گردید. طبق احکام صادره از طرف دادگاههای حقوقی بخشی از املاک غصبی رضاشاه به صاحبان اولیه آنها بازگردانده شد و بخشی دیگر بحسبوان املاک واگداری در اختیار دولت قرار گرفت. اکنون موافق لایحه ای که به مجلس ارائه شد در ۲ تیسر ۱۳۲۸ تصویب رسید، بخش اخیر که املاک بسیار وسیعی را در بر میگرفت، دوباره به مالکیت شاه در آمد. شاه اعلام کرده بود که از این املاک گویا برای " امور خیریه" استفاده خواهد کرد (۴)

یکی، نمایندگی مجلس در مخالفت با این لایحه متذکر شد که " قسمت اعظم این املاک خالصه و مال دولت بود و چطور میخواهد به اعطحضسرت همایونی بدهد." (۵) ولی این قبیل اظهار نظرها ی انفرادی نه فقط در جریان تصویب طرح تاخیر داشت، بلکه بخاطر آرایش همه آن جنبه دیکراتیک میداد. همراه با این اقدامات در زمینه سیاست داخلی که برای طبقات ارتجاعی حائز اهمیت فراوان بود، مسائل سیاست خارجی نیز زیغنوان برهیا هو ی مبارزه با خطر و تبلیغات کمونیستی، طرح و جعل میگردد. مسئله امتیاز بانک انگلیسی و نفت جنوب نیز در دستور روز بود.

(۱) روزنامه " مردم"، دوران صفی

(۲) تذکرات مجلس، جلسه ۳۱ خرداد ۱۳۲۸

(۳) همانجا

(۴) همانجا، جلسه ۲۰ تیر ۱۳۲۸

(۵) همانجا

دوره امتیاز بانک در بهمن ۱۳۲۷ پایان مییافت. انگلستان میگوید در دوره امتیاز راهبرسی وسیله ای که شده تعدید کند. دولت ایران نیز با این امر نظر موافق داشت. از اخبار بند رج در مطبوعات چنین برمی آید که در تابستان سال ۱۳۲۷، هنگام سفر شاه به انگلستان موفقت های لازم در این مورد بعمل آمده است. ولی حل چنین مسائل گره ای که در آن زمان افکار عمومی را بخود جلب میکرد، به این سهولت امکان نداشت. اتفاقاً یکپویش پیش از صومعه قصد به شاه، اعتراضات مردم علیه اقدامات احتمالی دولت در این مورد به تظاهرات بزرگی منجر شده بود.

در ۱۴ بهمن ۱۳۲۷ از طرف ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران تظاهرات تشکیلی بعمل آمد. در نتیجه که در برابر مجلس تشکیل شد، قطعنامه ای با اتفاق آراء تصویب رسید که در آن گفته میشد امتیاز نفت جنوب در دوران استبداد داده شده و در دوران دیکتاتوری بدون موافقت مردم ایران تعدید شده است. باینجهت در قطعنامه، لغو این قرارداد مطالبه میشد. در مورد بانک شاهی نیز در قطعنامه دانشجویان از نامبندگان مجلس طلب میشد که دولت را به تعطیل اسپس مومسسه خطرناک وادارند و فعالیت آنرا که هنوز برخلاف قوانین جاری انجام میگردد، منوع کنند. در پایان قطعنامه تأکید شده بود که مردم ایران هرگونه تصمیم دولت یا مجلس را که با مصلحتات فوق متضاد است داشته باشد عیرقانونی میدانند و هرگونه تأخیر در الحاق امتیاز نفت و تعطیل بانک انگلیس خیانت به مردم ایران است (۱).

ولی دولت برای اجازه ادامه فعالیت بانک، بدون آنکه لایحه قانونی لازم به مجلس ارائه شود، راه گزینی پیدا کرد. باین طریق که تصویبنامه ای برای ادامه فعالیت بانک صادر کرد. ولی بانک تمام خود را از "بانک شاهی" به "بانک انگلیس در ایران" و خاورمیانه تغییر داد. با این تفاوت که اکنون از حق عدم پرداخت مالیات محروم شده بود. روزنامه "داد" مقاله ای را که تحت عنوان "بانک شاهی ایران و تصمیم اخیر دولت" در روزنامه انگلیسی "اینوستورگرونیکل" نوشته شده بود، منتشر ساخت. در این مقاله گفته میشد:

"طبق اطلاعیه که از تهران رسید، دولت ایران موافقت کرده است بانک شاهی در پایان دوره شصت ساله امتیازش در ایران به فعالیت خود ادامه دهد. این خوش رفتاری دولت مایه امیدواری است. زیرا اگرچه مرکز اصلی کار فعالیت بانک شاهی در خود کشور ایران است، ولی چون شرکت نفت ایران و انگلیس در عراق و سوریه و لبنان و ترکیه احتیاجاتی دارد و به همین جهت بانک شاهی نیز در این نقاط شعبی دارد، ادامه فعالیت بانک شاهی در ایران تأثیر بسزائی در کار خواهد داشت. طبق تسراژ-نامه ای که در سال ۱۹۴۸ از طرف بانک شاهی منتشر کردید، در سنوات اخیر بهر آن فوق العاده ای بر سرمایه و فعالیت این بانک افزوده شده است. سرمایه اولیه این بانک اساساً یک میلیون لیره انگلیسی بود. ۰۰۰ این سرمایه در سالهای اخیر سرمایه افزایش یافته است، بطوریکه در اثنای کل بانک رویمهرفته مبلغ ۳۲ میلیون لیره بالغ شده است. از این مبلغ هر ۸ میلیون نقد بود و بجز این است و ۷ میلیون لیره در خاک انگلستان میباشد. معاملات بانک بقدری توسعه یافته است که فقط در سال اخیر ۱ میلیون لیره پیش از سال قبل داد و ستد کرده است. این بانک در بازرگانی اهمیت بسزائی دارد. پیشتر واردات ایران از انگلستان و امریکادر دست این بانک است. در قرارداد ای که اخیراً بین بانک و دولت ایران منعقد شده، برای اولیسن

(۱) روزنامه "کارگر باکو" ۶ فوریه ۱۹۴۹

دفعه قرار شده است بانک شاهی طبق قوانین ایران مالیات بردارد بد که البته با این ترتیب از درآمد بانک بهر آن قابل توجهی کاسته خواهد شد. (۱)

این نوشته، اهمیت تصمیم دولت ایران را برای امپریالیسم انگلستان که پنهان از مردم انتقاد شده بود، بخوبی بارز نشان میدهد.

ولی مسئله امتیاز نفت جنوب نمیتوانست از طریق تصویبنامه حل شود. دولت انگلستان را نیز چنین تصویبنامه ای نمیتوانست قانع کند. زیرا امتیاز موجود که با موافقتنامه سال ۱۹۳۳ نیز تحکم شده بود، از لحاظ قضائی نیرومند تر از هرگونه تصویبنامه دولت بود. شرکت نفت ایران و انگلیس میخواست با امضا قرارداد تکمیلی و برخی عقب نشینی هائید، مردم را فریب دهد و بناتابعد تازه مجلس وضع خود را از لحاظ قانونی تثبیت نماید. باینجهت قرارداد باید بصورت لایحه قانونی از مجلس بگذرد و بدینوسیله در دسترس افکار عمومی قرار گیرد. این امر موجب مبارزاتی گردید که مهمتین صفحه رادرایخ مبارزات در دوران اخیر مردم ایران در راه استقلال خود میگشود.

اقدامات ضد دیکتاتوری و ضد خلقی ارتجاع در سیاست داخلی و خارجی، در شرایط مبارزه خلق و نمیتوانست فقط بر سر نیزه، که وسیله کاملاً قابل اطمینانی هم نبود، مکتب باشد. ارتجاع میگوید از راه های عوامفریبانه میان مردم و بخصوص میان کارگران و دهقانان تکیه گاهی برای خود پیدا کند. با این منظور در جهت ایجاد اتحاد به های قلابی اقدام میشد. برای جلب کارگران به اتحاد به دولتیسی "اسکی" (اتحاد سند بکائی کارگران ایران) بوسیله مختلف کوشش بعمل می آمد. این اتحاد به ها میبایست جانچین اتحاد به های دیکتاتوری واقعی منوع شده بود. در برای اقدامات ضد کارگری دولت برده استتاری بوجود آوردند. اینگونه اتحاد به هادر گذر شده نیز در ایران تشکیل شده بود. و باینجهت ارتجاع در این زمینه تجربه کافی داشت. در اول ماه مه ۱۹۴۹ بوسیله "اتحاد به" های اسکی جشن "باشکوهی" برگزار کرد بد که میبایست بمعنای آن باشد که کارگران با خارج شدن حزب توده ایران و اتحاد به های دیکتاتوری از صحنه، چیزی از دست ندهند.

در روستاها نیز در این جهت گامهایی برداشته میشد. فعالیت تقریباً ۸ ساله حزب توده ایران و اصلاحات دیکتاتوری که در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۶ در آذربایجان انجام گرفت، نه فقط راه رهایی را به دهقانان نشان میداد، بلکه انگیزهای برای مبارزه آنان بود. اکنون روستاها موجبات نگرانی جدی طبقات حاکمه را فراهم می آوردند. باینجهت دولت برای اقدامات خود در روستاها توجه خاصی میداد. ارتجاع میدانست که بدون تکیه بر روستاها فقط بکف اعمال فشار وحشی اقدامات قهرآمیز، آرام کردن روستاها کار دشواری است. باینجهت طبقات حاکمه درصدد ایجاد قشر بورژوازی در روستا، بشتابه متحدین آنی خود برآمدند.

در فروردین ۱۳۲۸ لایحه واگذاری اراضی خالصه به دهقانان تسلیم مجلس شد. مطابق این قانون اراضی دولت به اقساط ۱۵ ساله بفروش میرسد و پس از انقضای این مدت زمین به سالکیت دهقانان درمی آید. دهقانان نمیتوانستند بآن بشتابه اموال خود عمل کنند. سپس شاه به فروش اراضی خود پرداخت. این اقدام با عوامفریبی های فراوان همراه بود. مرامی برگزار شد که شاه در آن استناد انتقال زمین را بابت دست خود به دهقانان واگذار می کرد. البته در اینجا مسئله خیرخواهی و نیکوکاری شاه در میان نبود، بلکه برعکس علاوه بر تبلیغ سیاسی، هدفهای آژندانه شخصی نیز مطرح بود. اسلاک شاه طی چند سال به پول نقد تبدیل میشد و شاه نمیتوانست این پولها را به بانکهای خارجی منتقل کند و این کار بیشتر بصره شاه بود، زیرا او هنوز وضع باید اری در کشور نداشت و در صورتیکه تاگزیر به ترک

(۱) روزنامه "داد"، اردیبهشت ۱۳۲۸

ایران میشد، میتوانست صاحب سرمایه بزرگی در خارج از کشور گردد. والا، چنانکه تجربه پدر او، رضا شاه نشان میداد، این املاک ممکن بود ازد ست او خارج گردد. باین ترتیب با فروش فسطوی زمین به دهقانان مرفه، طبقه جدیدی که مبیایست از منافع طبقات حاکمه دفاع نماید، در دستاها بوجود می آمد و استحکام مبیایست.

۱- آغازینشده بد فعالیت حزب توده ایران در شرایط غیرطبیعی

اقدامات همه جانبه ارتجاع قادر نبود از کمترین جنبش مردم و فعالیت حزب توده ایران جلوگیری کند. حزب مبارزه خود را قطع نکرد. استفاده از کرسی دادگاه در واقع بمعنای ادامه مبارزه علمی حزب بود و برای بسیج توده ها اهمیت فراوان داشت. ولی حزب باید فعالیت خود را با شرایط کار صغفی هماهنگ میساخت و متناسب با آن در وضع سازمانی خود تجدید نظر میکرد. این کار بلافاصله آغاز شد. چنانکه اکنون در جریان طولانی یازده اشتها و محاکمات نام کسبانی چشم میخورد که بحالت آنکه پس از غیرقانونی اعلام شدن حزب مرتکب "جرم" شده بود. بدین معنی بحالت پخش اعلامیه و نوشتن مقاله و کارهای تبلیغاتی و غیره بازداشت و محاکمه میشدند.

ولی این مبارزه در آغاز کار بنحو کاملی سازمان نیافته بود. نگاه خصلت خود بخودی داشت. حزب از همان زمان فعالیت علمی، اقدامات معینی که بتواند سازمانهای آنرا در برابر حوادث ناگهانی تضمین کند، بعمل آورده بود. برای صغفی داشتن سازمانهای جدید گامهای معینی برداشته شده بود. برای ایجاد مطبوعات صغفی امکانات معینی تدارک گردیده بود. ولی باوجود این حزب هنوز برای کار صغفی آسادی کامل نداشت و برای تجدید سازمان خود مبیایست کار نسبتاً طولانی و دقیق انجام دهد. دشواری کار از این لحاظ نیز تشدید میشد که حزب بطور موقت تقریباً از رهبری محروم شده بود. زیرا عددهای از رهبران بازداشت گردیده و عددهای دیگر علاوه بر این فعالیت خارج شده بودند.

ولی عددهای باقی مانده و قادر بکار رهبری بزودی موفق شد که رشته کارهارا بدست گیرد و فعالیت های برانگیز را مرکز سازد و آنرا در مسیر واحد سوق دهد. نفوذ وسیعی که حزب کسب کرده بود و نیز امکانات آن در ارتش و شهرتانی به حزب امکان داد که بازین ارتباط برقرار کند و از اعضای زندانی کمیته مرکزی رهنمودهای عمومی بدست آورد.

بزودی رهبری موفق شد که انتشار صغفی روزنامه "مردم" ارگان مرکزی حزب را سازمان دهد. نخستین شماره روزنامه هشتامه پس از سوسه بشاره و در هشتمین سالروز تشکیل حزب توده ایران انتشار یافت. حزب اکنون امکان یافت که بجای کارهای برانگیز در زمینه پخش استاد حزبی به پخش منظم آنها از طریق ارگان حزبی بپردازد.

انتشار ارگان مرکزی حزبی که ارتجاع آنرا منحل اعلام کرده بود، حادثه بزرگی برای سراسر ایران بود و موجبات خرسندی محافظان مکرانیک و خشم و کینه ارتجاع را فراهم کرد. واکنشی که در تهران، مرکز زندگی سیاسی کشور در برابر انتشار "مردم" بعمل آمد، اهمیت این حادثه را نمودار میسازد. در روزهای اول، توجه بخش عددهای مطبوعات تهران به انتشار "مردم" معطوف شده بود. برخی روزنامه ها حتی برای بالا بردن تیراژ خود مطالبی را از روزنامه غیرطبیعی "مردم" در صفحات خود درج میکردند. این واقعه نشان دهنده علاقه مردم به انتشار ارگان حزب توده ایران بود. در اخباری که در سوسین شماره صغفی "مردم" در باره واکنش انتشار این روزنامه در میان محافظان درج شده بود گفته میشد:

انتشار روزنامه ارگان حزب تا شعریق در تهران باقی گذاشت، در تهران انتشار "مردم" را به خطا پیروی بزرگ تلقی میکنند، روزنامه های پایتخت این موضوع را بهترین حادثه سیاسی روز بحساب می آورند، روزنامه "طلوع" مشخصات نخستین شماره روزنامه "مردم" را بتفصیل بیان کرد، روزنامه های "داد" و

"ایران" انتشار آنرا اطلاع دادند. مجله "تهران صبر"، این خبر را باخشم تمام منتشر کرد، روزنامه "اقدام" شماره اول "مردم" را کلیشه نمود و متن سرفاله آنرا انتشار داد، روزنامه "هنگی منطق" "خمسر" مربوط به مقاله "مردم" را درباره افشا انتخابات باحرف درج کرد، روزنامه "ستاره" قسمت هایی از شماره دوم "مردم" را درج کرد، روزنامه "اقدام" در شماره بعدی خود به تجدید چاپ مند رجعات شماره دوم "مردم" پرداخت، انعکاس مطالب روزنامه "مردم" در جرائد پایتخت، میزان فروش روزنامه ها را شد بد بالا برد. روزنامه فروشها برای فروش بهتر روزنامه خود، آتراه خریداران نشان میدادند تا به آنها نهایت شود که در این روزنامه واقعا مطالبی از "مردم" نقل شده است (۱).

این حادثه به محافل اجتماعی الهام میبخشید. زیرا قدرت حیات حزب را به مردم نشان میداد و ثابت میکرد که حزبی که چنین فعالیت وسیعی دارد، نمیتواند از راه نیرو و زد و بند های مختلف از بین برده. در شماره اول "مردم" گفته میشد:

" طبقه حاکمه ایران ۰۰۰ نتوانست با همه صحنه پردازیها ۰۰۰ مردم ایران را در باره حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ گول بزند. کیست که امروز به مقاصد تنگین و ایران فسادکن این چاکران لیره و لاری پی نرود؟ باشد؟ کیست که ناند برای حل مسائل مربوط به نفت و بانک شاهنشاهی و نقشه هفتساله و تفهیر قانون اساسی و تشکیل مجلس سنا و نظایات نام انتخابات مجلس شورای ملی و نظایات داخل مجلس سنا و مایل کردن آزاد پهای متحد و مطبوعاتی و تصرف مجدد املاک و برای و یک رشته اقدامات، به پیمان دگر که یکی پس از دیگری با عجله ناشیانه ای پس از حادثه ۱۵ بهمن انجام گرفته از میان بردن حزب توده ایران را لازم میدانند؟ (۲)

روزنامه "مردم" بطور هفتگی و منظم نشر مییافت. این واقعه که در انتشار صغفی بخش چندین ساله روزنامه "مردم" کوچکترین وقفه ای حاصل نشده، نشان میداد که این کار بخوبی تدارک شده بود. روزنامه "مردم" سه سال پس از آغاز انتشار خود فهرستی از فعالیت خود منتشر کرد که نقل آن میتواند جالبست باشد. طی این سه سال ۱۵۳ شماره "مردم" منتشر شد. در این مدت ۱۱۹ مقاله در باره سیاست داخلی ایران، ۹۴ مقاله در باره سیاست جهانی، ۸۱ مقاله در باره مسائل اجتماعی، ۷۸ مقاله در باره نفت، ۶۰ مقاله در باره سیاست خارجی دولت، ۵۵ مقاله در باره مبارزه طبقه کارگر با حقوق خود، ۴۹ مقاله در باره نقش ارتجایی شاه و دیار، ۳۵ مقاله در باره مبارزه با خاطار صلح، ۳۴ بیانیه و اعلامیه به اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۳۲ مقاله در باره روزهای تاریخی، ۳۰ مقاله درباره رهبران برجسته جنبش جهانی کارگری، ۲۶ مقاله در باره آذربایجان و کردستان، ۱۸ مقاله در باره انتخابات، ۱۱ شعر توده ای، ۱۵ مقاله اختصاصی در باره وضع دهقانان، ۱۵ مقاله درباره تجاویز کاری امریکا، ۱۳ مقاله در باره حکومت نظامی، ۱۱ مقاله در باره زندانین سیاسی و ۱۳ مقاله منتشر شده نشر یافته بود. در این شماره ها به ساختمان کمیونسیم در شوروی و مبارزه خلق چین توجه خاصی شده بود. در صفحات روزنامه علیه ستم ملی و باخاطرناصین حقوق خلفای آذربایجان و کردستان مبارزه انجام میگرفت (۳).

تفصیل بد فعالیت حزب بتدریج بخوبی همه جانبه نمودار میگردد. ارتجاع کهبیده بود که سخن

- (۱) روزنامه "مردم"، شماره سوم صغفی، ۲۴ مهر ۱۳۲۸
- (۲) روزنامه "مردم"، شماره اول صغفی، ۱۰ مهر ۱۳۲۸
- (۳) روزنامه "مردم"، شماره ۱۵ صغفی، ۱۰ مهر ۱۳۳۱

برسر کرد انی گروه کوچکی از افراد نهمست که توانسته اند انتشار هفتگی روزنامه ارگان حزب راسازمان را دهند؛ بلکه سخن بر سر وجود حزبی است که نفوذ آن میان قشرهای وسیع اجتماعی و میان جوانان محصل روز بروز افزایش یابد و قادر است پیوند خود را با قشرهای مختلف مردم در شرایط مختلف مغزی بیش از پیش مستحکمتر کند و همبستر از همه علاقه و توجه آنان را بسوی خود جلب نماید.

ارتجاع در نهادهای خود که گاه سرشار از عواطفی بود و گاه پرازنهد بد و تطمع بود، از این وضع شکوه میکرد. مثلا در یکی از ایسین بهامپاکه باضای جواد ی، د اد ستان نظامی رسیده و بود و بصورت و ر قسه چاپی جداگانه و نیز از راه مطبوعات بطور وسیع در میان مردم انتشار یافت، گفته میشد: چنانکه د پند ه میشود برخی عناصر پلید و ماجراجو از راه فریب جوانان محصل و افراد ساده و بفعالیت خود افزود و به سسه اقداماتی نظیر انتشار روزنامه و اعلامیه و اخبار گوناگون و یا اوراق چاپی و دستنوس میباشند و فرد م را علیه سلطنت مشروطه و بسود افکار کمونیستی تبلیغ و تحریک میکنند. داد ستان نظامی بد بنویسیسه اهمیت مسئله را که موجود بت و استقلال مبین هستنیر مارا نهد بد میکند، با اطلاع تمام هم مبهتان میرسانند. این اقدامات فقط بنوع د ستان کشور انجام میگردد. مبهن پرستان واقعی موظفند که در کنار تعقیب و مجازات خاشتهین به مقامات دولتی کمک کنند (۱).
روزنامه "مرد" به این مناسبت نوشت:

نزد یک دهه که پکمال تمام است که د سنگاه حاکمه ایران باطل بد هل و شهبور حسرت ب بزرگ توده ایران را غیر قانونی اعلام نموده و آنرا "حزب سابق" و "حزب منحل" مسمونی کرد ه است. با انجبال مطالعه اعلامیه ستاد ارتش که چند روز پیش با اضاغی ی داد ستان ارتش در براد یوشهران و روزنامه هامنتشرگشت، برای همه کس آشکار میماند که تمام امهد های خام و جنون آمیز د سنگاه حاکمه به انحلال واز میان بردن حزب توده ایران. باور شکستگی اقتضاح آمیزی مواجه شده است. اعلامیه داد ستان ارتش د ر حقیقت بد رک روشنی است که از یکطرف قدرت و نیروی حزب توده ایران و طرف دیگر ضعف و عجز پلمس و ستاد ارتش را در انجام نقشه های جنون آمیز و ماجراجویانه "انحلال" حزب توده ایران را آشکار میسازد. (۲)

پلمس برای فلج کردن فعالیت حزب به هراقد امی د ست میزد و چون وجود ارتباط میان رهبران زندانی حزب را با رهبرانی که آزاد ماند ه بودند، خدس میزد، تصمیم گرفت که این امکان را از آنان سلب کند و بد بنویسیله بهخوال خود تاحدودی فعالیت مغزی موقوفیت آمیز حزب را منحل سازد.

رهبران حزبی زندانی در تهران را طبق دستور دولت در بهمن سال ۱۳۲۸ به زندانهای مختلف جنوب که د برای شرایط اقلیمی غیر قابل تحمل بود، منتقل کرد. د اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که د روزنامه "مرد" و نیز بطور جداگانه بهخفا س وسیع میان مردم انتشار یافت، در این مورد گفته میشد:

"پکمال از روز غیر قانونی اعلام شدن حزب توده ایران و سایر سازمانهای د مکرانسیله گذاشته بود که د ولت جنایت پیشه ساعد بد ستور اربابان خارجی خود د ست بهد، صل غیر انسانی د بگریز: صد ها زندان ارم و پاسان باد ستیاجکی هر چه تاملتر و باخشونت بسی سابقه ای به سلولهای زندان فسرختند و عد ه نهادی از بهترین فرزندان مبهن را

(۱) روزنامه "اطلاعات"، ۸ دی ۱۳۲۸

(۲) روزنامه "مرد"، شماره ۱۵، صفحی، ۹ دیماه ۱۳۲۸

بدون آنکه مهلتشان د هند تا لوازم یک مسافرت د شوار زستانی راهراه ببردن و پکمان و نزد یکان خود د اع کنند، بطرف مقاصد نامعلومی بسوی بخپوله های بناد پوجزایر جنوب که هرکدام خورازجهنم میدهند، گسیل داشتند. رزم آراها و آزادی هاهرکدام از ترس تقصیر را بکردن بد یکدیگر میماند ازند و اما ملت ایران هم رزم آرا و هم زاهدی و بطور کلی تمام مجریان د ستورات امپریالیسم و در رأس همه شاه راستول اینهمه جنایات قرون وسطائی میداند. (۱)

این اعلامیه مردم ایران را برای اتحاد و مبارزه بیشتر فراهم بخواند و از اعضا* و سازمانهای حزبی د عوت میکرد که با فد آکاری بیشتر به افشا* د ستان و مبارزه با آنان ببرد ازند.

حوادث سال ۱۳۲۸ مؤید این واقعیت بود که ناراضیانی نارمنی زحمکشان بتدریج به جنبش آشکار آنان برای احقاق حقوق خود تبدیل میشد. جنبش اعتراضی کارگران شهرشاهی غلبه تند بد ریز کار و تقلیل دستمزد آنان نخستین نشانه آن بود. د ولت و کارفرمایان با استفاده از ریزد اقتصادی و وضع سیاسی موجود به تجاوز به حقوق و شرایط زندگی کارگران آغاز کرد ه بود. از جمله د کسارخانه نماچی شاهای که به د ولت تعلق داشت، د نظر داشتند دستمزد کارگران را کاهش د هند و به مدت کار روزانه بها افزایشد. بحلاوه مزد کارگران بموقع پرداخت نمیشد. کار بجائی رسید ه بود که در این کارخانه بجای قسمتی از دستمزد، کتسروهائی را که بفروش نمیرسید، به کارگران میدادند. (۲)

کارگران در اواخر تابستان اعتصاب کردند. این اعتصاب که تمام کارگران را در بر گرفته و صورت مشکل داشت، د ولت را بخود آورد. دستمزد موقوفه کارگران نقد ایرد اخلت شد. جنبش کارگران شاهای آستانه بهار ۱۳۲۹ گسترش یافت. کارگران تقاضای افزایش دستمزد خود را داشتند. در ۴ اردیبهست ۱۳۲۹ میان نیروهای انتظامی و کارگران اعتصابی که د ست به تظاهرات زد ه بود، زد خورد خونینسی انجام گرفت. ما بران فرمانداری نظامی بروی کارگران آتش گشود. د راطهارات رسمی نخست وزیر د مجلسی گفته میشد که ۵ تن از کارگران کشته شده و بسیاری از آنان زخمی شده اند. برای ربهیدی که این حادثه کمسیون خاصی تشکیل شد. ولی کار این کمسیون این بود که پس از ورود به شاهای ۱۵ نفر از کارگران راه اتهام "تحریک و شرکت د ر تظاهرات" بازداشت نماید. کارخانه سماچی شاهای بسته شد. تیواند از بی به کارگران شاهای اعتراض وسیعی را د رسارسر کشور برانگیخت. فد راسهون سند یکنای جهانی نیز به این کار اعتراض نمود. در این اعتراض گفته میشد که فد راسهون سند یکنای جهانی از تهران از بی سه کارگران شاهای که د نتیجه آن ۵ نفر کشته و ۵۳ نفر زخمی شده اند، مطلع گرد بد. بحلاوه به فد راسهون خبر رسیده ه است که رهبران جنبش کارگری ایران برای گذراندن د وران زندانی خود به مناطق جنبشی کشور فرستاده میشوند. فد راسهون تفروانزجار خود را بد مناسبت اعلام میدارد و تا زگرد اندن رهبران جنبش کارگری و لغو حکم حکومتی آنان را طلب میکند. (۳)

مبارزه کارگران به مطالبات اقتصادی محدود نمیشد. مبارزه در راه احیا* اتحاد به های د مکران و وواغما کارگرسویچد اشندن از اتحاد به های ارتجاعی دولتی آغاز کرد بد. اولین اقدام غلی د ر این راه از طرف کارگران راه آهن بعمل آمد. آنان بهانه ای منتشر کردند که در آن گفته میشد، اتحاد به کارگران راه آهن راجله خود را با باصطلاح اتحاد به های "اسکی" قطع میکند و در آید ه فعالیت خود را مستقلا نه

(۱) از اعلامیه ۲۸ بهمن ۱۳۲۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران، منتشره د روزنامه "مرد"، شمساره

۲۲۱، اول اسفند ۱۳۲۸

(۲) روزنامه "مرد"، شماره ۹، صفحی، ۶ آذر ۱۳۲۸

(۳) روزنامه "آذریچان"، شماره ۲، ۲۲۸، تیر ۱۳۲۹

ادامه خواهد داد.

در اردیبهشت ۱۳۲۹ دانشجویان دانشگاه طب تهران اعتصاب کرده خواستار انجام مطالبات خود شدند. این اعتصاب بهش از سه هفته طول کشید. تمام دانشگاه نیز بعنوان همبستگی با دانشگاه طب سه روز اعتصاب نمود. این اعتصاب که با پیروزی قرین بود، به دو منستراسهون ۴ هزار نفری دانشجویمان منجر گردید. روزنامه "مردم" در این باره نوشت:

"بزرگترین نتیجه‌ای که دانشجویان از این مبارزه بیسابقه و بزرگ گرفتند، این بود که اولاً، به نیروی اتحاد عظیم خود پی بردند و ثانیاً، عده‌ای که هنوز به ماهیست دستگاہ حاکمه پی نبرده بودند، آنرا بد رستی شناختند." (۱)

اینگونه مبارزات علمی که در عین حال بارشده‌های کم و بیش محکم با فعالیت اتحاد به همسای در مکرانیک و حزب بوده ایران پیوند داشت، محافظ دولتی را عمیقاً نگران ساخت و موج نیرومند اقدامات تشویقی را برانگیخت. در پایتخت و عده‌ای از شهرها به پورش و جستجویشکار حوزه‌های مخفی حزب تبدیل گردید و با بازداشت افرادی میباید اختند که به عضویت در حزب و یا هواداری از آن مظلون بودند. افرادی که به بخش مطبوعات مخفی و روزنامه "مردم" مظلون بودند، بازداشت میشدند. بخصوص اینس بازداشت‌شدن روحانی کارگرنشین زیاد بود. توجه عده به منطقه مازندران که مؤسساتها فله گیوغسر داشت، معطوف بود. در تمام مراکز کاری بازداشت بعمل می‌آمد. مطبوعات تهران در آنزمان پر از اخبار مربوط به این بازداشتها بود. برای نشان دادن اینکه این بازداشتها و تشویقات تاجه حد در مطبوعات ایران انعکاس وسیع میبافت، چند شماره متوالی روزنامه "داد" را نمونه می‌آوریم. این روزنامه در شماره ۱۷۸۷ (۲۵ فروردین ۱۳۲۹) خود خبر میدهد که اعزام گروههای زندانیان سیاسی مناطق بد آب و هوای داد و اردو طبق خبر واصله به روزنامه این اقدام از آنجهت انجام میگردد که این افراد با خارج از زندان رابطه داشته اند. روزنامه "داد" در شماره ۱۷۸۸، بازداشت افرادی را که در تبریز سزایه داشتن ارتباط با مکرانیک مظلون بودند، خبر میدهد. در شماره ۱۷۹۰ این روزنامه گفته میشود که در ناحیه کارگرنشین جنوب تهران گرسنگان و "خانه بدوشان" جمع میکنند. در شماره ۱۷۹۱ درباره کشف یکی از حوزه‌های حزب بوده ایران و بازداشت عده‌ای از افراد سخن میباید و نام بازداشت‌شدگان قید میشود. در شماره ۱۷۹۲ خبر بازداشت نند نهیس مجلس شورا که مسئول یکی از حوزه‌های حزب بوده ایران بود، نشر میباید. در شماره ۱۷۹۴ این روزنامه در آن واحد سه خبر زیر درج میشود: "خبر بازداشت کمانیکه در کرج مسئول بخش روزنامه مخفی "مردم" بود، "خبر کشف و حوزه حزبی و نیز خبر بازداشت ۱۱ نفر از اعضا آنها" در شماره ۱۷۹۵ و "خبر زیر بخش مخفی" بازداشت گروهی از کارگران گونی باقی‌رشت بعلمت بخش مطبوعات مخفی و بازداشت کمانیکه از تهران برای کارهای تبلیغاتی به گیلان اعزام شده بود. بازگراسامی بازداشت‌شدگان و ..."

ولی طریغ دامنه وسیع پیگردها، شبکه سازمان مخفی حزب بوده ایران گسترش میبافت، از گران مرکزی حزب بانتهای روزافزون بطور منظم منتشر میشد. در ۱۵ بهمن ۱۳۲۸ انتشار منظم هفتهنامه "بزم"، ارگانیکه کمیته مرکزی سازمان جوانان بوده ایران آغاز شد. (۲) در ماه فروردین ۱۳۲۹ با انتشار روزنامه "ظفر" ارگان شورای مرکزی اتحاد به همسای کارگران و زحمتکشان ایران مطبوعات در مکرانیک بایک نشریه مخفی دیگری شد. روزنامه "مردم" در باره انتشار این روزنامه نوشت:

- (۱) روزنامه "مردم"، شماره ۲۲، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۹
- (۲) روزنامه "مردم"، ۲۲ اسفند ۱۳۲۸

"انتشار میباید در این روزنامه در شرایط دشوار و وحشت‌زای کنونی بوقیعت بزرگی بشمار می‌آید. ما انتشار روزنامه "ظفر" را به کلیه کارگران و زحمتکشان ایران تبریک گفته و اطمینان داریم که این روزنامه نقش خود را در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان، در دفاع از صلح و آزادی و استقلال میهن ما مانند گذشته بنحود رخشانی ایفا خواهد نمود." (۱)

حزب همچنین به انتشار نشریه‌های شوریک: نظیر مجله ماهانه "مردم" و مجله ماهانه "بزم" و نیز بتدریج به انتشار جزوه‌هایی درباره مسائل اجتماعی و سیاسی موفق گردید. ضمانت‌نامه این نشریات بطور مخفی طبع و انتشار میبافت. روزنامه "آذربایجان" در باره فعالیت و مجمع حزب بوده ایران در زمینه انتشار مطبوعات حزبی نوشت: انتشار این روزنامه ها و مجله ها بواسطه کارهای جوان و فعال در پایتخت و شهرستانها و افاداری آنان راه حزب خود بشیوت میرساند. پلیس نه فقط نتوانسته است از این فعالیت جلوگیری کند، بلکه برعکس دامن این فعالیت روز بروز گسترده تر میشود. این نشریات مخفی در اتوبوسها، مغازه‌ها، مدارس و دانشگاه پخش میشود. سپس روزنامه بنقل از روزنامه امریکائی "سان فرانسیسکو کرونیکل" منویسده که حزب بوده ایران که دولت آنرا متحله بشمار می‌آورد، اکنون بانهریوش بیسابقه و دویساره وارد میدان شده است. (۱)

حزب بوده ایران با علم بر اینکه مبارزه بخاطر آزادی و استقلال کشور مبارزه در راه صلح جدی است. ناپذیر است، با وجود فعالیت مخفی خود، در پشتیبانی از اقدامات "جمعیت ایرانی هواداران طلسم" کار وسیعی انجام میداد. این جمعیت در ۱۴ خرداد ۱۳۲۹ تشکیل شده بود و روزنامه "صلحت" ارگان آن روزها بعد انتشار میبافت. این جمعیت که از طرف محافظ در مکرانیک کشور پشتیبانی میشد، بسزوی توانست در راه جلب توجه مردم به مبارزه بخاطر صلح فعالیت وسیعی را سازماندهد. حزب بوده ایران در باره زندانیان سیاسی که در زندانهای تبریز میباید و در باره سرنوشت بهتر کادرهای حزبی که شاید دولت برای اینکه بنحوی نامحسوس خود را از دست آنان خلاص کند، آنانرا به نقاط نامعلوم اعزام داشته بود (کاریکه در زندانیان ایران زیاد انجام میگرفت) در مسویری بسیار از خود نشان میداد. در تابستان ۱۳۲۹ حزب بوده ایران برای بهبود وضع زندانیان سیاسی و مهندسان همسه برای بازگرداندن اعضا، زندانی حزب بوده به تهران کارزار وسیعی انجام داد. این زندانیان در شرایط سختی بسر میبردند. از طرف خانواده‌های زندانیان سیاسی که در مجلس متحصن شده بودند و از ترک آنجا امتناع میکردند، نامه‌های فراوان به مجلس ارسال میشدند. در صفحات روزنامه ها اخباری که از زندانیان جنوب درباره وضع بد زندانیان سیاسی میرسید، درج میشد. روزنامه "داریا" نامه ۱۷ تن از زندانیان سیاسی شیراز را منتشر کرد. در این نامه اعلام میشد که اگر وضع آنان بهمین متوال ادامه یابد، هیچک از آنان زندانی نخواهد ماند. (۳) در مجلس چند بار در راینمورد از دولت استعلام شد. دولت در شرایط آتروزی کشور که این کارزار میبوانست از طرف محافظ و سمعتری پشتیبانی شود، مجبور به عقب نشینی بود. تا پایان ۱۳۲۹ بسیاری از زندانیان سیاسی، از جمله اعضا کمیته مسرکری حزب را به زندان قصر تهران بازگردانند. این یک پیروزی برای حزب بوده به تشدد فعالیت آن کمک میبکرد.

۵- آغاز اعتلای عمومی جنبش

فعالیت حزب بوده ایران برای جلب توجه‌های وسیع به سازمانهای دموکراتیک و بیدار ساختن

- (۱) روزنامه "مردم"، ۱۴ فروردین ۱۳۲۹
- (۲) روزنامه "آذربایجان"، شماره ۲۲۸، ۳ خرداد ۱۳۲۹
- (۳) روزنامه "داریا"، ۲۶ خرداد ۱۳۲۹

نبردهای ملی‌گرازمزمنه ساعدی بدست می‌آورد. در نتیجه ورود سهل‌آسای کالاهای خارجی و ضمیمه اقتصادی کشور بخواست گراشیده بود. پنجه‌های بحران اقتصادی، کشور را تحت فشار قرار داد. به سود صنایع ملی در حال رشد می‌گشت. کارخانه‌های پشمی از دیگری تعطیل می‌شدند.

بنابه اطلاع روزنامه "اطلاعات" از آخراصفند ۱۳۲۸ تا آخراصفند ۱۳۲۹ یعنی طی یکسال مجموع واردات ایران ۴۲۱۸ میلیون ریال و کل صادرات کشور ۱۸۰۲ میلیون ریال بود. کاهش میزان صادرات ایران بطور عمده بابت انواع محصولات کشاورزی که دهقانان تولیدکننده آن بودند، انجام می‌گرفت. در نتیجه این امر ده‌ها هزار از اهالی روستا روستاهای خود را ترک کرده و در جست‌وجوی نان به شهرها روی می‌آوردند. ولی در خود شهر وضع بهتر نبود. در هماموسه ورشکست شده ده‌ها هزاران بیکار به خیابان می‌ریختند. در اوآخراصفند ۱۳۲۸ طبق ارقام منتشره در روزنامه "مواهن آریهان" فقط در تهران بیش از ۱۰۰ هزار بیکار وجود داشت.

در کشور مردم گرسنه دست به عصیان می‌زدند. این وضع بیشتر در آذربایجان که از لحاظ قله غنی بشمار می‌رفت، مشاهده می‌شد. چنانکه روزنامه "طلوع" نوشت که مردم آذربایجان و بخصوص مردم تبریز در نتیجه بیکاری و فقر حاکم سخت به هجران آمده‌اند. این روزنامه خبر می‌دهد که توده مردم در اوآخراصفند ماه یعنی در آستانه نوبت به غارت مغازه‌های ناتوانی برداختند. شهر یانی وارثش مردم را متفرق کردند. ولی بطوریکه روزنامه "مهربان" خبر داد، شورش مردم تبریز در روزهای بعد نیز ادامه داشت. اهالی مغازه‌های آذربایجان به فروش اوراق می‌گرفتند. گفته می‌شد که در سایر شهرهای آذربایجان نیز این قبیل عصیان‌ها انجام می‌گرفت (۱).

وخت وضع در نتیجه سیاست انتقال اقتصاد کشور به سررئطی و بسود سیاست تجار کسارانه امپریالیست‌هاکه باوجود اختلافات خود در این مورد متفائل می‌کردند، عمیق‌تر می‌شد. در نتیجه این سیاست ۸۰ درصد بودجه دولتی و نیز بخش بزرگی از درآمد‌های غیر بودجه‌ای دولت صرف هزینه‌های نظامی و تجهیز ارتش و شهر یانی و ژاندارمری با سلاح‌های آمریکائی و پرداخت حقوق مستشاران و کارشناسان و تأسیس راه‌ها و فرودگاه‌های نظامی و غیره می‌گرفت (۲). " برنامه هفتساله" در این جهت پیش‌بینی شده بود.

تمام این هزینه‌ها بحساب افزایش مالیات‌ها و بخصوص مالیات‌های غیر مستقیم که فشار آن بر دوش زحمتکشان بود، انجام می‌گرفت. علاوه بر اداریات دولتی دست‌بکار تصفیه شده بود. در این کار دو هدف وجود داشت: خلاص شدن از عناصر نامطلوب برای دولت و کاستن از کمربند بودجه. در سال ۱۳۲۸ وزارت مالیه بنهائی ۶۰۰۰ نفر از کارمندان این وزارتخانه را که باخانواده‌های خود بالغ بر ۳۴۰۰۰ نفر می‌شدند، اخراج کرد (۳). حقوق استادان دانشگاه، معلمین و کارمندان کاهشی یافت. دست‌مزد کارگران در معرض بیرونی فرار گرفت.

باینجهت، پس از آرامش نسبی یکساله که در نتیجه اختلال موقت در کار نیروهای دیکتاتریک و تور شد بدست آمده بود، جنب‌وجوش تندرجی و موج روزافزون اعتصابات کارگران و کارمندان و دانشجویان کشور برافرا می‌گرفت. در روز افزونی از مردم می‌دیدند که چگونه مصالح حیاتی آنان فدای منافع آتش‌افروزان جنگی

(۱) روزنامه "کارگر باکو"، اول مارس ۱۹۵۰

(۲) روزنامه "موج" "За прочный мир, за народную демократию" ، شماره ۳۹/۲۸ ، سپتامبر ۱۹۵۰

(۳) همانجا

می‌گردد. باینجهت در روزهای همسنگی بین المللی و بخصوص در روز اول ماه مه ۱۳۲۹ تعداد زیادی اعلامیه به پشتیبانی از صلح پخش گردید. برد یوارهای خانه‌های تهران از جمله برد یوارهای کسارخان سلطنتی، و نیز سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس شمارهای بشرح زیر نوشته شد: " مرگ بر استعمارگران آمریکائی"، " مردم ما مانا می‌خواهند نه توپ"، " ما هرگز تکیه اتحاد شوروی نخواهیم چنگید"، " درین حال مبارزه میان آمریکا و انگلیس بیش از پیش عیان می‌گردد. از یکسو انگلستان بسیاری

حفظ نفوذ مستی خود میان د اردوسته حاکمه و نیز برای حفظ نفت جنوب و ازسوی دیگر امریکای تخریب مواضع انگلستان و بخاطر تجدید توزیع منافع نفتی کشور مبارزه می‌کند. این رقابت امپریالیست‌های انگلستان و امریکا اثر خود را بر تمام اقدامات طبقات حاکمه ایران باقی می‌گذارد. دعوت شاه به انگلستان و پاکستان و سپس به امریکا، باز بدروسای کشورهای غربی از ایران، سفر مقامات عالی‌رتبه انگلستان و امریکا نظیر ژنرال کولمنس، رئیس ستاد ارتش امریکا یا ژنرال کروگر فرمانده کل نیروهای زمینی انگلستان درخوارزرد یک به ایران و غیره نمونه آن بود.

این مبارزه بهنگام انتخابات دوره ۱۶ که مهابت مسئله نفت جنوب راجل‌کنند، حدت خصامی یافت. انتخابات دوره ۱۶ عامل بسیار مهمی بود که تأثیر بزرگی در تغییر مسیر حوادث داشت. این انتخابات سرشار از حوادث و تصادمات بود (۱).

انتخابات مجلس سناتور شورا در یک زمان آغاز گردید. انتخابات سناتور است نامتوانست مورد توجه خاص باشد، زیرا قانون شرکت عمومی توده‌ها را در این انتخابات پیش‌بینی نکرده بود. انتخاب ۱۵ نماینده ایالات طبق مراسم پیش‌بینی شده انجام گرفت. ولی در تهران که ۱۵ نماینده دیگر مهابت برگزید. شونده کار به آرامی نگذشت. میان ۷۵ نفری که در مرحله اول انتخاب شدند چند عنصر " نامطلوب" که علیه دولت ساعد و طرفدار حل مستشاران یکال مسئله نفت بودند، از جمله دکتر صدق‌پور بودند. باینجهت دولت طبرغم اعتراضات گروه‌های مخالف مرحله دوم انتخابات را یک ماه به تأخیر انداخت تا بتواند به نمایندگان درجهت لازم اعمال نفوذ کند و این کار را انجام داد.

کار انتخابات مجلس شورا جدی‌تر بود. حزب توده ایران نامتوانست در انتخابات شرکت نکند و اعلام کرد که انتخابات زادشرایط نقد آن آزاد بهای دیکتاتریک و وجود فساد و تقلب تحریم می‌کند. بااینهمه مبارزه بخاطر کرسی‌های مجلس در شرایط ناراضی عمومی و مبارزه د و امپریالیسم و همراه با آن مبارزه میان د اردوسته‌های داخلی آنها شدت یافت. در بسیاری از استانها کار به زد و خورد های خونین منجبر شد. در مشهد و کرمانشاه (که احتشامی نامزد نمایندگی در آنجا زنجی شد) اغتشاشاتی روی داد. در زنجان زد و خورد خونینی پیش آمد. در شهر لار که مردم از جریان " انتخابات " بهشم آمده بودند، محل‌جوزه انتخاباتی را فوراً بران کردند. صندوق انتخابات را آتش زدند، اوراق رای را از بین بردند و سه نفر اعضای انجمن نظارت انتخاباتی را بقتل رساندند. در این مبارزه عده زیادی کشته و زنجی شدند. در بسیاری از شهرستانها نیز این قبیل حوادث پیش آمد.

در تهران وضع جدی‌تر نبود. در همان آغاز انتخابات میان اعضا " همیشه نظار اختلاف نظر پیدا شد که باعث گردید انتخابات یک ماه به تأخیر افتد. دولت برای تقلب در انتخابات تداریک آشکار می‌دهد. این امر موجب اعتراض ایوب‌میسون سابق مجلس برهبری صدق‌پور گردید.

در ۲۳ شهریور ۱۳۲۸ در منزل صدق‌پور صاحب مطبوعاتی برگزاشد که در آن اکثر بدبران روزنامه‌های تهران و نیز عده‌ای از نمایندگان ایوب‌میسون شرکت کردند. مکی و نماینده سابق مجلس در سخنان خود گفت که علیرغم اعلام رسمی وزیر داخله، در ایران هیچگونه آزادی انتخابات و بطور کلی

(۱) روزنامه " مردم " ، ۷ فروردین ۱۳۲۹

همچگونه آزادی وجود ندارد. صهی صدق در سخنرانی خود " مجلس موسسان " را محکوم کرده و تصمیم می‌برود که از حق حلال مجلس رایب شاه انتقاد نمود. صدق اعلام داشت که تصویب قانون مطبوعات توسط مجلس با نرد هم، یکی از اصول قانون اساسی، یعنی آزادی مطبوعات را نقض میکند و در کشور آزادی انتخابات وجود ندارد. سپس آزاد و یقانی، نمایندگان سابق مجلس نیز سخنرانی کردند (۱).

صدق در مرمعه‌ها عده‌ای از بدبران و نمایندگان جراند راد عوت کرده و با آنان در باره انتقاد تند دیگری برای تعیین آزادی انتخابات مذاکره نمود. هیئتی ۷ نفره (مرکب از بدبران روزنامه‌های اقدام، ستاره، باختر امروز، داد، جبهه، کثیر و حسین کی) برای تهیه برنامه عمل تشکیل شد. در ۲۱ مهر ۱۳۲۸ این هیئت تصمیم گرفت که به دربار رفته در آنجا متحصن شوند و شمشیر و کلت و اسلحه را نیز برای تعیین آزادی انتخابات را درخواست نمایند. روز ۲۲ مهر صدق از تمام احزاب سیاسی، روحانیون، رجال سیاسی، بازرگانان، پیشه‌وران، محصلین و از تمام قشرهای مردم دعوت نمود که در ۲۳ مهر برای پشتیبانی از مطالبات آنان در نزد پلک کاخ سلطنتی تجمع نمایند. از میان کسانی که روز بعد در کاخ تجمع کرده بودند، ۲۰ نفر برای تحقق مطالبات در دربار باقی ماندند. ولی پس از چهار روز اقامت بی‌نتیجه در آنجا، دست‌انگشت‌گفتند (۲). نتایج نتیجه عملی این اقدامات تشکیل "جبهه ملی" بصورت سازمان نامشخصی بود که نه برنامه و نه آئین نامه داشت. این جبهه در اوایل جمع کردن عده هر چه بیشتری از طرفداران خود را در مجلس، نتایج حاصله خود قرار داد. بود.

در این زمان بدبران انتخابات آغاز شد. مطبوعات تهران پراژ اخباری بوط به اعمال تقلب در انتخابات بود. در باره این تقلب‌ها شواهد فراوانی ذکر می‌شود. روزنامه‌ها خبر میدادند که خبرنگاران آنها رایب محل صدق و رایب انتخاباتی راه نمیدهند و این صدق و رایب با آرا اضافی برمیکنند. مثلاً روزنامه "داد" خبر داد که در ۲۷ مهر در صدق و رایب انتخاباتی مسجد لولاقر فقط ۲۸۳ رای ریخته شده بود، ولی در ۲۸ مهر تعداد آرا ناگهان به ۱۸۵۰ برگ رسید. پادرسجد اکباتان در ۲۸ مهر فقط ۱۱۸۱ رای داده شده بود، ولی در جمع‌روز بعد تعداد آنها به ۲۱۸۱ رسید. همین روزنامه خبر میدادند که رئیس هیئت نظار خود اعلام داشت که در غیاب او دست‌دسته رای به صدق ریخته شد ماست (۳). با اینهمه پس از گذشتن صدق و معلوم شد که برخی از افراد اپوزیسیون برای انتخاب شدن رای کافی بدست آورده‌اند. چنانکه پس از یک هفته که در حدود ۱۴ هزار ورقه انتخاباتی شمارش شده بود، معلوم گردید که ۶ نفر از اپوزیسیون و از جمله صدق بیشترین آرا را بدست آوردند. شمارش آرا بمنظور تعیین صدق و رایب انتخاباتی متوقف گردید. باینجهت صدق به دربار رفت و از هنر و هنر دربارخواست که همراه او به مسجد سپهسالار برود. تا ببینند در آنجا چه می‌گذرد. ولی هنر - سراسر ایسن درخواست صدق را رد کرد.

هنر، وزیر دربار در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ در مجلس روزه خوانی، که در مجلس سپهسالار برگزار بود، باشلیک گلوله از سلاح کمری از پای درآورد. قاتل شخصی بنام امای، عضو گروه نیرویی شد آنگاه اسلام " بود. امای درگذشته نیز کمروی، مورخ و روزنامه‌نگار و وکیل دعاوی را بقتل رسانده بود. در تهران بلافاصله حکومت نظامی که قبلاً بملت انتخابات موقوفه نشده بود، برقرار کرد. دولت برای ارباب مردم عده‌ای از افراد وابسته به "جبهه ملی" را بازداشت کرد. در باره این تیر که در سال‌های اخیر نظایر آن کم نبود، تفسیرهای زیاد انجام گرفت. دولت کوشید از این حادثه برای تعرض تازه

(۱) روزنامه "کارگریا کو"، ۲۰ مه‌ماه ۱۹۴۹

(۲) روزنامه "اطلاعات"، شماره ۳۱، ۷۰۰۴، مهر ۱۳۲۸

(۳) نقل از روزنامه "کارگریا کو"، ۲۸ اکتبر ۱۹۴۹

استفاده کند. ولی از آنجا که حزب توده ایران بطور صریح فعالیت میکرد و سازمان متشکل در کرانه‌ها دیگری برای سرکوب و ایجاد سرسود ادرا طرف آن وجود نداشت، دولت بهمین بازداشتها اکتفا کرد و بزودی نیز ناچار گردید آنان را آزاد کند.

با اینهمه این تیر در جریان حوادث تأثیر مینماید داشت. هیئت نظار مرکزی تهران در ۱۹ آبان ۱۳۲۸ طی اعلامیه‌ای انتخابات تهران را باطل کرد. در این اعلامیه با توضیح تمام گفته میشد: از طرف بعضی گروهها آرا اضافی به صندوقها ریخته شده بود. گزارش سه روز اول انتخابات نشان میداد که به هر صدق و روزانه بطور متوسط ۲۰۰ برگ انتخاباتی ریخته شده است، ولی در روزهای چهارم و پنجم بیش از ۱۵۰۰ برگ، چیزی که عملاً غیر ممکن است ۱۰۰۰ از طرف دیگر عده‌ای تحت عنوان اینهمه میلیون‌ها کارت کتل را ناد خالت در امور هیئت نظار رساندند که باعث اختلال نظم در محل کار هیئت نظار میشد ۱۰۰۰ بیش از همه خرید آرا ۱۰۰۰ باینجهت انتخابات طبق ماده ۴۴ قساوان انتخابات، باطل می‌شود. (۱)

ابطال انتخابات تهران نقشه ارتجاع و بیش از همه شاه را برهم زد. شاه در نظر داشت از " نیرویی " کامل در انتخابات بنابه برگ برنده‌ای در ط اکران با امی استفاده کند. چنان‌که این قرار بود که شاه پس از سفر به انگلستان بوسیله نیروی رئیس جمهور ایالات متحده به امی دعوت شده بود. رقابت بین انگلستان و امی نقش اساسی در این دعوت داشت. اهمیت شاه در نظر دور هیئت امین هیئت، بعلت بالا رفتن روز افزون نقش او در دستگاه ارتجاع ایران، افزایش میبافت.

امی که با وجود تمام مساعی خود نتوانسته بود که دولت ایران را از زیر کنترل انگلستان خارج کرده و کنترل خود را بر آن برقرار کند، پس از سرکوب جنبش آذ را بجان و سقوط قوام، تمام دلش را از جمله دولت مساعد که یکسال بر سر کار بود، از هواداران انگلستان برداشت. باینجهت علاوه بر کوششهای کسی برای بدست آوردن مواضع معین در مجلس شانزدهم بکار میرفت، جلب دربار و خود شاه نیز برای امی اهمیت جدی داشت.

شاه نیز بجهه خود میکوشید باید دست آوردن مواضع حکمتری در مجلس شرایط مساعد تری بسرای خود دست یابند. باینجهت سفر شاه به امی که به پایان یافتن انتخابات موقوف شده بود. او در نظر داشت پس از مراسم افتتاح مجلس عازم امی بشود.

ولی پس از آنکه حوادث تهران، که انتخابات آن اهمیت جدی برای مجلس دارد، شکل دیگر بخود گرفت، شاه تصمیم گرفت، سفر خود رایب امی که بمقوب نیندازد و در ۲۴ آبان با هواپیما - ای اختصاصی ترومن عازم امی نگردد.

نتیجه سفر شاه عده‌هایی بود که در باره "کله" نظامی و اقتصادی امی و اطعای وام بوسیله بانک جهانی به او داده شد. بطوریکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در دهمه ۱۳۲۸ گفته میشود، این بمعنای گامی بود که در جهت تبدیل ایران به پایگاه نظامی علیه کشورهای سوسیالیستی و تحمیل وام‌های اسارت‌آور، می‌کردن ایران از مشاوران امی کاشی و تبدیل کشور به بازار فروش و مستعمره امی برگردانده می‌شد (۲).

ولی امی با الحیم امی که در مورد بدست آوردن بخشی از منافع انگلستان نمیتوانست فقط به عده‌های شاه اکتفا کند، برای آن برداشتن گامهای حقیقی در این جهت لازم بود. در وهله اول دولتی که بتواند امتیاز نفت جنوب را بفرم کند و منابع نفتی را بطور عده بدست انحصارات امی کاشی بسپارد.

(۱) روزنامه "اطلاعات"، ۱۹ آبان ۱۳۲۸

(۲) روزنامه "مردم" شماره ۱۴، ۱۲ دی ۱۳۲۸

شاه بلافاصله پس از بازگشت به ایران در جهت انجام دهد و های خود گامهای معینی برداشت. ولی او میگوید به منافع انگلستان لطمه ای وارد نماند. در دولت ساعد تغییراتی در این جهت دادند. این کارزمانی انجام گرفت که تا افتتاح مجلس مدت زیادی باقی نمانده بود و دولت میتوانست مسا افتتاح مجلس صبر کند.

ولی کابینه جدید هم بطور صد هود ارا انگلستان بود. با نتیجه این تغییر نمیتوانست ایالات متحد ه امریکارا ارض کند ، آن چنینکه در مطبوعات نیز منعکس گردید. روزنامه " ارشاد ملت " کسه طرفه ارا امریکاجود در اینمورد نوشته که ایالات متحد ه امریکاناراضی است و باترکیب کنونی کابینه وزیرا که امریکاییان رافانع نمیکند ، مشکل است که ایران بتواند از امریکاکله دریافت دارد و پس از پسا نکه جهانی وام بگیرد. در عین حال این روزنامه پیشبینی میکرد که کابینه جدید زود تر از آنچه که انتظار میرود ، استعفا خواهد داد و پس از افتتاح مجلس دولت جدیدی بجای کابینه ساعد سرکار خواهد آمد.

انتخابات مجدد تهران که در ۱۹ بهمن ۱۳۲۸ آغاز شد چند ماه بطول انجامید. با نتیجه مجلس در ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ افتتاح گردید. در عین حال مجلس سنای نیز کار خود را شروع کرد. افتتاح جلسات مجلس برخلاف روشی بود که تا آنزمان سابقه داشت. زیرا تا آنزمان هیچکس از دوره های مجلس بدون حضور نمایندگان تهران افتتاح نشده بود. قانون اساسی برای نمایندگان تهران اهمیت خاصی قائل بود. مطابق قانون اساسی ، اگر انتخابات تهران زود تر از سایر نواحی انجام میگرفت ، نمایندگان تهران نمیتوانستند مجلس را منعقد کنند و به طاکره ببرد ازند. این نوعی امتیاز برای نمایندگان تهران بود. ولی اگر انتخابات تهران دیرتر از سایر نواحی پایان مییافت ، افتتاح مجلس ، بنا بر سنت و سابقه ، تا انتخاب نمایندگان تهران بتمویق میاناد.

این شتابزدگی از آنجهت بود که دولت احساس میکرد که در نتیجه تجدید انتخابات تهران چنانچه اینهمیسیون مجلس تهیهت خواهد شد و این امر مانع بقای دولت خواهد بود. ولی دولت ساعد ، حتی در در لفظ آن یک اینهمیسیون نیرومند ، بد شوازی نمیتوانست خود را حفظ کند. برنامه کابینه جدید دولت ساعد از طرف مدعیان زمانندگان شد بد انتقاد شد. آشتیانی زاده ، یکی از نمایندگان در سخنرانی خود گفت : هزاران نفر از اهالی آذربایجان و خراسان و خوزستان و کرمان در گرسنگی و فقر بسر میبرند طبق ارقام آماری ، در سال اخیر ۵۰ نفر بجهت گرسنگی ونداشتن وسیله زندگی خودکشی کرده اند. سیاست دولت عمارتست از مختل ساختن عماله کشور و مجازد اشتهن وارد کنندگان خارجی به برگردن بازارهای کشور با البامهای کینه و کالاهای خرازی ساخت خارجی در حالیکه موسسات صنعتی ایسران دچار ورشکستگی و معطل هستند (۱).

دولت ساعد که در ۲۸ اسفند نتوانست رای اعتماد بدست آورد اجبارا استعفا داد. علی منصور جانشین او گردید. ولی با این کار نیز سمت گیری سیاسی دولت چند ان تغییر نکرد. علی منصور یکسی از رجال سیاسی قدیمی بود که بارها مقامات نخست وزیری و وزارت و سفارت و استانداری را بعهده داشته است. این سیاستدار کهنه کار نیز سمت گیری کاملا انگلیسی داشت ، فقط با این تفاوت که با نریش و بزرگی بیشتری از ساعد نمیتوانست در عرصه سیاست خارجی مانور دهد.

انتخابات مجدد تهران در اردیبهشت پایان یافت. با اینکه در این انتخابات نیز تمام تقابلهای و رای خریدن های گذشته تکرار شد ، " جبهه ملی " نتوانست ۸ کرسی از ۱۲ کرسی تهران را بدست آورد این عده با سایر نمایندگان که با " جبهه ملی " ارتباط داشتند ، فراکسیون نمایان نیرومندی را در مجلس بوجود آوردند.

(۱) روزنامه " کارگر باکو " ، ۹ مارس ۱۹۵۰

بر پایه این مطبعت ، شرکت قشرهای بیرونی ملی و عناصر خرد و بیرونی در جنبش دانه وسیع تر بخود گرفت . فراکسیون " جبهه ملی " در مجلس عملا به همت سازمانی بخش مبارز بیرونی ملی و قشرهای بیرونی بدل شد.

مسئله نفت و مبارزه علیه سازش با شرکت نفت در مرکز توجه نیروهای جنبش آزاد بخش ملی قرار گرفته بود . دولت ساعد قبلا " فراراد الحاقی " را که باصفا گلشائیان ، وزیر عماله و کس ، نایب رئیس شرکت نفت رسیده به " فراراد ادگس - گلشائیان " شهرت یافته بود ، تسلیم مجلس کرده بود . این فراراد فقط مربوط به محاسبات مالی بود و هیچ چیز قابل توجهی به ایران نمیداد.

" فراراد الحاقی " با موج اعتراض مردم روبرو شد و مجلس در وهه پایند هم جرات نکرد آنسرا نهیب کند . در این موقع تا پایان دوره پایند هم لفظ ده روز باقی مانده بود و نمایندگان مجلس نمسی - خواستند پیش از انتخابات جدید به چنین کاری اقدام کنند . مجلس با املا م اینکه وقت کافی نیست ، از تصویب آن شانه خالی کرد.

اکنون دولت منصور " فراراد الحاقی " را از نو برای بررسی به مجلس آورد. ولی وضعی اندازه وخیم شد و جنب و جوش بزرگی احساس میگردد. در ۶ خرداد ۱۳۲۹ ، در آستانه مذاکرات مجلس ، احد در هقان ، نماینده مرتجع مجلس و بدیرجمله " تهران صحر " که بملکت نوشته های تحریک آمیز خود شهرت داشت ، با شلیک گلوله شخصی بنام حسن جعفری بقتل رسید. در چنین اوضاع و احوال ، مجلس جرات تصویب نفی فراراد را در خود نداشت. لایحه فراراد در ۳۰ خرداد برای بررسی به کمیسیون نفت مجلس فرستاده شد . ریاست این کمیسیون بادکتر صدق بود و عده ای از نمایندگان اینهمیسیون نیز در آن شرکت داشتند. معلوم بود که حل مسئله مدت زیادی طول خواهد کشید. نه در بار شاه و نه شرکت نفت نمیتوانستند با این امر موافقت کنند.

دولت منصور که نتوانست بود حل این مسئله را تسخیر کند ، ناچار به استعفا گردید. در ۵ تیرماه ۱۳۲۹ دولت رژیم آرا سرکار آمد. رژیم آرا بوسله نیروهای هواد ارا انگلستان ، از جمله بوسله دیار شاه برای حل نهایی مسئله نفت سرکار آمد. با اینکه شاه پس از سفر خود به امریکامیخواست که قسمتی از عده های خود را انجام دهد ، ولی اعتدای موج جنبش مردم او را پیش از همه د چارو حش کرده بود . امریکانیز در اینده به ارضاه فقط قسمتی از مطالبات خود در مورد انگلستان اکتفا نمیکرد. امریکاسیاست بیرون راندن کامل رقیب راد رهش گرفته بود. این وضع نمیتوانست در آغاز تاحدودی با ضایع جنبشی تطبیق کند ، ولی در بار شاه به آن راضی نبود.

با نتیجهت شاه به مسکی نظیر انتصاب رژیم آرا به نخست وزیری دست برد. رژیم آرا که بسار همط ریاست ستاد ارتش را بعهده گرفته بود ، در عین حال سیاستدار ابراهری بود. بدتها این شایعه وجود داشت که رژیم آرا میکوشد تمام قدرت را بدست بگیرد و شاه را برکنار کند. با بدگفت که این تنها شایعه نبود بلکه حقیقت بود. بهمن جهت رژیم آرا بارها مورد غضب و انکار اوضاع و احوال ایجاد میگردد ، د و بسار ه مورد مهر شاه قرار میگرفت. این واقعیت که بانواق خود شاه اختیارات تقریبا محدودی به رژیم آرا داده میشد ، جدی بودن وضع ارتشان میداد.

سرکار آمدن رژیم آرا طوفانی از خشم برانگیخت. روزنامه هانوشند که این کار معنای آغاز بفراری رژیم د پکتانوری در کشور است. صدق در ۶ تیر ۱۳۲۹ تطبیق در مجلس ابراد کرد و اعلامیه های " جبهه ملی " و آبت اله کاشانی را که در آن موقع با " جبهه ملی " همکاری داشت ، قرائت نمود. در اصلاحیه " جبهه ملی " نحوه سرکار آمدن رژیم آرا بمثابة تعرض به قانون اساسی و ستن مشروطیت ازنهایی شده بود. که حق حاکمیت و استقلال کشور و آزادی مردم را بحظر میاندازد. در اعلامیه گفته میشد که " جبهه ملی " با دولتی که تحت فشار خارجی ها و ظیورم افکار صیومی سرکار آمده است ، نمیتواند موافقت کند. در اعلامیه

کادمانی نوزگفته میشد که دولت میخواهد با کمک اجنبی کشور را اداره کند (۱) - برخی از نمایندگان نیز در زمینه سخنرانی کردند و حضور و ولت در مجلس با استروکسیون نمایندگان "جبهه ملی" مواجه شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران در ۱۲ تیر اعلامیه ای بنسابت سرکاردن رژیم آرا منتشر کرد و آنرا توطئه جدید بد شمنان داخلی و خارجی مردم ایران علیه آزادی و استقلال کشور بنظر استوار قرار داد. استبدادی و نظامی و غارت منابع نفتی ایران از پایه نبود (۲) - در این اعلامیه گفته میشد که در اینجا جبهان د و امپریالیسم زد و بند انجام گرفته است. ولی اگر این حکم در باره نقشه های نظامی امپریالیسم صادقی بود، در مورد منافع اقتصادی و سیاسی امریکا و انگلیس، چنانکه آینده نشان داد، بسا واقعیت تطبیق نمیکرد. هیچک از رجال سیاسی که سابقا سرکار آمد، به آن آشکاری که رژیم آرا از مواضع انگلستان دفاع میکرد، عمل نکرده بودند. رژیم آرا در مورد زد و بند با شرکت نفت، بلافاصله به موضعی قاطع بسود انگلستان برداخت.

فرانکسیون "جبهه ملی" علیه این موضعی دولت به مبارزه برخاست. ولی "جبهه ملی" هنوز با استناد به قانونی که در زمان قوام السلطنه بتصویب مجلس رسیده بود، فقط شعار "استفای حقوق مردم ایران" را مطرح میکرد.

ولی حزب توده ایران توده هارا زیر شعار "الغای امتیازات جنوب و طرد انگلیس ها" بسیج میکرد. حزب در همین حال برای تحکیم ارکان سازمانی خود فعالیت شد بد انجام میداد. در ۲۵ آذر ۱۳۲۹ در تاریخ حزب توده ایران حادثه بسیار مهمی روی داد. حزب فرار تمام اعضا "کمیته مرکزی و خسرو ریژه"، رهبر برجسته سازمان افسری راز زندان "قصر قاجار" ساز مسان داد. اگر برای حزب اهمیت حادثه در آزادی رهبران حزب و تحکیم دستگاه رهبری بود، برای ارتجاع علاوه بر آن، چگونگی این فرار نیز حائز اهمیت بود. این حادثه از آنجهت نیز که در زمان نخست وزیری رژیم آرا انجام گرفته بود، اهمیت خاصی کسب میکرد. جریان فرار شرکت سازمان وسیعی از افراد نظامی و شهریانی را که باید در اختیار حزب توده ایران باشد، به ثبوت میرساند. * بهر حال این حادثه وجود یک شبکه مخفی را که بخشی سازمان یافته و نیز تحرك آنرا ثابت میکند.

این حادثه تمام مخالفتها را به همچنان آورد و در برآورد تهن نقاط کشور انعکاس یافت. این رویدادی بود که در مرکز توجه هم دوستان و هم بد شمنان حزب توده ایران قرار گرفته بود و در مجلس در باره آن بحث و مذاکره خاص بعمل آمد.

دستگاه دولتی باتمام نیروی خود به جستجوی زندانیان فراری پرداخت. خطوط تلگراف در سراسر کشور طی چند روز به ارسال دستورات لازم جهت دستگیری "فراریان" مشغول بود. ولی اعضای کمیته مرکزی که از زندان آزاد شده بودند، در تهران باقی ماندند و سرگرم فعالیت شده بودند. این امر کار رهبری حزب را بسیار تقویت میکرد. رهبری توانست کارها را بهتر تقسیم کند و گسترش دهد و همپهتر از همه توانست کار خود را با وضع غیرطبیعی بهتر هماهنگ سازد.

حزب ضمن تحکیم سازمانهای خود به کار تفریق فعالیت طنی با فعالیت غیرطنی پرداخت. حزب در سازمان هائی که بطور طنی تشکیل شده بودند نفوذ میکرد و در عین حال بکلیت شبکه وسیع حزبی به ایجاد سازمان های طنی جدید پاری میرساند. باین ترتیب نفوذ حزب در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی پیوسته میشد.

(۱) روزنامه "برآورد" ۲۹ ژوئن ۱۹۵۰

(۲) روزنامه "سردم" شماره ۴۰، ۱۲ تیر ۱۳۲۹

* توضیح خارج از متن برای اطلاع: در اینجا بعنوان زیر نویس خلاصه ای از نوشته های روزنامه صدآ در ۲۰ و ۲۱ تیر ۱۳۲۹ که تقریباً یک صفحه تمام رساله راد بر میگیرد، از ترجمه خود در این

حزب از بهار سال ۱۳۲۹ علاوه بر مطبوعات غیرطنی و بانشریات طنی که با شرکت غیر مستقیم آن تهیه میکردید، اختیار چند روزنامه را نیز بدست خود گرفت که از میان آنها روزنامه "بسیوی آینده" بطور منظم چاپ و منتشر میشد. این روزنامه که بطور رسمی ارتباطی با حزب نداشت، صلا به ارکان طنی حزب محدود شد. این روزنامه تقریباً در همان ماههای اول انتشار خود در ردیف روزنامه های درجه اول پایتخت قرار گرفت و اخبار و نفوذ بسیار کسب کرد. این روزنامه بتدریج از لحاظ تیراژ نهاده بود و یک پرتیمسراژ تهن روزنامه هارا قرار گرفت. انتشار روزنامه "بسیوی آینده" که بارها بوسیله دولت توقیف شد، تا کوه تیبسی فاشمستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حتی یک روز هم توقیف نشد. این روزنامه هر بار پس از توقیف بسانام دیگری انتشار مییافت. "بسیوی آینده" طی ۴ سال انتشار خود، در حدود ۱۰۰ بار نام خود را عوض کرد. در دیماه ۱۳۲۹ با پشتیبانی حزب توده ایران "جمعیت ملی مبارزه با شرکت استعماری نفست جنوب" تشکیل شد. این در واقع یک سازمان طنی برای هماهنگ ساختن مبارزه طبقاتی علیه امپریالیسم بود. روزنامه "شهباز" ارکان مطبوعات این جمعیت بود. بطوریکه در آینده خواهیم دید، این سازمان که دو بار تغییر نام داد، در بالابردن سطح آگاهی مردم و جلب آنان به مبارزه در راه استقلال طنی و طرد امپریالیستها از کشور نقش برجسته ای ایفا کرد. این جمعیت در مبارزه نفت به عامل مهمی بدل شد. حزب توده ایران با تلفیق فعالیت خود با فعالیت این جمعیت توانست توده های وسیع مردم را بسرا ی مبارزه طنی بخاطر حقوق خود بسیج نماید.

از اواسط سال ۱۳۲۹ توده های وسیعی از مردم به مبارزه در راه نفت جلب شدند. آمادگی برای مبارزه وسیعتر و قطعی تر علیه امپریالیسم احساس میشد. شعار "طی کردن صنعت نفت در سراسر کشور" در دستور روز قرار گرفت.



حزب در مبارزه بنیاد ملی کردن صنعت نفت

۱- شرکت نفت ایران و انگلیس بشا به يك موسسه امپریالیستی

دراواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ سرمایه داری به غالبترین مرحله خود، امپریالیسم که تسلط سرمایه مالی مشخصه آنست، وارد گردید. لندن میگوید:

"قرن بیستم نقطه تحولی است که در آن سرمایه داری قدیم به سرمایه داری نوین و سادات سرمایه بطور کلی به سادات سرمایه مالی تبدیل میشود." (۱)

در يك سلسله از کشورها، سرمایه مالی برای خود عرصه فعالیت پیدا نمیکند و

"... سرمایه اضافی بصرف ارتقا سطح زندگی توده های کشور معین نرسید و (زیرا این امر موجب تنزل سود سرمایه در آن میشود)، بلکه بصرف ترقی سود از طریق صدور سرمایه به خارج یعنی به کشورهای عقب مانده میرسد..." (۲)

در این زمان تقسیم و تجدید تقسیم مستعمرات و تقسیم جهان به " مناطق نفوذ " و بگفته لنین تقسیم جهان به مناطق معاملات سود آور و اشیا زات و مناطق انحصاری آغاز میشود. امتیازی که شرکت نفت ایران و انگلیس بر پایه آن بوجود آمد، نمونه بارز این قبیل معاملات سود آور و امتیازات بود. تاریخ ۵۰ ساله شرکت نفت ایران و انگلیس عواقب رسوخ انحصارات سرمایه داری را در اقتصاد کشورهای عقب مانده و شیوه های غارت و اسارت وحشیانه این کشورها را بخوبی نشان میدهد.

در باره شرکت نفت ایران و انگلیس مطالب بسیار نوشته شده است. ما در اینجا فقط در بسیاره جوانب اساسی و نمونه وار فعالیت آن مختصر صحبت میکنیم. ایران که شرکت نفت ایران و انگلیس در آن پایه گذاری شد، از لحاظ منابع نفت بسیار غنی است. در باره منابع مشکوف نفت ایران ارقام مختلف وجود دارد. بر پایه این ارقام میتوان گفت که از ۹ تا ۱۳ درصد منابع مشکوف جهان سرمایه داری در ایران فرا گرفته است.

توزکز جاهایی نفت و بازده عالی آنها از ویژگیهای منابع نفتی ایران است. در سال ۱۹۴۹ میزان نفت، سالانه يك چهارم در ایران ۳۴۷ هزار تن، عمیقان سعودی ۳۰۰ هزار تن، کویت ۲۴۹

(۱) لنین، آثار منتخبه، بزبان فارسی، جلد اول، قسمت دوم، صفحه ۵۶۴

(۲) همانجا، صفحه ۵۸۸

هزارتن، و نیز ۱۲ هزار تن و ایالات متحده امریکا فقط ۶۰۰ تن بود. بنابراین بازده متوسط يك چاه در ایران ۵۷۸ برابر امریکا و ۲۹ برابر ونزویلا است (۱)

علاوه بر این بازده عالی که هزینه تولید را بسیار کاهش میداد، شرکت نفت با استفاده از وضع نیمه مستعمره و نیمه فئودال ایران امکان بدست می آورد که بحساب استثمار غیر انسانی کارگران و پرداخت حد اقل دستمزدها، هزینه تولید را به حد اقل ممکن برساند. دستمزدها کارگران ایران، با وجود طولانی بودن روزکار، ۶-۷ بار کمتر از دستمزدها کارگران اروپا و امریکا بود. مصطفی فاتح در کتاب خود " پنجاه سال نفت ایران " رابطه شرکت نفت را با کارگران موسسه خود چنین توصیف میکند:

" نظراساسی اولهای شرکت در مورد کارکنان خود این بود که به ارزاترین قیمت از خد ما آنها استفاده کنند و حد اقل مخارج را برای رفاه و آسایش آنها بصرف رسانند." (۲)

د دستمزدها کارگران نفت تا سال ۱۹۴۱ که توانستند ۵ ریال به آن اضافه کنند، در سطح سال ۱۹۲۹ باقی مانده بود. حال آنکه در این مدت هزینه زندگی دو برابر افزایش یافته بود.

از آنچه گفته شد معلوم میشود که ثروت افسانه آمیز شرکت نفت از کجاست همین میشود. اگر اولین کمی نفت یعنی " فرست امپلواتیشن کمپانی " که بوسیله ولهام و درسی تا " سیس شد فقط ۶۰۰ هزار لیتره انگلیسی سرمایه داشت، سرمایه شرکت نفت در سال ۱۹۵۰ به ۲۰۰ میلیون لیتره بالغ شده بود. منابع انگلیسی در سال ۱۹۴۹ سرمایه شرکت را ۴۷۲ ۷۵۳ ۱۷۶ لیتره تعیین کرده بود. (۳) مطابق آخرین ترانزاکشن میوه به عملکرد سال ۱۹۵۴، مجموع دارایی کمپانی به بیش از ۳۵۰ میلیون لیتره بالغ میشود. در مورد سهام داران عادی شرکت باید گفت که این سهام داران که برای ۸۹۵۰۰۰۰ سهم اولیه خود ۱۲ ۶۲۷ ۵۰۰ لیتره در زمان های مختلف پرداخته بودند، در سال ۱۹۵۴ صاحب ۱۰۰ ۲۸۷ ۵۰۰ سهم به ارزش رسمی ۱ لیتره برای هر سهم بودند، ولی این سهام در بورس لندن در حدود ۶ لیتره معامله میشد (۴)

در باره آهنگ افزایش منابع کمپانی میتوان از روی این ارقام قضاوت نمود: مطابق آمار خود شرکت سود ویژه کمپانی در سال ۱۹۴۶ برابر ۹ میلیون لیتره بود و در سال ۱۹۴۸ به ۲۴ ۶۶۱ ۲۰۰ لیتره بالغ گردید (۵)

ایران که صاحب منابع نفت بود، چه سهمی از این منابع داشت؟ کفایت که در این مورد به تراز- نامه عمومی کمپانی نظری میآیند:

در تمام مدت امتیاز ۶۶۰۰۰۰ ۳۲۶ تن نفت استخراج شد که سود حاصله به ترتیب زیر تقسیم گردید: (۶)

سود خالص سهام داران	۱۱۵ ۰۰۰ ۰۰۰
مالیات بردار دولت انگلستان	۱۷۵ ۰۰۰ ۰۰۰
سرمایه گذاری برای توسعه کار از محل درآمد نفت	۵۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰
درآمد دولت ایران بابت حق امتیاز	۱۰۵ ۰۰۰ ۰۰۰

Коробейников И.И. "Иран. Экономика и внешняя торговля", стр. 77, (۱)
Внешторгиздат, Москва, 1957

(۲) مصطفی فاتح " پنجاه سال نفت ایران "، صفحه ۴۳۳

(۳) روزنامه " داد "، شماره ۱۵۸۵، ۱۲ مرداد ۱۳۲۸

(۴) مصطفی فاتح " پنجاه سال نفت ایران "، صفحه ۲۲۴

(۵) روزنامه " کمپان "، اول نهر ۱۳۲۷ (طبق خبر رسمی شرکت نفت ایران و انگلیس)

(۶) ارقام از " پنجاه سال نفت ایران "، صفحه ۱۴-۱۷

بیمارت د بکر کمپانی در برابر هرتن نفتی که در ایران استخراج کرده بود، پس از کسر تمام هزینه ها بطور متوسط تقریباً ۲ لیره سود برده و به ایران فقط ۱ شیلینگ پرداخته بود؛ در این مورد از کرافام مربوط به آخرین سال بهره برداری (۱۹۵۰) جالب توجه خواهد بود :

سود خالص کمپانی	۱۵۱ ۱۹۳ ۴۴۹	لیره
مالیات بردار و دولت انگلستان	۵۰ ۷۰۶ ۸۸۰	"
سهم دولت ایران بابت حق امتیاز و مالیات	۱۶ ۰۲۱ ۷۳۵	"

کمپانی نفت برای تحکیم مواضع خود در ایران از تمام وسایل تطمیع و فریب و اعمال فشار استفاده میکرد. تاریخ غارتگری شرکت نفت با خریدن مظفرالدین شاه آغاز میشود. برای واگذاری امتیاز ۶۰ ساله نفت ۱۶٪ سود خالص کمپانی، برداشت ۴۰ هزار لیره به مظفرالدین شاه و بده داد شده بود. ولسی او عملاً فقط ۲۰ هزار لیره از سهام شرکت را بدست آورد. خوانین بختیاری نیز که در مناطق همجوار حوزه امتیاز ساکن بودند، بوسیله کمپانی خریداری شدند. سی هزار لیره سهم و ۳ درصد نفع به آنان داده میشد. در ۲ ژوئن ۱۹۰۸ نخستین چاه نفت در ناحیه میدان نفتون فوران کرد. این چاه و جی-سود ذخایر عظیم نفت را در این ناحیه خریدار شد. شرکت نفت ایران و انگلیس تأسیس شد. ویشنون چرچیل وزیر وقت در یاداری انگلستان با در نظر گرفتن اینکه نیروی دریائی نظامی انگلستان به استفاده از سوخت مایع پرداخته و نیز با در نظر گرفتن خطر جنگ، در سال ۱۹۱۴ بخش عمده سهام کمپانی را (۵۲٪) به دولت انگلستان سپرد. به این ترتیب دولت انگلستان نه فقط کنترل خود را بر کمپانی برقرار ساخت، بلکه برای اقدامات تحریک آمیز و دخالته نظامی علیه ایران دستاویزی بدست آورد.

مردم ایران نمیتوانستند به فعالیت غارتگرانه کمپانی نفت تسلیم شوند. ولی هیئت حاکمه اسپران مدتها از این نارضائی توده مردم بسود خود استفاده میکرد و با واگذاری شرکت نفت به برخی عقب نشینی ها مواضع آنرا با قراردادها و تمسکات جدید افزایش مدت امتیاز تحکیم میبخشید.

در سال ۱۹۳۳ نیز وضع چنین بود. دولت ایران در سال ۱۹۳۱ از دریافت سهم خود از عسوا بدت نفت که به ۳۰۷ هزار لیره بالغ میشد، خودداری کرد. کمپانی در این سال فقط بابت مالیات بسراسر ۸۰۰ هزار لیره به دولت انگلستان پرداخته بود. دولت ایران در سال ۱۹۳۲ چنین وانمود کرد که قرارداد با شرکت نفت را فسخ کرده است. این امر با شور و هیجان مردم مواجه شد. ولی بعد مذاکرات زیر پرده میان لرد کدمن و تقی زاده، وزیر مالیه به انعقاد قرارداد جدیدی منجر شد که مدت امتیاز را تا سال ۱۹۳۳ تمدید میکرد (پنجای سال ۱۹۶۱ سابق) و سهم ایران از ۱۶ درصد به ۲۰ درصد افزایش مییافت و درین حال سهم ایران نصف است. کرافام ۷۵۰ هزار لیره در سال باشد که با افزایش سریع میزان استخراج نفت عملاً هیچگونه اشکالی برای کمپانی بوجود نمیآورد.

بعد هادرسال ۱۹۴۹ هنگام استخراج عیاس اسکندری در مجلس، تقی زاده نیز که آنز مسان نمایند مجلس بود، به انتقاد از خود پرداخته و ماهیت قرارداد را آشکار ساخت. او اعلام داشت که امتیاز او در پای قرارداد ۱۹۳۳ نتیجه بن بست بود که در برابر مالیات نمایندگان انگلستان مسان بوجود آمده بود (۱).

ولی این قرارداد نیز تا حدودی که به شایع عمومی شرکت نفت لطمه نزنند، رعایت میشد. مثلاً ماده ۱۶ قرارداد با پیش بینی میگردد که عده کارکنان شرکت که تابع انگلستان هستند باید بتدریج کاهش یابد و ایرانیان جای آنان را بگیرند. با اینهمه تعدد کارمندان خارجی شرکت از ۲۰۰ نفر در سال ۱۹۳۶

(۱) روزنامه "پراود"، ۳۰ ژانویه ۱۹۴۹

به ۲۸۱۴ نفر در سال ۱۹۴۳ و ۴۵۲۰ نفر در سال ۱۹۵۰ افزایش یافت. درین حال از این عده فقط ۷۰۰-۸۰۰ نفر کارهای با مسئولیت داشتند و بقیه در واقع کارگران انگلیسی بودند (۱).

وضع مسکن کارگران وحشت آور بود. شرکت نفت میان کارگران ایرانی و کارگران هندی تمیض قائل میشد. به کارگران ایرانی حد اکثر ۲۰ ریال پرداخت میشد، ولی کارگران هندی ۷۰ ریال در بسافت میکردند. غیره هم ادعاهای پرسر و صدای انگلیسی ها، کارگران آبادان بهترین کارگران سایر نواحی ایران تا همین نمیشدند. اگر کارگران آبادان اندکی بیش از سایر کارگران ایران دریافت میداشتند، در عوض شرایط آب و هوا و کار آنان بمراتب دشوارتر بود. فقط هزینه یخ، که کارگران خوزستان بدون آن نمیتوانستند زندگی کنند، قسمت بزرگی از دستمزد آنان را میبلعید. برای درک ارزش کارگران در نظر استعمارگران انگلیسی، کافی است گفته شود که در قرارداد منعقد با خوانین بختیاری در باره اعزام نیروی کار، گفته میشد که در صورت مرگ کارگر در اثر سوانح، شرکت نفت ۴۰ ریال به خان خسو اهد پرداخت. استعمارکاران طفل در آبادان دامنه وسیع داشت.

باین دلایل موسسات شرکت نفت و بخصوص پالایشگاه آبادان که مرکز تجمع ۳۵ هزار کارگر بودند، کانون جنبش کارگری ایران را تشکیل میدادند. اولین اعتصاب سیاسی کارگران ایران که در آن شا ۱۰ هزار کارگر شرکت داشتند در سال ۱۳۰۸ در این منطقه پدید آمد. در این اعتصاب نه فقط مطالبات اقتصادی (افزایش دستمزد، تعطیل ریز کار، بیمه کارگران)، بلکه مطالبات سیاسی (برسویت شناختن اتحادیه ها و جشن اول ماه مه و غیره) نیز مطرح گردید. اعتصابات تیرماه ۱۳۲۵ و فروردین ۱۳۳۰ نیز که از لحاظ وسعت خود بیسابقه بودند، رویدادهای بسیار مهمی را در تاریخ جنبش کارگری ایران تشکیل میدهند.

شرکت نفت برای جلوگیری از مبارزه کارگران علاوه بر ترفندهای محیلانه و تحریک کارگران علیه یکدیگر رژیم پلیسی سختی در موسسات خود برقرار کرد. به عنوان بطوریکه روزنامه "مردم" در شمسآباد مخصوص خود در زمان اعتصاب تیرماه ۱۳۲۵ خبر داد، شرکت نفت برای ایجاد دسته های نیروی امنیتی علیه کارگران اعتصابی ۸۰۰ هزار لیره تخصیص داده بود.

شرکت نفت در حوزه امتیاز عملاً ولتی برای خود داشت. این شرکت دارای پلیس و فرودگاه و بند و غیره بود. به علاوه تمام دستگاه اداری محل بایستی نمایلات کمپانی را بجا میآورد و طبق دستور آن عمل کند. فاتح روابط مقابل شرکت نفت و استادان آنان را که باید مجری اوامر دولت در محل باشند، چنین توصیف میکند: وقتی دولت استادان را یا مامور عالی رتبه ای به خوزستان میفرستد، چون

"غالب چنین مامور پلیسی اطمنان به دوام ماموریت خودنداشتند، عموماً میگردد که برای حفظ مقام خود پشت و پناهی بدست آورند و وقت م بر هر کار جدید متنبه نمیشوند که در کارهای مربوط به شرکت رضایت خاطر اولیای شرکت را به بهترین نحو فراهم سازند. طولی نمیکشد که شرکت به نمایند خود در تهران اطلاع میداد که مامورین مورد پسند از بهترین مامورین است که تاکنون به خوزستان اعزام شده است. نمایند شرکت هم به سفارت انگلیس مراتب را اطلاع داد و از آنوقت بعد صمی بلوغ میشد که ساسور منبر تغییر نکند و در خوزستان باقی بماند. طولی نمیکشد که مامورین مورد ست به چهارول و غارت مردم میزد و دمار از روزگار آنها بر میآورد. با قاچاقچی ها میساخت و ترتیب کار را بطوری میداد که آنها با کمال سهولت قاچاق وارد کرده سهم عمده ای از استفاده خود را به مامور عالی رتبه منبر ببرد ازند. این مامور عالی رتبه دولت در اندک مدتی

(۱) ارقام از کتاب "پنجاه سال نفت ایران" صفحه ۴۳۳ و ۴۵۶ اخذ شده است.

بهیوتر شده و موجب میشد که مردم فریاد و فغان برآورند که ما چنین ماموری را نمیخواهیم
... ولی وقتیکه دولت میخواست ابراشخیر هد ... مواجه با هواخواهان و طرفداری
شکرت و سفارت انگلیس میشد ... (۱)

نفوذ شرکت نفت در تمام زندگی سیاسی کشور بطور غیر مستقیم نمود ارمیگردید ... عمال شرکت در تمام
شؤون زندگی سیاسی ایران رخنه کرده بودند و حال سیاسی را میخیزدند، به روزنامه هار شو می دادند،
در رمومات و ادارات و احزاب سیاسی نا مطلوب برای کمپانی به خرابکاری میپرداختند، در باره مسائل
مورد علاقه شرکت " افکار عمومی " میساختند و حتی احزاب سیاسی تشکیل میدادند. مثلا خود مصطفی فاتح
از " موجدین " دو آتشه جبهه واحد ضد فاشیست در آغاز جنگ بود و میکوشید به بهانه اینکه متحدین در
مبارزه علیه آلمان هیتلری از سیاست واحد پیروی میکنند، عناصر ضد امپریالیست را در گروههایی که بوسیله
انگلیس ها کنترل میشدند، متحد سازد. فاتح همچنین بقصد خرابکاری به ایجاد حزب با مصطلح موسیای-
لبستی " همراهان " پرداخته بود.

روزنامه " دریا " طالب جالبی نقل میکند که روشنگر یک سلسله از حوادث آرتوز ایران است (۲) این
روزنامه تشریح میکند که چگونه یکی از نمایندگان که به هواداری از انگلستان شهرت داشت، در مجلس
پیشنهاد میکند که برای اعطای لقب " کبیر " به رضاشاه قانون تصویب مجلس برسد و چگونه هنگامی که
مجلس با مسائل مهم و مهمی سرگرم بود این مسئله در دستور کار مجلس قرار میگردد و چگونه بعد ها شرکت
نفت از این قانون مشابه دلیلی استفاده کرده و مدعی میشود که دادن لقب " کبیر " از طرف مجلس به
رضاشاه مؤید قانونی بودن امثال او و لذا قانونی بودن امضا " قرار داد جدید نفت از طرف رضاشاه در سال
۱۹۳۲ است. این روزنامه از وی موسسه ای که از طرف شرکت نفت در تهران بصورت دفتر مطبوعاتی به
رهبری جواهر کلام ایجاد شده بود، پرده بر میدارد. این دفتر وظیفه داشت که در روزنامه های گشام و
کم تیر از مطالبی را که شرکت نفت میخواست به مثابه مدرک از آنان استفاده کند، منتشر سازد. از آنجاکه
این روزنامه ها خواننده ای نداشتند، طالب سدرج در آنها مورد توجه کمی قرار نمیگرفت و لذا شرکت نفت
از عدم واکنش در قبال این مطالب در موقع لازم مشابه دلیلی بسود خود استفاده میکرد.

استادی که پس از طی شدن نفت و تعطیل ششماه اطلاعات شرکت نفت بوسیله دولت صدق و بیست
آمد، اعمال تخریبی شرکت نفت را بخوبی آشکار میساخت. در میان این اسناد، صورت امضای عمال و
جاسوسان مخفی شرکت نفت دیده میشد. اسامی بسیاری از سیاستمداران و وزرای سابق و نمایندگان
مجلس و سناتور ها و صاحبان جراید و غیره در این صورت قید شده بود. فهرست مقالاتی که بوسیله ششماه
اطلاعات شرکت نفت برای مطبوعات تهیه شده بود نیز در میان این اسناد بود. صدق ق به پیروی از سیاست
خود این اسناد را منتشر نکرد. ولی برخی از نمایندگان رسمی دولت که با این اسناد از نزدیک آشنا شده
بودند، آنرا کردند که این اسناد بخوبی انگار ناپذیر ثابت میکنند که بسیاری از نمایندگان مجلس برای
شرکت نفت ماهیتهای پنهانی انجام میدادند و در میان این اسناد، مدارکی در باره برداختن
پول به سناتور ها و نمایندگان مجلس وجود دارد که بعنوان پاداش خدمتی که برای جلب برخی رجال
سیاسی ایران هنگام طرح " قرارداد الحاقی " در مجلس انجام داده اند، به آنان پرداخت شده است. (۳)
صحت این گفته ها را برخی مدارکی که بهر حال در مطبوعات منعکس شد، به ثبوت میرساند. قسمتی
از یکی از این اسناد را که فیوتوکی آن در روزنامه " شاهد " (۴) چاپ شده، در اینجا نقل میکنیم. این سند

(۱) فاتح - " پنجاه سال نفت ایران " صفحه ۴۵۲-۴۵۴
(۲) روزنامه " دریا "، شماره ۳۴۱، ۱۳ دی ۱۳۲۹
(۳) روزنامه " کارگر باکو "، ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۱
(۴) روزنامه " شاهد "، شماره ۱۱۰۲، ۱۴ آذر ۱۳۳۱

بتاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۷ و با رضای فیلیپ ستایکل (دفتر اطلاعات شرکت نفت ایران و انگلیس در
تهران) بنام جفری کی تیگ در ریاد آن نوشته شده و در آن از تذکری که در یکی از اظهاریه های
سفارت شوروی در باره وجود " پلیس ویژه " بعمل آمده، سخن میبرد. در این سند گفته میشود: اگرچه
سفارت روسیه در تذکره خود در باره " پلیس ویژه " صراحتاً نام مارا نمیبرد، ولی بدون تردید مارا در بخش
دارد. در باره تذکری که در چنین مواردی باید اتخاذ شود، من و دریک و سدان معتقدیم که
درگیری مادر ریاضه در باره نفت شمال به بجای است ... من با خواهی توری، رئیس جسد سید و
با استعداد اداره تبلیغات صحبت کردم ... او بدون اعلام اینکه خبر خود را از کمپانی دریافت
داشته ... تکذیب لازم را به جراید تهران خواهد داد. این ترتیب را بهترین وسیله برای عکس العمل
در قبال این مسائل میدانم. شرکت نفت با این نحو به دستگاہها و مقامات دولتی ایران اطمینان میدهد.
مردم در فقر تمام بسر میبرند - صدق ق که در پیجوهه جنبش ملی کردن نفت سرکار آمده بسود
در نخستین روزهای زمامداری خود برای اثبات حقانیت مطالباتی که جنبش مطرح میکرد و برای نشان
دادن وضع زندگی مردم از خبرنگاران روزنامه های خارجی دعوت کرد تا از زلفه های جنوب تهران
بازدید کنند. جزئیات این بازدید در گزارش پوی تهران در بر نامه ۲۷ خرداد ۳۳۰ اخذ بختی کرد. در این
برنامه گفته میشود که خبرنگاران شرایط وحشتناکی را که اهالی این ناحیه در آن بسر میبرند، چشم
دیدند. خنک خارا گود انهای سر پوشیده ای که بجای پنجره منافذی داشتند، دیدند. یک
یکی از این زلفه ها ۱۲۰ نفر زندگی میکردند. آنها کارگرانی بودند با زنان و فرزندان بیمار خود. زمانیکه
خبرنگاران را به زلفه دیگری در آن ۲۴۰ نفر زندگی میکردند، بردند، و وضعیت جدی وحشتناک بود که
آنها نمیتوانستند به آنچه که می بینند، باور کنند. خبرنگاران با سید محمد پهای، ساکن یکی از این زلفه ها
ملاقات کردند. او گفت که زمینشان تهران که با خون دل خریدن و عرق ریختن قطعه نانی بسدست
می آورند، در چنین شرایطی زندگی میکنند. آنان میخواهند که ثروت مردم بدست بیگانگان بیفتد. آنان
میخواهند ضایع نفت کشور را که شرکت نفت تصعب کرده، بخود بازگردانند. ملی کردن صنعت نفت،
خواست مردم گردسته و بی حقی است که در این گودال هاز زندگی میکنند (۱).

شگفت آور نیست که در اطراف این خواست مردم، جنبش نیرومندی برای طرد امپریالیسم انگلستان
و سپس تمام امپریالیست ها از کشور بوجود آمد.

۲- مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت

مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت در ایران از جالب ترین صفحات در تاریخ جنبش آزاد بخش
ملی خلفهای کشورهای مستعمره و وابسته است. این مبارزه هم از لحاظ شرکت عمومی مردم در آن و
هم از لحاظ پیروزی شرایط آن شایسته بررسی است.

بطوریکه قبلاً گفته شد، در نتیجه اوضاع اقتصادی و سیاسی پس از جنگ، نیروهای تازه ای که در
گذشت شرکت ضعیف در مبارزه داشتند، به مبارزه علیه امپریالیسم جلب میشدند. نضاد های میان
تمام مردم و امپریالیسم و نیز میان تمام مردم و دولت مالکان بزرگ و بیرونی کهراد در شدت میافزید
بتدریج به جنبش نیرومندی ضد امپریالیسم بدل میشد. شرکت نفت ایران و انگلیس به مثابه یک سوسمه
بازرگر امپریالیستی و نیز امپریالیسم انگلستان هدف مستقیم این جنبش بودند. در همین حال امپریالیسم
امریکا نیز در صدد بیرون راندن غول نفتی انگلستان از منطقه پرنفوذی چون ایران بود. امپریالیسم آمریکا
که هنوز در میان محافل حاکمه ایران و مجلس تکیه گاه لازم راند داشت، با اتکا به بخش معینی از

(۱) روزنامه " برادر "، ۲۴ مه ۱۹۵۱

بهروازی ملی و ناسیونالیست های ایران که تمايلات امیکائی داشتند ، میکوشید در چارچوب معنسی از جنبش ضد امپریالیستی مردم بمسود خود استفاده کند .
 این ترتیب وضع سیاسی کشور را در آستانه ملی شدن صنعت نفت میتوان بنحو زیر توصیف نمود :
 بهروازی ملی بطور فعال وارد مبارزه شده و بخش اعظم خرد به بهروازی شهری را بد نبال خود مسود کشید و در این هنگام که جنبش به اوج اعتلای خود رسیده بود ، میکوشید تمام قدرت حاکمه را در کشور به دست خود بگیرد . امپریالیسم امیکا ابتدا انصبت به بهروازی ملی ایران ابراز همدردی میکرد و حتی به آن پاری میورساند . لیه نیز مبارزه علیه امپریالیسم انگلستان متوجه بود . شمار بهروازی ملی هنوز به سه استغالی حقوق مردم ایران محدود بود و حزب توده ایران شمار لغو امتیاز شرکت نفت ایران و انگلیس و طرد امپریالیسم انگلستان را مطرح میکرد . در همین حال حزب توده ایران تنها نیروی متفکک و بسیج کنندگ کشور بود . بهروازی ملی بدون شرکت فعال و همکاری این حزب نمیتوانست به موفقیت جنبش امسد و ار باشد .

با نتیجهت در برابر حزب توده ایران وظایف مهمی فرار گرفته بود : بسیج نیروهای اماسی ضد امپریالیستی یعنی کارگران ، دهقانان ، خرد به بهروازی شهر و روشنفکران برای مبارزه فعال ، آرزوهای صحیح نیروی بهروازی ملی ، ایجاد همکاری با آن برصانی قابل قبول ، ضمن پیروی از شعار " وحدت و مبارزه " یعنی از یکسو افشا ، صحت دگرگانه آن و ازسوی دیگر حفظ وحدت با آن در مبارزه با دشمن مشترک ؛ کوشش در اینکه جنبش علیه امپریالیسم انگلستان در تکامل خود به جنبش علیه امپریالیسم بطکو کلی بدل شود ، بدون اینکه از استفاده ماهرانه از تضاد های دو امپریالیسم امیکا و انگلستان صرف نظر شود . افشا ، بقیق سیاست مزورانه و دروش امپریالیسم امیکا ؛ از نظر سیاسی تلفیق صحیح مبارزه ضد امپریالیستی با مبارزه مردم در داخل کشور بخاطر تامین آزاد بهای د مکرانیک و از نظر سازمانی ، تلفیق ماهرانه شیوه های غریطنی با شیوه های علمی .

حزب در جهت انجام این وظایف به فعالیت وسیع پرداخت و با وجود تجربه غیر کافی و ترکیب ناقص رهبری (بخشی از رهبری اجبارا در مهاجرت بسر میبرد) موفقیت های بزرگ بدست آورد . حزب در همین حال با کم بهاداد ن به نقش و نیروی بهروازی ملی و پر بهاداد ن به نیروی خود در جاسار اشتباهاتی که ارتجاع و امپریالیسم ازان برای سرکوب جنبش استفاده نمودند . جنبش ملی کردن صنعت نفت را بر حسب نقاط عطفی که در آن بدید آمد و تغییرات متناسب با آن در مناسبات میان نیروی عده و جنبش یعنی حزب طبقه کارگر از یکسو و سایر نیروهای ضد امپریالیستی ، بخصوص بهروازی ملی که مدعی نقش رهبری بود ، ازسوی دیگر ، میتوان به سه مرحله تقسیم کرد :

الف - مرحله اول مبارزه و دراه ملی کردن صنعت نفت

مرحله اول شامل دوران نشد بد مبارزه بخاطر رد " قرارداد الحاقی " میگردد . این مبارزه که تقریباً در سراسر کشور گسترش یافت ، شعار " ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور " را در دستور روز قرار داد . این مرحله در واقع پیش از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و به حکومت رسیدن نمایندگان بهروازی ملی بر رهبری صدق را در بر میگردد .

مسئله " قرارداد الحاقی " بطوریکه بدیدیم دفعتاً بوجود نیامد . سیاست دولتهای پیش از رژیم آرا و سیاست دولت رژیم آرا در اوایل متوجه آن بود که قرارداد را در محیط کم و بیش آرام و پیش از آنکسه نیروهای مترقی بسیج شوند بصوب مجلس برسانند . شاید اگر عوامل دیگر نبود ، مسئله بدین شکل و در زمانهت جنبش آزاد پیش طرد رکشی بعمل مختلف در حال اعتلا بود ، مطرح نمیکرد بد . ولی یکی از عوامل مهمی که مانع به تعویق انداختن مسئله میشد ، رقابت امیکائو انگلیس بر سر تصاحب ثروت های خاور

نزدیک و میانه ، بخصوص ایران بود .
 برای امپریالیسم انگلستان روشن بود که انحصارات امیکامیکوشند منابع نفتی ایران را بدست گیرند و تسلط سیاسی خود را بر این کشور برقرار کنند . امپریالیسم انگلستان در همین حال میان محافل حاکمه و اشراف ایران نفوذ متنی داشت و این امر میتوانست به تثبیت وضع این کشور در مورد منابعی که بدست ن دست انداخته بود ، کشته کند . ولی زمان بمسود این امپریالیسم کار نمیکرد . امید بستن به هیئت حاکمه خود نیروی که انحصارگران بر قدرت امیکائی بخو بی میتوانستند آنها را بخرند ، کاری با فایده نداشت . با این جهت امپریالیسم انگلستان میکوشید کار را هر چه زود تر فاصله دهد .

امپریالیسم امیکان نیز بنوع خود تمیخواست فرصت مناسب را برای طرد رقیب خود از دست بدهد . انحصارات امیکائی تا آن زمان نتوانسته بودند تا حد بد معینی به نفت جنوب ایران دست یابند . این انحصارگران بحضی شروع دومین جنگ جهانی ، در باره کاهش منابع نفت امیکاهیا هو ابراه انداخته و به سه دولت امیکافشار آوردند که برای افزایش سهم آنان در نفت خاور میانه ، بخصوص نفت ایران اقدام کند . جیمز ف . برنز ، رئیس " اداره تجهیزات جنگی " امیکاد ر گزارش ۱۵ اکتبر ۱۹۴۳ خود به رئیس جمهور امیکان نوشته بود که این مسئله را باید بنحوی جدی در برابر انگلستان مطرح نمود تا یک سوم معادل ایران که اکنون کاپلا در دست انگلیس هاست ، برای تامین نفتی که امیکاطریق مقررات " لندن لیبر " تحویل میدد نیز برای تامین هزینه لوله کشی نفت میان نواحی نفت خیز ایران و دریای مدیترانه در اختیار ایالات متحده امیکا گذارده شود . (۱)

در سال ۱۹۴۶ میان انحصارگران امیکائی ، استاند ارد اپل اف نوجرسی و سوکونی واکوم " از یکسو و شرکت نفت ایران و انگلیس ازسوی دیگر موافقتنامه ای امضا شد که بموجب آن شرکت نفت متعهد شد ۲۰٪ نفت استخراجی خود را بقیمت خلیج فارس به این کمپانها بفروشد برساند (این سهم بعد ها به ۴۰٪ افزایش یافت) . این موافقتنامه برای انحصارات امیکائی ، ازسوی معارضه ای سود آوری بود (زیرا بخارید نفت بقیمت خلیج فارس آنرا بقیمت خلیج مکزیک که چند برابر گرانتر بود میفروختند) و ازسوی دیگر راه را برای رسوخ در صنعت نفت ایران بروی آنان باز میکرد . ارقام زیره حاکی بر افزایش سهم امیکاد در استخراج نفت خاور میانه است ، نشان میدهد که رسوخ انحصارگران امیکاد را این منطقه تا چه حد قهرن موفقیت بوده است .

سهم کشورهای در استخراج نفت خاور میانه (۲) (به درصد)

سال	امیکا	انگلستان	سهم سایر کشورها
۱۹۳۹	۱۵٫۷	۷۸٫۳	۶
۱۹۴۶	۳۰٫۶	۶۵٫۱	۳٫۵
۱۹۵۰	۴۴٫۴	۵۳٫۴	۲٫۲
۱۹۵۳	۶۰٫۱	۳۱٫۴	۸٫۵

ولی این رسوخ محدود نمیتوانست انحصارگران حریص امیکاراقانع کند . انحصارات امیکائی

(۱) فاتح ، " پنجاه سال نفت ایران " ، صفحه ۵۰۰
 (۲) همانجا ، صفحه ۴۹۹

همراه با تلاش های خود برای بدست آوردن امتیازهای جدید، میکوشیدند هر نوع تقیبی را، بخصوص رقیب توانایی چون شرکت نفت ایران و انگلیس را از سرراه خود بردارند. برای نول به این هدف، هم از طریق تلاش های مستقیم دست نشاندهگان امیکا در دولت و مجلس و هم از راه کوششهای کیمپور غیر مستقیم برای استفاده از امتیازات ضد انگلیسی بعمل می آمد، اقدام میکردند.

سرکار آمدن رژیم آرا، احوالات متحد امیکارادر باره سیاست خود در زمینه نفت نگران ساختن با اینجهت گسیدی که با سیاست تجاوزکارانه خود در یونان شهرت یافته بود، بعنوان سفیر به ایران اعزام گردید. رژیم آرا که نگرانی امیکارا احساس کرده بود، در ماههای اول زمانداری خود میکوشید از سیاست حفظ توازن بپروی کند. او عده ای از افراد طرفدار امیکارا وارد کابینه خود کرد. مثلاً وزارت مالتیه که مستقیماً مهابست در باره "قرارداد الحاقی" بذاکره ببرد از، به دکنترتی نسرکه به طرفدار ری از نزد پکی به امیکاشهرت داشت، سپرده شد.

رژیم آرا همچنین اعلام داشت که قصد دارد روابط ایران و شوروی را بهبود بخشد. مسمان ایران و شوروی قرارداد بازرگانی منعقد شد. رژیم آرا در مورد سیاست داخلی نیز یک سلسله وعده های عوامی پیمان نظیر احیاء انجمنهای ملی، مبارزه با فساد و ارتش و غیره میداد. ولی رژیم آرا این مواضع عوامی پیمان را نتوانست مدتی طولانی حفظ کند. او سیاست سیر حوادث را در جهت هدفی که برای رسیدن به آن سرکار آمده بود، تسریع نماید. این وضع ابراهه اقدامات بی مهابا وادامیکرد. رژیم آرا در مومون ماه حکومت خود زیرمالمه را تشدید داد. غلامحسین قزوین طرفدار آشکار انگلستان بجای اوصوب شد.

دولت در ۲۶ مهرمه در مجلس سنا بصورت سرپوشیده ای از "قرارداد الحاقی" پشتیبانی کرد. ابتکار در مجلس شورای انیز انجام گرفت. ولی کمیسیون نفت رد قرارداد راه مجلس توصیه کرد. نمایندگان جنبه ملی مسئله ملی کردن صنعت نفت را مطرح کردند. فشار افکار عمومی چنان بود که حتی عناصر راست نتوانستند قرارداد الحاقی را نجات دهند. آنان البته با طی کردن موافق نبودند، ولی پیشنهاد انجام مذاکرات جد بدامیکردند که بهرحال بمعنای ذفن قرارداد الحاقی بصورت اولیه خود بود.

قزوین در ۵ دیماه طی سخنرانی وسیعی که با تشدید همراه بود، به دفاع از قرارداد پرداخت. ولی محیط مجلس چنان برآشفته بود که همانجا ناگزیر شد اعلام دارد که دولت لایحه قرارداد را پسس میکرد و مذاکره با شرکت نفت را تجدید میکند (۱).

قزوین در ۲۳ دیماه استفاداد. ولی رژیم آرا در نظر داشت بهرحوی که شده مواضع شرکت نفت را نجات دهد. او صحرانه به شرکت نفت توصیه نمود که پیشنهاد های جدیدی که دولت بتواند آن را مقبوض خود و بصرفه ایران قلمداد کند، ارائه دهد. در این زمان رژیم آرا خود شخصاً به مذاکره پرداخت بدون آنکه کسی از چگونگی آن مطلع گردد. فقط گزارش سالانه رئیس شرکت نفت در جلسه ۱۶ نوامبر ۱۳۳۰ (۲۴ آبان ۱۳۳۰) سیماذ آران برده از این زد و بند برداشت (۲).

دولت رژیم آرا در عین حال برای اثبات اینکه طی کردن صنعت نفت لافل از این جهت که اسیران قادر به بهره برداری از منابع خود نخواهد بود، به آماده کردن افکار عمومی پرداخته بود. کمیسیون نفت مجلس از دولت خواسته بود این مسئله را بررسی کند که آیا ایران قادر است بانهری خود به استخراج نفت بپردازد یا نه. رژیم آرا در ۱۲ اسفند ۱۳۲۹ گزارشی منتشر ساخت که در آن به این سؤال پاسخ منفی داده میشد. در این گزارش گفته میشد که علاوه بر این امتیاز را، هم بحالت خسارتی که باید پرداخت نمود و هم بحالت فقط حیثیت و اعتبار ایران نمیتوان لغو کرد و در عین حال نباید روابط اسیران و

(۱) مذاکرات مجلس، جلسه ۵ دیماه ۱۳۲۹

(۲) فاتح، " پنجاه سال نفت ایران"، صفحه ۱۰۰

انگلیس را تیره نمود (۱).

معلوم نیست که اگر حادثه قتل رژیم آرا که تا نهر معینی در حوادث داشت، روی نمیداد، مجلس و بخصوص بخش متزلزل آن چه عکس العملی در برابر این گزارش از خود نشان میداد. رژیم آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ هنگام ورود به مسجد شاه بشرب گلوله بقتل رسید. این قتل بدست خلبان طهماسبی نجار عضو سازمان تهریمتی " فدائیان اسلام" انجام گرفت. این حادثه هم به مذاکرات رژیم آرا با شرکت نفت و هم به اصرار او در مجلس پایان داد.

شاه در ۲۰ اسفند فرمان نخست وزیر حسین علاءرا که تاکنون وزیر دربار بود، صادر کرد. با آنکه نمایندگان " جنبه ملی" در مجلس به علاء رای ندادند، انوناست رای اعتماد بدست آورد. علاء بطور عده از طرف سنابشهیانی میشد. روزنامه " مردم" در این مورد نوشت:

" علاقه کسانی مانند شاه، تقی زاده و نمایان اکثریت سنابورها به وی که منجر به تمسایل تجمیلی از طرف مجلس نیزگشت، بخوبی نشان میدهد که دستگاه حاکمه ایران در وجود علاء توکر فرمانبرداری اساسی پیدا کرده است." (۱)

روزنامه، سپس با یادآوری اینکه علاء همراه با دوست خود تقی زاده در کارند بد قرارداد اسپاسز نفت در سال ۱۹۳۳ شرکت داشته است، پیش بینی میکند که این دولت نیز بدون آنکه بتواند اوضاع ایران را به نفع امپریالیست هائیتبند کند، بزودی محکوم بسقوط خواهد بود.

در واقع نیز چند روز پس از روی کار آمدن علاء، مجلس در ۲۴ اسفند پیشنهاد کمیسیون نفت را تصویب نمود. در پیشنهاد این کمیسیون که بصوب مجلس رسید، گفته میشد:

" نظر پایتکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت، پیشنهاد طی کردن صنعت نفت در سراسر کشور بود توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجائی که وقت کافی بسرای مطالعه در اجرای این اصل باقی نیست، کمیسیون مخصوص از مجلس شورای ملی تقاضای دیماه تمدید مینماید."

این تصمیم را میتوان گام قطعی در جهت تصویب قانون طی شدن صنعت نفت دانست. این تصمیم بطور عده معمول گسترش جنبش مردم بود که بسیاری از نواحی و قشرهای گوناگون اهالی کشاورز بر گرفته بود. مردم نمیتوانستند با تجدید نظم دوران رضاشاه موافقت کنند و در راه اعاده آزاد بهائی که در چند سال اخیر از آنان سلب شده بود، مبارزه میکردند.

تلاشات و خواستهای مردم بصورت میتینگ ها و در مؤتمرات اسبون هائی که برای طرد امپریالیست های انگلیسی طی کردن صنعت نفت برگزار میشد، نمودار میگردد. در ۲۴ آذر ۱۳۲۹ سازمان های دانشجویی دانشگاه تهران اعلامیه ای منتشر کردند که در آن اخراج قهری استعمارگران انگلیسی از ایران و برانداختن تمام عواقب ناشی از تسلط شرکت نفت ایران و انگلیس مطالبه میشد. دانشجویان غیرمبارز داشت هامیتینگ بزرگی تشکیل دادند.

در سوم دیماه ۱۳۲۹ دانشجویان دانشگاه تهران برای الغای امتیاز نفت به تظاهرات عمومی پرداختند. و هزار نفر از دانشجویان پس از برگزاری میتینگ در صفوف منظم به مجلس رفتند و مطالبات خود را به هیئت رئیسه مجلس تسلیم کردند.

(۱) الول ساتسون، " نفت ایران"، ترجمه روسی، صفحه ۲۵۹

(۲) روزنامه " مردم"، شماره ۷۶، ۲۶ اسفند ۱۳۲۹

در بهار و همانسال نمایشهای در تهران و شهرستانها برپا شد. "جمعیت آزادی ایران" مبنی تشکیل داده الفبا" تمام قرارداد های شرکت نفت و نیز آزادی مطبوعات و فعالیت تمام احزاب و جمعیت های دگرگانه را خواستار شد. از طرف حزب "استقلال" مبنی برگزار شد. سران "جبهه طلسمی" بعنوان اعتراض به حمایت دولت از شرکت نفت و مبنی بزرگ تشکیل دادند. در وقت و مساپس شهرها نیز علیه شرکت نفت مبنی ها تشکیل میشد (۱). چند روز پس از قتل رزم آرا، ۲۸ اسفند ۱۳۲۹ دگر زنگنه، وزیر فرهنگ کچه رزم آرا بضر بگلوله بقتل رسید.

چنین بود وضع کشور در آستانه سرکار آمدن علاء. در ۲۹ اسفند، یعنی چند روز پس از نخست وزیری علاء، درو سمات شرکت نفت اعتصاب شد. با اینکه این اعتصاب، بعلت نقد ان رهبری لازم، به نحو مطلوب متشکل نبود، در عوض طولانی ترین اعتصابی بود که تا آن زمان در موسسات نفت جنوب انجام گرفته بود. این اعتصاب که از ناحیه ای به ناحیه دیگر گسترش می یافت و گاه آرام میگرفت گاه به شدت خود می افزود و در زمان معینی به اعتصاب عمومی بدل شد، بیش از یک ماه بطول انجامید و فقط چند روز پیش از سقوط کابینه علاء پایان یافت.

این اعتصاب از بند رمشور در نتیجه خود داری شرکت نفت از برداخت اضافه حقوقی کسه بر ای کارگران این ناحیه بعلت شرایط دشوار کار تعیین شده بود، آغاز شد و سپس به نواحی دیگر گسترش یافت. این اعتصاب کاملاً خصلت بیکارچوپانه داشت. کارگران تقرباً همه جاد مقابل واحد های ارتشی و شهربانی مقاومت میکردند. در ۲۳ فروردین در بند رمشور حوادث خونین رخ داد که در نتیجه آن د و زن کشته و درحدود ۲۰ نفر مرد زخمی شدند. در همین روز در آبادان میان کارگران و سر بازاری که میخواهند دهه ای از رهبران اعتصاب را دستگیر کنند، زد و خوردی روی داد. در این زد و خورد یکی از کارگران مصدوم گریه شد. این حادثه موجب تظاهرات شدیدی شد که مبنی عظیمی را در برابر گلوب کارگران و کارمندان ایران بد نبال داشت. سر بازان به شلیک پرداختند ۶ تن را کشتند و ۳۰ نفر را زخمی کردند. این کار بر شدت انزجار کارگران افزود. آبادان به مرکز جنبش تبدیل شد. طی دهفته ۴۰۰۰۰ نفر در حال اعتصاب بودند. واحد های بزرگ نظامی در شهر متمرکز شدند. دادگاه های نظامی بدون وقفه کار میکردند و کارگران بازداشتی را محاکمه میکردند. اعتصاب کارگران نفت جنوب حادثه سیاسی بزرگی بود که تمام کشور را به هیجان آورد. جنبش همدردی و سیمی آغاز شد. اهالی مناطق که در آنجا اعتصاب شده بود، آگاهی کامل از خود نشان داد و بارساندن آذوقه به کارگران اعتصابی سه آنان کمک میکردند. این کار نقشه شرکت نفت را که میخواست با بستن مغازه های کپانی و نرساندن آذوقه مقاومت کارگران را درهم شکند، برهم زد. جنبش بعد به نواحی دیگر گسترش یافت.

در ۲۳ فروردین در انشگاه تهران بعنوان همدردی با کارگران اعتصاب عمومی دانشجویان را اعلام کرد. "جمعیت ملی مبارزه با شرکت استعماری نفت جنوب" برای پشتیبانی از زحمتکشان خوزستان در ۲۴ فروردین مبنی هگانی برگزار نمود. این مبنی که به دسترسایون عظیم ۴۰ هزار نفری زحمتکشان تبدیل شد که ۲۵ ساعت بطول انجامید. شهربانی میکوشید از رفتن مردم به مبنی جلوگیری کند، ولی این کوشش به نتیجه نرسید. در این مبنی که نمایندگان کارگران نفت و راه آهن و رهبران "جمعیت مبارزه با شرکت استعماری نفت جنوب" سخنرانی کردند. در این مبنی که در باره همدردی و پشتیبانی از کارگران خوزستان قطعنامه ای با شور و هیجان تمام بتصویب رسید. در این قطعنامه اجرای قسوری تقاضاهای حقه کارگران اعتصابی، دادن آزادی بهای دگرگانه و لغو حکومت نظامی در خسوزستان مطالبه میشد (۲).

(۱) روزنامه "کارگر باتو" ۱۱۰ ژانویه ۱۹۵۱
(۲) همانجا، ۱۶ آوریل ۱۹۵۱

در ۲۵ فروردین کارگران اصفهان نمایش بعنوان همبستگی با کارگران اعتصابی خوزستان تشکیل دادند. طبق خبر روزنامه های "آتش" و "ایران" و "داد" این نمایش ۵ ساعت طول کشید. میان کارگران و افراد شهربانی زد و خورد انجام گرفت که به قتل و زخمی شدن درحدود ۲۰ نفر منجر گردید. در شهر حکومت نظامی برقرار شد.

در دوم اردیبهشت دانشجویان دانشگاه تهران و دانش آموزان دبیرستان هابه پشتیبانی از کارگران خوزستان به نمایش و تظاهرات پرداختند. بیست هزار دانشجو و دانش آموز که در نزدیکی دانشگاه تجمع کرده بودند، در صفوف متشکل عازم مجلس شدند و در آنجا مبنی برگزار کردند. شهربانی در نتیجه عظمت نمایشات و همبستگی مردم با آن جرات عرض اندام نداشت (۱). روزنامه "رها" کسه بجای "بسی آینه" نشریه ای نوشت که این تظاهرات ضربه محکمی بود به شرکت نفت. این تظاهرات علیرغم تهدید های وزیر کشور وقت، سهید زاهدی، انجام گرفته بود.

در این جنبش همبستگی روشنفکران جوان و کارگران و کارمندان شرکت داشتند. جوانان رشته نمایشی بر پا کردند که در نتیجه مدخله ماموران مسلح به دانش آموز کشته و بیش از ۲۰۰ نفر زخمی شدند. کارگران بنگاه های مختلف کشور بعنوان همدردی با کارگران خوزستان به اعتصاب مسوقوت دست زدند.

رفتار برخی از واحد های ارتش و شهربانی نیز باعث نگرانی ارتجاع شده بود. این واحد ها در مواردی از اجرای دستور فرماندهان خود امتناع میکردند. روزنامه "مجر" خبر داد که هنگام دستورا-سیون ۲۳ فروردین در آبادان، یکی از سر بازان که از تیراندازی به اعتصابیون امتناع کرده بود، هدف گلوله سرگروه بان خود قرار گرفت. یک افسر و چند سرباز بازداشت و تحویل دادگاه نظامی شدند. در بند رمشور میان سر بازان بازداشتی ها اشتباهی انجام گرفت. در اصفهان یک پاسمان که از تیراندازی بسه تظاهرات کنندگان خود داری کرده بود، با گلوله یک افسر شهربانی از پای درآمد. در آبادان طواندان از تیراندازی به کارگران اعتصابی سر باز زدند.

در پنجم اردیبهشت پایان اعتصاب کارگران اعلام شد. کارگران بند رمشور به پیروزی کسابل رسیدند. به کارگران آبادان نیز که خواستار افزایش حد اقل دستمزد بودند، وعده انجام تقاضای آنان داده شد.

شرکت نفت بکمک دولت انگلستان میخواست از این حوادث بسود خود استفاده کند. شاید هم امتناع شرکت نفت از برداخت اضافه حقوق به کارگران بند رمشور و اصرار بعدی آن در این مورد بهین منظور انجام میگرفت. دولت انگلستان برای تهدید سفینه های جنگی خود را به خلیج فارس کمبسل داشت. به این کار حتی در خلد انگلستان اعتراض شد. هیئت اجرایی حزب کمونیست بریتانیا ی کبیر، اعلامیه ای صادر کرد که در آن گفته میشد:

"اعزام سفینه های جنگی انگلیسی به خلیج فارس بمنظور تهدید کارگران اعتصابی شرکت نفت ایران و انگلیس، و حفظ حقوق استعماری این کشور منقول آسای امپریالیست نبودار بازرسی سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم است." (۲)

اقدامات تجاوزکارانه امپریالیست های انگلیسی در برابر متشکل کارگران با شکست مواجه شدند. موج اعتصابات که سرانگشوراً فراگرفت به نوسان عناصر متزلزل پایان داد و کارگی کردن نفت را تسبیح کرد.

(۱) روزنامه "کارگر باتو" ۲۴ آوریل ۱۹۵۱
(۲) همانجا، اول آوریل ۱۹۵۱

دولت دستخوش سراسیمگی بود و از هرگونه اقدامی برای تحقق نقشه های خود عاجز بنظر می رسید. کمیسیون نفت مجلس که ریاست آن با صدق بود و نمایندگان بورژوازی ملی در آن نفوذ قاطع داشتند، اعتنایی بدولت نداشتند. این کمیسیون در ۶ اردیبهشت قانون ملی شدن صنعت نفت را با تصویب ۱۲۳۰ رای تصویب کرد. بلافاصله استعفای خود را به اطلاع مجلس رساند و علت آنرا چنین اعلام کرد که کمیسیون نفت با حل مسئله نفت بدون مشورت پادشاه، عملاً عدم اعتماد خود را به دولت بیان داشته است. مجلس در ۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ تحت فشار قطعی افکار عمومی لایحه پیشنهادی کمیسیون نفت را با تصویب ۱۲۳۰ رای تصویب کرد و در همین حال صدق را برای مقام نخست وزیری نامزد نمود و شاه در ۹ اردیبهشت فرس مان نخست وزیری صدق را تصدیر کرد. با تصویب لایحه ملی شدن صنعت نفت در مجلس سنا (۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰)، ملی شدن نفت قدرت قانونی بدست آورد و جنبش آزاد بخش ملی خلق های ایران مرحله تازه ای گام نهاد.

روز ۱۱ اردیبهشت که با جشن اول ماه مهصادف بود، روز نمایش مردی بود که سه ماهه در راه آزادی و استقلال خود از نو باخاسته بود. بدعوت حزب توده ایران و سازمان های دموکراتیک فقط در تهران ۸۰ هزار کارگر و دهقان و پیشه رو و روشنفکر به خیابانها درآمدند (۱). با ملی شدن صنعت نفت مرحله اول مبارزه پایان می یابد. ولی با تصویب قانون ملی شدن نفت فقط شکل قانونی مسئله حل می شود. حل بخش عمده مسئله یعنی اجرای این قانون با بطور مشخص تر طرف عملی شرکت نفت ایران و انگلیس هنوز در پیش بود.

بورژوازی ملی که "جبهه ملی" را بوجود آورد و عملاً به مبارزه عمومی ضد امپریالیسم پیوسته بود، تنها نیروی بود که در شرایط آن زمان بدعوی بدست گرفتن قدرت حاکمه راداشت. ولی دولتی که دیکتاتور صدق تشکیل داد فقط از نمایندگان بورژوازی ملی ترکیب نرفته بود. در این دولت نمایندگان مسایر قشرها و بطول عمده نمایندگان بورژوازی کمزور هوادار امیکانیز شرکت داشتند. چنین دولتی برای مجلس آنروز بیشتر قابل قبول بود. تصادفی نیست که نامزدی صدق برای نخست وزیری، از طرف تصادم نمایندگان مجلس پشتیبانی شد.

چنین دولتی از طرف طبقات حاکمه غل مختلف داشت: اولاً، شکست دولت های سابق و ناتوانی آنها در حل بحران نفتی، ثانیاً، ایجاد تضمین در برابر حوادث غیرمنتظره احتمالی، زیرا تشکیل دولت مستقل حتی در صورتیکه بورژوازی ملی در آن نفوذ داشته باشد، بر مراتب قابل قبول تر از دولتی بود که حزب توده ایران بنحوی در آن شرکت داشته باشد. ثالثاً، این امید وجود داشت که در خود "جبهه ملی" تفرقه ایجاد شود و صدق نتواند از عهد مشکلات برآید و خوشتر را بی اعتبار سازد، و رابعاً، آنان بدنبول عمده برای تجمع نیروی خود فرصت بدست می آوردند و اگر صدق در دست می آمد که در اقدامات خود بیش از حد پیش رود، تمام نیروی ارتجاع را به کمک می گرفتند. بعلاوه امپریالیسم امریکا نیز مخالفان زیادی صدق نبود، زیرا بدست او می شد رقیب انگلیسی را طرد کرد و سپس کار را بسود خود پایان داد.

طبقات حاکمه برای این قبیل حسابات پایه های کاملاً محکم داشتند. بیش از همه خود تاسکرکپ اولی "جبهه ملی" و سپس نظریه ای که بخش بزرگ بورژوازی ملی در باره نقش امپریالیسم امریکا داشت، پایه این حسابات را تشکیل می دادند. "جبهه ملی" راد مرحله اول مبارزه ملغمه ای تشکیل می داد که در آن افرادی با وضع اجتماعی مختلف شرکت داشتند و آنها را فقط منافع طبقاتی، بلکه منافع سیاسی زیاده گزین نیز با هم متحد کرد. عدّه ای از مالکان و کمراد ورهای طرفدار امیکانیز به امید

(۱) روزنامه "بسیوی آینده"، شماره ۲۶۰، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰

بهره برداری از "جبهه ملی" وارد آن شده بودند. شرکت افرادی نظیر سرلشکر زاهدی در "جبهه ملی" که ابتدا به مقام ریاست شهرتانی کل کشور و سپس در کابینه صدق به مقام وزارت داخله منصوب گردید، ماهی امید ارتجاع بود.

این وضع در همین حال خص شکاری و حتی بدگمانی نیروهای دموکراتیک را منتهی به صدق و دولت ایران انگلیس، عاملی می بود. نیز وجود داشت که این امپریالیست میگردان بر خورد "جبهه ملی" سه امریکا بنابه نیروی "بیطرف" بود. مسئله امپریالیسم صوملی که "بیطرف" باشد از قدم افکارناسیونا- لیست های ایران را بخود مشغول می داشت. تاسیونالیست های ایران که کشور را زمان در رنگند و امپریالیسم انگلیس و روسیه تزاری د پده بودند، پیوسته در جستجوی امپریالیسم صوملی بودند که سه بعقیده آنان امپریالیسم "بیطرف" بوده و بتوانند به آنها در رهائی از جنگال این د کشور امپریالیستی باری رسانند. گرایش تقریباً تمام روشنفکران و عناصر تاسیونالیست ایران در سالهای جنگ جهانی اول بصوی آلمان و استفاد ماهرانه این کشور از احساسات این عناصر، از همین جانشانی می شد. بسیاری از مورخین بدون آنکه به ماهیت این تمایلات توجه کنند، با شتم کردن در سمت کسانی که دارای ایسن تمایلات هستند به هواداری از امپریالیسم به نتیجه گیری های نادرست تاریخی می رسند. اینکسو نه تمایلات نسبت به آلمان (که در اصل عمیقاً تاسیونالیستی بود) تا جنگ جهانی دوم و سالهای اول این جنگ باقی ماند و بود. یکی از خد مات حزب توده ایران اینست که این مسئله راد نظر می گرفت. این حزب مبارزه ضد فاشیست را در کشور با کار دانی سازمان داد و ماهیت سیاست خارجی اتحاد شوروی را برای مردم تشریح نمود. باید در نظر داشت که بسیاری از اعضا "حزب صهین" که به حزب توده ایران پیوستند زمانی عضو حزب "پیکار" (حزب تاسیونالیستی هوادار آلمان) بودند و بعد به مبارزان آنترناسیونالیست طبقه کارگر بدل شدند. با اینجهت باید میان کسانی که به امکان "بیطرفی" این با آن امپریالیسم صوملی اعلان دارند، ولی پس از این بردن به نادرستی اعتقاد خود در مواضع قرار می گیرند و کسانی نظیر خلیل ملکی و شرکا که با سخن برداری در باره "نیروی سوم" میگویند در جنبش کارگری تفرقه اندازند، فرقی گذاشت.

البته در مورد امپریالیسم امریکاد پایان جنگ دوم جهانی توجه زیاد وجود نداشت. ولیسی با اینهمه امریکای "درد ست" رانیز بسیاری و بسو بوه عناصر تاسیونالیست بنابه کشوری که مفاصد آرمندانه خاصی نسبت به ایران ندارد، ارزیابی میگردند. برخی از سران "جبهه ملی" و از جمله خود صدق در شمار این افراد بودند.

عوامل زیر نیز وضع را تشدید می کرد: ترس بورژوازی ملی از آنکا سه جنبش توده ها و دعوی آن به سرکردگی جنبش و نیز کوششی که بورژوازی ملی برای مرز بندی میان خود و نیروهای که بوسیله پروولتاریا رهبری می شدند، حمل می آورد، تا بدنبول عمده اعتماد و بالا اقل پشتیبانی بوقت عناصر ارتجاعی را بخود جلب کند.

این وضع مانع تفاهم متقابل میان "جبهه ملی" و حزب توده ایران و لذا مانع اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی می شد. نکته عدّه این بود که رهبری حزب توده ایران در زمینه صدق ملاک (باد ر نظر گرفتن عوامل مذکور) نماینده و ایدئولوگ بورژوازی ملی را نمیدید و با اینجهت به اقدامات او نیز با نظری اعتمادی میگزینست.

در باره فعالیت مشخص حزب توده ایران باید گفت که این حزب در این مرحله نیز مانند مسایر مراحل نیروی عدّه بسجچ کنند مردم برای مبارزه بود. حزب توده با تعلق کار غیرتلی با فعالیت علنی علیه امپریالیسم و در راه صلح مبارزه میگرد. اگر نیروی بسجچ کننده حزب توده ایران نبود، "جبهه ملی" برای احراز قدرت زمینه و شرایط لازم بدست نمی آورد.

زمانه که "جبهه ملی" در آغاز این مرحله مبارزه، از شعار "استفای حقوق مردم ایران" در چارچوب قانون مصوب مجلس و بنای شرکت ملی نفت ایران و انگلیس پیروی میکرد، حزب توده ایران در راه شعاری که ازید نتایج ملموس طرح کرده بود یعنی شعار لغو امتیاز و طرفداری از شرکت نفت مبارزه مینمود. به علاوه زمانه که "جبهه ملی" در باره كلك امريكايه ايران دركار بيهون راندن انگلستان دستخوش تصورات واهی بود و جانب د پكر مسئله یعنی ترس اميكارادر برابر جنبش ريز افزون نمید بد، حزب توده ایران مبارزه علیه انگلستان را بخش لا یننگ مبارزه ضد امپریالیستی بطور کلی و لذ مبارزه علیه امپریالیسم امريكای محسوب میداشت.

ولی بعد ها مواضع حزب توده ایران نیروی بسیج کننده کمتری داشت. "جبهه ملی" شعار "ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور" را مطرح کرد. حزب توده ایران طرح این شعار را بنابه حیل امپریالیسم امريكای كه ميكوشید بوسيله دست نشانندگان خود نه فقط شرکت نفت را بيهون كند، بلکه نفت ایران را در سراسر کشور بد ست خود گیرد، تلقی نمود. با نتیجهت حزب توده ایران در شعار خود "لغو امتیاز نفت جنوب و طرفداری امپریالیسم انگلستان" باقی ماند.

مواضع حزب توده ایران در تمام مراحل مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت در قطعات نام های چهارمین پلتوم وسیع گنجه مرکزی ایران بتفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. در این قطعات نام هادرباره برهورد حزب توده ایران به پیرواژی ملی و مسئله ملی کردن صنعت نفت گفته میشود:

"عدم شناخت پیرواژی ملی ایران، درك نکردن ماهیت آن عدم تشخیص خصلت ضد امپریالیستی جبهه ملی موجب شد كه حزب ما مرتكب اشتباهات سیاسی مهمی گردید و بسا آنكه از ابتدا ای تاسیس خود در بیدار و متشكلكردن توده های مردم و نیروهای ضد استعمار كشور آموختن شیوه های مبارزه نقش مهم و مؤثری ایفا نموده بود، در این دوران عملا ابتكار سیاسی در مبارزه ضد استعماری را از دست داد. سمت گیری غلط در باره مسئله ملی شدن صنایع نفت (در ابتدا ای جنبش) و خط مشی چپ روانه و نادرست در قبال جبهه ملی و حكومت دكتر مصدق مہترین اشتباه سیاسی حزب ما در جریان سالهای قبل از كزید تاى ۲۸ مرداد بشمار می آید." (۱)

ب- مرحله دوم مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و سرکار آمدن مصدق را باید آغاز این مرحله دانست. هسر دی این حادثه نتیجه مبارزات توده مردم و در عین حال حوادثی بود ند كه هم امپریالیسم و ارتجاع داخلی و هم نیروهای دكتران را در برابر وضع جدیدی قرار میدادند. این مرحله به حوادث تیرماه ۱۳۳۰ منجر شد كه ملی آن اقدامات امپریالیستی های انگلیس و امريكا (كه حالاد پكر مشتركامل ميكردند) و نیز ارتجاع داخلی در برابر مبارزات مردم باشكست مواجه گردید و در نتیجه زمینه برای ایجاد جبهه واحد ضد امپریالیستی فراهم آمد.

این مرحله سرشار از وقایع مهم داخلی و خارجی است. در این مرحله، تضاد ها شدت می یابند و تغییراتی كه در سیر حوادث تاثیر داشت در خصلت این تضاد ها بد می آید. در این مرحله كه بخصوص از مبارزات جوشان توده مردم یعنی نیروی عمده جنبش مشحون است، جنبش به نقطه اوج رشید

(۱) قطعات نام در باره روش حزب توده ایران نسبت به پیرواژی ملی، جبهه ملی، حكومت دكتر مصدق و در مورد ملی شدن صنایع نفت.

خود میرسد.

تضاد های موجود میان د و امپریالیسم امريكای و انگلیس و نیز تضاد میان كشورهای امپریالیستی از يكسو و ایران كه بوسيله دولت پیرواژی ملی اداره میشد، ازسوی دیگر در این مرحله دستخوش تغییرات زیاد گردید.

سیاست ایالات متحده اميكادرا بران پس از تشكيل "جبهه ملی" باتمام ویژگیهای آن كه قبلا بدان اشاره کردیم، جهت مشخصی بخود گرفت: استفاده از "جبهه ملی" برای تصاحب نفت ایران. تركیب و روحیات "جبهه ملی" نیز مشوق این تمایل امريكای بود.

مثلا ماكس تورهرك، رئیس هیئت "اوبرسز كنگسالتاسن" كه مشاور دولت ایران در مسئله برنامه هفتساله بود، در ژانویه ۱۹۵۱ در آستانه بازگشت خود صراحتا اعلام كرد كه شرکت نفت ایران و انگلیس با نپرداختن حق ایران، مقصود ه بی سوسامانی كشور است. ماك كس، معاون وزیر خارجه ایالات متحده امريكا در مسائل خاورمیانه و نزدیک نیز كه در ۲۶ اسفند از ایران باز بد بعطل آورد، چنین عقیده ای را بهان داشت (۱).

زمانه كه اصل ملی شدن صنعت نفت بتصویب رسید، برخورد دگان امپریالیسم امريكایه این اقدام آشكار گردید: از يكسو ترس در برابر اینکه این كار بتواند برای سایر كشورهای صاحب نفت سابقه گردد و آنها نیز به همین سبب به منافع انحصارات امريكایی لطمه وارد سازند، ازسوی دیگر د روزگاری فریبنده برای پیروزی سهل.

مؤسسه گری امريكاد كنگرانسی كه از طرف امريكای و انگلیس در آوریل ۱۹۵۱ در واشنگتن برای تنظیم خط مشی مشترك در مورد ایران تشكيل شد، حاكي بر این مدعا است. روش اميكاد را بن كنگران. اعمال فشار به انگلستان بود تا هرچه زود تر اورا از مواضع خود بيهون راند.

ولی از زمانه كه مصدق روی كار آمد، ورق برگشت. زیرا اکنون حل هر چه سحر مسئله مطرح بسود. امپریالیسم امريكا كه در مصدق تحقق انتظاراتی بود كه از "جبهه ملی" داشت، باد عاری خود وارد میدان شد. ضمای امريكای میخواست كه به چیز كم قناعت كند. دولت مصدق نیز در شرایطی كه جنبش خصلت هاگانی بخود گرفته بود، نمیتوانست به امپریالیسم امريكا وعده های بزرگ بد هد و بطریق اولی در برابر آن به عقب نشینی های بزرگ تن در دد. این امر سایش هائی را میان دولت مصدق و ایالات متحده امريكا بوجود آورد و باعث نزدیکی نیروهای امپریالیستی و فشار مشترك آنان بر محافل حاكمه ایران شد. مصدق در گزارش خود به مجلس (۱۹ آذر ۱۳۳۰) پس از بازگشت از امريكایه برای شرکت در جلسه شورای امنیت به آنجا رفته بود، به این امر اشاره كرد: میگوید:

"در واشنگتن با آقای مك گی بدت ۲۰ ریز متجاوز ۲۶ ریز حالاد دست بخاطر اید را م همه روزه در تماس بودم. بسیار شخص مهربان و خیر خواهی بود ند. ولی متاسفانه مذاكرات ما بجایی نرسید. و اما راجع به اینکه چرا ما موفقیت كامل حاصل نكردیم، اینجا لازم است عرض كنم كه دولت اميكار چه ظاهرا باد دولت ایران هم آهنگی ميكند، ولی نمایندگان آن دولت بقسیمی در تحت تاثیر انگلیس هستند كه نمیتوانند برای ایران كار ی بكنند. من در اربا سفرای اميكار بد م كه همگی از رفتار وزارت خارجه امريكا شكایت ميكند. از انجمله آقای در فوس، آقای والاس مری، آقای كریدی كه اخیرا هم مقالاتی در جراید اميكایه نفع ایران و بر علیه وزارت خارجه اميكای منتشر كرد ه است. بنده صاف و

(۱) البول ساتون، "نفت ایران"

میروده عرض می‌کنم که آقای ژوک کی با من در این مدت ۲۵ روز مثل یک برادر صمیمی بود. آقای ژوک کی تمام مطالب منطقی دولت ایران را تصدیق میکرد، ولی همیشه تصدیق سبب شده که ایشان را بلافاصله مامور سفارت آنکارا بکنند (۱)

در این اظهارات به همه چیز میتوان پی برد: هم به پندار دیرپوی صدق در مورد آمریکا، هم به نومیذی امروزی او؛ هم به اعمال فشار آمریکا که او هم به موافقت صدق به عقب نشینی‌های کوچک صدق در این سخنرانی یکی دیگر از اطلع به موفقیت مذاکرات خود را با آمریکا یاد آور میشود و آن روی کسار آمدن جرجیل در انگلستان است. در واقع نیز پس از روی کار آمدن محافظه کاران که در انتخابات پیروز شده بود، اقدامات و امپریالیسم آمریکا و انگلیس در ایران هماهنگی بیشتر یافت.

صدق تحت تاثیر جنبش روز افزون مردم قادر نبود که از شدت اختلاف با امپریالیسم بکاهد. این امر تضاد داخلی "جبهه ملی" را تشدید میکرد. این جبهه بتدریج از عناصر ارتجاعی و بخصوص عناصر کمرباد و هوادار آمریکا که در این جبهه وظیفه خاصی داشتند، پاک میشد. اکنون "جبهه ملی" قاطعتر عمل میکرد و امپریالیستهای آمریکا و انگلیس سرسختی بیشتر از خود نشان میدادند. ارتجاع و امپریالیسم در صدق برآمدند که دولت صدق را بدست قوام، تکرکری پی خود برکنار کنند. ولی جنبش عمومی مردم این نقشه را برهم زد.

برای آنکه بتوان به وسعت جنبش پی برد کافی است گفته شود در این مرحله ۲۰۰ اعتصاب رخ داد. جامعه ایران در این مدت شاهد نمایش ها و میتینگ های کثیرالمده ای بود که در آنها صد ها هزار نفر از طبقات و قشرهای گوناگون شرکت داشتند. نمایش ها و تظاهراتی نظیر ۲۳ تیر ۱۳۳۰ و ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تهران را به میدان اوقافی نبرد تبدیل کردند که صد ها کشته و زخمی از خود جا گذاشت و حتی ارتش با خود داری از تیراندازی از خود تزلزل برورد. سازمان های دموکراتیک و بخصوص حزب توده ایران نیروی مسیح کننده تمام این مبارزات بود. نمایش ها و میتینگ های که بدست این سازمانها برپا میشد پرجمعیت ترین و بیکارترین آنها بود. این سازمانها غالباً در زیر فشار صدق و "جبهه ملی" نیز که میخواستند از سوی مخالفان خود را با مردم بیترسانند و از سوی دیگر نقش خود را در "مسرح کوب کومینسها" نشان دهند، فرار میکردند.

در آغاز این مرحله حزب توده ایران در موضع عدم اعتماد نسبت به "جبهه ملی" قرار داشت. ولی این امر مانع مسیح مردم برای مبارزه نمیشد و تریبیدی نیست که اعتدالی اشی جنبش در اتخاذ مواضع قاطع به صدق قک جدی میکرد. فقط در اواخر، زمانیکه اشتراک مواضع امپریالیسم و ارتجاع روشن تر و عیان تر میگردد، حزب توده ایران مواضع خود را در جهت نزدیکی بیشتر با "جبهه ملی" تغییر داد.

در شرح عمومی این مرحله، باید رشد خروشان نهضت صلح را نیز خاطر نشان ساخت. در ایران برای نایب پیام صلح استکهلم تقریباً دو میلیون امضا گردآوری شد که ایران را بد نظر گرفتن تعدد جمعیت، در میان کشورهای سرمایه داری در مقام چهارم قرار داد (پس از فرانسه و ایتالیا و ژاپن).

چنین بود مشخصات اساسی این مرحله.
زمانیکه دکترو صدق تمام حکومت را بدست گرفت، حزب توده ایران نامه سرکشاده ای بر سر ای او فرستاد که در آن بخشی از مطالبات اساسی مردم ایران بشرح زیر بیان شده بود:

۱) آزادی احزاب و سند پناها؛

۲) آزادی زندانیان سیاسی که محبت خدمت به مردم زندانی شده اند؛

(۱) قانع ۰ "بناحاه سال نفت ایران"، صفحه ۵۸۱ - ۵۸۲.

۳) لغو قوانین مشایر با قانون اساسی و تعطیل دادگاههای اختصاصی و نظامی؛

۴) تصویب قانونی که اعلام خود سرانه حکومت نظامی را ممنوع کند؛

۵) ملی کردن صنعت نفت، برانداختن آثار شرکت نفت ایران و انگلیس در ایران و رد دواوی بی پایه آن؛

۶) کوشش تمام در راه حفظ صلح، عدم شرکت در میمان های آتش افروزان جنگ، برسمیت شناختن جمهوری کبرچین، پایان دادن به سیاست تشدید تملیحات و اختراجات مشاوران نظامی خارجی از ایران، خود داری از تبدیل ایران به پایگاه تجاوز ضد شوروی، زیر امر مردم ایران علیه اتحاد شوروی جنگ نخواهند کرد و اجازه نخواهند داد که فرزندانشان آنها قربانی صانع جنگ افروزان انگلیس و آمریکا گردند. (۱)

همین جایباید گفت که دولت دکترو صدق هیچیک از این مطالبات را اجرا نکرد. در تمام مدت زمان داری صدق در حزب توده ایران و اتحادیه های دموکراتیک منوعه باقی ماندند، اعلام حکومت نظامی امسری عادی بود، کارشناسان آمریکایی در پست های خود باقی ماندند، موسسه ای که "اصل چهار ترومن" را اجرا میکرد، بکار خود ادامه میداد.

باروی کار آمدن صدق، ملی کردن نفت بر پایه قانونی که در مورد خلع بد از شرکت سابق نفت تصویب رسیده بود، باید آغاز میگردد. این قانون از ۹ ماده تشکیل میشد. ماده اول مربوط به تشکیل هیئت مختلط برای تحویل گرفتن اموال کمپانی بود، در ماده دوم گفته میشد که دولت باید بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع بد کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری به غرض خود ادعای برد و لت معذرتشود، دولت میتواند تا مهز ان ۲۵٪ از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تا مهز مد عا به احتمالی شرکت در بانک ملی ایران با بانک مرض الطرفین ود یعه گذارد. ماده سوم مربوط به دواوی متقابل طرفین بود که با پستی تحت نظارت هیئت مختلط برای بررسی به مجلسین ارجاع شود. (این ماده به خصوص مورد انتقاد شد بد حزب توده ایران فرار گرفت. حزب اعلام داشت که مردم ایران نمیتوانند برای شرکت نفت حتی برای طرح دواوی قائل باشند.) ماده هفتم قانون در بسار ه ترتیب خرید محصولات نفتی بوسیله خریداران بود. در این ماده به خریداران سابق این حق داده شد که بهیژان خرید خود از آغاز سال ۱۹۴۸ تا ۲۰ مارس ۱۹۵۱ بقیمت بین المللی از ایران نفت خریداری کنند. سایر مواد قانون مربوط به مدت و ترتیب کار هیئت مختلط بود.

امپریالیست های انگلیس برای جلوگیری از اجرای این تدابیر به اعمال فشار و تهدید نظمامی پرداختند. شانزدهمین تپ مستقل چتر بازان انگلیسی بصورت آماده باش جنگی درآمد. تعد ادنیو های نظامی انگلستان در مناطق همجواریز ایران افزایش یافت.

شرکت نفت به کار آمدن خود دستورداد که برای خروج از ایران آماده شوند. در همین زمان دولت انگلستان رمزناو "موریشس" را به صره کسبل داشت. کاطفی، وزیر خارجه ایران بحملت این تدارکات نظامی به دولت عراق اعتراض کرده خواستار اتخاذ تدابیر فوری شد (۲).

انگلستان در این موقع علیه ایران به "جنگ اعصاب" شدیدی پرداخت. اظهارات مکرر موریشس وزیر خارجه انگلستان جنبه تهدید آمیز داشت، او میگفت اگر دولت ایران "قانون و نظم را حفظ نکند، در انبصورت دولت انگلستان حفظ امنیت تابعین انگلستان را حق و وظیفه خود خواهد حسد دانست" (۳).

(۱) روزنامه "بسی آینه"، شماره ۲۲۴، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰

(۲) روزنامه "کارگر بسکو"، ۳۰ ژوئن ۱۹۵۱

(۳) همانجا، ۲۴ ژوئن ۱۹۵۱

حزب دموکراسی انگلستان به این روش امپریالیستی حزب کارگر را بسط لازم داد. کمیته سیاسی این حزب طبعاً سید به‌دهای ندای دولت تازکی انگلستان، ملی‌گرایان و سوسیالیست‌ها را در اعلامیه گفته می‌شد:

" دولت حزب کارگر انگلستان دولت ایران را تهدید می‌کند که اگر نقشه‌های خود را در باره ملی کردن شرکت نفت ایران و انگلیس اجرا کند، این امر عواقب وخیمی بسیاری برای ایران خواهد داشت. به خلیج فارس کشتی‌های جنگی فرستاده شده است. سربازان واحد مستقل چستر بازان برای عملیات نظامی در مناطق گرمسیر لیبیا و الجزایر سازمان یافته‌اند. این شیوه امپریالیستی تهدید یک کشور ضعیف تر می‌سازد. کمیته نخل آسای نفت ۱۹۳۰ شد. بدافع انقلاب است ۱۹۳۰ جنبش توده‌های عظیم مردم ایران که بصورت انجمن کارگران نفت، شرکت در مبارزه بخاطر صلح و نمایش‌های عظیمی که حزب توده ایران سازمان داده بود، نمودار گردید. عزم راسخ این مردم را برای رهائی از امپریالیسم نشان می‌دهد. ۱۹۳۰ هیچگونه مداخله‌ای در امور داخلی ایران را نتوان مجاز داشت. دست‌ها از ایران کوتاه! (۱)

در ماه‌های اردیبهشت و خرداد و تیر نمایشها و میتینگ‌های زیادی برگزار شد که در آنها اجراء عملی قانون ملی شدن نفت مطالبه می‌شد. اول‌سانون در این مورد می‌نویسد:

" در واقع عناصر افراطی در ایران نسبت به صدق در جاری شدن عملیاتی که در پی آن است، بسیار ناآرام می‌سازد. با احتیاط عمل می‌کنند و کار ملی کردن را بیش از اندازه به تأخیر می‌انند. اتحاد عناصر افراطی راست و چپ نمودار این روحیات بود. (۲)

البته هیچگونه اتحاد عناصر افراطی راست و چپ که سانون مدعی است، وجود نداشته و ملی‌گرایان و سوسیالیست‌ها را در دست تشخیص داده بود. بنظر حزب توده ایران و سازمانهای مربوط با آن بهترین شیوه عملی در برابر تهدید و فشار عبارت بود از اقدامات سریع و قاطعی که امپریالیست‌ها را در مقابل عمل انجام شده فرار دهد. روزنامه "بسوی آینده" بنسایت تهدید انگلستان به خروج دستجمعی کارمندان انگلیسی و دستوری که به تفکیش داد داده شده بود که در مقابل نفت تحویل می‌رسیدند، می‌نویسد که دولت ایران با تکیه به خود مردم پاسخ‌گویی و شایسته به این دست‌های امپریالیستی می‌دهد. (۳)

نیروهای دموکراتیک طرد کامل فوری کمیته را مطالبه می‌کردند. حزب توده ایران و جمعیت ملی مبارزه با شرکت‌های استعماری نفت " بنسایت هجدهمین سال انجمنی قرارداد امتیاز سال ۱۹۳۳ میان دولت ایران و شرکت نفت، روز ۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۰ را برای بسیج نیروهای اجتماعی در نظر گرفتند. در این روز در تمام شهرهای بزرگ ایران (بجز خوزستان که در آنجا حکومت نظامی اعلام شده بود) علیه شرکت نفت و زورگویی امپریالیست‌ها در ایران نمایش و میتینگ برگزار شد. در تهران ۱۰۰۰۰ نفر از دموکراسیون که در خیابانهای عمده انجام گرفت و ۳ ساعت بطول انجامید، میتینگ عظیمی در میدان بهارستان برپا شد که بیش از ۸۰ هزار کارگر و کارمند و پیشرو و محصل و روشنفکر و کسبه و هنرمند

(۱) روزنامه "کارگر پاکو"، ۲۷ مه ۱۹۵۱
(۲) اول سانون، "نفت ایران"، صفحه ۲۷۷
(۳) روزنامه "بسوی آینده"، ۷ تیر ۱۳۳۰

دوستان جبهه شهرداران شرکت کردند. در قطعنامه صادره از طرف شرکت، کنندگان در این میتینگ علاوه بر مطالبه دموکراتیک کردن سیاست داخلی کشور گفته می‌شد که مردم خواستار طرد فوری شرکت نفت غاصب از ایران و سوزن بی چون و چرای تمام ایران به دولت هستند. تاخیر در این کار بمعنای تبعیت از امپریالیست‌های امریکائی و انگلیسی و خیانت به منافع مردم ایران است. باید خساراتی را که طی ۵۰ سال به ایران وارد آمده، دقیقاً محاسبه کرد و براساس آن تمام مؤسسات صنعتی و وسایل نظایه شرکت را صادره نمود. در قطعنامه همچنین لغو قسمتی از قانون که در آن از حقوق شرکت نفت سخن می‌رفت، مطالبه می‌شد. در قطعنامه گفته می‌شد که مردم ایران به تهدیدهای دولت انگلستان و همچنین سب و تحقیر بشیرمانه امپریالیست‌های امریکا در مورد داخلی ایران که حاکی بر تلاش امپریالیست‌ها برای ادامه غارت مشترک ثروتهای ایران است، با نظر نفرت و انزجار می‌نگرند. مردم ایران می‌طلبند که مجلس و دولت ایران در پاسخ این سیاست مبنی بر تهدید و مداخله به تکیه بر نیروهای ضد امپریالیستی ایران برای پیشه کن کردن نفوذ امپریالیست‌ها در ایران اقدام کنند (۱).

در ۳۱ خرداد ۱۳۳۰ بروی مؤسسات شرکت نفت سابق تابلوی "شرکت نفت ملی ایران" نصب شد و برقرار آن‌ها پرچم ایران به اهتزاز درآمد. این کار با رضایت خاطر عمومی مواجه شد. "جبهه ملی" در همان روز در میدان بهارستان میتینگ تشکیل داد که در آن ۳۰ هزار نفر شرکت کردند. در این میتینگ از صدق پشتیبانی شد و طبعاً اظهارات مورسوس اعتراض بعمل آمد. در تالیف این اقدام دولت، در سایر از شهرها نمایش و میتینگ برگزار شد.

وسعت دامنه جنبش نه فقط انگلستان را که منافع مستقیم آن بخاطر افتاده بود، بلکه امریکائیان نگران می‌ساخت. بدین حال یاد داشت وزارت خارجه انگلستان که پس از تصویب قانون ۹ ماده ای طرز اجرای ملی کردن نفت ارسال شده بود، دولت امریکائیز اعلامیه ای صادر کرد. در این اعلامیه گفته می‌شد:

" مادرش اکثر خودیاد دولت ایران اثرات خطری را که در نتیجه الحاق یکطرفه روابط دوستی که بر سر داد مرتب است و ایالات متحده امریکائی با آن مخالفت خواهد نمود، تذکر داده ایم. ماهیت رسیدن ایرانیان را به هدف‌های مشروع خودشان از راه مذکور دانسته و متوجه با طرف دیگر بطوریکه با مسئولیت‌های بین‌المللی ایرانیان وفق دهد تأکید کرده ایم. قاید انتخاب این طریق اینست که در آینده اطمینان به مصونیت سرمایه‌های که در ایران بکار انداخته می‌شود، ادامه خواهد یافت. (۲)

این تغییر ناگهانی در موضعگیری امریکائی موجب حیرت محافل رسمی ایران گردید. در بررسی از روزنامه‌های دولتی این کار عجیب "خنجر زدن از پشت" ارزیابی شده. دولت ایران در ۱۳ اردیبهشت یادداشتی ارسال داشت که در آن از عدول ناگهانی ایالات متحده امریکا از موضعگیری بیطرفانه ایران تعجب شده بود. در این یادداشت گفته می‌شد که ملی شدن اکنون بصورت قانونی به تصویب هر دو مجلس رسیده، درآمده است و دولت ایران وظیفه‌ای جز اجرای آن ندارد و کوچکترین تزلزل و تاخیر در اجرای این قانون خشم مردم ایران را بر خواهد انگیزد. در یادداشت اضافه می‌شد که: ما امید داریم که ملت کبیر و آزاد بخواد امریکاکه در سایر موارد جانب حق و عدالت را بر می‌داشته و پشتیبانی معنوی خود را از اساسی قانونی ایران نشان داده، این بار نیز مانند گذشته بی‌خبر و دوستی خود را حفظ خواهد کرد (۳).

(۱) روزنامه "برآورد"، ۳۱ مه ۱۹۵۱
(۲) روزنامه "بسوی آینده"، شماره ۲۷۴، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۰
(۳) اول سانون، "نفت ایران"، صفحه ۲۸۴

یادداشت دولت ایران برده رانسی بالاژده و محافل واشنگتن را نگران ساخت. آجمن سخن اعتراف به اینکه دولت امریکا با تقاضای به ایران اطمینان داده بود نه معترض سیاست ملی کردن نفت نخواهد شد، اعلام داشت که ایالات متحده امریکا قصد ندارد حق حاکمیت ایران را مورد تفسیر دید قرارداد هد (۱) *

افد امامت بعدی امریکا د بگرچنه رسمی ند اشت. ترومن فقط پیام هائی شخصی به نخست وزیران ایران وانگلیس فرستاد و طرفین رابه حل دوستانه مسئله از راه مذاکره دعوت میکرد. ترومن به ایران پیشنهاد مینمده. با نمایندگان بریتانیای کبیر در باره تمام مسائل مورد اختلاف و نه فقط در بسماره جزئیات فنی وارد مذاکره نبود. در پاسخ صدق به ترومن که بنابه " دوست صمیمی و خیرخواه " ایران تنظیم شده بود، گفته میشد که دولت ایران در این مسئله جز با نمایندگان شرکت سابق نفت با هیچ مقام دیگری نمیتواند وارد مذاکره شود (۲) *

مذاکره با نمایندگان شرکت نفت انجام گرفت. از طرف شرکت نفت هیئتی به ایران اعزام شد. نماینده دولت انگلستان در هیئت مدیره این شرکت نیز در آن عضویت داشت. این هیئت که جاسکمن معاون شرکت نفت ریاست آنرا بر عهده داشت، در ۲۱ خرداد وارد تهران شد. ولی از این مذاکرات نتیجه مثبتی عاید شرکت نفت نشد. این مذاکرات نتیجه مثبتی هم نمیتوانست داشته باشد. زیرا از یکسو هدف جاسکمن بطوریکه در فروردی گاه تهران اعلام کرد، پیدا کردن " جای سود مند و باصرفه در شرایط ملی شدن نفت " بنحویکه بتوان با آن " د سازش " بود (۳) و از سوی دیگر جنبش در ایران چنان پیش رفتی بود که هرگونه زد و بندی با شرکت نفت نمیتوانست موج عظیم خشم عمومی را برانگیزد.

صدق دره تیرماه پیاپی به ترومن فرستاد که در آن گفته میشد، دولت ایران که مایل نیست در کار بهره برداری از نفت کوچکترین وقفه ای حاصل شود، آمادگی خود را برای ایفاء تمام کارهاست. تمام کارها اعلام کرده است، ولی شرکت نفت در انجام تمام کارها خرابکاری میکند و دولت ایران با در نظر گرفتن روابط دوستانه " میان مردم امریکا و ایران و از آنجا که " ملت بزرگ و ارجمند امریکا از طرفداری آن جدی آزادی و حاکمیت طلب شناخته شد ۱% اند، تقاضا دارد که از معاضدت در این کار امتناع نپزودند (۴) *

ترومن در پاسخ خود به این پیام توصیه کرد که صدق در اول هرین، مشاور مخصوص او را واسطه این کار قرار دهد. خبر آمدن هرین موجب نگرانی محافل اجتماعی ایران شد. روزنامه " بسوی آینده " سرمقاله ای تحت عنوان " هرین نباید به ایران بیاید " ماهرگومه مدخله امیرالیمت های امریکائی را در مورد اخلای ایران بصدت محکوم میکند " نوشته " در آن اطلاع داد که طبق اعلامیه کاخ سفید دکنسر گردید، " سفیر کبیر امریکا در تهران بازنشسته میشود و هند رسون سفیر کبیر امریکا در هند وستان جانشین او میگردد. " این روزنامه همچنین خبر صاحب هرین را باخبر نگار " یونایتد پرس " منتشر ساخت. هرین گفته بود:

" من کاملا امیدوار هستم که دکنسر صدق، نخست وزیر ایران به مضمون نامه بریزد نت ترومن... توجه کرده و بالاخره حاضر شود قضیه نفت را که اکنون صلح جهانی رابه مخاطره انداخته از طریق مسالمت آمیز حل و فصل کند" (۵)

- (۱) الول ساتون. " نفت ایران "، صفحه ۲۸۴
- (۲) روزنامه " پراودا "، ۱۵ ژوئن ۱۹۵۱
- (۳) الول ساتون. " نفت ایران "، صفحه ۲۸۷
- (۴) فاتح، " پنجاه سال نفت ایران "، صفحه ۴۵۰ - ۴۵۱
- (۵) روزنامه " بسوی آینده "، شماره ۲۱۱، ۲۰ تیر ۱۳۳۰

در این شماره روزنامه " بسوی آینده " از طرف " جمعیت ملی مبارزه با شرکت های استعماری نفت در ایران " اعلامی در باره تشکیل تظاهرات در روز یکشنبه ۲۳ تیر که روز شهدا * خیزش سنا در اعتصاب عظیم ۲۳ تیر ۱۳۲۵ بود، منتشر کرد. این تظاهرات که در روز هفتم هرین برگزار شد به نمایش عظیم ضد امریکائی مبدل شد. در این تظاهرات بازگشت قهری هرین از ایران، خروج نیروهای دریائی انگلیس و امریکا از آبهای دریائی ایران و جزایر بحرین، اجرای کامل قانون ملی شدن نفت، آزادی احزاب و مسند بکاها طی شعارهای مطالبه میشد. در این تظاهرات درحدود ۱۰۰ هزار نفر کارگر و دانشجو و پیشه و غیره شرکت داشتند. (۱) صفوف د مونسراسیون از خیابان های عده شهر عبور کرد ولی در مقابل بهارستان، مأمورین شهبانی راه را بر آن سد کردند. جاووشان بنظیر پروکاسیون به صفوف تظاهرکنندگان حمله کردند و این بهانه ای برای مدخله شهبانی و ارتش و بکار بردن گاز اشک آور و تانک بود. با اینهمه توده مردم راه رابه میدان بهارستان باز کرد. قرار بود درمیدان بهارستان میتنگی برگزار شود. ولی تیراندازی بسوی جمعیت مانع آن شد. در این موقع یکی از شرکت کنندگان در مونسراسیون به خواندن قطعه نامه پرداخت. ولی او که هدف گلوله قرار گرفته بسود، نتوانست قطعه نامه را تا آخر بخواند. در این موقع یکی دیگر از تظاهرکنندگان قطعه نامه را بدست گرفته و به خواندن آن ادامه داد. او نیز دچار سرنوشت اولی شد و سرانجام نفروسم قطعه نامه را تا پایان فراشت کرد. طبق اخبار رسمی در این روز که روز " یکشنبه خونین " نام گرفت، ۲ نفر کشته و بیش از ۲۰۰ نفر زخمی شدند. ولی روزنامه " طلوع " خبر داد که عده متولین ۱۰۰ نفر و زخمی شدگان ۶۰۰ نفر بودند (۲) * طبق ارقام غیر رسمی عده کشتگان و مجروحین به ۱۰۰۰ نفر بالغ میشد. فاتح بناسبت این د مونسراسیون در کتاب خود مینویسد:

" همانروز حزب توده تظاهرات زیادی بر علیه ورود (هرین) نمود که نوای انتقامی دخالت نموده و منجر بقتل بیست نفر و زخمی شدن بیش از دویست نفر گردید. در میتنگ بزرگی که حزب توده در میدان بهارستان تشکیل داد، شعارهای زیادی بر علیه امریکا وانگلیس داده شد و آشکارگشت که حزب مزبور ۵۰۰۰ باهرگونه حل قضیه نفت مخالف بوده و سیاست کلی آنها مثبتی بر این است که صنعت نفت را بدست بماند... و راه برای تسلط حزب توده و ایجاد حکومت کمونیستی در ایران هموارگردد" (۳)

فاتح در همین جا با اشاره به ورود هرین اضافه میکند که:

" تظاهرات حزب توده در روز ورود او و اطلاعات دیگری که نمایندگان دولت در باره عطیات حزب مزبور به او دادند، تاثیر بسزائی در او تود" (۴)

رهبری حزب توده ایران این کشتار را کار خود دکنسر صدق که میخواید مبارزه ضد کمونیستی خود رابه هرین نشان دهد میدانست. ولی بطوریکه بعد معلوم شد، در باره شاه و وزیر کشور لاشکرزاده ای، که از موضعگیری منززل صدق استفاده میکردند، عاملین عده این حادثه خونین بودند. زیر فشار افکار عمومی کمیسوئی در مجلس سنا برای رسیدگی به این حادثه تشکیل شد. سرلشکر

- (۱) روزنامه " کارگر باکو "، ۱۸ ژوئن ۱۹۵۱
- (۲) روزنامه " طلوع "، ۲۶ تیر ۱۳۳۰
- (۳) فاتح، " پنجاه سال نفت ایران "، صفحه ۵۲ - ۵۳
- (۴) همانجا

زا هدی در ۱۲ مرداد استعفاداد. کمیسیون سنایم ازگذشت بهیش از دوهفته نتایج رسیدگی خود را بشرح زیر اعلام داشت :

" روز یازدهم تیر شهرهای کل کشور به مقامات نخست وزیری و وزیرکشور گزارش دادند . . . تصمیم گرفته اند میتینگ در ۲۳ تیر بد هند که ممکن است زده و خوری واقع شود. آقای دکتر صدقی فرموده اند که گزارشات شهرهای رانزد من نیاید عصبانی میشوم ، بد هند به وزیرکشور. " کمیسیون عقیده دارد که " دولت و وزارت کشور مسئول ایستادن پیش آمد است. " (۱)

بناسبت چهلمین روز یکشنبه خونین " قرارداد میتینگ یاد بودی تشکیل شود. چون تجمع در میدان بهارستان ممنوع شده بود ، میتینگ در میدان فوری برگزار شد. در این میتینگ ۳۰ هزار نفر از زحمکشان تهران و حومه شرکت کردند. شرکت کنندگان در میتینگ عمدهای شهید ای ۲۳ تیر و نسیز شعارهای در باره محاکمه غنی و مجازات مسئولین حادثه ، خروج هرمن از ایران ، طرد کامل امپریالیست ها از صنایع نفت ایران ، قطع فشار بود اخله امپریالیست هادردست داشتند. (۲) برخی از روزنامه های راست در باره جریان این میتینگ اظهار نظرهای جالبی نموده اند که ما نمونه هایی از آنها آوریم. روزنامه " آتش " مینویسد :

" در این میتینگ بانوان لباس سیاه بتن کرده و مردان نوار سیاه به سینه زده بودند. ساعت ۴ بعد از ظهر میتینگ شروع شد و شش و چهل دقیقه بعد از ظهر پستایان یافت. میتینگ دهندگان دارای شعارهای گوناگون بودند. قطعنامه میتینگ شامل ده ماده است که مهمترین آن مخالفت باقرضه ۲۵ میلیون دلار وام امریکا، درخوا آزادی احزاب و زندانیان سیاسی و الغاء حکومت نظامی درخوزستان میباشد. "

روزنامه " طلوع نوشت :

" وقتی که يك كودك بدركشته نطق مختصری ایراد کرد موج خشم و غضب انتقام سراسر میدان را فرا گرفت و جالب تر از همه این بود که آقای خاشع هنرمند مشهور و زده تاثر ایران که در هنگام قرائت قطعنامه روز ۲۳ تیر هدف گلوله يك افسر شهرهای قرار گرفته و بشدت مجروح شده بود باوجود سختی جراحت در یروز بکله دستندان در میتینگ حضوری یافته و قطعنامه را در میان فریاد های پر شور انبوه جمعیت قرائت کرد و مجدداً به بهارستان انتقال داده شد. "

حوادث خونین ۲۳ تیر و مبارزات بعدی ، ایالات متحده امریکا را شدیدا انگران ساخت. الول ساتون مینویسد :

" هرمن که نظر ترومن و اکثریت مردم امسر بکلا راضی میگرد ، بهیش از آنکه از سرنوشته نفت نگران باشد از این نگران بود که غرب ممکن است ایران را " از دست بدهد. " او معتقد بود که باید در مقابل ایران بهمنوع عقب نشینی تا قبول قانون نسه مادی ملی شدن نفت تن داد. " (۳)

(۱) روزنامه " بمبوی آینه " ، شماره ۳۴۷ ، ۲۹ مرداد ۱۳۳۰

(۲) روزنامه " کارگر باکسو " ، ۲۸ اوت ۱۹۵۱ ، (۳) الول ساتون. " نفت ایران " ، صفحه ۲۰۶

بهمن جهت هرمن به فعالیت شد بد پرداخت و پس از چند بار سفر میان لندن و تهرسان بالاخره موفق شد ملاقات دیگری میان ایران و انگلستان برقرار کند. این بار ریاست هیئت نمایندگی انگلستان را لرر ریچارد استوکس مبرر ارسلطنتی انگلستان بعهده داشت. دولت انگلستان بسد و از طرف خود و شرکت نفت برسمیت شناختن قانون ملی شدن صنایع نفت را اعلام داشت. استوکس نیز مانند هرمن ، درآبادان اظهار داشت که :

" شرکت نفت دیگر مورد توجه ما نیست ، ما باید در این کشور باقی بمانیم تا آنسرا از کمونیسم نجات دهیم. " (۱)

ولی مردم ایران نخواهند که خود را تابع اراده استعمارگران امریکایی کنند. آنان برای خود منافع دیگری قائل بودند. فشار افکار عمومی چنان نیرومند بود که نه استوکس و نه هرمن که تا بسا امان مذاکرات در تهران مانده بود ، نتیجه ای بدست نیآوردند ، بخصوص که استوکس در پیشنهاد هسای خود هیچ چیز تازه ای نداشت.

درمهرماه ۱۳۳۰ کارمندان انگلیسی شرکت ، آبادان را ترک کردند. اقدامات پشت پرده و آشکار د بیلماسی انگلستان آغاز شد. عمال انگلستان در مجلس و خارج از آن به فعالیت خود افزودند. در مجلس اپوزیسیون سرهم بندی شد که هر بار مجلس را از کثرت نمایندگانشند. این کار مصدق را وارد داشت که بهیش از پیش برای تا مین پیشنهادی ، به مردم مراجعه کند. فشار اقتصادی انگلستان شدیدا شد. پرداختهای ارزی با ایران متوقف شد ، صد و کالای به ایران طبق اجازه خاص انجام میگرفت و کالاهای که قبلا ارسال شده بود ، توقیف گردید. دولت انگلستان به شورای امنیت شکایت نمود. از خرید نفت ایران بوسیله دیگران ، جلوگیری بعمل آمد. روابط ایران و امریکا سرد تر شد. درنامه ای که هرمن به مصدق نوشت از جمله گفته میشد که دولت من معتقد است که تصاحب اموال يك شرکت خارجی بدون پرداخت فوری خسارت بمهزان لازم یانامین موافقت طرفین باید مصادره نامیده شود و نه ملی کردن. سردی روابط میان امریکا و دولت مصدق بتدریج شکل خصوص بخود گرفت.

رسیدگی به شکایت انگلستان در شورای امنیت در اول اکتبر ۱۹۵۱ آغاز شد. در این شکایت گفته میشد که لغو امتیاز شرکت نفت و عدم تمایل دولت ایران برای مراجعه به حکمت اقدامی غیرعادلانه و ناقض قوانین بین المللی است.

ریاست هیئت نمایندگی ایران را مصدق بعهده داشت. دولت انگلستان با مراجعه به شورای امنیت نه فقط مواضع خود را بهتر کرد ، بلکه تریبون در اختیار هیئت نمایندگی ایران گذاشت که از آن میتوانست شرکت نفت را بشباهه يك مومسه امپریالیستی افشا نماید. مصدق به صلاحیت شورای امنیت در رسیدگی به این مسئله اعتراض کرد ، ولی در عین حال برای اثبات سیاست غارتگرانه شرکت نفتست دلایل مقتضی ارائه نمود. هیئت نمایندگی ایران اظهارات خود را در باره بداخله شرکت نفت در زندگی سیاسی ایران بوسیله اسنادی که از فترا اطلاعات شرکت نفت بدست آمده بود ، ثابت نمود.

تساریکین ، نمایندنده اتحاد شوروی در این مجمع از حقوق ایران دفاع کرد. نمایندنده شوروی بسه اینکه شکایت انگلستان دردستور کار شورای امنیت قرار گیرد ، اعتراض نمود ، زیرا این عمل را بداخله در امور داخلی ایران میدانست. موضعگیری اتحاد شوروی بنحوی شایسته از طرف محافل اجتماعی ایران ارزیابی شد. آشتیانی زاده در مجلس گفت که من فکر میکنم مردم ایران سیاست خردمندانه و روشدوستانه دولت شوروی را در این مورد فراموش نخواهند کرد. مردم ایران مراتب قدرتی خود را از اقدام نمایندنده

(۱) الول ساتون. " نفت ایران " ، صفحه ۲۱۴

اتحاد شوروی در شورای امنیت در دفاع از حقوق مردم ایران، ابراز امید آرد.
 شورای امنیت رسیدگی به شکایت انگلستان رایه پس از تصدیر محکم دادگاه بین المللی لاهه
 موقوف نمود. دولت انگلستان از همان آغاز اختلاف به این دادگاه مراجعه کرده بود.
 برای اینکه مسئله نفت با دخالت بانک جهانی حل شود، گام‌هایی برداشته شد. این کار بسا
 میانجیگری نماینده پاکستان در بانک جهانی، زمانیکه صدق در امرایکوب، آغاز شد و با آمدن هیئت
 نمایندگی این بانک به ایران و سفرهای مکرر رئیس این هیئت‌پایان یافت. بانک در نامه برت‌گازیز
 معاون بانک گفته میشد که این بانک در نظرند ارد بقصد معاملات تجاری برای همیشه به امر صنایع نفت
 بپردازد، با اینهمه بانک در بند "ب" پیشنهادهای خود خواستار اختیارات لازم برای اداره امور
 نفت بود. مطابق این پیشنهاد هاسود خالص باید به سه قسمت میشد یعنی یک قسمت به ایران، قسمت
 دیگر به خرید اربل (یعنی شرکت نفت ایران و انگلیس) پرداخت میگردد و قسمت سوم بطور امانت به
 بانک جهانی سپرده میشد (۱). مدخله بانک جهانی را اعلامیه مشترک جرنیبل (که برای مد اکسره به
 واشنگتن رفته بود) و ترومن مورد تأیید قرار گرفت. این اعلامیه در ۲۰ دیماه ۱۳۳۰ منتشر شده بود.
 ولی پیشنهادهای بانک با اعتراض و تظاهرات شد بد مردم ایران روبرو شد. پاسخ نهائی صدق به این
 پیشنهاد ها این بود که بانک میتواند فقط بختابه عامل دولت ایران عمل کند.

در این مدت دساتین عمال وکنسولگریهای انگلستان در ایران وضع غیر قابل تحلی بوجود آورد
 بود. دولت ایران در ۲۲ دیماه ۱۳۳۰ یادداشتی به سفارت انگلستان ارسال داشته در آن بمنتن
 تمام کنسولگری‌های انگلستان در ایران را خواستار شد. در این یادداشت گفته میشد که دولت ایران
 بیخی از این نمیتواند مدخله کارمند آن انگلستان را در امر داخل ایران تحمل کند و از نظر صالح عالیسه
 کشور حق و وظیفه خود میداند که بمنتن تمام کنسولگریهای انگلستان را در کشور طلب نماید (۲).

از آنجاکه دوره مجلس ۱۶ بیابان هرسید، دکتر صدق پس از مراجعت از امریکا، تصمیم بسه
 برگزاری انتخابات در ۱۷ مجلس گرفت. در این موقع حزب توده ایران و سازمانهای مربوط به آن
 خود را چنان نیرومند احساس میکردند که شرکت مستقیم خود را در انتخابات امکان پذیر می‌شمردند. اکنون
 کسه سه سال از اعلام غیر قانونی بودن حزب میگذشت، حزب توده ایران نه فقط چنانکه انتظسار
 داشتند، از صحنه خارج نشده، بلکه برعکس همانطور که روزنامه "بسیوی آینه" بنسایت سومین سال ۱۵
 بهمین نوشت، حتی دشمنان حزب توده ایران مجبور شدند اعتراف نمایند که تشکلات حزب توده ایران
 وسیعتر، آیدیده تر و نیرومندتر شده است (۳). تصمیم حزب به شرکت در انتخابات نه فقط محافل
 ارتجاعی دربار، بلکه "جبهه ملی" را نیز نگران کرد. برای نگرانی آنها واقعاً نیز دلایل کافی وجود
 داشت. سازمان‌های دمرکرتیک که در جریان مبارزه خصمگی ناپذیر مشکل‌مؤسجد شده بود، نسیسد
 می‌توانستند رقیب‌های جدی برای "جبهه ملی" باشند. باینجهت دولت "جبهه ملی" نیزمانسیسد
 دولتهای گذشته، بطور وسیع در امر انتخابات مدخله نمود. در عین حال شیوه‌های تهدیدسیسد
 سازمانهای دمرکرتیک از راه حمله مستقیم نیروهای انتظامی و یادسته‌هایی که خریداری شده بود،ند،
 بکار مبرفت. در ۱۴ آذر ۱۳۳۱ هنگام تظاهرات دانشجویان علیه مدخله شهرداری در امرود انشگاه
 ومدارس زد و خورد بزرگی رخ داد. محافل ارتجاعی، از جمله مصطفی فاتح میگفتند که حزب توده ایران
 اسپین تظاهرات را برای نشان دادن قدرت خود در آستانه انتخابات بره انداخته است (۴). ولی این

تظاهرات برای انتخابات نبود. بطوریکه فاتح میگوید در این روز ۵ نفر کشته و بیسی از ۲۰ نفر زخمی
 شدند. کسانیکه باغاق پلیس دیرراکنند نمایش دانشجویان شرکت داشتند، سپس تأثر "سعدی را"
 ویران کرده عازم "خانه صلح" شدند و پس از غارت کتابخانه و قرائتخانه، آژرا آتش زدند. دانشر
 "جمعیت ایرانی هواداران صلح" نیز دستخوش چپاول و آتش سوزی گردید. در همین روز ۱ داره
 روزنامه‌های "نید آزادی" و "بسیوی آینه" را ویران کردند و چند کویسک کتابفروشی را که روزنامه‌ها
 و مجله‌های شرقی در آنها بفروش هرسید، سرنگون کرده آتش زدند. دولت عدده ای از عناصر مترقی
 را بازداشت کرد. طبق خبر روزنامه "کیهان" عدده بازداشت شدگان ۱۴۰ نفر طبق خبر روزنامه
 "داد" بیسی از ۳۵۰ نفر بود.

انتخابات این دوره بجزان زیاد انتخاباتی را که در زمان قوام انجام گرفت بیاد می‌آورد. قوام که
 اکثریت را برای "حزب" خود تأمین کرده بود، نتوانست به این اکثریت تکیه کند. زیرا پس از تصدیر
 مبارزه میان امریالیست‌های انگلیس و امریکا این اکثریت دچار تجزیه شد.

صدق نیز می‌گوید که اکثریت را بسید "جبهه ملی" که از نمایندگان گروههای مختلف المنافع
 و حتی از عمال امریالیسم امریکان تشکیل یافته بود، تأمین نماید. ولی او فرغ نمی‌کرد که این اکثریت بحسبش
 تشد بد مبارزه علیه امریالیسم امریکان میتواند دستخوش تفرقه گردد (چنانکه خواهیم دید، دچار تفرقه
 هم شد).

مبارزه بسیار شدید در اردو سته هواداران انگلستان برای اینکه حتی الامکان کرسی‌های بیشتری در مجلس
 بدست آورد، نیز شرکت حزب توده ایران در انتخابات، از مشخصات انتخابات در ۱۷ مجلس بود. در
 نمونه انتخابات این دوره بخوسی میتوان خصلت دیکانه بورژوازی ملی راشاهده کرد. اگر "جبهه ملی"
 دیکه از حوزه‌های انتخاباتی ناگزیر بود که از میان کاندیدهای حزب توده ایران و ارتجاع، ولو طرفدار
 انگلستان، بیکر را انتخاب کند، کاندیدهای ارتجاع را ترجیح میداد. مثلاً کاندیدهای حزب توده ایران
 در شهر مهاباد (کردستان)، طبریز، تمام تقیبات، توانست ۸۰ درصد آرا را بدست آورد. ولی فرمانده
 نظامی، عشایر را بسیج کرده پای صندوق انتخاباتی آورد برای آماه ای را که بنام دست نشانده
 دربار شاه و هواداران انگلستان نوشته شده بود، بدست آنان داد (۱). دولت صدق با نظر ناپیدی
 این واقع را نادیده گرفت.

در بسیاری از نقاط، کاندیدهای حزب توده ایران و سازمانهای دمرکرتیک مورد ضرب و جرح
 دسته‌های اوباش قرار میگرفتند و میتینگ‌های انتخاباتی آنها بجزور سرنیزه برانکده میشد. باین ترتیب
 نامزد‌های حزب توده و سازمانهای دمرکرتیک عملاً از امکان انتخاب شدن محروم گردیدند. ولی مردم
 از نامزد‌های حزب توده ایران با گرمی تمام استقبال کردند. مثلاً مانیک نامزد نمایندگی حزب توده ایران
 از رشت، عازم این شهر بود، با وجود نوطه جینی‌های شهریانی و تهدیدها و بازداشت‌ها، هزاران
 نفر از مردم رشت با تپوس، سواری یا جیپ و دوجرخه و قریب صد هزار نفر در هقان رود باری بسایه
 بیاده به استقبال او آمدند (۲).

باین ترتیب در نتیجه یک سلسله تضادها، انتخابات در شرایط بسیار متشنجی انجام گرفت. در
 شهر زابل زد و خورد خونین رخ داد که در نتیجه آن فرمانده ارسل، با زرس دولت و نیز دوضو انجمن
 نظارت انتخاباتی بقتل رسیدند و عدده ای از کارمندان دولت بسختی مجروح شدند. در هرسره امان دوجرف
 کشته و عدده کبیری زخمی شدند. در خرم‌آباد ماورین نظامی به شرکت کنندگان در نمایش اعتراضی علیه

(۱) روزنامه "بسیوی آینه"، شماره ۵۲۵، ۱۱ فروردین ۱۳۳۱
 (۲) همانجا، شماره ۴۵۶، ۱۳ دی ۱۳۳۰

(۱) فاتح، پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۸۷
 (۲) روزنامه "کارگر پاکو"، ۱۶ ژانویه ۱۹۵۲
 (۳) روزنامه "بسیوی آینه"، شماره ۴۸۳، ۱۵ بهمن ۱۳۳۰
 (۴) فاتح، پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۵۷۹-۵۸۰

۱- هیئت انجمن نظارت نیراندازی کردند که در نتیجه آن سه نفر بقتل رسیدند و ۵ نفر زخمی گردیدند (۱)
 در شهرهای خرمشهر، خاش، قم، عجب شهر، گلپایگان، خونمارز و دغخورد هائی انجام گرفت که به کشته و زخمی شدن عدده ای منجر گردید. پلمس در نیشابور بمسوی جمعیت نیراندازی کرد و ده نفر کشته و عدده زیادی را زخمی نمود. در ارومین، بروجند، بندر عباس و کرمانشاه زند و دغخورد هائی روی داد (۲).
 ماهرین شهرستانی و افراد ارتش در ۲۰ دیماه بمسوی شرکت کنندگان در زمیننگ انتخاباتی که بمسوی پشتهائی از نامزد "جمعیت ملی مبارزه باشرکتشاهی استعماری نفت" تشکیل شده بود، آتش گشودند. در شاهوی و سمنان و سایر شهرها نیز چنین حوادثی پیش آمد.
 برای نشان دادن بد اخله مستقیم دولت در انتخابات کافیس که به اسناد منتشره در روزنامه "مسوی آینده" (۳) استناد در پیوسته.

محرمانه - مستقیم ۱۳۳۰/۱۰/۹

جناب آقای رئیس اداره دارائی شهرستان رشت

بنابه امر جناب آقای نخست وزیر و توصیه حضرت آیه اله کاشانی بمسجد دریافت این نامه مقرر گردید که کارمندان کلیه دوائر و بنگاههای تابعه از تبلیغات و فعالیتت انتخاباتی که برخلاف مصالح کاندیداهای ملی تشخیص داده شود، جلوگیری و بسا استفاده از بودجه ترغیبات و اضافات کارمندان دولت توصیه فرمائید که کارمندان آراء خود را تبلیغ نکند بد اهای ملی بصند و بی بیزند. اظرف وزیر دارائی، فریزان

د مستورین بزرگ به فرمانده تپب گرگان در این مورد، صریحتر بود و مشکل کامل فرمان نظامی دارد.

خصوصی - مستقیم ۳۲۳۲۰/۲۴۲۲
 ۱۳۳۰/۱۰/۱۷

فرماندهی تپب گرگان

بلافاصله پس از وصول این نامه مقرر گردید که کلیه شناسنامه های افراد وظیفه و احتیاط شهرستان گرگان و حومه جمع آوری گردد تا در روز اخذ آراء مورد استفاده قرار گیرد.

جای مهر دفتر وزیر

این بدان معنا بود که با شناسنامه افراد ارتش که طبق قانون حق دادن رای ندارند و افراد دیگری برای دادن رای دو باره اعزام میشدند.

در تهران با تک حزب بود ایران سازمانی بنام "هیئت مؤتلف ملی انتخابات" تشکیل گردید. در این هیئت نمایندگان سازمانهای زیر شرکت داشتند: "جمعیت ملی مبارزه با شسرتک هسای استعماری نفت"، "انجمن کله به دهقانان"، "جمعیت آذربایجانیان مقیم تهران"، "اسن هیئت با توافق سایر سازمانهای د مکرانیک علنی برنامه انتخاباتی واحدی را برای دوره ۱۷ تنظیم کرد که نکات عدده آن بقرار زیر بود:

(۱) روزنامه "کارگر باکو"، ۴ ژانویه ۱۹۵۲

(۲) روزنامه "ایسران"، ۲۵ بهمن ۱۳۳۰

(۳) روزنامه "مسوی آینده"، شماره ۴۶۶، ۲۵ دی ۱۳۳۰

۱- مبارزه در راه تامین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران، - تحکیم پیروزی ملت ایران در مورد ملی شدن صنایع نفت، - طرد مستشاران امریکائی، خانه دادن به فعالیتت بسانیک انگلیس (خاورمیانه) و سایر بوسسات امپریالیستی مشابه؛

۲- کوشش در راه صلح جهانی از راه برکنارنگاهداشتن ایران از هرگونه دسته بندی تجاوزکارانه، تنظیم و تهیه طرح قانون مجازات تبلیغ کنندگان جنگ، برسمیت شناختن مسوی د مکرانیک چین؛

۳- کوشش در راه بهبود وضع زندگی مردم، افزایش حد اقل دستمزدها، تجدید نظر در قوانین کار؛

۴- عملی ساختن تعلیمات عمومی اجباری، تقلیل مدت خدمت نظام وظیفه از دو سال به یک سال، تقلیل نصاب سنی انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان؛

۵- تعدیل بودجه کشور و اختصاص قسمت اعظم آن به بهداشت عمومی و عمران فرهنگی؛

۶- وضع قوانین معینه بمنظور دفاع از حقوق مادران و کودکان، ممنوع کردن کار اطفال؛

۷- اصلاح قانون انتخابات (۱).

سازمانهای د مکرانیک برای انتخاب شدن نامزد های خود با تمام نیرو فعالیت میکردند و تواتر علیرغم تضییقات و محدودیتهای احتمالی از طرف دستگاههای دولتی آراء قابل توجهی که از حد نصاب معمولی نمایندندگان تهران در دوائر دیگر بسیار تجاوز میکرد، بدست آوردند. اما اعمال نفوذ وابستگان به دولت که از آزادی کامل برخوردار بودند سرانجام کار خود را کرد و انجمن های نظارت بر انتخابات ر قلمهای باور نکردنی از آراء را برای نامزد های "جهبه ملی" اعلام کردند. با بد اخله مستقیم دولت و مصدق کمائی از تهران انتخاب شدند که با اعتراض سید فخرالدین جزائری، عضوانجمن نظارت تهررا "از ده هزار نفر یک نفر هم آنها را نمیشناسد" (۲).

در انتخابات تهران پیروزی واقعی را نامزد های سازمان های د مکرانیک بدست آوردند. نامزد های این سازمانها تقریبا آراء مساوی داشتند که دلیل برمشکل بودن رای دهندگان بود. آسان از ۲۹ تاسی هزار رای داشتند که در صورتیکه انتخابات بطور عادی جریان مییافت، حد اکثر آراء بود. خود نمایندگان "جهبه ملی" در انتخابات دوره قبل (دوره شانزدهم) مجلس، زمانیکه پیروزی عظیم خود را جشن می گرفتند، تقریبا در همین حد و درای بدست آوردند. بطوریکه روزنامه "مسوی آینده" خبر داد که ای از آراء کاندیداهای ائتلافی، حتی قرائت نشده بود.

با وجود تمام این بد اخله ها و تقلب ها، "جهبه ملی" نتوانست اکثریت لازم را برای خود تامین کند. عدده ای از هواداران د آئشه انگلستان وارد مجلس شدند و اکثریتی هم که مصدق به تصور خود بوجود آورد، بزودی برکنند شد و مصدق مجبور شد که مبارزه علیه مجلسی را که دست پخت خود او بود، با پشتیانی نیروهای د مکرانیک تحت رهبری حزب خود ایران انجام دهد. مصدق حتی پیش از تجزیه اکثریت، از تاجیجی که انتخابات او ببار آورده بود، د جابر نمیدید شده بود. او در نامه ای که هنگام افتتاح مجلس بنام "رئیس قوه صریحه" به مجلس نوشت، ضمن تائید اینکه انتخاب اکثریت نمایندگان قانونی بود، است، اعتراف کرد که:

"بجملت روش غیرقانونی انجمن های نظارت و اعمال خلاف عدده ای از ما مویرند و ملت؛

(۱) روزنامه "مسوی آینده"، شماره ۴۵۹، ۱۷ دی ۱۳۳۰

(۲) همانجا، شماره ۵۴۹، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۱

اقلیت فاسدی به مجلس رفته و بر آن اکثریت است این اقلیت را از بن برکنند و مجلس شورای ملی را آئینه تمام نمای مطالبات و تمایلات ملت ایران سازند و جای گسلا به و اعتراض نگذارند. (۱)

منظور صدق این بود که اکثریت، اعتبارنامه آنها را رد کند. مصطفی فایز در باره این انتخابات میگوید:

" در انتخابات تهران که روز ۲۰ بهمن ۱۳۲۰ بجای تمام رسید، تمام وسایلی که دولت - های سابق برای انتخاب نامزد های خود بکار میبردند، اعمال شد. ۵۰۰ بخصی کسه چند نفر از کاندید های دولت اشخاص نسبتا گفتمانی بود که نام آنها را هم مردم - تسا قبل از انتخابات نشنیده بودند. دولت کوشش بسیار نمود که کاندید های حزب توده در هیچک از نقاط ایران انتخاب نشوند. (۲)

دوران کارزار انتخاباتی خودی انتخابات تا افتتاح مجلس سرشار از حوادث خونین در شهرستان ها و تهران بود. گروه های فاشیستی بیش از پیش وارد میدان میشدند. آنان زیر حمایت ماموران انتظامی طایفه سازمان های دیکتاتوریک به تحریک میبردند، منظور ایجاد تصادم با پلیس به دستمتر - میون هرا حطه میبردند و سازمان های طنی راد بر سرش عیروش قرار میدادند. بزرگترین این گروه ها - " حزب زحمتکش ایران " بود که بوسیله مظفر بقائی ایجاد شده بود. عده ای از اعضا سابق حزب توده ایران نیز که بدنبال خلیل ملکی انشعاب کرده بودند، در این گروه عضویت داشتند. خلیل ملکی در روزنامه " شاهد "، ارگان این گروه مقاله مینوشت: " زمانیکه بقائی از صدق جدی شد، خلیل ملکی نیز این گروه را ترک گفت و گروه " نیروی سوم " را بوجود آورد.

گروه دیگری از انشعاب میون، برهبری انبرخامه ای که همراه با گروه خلیل ملکی از حزب جدی شده و گروه مستقل خود را بنام " رهائی کار و اندیشه " بوجود آورد. بود، بطور فعال طایفه حزب توده ایران عمل میکرد. مبارزه این گروه که نتوانسته بود عده قابل ملاحظه ای را گرد آورد، به نوشته های روزنامه آنها که بنام خود گروه " رهائی کار و اندیشه " خوانده میشد، محدود میگردد.

عده ای از حزب ایران نیز در مبارزه و تعرض طایفه حزب توده ایران شرکت داشتند. گسروه شیونستی " پان ایرانیست " در این مبارزه بیش از دیگران کینه و خشم از خود نشان میداد. این گروه - هراتقید تمام حوادث خونین طایفه حزب توده ایران بشا به واحد های ضعیف عمل میکردند.

در آغاز سال ۱۳۲۱ تصادمات و زد و خورد های خرابانی فراوانی روی داد. در این تصادمات که بیشتر میان جوانان ترقیخواه و پان ایرانیست ها روی میداد، ده ها نفر زخمی شدند. رشد سریع " کانون جوانان دیکتاتور " نمیتوانست توجه رایجی خود جلب نکند. " کانون جوانان دیکتاتور " سازمانی طنی بود و برای خود کلوب و روزنامه داشت و شایسته ترین جوانان را بخصی از میان دانش - آموزان و دانشجویان درصوف خود متحد کرده بود. برای جلوگیری از فعالیت طنی این سازمان تحریکات و توطئه های فراوان انجام میگرفت.

مهمترین حادثه ای که در این زمینه بوقوع پیوست، حادثه هشتم فروردین ۱۳۲۱ بود. در این روز کانون جوانان بنساخت پان یافتن مراسم هفته جهانی جوانان و اعتراض به جنگ میکی مینتیک عظیم و پرشکوهی تشکیل داده بود. شرکت کنندگان در این مینتیک پس از پایان کار درصوف منظمی

(۱) روزنامه " بصوی آینده "، شماره ۵۴۹، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۱
(۲) فایز، " پنجاه سال نفت ایران "، صفحه ۵۹۱

عازم کلوب خود در خیابان نادری شدند. فایز در کتاب خود میگوید که این جوانان در حال حیرت شعار " امیکائی به کشور خود برگرد " را تکرار میکردند و در برابر سفارت انگلیس بر شدت نظا هرات آنان افزوده شد. در خیابان نادری مامورین انتظامی دستور دادند که جمعیت متفرق شود، ولی این دستور اجرائی نشد. در نتیجه زد و خوردی روی داد که به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن ۵۰ نفر منجر گردید. (۱) این ارقام از اعلامیه شهرتانی اخذ شده ولی تعدد قربانیان بیش از اینها بود. روزنامه " بصوی آینده " شرح واقعه را بتفصیل خرد داده میگوید:

" صد ها نفر از دختران و پسران مجروح و خون آلود را مرتبا از عمارت کسانون جوانان دیکتاتور بیرون آوردند و با کتک کاری و دشنام های و فحاحانه به کامیون های پلیس ریختند. کلوب کانون جوانان دیکتاتور تهل به کشتارگاه عزیزن - نهر نزد ان ملت ماشد. ۵۰۰ پلیس قانون شکن ده ها عیاز جوانان شهید را که با گلوله و مسلسل از پای درآمد، بودند، در عمارت کانون نگاهداشت تا اینهان از چشم مردم در هنگام شب آنها را نقل مکان دهند. (۲)

در دم اسفند به دستمتراسیون و مینتیکگی کارگران و کارندان موسسات نفت و محصلین آبادان و اهواز بنساخت روزجهانی مبارزه با استعمار تشکیل داده بودند، تیراندازی انجام گرفت. باین ترتیب با استفاده از انواع تحریکات و دشنام و گاه با استفاده از اشتباهات خسود سازمان های دیکتاتوریک در راه تضعیف نیروهائی که رشد آنها باعث نگرانی نه فقط محافل ارتجاعی، بلکه بیرونی طنی نیز میگردد، اقدام میشد. با اینهمه، علیرغم تمام این اقدامات، حزب توده ایران و سازمان های دیکتاتوریک طنی ای که در فعالیت خود با حزب پیوند داشتند، بر شد و استحکام می یافتند و متحد تر میشدند.

در ۳ بهمن ۱۳۲۰، کنگره دوم " جمعیت طنی مبارزه با شرکت های استعماری نفت " گشایش یافت. این کنگره با حضور عده کثیری از نمایندگان و اعضا " جمعیت و مخبرین روزنامه های داخلی و خارجی تشکیل شد. دبیر جمعیت در سخنرانی خود از جمله گفت:

" یک سال قبل جمعیت ماتحت نام " جمعیت طنی مبارزه با شرکت نفت ایران وانگلیس " بوجود آمد. ۵۰۰ ما از تمام گروه های شرقی و استقلال طلب دعوت کردیم که در مسیك جنبه مشترک ضد استعماری متمرکز شوند و بلافاصله عده زیادی از مردم میهن ما، علم کارگر و پیشه ور و تاجر و دهقان و روشنفکر و بازرگان الحاق خود را به ما اعلام داشتند. مبارزه متمرکز و عمومی ملت با شدت بیشتری ادامه یافت. در اثر همین مبارزه بود که طرح طنی شدن نفت بتصویب رسید. قانون طنی شدن نفت بخودی خود صرف نظر از جنبه های منفی و نواقص آن بی از ثمرات درخشان مبارزه ملت ایران علیه امپریالیسم و عمال آن بود. (۳)

در این سخنرانی فعالیت سازمانی و سیاسی یکساله جمعیت شرح شد. کنگره تصمیم گرفت نام جمعیت را به " جمعیت مبارزه با استعمار " تغییر دهد. پس از پایان

(۱) فایز، " پنجاه سال نفت ایران "، صفحه ۶۰۰
(۲) روزنامه " بصوی آینده "، شماره ۵۲۴، ۱۰ فروردین ۱۳۳۱
(۳) همانجا، شماره ۴۹۷، اول اسفند ۱۳۳۰

کنکره، به اتفاق سازمان جوانان د مكرات يك ميتهنگ ۳۰ هزار نفری بمناسبت روز جهانی مبارزه بسا استعمار برگزار شد. شركت كندگان در ميتهنگ پلاكات، هائی در دست داشتند كه در آنها شمار هائى براى دعوت مردم به اتحاد نوشته شده بود.

در اين پلاكاتها همچنين به اتحاد شوروى و جمهورى نوده اى چين تهنيت گفته ميشد و شمار- هائى مبنى بر مطالبه انعقاد پيمان صلح ميان پنج کشور بزرگ، اعتراض به تحريكات اميكا وانگليس در ايران و طيه سيردن نفت ايران به بانك جهاىى نوشته شده بود. (۱)

قرار بود بمناسبت ماه مه نمايش بزرگى در تهران برگزار شود. ولى ظلمات شهريانى وارنش مصمم داشتند بهر نحوى شده از آن جلوگیری كنند. دولت اعلام داشت كه بملت حكومت نظامى در شهسمر نمايش و تظاهرات ممنوع خواهد بود. در آستانه اول ماه مه به تمام واحدهاى ارتش بخشنامه سه مجرمانه اى ارسال شد كه در آن گفته ميشد:

"... چون فرد اريز اول ماه مه عه اى از نوده اى هاميلخواهند تحت عنوان تظاهرات و جشن هرج و مرج وآشوب ايجاد نمايند، لذ ابايمنى تمام افسران و درجه داران در سر خدمت خود بحال آماده باش حاضر كه بعضى وصول دستور به محل ماموريت اعزام كردند." (۲)

سازمان هاى د مكراتيك كه ميد پند دولت در صد د تحريك و د سيمه است، از برگزارى جشن در تهران خود دارى كردند. ولى د سايير شهريهائى كشور بسو پژه در مراكز كارگرى نظير آباد انواصلهان و صفان و شهريهائى مازندران نمايشهاى بزرگى برگزار شد. بسو پژه بايد اقدام كارگران تهرىز را كسه براى اولين بار پس از سر كوب نهشت آذ ربايجان بطور متشكل اول ماه مه را جشن ميگرفتند، خاطر نشان ساخت. در تهرىز براى جلوگیری از زيود كارگران به محل ميتهنگ، همه جا واحدهاى پليس گماره شده بود. ولى كارگران سد هاى پليس را درهم شكستند و ميتهنگ چهار هزار نفرى خود را تشكيل داد نسد. هزاران نفر ديگر كه نتوانسته بودند از سد هاى پليس بگذرند، در سرگذرها و چهارراه هاميتهنگ هاى موضعى برگزار كردند. (۳)

اينكه آذ ربايجان از نو بطور متشكل وارد جنبش ميشد، در حافظ حاكم نگرانى خاصى بوجود آورد. بود. با نيجهت براى جلوگیری از متشكل شدن مردم آذ ربايجان، دقت خاصى بكار مرفت. روز نسا به " آهرين نسر د" كه بجاي روزنامه توقيف شده " بسوى آينده" انتشار ميايافت، تحت عنوان " آذ ربا- بجان زندان ان خلق ستكش شده است" نوشت:

" هر روز خبرهاى وحشت افزائى از آذ ربايجان مرسد... زندانهاى ميا بساد، رضائيه، خوى، اردبيل و تهرىز ب راست از كارگران و دهقانانى كه بجرم آزاد پخواهى هنوز گرفتار شكنجه قرون وسطائى باقى مانده و از كار و زندگانى خود جدا افتاده اند... خلاصه زندان تهرىز لهرىز است..." (۴)

د روستاها نيز جنبش گسترش ميايافت. اين جنبش بطور عمده زير شمار اجرائى مصمم دولت در باره ۱۵ درصد تخفيف بهره مالكانه كه در زمان قوام اتخاذ شده بود، انجام ميگرفت. روزنامه " دز"

- (۱) روزنامه " پراودا"، ۲۲ فوريه ۱۹۵۲
- (۲) روزنامه " بسوى آينده"، شماره ۵۵۰، ۱۶ ارد بهشت ۱۳۳۱
- (۳) همانجا، شماره ۵۵۲، ۱۸ ارد بهشت ۱۳۳۱
- (۴) روزنامه " آخري نبرد"، ۷ خرد اذ ۱۳۳۱

كه بجاي " بسوى آينده" انتشار ميايافت، اخبار نيكى در باره مبارزات دهقانان ملاير و كريان و ساهان و رفسنجان و ساير روستاها كه براى گرفتن ۱۵ درصد تخفيف بهره مالكانه و لسو سهرسات ظالمانسه و بيكگرى بهاخاسته بود، درج ميگرد. در اين ميان مبارزه دهقانان تساحيه سنج شاپان توجه بود. روستائيان اين ناحيه در سال ۱۳۳۱ طيه مالكان خود برخاستند. آنان زمينهاى را كه كشت ميگردند، ميان خود تقسيم كردند. اين كار به ساير روستاها نيز سرايت كرد. از تهران هفتى براى رسيدگى اعزام شد. معلوم شد كه ۵۰۰ ده به اين طريق تقسيم شده است.

به اين ترتيب بنياد د مكراتيك جنبش توسعه ميايافت. براى اميراليسم اميكا اين خطر بيسخى آده بود كه نيكه گاه خود را در ايران از دست بدهد. بملاهه دوره موافقتنامه ايران و اميكا در باره كلك نظامى به ايران پايان يافته بود. با نيجهت اميكا براى تدب اين موافقتنامه اقداماتى بعمل مى آورد. دولت صدقى هنوز از تصورات واهى در باره اميكا دست برنداشته بود و په سياست عقب نشينى در برابر اين كشور ادامه ميداد. صدقى براى اخذ كلك از اميكا موافقت نمود. اين موافقتنامه ايران را از لحاظ اقتصادى وابسته اميكا ميگرد و در عين حال د سنهاى اميكا را از لحاظ نظامى در مان باز ميگذاشت.

در ياد داشت دولت شوروى به دولت ايران بمناسبت تبادل نامه ميان صدق و هند رسسن و قبول " كلك" اميكا از جمله گفته ميشد:

" دولت شوروى ضرورى ميشمارد كه توجه دولت ايران رابه اين نكته جلب كند كه دولت ايران ضمن موافقت با باصطلاح كلك اميكا و بد بنوسيله قبول تصديقات معينى كسه جنبه نظامى دارد علاوه بر تحقق نقشه هاى تجاوزكارانه طيه اتحاد شوروى، به دولت ايسالات متحده اميكا كلك ميكند." (۱)

ولى مسئله نفت هنوز عده ترين مسئله بود. مسئله نفت بحورى بود كه جنبش عمومى مردم در اطراف آن بسج شده بود. تعرض سياسى جد پدى از طرف اميراليسم آغاز كرد پد. سياستداران اميكا اميد خود رابه حل مسئله نفت بد دست صدقى هنوز قطع نكرده بودند. آنان در اين راه صناى فراوان بكسار ميبردند. از يكسو از تمايلات صاعد صدقى نصبت به اميكا استفاده ميگردند و از سوى ديكر اقدامات سياسى و نظامى بعمل مى آوردند. سياستداران اميكا براى استفاده از اين تمايلات صدقى از اوتنجهيد ميگردند و وجهه كلك به او ميدادند. مثلا ويليام ديگلاس قاضى معروف كه براى مقاصد سياسى و نظامى زمانى سراسر ايران را نر پاگذارده بود، در سخنراني خود دراميكاه بمد ا ديروزنامه " باختر اسرور" درج شده گفت:

" صدقى يكي از دوستان عزيز من است. من نصبت به او نظرى آميخته با تحسین و تقدير دارم... بيقيد من او مردى است كه بايد مورد احترام قرار گيرد و از او چه نتيجه شدي من معتقدم كه ما بايد از صدقى پشتيبانى كنيم، چون اينگونه فرصت هاد رخواور ميانه كتر بدست مى آيد..." (۲)

اين اظهارات كه ظاهر اشخصى بنظر ميرسد، بخشى از كارزارهاى عصبى اعمال فشار بد و لسنت ايران را براى حل مسئله نفت تشكيل ميداد و با اقدامات د پهلما نيك لازم همراه بود. مثلا، بايسرود، معاون وزارت خارجه اميكا در ظاهر حين باز بد از صر، به ايران نهر سفر كرد. روزنامه " مصرى العصر"

- (۱) روزنامه " پراودا"، ۲۲ ماه مه ۱۹۵۲
- (۲) روزنامه " باختر اسرور"، ۲۴ ارد بهشت ۱۳۳۰

به این شائبه نوشت که وزارت خارجه امریکا به امکان حل مسئله نفت امپد فراوان دارد. ولی محاسف مسئول امریکا میدانند که در این راه باید مساهی بسیار بکاربرد شود.
 بابرود دربارین فعالیت شدیدی را آغاز کرد. او بلافاصله پس از ورود بساهاه و سپس باصندق و کاظمی وزیر خارجه به مذاکره پرداخت. روزنامه "کجهان" نوشت که بابرود به صدق توصیه کرده است که کار با انگلستان در دستانه حل کند و مسئله نفت را بدون جنگال سیاسی و بین المللی بجهوی مسالمت - آمیز فیصله دهد و دولت ایران باید به این مسئله بهیض از صدور رای دادگاه لاهه پایان بخشد.
 چند روز پس از فرج بابرود، در هاسالار هیوز، فرمانده نیروی دریائی امریکا در پرتانه، وارد تهران شد (۱). با آنکه سفارت امریکا میکوشید این سفرهارا "صادی" و "خصوصی" جلوه دهد، ولی جنبه های سیاسی و نظامی آن بدون تردید بود.

این اقدامات بانهجه موفقیت آمیز همراه نبود، ولی صدق نیز موضعگیری قاطع و نهیسانی نداشت. در این موضعگیری صدق علاوه بر نصورت واهی او، این عامل نیز تاثیر جدی داشت که صدق با اینکه مجلس جدید او را مامور تشکیل کابینه کرده بود، وضع خود را محکم احساس نمیکرد.

در تمام مدت زمان امری، صدق، در واقع در ایران نوی حکومت دگانه وجود داشت: دولت دکتر صدق (نماینده جناح بیرونی ملی)، انیکسو، و دربار شاه همراه با قشر رفقای ارتش (نماینده جناح مالکان و کمرادرها)، آزمویی دیگر، وجود این حکومت دگانه، هم در زمان انتخابات (زمانیکه ارتش سیاست خود را راجع میکرد)، و هم در تمام حوادث دیگر که اغلب در جنبه ناصیاد برای دولت چرخش مییافت، بروز میکرد. صدق برای رهائی از مجلسی که برای او چندان و برای شاه اصلا مطلوب نبود، مسئله تیرگی اختیارات ششماهه را در برابر مجلس مطرح کرد (۲۲ تیر ۱۳۳۱). صدق صبح در ۲۶ تیر در پاره واگد اری، وزارت جنگ با شاه مذاکره نمود و پس از این مذاکره سه ساعت طول کشید و استفاده او. صدق طاعت استغفار خود را چنین بیان داشت: جنبه کار نشان داده است کتسه دز شرایط کنونی مصالح کارا بجا بکند که وزارت جنگ نیز در اختیار او باشد. ولی چون شاه راضی به این کار نشده، بهیتر است که در مراسم دولت شخص مورد اطمینان شاه فرارگیرد. صدق همچنین گفت که در اوضاع و احوال کنونی مردم ایران نخواهند توانست مبارزه ای را که آغاز کرده اند، با پیروزی به پایان رسانند (۲)

روز بعد جلسه مجلس با عجله تشکیل شد، جلسه اکثریت نداشت و از ۲۴ نماینده حاضر، ۴ نفر نسیک به قوام ابراز تمایل نمودند، در صورتیکه چند روز قبل که در مجلس مسئله کاندیدای نخست وزیری مطرح بود، قوام فقط ۱ رای داشت. در همین روز فرمان شاه در باره نخست وزیری قوام صادر شد. جنبه جرحی در سیر حوادث، نهارزی به تفسیرند ارد. شاه نمیتوانست به تضعیف مواضع خود رضایت دهد، صرف نظر کردن از وزارت جنگ برای شاه بمعنای از دست دادن بهترین تکیه گاه او در برابر صدق بود. این کار برای هیچک از کشورهای امپریالیستی نیز که شاه برای آنان متحد همسرابت مطمئن نبود، نمیتوانست قابل قبول باشد. ارتجاع داخلی و خارجی ناچار بود و باره به نسیک تکیه آزمایش شده متوسل شود و متحد اعل نماید. قوام که در مبارزه بانیهوهای دیکر تکیه سرج بسود، برای نخست وزیری در نظر گرفته شد. تصمیم شاه و مجلس خشم و انزجار مردم را برانگیخت.

سی نفر از یکلای طرفدار صدق در ۲۹ تیر پهای برای مردم ایران منتشر کرده خاطر نشان ساختند که تعیین قوام برای نخست وزیری غیرقانونی است، زیرا هنگامی که رای گیری اکثریت لازم بود، مجلس وجود نداشت است. این نمایندگان از مردم ایران دعوت کردند که در روز ۳۰ تیر برای اینکه به دنیا

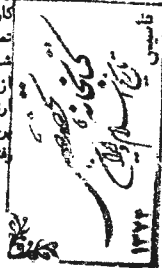
(۱) روزنامه "آخرین نبرد"، شماره ۳، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۰

(۲) روزنامه "دز"، ۲۹ تیر ۱۳۳۱

اعلام کنند که نهیست ملی ایران را نمیتوان سرکوب کرد (۱). دست به اعتصاب عمومی بزنند. در همان روز "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" ملی پهای برای تشکیل جنبه واحد دعوت بعمل آورد.
 طبق دستور قوام از ۲۹ تیر حکومت نظامی اعلام شد. حرکت در خیابان ها از ساعت ۱۱ شب تا ۵ صبح ممنوع گردید. قوام پهای تهدید آمیز برای مردم فرستاد. در خیابان های پر جمعیت و چهارراه ها نیروهای نظامی مستقر شدند.

ولی از اعتصاب نتوانست از مبارزه مردم جلوگیری کند. تمام شرایط لازم برای چنین مبارزه ای آماده بود: همچنان افکار عمومی، آمادگی "جنبه ملی" و تمام هواداران صدق و تشکیل نیروهای ضد امپریالیست که بوسیله سازمانهای دیکر تکیه رهبری میشدند و حزب توده ایران در رأس آنها قرار داشت.

پهای از ۳۰ تیر در آبادان و سایر نواحی ناپیشهای کارگری بزرگی برپا شده بود. در ۳۰ تیر ۳۳۱ زحمتکشان تهران نیز بهالاستند. در این روز شهر تهران شاهد مبارزه ضد امپریالیستی بهصافهای بود. کارخانه ها اعتصاب کردند، مقارنه ها بسته شدند، اتوبوس های شهری از کار ایستادند. اقدام مشترک تمام نیروهای ضد امپریالیست قدرت خاصی به جنبش میداد. از ساعت ۹ صبح صدای تیراندازی در شهر شنیده میشد. دولت تمام نیروهای را که در اختیار داشت، بکار انداخته بود. ناگهان یوزره پوش ها از نیروهای پیاده و سوار حمایت میکردند. توده مردم به استقبال این نیروها رفت. همه جا میان مردم و ارتش تصادم و زد و خورد روی داد. در میان ارتش و شهبانی تزلزل احساس میشد. گروهی از مسردم برجم سرخی را که به خون کشگان و مجروحین تظاهرات آهسته بود، همراه داشتند. عدای روی تانکها رفته و دست برداری بموسی سپاهان دراز میکردند (۲).



روزنامه "دز" نوشت:

"روز ۳۰ تیر هتدایمکه مردم رشید و ضد استعمار فرمان میلتانست هاو چند افسر تمهیکار و مزدور در خون مهملطیدند، تعداد زیادی از افسران جوان که به سرنویست ملت خود علاقه دارند از شروع تیراندازی واسلحه کشیدن بروی برادران و خواهران خود سر باز زدند. ۵۰۰ در موارد فراوانی افسران و سپاهان از تیراندازی بجانب مسردم خود داری کردند و نشان دادند که پیوندشان با ملت نهریوند تراز قدرت فرمان ارتشی است. جائیکه سپاهان در برابر فریاد خونخواهی مردم اشک میبخشند، این حقیقت بار دیگر ثابت شد که میلتانسم در میان توده سپاهان و افسران جوان هیچگونه محصل انکاشی ندارد." (۳)

این تظاهرات تاثیر قطعی در سیر حوادث داشت. در همان روز قوام استفاده او از ترس خشم مردم پنهان شد.

دراول مردم داد و انشجویان و دانش آموزان تهران به یاد پیوند هتدای ۳۰ تیر تمهیکار بزرگی در میدان مرکزی شهر تشکیل دادند. بطهی که روزنامه "باخترامیز" در اول مرداد خیر داد در روز ۳۰ تیر ۹۰ نفر کشته و ۸۰۰ نفر زخمی شده بودند.

صدق شب ۳۱ تیر پهای خطاب به مردم منتشر کرد و در آن خیر داد که طبق فرمان شاه او مامور تشکیل دولت جدید شده است.

(۱) روزنامه "باخترامیز"، ۲۹ تیر ۱۳۳۱

(۲) روزنامه "کارگر پاکو"، ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲

(۳) روزنامه "دز"، ۲ مرداد ۱۳۳۱

در همین روز خبر رسید که دادگاه بین المللی لاهه رای خود را در باره شکایت انگلیس صادر کرده است. شرکت نفت بلافاصله پس از تصویب قانون ملی شدن نفت اعلام کرد که کار را به حکمت مراجعه خواهد کرد. ولی دولت ایران که ملی کردن را ناشای از حق حاکمیت خود میداند، به این کار تن در نداد. لذا دولت انگلستان به دادگاه لاهه مراجعه کرده تقاضای تجدید نظر در این دادگاه ایران از اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت خود داری نماید. دادگاه بین المللی با این تقاضا موافقت کرد. ولی دولت ایران از قبول آن سر باز زد. کارسیدگی به شکایت انگلستان در ژوئیه ۱۹۵۲ آغاز شد، ولی دادگاه با اکثریت ۹ رای عدم صلاحیت خود را برای رسیدگی به این شکایت اعلام کرد. این نیز یکی دیگر از پیروزیهای جنبش آزاد پیغش مردم ایران بود.

به این ترتیب یورش جمعی امپریالیست های امریکا و انگلیس و محافل درباری، که میخواستند بار دیگر دولت قوام را به مردم ایران تحویل کنند، با شکست پایان یافت. برای نشان دادن این حقیقت که زمانیکه کار به سرکوب جنبش مردم می کشد، ارتجاع تاجه حد اصول رانیز پا میگذارد، نامهای راکه وزیر دربار از طرف شاه به قوام نوشته بود، شاهدی آوریم. این نامه در پاسخ اعتراض قوام به سه دعوت مسلمان و نجیب در اصول قانون اساسی نوشته شده بود. در این نامه گفته میشد که جای تصعب است که نخست وزیر سابق که پادشاه ارتشا و پادشاه باعث بد بختی عمومی بود و برای جبران گناهان خود باید باقیمانده زندگی بر پلانه خود راد گوشه زندان بسر برد، حالا بخاطر قانون اساسی اهل تصاحب میرود. شاه در این نامه میگوید که دیگر تجربه گذشته تکرار نخواهد شد قوام هرگز به حکومت نخواهد رسید (۱).

شاه در اینجا آشکارا قوام را پناه انسان ردلی که جای او باید در گوشه زندان باشد، توصیف میکند. ولی ارتجاع برای سرکوب جنبش مردم به چنین افرادی نیازمند است. ظریف اینکه شاه اطمینان داده بود، که قوام هرگز زمام حکومت را بدست نخواهد گرفت، ارتجاع در حساس ترین لحظات، سهو به قوام و افرادی نظیر او توسل شده بود.

ج- مرحله سوم مبارزه در راه ملی کردن صنایع نفت

این مرحله از تیرماه ۱۳۳۱ یعنی زمانیکه نیروهای امپریالیست و ارتجاع داخلی برای سرنگون کردن دولت صدق متحد اصل میکنند تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را که منجر به سرکاردن سر لشکر زاهدی و استقرار پکتوری نظامی در کشور شد، در بر میگیرد.

انتشعاب در "جهبه ملی" و خروج عناصر ارتجاعی و هواداران آنها از آن، مشخصه این مرحله است. در تصامیت خارجی "جهبه ملی" وارد مرحله فاطع تری میشود و پیش از پیغش خصومت امپریالیسم انگلستان و دشمنی امپریالیسم امریکارا پیغش جلب میکند. در این مرحله، مبارزه با دربار شاه و در ارتجاسته ارتجاعی مالکان و کبراد رها شدت می یابد.

در همین حال گسترش جنبش در میان بزرگوارانی ملی بطور اعم و در میان نمایندگان آن یعنی "جهبه ملی" و صدق، بطور خاص، ایجاد هراس میکند. مبارزه عمومی مردم در ۳ تیر بمسددق و دولت بزرگوارانی ملی راز نو سرکار آورد. ولی این مبارزه در همین حال قدرت نیروهای دیکراتیک را نشان داد. در نتمای این قدرت نمیتوانست برای بزرگوارانی ملی با حصلت دگانه و تزلزل نوسان آن خوش آیند باشد. فنانج شرح حوادث این روز مینویسد:

(۱) روزنامه "داد"، ۲۰ فروردین ۱۳۲۹

"کسانی که ناظر و شاهد وقایع روز ۳۰ تیر بودند، گواهی میدادند که تهران در آنروز هشتگین منتقلب بود. مردم صیباتی و مصمم بودند که برای دفاع از شرافت و منافع ملی خود از سروجان بگذرند. در مبارزه وسیع روز ۳۰ تیر همه طبقات مردم سهم وشر یکله بودند، ولی ناظرین به طرف و آگاه میگفتند که عناصر چپ و اعضای حزب توده نقش مهمی را بازی کردند و در مبارزه مزبور سهم عده ای داشتند." (۱)

محافل امپریالیستی میکوشیدند بی اعتمادی بزرگوارانی ملی را نتمیت به حزب طبقه کارگر تفسید کنند و میان آنها شکاف عمیقتری بوجود آورند. مصطفی فایح در کتاب خود نوشته های "نویز و نوا" را در ۲۵ ژوئیه مثال می آورد که کاملاً این حکم را تایید میکند:

"ظاهراً دکتر صدق یکله سیاست در ماهری بنظر میرسد و او باید بداند که با پیغش مساهدت حزب کمونیستی توده (هر چند که چنین مساهدتی موقت باشد) ... او خود و کشورش را در یک وضع خطری قرار داده است." (۲)

ترددی نیست که صدق هم در نتیجه ماهیت طبقاتی خود در یکی جز این نمیتوانست داشته باشد. به همین جهت صدق، زمانیکه در آغاز این مرحله حزب توده ایران مواضع خود را نتمیت به "جهبه ملی" در جهت مثبت تغییر داد، به توضیحات بیشتری طیه حزب آغاز کرد. مثلا روزنامه "بسیوی آینه" و روزنامه "شهباز" (ارگان "جمعیت ملی مبارزه با استعمار") طی سه ماه مرداد و شهریور و مهر سال ۱۳۳۱ ناگزیر بودند ۷۰ بار نام خود را عرض کنند. ضمناً این روزنامه ها هر بار فقط یکله الی سه روز بیشتر منتشر نمیشدند. مقامات انتظامی که میدیدند این روزنامه ها با لایحه آخره امکان می یابند که به موجودیت خود ادامه دهند، در اوایل ماه آبان به چاپخانه های تهران دستور دادند که از چاپ هر روزنامه ای بجای آنها خود داری کنند. این روزنامه ها تا مدت تبه شوری انتشار می یافتند.

صدق پس از تشکیل کابینه جدید خود قانون تبعیض اختیارات شمشاهه را با شتاب از تصویب گذراند. صدق طبق این قانون نمیتوانست برای اجرای مواد نه گانه برنامه دولت "هرگونه لایحه ای را که لازم میدانند، بدون تصویب مجلس تنظیم و بر مرحله اجرا بگذارد. صدق با استفاده از این اختیارات در اول آبان ۱۳۳۱ "لایحه قانونی راجع به امنیت اجتماعی" را تصویب نمود. این لایحه امکانات سازمان های کارگری و دیکراتیک را برای مبارزه در راه مطالبات سیاسی مستقل محدود تر میکرد. ماده اول این لایحه به ماورین انتظامی حق میداد که مبارزان را بمحتوان "تحریک به اعضای و عیال و نافرمانی و تمرد یا اختلال در نظم و آرامش" بازداشت نمایند و از سه ماه تا یک سال تبعید کنند. تبصره ماده اول همچنین اعصاب راد ر وزارت خانه ها و ادارات دولتی و موسسات مربوط به خدمات عمومی و تلفن و تلگراف و راد و راه آهن دولتی و غیره مطلقاً ممنوع میکرد و اعصاب کنندگان را به سه ماه تا یک سال تبعید محکوم میساخت (۳). این لایحه قانونی با اصول قانون اساسی که صدق زمانی میکوشید خود را دشمن سرسخت ناقضین آن جلوه دهد، مغایرت داشت. زد و بند های زمان انتقابات نیز این لایحه قانونی آرزوش سخن برد از نهایی طبقات غیر پرولتری و غیر محقق راد بر آزدی و دیکراسی بخوی نشان میداد.

(۱) فایح، "پنجاه سال نفت ایران"، صفحه ۶۰۷
 (۲) همانجا، صفحه ۶۰۹
 (۳) روزنامه "فرن جدید"، بجای شماره ۱۶۷، بسیوی آینه، ۴ آبان ۱۳۳۱

۳۰ تیر حوادث پیش از آن برای حزب توده ایران و روش آن نسبت به "جبهه طومر" صدق می‌نقله مطلق بود. روزنامه "صبرنو" که بجای "پسوی آینده" منتظر می‌شد، اندکی پیش از زمان آری کوتاه قوام مقاله ای منتشر کرد که در آن از کسانی که صدق را نماندند و منافع پوزیواری ملی می‌دانستند، انتقاد می‌کرد. در این مقاله گفته می‌شد که مبارزه صدق با امپریالیسم انگلستان صلا بطرف سیاست امریکا انجام می‌گیرد و قبول "کله" نظامی از امریکا و تجدید قرارداد استعماران امریکایی و فیسره دلیل بر آنست (۱). با آنکه حزب توده ایران از تمام گروههای ترقیخواه و ضد امپریالیست بارها برای اتحاد در جبهه واحد دعوت کرده بود، چنانکه می‌بینیم، خط ملی رسمی حزب نسبت به "جبهه طومر" هنوز مبتنی بر عدم اعتماد بود. همچنین با آنکه مسئله ماهیت طبقاتی دولت صدق در داخل حزب مورد بحث بود و پشتیبانی ملی حزب از اقدامات ضد امپریالیستی این دولت از نکاتی که عدم درک مساهمیت طبقاتی آن بوجود می‌آورد، بهیزان زیاد می‌گاست، ولی بهرحال این خط ملی رسمی حزب را تشکیل می‌داد.

در آستانه ۳۰ تیر در سیاست موقتی حزب در باره صدق تحولی پدید آمد. "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" در ۲۹ تیر ۱۳۳۱ بهای منتشر کرد که در آن بطور مستقیم و مشخص از صدق و "آبست السه کاشانی"، "جبهه ملی" و سازمانهای وابسته به آنها دعوت می‌شد که همراه با سایر نیروهای مخالف امپریالیسم جبهه واحد مبارزه ضد امپریالیستی بوجود آورند. در این پیام از جمله گفته می‌شد:

"جمعیت ملی مبارزه با استعمار باید نظر گرفتن وضع جدیدی که در روزهای اخیر در صحنه سیاست کشور بوجود آمده و بدون تردید مستقیماً با سرخوش نهضت ملی ایران در مبارزات درخشان که در راه کوتاه کردن نفوذ استعمار از کشور خود کرده است، رابطه دارد و وظیفه خود می‌داند که یکبار دیگر به کلیه دستجات و افراد ایرانی که مایل به قطع ریشه های استعمار از کشور ما هستند ۱۰۰ راه مبارزات آنترسی را نشان دهد" (۲)

در این پیام سپس از وضع کشور و حوادثی که موجب سرکاردن قوام شد، تجزیه و تحلیل بعمل می‌آید (مشکولیت عدله به عهد "جبهه ملی" گذارده می‌شد) و شمارهای مردم زیر طومر می‌شد:

- ۱- ساقط کردن دولت قوام؛
- ۲- تأمین حد اقل آزاد بهای دگرانگله؛
- ۳- اخراج مستشاران امریکایی از ارتش و ادارات دولتی و لغو کلیه قراردادهای استوارت آوری ملی و سری (۳)

این اقدام جمعیت باسنگوی نیازمند بهای کشور بود. روزنامه هائی که پیام جمعیت در آنجا درج شده بود، در دهها روزنامه دست بدست می‌گشت و در شب انتشار شماره های این روزنامه- هانا چاپ گردید (۴).

اقداماتی که در پیام "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" پیشنهاد شده بود، برای صبح سردم

- (۱) روزنامه "صبرنو"، بجای شماره ۷۴ "پسوی آینده"، ۱۴ خرداد ۱۳۳۱
- (۲) روزنامه "دژ"، شماره ۶۱۰، ۲۹ تیر ۱۳۳۱
- (۳) همانجا
- (۴) همانجا، شماره ۶۱۱، ۳۰ تیر ۱۳۳۱

اهمیت بسزایی داشت. در اطلاعیه وکلای "جبهه ملی" که چند بار از راد پو پخش گردید از مردم فقط برای تحلیل بخانه ها و حفظ آرایش کامل دعوت بعمل آمده بود (۱).

تحولی که در جنبش حاصل شده و لبه نیز مبارزه رابطه شاه متوجه کرده بود، یکی از مشخصات این مرحله مبارزه است. شمارهایی که در ۳۰ تیر طریقه شاه و دربار او شد، به شمار توده مسردم تبدیل گردید. مردم احساسات خود را اکنون طناً بروز میدادند. کمپسای شاه راز امکان عمومی یابین می‌آوردند. در موقع نواختن سرود شاهنشاهی از جابری می‌خاستند. بجای سرود شاهنشاهی اشعرا مسخره آئیز می‌خواندند.

در چهارم آبان ۱۳۳۱، روز تولد شاه و در آستانه آن تظاهرات بزرگ ملی شاه بعمل آمد. در این روزها نیروهای انتظامی اقدامات احتیاطی بعمل می‌آوردند. در سینماها، تئاترها، کافه ها و ملازه ها وقتی صبحگاه های عمومی نیروهای نظامی می‌گردد، بودند. برای جلوگیری از تجمع مردم، آنتی- بازی سنتی را موقوف کردند. با اینهمه جلوگیری از تظاهرات و ابراز احساسات مردم مسرتگردید. در تمام سینماها اجرای سرود شاهنشاهی با اعتراض جیمی می‌روشد. در سینما "ماپاک" مردم عکس شاه را از دیوار پایین آوردند. در سینما "کنستال" با آهنگ سرود شاهنشاهی، اشعار و جملاتی خواندند و چون تماشاچیان هنگام نواختن سرود شاهنشاهی در تارکی بهانی خاستند، بدستروا موبین شهرتانی درها را بسته و چراغ ها را روشن کردند و مسجد داسرود شاهنشاهی را نواختند، ولی باز کسی از جابری نخواست. پلیس ها با تنگه بجان مردم افتادند. در سینما "ایران" همه تماشاچیان را توفیق کردند. دانشمندی تظاهرات به خیابانها کشید، تا هدای را متفرق نکردند، ده دگری جمع می‌شدند. از بالکن خانها شمارهای بزرگ ملی شاه و دربار آهنگته می‌شد.

حوادث ۳۰ تیر که بهتایه نعلایی عظیم بود درخشان احساسات ضد شاه در تاریخ مبارزات سالهای اخیر مردم ایران ثبت است، در تمام روزنامه ها، حتی روزنامه های ارتجایی منعکس گردید. مادران پنجاسرح جهان را از روی نوشته های روزنامه تفرقی "قرن جدید" که می‌تواند تصویر روشنتری از این حوادث بدست دهد، ذکر می‌کنیم:

از چند ماه پیش فکر آبان شاه را بوحشت انداخته بود. افسران مورد اطمنان جملات منظمی بنام "کمسیون امنیت آبان" تشکیل میدادند. کمسیون عدله جاقو کس و اچاقس برای این روز اجیر کرده بود. در سل روز سنتی ورزشکاران کنترل شد بد برقرار شده بود. برنامه جشن چنان تنظیم شده بود، که حتی الاکان شاه با مردم می‌رویشد. خط سیر شاه تغییر داده شد. کارت های دعوت تحت کنترل پلیس و رکن دوم فرسال می‌شد. به کسی جز بد عین اجازه داده نمی‌شد تا به میدان امجد نزد پلک شوند. امجد به با حلقه پلیس محاصره شده بود. با اینهمه در دیوار از تراکت های ضد شاه و عکسهای شاه و خواهرش راد کار باره های آریه نشان میداد، پر بود. ساعت دو و نیم وقتی کسه گمان می‌کردند همه کارها برهراه است شاه از پس کوجه ها خود راه امجد به رساند و از رصفی وارد جاگاه شد. پلیس ها و نظامی های که با لباس میدل در لابلای مردم جا گرفته بودند، به "ابستراز احساسات" برداختند. ولی صدای آن در برابر فریاد های تیر می‌زد مردم که شمارهای ضد شاه میدادند، بجایش نرسید. صدای مردم چنان شدید بود که در بلندگوی راد پو هم منعکس گردید و بگوئی همه رسیدند. نظامی ها به مردم هجوم بردند. در حدود ۱۰۰ نفر زخمی شده و از امجد به بیرون برده شدند، عدله زیادی بازداشت گردیدند. هجوم نظامیان به مردم و ضروب ساختن آنها چنان ناپسند و تارنگیز بود.

(۱) روزنامه "دژ" شماره ۶۱۰، ۵ مرداد ۱۳۳۱

که چند تن از مأمورین سیاسی خارجی در همان آغاز جشن از جابر خاسته و بعد آن راترک گفتند: «بسه این ترتیب در اجماع به "نظم برقرار شد" و روزه آغاز کردید». صلیف منظم ورزشکاران در مقابل جابگناه سلطنتی بحرکت درآمدند. در وسط روزه ناگهان فرهاد "مرد باد" از میان صلیف ورزشکاران بلند شد و بسا هجوم نظامیان صلیف بکلی در هم ریخت. شاه و ملکه ناگه برپا شدند در محاصره افراد شهسپانی و ارتش می داد آن راترک کنند (۱).

دعوت حزب توده ایران برای ایجاد جبهه واحد در این زمان اهمیت زیاد داشت. مردم طایفه از این دعوت پشتیبانی میکردند. اعضا "حزب زحمتکشان" بقایمی که بارها طبعه اعضای حزب توده ایران آنها را تحریک کرده بودند، دست هواداری بسوی اعضای حزب توده دراز میکردند. این وضع کسانی را که از این وحدت هراس داشتند، بشدت نگران میساخت. رهبران "حزب زحمتکشان" پهنی بزرگی از انشعابون حزب توده ایران که خلیل ملکی در اس آنان فرار داشت و در آن زمان به "حزب زحمتکشان" وارد شده بودند، در ایجاد شکاف نقش عمده داشتند.

در روز ۳۰ تیر، هنگامی که اعضای "حزب زحمتکشان" دوش بدوش سایر عناصر دکرانیک برای سقوط دولت قوام مبارزه میکردند، در روزنامه "شاهد" ارگان "حزب زحمتکشان" اعلان تحریک آمیزی چاپ شد که در آن گفته میشد:

"توده ای هاهم مامورند که در میان شما مقاصد سوخود را اجرا کنند، تا قوام نتواند نقشه پلید خود را انجام دهد. فقط از رهبران ملی، فقط از شمارهای ملی پیروی کنید، هشیار باشید!" (۲)

حزب توده ایران و سازمان های دکرانیک راسته به آن پس از ۳۰ تیر برای ایجاد جبهه واحد از تمام نیروهای ضد امپریالیستی، در تمام حلیجات خود به کارزار وسیعی دست زدند. در کارخانه ها و روستاها کمیته های مشترک ضد امپریالیستی تشکیل شد (۳)، ولی چون حزب هنوز از ناملات چپ - روانه ستکاستی کاملاً نبریده بود، نتوانست اعتماد "چپ ملی" و صدق را جلب کند. این عامل - بهرمان زیاد مانع موفقیت این کارزار گردید.

در ماه مهر ۱۳۳۱ در "حزب زحمتکشان" انشعاب روی داد. در ۲۰ مهرداد بقایمی از ریاست حزب استعفاداد و علت استعفای خود را "نفاق اکتیو و فراکسیون بازی خلیل ملکی و درود ستاره" ذکر کرد (۴). با اینهمه خلیل ملکی گروهش مجبور شد از "حزب زحمتکشان" خارج شوند و حزب دگرسی بنام "نوری سوم" بوجود آوردند. ارگان مطبوعاتی این حزب نیز بهمین نام خوانده میشد. بقایمی بدو صحت ق موضوع خصمانه اتخاذ کرد. ولی خلیل ملکی همچنان بمتابه هوادار صدق و در عین حال ممانع عمده نزد یکی او با حزب توده ایران باقی ماند.

در این ایام گروههای فاشیستی و بطور عمده "پان ایرانیست" ها و حزب "ناسیونالیسم سوسیالیسم (سویکا) در خرابانها به وحشیگری خود ادامه میدادند. آنان زیر شعارهای پشتیبانی از صدق ق نسیات اصلی خود رایشان میکردند، ولی رهبران آنان عملاً از دربار شاه الهام میگرفتند.

این گروهها در ۲۲ مرداد به نمایشگاه خانه وکس در تهران حمله بردند. در شب ۲۷ مرداد

(۱) روزنامه "قرن جدید"، شماره ۱۸۸، ۵ آبان ۱۳۳۱

(۲) روزنامه "دژ"، شماره ۱۱۲، ۳۱ تیر ۱۳۳۱

(۳) همانجا، شماره ۱۲۵، ۱۶ مرداد ۱۳۳۱

(۴) روزنامه "نغمه نو"، ۲۲ مهر ۱۳۳۱

گروههای فاشیستی سویکا در خرابانهای تهران به نمایش پرداختند و به کماتیکه روزنامه های مترقی را میخوختند، حمله ور شدند. در همین روز در سینماهای تهران میان کماتیکه طبعه اجرای سرود شاهنشاهی اعتراض میکردند و صفالین آنها زور و خورند انجام گرفت.

صبح ۲۸ مرداد نیز پان ایرانیست ها و اعضا "حزب سویکا با استفاده از روش پرمشاشات پلیس زد و خورد دیگری در خرابانها برپا انداختند. آنان هنگام شب به خانه صلح در تهران بیروش بردند و آذربایگفت آتش زدند. شعله های آتش که به خانه های اطراف سرایت کرده بود تا نیمه شب ادامه داشت. در شب ۲۹ مرداد از نو برای یک هفته حکومت نظامی اعلام شد.

این قبیل اقدامات فاشیستی از ۳۰ تیر بهمد، در تمام دوران مبارزه بر حسب حواصی ارتجاع گناه شد بد میشد و گاه تخفیف می یافت. روزنامه "ضد استعمار" که بجای "سوی آینه" منتشر میشد، در این باره نوشت:

"مردم ایران دست خونینی را که از آستون پیراهن سپاهان بهرون آمده است، می شناسند. این همان دست است که در زمستان ۱۳۲۵ حکم قتل هزارهائس از قهرمانان آذربایجان را داد و در ۱۳۲۷ در زندان ها را برای زندانی کردن مبارزان ضد استعمار گشود." (۱)

ولی این اقدامات نتوانست مبارزه متشکل کارگران و زحمتکشان را بهربری حزب توده ایسران و سند یکپارگی دکرانیک متزلزل سازد. این مبارزه توجه طبقه کارگر کشورهای خارجی را نیز خود جلب کرده بود. در تلگرام فد راسیون سند یکائی جهانی به سند کاهای کارگری ایران گفته میشد:

"فد راسیون جهانی به حوادثی که در کشور شما جریان دارد مانند تظاهرات ضد استعمار، اعتصابات زحمتکشان آبادان و تهران و اصفهان با توجه و علاقه بسمیاری مینگسرد. فد راسیون سند یکائی جهانی بنام هشتماد میلیون زحمتکش که در صقیف آن متشکسل گردیده است به خلق و زحمتکشان قهرمان ایران که با فعالیت نیرومند خود طبعه فقر، امپریالیسم خارجی و ارتجاع بیرحمانه مبارزه میکنند، صمیمانه درود میفرستد. . . ."

فد راسیون سند یکائی جهانی بارضایت کامل مشاهده میکند که زحمتکشان ایران بسسه آرزوهای شورای عمومی فد راسیون که در نوامبر ۱۹۵۱ در برلن تشکیل گردید، جامه عمل پوشانیده اند. . . . (۲)

مبارزه کارگران و سایر زحمتکشان علیه امپریالیسم مبارزه آنان به خاطر منافع طبقاتی و حیاتی خود نوام بود. علاوه بر خصصت یکپارچوبانه این مبارزه باید اشکال نین مبارزه اعتصابی یعنی یکا بسس در ن شوه های آکتیف بجای شوه های پاسیف را در این اعتصابات خاطر نشان سازیم. در اینصود اعتصاب کارگران ریسندگی سنان شاهان توجه است. این اعتصاب در نتیجه تعطیل کارخانه روی داد. کارگران که بیکار شده بودند، افتتاح سجد د کارخانه راهلالبه میکردند. بهشه وران به پشتیبانی از کارگران برخاستند. بازار شهر تعطیل شد. پیرای پشتیبانی از مطالبات کارگران در منستراسیون و میتینگ ده هزار نفری برگزار گردید (۳). ولی چون خواستهای کارگران تحقق نیافت، آنان کارخانه را که بوسیله سربازان

(۱) روزنامه "ضد استعمار"، شماره ۱۳۵، ۲۹ مرداد ۱۳۳۱

(۲) همانجا، شماره ۱۳۴، ۲۸ مرداد ۱۳۳۱

(۳) روزنامه "دژ"، شماره ۱۲۱، ۱۲ مرداد ۱۳۳۱

حفاظت میبشد ، اشغال کرده و در آنجا به اعتصاب گذاشته بودند. این اعتصاب که ۴۰ ساعت طول کشید ، تمام شهر را به همجان آورد و از زن و بچه و پشه رو و بازرگان با شرکت موثر خود در نظا هرات از اعتصاب کارگران پشتیبانی صمیمانه بعمل آوردند. (۱) فرماتند ار و شورای شهرستان که در اثر هیچای و جنبش همی پوچست افتاده بودند ، تصدیق نامه ای امضا کرده به نمایندگان کارگران تسلیم کردند . در این تصدیق نامه ، بسته شدن کارخانه غیرقانونی اعلام کرده و افتتاح مجدد کارخانه در ظرف پنج روز و پرداخت دستمزد کارگران در مدت تعطیل کارخانه تضمین شده بود . (۲) ولی صاحبان کارخانه ، علیرغم تصدیق فرماند ار ، از باز کردن کارخانه خود اری میکردند . کارگران دو باره به مبارزه برخاستند و در ۱۲ شهریور (بهش از یک ماه پس از اعتصاب) میان کارگران و سربازان زد و خوردی در گرفت که در نتیجه آن پنج نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی شدند . (۳) این حادثه کارگران سایر شهرها را به همجان و جنبش آورد . در ۱۴ شهریور با ابتکار کارگران کارخانه جهت سازی تهران نمایندگان ۴۳ سند یکای کارگری تهران جمله ای تشکیل داده و کشته ای برای کتک به کارگران سمنان بوجود آوردند . در سراسر کشور برای همسنگی با کارگران سمنان و کتک به آنان کارزار عمومی انجام گرفت . کارگران سمنان پس از مبارزه طولانی به باز کردن کارخانه خود موفق شدند .

جنبش اعتصابی مخصوص درسه ماه اول پس از ۳۰ تیر تا تصویب لایحه قانونی باصطلاح "امنیت اجتماعی" داشته و سیمی داشت. این اعتصابات در بیشتر رشته های صنعتی روی داده و غالباً با پیروزی کامل یا جزئی پایان مییافت.

ولی تصویب قانون جدید نیز کارگران را نترساند . برعکس ، مبارزه آنان بیش از پیش متشکل تر میبشد و رنگ سیاسی خود میگرفت.

در اواسط آذر ۱۳۳۱ فرار بود و در فرامیگانی باصطلاح مامورین سازمان ملل برای بررسی بسمه کارخانه دخانیات تهران بپیایند . کارگران که از این خبر مطلع شده بودند ، کار را رها کرده دستة دسته با شمارهای " امریکائی از کشور مورشو " و " مرگ بر امپریالیسم امریکائی انگلیس " در مقابل در کارخانه اجتماع کردند . مامورین سازمان ملل با اطلاع از این وضع از رفتن به کارخانه صرف نظر نمودند . (۴)

بعثت کشته شدن یک کارگر کفشدوز بدست گروههای فاشیستی ، تمام مومسات کفاشی تهران در روز ۲۰ به ماه اعتصاب یکروزه اعلام کردند . این یک اعتصاب متشکل و متحدی بود که تقریباً تمام کارگران کفاشی تهران را در بر میگرفت . سه هزار نفر کارگران کفاش در ریزار کارگری قبول اجتماع نمودند . عده زیادی از کارگران و نمایندگان سند یکای کارگری راه آهن ، چاپخانه ، سلبو ، دخانیات ، جهت سازی تهران ، سیمان ، کوره پزخانه ، لوله کشی ، ساختمان و غیره و نیز نمایندگان جوانان د مکرات ، سازمان دانش جویان ، سازمان زنان با حلقه های بزرگ گل در این اجتماع بزرگ حاضر شدند . (۵)

هیئت مدینه کارخانه کهرت سازی " ستاز " تیز در ۹ بهمن ۱۳۳۱ سه نفر از کارگران را اخراج کرد . این کار باعث اعتصاب تمام کارگران کارخانه شد . در ۱۲ بهمن کارگران کارخانه های نماسی " ظفر " و " کلکته جی " شهر تیز به کارگران کهرت سازی پیوستند . کارگران قطعنامه ای صادر کرده و در آن استخدام مجدد همه کارگران اخراجی ، آزادی جنبش سند یکائی ، تعیین حد اقل دستمزد را خواستار

(۱) روزنامه " دژ " ، شماره ۲۶۱ ، ۲۷ مرداد ۱۳۳۱

(۲) همانجا

(۳) روزنامه " کارگر پاکو " ، ۷ سپتامبر ۱۹۵۲

(۴) روزنامه " بسوی آینده " ، شماره ۷۲۱ ، ۱۱ آذر ۱۳۳۱

(۵) روزنامه " بسوی آینده " ، شماره ۷۵۰ ، ۲۲ دی ۱۳۳۱

شدند . در این قطعنامه همچنین قطع فعالیت امپریالیست های امریکادریان مطالبه میبشد . (۱) در ۲۷ اسفند کارگران کارخانه پشم بافی " صنایع پشم " برای دریافت حق پاداش انحصار پشم کردند . هنگامی که کارفرمایان از اجرای این درخواست امتناع کردند ، کارگران سایر کارخانه های پشم بافی - " ریساف " ، " زابنده رود " ، " شهناز " ، " شاهرضا " ، " نختاب " ، " وطن " ، نیز بسمه این کارگران پیوستند .

در فروردین کارگران کنسروسازی شاهمی برای بازگرداندن نمایندگان کارگران که از کارخانه اخراج شده بودند ، اعتصاب کردند .

در ۱۴ اردیبهشت ۲۷۰۰ کارگر کارخانه دخانیات تهران اعتصاب کردند . کارخانه راسبزبان اشغال نمودند .

در فروردین کارگران کارخانه " هراسی " در یزد برای افزایش دستمزد و اجرای قانونی کار اعتصاب کردند . در ۱۰ خرداد کارگران کارخانه " اقبال " و ۱۱ خرداد کارگران کارخانه " درخشان " به آنان پیوستند .

در اول مرداد در مسجد سلیمان میان کارگرانی که حقوق سند یکائی خود را مطالبه میکردند و نیروهای انتظامی زد و خوردی رخ داد که به کشته شدن ۱ نفر و زخمی شدن ۵۰ نفر از کارگران منجر گردید . این بود منظره بسیاری از جنبش کارگری در این مرحله . بسیاری از این اعتصابات یا خصلت سیاسی داشتند و یا برای همسنگی با سایر زحمتکشان انجام میگرفتند . این دلیل بر رشد آگاهی طبقاتی کارگران بود . تمام کوششهایی که مانند گذشته برای ایجاد سند یکاهای دولتی و سایر سند یکاهای زر و پشمی آمد ، این بار به نتیجه نرسید . " حزب زحمتکشان " نیز در این جهت کوششهایی بعمل آورد و باصطلاح " اتحاد به های طی " را تشکیل داد . ولی هیچیک از این اقدامات با موفقیت توأم نبود .

حزب توده ایران که کار خفنی را با امکانات غنی توأم کرده بود ، به تشکیل یک سلسله سازمانهای

غنی در مکرانیک برای کار در روستا و میان جوانان حاصل وزنان و سایر قشرهای مردم یاری رساند . روستاها بدین مبدئین عرصه فعالیت حزب بافند . ولی حزب توده پس از برداختن به کار غیر غنی ، توجه لازم به روستاها بدولند داشت . دشواریهای ناشی از فعالیت غیر غنی در روستای نیمه فئودال و کمبود کادریهای حرفه ای از نظر آن بود . ولی کارهایی که سابقاً در روستاها انجام گرفته بود ، زمینه نسبتاً مساعدی برای گسترش جنبش بوجود آورده بود . سازمان غنی " انجمن کتک به دهقانان ایران " بر این زمینه به فعالیت آغاز کرد . جنبش خود بخودی روستاییان نیز بر همین زمینه گسترش مییافت . این جنبش در بسیاری از مناطق وضع خطرناکی بخود میگرفت و از چارچوبی که بورژوازی طی میخواست جنبش را در آن محدود کند ، خارج میگردد . با در نظر گرفتن این وضع ، دولت صدق " لایحه قانونی از یاد ۳۳ کشاورزان و سازمان عوام کشاورزی " را تصویب رساند . این لایحه از ۳۸ ماده و ۳ تبصره تشکیل میبشد . مطابق این لایحه از سهم مالکان ۲۰٪ کسر میبشد . ده درصد آن به دهقانانی که محصول را عمل آورده بودند ، تعلق میگرفت و ده درصد دیگر به صندوق عمران و تعاون ناحیه مربوطه اختصاص مییافت که باید طبق نظر شورای مرکب از نمایندگان دولت و مالکان و کشاورزان (هر کدام یک نماینده) بصرف برسد . (۲)

این لایحه نمیتوانست حزب توده ایران و سازمانهای د مکرانیک غنی روستاها را که بوسیله سازمان غنی " انجمن کتک به دهقانان ایران " رهبری میبشدند ، قانع کند . آنان معتقد بودند که این

(۱) روزنامه " کارگر پاکو " ، ۱۰ فوریه ۱۹۵۳

(۲) روزنامه " ضد استعمار " ، شماره ۲۳۲ ، ۱۶ مرداد ۱۳۳۱

لاجه درطایفه بالاچه ای که قوام اجبارا تنظیم کرده بود ، گامی است به عقب ، باآنکه درلاجه هذلی ازسهم مالکان ۲۰٪ کسر میشد ، ولی فقط ده درصد آن به دهقانان میرسید و ده درصد دیگر میتوانست صرف نمازند بهای میرم دهقانان نکرد ، زیرا درشوراهایی که مطابق قانون مهابست تشکیل شسود ، اکثریت بانمایندگان مالکان دولت بود . درطرح قوام ازسهم مالکان ۱۵٪ کسر میشد و ولی تمام آن به دهقانان داده میشد . هملاوه حزب توده ایران وسازمان های دیکراتیک روستاها معتقد بود ندکه در شرایط موجود میتوان مسئله واگذ آری رایگان اراضی مالکان و نفوذ ال های بزرگ را به دهقانان مطرح کرد ، زیرا رفرم های کوچک دیکر کافی نیست و نمیتواند دهقانان راقانع کند .

روزنامه " روش خلق " که بجای " بسوی آینده " منتشر میشد ، درسر مقاله خود بنام " مبارزه دهقانان برای حقو نفوذ المسم و مالکیت بزرگ ارضی اوج میگردد " مینویسد که این لاجه جنبه نرسرگ داشته و هدفش بازداشتن دهقانان ایران از مبارزه درراه زمین و آزادی است . روزنامه سپس اضافه میکند :

" ولی این نرسرگ طبقه حاکمه نه تنها توده های وسیع دهقانان را از مبارزه بازنداشت ، بلکه امواج مبارزه وسعت گرفت و به اقصی نقاط ایران بسط یافت مبارزه دلیرانه طبقه کارگر ، توده های وسیع دهقانان را به نشاط آورده است ."

و : طبقه کارگرا تا تمام قوا به کمک کثیرالمدد ترین و نیرومند ترین متحد خود شناختا مست (۱) :

" انجمن کمک به دهقانان ایران " نامه سرکشاده ای به صدق نوشته درآن ضمن تشریح فضل وضع روستاهای ایران ، طرح مقابلی برای بهبود وضع دهقانان پیشنهاد نمود . این طرح شامل مواد زیرسیرین بود :

- ۱- بمنظور آنکه عموم دهقانان بی زمین و کم زمین باندازه کافی آب و وسائل کشت و کار بدست آرند ، کلیه املاک وسیع مزروعی نفوذ اها ، خان ها و ملاکین بزرگ بین دهقانان تقسیم شود کلیه قروض دهقانان به مالکین بزرگ اراضی ، خان ها و نفوذ ال ها باید بطور قطع ملغی گردد .
 - ۲- کلیه املاک و اراضی مزروعی خالصه دولتی و همچنین کلیه املاک مزروعی شخصی شاه سجانی و بلاعوض بین دهقانان تقسیم شود
- دراین نامه همچنین گفته میشود :

" نه تنها باید به دهقانان بی زمین و کم زمین مساعدت کرد تا بتوانند از نفوذ آب و ملک داشته باشند بلکه به خرده مالکین و دهقانان د ولتند نیز باید کمک کرد تا از زیر بار فشار مالکین بزرگ و تمدیات مامورین دولتی آزاد گردند . " (۲)

مبارزات دهقانان که گاه خصلت خود بخودی داشت ، به اشکال مختلف انجام میگرفت . ناد علی کریمی ، نماینده کرمانشاه ، به دادستان مینویسد که در کرمانشاه دهقانان خرمن مالکان را طعمه حریق ساخته اند . در برخی ازدهات آذربایجان مالکان رازده بیرون میراندند و حتی بانهری ژاند ارم نرسر آنان نمیتوانستند به ده بازگردند . در " نیکه داش " آذربایجان دهقانان در ۱۲ شهریور ۱۳۳۱

(۱) روزنامه " روش خلق " ، شماره ۶۵۴ ، ۲۳ شهریور ۱۳۳۱
 (۲) روزنامه " رها " ، شماره ۶۶۶ ، ۹ مهر ۱۳۳۱

میتنگ ه هزار نفری تشکیل دادند . دولت برای جلوگیری از توسعه روز افزون نهضت دهقانان در این ناحیه اطلب مالکین را صلح میکرد . در برخی روستاهای حومه قرهین دهقانان خود سهم مالک را تعیین میکردند . دهقانان در برخی نواحی برای عملی کردن مطالبات خود " بست " می نشستند . دهقانان د اصفهان ، نوشهر ، چالوس ، لنگرود ، اردکان و سایر نواحی بنحوی فعال مبارزه میکردند (۱) .

در بسیاری از نواحی ، جنبش دهقانان خصلت خود بخودی داشت . این دلیل بر نفیس کسار حزب در روستا بود . حزب در تمام امکانات برای نفوذ در روستاها استفاد میکرد . مثلا حزب میتوانست همراه با انتقاد اقدامات صدق که پاسخگوی مطالبات دهقانان نبود ، از این اقدامات از جنبه همراهی شورهائی نماینده دهقانان نیز در آن شرکت داشت ، استفاد کند . در بخش دوم قطعه نامه های چهارمین پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره روش حزب نسبت به " جنبه ملی و دولت صدق این نفس خاطر نشان شده است . در این قطعه نامه از جمله گفته میشود :

" عدم استفاد از جهات مثبت قانون د کتر صدق در باره ازدیاد سهم دهقانان و تشکیل شورای ده از جمله اشتباهات تاکتیکی مهمی است"

حزب توده ایران و سازمان جوانان فعالیت خود را در میان د انشجویان با فعالیت غنسی " سازمان د انشجویان د انشگاه تهران " در آمیخته بود . این سازمان در مدت کوتاه موفق شسود اکثریت عظیم د انشجویان تهران را در صفوف خود متحد سازد و با د انشجویان سایر شهرها ارتباط برقرار کند . به صورت " اتحاد به بین الطلی د انشجویان " پذیرفته شود . در ۲۷ اسفند ۱۳۳۱ جمله وسیع شورای " سازمان د انشجویان د انشگاه تهران " تشکیل گردید . دبیر سازمان طی گزارشی خسو د فعالیت ده ماهه سازمان را همه جانبه تشرح کرد . این سازمان تمام د انشکه ه ا را در برگرفته بسود . در این مدت علاوه بر شرکت د انشجویان (بنشابه یک عامل موثر) در مبارزه ضد امپریالیستی مردم ، برای بهبود شرایط تحصیل و زندگی د انشجویان ، بخصوص علیه محدودیت های سیاسی و اشکال تراشیهائی که رؤسای د انشگاه ایجاد میکردند ، مبارزه وسیعی بعمل آمده بود . از طرف د انشجویان د انشصر ای عالی ، د انشکه ه دند ان پزشکی ، د انشکه ه پزشکی شیراز ، د انشکه ه پزشکی تهران ، آموزشگاه پرستاری تهران اعتصابات انجام گرفته بود . تمام این اعتصابات بوسیله " سازمان د انشجویان د انشگاه تهران " پشتیبانی شده بودند . اعتصاب د انشکه ه فنی حادثه مهمی در مبارزه د انشجویان بود . این اعتصاب بعنوان تصویب آئین نامه جدید امتحانات و متوع شدن امتحان تجدیدی انجام گرفته بود . مبارزه د انشجویان د انشکه ه فنی توجه د انشجویان تمام د انشکه ه های دیکر را بسوی خود جلب کسرد . بدعت " سازمان د انشجویان د انشگاه تهران " تمام د انشکه ه های تهران بعنوان همدردی بسا د انشجویان " د انشکه ه فنی " اعتصاب نیم روزه اعلام کردند . د انشگاه بوسیله پلوس اشغال شد . ولی با اینهمه د انشجویان میتنگی تشکیل داد و وطنی قطعه نامه ای پشتیبانی خود را از مطالبات قانونی د انشجویان د انشکه ه فنی " اعلام کردند . پس از این مبارزات د انشگاه تاگزینشد برخی مطالبات د انشجویان را بپذیرد .

در ۱۳ اردیبهشت ۳۳ " سازمان زنان ایران تشکیل شد . حزب توده ایران و تشکیلات د دیکراتیک زنان با تعلق فعالیت غیرعینی خود با فعالیت عینی " سازمان زنان ایران " موفق شد د نرسران را بیشتر

(۱) روزنامه های " فرد ای ما " ، شماره ۶۵۸ ، ۲۷ شهریور ۱۳۳۱ ؛ " صبح زندگی " ، شماره ۱۷۱ ؛ " نغمه نو " ، شماره ۱۷۷ ، ۲۲ مهرا ۳۳-۱ (این روزنامه ها بجای " بسوی آینده " که توقیف میشد ، انتشار می یافتند .

به مبارزه آزاد یعنی ملی جلب کنند. چون صدق در کار تدارک طرح جدید قانون انتخابات بسود ،
 زنان ترفی برای بدست آوردن حق شرکت در انتخابات به فعالیت درخشان پرداختند. سازمان
 زنان ایران " برای تعلق بهم " قدراسون و مکرانله بین المللی زنان " در باره اشاعه شمار صلح
 در آستانه تشکیل کنگره طل برای صلح (هین) فعالیت زیادی انجام داد. در تهران ، کسانندران ،
 گیلان ، مازران ، اصفهان و سایر نقاط برای شرکت در " کنفرانس ملی زنان باطراصلح کنفرانس هائی
 تشکیل مید و کمیته های تدارک انتخاب میگردد. فقط در تهران بیش از ۲۰۰ کنفرانس تشکیل شد
 که در آن ۴۰۰۰ زن شرکت کردند. در این کنفرانس هائمانندگان کنفرانس ملی زنان باطراصلح
 انتخاب شدند. در ماه آذر کنفرانس ملی زنان ایران باطراصلح تشکیل شد و بهای به کنگره صلح طل
 ارسال داشت (۱)

روحیه بیکارچوشی در پشت میله های زندان نیز حکمرا بود. در نیمه آذر ۱۳۳۱ زندانیان
 سیاسی زندان تهران اعلام گرسنگی کردند. عده ای از آنان به اتهام داشتن " مرام اشتراکی " عده ای
 بملت شرکت در انحصار صیوی راه آهن و باخود داری از بهاخاستن هنگام نواختن سرود شاهنشاهی و
 این قبیل اتهامات زندانی شده بود. زندانیان سیاسی آزادی کسانی را که حکم برائت و باقرار صلح
 تمکین آنان صادر شده و بطولگی بهبود کار نظارت بر زندانها را از طرف دادستانی و مقامات قضائی
 خواستار بودند. اداره زندان ها با این زندانیان بجا به زندانیان سیاسی رفتار نمیکرد و بدی بود که
 حکومت نظامی آنان را محسوس سیاسی نمیداند ، بلکه فقط " اخلاکگر " میخاند. انحصار ذی ۱۵۰
 ساعت طول کشید و با پیروزی زندانیان سیاسی پایان یافت و دولت مجبور شد باطلالیات قانونی آنان
 موافقت کند (۲)

چندی بعد ۵۰۰ تن از دانشجویانی که باستاند لایحه قانونی امنیت اجتماعی زندانی شده و باوجود
 انقضا " دوره احتیاط سه ماهه این لایحه آزاد نشده بودند ، انحصار گذاشتند. این دانشجویان پسنه
 " جرم " نقاضای طرد جاسوسان ، مستشارانمای امیکائی بازداشت شده بودند. در میان آنکسان
 عده ای نیز بملت شرکت در جلسه ای که برای استماع گزارش نماینده کنگره صلح هین تشکیل شده
 بود ، توفیق شده و باوجود قرار صلح تمکین هنوز در زندان بسر میبردند. بزودی عده دیگری از
 زندانیان سیاسی سایر زندان ها برای همدردی دست به انحصار گذاشتند. عده آنان به ۵۰۰ نفر
 بالغ شد. انحصار ذی ۱۷۴ ساعت بطول انجامید. در روز پنجم انحصار ، خانواده های آنان
 به مجلس رفتند و در آنجا بیخمن شدند. روزنامه های مکرانله با شمار هائی که در سراسر صفحات
 روزنامه باحرف درشت نوشته میشد ، مردم را به پشتیبانی دعوت میکردند :

" برداران و خواهران هموطن ! جان ۵۰۰ زندانی در خطر است ، بسیاری آنها
 پشتیبانند ! "

این بار نیز وزارت دادگستری طب نمیشی کرده و طالبات کاملاً قانونی زندانیان را صلی ساخت
 باین ترتیب جنشی مردم که برای رهائی از اسارت امپالیسم و درین حال در راه طالبالیات
 مردم خود مبارزه میکردند ، توسعه مییافت . در چنین شرایطی امکان طب نمیشی برای دولتی نظمی
 دولت صدق و صدق بود. برعکس ، این محیط دولت صدق را پیوسته به پیش ، بسوی اقدامات
 قاطعتری میراند .

(۱) روزنامه " بسوی آینده " ، شماره ۷۱۴

(۲) روزنامه " بسوی آینده " ، شماره ۱۲۸۱۶ آذر ۱۳۳۱ و شماره ۷۱۷ و ۱۸ و ۷۱۹

صدق باکسب اختیارات ششماهه ظاهر اتام قدرت را بدست گرفته بود. ملی برای در هم
 شکستن طاقت شاه و امرای ارتشی و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت که اکنون امپالیست های
 انگلیس و امیکا مظفاد بر بران ایستاده بودند ، علا کار د شوارتزی که به مبارزه قاطع احتیاج
 داشت ، در پیش بود

در ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ وزارت خارجه ایران یاد داشتی به سفارت انگلستان فرستاد که در آن
 گفته میشد ، شرکت سابق نفت و همچنین دولت انگلستان بدون توجه به حق مسلم دولت ایران بسرای
 ملی کردن صنایع نفت خود به طرح دعوای بی اساسی در دیوان بین المللی دادگستری مبادرت ورزید
 و دیوان مزبور را ی خود را مشمر بر دم صلاحیت در رسیدگی به موضوع اعلام نمود. اکنون دولت ایران
 " انتظار دارد لائل وجو همی که تعلق آن به دولت ایران میرود تصدیق خود شرکت سابق است و تاکنون
 پرداخت نشده فرماناد به گرد و همچنین وجوه دیگری که متعلق به دولت شاهنشاهی است و در
 های انگلستان تودیع گردیده تحت اختیارات دولت شاهنشاهی قرار گیرد " در یاد داشت همچنین گفته
 شد :

" دولت شاهنشاهی با حسن نیتی که در موارد عده به به نیوت رسانیده اینک اعلام
 میدارد که بمنظور پیدا کردن راه حل برای رسیدگی به مطالبات و دعوای حق شرکت
 سابق درحد ذی ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ و همچنین مطالبات و دعوای متقابل
 دولت ایران حاضر است بانا بندگان آن شرکت وارد ط آگره شود. در صورتیکه از
 طریق ط آگرات مستقیم بین نمایندگان شرکت سابق و دولت شاهنشاهی توافق در
 این باره حاصل نگردد ، شرکت میتواند دعوای خود را در محاکم ایران اقامه نماید "

ملی ترمون رئیس جمهور امیکا و هرچهل نخست وزیر انگلستان در پاسخ این اقدام دولت ایران
 بهام مشترکی فرستاده و در آن دو باره پیشنهاد کردند که مسئله غرامت شرکت نفت سابق به دسوسان
 بین المللی ارجاع شود. طبق نقشه ترمون و هرچهل ، در صورتیکه ایران با پیشنهاد های آنان موافقت
 کند ، اقدامات زیر بعمل خواهد آمد :

- ۱- " نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران برای حمل نفتی که هم اکنون در ایران ذخیره
 است ، اقدام به تهیه وسائل لازم خواهند نمود. و همینکه موافقت هائی در باره قیمت نفت
 حاصل شود و شرایط فنی برای بارگیری اجازه دهد ، بابت هر یزد ارتقعی که بتوان هر چه
 زود تر حمل کرد پرداخت قطعی بعمل خواهد آمد "
- ۲- دولت انگلستان " پاره ای تضییقات موجود نسبت به صادرات (کالا) راه ایران و نسبت
 به استفاده ایران از (چوبه) استرلینگ نیز مرتفع خواهد ساخت "
- ۳- " دولت ایالات متحده امیکا فرا جمل عده میلیون دلار بلاعوض به دولت ایران بسرای
 کتبه به رفع مشکلات بودجه ای آن دولت خواهد پرداخت "

این پیشنهاد های امیکا و انگلیس طولان انزجار و نفرت مردم ایران را برانگیخت. روزنامه
 " آشین علاج " که بجای " بسوی آینده " انتشار مییافت ، تحت عنوان " جواب این پیام است که
 باید آنرا پاره کرد و روخت " سرطاله ای منتشر کرد. چون صدق بلافاصله پس از دریافت این پیام ،
 نمایندگان مجلس شورا ستار که در این موقع در تعطیل بسر میبردند ، برای ط آگره به تهران دعوت
 کرده بود ، روزنامه نوشت که در این پیشنهاد هائنازی به دعوت مجلس نداشت

روزنامه "ستکرصلح" که بجای روزنامه "شهباز" ارگان "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" نشر مییافت، اعلامیه جمعیت را منتشر ساخت. در این اعلامیه گفته می شد که پیام ترومن و جرجییل سندی است که سیاست استعماری انگلستان و آمریکا نوظفه واقعی آنها را که از بین بردن نتایج مبارزه ده هاسالسه مردم ایران است، نشان میدهد (۱).

روزنامه های وابسته به "جهبه ملی" نیز پیام مشترک آمریکا و انگلیس را بحدت انتقاد کردند. روزنامه "شاهد" به این مناسبت نوشت، آنان که در کاخ ریاست جمهوری آمریکا نشسته اند، هنوز نمیتوانند آنچه را که در پیروز در چین گذشت و اکنون در خاروجیه میگذرد وارد امتیازند در همه جا پیسی آید، درخ کند (۲).

نگارسی افکار صوسی چنان شد بدو که حتی روزنامه نچه رسی "اطلاعات" نوشت که محافل اجتهای ایران با پیشنهاد های انگلیس و آمریکا در باره مسئله نفت موافق نیستند، زیرا این پیشنهاد-ها برخلاف تمایلات مردم ایران است (۳).

صدق در ۱۶ شهریور در جلسه ای مرکب از خبرنگاران داخلی و خارجی نظردولت را در باره پیام آمریکا و انگلیس به صورت اعلامیه ای منتشر کرد. صدق در این جلسه نطقه ترومن و جرجییل را بحدت انتقاد قرار داد و گفت:

"پیام اخیر نشان میدهد که اولهای امرو انگلستان در لافاه عبارات تازه معنا و بلکه شد بد تر همان مقاصد سابق خود را دنبال میکنند." و: "از پیام و شرایط منضمه به آن چنین استفاده میشود که بد بنوسله میخواهند مسئله کاملاً داخلی را بصورت مسئله اختلاف بین دول در آورند، یعنی نتیجه تمام زحمات و مبارزاتی را که دولت ایران در راه دفاع از حق حاکمیت خود متحمل شده و توفیقی را که در دیوان دادگستری بین الطلی بدست آورده با تحمیل این شرایط از میان ببرند."

ولی موضعگیری صدق در گزارههایی که در ۲۵ شهریور ۱۳۳۱ به مجلس شورا داد، دستهوئی تغییر کرد بد. صدق که در پیروز دولت انگلستان سخت گیر بود و میگفت "دولت ایران بخود حق میدهد که برای حفظ منافع خویش از هرگونه اقدامی، هر چند منجر به قطع روابط سیاسی بشود، فریاد ارتکد"، در پیروز حل اختلاف با شرکت نفت سابق موضعگیری ملابتری داشت. صدق اعلام کرد که اگر شرکت سابق نخواهد د عاوی خود را به مراجع قانونی ایران ارجاع کند، دولت ایران حاضر است با شرایط معینی فضاوت دیوان لاهه را قبول نماید. اولین شرط عبارت بود از:

"تعمین میزان و تسطیح پرداخت غرامت اموالی که شرکت سابق در موقع طلی شدن صنعت نفت در ایران داشته بر اساس هر قانونی که در یک از امساله برای طلی شدن صنایع بکار رفته و شرکت سابق آنرا قبول کند."

صدق در سایر پیشنهاد های مقابل خود همچون باحل مسئله ۴۹ میلیون لیره ای که شرکت

- (۱) روزنامه "ستکرصلح" ۱۴ شهریور ۱۳۳۱
- (۲) روزنامه "شاهد" ۱۳ شهریور ۱۳۳۱
- (۳) روزنامه "اطلاعات"، ۱۴ شهریور ۱۳۳۱

سابق زمین ترازنامه سال ۱۹۰۰ بابت افزایش حق الاختیار و مطالبات و حق السهم ایران از ذخایر به حساب آورده، موافقت کرده اعلام داشت که:

"... از نظر ابراز تمایلات حسن نیت دولت ایران قبول میکند که اگر دیوان بین الطلی دادگستری تمام باقی ازان وجوه را حق ایران ندانست آن مبلغ بصورتیکه در نهایت شده دین دولت ایران به شرکت سابق تلقی گردد."

روزنامه های دیگر نیز از این پیشنهاد های مقابل صدق با عدم رضایت استقبال نکردند. روزنامه "رها" در سر مقاله خود این پیشنهاد را بررسی کرده خاطر نشان ساخت که نباید با ارجاع مسئله غرامت به دادگاه بین الطلی موافقت شود و بطور کلی در باره هر نوع غرامت و با عدم تعلق ۴۹ میلیون لیره به ایران نمیتواند سخن در میان باشد.

ولی شرایط پیشنهادی صدق برای مخالف سیاسی ایران از قبل روشن بود. با نتیجهت پاسخ تنفیس انگلستان و لذا قطع روابط سیاسی برای مخالف سیاسی ایران از قبل روشن بود. انتخاب حسین فاطمی به وزارت خارجه برای همین کار انجام گرفته بود.

در ۲۲ مهر ۱۳۳۱ انگلستان طلی یاد داشتی مطالبات دولت ایران را رد کرده و امتناع خود را از ایزام هیئت پسرایی مذکره اعلام داشت. صدق در ۲۴ مهر در سخنرانی راد یوشی خود تصمیم دولت را در باره قطع روابط سیاسی ایران و انگلستان خبر داد.

تصمیم دولت در باره قطع روابط سیاسی با انگلستان با شوق و هیجان فراوان تود ه ما مواجهه شد. این یکه پیروزی بود که مردم ایران طلی یکه سال و نیم مبارزه خود بدست آورده بودند. جمعیت ملی مبارزه با استعمار به این مناسبت بهانه ای منتشر کرد که در آن گفته می شد:

"هشاری و مقاومت دلیرانه شمانتکون تطلعه های امپریالیستی راد درهم شکسته و نفعه های خیانتکارانه مزدور نشان را از هم دیده است ... فشار و خواست شما هیئت حاکمه را واد ار کرد که بالاخره به قطع ارتباط سیاسی با ظالمین انگلیسی تن در دهد ... این اقدام با وجود اینکه بمسارطید است، ولی به هیچوجه بسرای جلقویری از دستمان دست نشان طت ایران کافی نیست ... دشمنان طت ما ... تنها غارتگران انگلیسی نیستند - فراموش کردن جهانخواران امیکاشی خطر بزرگی برای استقلال طلی ما بهار خواهند آورد." (۱)

در این بهانه، اخراج تصام مستشاران امیکاشی از دولت مطالبه می شد. مجلس در اول آبان طرح پیشنهادی عده ای از نمایندگان راد در باره اینکه مدت اختیارات مجلس سنا باید برابر مدت اختیارات مجلس شورا باشد، با نفعده سه نوبت تصویب کرد (مجلس سنا برای ۶ سال و مجلس شورا برای ۲ سال انتخاب می شد). بلافاصله پس از تصویب این قانون اعلام شد که دوره سنا از این لحظه با پایان یافته تلقی میشود. به این ترتیب مجلس سنا تعطیل شد بدولت سسه اظهارات شاه مبنی بر اینکه در اینصورت انتخابات سنا یچد بد باید بلافاصله آغاز شود، و طلی ننهاده تصویب قانون تقطیل مدت اختیارات مجلس سنا بد ان معنائی بود که مجلس شورا کالمانه لهم اراده صدق در ه است. میان مجلس و صدق در این زمان اختلافاتی بد پد آده بود و برخی از اقدامات صدق در با استروکسیون مجلس مواجه می شد. مثلا صدق در بحالت استروکسیون مجلس نتوانست در باره

(۱) روزنامه "صلابت شرق"، بجای "بسی آینه"، شماره ۲۸۰، ۲۵ مهر ۱۳۳۱

قطع رابطه سیاسی با انگلستان به مجلس گزارشی بد همدونگیز شد این تصمیم را از طریق رای سو اعلام دادند. اقدام مجلس در باره سنا بهتر از تاراضی اکثریت مجلس از سناکه قسمتی از اختیارات مجلس را هضم کرده بود، ناشی بود، اصرار بر صدق فقط باعث شد که مجلس در این کار تمهیل کند. تصمیم در باره سناکاری بود که صدق از آنکاراطیه نفوذ شاه انجام میداد. پیش از این کسار و اقدامات دیگری نیز در این زمینه انجام گرفته بود نظیر بازداشت سرلشکر حاجازی، آجودان شاه همراه با برادران رشید بان، صالح مشهور انگلستان و پادشاه صفاکه سرلشکرزاهدی بعلت ارتباط با پادشاه دولت اجنبی.

برخی از این اقدامات که محتاج رای مجلس بود، مظاهرا با تائید و پشتیبانی تمام "جبهه ملی" انجام میگرفت و ولی درد اخل "جبهه ملی" بد تها بود که اختلا فاتی بریز کرده بود. موافقت با تمام این اقدامات برای کسانی که بارشته های متعدد با امپریالیسم و طبقات ارتجاعی کشور ارتباط داشتند، غیر ممکن بود. ولی قطع رابطه رسمی با خط ملی "جبهه ملی" در شرایط اضالی جنین مردم نیز برای آنان خطرناک بود. با اینجهت اظهار جنین بری آمد که اینهمیون داخلی "جبهه ملی" از اینکسه صدق با تمام نیرو عمل نمیکند، تاراضی است. ولی چنانکه حوادث بعد نشان داد آنان (بطور صده باقایی) در کثرت ترین دسمه هادست داشتند. طلا باقایی حطه طنی خود را به دولت صدق در مجلس از آنجا شروع کرد که صدق مصلین حوادث خونین ۳۰ تیر را هنوز مجازات نکرده است. بزودی اختلاف در "جبهه ملی" طنی شد. عد ه ای از نمایندگان "جبهه ملی" در مجلس تشکیل اینهمیون دادند. آیت اله کاشانی نیز که از آغاز تشکیل "جبهه ملی" با آن همکاری داشت و بریاست مجلس شورا انتخاب شده بود، به اینهمیون پیوست. اختلاف نظر میان کاشانی و رهبرسانی از "جبهه ملی" نظیر مکی و باقایی از یکسو و صدق از سوی دیگر همراه با نشد بد تضاد میان سیاست دولت صدق و سیاست امپریکا، صغیر میشد. اکنون این اختلافات جنبه آشکار خود گرفته بسود. این اختلافات در نتیجه مناقشاتی که میان نمایندگان "جبهه ملی" در مجلس روی داد، آشکار گردید. کاشانی در دیماه ۱۳۳۱ به بهانه بیماری در مجلس حاضر نشد، هنگام انتخاب بد بران شورای عالی نفت میان دو جناح "جبهه ملی" برخورد شد بدی روی داد و مکی، دبیر "جبهه ملی" که عضو شورای نفت بود، در پایان انتخابات از سمت خود استعفاداد. روزنامه "سوی آینده" در این مورد نوشت:

این اختلافات ریشه عمیق دارد. ... نمایندگان جبهه ملی افراد نامتجانسی هستند که با سیاست های امپریالیستی خارج و عوامل حاکمه داخلی بند و بستهای مختلف دارند. (۱)

در اواسط دیماه اختلاف نظر در "جبهه ملی" در جریان مباحثات شد بد در مجلس نسو دار گردید. دولت لایحه قانون جد بد انتخابات را به مجلس آورد. مطابق این لایحه عد ه نمایندگان از ۱۳۱ نفر به ۱۷۲ نفر افزایش مییافت. در صورت تصویب شدن این لایحه، حد تصاب تشکیل جلسات به ۸۷ نفر افزایش مییافت. ولی چون عد ه نمایندگان مجلس به این حد نرسید این امکان وجود داشت که صدق پس از هسو بی شدن این طرح، مجلس را خود بخود منحل شده اعلام داد. نمایندگان از روی سابقه ای که از مجلس سناد داشتند این کار را محتمل میسرند. با اینجهت قنات آبادی، نماینده "جبهه ملی" طرحی را که باضای ۱۶ نفر از نمایندگان رسیده بود، با قید سه قهرت به مجلس ارائه مید که در آن گفته میشد:

(۱) روزنامه "سوی آینده"، شماره ۷۳۶، ۵ دیماه ۱۳۳۱

"هیچ طرح بالایحه ای بموجب اختیارات اصطالی به جناب آقای دکتر صدق نخست وزیر نمیتواند باعث تعطیل پانچ شدن مجلس فعلی شود."

عد ه ای از نمایندگان "جبهه ملی" که طرفدار صدق باقی مانده بودند (دکتر شایگان، دکتر معظی، دکتر حصی، زیرک زاده، شریان، شهیدی و غیره) از ترس اینکه اکثریت مجلس از این طرح پشتیبانی کند، جلسه راترک کرده و آنرا از اکثریت انداختند. این کار جنجال زیادی در مجلس بهاکرد (۱).

روز بعد صدق بهای از یاد بو منتشر ساخت و در آن پس از ذکر خدمات خود به وجود تضاد در داخل "جبهه ملی" و تشدید تناقضات گروههای مختلف دستگاه حاکمه اعتراف نمود. صدق در باره حال امپریکا و نمایندگان هوادار امپریکا در فرامیوس "جبهه ملی" که مقصین واقعی اختلافات در "جبهه ملی" و تفرقه در آن بودند، کلمه ای بزبان نیاورد. ولی خاطر نشان نمود که حال امپریالیسم انگلستان برای ساخط کردن او به مانور تازه ای در مجلس برداشته اند. صدق در مورد کسانسی که طرح قنات آبادی را امضا کرده بودند گفت که ۳۰ نفر از آنان در حوادث خونین ۳۰ تیر شرکت مستقیم داشته اند. صدق گفت چون هر اصلاحی باعث تاراضی کسانسی میشود که سالهان دراز با تهاکی زندگی کرده اند، او قادر به انجام اصلاحات نیست و دشمن نیز از بد رضایت هاجد اکثر بهره بر - داری را میماند. او در پایان اعلام داشت که از مجلس تقاضای رای اعتماد خواهد کرد (۲)

مجلس که از تحریک افکار عمومی طیه خود هراس داشت، در ۱۶ دیماه به اکثریت قریب به اتفاق (۶۴ نفر از ۱۰۵ نفر حاضر در جلسه) به دولت صدق رای اعتماد داد. ولی این مبارزه در ۱۸ دیماه که لایحه تجدید اختیارات صدق مطرح شد، از نو شد باقت. پس از سخنرانی عد ه ای از مخالفین، متن نامه رئیس مجلس پخی آیت اله کاشانی قرائت شد. در این نامه گفته میشد که اعطای اختیارات فوق العاده برخلاف قانون اساسی است و نامانیکه او ریاست مجلس را میسرده دارد، از بحث در باره جنین طرح هائی در مجلس جلوگیری خواهد کرد. پس از قرائت این نامه جلسه تعطیل شد (۳).

میان صدق و مجلس آغاز شد. همزمان با این مبارزه درد اخل "جبهه ملی" و مجلس، فعالیت دربار شاه و دسته هسای متعدد فاشیستی که اکنون گروههای "آریا" و "دوالفقار" و غیره نیز به آنها افزیده شده بود نسد، شدت یافت. عناصر جانیکار مشهور نیز که جنایات خود را آزادانه انجام میدادند، برای کمک به ایمن دسته ها بسیج شده بودند. این جانیکاران اغلب با "ویلیز" های نظامی حرکت میکردند. لیه نیز این بد ادگری علیه اعضا "و همانین حزب توده ایران و سازمان ها و روزنامه های وابسته به آن متوجه بود. این اوباش فریادشان روزنامه های د مکرانیک رانکت میزدند و ما بران حکومت نظامی با خون سردی به آنان میگسستند.

حادثه ۹ اسفند ۱۳۳۱ هدف این تدارکات نشان داد. شاه طبق نقشه قلی میسایست تصمیم خود را در باره خروج از کشور به بهانه مصالحه اعلام داد و در عین حال این ضامیه پخشی کرد که بعلت تاراضی از سیاست دولت شاه مصمم به استعفاداد. عناصر فاشیست و اوباش از قفل بسیج شده بودند که در مقابل کاخ سلطنتی گرد آمده و از شاه تقاضا کنند که کشور راترک نکند. در همین

- (۱) روزنامه "سوی آینده"، شماره ۷۴۴، ۱۵ دیماه ۱۳۳۱
- (۲) همانجا، شماره ۷۴۷، ۱۸ دی ۱۳۳۱
- (۳) تذکرات مجلس، جلسه ۱۸ دیماه ۱۳۳۱

حال نقشه حلقه به خانه ای که صدق در آن زندگی و کار میکرد برای نابود کردن او تدارک شده بود.
شب ۹ اسفند پیام شاه در باره اینکه قصد سفر خارجه دارد ، از راد پو پخش شد. بغیه کارها
نیز طبق نقشه آغاز گردید. " تظاهرکنندگان " که به نفع شاه شماریدادند با تومیل بسوی کسوخ
سلطنتی حرکت درآوردند. عده ای که جافوتکی های معروف در اس آنها قرار داشتند به خانه صدق
حلقه ورشدند. ولی این نقشه در نتیجه اقدامات بموقع توده مردم مقیم ماند. در خیابان هازد و خسرو
انجام گرفت. صدق قیوق شد خانه خود را ترک کند و اقدام لازم بعمل آورد. رئیس ستاد عیسی شد.
عده ای که به شرکت در این توطئه مظنون بودند ، بازداشت شدند.

تظاهرات و نمایش هاومیتینگ های مردم تهران تقریباً چهارروز ادامه داشت. اگر "جبهه ملی"
در ۳۰ تیر مینگرصد و حزب توده ایران نیروی بسوی کننده عده مبارزه مردم بود ، این با حزب توده
ایران و "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" هم متکثر و هم نیروی بسوی کننده این مبارزه بودند. بصیت و
هشت نفر از اعضای فراکسیون "نهضت ملی" (طرفداران صدق پس از انشعاب در "جبهه ملی" اکنون
خود را "نهضت ملی" مینامیدند) در ساعت ۹ شب اعلامیه ای صادر کرده و تصمیم خود را به مبارزه با
این توطئه ابراز داشتند (۱). ولی این تصمیم دارای هیچگونه نیروی سازمانی نبود.
"جمعیت ملی مبارزه با استعمار" در ۱۰ اسفند اعلامیه ای صادر کرد و در آن برای تشکیل جبهه
واحد دعوت بعمل آورد. در این اعلامیه گفته میشد :

" جمعیت ملی مبارزه با استعمار از همه مردم ضد استعمار ، از تمام سازمان های دیگر
و افراد و دستجاتی که مدعی مبارزه با استعمارند ، از آقای دکتر صدق و همکاران ایشان
دعوت مینماید که برای تشکیل جبهه واحدی از تمام نیروهای ضد امپریالیستی بمنظور
درهم شکستن توطئه خائنانه امپریالیستی که در باره مرکز آن قرار دارد ، بسرای
قطع نفوذ امپریالیست های امریکائی و انگلیسی همکاری و تشریک مساعی نمایند. " (۲)

این جمعیت در همین روز د مونستراسیون عظیمی برای پشتیبانی از شمارهای خود تشکیل داد.
در ۱۱ اسفند در نقاط مختلف شهر دهها میتینگ و دستراسیون با شمارهای ضد امپریالیستی
تشکیل شد. با پنهنس و سرایان زد و خورد های رخ داد. پیش از ۴۰ نفر بازداشت شدند ، درحدود
۶۰ نفر مجروح گردیدند و عده ای نیز قتل شدند. در مقابل سفارت امریکاییتینگ بزرگی تشکیل شد که در
آن علیه امپریالیسم امریکاییتینگ گردیدند. در این میتینگ از طرف ماموران تنظیمی گزاره های "پیکار و
" جمعیت ملی مبارزه با استعمار" اعلام کرد که در ۱۲ اسفند میتینگ عظیمی در میدان بهارستان
تشکیل خواهد شد. ولی کامیون های که پاساژان صلح به مسلسل در خیابان های اصلی و چهارراه ها
مستقر شده بودند ، راه را به میدان بهارستان سد کردند. با نتیجه در نقاط مختلف شهر دهها میتینگ
موضعی تشکیل گردید که دهها هزار نفر در آن به تظاهرات پرداختند. در این میتینگ ها شمارهای برای
تشکیل جبهه واحد و نیز شمارهای طلبه شاه داده میشد و قطع مگر با امپریالیست های انگلیس
امیکا در باره نفت و اخراج جاسوسان امریکائی مطالبه میکردند. تظاهرکنندگان با شمار "بزچسده
باد این سلطنت" محاکمه و مجازات شاه را طلب میکردند (۱).

- (۱) روزنامه "بسوی آینده" ، شماره ۷۹۰ ، ۱۰ اسفند ۱۳۳۱
- (۲) همانجا
- (۳) همانجا ، شماره ۷۹۲ ، ۱۲ اسفند ۱۳۳۱ و روزنامه "کعبان" ، ۱۱ اسفند ۱۳۳۱
- (۴) روزنامه "بسوی آینده" ، شماره ۷۹۳ ، ۱۳ اسفند ۱۳۳۱

به این ترتیب توطئه شکست خورد و مبارزه مردم علیه سلطنت نیرومند ترگشت. در همین حوال
حوادث این روزها ، مناسبات میان صدق و حزب توده ایران را که تاکنون چند ان روشن نسود ،
روشن تر کرد. میان آنان تفاهم و اعتماد بیشتر بوجود آمد. ازسوی دیگر در نتیجه این حوادث ، میان دو
جناح "جبهه ملی" سابق مرز بندی نهایی انجام گرفت. گروه کاشانی و بقائی و یکی به پشتیبانی از شاه
برخاست ، ولی صدق در راه طرد او میکوشید. بطوریکه از گزارش صدق در یکی از جلسات خصوصی
مجلس پس از حوادث ۹ اسفند برمی آید ، صدق پیش از این حوادث به شاه اعلام کرد که اگر او
کنار نرود ، اقدام به فرارند خواهد کرد. با نتیجه حادثه ۹ اسفند پیش از آنکه برای نابود کردن
صدق باشد ، برای نمایش "علاقه" مردم به شاه از طرف دیار و نظامیان تدارک شده بود. در واقع
نیز در شب همانروز ، در باره ملی اعلامیه ای خبر داد که شاه طبق تقاضای مردم از سفر خود منصرف شده
است. جناح انشعابی "جبهه ملی" در حوادث "۹ اسفند" از شاه پشتیبانی معنوی و عملی کاملاً
بعمل آورد.

دکترهایی پس از این حوادث طی سلسله مقالاتی که در روزنامه "شاهد" ، ارگان "حزب
زحمتکشان" منتشر کرد ، به توجیه مواضع خود پرداخت. از این مقالات چنین برمی آید که اختلافات
داخلی "جبهه ملی" از زمان حوادث ۳۰ تیر آغاز شده بود. مهترین مسئله ای که بعد ها این گروه
را انگران میساخت ، امکان نزدیکی صدق با حزب توده ایران و نیرومند شدن این حزب بود. بسرای
نشان دادن این واقعیت به قسمتی از سلسله مقالات بقائی اشاره میکنیم. او مینویسد :
" در این روزها
صدق در جلسه خصوصی مجلس گفت که او به شاه پیشنهاد کرده است که برود و در غریب بصورت فرارند
انجام خواهد داد. بقائی پس از ذکر این مطلب سوال میکند چرا صدق که در تمام مسائل به مسرد م
مراجعه میکرد ، در این مورد با کسی مشورت نکرد. آیا او قصد تغییر رژیم را در و با اکنون زمان تغییر رژیم
فرار رسیده است؟ آیا صدق میتواند به کمک ارتشی که در نتیجه اشتباهات خود میان آن طرفداران او ،
از قیام عشاری بچلگویی کند؟ آیا صدق میتواند به کمک ارتش کنونی مانع کمونیستها شود که پس از رفتن
شاه حکومت را بدست بگیرند ؟ سپس بقائی در مقاله خود مینویسد که روز جمعه عده ای از این آقایان
(طرفداران صدق و اعضای حزب توده ایران) در خانه دکتر فاطمی جمع شده و در باره همکاری بحث کرده
کردند. از آن زمان ما شاهد همکاری کامل دولت با حزب توده ایران هستیم. بقائی سپس اضافه میکند ،
ولی آقای دکتر صدق شما هنوز نمیدانید که کمونیست ها چقدر رخنه کردند. نیش ها و ماژاریک ها را بخاطر
آورد. مگر کمونیست ها بعد از همه اینها برای ما دکتاتور می بوجود نخواهند آورد و دشمنان نهضت را بر سر
سرمان خواهند نشاند. با نتیجه ما در شرایط کنونی با رفتن شاه مخالفت کردیم و بدون ترس از هرگونه
افترا و اتهام نظر خود را بیان داشتیم (۱).

این اعتراف صریح آن بخشی از "جبهه ملی" بود که نه فقط از جنبش جدا شده بود ، بلکه به
دشمنان آن پیوسته بود. پس از این ، در مجلس فقط "نهضت ملی" مرکب از ۲۸ نماینده و در خارج
از آن توده کثیرالمد و غیرتمشکی از میان بسوزاری ملی خورد و بسوزاری شهری. طرفدار ای خسود را
از صدق حفظ کردند.

اختلاف با شاه جنبه آشکار بخود گرفته بود. امپریالیسم انگلستان برای سرنگون کردن صدق به
کارزارش پرداخت. ناراضی امپریالیسم امریکانیز ، که امید خود را از صدق برای حل مسئله نفست از
دست داده بود ، افزایش یافت. امپریالیسم امریکاد هم رضایت خود را بنا بر زاید داشت و در همین حال
برای مساقط کردن دولت صدق و تعویض آن با دولت مطیع تری مخفیانه تدارک میدید. صدق در

(۱) روزنامه "شاهد" ، شماره ۸۹۹ ، ۲۴ اسفند ۱۳۳۱

چنین شرایطی فقط با انکاء به حزب توده ایران و سایر نیروهای دموکراتیک متوازنست خود را از این وضع نجات دهد. آنچه که در آخرین تحلیل نتایج فلاکت‌بار برای جنبش بی‌آرورد، این بود که صمدی توانایی همکاری نزد یک باعاصرد مکرانیک را در خود نداشت و حزب توده ایران نیز بنحی خود برای کمک به صمدی در این زمینه نریض لازم از خود نشان نداد.

پس از برخورد های ظنی میان شاه و صمدی، زمانیکه شاه نخواست با مسافرت خود به خسارچ دست و پای صمدی را آزاد بگذارد، صمدی تصمیم گرفت محدودیت های بیشتری برای شاه ایجاد کند. صمدی اصرار داشت که از نمایندگان مجلس هیئتی برای حل اختلاف میان شاه و دولت تشکیل شود. این هیئت تشکیل شد و اکثریت آنرا طرفداران صمدی تشکیل میدادند. این هیئت هشت نفری گزارشی تهیه کرد که در آن از جمله گفته میشد:

"نظر به اینکه موافق اصل ۳۵ متمم قانون اساسی سلطنت و بدینجه است که به موجب الهی از طرف ملت به شخصی پادشاه فوض شده و طبق اصل ۴۱ متمم شخرباد شاه از هرگونه مسئولیت مبراست و از طرفی طبق همین اصل واصل ۴۵ متمم مسئولیت او را امیرمملکتی به عهده وزیرا و هیئت دولت میباید، بدینجه است که اداره و مسئولیت امیرمملکتی از کشوری و لشکری از شئون نظام سلطنت نبود و حقوق هیئت دولت و وزیران است که در اداره امیروزارتخانه های مربوطه بنام اعطی حضرت هماهنگی سیمی و کوشش و راجرای مقررات قانونیه نمود و منفرد او مشترکا از عهده مسئولیت در قضا بل مجلس شورای ملی برآیند."

مسئله عهده عبارت بود از برکنار کردن شاه از امپراتش. در قانون اساسی گفته میشود که صمدی "فرمانروائی کل قشون بری و بحری باشخص پادشاه است". پس از آنکه گزارش "هیئت هشت نفری" آماده شد، صمدی در ۱۷ فروردین ۱۳۳۲ از زاد بو پهای به مردم ایران فرستاد. صمدی در این پیام مخالف دپاری را به مدخله در امور سیاسی و نفسی قانون اساسی متهم میکرد. ولی صمدی در این مورد نامی از شاه نبرد و فقط به اطرافیان او (از جمله بسه مادر و خواهر شاه) اکتفا نمود.

در ۲۵ فروردین قرار بود مجلس به گزارش "هیئت هشت نفری" رسیدگی کند. ولی در نتیجه استروکسیون مخالفین این کار به جلسه ۲۷ فروردین موکول شد.

جمعیت ملی مبارزه با استعمار "میخواست پیش از این جلسه میتینگ تشکیل دهد، ولی بحسب جلوگیری طامات دولتی این میتینگ عمومی بصورت تظاهرات و میتینگ های جداگانه درآمد. در روز دی بانیره های انتظامی زد و خورد های خونین روی داد. در این روز کارگران عد ای از کارخانه ها اعتصاب کردند و اکثر مبارزه های پسته شدند.

برای اینکه امکان تشکیل جلسه از مجلس سلب شود، نمایندگان مخالف به بهانه مسافرتشان را ترک کردند. با اینجهت جلسه مجلس در ۲۷ فروردین نیز تشکیل نشد. ولی مردم تهران در این روز بنا پختیانی سازمانهای سیاسی مختلف به تظاهرات پرداخته و علیه خرابکاری در کار مجلس اعتراض کردند. در این روز همه جا کار تعطیل شد. سپس از ۱۰ هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند. سپس از ۱۰۰ نفر بازداشت و ۴ نفر زخمی شدند و یک نفر نیز بقتل رسید (۱).

مجلس تا ۲۰ اردیبهشت نتوانست جلسه خود را تشکیل دهد. ولی در این روز نیز جلسه فقط

چند دقیقه تشکیل شد. رفتار مخالفین باعث کشمکش و مناقشات شد بدینجه نمایندگان مجلس شد. در با لکن نمایندگان میان طرفداران صمدی و بقائی زد و خورد روی داد و جلسه تعطیل شد. در ۱۷ خرداد برای بررسی گزارش "هیئت هشت نفری" کوشش دیگری بعمل آمد. ولی باز بحسب زد و خوردی که نمایندگان مخالف بوجود آوردند، جلسه تعطیل شد.

در این زمان توطئه دیگری تدارک میشد. بقائی که در فکر نخست وزیری بود، در این توطئه شرکت فعال داشت. توطئه گران به رهبری بقائی و سرلشکرزاهدی، سرلشکر افشارطوس، رئیس شهربانی را که از هواداران جدی صمدی بود، روده بقتل رساندند و جسد او را در حوالی تهران زمینان کردند. بزودی این جنایت کشف شد و عد ای از توطئه گران بازداشت گردیدند. رسیدگی به پرونده نشان داد که دکتر بقائی در این کار شرکت داشته است. دولت لایحه ای برای سلب مسئولیت از بقائی به مجلس برد. ولی این لایحه مورد بحث قرار نگرفت، و آنرا به کمیسیون حقوق مجلس دادند تا بحیوی در آنجا دین گردند.

فرمانداری نظامی علاوه بر بازداشت کسانی که در این قتل شرکت داشتند، سرلشکر فضل الله زاهدی، ستانور سابق را نیز به فرمانداری احتضار کرد. ولی زاهدی بجای حاضر شدن در فرمانداری، در مجلس متحصن شد. در این زمان دکتر معظی، رئیس جدید مجلس نیز تگت تا زمانیکه امتیاز او تضمین نشود، در مجلس متحصن خواهد ماند. زاهدی بعد مدتی شد و فقط در زمان کودتای ۲۸ مرداد دوباره به صحنه آمد.

وضع وخیم شد. بود. از یکطرف مجلس بحسب استروکسیون مخالفین فلج شده بود. از طرف دیگر بحسب ارگان انتخاباتی وجود داشت و نمیشد آنرا نادیده گرفت. اکنون تفریب چهارماهه بود که صمدی در مجلس اکثریت داشت. بحلاوه نمایندگان نظیر حاجری زاده و قنات آبادی و بقائی که از "جبهه ملی" خارج شده و فراکسیون خود را بنام "نجات نهضت" تشکیل داده بودند، همراه با دربار شاه و امرای ارتش در توطئه هایی که علیه دولت ایجاد میشد، شرکت مستقیم داشتند.

مراجعه به آراء عمومی برای انحلال مجلس تنها چاره کار بود. صمدی در ۲۴ تیر اعلام کرد که برای تعیین نظر مردم نسبت به مجلس، میخواهد به آراء عمومی مراجعه کند. صمدی در این حال اظهار داشت که اگر اکثریت مردم به انحلال مجلس رای موافق بدهند، او بلافاصله انتخابات جدید را اعلام خواهد کرد. مختصا صمدی با استفاده از اختیارات قانونی خود میخواست لایحه قانونی جدیدی در باره نحوه انتخابات تهیه کند. در ۲۴ تیر عد ای از نمایندگان طرفدار صمدی از نمایندگان مجلس استمفاد دادند.

شاه که این وضع را مید و میخواست حق انحلال مجلس را برای خود حفظ کند، موافقت کرد که اگر صمدی از انجام فرامان امتناع کند، او خود فرمان انحلال مجلس را صادر کند. ولی صمدی با اینسن کار موافقت نکرد.

صمدی در ۵ مرداد ۱۳۳۲ نظر خود را در باره لزوم فرامان از راد بو اعلام کرد. او در پیام خود گفت که:

"اکنون بهگانان بانعام قوام میگویند که در صفوف متحد ملت ای رخنه کنند. مناسفانه در مجلس شورای ملی هم که حقایق با هیئت بزرگترین مرکز مبارزه با اینگونه افکار بساد، کانونی برای پشرفت مقاصد شوم آنها تشکیل شده است. در این مجلس گروهی از مخالفین و اهادی سیاست بهگانه با بعضی از منحرف شدگان میگویند که زمام امور را بدست دولتی بدهند که بنواند طامع بهگانان و منافع آنان را تامین کند و بسیاری

انجام این منظوم بیون مجلس را وسیله برای تبلیغات ضربه خود قرار داده اند *

در آد ماهیت وزیران نحوه انجام فرزند م را بنصیب رساند- فرزند م از ۱۲ تا ۱۹ مرد آد
بند آد رتیران و سپس در سایر شهرست آنها انجام گرفت- مبارزه مشترک حزب توده ایران و سازمانهای
د مکرانیک و هواد آران صدق بصوری راد فرزند م تا مین کرد * در این فرزند م ۲ مبلون نفر شسرت
کردند و ۹۹ درصد آنان به انحلال مجلس رای دادند (فقط اهالی شهرنشین در فرزند م شسرت
داشتند) - این يك بصوری بزرگ مرد م بود- این بصوری نیروهای ضد امیرالمست بود که در میان آنها
حزب توده ایران نقش مهمی داشت- این حقیقی است که حتی دشمنان نهضت آنها را پنهان نمیدارند *
مصطفی فاتح در کتاب خود مینویسد :

* چنانکه پیش بینی میشد دسته های موافق دولت ، بخصوص اعضای حزب توده در
این فرزند م شرکت کرده و انحلال دوره هلد هم مجلس شورای ملی را تاید کرد^(۱)

تمام حوادث دوران مبارزه بخاطر ملی کردن صنعت نفت حاکی بر نیروی بسیج کننده حزب توده
ایران است- هر بار که حزب بطور جدی آگاه عمل میکرد ، این واقعت بخوبی چشم میخورد- مثلا در
آستانه فرزند م در روز ۳۰ تیر بنامیت سالروز " یکشنبه خونین " دو د مونتراسیون برگزار شد *
"جبهه ملی" از تمام طرف آران صدق برای شرکت در د مونتراسیون که میبایست پیش از ظهر تشکیل
شود ، دعوت بعمل آورد بود- در این د مونتراسیون فقط ۲۰ هزار نفر شرکت کردند- بعد از ظهر حزب
توده ایران و سازمانهای وابسته به آن د مونتراسیون د یکی تشکیل دادند- خبرنگار خبرگزاری
"فرانس پرس" در تلگرام خود که باشتاب و پیش از پایان د مونتراسیون ارسال شده ، خبر میداد :

" عصر امروز ۳۰ هزار نفر اعضا "حزب توده ایران با شمار " بیوزی با مرد م است " از
میدان بهارستان عبور کردند- هر لحظه دسته های تازه ای از نظاهر کنندگان در
صفوف بی پایان وارد میدان میشدند و شمار میدادند ؛ * یانکی ، به خانه خود باز
گردد " ، " ایران باید از گرفتارنگ امیرالمست که اصل ۴ خود داری کند " (۲)

۳- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، سقوط دولت دکتر

صدق و نقش امیرالمست امیرالمست امیرالمست

موفقیت های جنبش آزادی بخش ملی و اتحاد نیروهای ضد امیرالمست که در جریان مبارزه تحقق
می یافت ، موجبات نگرانی ارتجاع را فراهم آورد- امید اینکه مسئله نفت بدست دولت صدق حل شود ،
در نتیجه تحولاتی که در حیات اجتماعی روی داده بود ، درهم ریخت- ناه توام با تمام حجت اینها
رئیس جمهور امیرالمست صدق آخرین کوششی بود که در این راه بعمل آمد- اینها در این ناه عملا
شرایط نوافقی با انگلستان را به ایران دیکته میکرد و بخصوص از ایران طلب میکرد که برای اختلاف بسا
انگلستان ، ابالات متحده امیرالمست امیرالمست " حکم " بپذیرد (۳) - ولی این کوششی نیز بجای نرسید ،
زیرا هدف های آرزومندانه ابالات متحده اکنون دیکر آشکارتر شده بود *

(۱) مصطفی فاتح - پنجاه سال نفت ایران ، صفحه ۶۶۲

(۲) روزنامه " تیراودا " ، ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۳

(۳) همانجا ، ۴ اوت ۱۹۵۳

به این ترتیب وضع ایران صورت جدی بخود گرفته بود- مسئله تخیرونی سلطنت نیکه گاه د
امیرالمست در دستور روز قرار داشت- جهت ضد امیرالمست جنبش نیز آشکارتر میشد- روزنامه " بسوی آید " مینویسد :

" ... امروز از سرتاسر ایران این فریاد بگوش میرسد : * یانکی کجوم " ... بر د رو
د یوارشهرهای د روزند يك ، روی د یوارخانه های امیرالمست ، روی انجوس و حتی
روی البسه آنها این شمارده دهه میشود- موج نفرت و غضب مرد م جاسوسان امیرالمست
را همه جاد نیال میکند- جاسوسان امیرالمست حتی در روزن د هات ایران هم
اینند ارند * ... (۱)

امیرالمست امیرالمست جنبش انقلابی هراس داشت- مصطفی فاتح در باره حوادث مینویسد
به جریان فرزند م مینویسد :

" در خلال این احوال د امیرالمست بسیاری راجع بوضع ایران میدادند- بود و محافل
سیاسی امیرالمست شد- بودند که نفوذ حزب توده رو بتزاید میباید و اگر چه همین
طور آد ماه باید ، مخاطراتی در پیش است که ایران در پشت پرد آهنگین قرار گیرد
و ضرت بسیاری مینویسد به سیاست کلی کشورهای غرب وارد آید " (۲)

این نگرانی در تمام مطبوعات غرب نیز انعکاس یافته بود- مجله " تایم " در ماه ژوئیه نوشت :

" هنگامی که به دکترو صدق گفته میشود که روش ناسازگار او کوشش را به کمیونسم مسوق
میدهد ، وی این اتهام را سخره کرده و انکار میکند- ولی ایناب بصیرت آگاه هستند
که رخنه حزب توده ایران در ادراکات دولتی باندازه ای پیشرفت کرده است که اکنون
در برخی از موارد سیاست دولت را آنها تنظیم میکنند " (۳)

مجله امیرالمست " نیوزویک " در ۹ اوت مقاله جالبی نوشت که در آن گفته میشد :

" حزب توده موقعت خاصی پیدا میکند- نظاهرات منظم افراد این حزب در روز سی ام
تیر که در آن بین ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر شرکت کردند و شماره آنها از نظاهر کنندگان دیکر
که طرفدار دولت بودند ، فرزند داشت ، نشانه قوت گرفتن کمیونسم هاد را بسران
میباشد- این حوادث نشان میدهد که ممکن است دکترو صدق نخست وزیر ایران
بوزی دیکمونیست هاد را در آره امورد ولتی شرکت دهد و پاد مقابل آنها بشکست
مواجه شود- یکی از هدف های حزب توده از بین بردن نفوذ غرب در این کشور میباشد
... ناسیونالیسم ضد انگلیسی دکترو صدق و حملات او علیه استعمارگران خارجی
با برنامه کمیونستهای ایران مطابقت داشت- صرف نظر از اینکه صدق با حزب توده
موافق یا مخالف باشد ، این حزب از وی پشتیبانی کرد ولی ضمنای انتقاد از وی را
نیز برای خود محفوظ نگاه داشت ... صدق چندین بار در جلسات بحرانی
پشتیبانی حزب توده را مورد قبول قرار داد و البته حزب توده نیز از این موفقیت هاد

(۱) روزنامه " بسوی آید " ، شماره ۷۴۴

(۲) مصطفی فاتح - پنجاه سال نفت ایران ، صفحه ۶۶۲

(۳) همانجا

اکثر استفاده را کرده است.^(۱)

این مقاله که حقایق رانیمنا با واقع بینی ذکر کرده است، از سر نوشت نفوذ حزب در ایران بشدت ایران‌نگرانی میکند.

مقامات رسمی و رجال دولتی امریکانیز بهین نحو اظهار نظر میکردند. مثلا در نامه دولت امریکا به صدق در باره اینکه اگر ایران در مسئله نفت با انگلستان به توافق نرسد، امریکازدان "کمک" اقتصادی به ایران خودداری خواهد کرد، همچنین بعثت آزادی علی که گویادولت ایران بسسرای باصطلاح "فعالیت کمونیستی" قائل شده، "ایران‌نگرانی" میشود.^(۲) روز ۲۹ ژوئیه، وزیر خارجه امریکادرمصاحبه مطبوعاتی خود بار دیگر اعلام کرد که:

"نشد بد فعالیت حزب غیرقانونی بود. در ایران و اغراضی که دولت ایران نسبت بسه فعالیت حزب مزبور رو امیدارد، باعث نگرانی امریکازدیده و موجب شده است که اعطای کمک از طرف امریکابه ایران را منکسر سازد."^(۳)

وسرانجام، این‌تظاير در مصاحبه مطبوعاتی ۱۵ مرداد ۱۳۲۲ از توسعه نفوذ کمونیست هادراسیبا ایران‌نگرانی جدی نموده گفت: موفقیت صدق در برقراندن نتیجه استفاده از او کمونیست هابود و امریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در کشورهای آسیا و از جمله در ایران باید اقدامات لازم بعمل آورد. این‌تظاير تا آنکه کرد که "ما صمم به این کار هستیم."^(۴)

این تصمیم پس از ملاقات ایدن و این‌تظاير اتخاذ شد. آنان به این نتیجه رسیده بودند که زمان برکنار کردن صدق از مقام نخست‌وزیری و تمویض او باآدم مناسب‌تر فرارسیده است.^(۵) مسئله راهی که امریالسمت هاوارتجاع داخلی برای اجرای این تصمیم در پیش خواهند گرفت، ایجاد تردید نمیکرد. این فقط یک راه بود و آنهمس کودتای نظامی با کمک مستقیم امریکا. آکن، مفسسر روزنامه "نیویورک پست" در مقاله خود اشارات مستقیمی در این مورد دارد. او میگوید:

"دولت صدق در اسامال سقوط خواهد کرد... این دولت با احتمال بوسیله ارتش سرنگون خواهد شد... ارتش ایران، ارتش دلاوری است که بخصوص با ایالات متحد امریکایهوند نزد یک دارد. امریکازرتش ایران را با اسلا حهای معاصر تجهیز میکند و افراد آنرا تعلیم میدهد."^(۶)

در این مقاله سپس پاسخ دالس به این پرسشی که سقوط صدق چه تاثیری در روابط ایالات متحد با ایران خواهد داشت، ذکر میشود. دالس به این سؤال پاسخ میدهد:

"هر دولتی که در ایران کمونیستی نباشد، برای ما بهتر از این دولت خواهد بود."^(۷)

به این ترتیب در آن کودتای نظامی که از بد تهاوش طرح شده بود، درد ستورگیری روز قرار

(۱) مصطفی فاتح، "پنجاه سال نفت ایران"، صفحه ۱۱۳

(۲) روزنامه "پراودا"، ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۳

(۳) مصطفی فاتح، "پنجاه سال نفت ایران"، صفحه ۱۱۱

(۴) همانجا، صفحه ۱۱۴-۱۱۳

(۵) روزنامه "پراودا"، ۹ اوت ۱۹۵۳

(۶) و (۷) روزنامه "کارگر باکو"، ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۳

گرفت. محافل مکرانیک ایران، آمدن ژنرال شوارتمنکیف را در ۱۸ مرداد به ایران و ملاقات او را بسا شخص شاه با تدارک کودتای مریحط میدانستند. شوارتمنکیف سابقا رئیس مستشاران امریکائی در ژاندار-مری ایران بود.

صدق در ۲۱ مرداد اعلام کرد که برپایه فرامان، مجلس رامنحل میکند. شاه نمیتوانست بسا این کار موافقت کند، زیرا صدق و فرمان انحلال مجلس را از حقوق خود میدانست. فردای انحلال مجلس شاه فرمان عزل صدق و نخست‌وزیری سرلشکر فضل‌الله زاهدی را صادر کرد. ابلاغ فرمان به صمدق میباشست همزمان با حمله ناگهانی واحد های آمادہ نظامی، بازداشت فاطمی وزیر خارجه و برخی اوزیران و سرلشکر ریاحی رئیس ستاد و عدای دیگر انجام گیرد.

سرهنگ نصیری فرمانده گارد سلطنتی مامور ابلاغ فرمان شاه و بازداشت صدق بود. ولی رهبری حزب توده به ایران که از جزئیات این توطئه اطلاع حاصل کرده بود، دکتر صدق را متوجه جریان کرد. روزنامه "شجاعت" منتشره بجای "بسوی آینده" در باره این کودتای نوشت:

محافل دولتی در باره تدارک کودتای از طریق عناصر آزاد بخواجه مطلع شدند و زمانی که سرهنگ نصیری به مهمت کامیون های حامل سربازان مسلح و زره پوش برای بازداشت نخست‌وزیر آمد، خود او بوسیله محافظانی که در آقامنگاه صدق مستقر بود نرسد، بازداشت گردید. باین ترتیب کودتای تحقق نیافت. کسانی نظیر وزیر امور خارجه و وزیر راه که بوسیله قسمت دیگری از گارد سلطنتی توقیف شده بودند، آزاد شدند. خود شاه که برای احتیاط قبلا به رامسورفته بود، همراه با ملکه با هواپیمای شخصی بسه بغداد گریخت.

ساعت پنج بعد از ظهر ۲۵ مرداد، طرفداران صدق در میدان بهارستان میتنگی برپا کردند. در این میتنگ شعارهایی علیه دربار داده میشد: دربار خائن، دشمن مردم است! کسانی را که با شوارتمنکیف ملاقات میکنند، باید از سر راه مردم برانداخت!

کمی بعد جمعیت عظیم تظاير کنندگانی که بدعت "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" در منستراسیو تشکیل داده بودند، وارد میدان بهارستان شدند. آنان شعار میدادند: "مرگ بر توطئه گسران دربار"، "زنده باد جبهه واحد مردم ایران در مبارزه با استعمار"، "مردم ایران خواستار اخراج جاسوسان امریکائی از کشور است"، "زنده باد توده مردم"،^(۱)

ولی کشور آستان حوادث جدید بود. امریالسم امریکان تصمیم داشت کار را یکسر کند. چندی بعد مجله "خواننده نیها" خبر داد که هندرسن سفیر امریکا یک روز پس از فرار شاه وارد تهران شد، چند ساعت پس از ورود خود با صدق ملاقات نمود و به او رسا اعلام کرد که امریکایا تمام نیرو از ادامه زمامداری او جلوگیری خواهد کرد و به صدق توصیه کرد که استعفا بدهد.^(۲) به طرفداران شاه در واحدهای ارتش استان هاد ستوداده شده بود که مراکز استان داری را اشغال کنند. در خود پایتخت نیز توطئه جدیدی تدارک میشد.

این بار حزب توده ایران و سازمان های دکرانیک نیز فریب خورده از خود هشاری نشسان ندادند. ارتجاع بانعام و صاهیل وارد میدان شد. شب ۲۷ مرداد تمام داریو سته های فاشیستی و اپاوش بسویج شده به بیدادگری برداختند. رهبری حزب توده ایران که نیهلواست در چنین لحظاتی

(۱) روزنامه "شجاعت"، ۲۵ مرداد ۱۳۲۲

(۲) روزنامه "پراودا"، ۲۳ اوت ۱۹۵۳

به پروکاسیون کشنده شود و موجبات مدخله نیروهای ارتش و پلیس رافراهم آورد ، به اعضای حزب د سننورد ادبیرانگنده شده به خانه های خود بروند و بهانه ای برای زد و خورد و تصادم بدست ندهند . کید تاریخ ۲۸ مرداد انجام گرفت . این بار نیز کید تاباشبه خون و جهاول عناصر فاشیست و اوباش آغاز شد . این وضع باعث شد که نتوان به ماهیت اقداماتی که تدارک شده بود ، پی برد . فقط درحدود ساعت ۱ صبح ، حرکت مشکوک واحد های نظامی این فکر ابروچید آورد که تمام اقدامات تدارکی بسسری کید تا بوده است .

وضع در این روز باوضع ۳۰ تیر ۱۳۳۱ باحتی ۹ اسفند ۱۳۳۱ تفاوت اساسی داشت :

- ۱) در آن زمان ، بخصوص در ۳۰ تیر مسئله مبارزه علیه قوام و ایقایی صدق مطرح بود و در آغاز علیه شاه شعار داده نمیشد . شمارهای ضد شاه فقط در پایان این حوادث بدید آمدند و در عین حال شمارهای اصلی نبودند . بلینجهت عناصر طرفد ارشاه باآنکه بازگشت صدق را نمیخواستند ، خطر مهلکی نیز متوجه خود نمودند . ولی اکنون لیه نیز جنبش علیه شاه و طرفد اران اوتوجه بود و مسئله هست و نیست آنان در میان بود .
- ۲) در آن زمان " جبهه ملی " بکپارچه بود و تمام نیروی این جبهه با نیروهای سازمان های د مکرانه و حزب توده ایران ، باآنکه میان آنان اتحاد رسمی وجود نداشت ، واحد کلی را تشکیل میدادند . ولی اکنون نه فقط " جبهه ملی " تجزیه شده بود ، بلکه قسمتی از آن بطور فعال علیه صدق مبارزه میکرد . این مبارزه هم از طریق طبیوعات (مثلاروزنامه " شاهد ارگان " حزب زحمتکشان ملت ایران " و روز کید تافرمان شاه راد باره انتصاب زاهدی به نخست وزیری منتشر کرد و به مسود او به تبلیغ پرداخته بود . (۱)) و هم بوسیله نیروی افسراد انجام میگرفت .
- ۳) این بازگروه های فاشیستی که تعین و تجربه فراوان داشتند ، در اختیار ارتجاع بودند . این عاملی بود که در ۳۰ تیر وجود نداشت و در ۹ اسفند بهرآن کثری خود نمائی میکرد .
- ۴) در آن زمان و سمت د امته اقدامات نیروهای د مکرانه برای ارتجاع تا حدودی غیرمنتظره بود . ولی اکنون ارتجاع در این مورد تجربه لازم بدست آورد بود .
- ۵) این بار امیرالهیسم امریکاستقیمتواورد میدان عمل شده بود . و در این مورد ، چنانکه دیدیم قبلا اخطارهای جدی به صدق کرد و بود و با این کار حتی برستیز خود را بخطر انداخته بود . چنین وضعی ، باوجود پشتیبانی معنوی امریکازارتجاع ، در موارد دیگر وجود نداشت .
- ۶) و سرانجام در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ خود مبارزه تادرجه معینی به ابتکار " جبهه ملی " بعمل آمده و در ۹ اسفند حمایت از صدق بدعوت نمایندگان " نهضت مقاومت " انجام گرفته بود . ولی اکنون چنین نبود .

در این شرایط جد بد که هراقد امی باد شوری و مسئولیت خاصی توام بود ، رهبری حزب تسو د ایران به این نتیجه رسید که لااقل موافقت صدق را برای دعوت از مردم به مبارزه بانوطه ارتجاع جلب نماید . تا بد بوسیله حزب و سایر سازمان های د مکرانه بتوانند شمار " دفاع از دولت قانونی منتخب مجلس " را اعلام دارند .

این احتمال وجود داشت که اگر حزب توده ایران مستقلاورد عمل میشد ، از دسو در معرض آتش قرار میگرفت . و این ترس بی پایه نبود . نکته عد ه ای را که باید در نظر داشت اینست که صدق مترسید

(۱) جزوه " ۲۸ مرداد " ، منتشره از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران ، صفحه ۴۹

ابتکار و قدرت را از دست بددهد . این تصور که حزب توده ایران با استفاده از شرایط ممکن است قدرت را بدست بگیرد ، صدق را رنگران مساخت . در اینجانش نقش خائنه روینویست های انشعابی باصطلاح " نیروی سوم " نیز تا نیر خود را باقی گذاشت . آنان که هوادار صدق باقی ماندند و اعتقاد اوارا بد مست آوردند ، بودند ، نفی تفرقه افکنی بمعهد گرفته و میان نیروهای د مکرانه و صدق جدائی میانداختند . مطبوعات این گروه اکنون تا حدودی معینی نفی هدایت کنند و داشتند و بشابه بیانگر تمایلات صدق و اطرافیان او خود نمائی میکردند . با اینجهت این واقعیت که مطبوعات این گروه وسایر مطبوعات بهروزوا شسی همزمان بانظامیان وارد میدان شدند ، ایجاد شک و بدگمانی میکرد . صبح ۲۸ مرداد این مطبوعات با شمارهای علیه حزب توده ایران انتشار یافتند . (۱) بعلاوه روزنامه های انشعابیون از طرفی مردم را به آرامش وآسوده خیالی دعوت میکردند و از طرف دیگر بهروزوازی را دیکال را علیه حزب توده ایران تحسیر یک مینمودند .

مثلا روزنامه " نیروی سوم " که بوسیله خلیل ملکی منتشر میشد در روز کید تا سرفاله ای منتشر کرد که در آن بصراحت گفته میشد که اکنون د پگرا از طرف شاه خطری وجود ندارد ، خطر عد ه انجانب حزب تودیره ایران است (۲) . روزنامه دیگر این د اردو سنه ، یعنی روزنامه " رهائی کارواند پشه " که بوسیله انور خاها یکی د پگرا انشعابیون انتشار مییافت ، نوشت : پس از سرکوب د ربار ، این مرکز جنایت و توطئه ، بساید حزب توده ، این مرکز خجانت را ریشه کن کرد (۳) . این مقاله هانمیست به شمار حزب توده ایران د رباره ایجاد جبهه واحد عد م اعتماد بوجود می آوردند و ایجاد نفاق میکردند .

رهبری حزب توده ایران بانوجه بهرابت بد کورتصمیم گرفت با صدق تماس بگیرد ، در بسسار ه فعالیت خود با موافق کند ، آمادگی خود را برای اقدام اعلام د ارد و به اوتوصیه کند که از زاد یو مردم را برای مبارزه دعوت نماید . ولی صدق اظهار داشت که او بروضع مسلط است ، نهازی به اقدام نیست و هر اقدامی میتواند فقط بهانه ای برای پروکاسیون گردد . در قلمننامه چهارمین پنشوم کمیته مرکزی " در باره خطای رهبری حزب توده ایران د رکیدتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ " در این مورد گفته میشود :

اعضای هیئت اجراییه " . . . پس از شکست کیدتای ۲۵ مرداد باآنکه خطر کید تا را پیش بینی میکردند و وقوع آن را بدین نزدیکی نمیدیدند . پس از شروع کید تا و بروز ابهام در درک ماهیت حوادث روز ۲۸ مرداد برای آنکه مباد اقدامی در جهت مخالف سیاست صدق بکنند ، به صدق تلفن کردند ، بد آن گفتا نمودند و به اطمنیان دادن او که دولت بروضع مسلط است اطمنیان یافتند پس از آنکه حادته بسط یافت و جنبه خطرناک آن آشکارتر شد ، سجد د ا به صدق تلفن کرد و روشی صدق گفت کاری از من ساخته نیست ، همکاری از دستانتان بر می آید ، بکنید ، اول کار را از کارگذاشته شمرند و سپس در ساعت ۳ بعد از ظهر بخواستند کاری کنند ولیسی ارتباطات حزبی در این د سننورد و بعد از ظهر . . . علاج ج شده بود ."

تدبیری نیست که لحظه مناسب از دست رفته بود . اگر در صبح اقدام میشد ، این کار می توانست مزایای زمین را داشته باشد :

(۱) جزوه " ۲۸ مرداد " ، منتشره از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران ، صفحه ۴۹

(۲) روزنامه " نیروی سوم " ، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

(۳) روزنامه " رهائی کارواند پشه " ، شماره ۲۴ ، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

- ۱) ارتجاع هنوز کارآرایش نیروهای خود را پایان نرساند. بود *
- ۲) افسران ارتش ممکن بود در حال تشتت باقی بمانند ، زیرا بخشی از آنان خود را تابع دولت و وزارت دفاع یعنی صدق میدانستند و بخش مترازل نیز بملک اقدامات مردم که ضسنا من پیروزی صدق بود ، میتوانست به جنبش بپیوندد و برای این کار جعل قانونی یعنی دستور نظام بالاتر در دست داشت. ولی این بخش افسران که عدم فعالیت از جانب صدق و مردم و دورنمای پیروزی ارتجاع را میدید ، در نیمه دوم روز ۲۸ مرداد موضعگیری خود را بسود ارتجاع انجام داد *
- ۳) بعد از ظهر راد پوی نیز خبر خورد اد که نظامیان قدرت راد را این شهر بدست گرفته اند *
- ۴) کمی بعد راد پوی تهران بوسه نطقه گران اشغال شد و زاهدی که از نهانگاه خود بیرون آمد بود ، از راد پو اعلام کرد که طبق فرمان شاه نظام نخست‌وزیری راد دست گرفته است *
- ۵) سرانجام گردآوری تمام نیروها اکنون برانطباق د شوارتر و لذ اقدام با خطر مراتب بیشتری همراه بود *

چنین بود اوضاع و احوال در روز کودتا که هر ساعت آن شرایط جدی پدید می‌آورد و وضع را تغییر میداد. و اینها بود غلی که رهبری حزب نتوانست در این روز کاری انجام دهد *

برای اینکه حزب در روز کودتا ناظر اعدای حوادث باقی بماند ، کافی نبود. در قطعه نامه این پلنوم گفته میشود که علیرغم غلبه یعنی امکان استفاده از شرایط مساعد وجود داشت و حزب " میتوانست دست به اقدامات سریع و مجدانه بزند " *

جای بحث نیست که اگر تزلزل و نوسان خاص بیرونی ملی نبود ، حوادث کاملاً در مسیر دیگری جریان مییافت . اغراض تقریباً یکساله صدق نسبت به داریودسته های فاشیستی به آنان امکان داد تا به نیروی کم و بیش متشکلی مبدل شوند و در لحظه لازم ضربات جدی به جنبش وارد سازند. باقی ماندن مستشاران نظامی امکا در ایران و نیز موسسه ای که برای تحقق " اصل چهارم ترومن " ایجاد شده بود ، برای توسعه جاسوسی و نطقه های ضد انقلابی شرایط فراهم می‌آورد. از اخبار روزنامه هسای د سکرانیک معلوم میشود که زاهدی تا روز کودتا در ساختمان " اصل چهارم " پنهان بود. روزنامه " مردم " اطلاعاتی منتشر کرد حاکی بر اینکه بانگ ملی ایران در روز کودتا طبق چک شماره ۲۳۵۲ و ۲۳۵۳ صادر از طرف دیر عامل موسسه " اصل چهارم " مبلغ ۳۲۰ میلیون ریال درازا " ۳۹۰ هزار دلار برای مسیح گروه های هوادار شاه پرداخت کرده است (۱) *

ضعفی که صدق در برابر مرتجعین غدار نشان میداد ، نابخشودنی است. آنان که در انبوع نطقه هاد دست داشتند ، با آزاد بصر میبردند و پاهای از باز داشتند و باره آزاد میشدند تا به فعالیت کثیف خود ادامه دهند. و سرانجام صدق به نیروی ارتجاع و امکانات شاه در ارتش که به امید او فکر میکرد که باید دست گرفتن نظام وزارت دفاع و انتصاب شخص مورد اطمینان خود به ریاست ستاد (در ۹ اسفند) میتواند ارتش را تابع خود سازد. به همین جهت بود که صدق نسبت به تمام تذکرات احتیاطی و به تمام نشانه های کودتای در حال تدارک با بی اعتنائی مینگریست *

حزب توده ایران بارها وجود خطر را به صدق تذکر داد. حزب توده ایران در ۱۶ شهریور ۳۳۱ پس از پیروزی مردم در ۳ تیر نامه سرگشاده ای به صدق نوشت که در آن گفته میشد :

(۱) روزنامه " مردم " ، ۶ شهریور ۱۳۳۲

* آقای دکتر صدق نخست وزیر ا نطقه ای بصورت يك کودتای نظامی علیه استقلال و حاکمیت ملی ایران در شرف تکوین است که بگمان شما هنوز بر آن وقوف دارید. ملت ایران میخواهد بداند ، در برابر نطقه خطرناکی که هدفی جز گد مال کسودن پیروزیهای نهضت ملی ایران ندارد ، چه نقشه ای از جانب شما بعنوان رئیس دولت طرح شده است. * (۱)

در نامه پس از شرح تاریخچه مبارزه مردم در راه ملی کردن صنعت نفت ، چنین می‌آید :

" ... اصل سیاست هاد را این مرحله به کسی احتیاج دارند که مانند شما اینهمه تمهید در برابرت نصیرده باشد و آسانتر از شما بتواند عقب‌گرد کند. ... از اینجست از ماههای پیش امکان وقوع نطقه کودتا مانند ی در ایران پیش بینی میشد. * (۲)

هشدار " جمعیت ملی مبارزه با استعمار " در پیام ۷ اردیبهشت ۱۳۳۲ صورت بازمی‌سهم شخصی تری دارد. در این پیام گفته میشود که پیروزی شاه و هندرسمن و سفیر امکا و بملک کاشانی ، رئیس مجلس شورای کد تادی نظامی در حال تکوین است که برانداختن دولت صدق و سرکار آوردن سرلشکر زاهدی و با حصین "علا" هدف آن است (۳) *

صدق به تمام این هشدارها ناظر بی اعتدای مینگریست و حتی زمانی که روز وساعت دقیقه کودتای که میبایست بدست سرهنگ نصیری انجام گیرد ، به صدق اطلاع داده شد ، او اقدامات احتیاطی بعمل نیاورد و فقط زمانیکه خبر ارشد که واجد های مامور کد تا وارد میدان شده اند ، دست بکار شد *

رهبری حزب توده ایران نیز در این مورد درخور سرزنش است. زیرا با اینکه حزب ، بطوریکه پس از کشف سازمان افسری معلوم شد ، بیش از ۶۰۰ افسر از رسته های مختلف ارتش در اختیار داشت ، اقدامات لازم بعمل نیاورد *

علاوه بر اینها باید اضافه کنیم که هم صدق و هم حزب توده ایران پس از فرار شاه دچار نفلت و آسوده خپالی شدند *

در حزب توده ایران در فاصله ۴ روزی که میان حمله اول ارتجاع در ۲۵ مرداد و بعرض دوم آن که به کودتای ۲۸ مرداد منجر شد ، از نو نمایلات چپ روانه اوج گرفت. رهبری حزب نتوانست از این چپ روی جلوگیری کند و در نتیجه شعار جمهوری د سکرانیک توده ای اعلام شد و این امر از طرف صدق بشابه کوشش برای برکنار کردن او و بدست گرفتن حکومت از جانب حزب توده تلقی گردید *

اقتضاها حزب توده ایران در قطعه نامه های چهارمین پلنوم کمیته مرکزی بشرح زیر تعیین شده است :

۱) سیاست حزب در مورد بیرونی ملی و دولت صدق که ناشی از چپ روی و سکتاریسم در تاکتیک حزب بود و بویژه برخی اقدامات چپ روانه در فاصله بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد موجب رسیدگی بیرونی ملی شده بود *

۲) عدم آمادگی و تدارک حزب برای مقابله با کودتا ، اگرچه حزب از يك سال پیش یعنی از زمان سرکار آمدن قوام خطر کودتا را پیش بینی میکرد *

(۱) و (۲) روزنامه " بزم آوران " منتشره بجای " بسوی آینده " ، ۱۶ شهریور ۱۳۳۱
 (۳) روزنامه " شهباز " ، ارگان " جمعیت ملی مبارزه با استعمار " ، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۲

۲) ظلت رهبری حزب و سرگجه ای که در نتیجه موفقت (پیروزه پس از شکست اولین جلسه ارتجاع در ۲۵ مرداد) دامنگیر آن شده بود -
 ۳) عدم تشخیص ماهیت کودتای حوادث ۲۸ مرداد در رأفاز و بر بهاداد ن به امکانات و قاطعیت صدق ، کم بهاداد ن به امکانات دشمن و فقدان هرگونه تحرك از جانب رهبری در بحال کودتای ۲۸ مرداد ، عدم اقدام به بسیج مردم که برای مبارزه آمادگی داشتند ، دنباله روی در ریز ۲۸ مرداد از پیروازی طی که بصورت استفسار از صدق و احتراز از اقدام مستقل سرچ بر اساس تحلیل صحیح جهان درآمد *

تمام آنچه گفته شد ، برای موفقت کودتایی که بوسله دربار شاه و محافل نظامی و با کمیل مستقیم امیرالمومنین انجام گرفت ، امکان بوجود آورد * این چهار رئیس جمهور امیکاد ر باره نقش این کشور در کودتای ایران با صراحت میگوید : در نتیجه کتک امیکابه ایران بارد پگر آزادی نجات یافت (۱) نامه سحرمانه ای که لئون روکفلر ، صاحب بزرگترین انحصارات نفتی "استاندارد اورد اویل ایل نیویورک" چند سال پس از کودتای ۲۸ مرداد به امیرالمومنین نوشته بوضع تمام نشان میدهد که سیاست امیکاد ر ایران از ضلع چه کسانی دفاع میکرد و مجری او امر چه کسانی بود. روکفلر در این نامه از سیاست امیکاد رگره جنبی ، تاپوان ، ویتنام جنبی و غیره بحث میکند در این سیاست به جنبه های نظامی مسئله بزبان عوامل اقتصادی پیش از حد تکیه میشود . انتقاد میکند سیاست امیکاد ر ایران بجنسوان نمونه ای از سیاست صحیح ذکر کرد و مینویسد :

" نمونه عینی آن چیزی که من در نظر دارم ، تجربه ایران بود که بطوریکه شما ببینید در آید من مستقیماً با آن سروکار داشتم * ما از راه کتک اقتصادی توانستیم به نفست ایران راه باهم و اکنون در اقتصاد این کشور مواضع محکم و پایدار بدست آوردیم * تحکم مواضع اقتصادی مادر ایران به نامکان داد تا تمام سیاست خارجی این کشور رانخت کنترل خود در آوریم و بخصوص ایران را برای ورود به پیمان بفسد ا د قانع سازیم " (۲)

به این ترتیب جنبش آزاد بیخس خلق های ایران در نتیجه سمای مشترک امیرالمومنین امیکاد وانگلس و ارتجاع داخلی بارد پگر شکست خورد. نزازل و خصلت دو گانه پیروازی طی بمیزان زیاد بسه این امر کتک نمود. این عامل نیز که نیروهای دسکراتیک به ویژگیهای لحظه بی نبردند و از تمام امکانات ناشی از این ویژگیها استفاده نکردند ، موفقت ارتجاع را تسهیل نمود.

جنبش مردم در این سالها برای بالا بردن سطح آگاهی سیاسی نوده هاد ارای اهمیت عظیم بود. این جنبش تجربه نوده هاد اراد ر مجاز به خاطر آزادی غنی تر کرد.

جنبش آزاد بیخس طی ایران در این مرحله دارای اهمیت جهانی بزرگ نیز بود. طی کردن صنعت نفت ایران و کوشش هایش که برای اخراج امیرالمومنین در ایران انجام گرفت ، کشورهای خساور نزد یک و میانه رایجرت در آورد. روزنامه " نیویورک تایمز " در شماره اول اکتبر ۱۹۵۱ خود نوشت که شکست سیاسی انگلستان در ایران بک سلسله واکنش های درخاور نزدیک بوجود خواهد آورد . بسیاری جلوگیری از این واکنش ، وظیفه بزرگی در برابر دیپلماسی لندن و واشنگتن قرار گرفته است.

درواقع نیز بزودی جنبش طی کردن صنعت نفت بحرین و کویت را فرا گرفت . در مهر ماه رزات

(۱) مجله " تهران بصور " ، ۲۵ آسند ۱۳۳۶

(۲) روزنامه " پراود " ، ۱۸ فوریه ۱۹۵۷

شد امیرالمومنین بدید آمد ، بنحوی که دولت مصر برای آرام کردن افکار عمومی تصمیم گرفت قرارداد سال ۱۹۳۶ انگلئس و مصر را منقضی کند. کوششی که انگلستان برای انقضاد قرارداد جد بد منظور تثبیت امنیاز نفت عراق بکار میبرد ، موج جد بد جنبش ضد امیرالمومنین را در این کشور برانگیخت. جنبش ضد امیرالمومنین خلق ها مانع تحق نقشه های نظامی و اقتصادی امیرالمومنین در این کشورها میشود. گسترش این جنبش در مراحل بعدی در شرایط جهانی مساعد تر ، طرف کامل امیرالمومنین را از خاور نزدیک و میانه کاتلا صیر صراخته است. اکنون برای این مبارزه شرایط باز هم مساعد تر بوجود آمده است . فیدرت کاتلا صیر صراخته است. اکنون برای این مبارزه شرایط باز هم مساعد تر بوجود آمده است . فیدرت ریز افزون کشورهای سوسیالیستی و بهیض از همه اتحاد شوروی ضامن پیروزی خلق هاست. رشید موفقت آمیز اقتصاد کشورهای سوسیالیستی و کتک آنها به پیخرت اقتصاد و صنایع کشورهای که در راه آزادی خود مبارزه میکنند ، در تناسب میان نیروی خلق های کشورهای مستمره و وابسته از یکسو و نیروی امیرالمومنین از سوی دیگر تغییر جدی بدید آورده و می آورد. خطر سرکوب جنبش های آزادی بخش طی بکله مدخله مستقیم امیرالمومنین هازمین را از دست میدهد. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بانحوه کشورهای امیرالمومنین طبع آزادی طل دیگر به طایله میبرد ازند . تمام اسپن عوامل کار مبارزه خلق هارا برای آزادی کامل و نهضت آنها از اسارت امیرالمومنین بسیار تسهیل میکند. اگر درگذشته نیروهای آزاد بخواه این بیم را داشتند که کشورهای امیرالمومنین با بهانه جوی بتوانند آنخس جنگ جهانی جد بدی را برافروزند ، اکنون کشورهای امیرالمومنین هستند که در نتیجه افزایش بهیما به اقتدار اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی که قادرند بانجا بوزکاران بمقابله بفریزند و آنها را در چار شکست سازند ، باید دوباره بواقب اقدامات باجرا جهان خود بیاند بهند.



پایان مصحف

جنبش آزاد پیشین ملی خلق های ایران یکی از حلقه های مبارزه عمومی خلق های شرق طیفه اسارت استعماری است. سالهای ۱۳۲۵-۱۳۳۲ در تاریخ این مبارزه جای خاص دارد. در این مبارزه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر، نقش مهمی داشت.

بررسی جنبش آزاد پیشین طیفه کارگر و پیروزمیانگانکامیابی آن در این جنبش نویسنده این کتاب را به نتایج زیرین میرساند:

۱- پایان دومین جنگ جهانی، تضاد های اساسی سیستم سرمایه داری را عمیقتر کرد. شکست آلمان هیتلری و ژاپن امپریالیستی و پیروزی اتحاد شوروی موجب گسترش جنبش خلق هاراد بر راه های ملی و طبقه اسارت امپریالیستی فراهم آورد. در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۳۲ ایران در مرکز جنبش ضد امپریالیستی خاور نزدیک و میانه قرار داشت. مبارزه خلق های ایران در شرایط ناساعد جهانی یعنی تهدید دشمنان امپریالیسم و مساعی آن برای یافتن بیهانه ای برای برافروختن آتش جنگ جهانی انجام گرفت. با اینهمه با تضعیف نفوذ امپریالیسم بطور کلی و طرد موفت امپریالیست انگلستان از کشور، به پیروزمیانی قابل ملاحظه دست یافت. این پیروزمیانی از این جهت برای خلق های خاور میانه دارای اهمیت عظیم بود که گزند پذیری امپریالیسم را نشان داد و افسانه قدر قدر تی آسرا در هم ریخت.

مبارزه مردم ایران را حزب توده ایران رهبری میکرد. این مبارزه هم در شرایط طغی و هم در شرایط غیر طغی انجام میگرفت. تنوع شکل و کثرت حوادث از مشخصات این مبارزه است و به این جهت نتایج حاصله از این مبارزه برای احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای که در راه آزادی ملی خود مبارزه میکنند، دارای ارزش است.

۲- حزب توده ایران حزب مارکسیستی-لنینیستی طبقه کارگر ایران و وارث سنن حزب کمونیست ایران است. پدید آیش این حزب در شرایط دومین جنگ جهانی، پس از کناره گیری رضا شاه از سلطنت، امری فانونیست بود. رشد فوق العاده سریع این حزب مؤید این واقعیت است. حزب توده ایران در مدت کوتاهی به بزرگترین و متشکلترین احزاب کشور بدل شد و طبقه کارگر و روشنفکران زحمتکش را بسوی خود جلب کرد و با موفقیتهای دروساها نفوذ نمود و اعتماد سایر قشرهای اجتماعی را بدست آورد. حزب توده ایران از شرایط طغی برای متشکل کردن زحمتکشان کشور به منظور مبارزه با خطر مطالبات اقتصادی و آزادیهای سیاسی استفاده میکند.

۳- حزب توده ایران که در سال ۱۳۲۲ اجباراً به مبارزه مسلحانه پرداخت، پیشوای مورد قبول توده های زحمتکش بود و اعتماد و تلافی آنان را بسوی خود جلب کرد. بود.

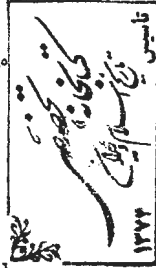
تاریخ مبارزه مسلحانه حزب توده ایران نشان میدهد که چگونه میتوان برای تلفیق مبارزه مسلحانه با مبارزه غیر مسلحانه امکانهای استفاده نمود. بدون این کار حزب طبقه کارگر به گروه محدودی تبدیل میشد که از توده مردم جدا شده و قادر نیست در مسوولیتات تاثیر لازم ببخشد.

حزب توده تقریباً با تمام سازمان های یکم و بهمین وسیع توده ای پیوند داشت (با اتحادیه های و جمعیت ها، سازمان های سند پکشی و غیره). در موارد بسیار حزب خود در تشکیل این سازمان ها

شرکت میکرد. تمداد زیادی روزنامه های طغی پیوند با زهم و سمیتر حزب را با توده هاتامین میکردند. در همین حال انتشار وسیع و منظم مطبوعات طغی حزب، هم قدرت حیاتی حزب را به نیت میرساند و هم خط مشی اساسی حزب و اندیشه های مارکسیستی-لنینیستی را میان توده ها آشکاره میداد.

۴- فعالیت ملی حزب سیاسی مملکت صمیمیت و وفاداری آن نسبت به آرمانهای مردم است. حزب توده ایران با استفاده از تمام اشکال ممکن برای دفاع از منافع مردم، علائق و منافع خود را مدافع واقعی حقوق زحمتکشان نشان دهد. مبارزه پارلمانی حزب توده ایران، فعالیت وزیری آن در دولت است. اختلافی و دفاع جسمانی اعضا و رهبران این حزب درد ادگامها، با وجود خطرانی که آستان را تهدید میکرد، به مردم نشان داد که حزب توده ایران نه در حرف، بلکه در عمل مدافع آنانست.

این عاملی بود که برای حزب توده ایران حیثیت و اعتبار فوق العاده بوجود آورد.



۵- ایران کشوری است کثیرالطنفه. در چنین شرایطی، حزب توده ایران به پیروی از سیاست لنینیستی در مسئله ملی که یگانه سیاست صحیح در این مورد است، علاقه تمام خلق های ایران را بسوی خود جلب کرد. حزب توده ایران با دفاع از جنبش دمکراتیک آذربایجان و کردستان به این جنبش ها کمک نمود. سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان با الحاق خود به فرقه دمکرات آذربایجان استخوان بندی این حزب جدید را بوجود آورد. مطبوعات حزب توده ایران بحالت دفاع از جنبش آذربایجان راهرونیف و صادره شدند. حزب توده ایران بحالت دفاع از جنبش آذربایجان و کردستان و اثماً به داشتن تعالیات تجزیه طلبانه منضم میشد. ملی حزب توده از پشتیبانی خود از مطالبات حقه سایر خلق ها هرگز امتناع نکرد. این واقعیت عشق و علاقه عمیق خلق های ایران را بسوی این حزب جلب کرد.

۶- تجربه جنبش آزاد پیشین ملی ایران در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۳۲ بار دیگر نشان میدهد که بسوی موفقیت آمیز توده های مردم در رهبری جنبش دارای چه اهمیت عظیمی است. عقب نشینی ناگزیر ارتجاع همیشه معلول مبارزه فعال و توأم با فدکاری توده های مردم بوده است. سالهای مورد بررسی ما سرشار از این نوع مبارزات است: اعتصاب عمومی نفعگران (درفروردین و آرد بهبهشت ۱۳۳۰)، که در سراسر کشور از آن پشتیبانی شد، تظاهرات همگانی توأم با زد و خورد های خونین، هنگام و رو در هرمن با سرکار آمدن قوام، مبارزات اسفند ماه ۱۳۳۰ برای عقیم کردن توطئه دربار شاه و غیره. این مبارزات که حزب توده ایران نقش عمده در آن داشت، موجب تزلزل و پرمشانی ارتجاع را فراهم آورد و به برانداختن دولتی عناصر متزلزل کمک نمود و کار ملی کردن صنعت نفت را تسریع کرد.

۷- در شرایط مبارزه کشورهای مستعمره و نیم مستعمره نه فقط توده عظیم خرد و بزرگوار شهری، بلکه صاحبان صنایع و بازرگانان متوسط یعنی بزرگوار شهری نیز در مبارزه ضد امپریالیستی پیوستند. متحد کردن این نیروها در جنبه واحد وسیع مبارزه و رهبری کردن آنها - مهمترین وظیفه حزب طبقه کارگراست.

حزب توده ایران از آغاز تاسیس خود این واقعیت را در نظر داشت. به ابتکار حزب توده ایران، "جنبه آزادی" که بخش قابل ملاحظه ای از مطبوعات شرقی کشور متحد میکرد، تشکیل گردید. حزب توده همچنین "جنبه واحد احزاب شرقی" را بوجود آورد و یک سلسله اقدامات دیگر را در آن زمینه انجام داد. موفقیت های حزب در این زمینه امکان ایجاد جنبش اتحاد وسیع را نشان میداد. با آنکه در زمان مصدق نیز گام هایی در این جهت برداشته شد، ولی تمام اقدامات ممکن بهممسلسل نیامد. فقدان جنبش وحدتی، جنبش را در برابر ارتجاع آسیب پذیر نمود.

۸- بزرگوار شهری کشورهای مستعمره و وابسته در مراحل مهمی نه فقط در مبارزه با امپریالیسم شرکت میکند، بلکه در نوعی رهبری جنبش را نیز در بردارین زمینه به رقابت با رولتارها برمیخیزد.

حزب طبقه کارگر برای بدست آوردن هژمونی همیشه باید وضع اقتصادی و سیاسی کشور و آرایش نیروهای اجتماعی را بدست تجزیه و تحلیل کند و معلوم سازد که بورژوازی ملی در مرحله معین مبارزه تاجه حد می تواند در جنبش شرکت ورزد و همتراز همه باید در دادن شمارهای بسج کنند - ناشی از جواج هم بر او پیشی گیرد*

تجربه حزب توده ایران نشان میدهد که بآنکه حزب همیشه تواناترین نیروی بسج کشنده بود ، در دلحظاتی ابتکار رهبری را بسود بورژوازی ملی ازد ست داد و ، این زمانی بود که شمار حزب در باره ملی کردن نفت با شرایط زمان تطبیق میکرد*

۹- بورژوازی ملی که در جنبش ضد امپریالیستی شرکت میکند ، دارای ویژگیهایی است که اگر در نظر گرفته نشود ، نیروهای د مکرانیک می توانند در تجزیه و تحلیل های خود و در ارزیابی تناسب نیروها دچار اشتباه شوند و غافلگیر گردند*

ویژگی اساسی بورژوازی ملی را د وگانگی خصلت آن تشکیل میدهد که خود معلول ضعف بورژوازی ملی است* این بورژوازی که از کمونسم بیش از امپریالیسم وحشت دارد ، در دلحظات قطعی می تواند لیه نیز مبارزه خود را طبقه کمونسم توجه سازد* مانفست جناح راست بورژوازی ملی ایران را قبلا نشان دادیم* این جناح ، هنگامیکه جنبش به مرحله قاطع خود گام نهاد ، آشکارا به حساب ارتجاع گرفتار آمد* در همین حال نقش جناح رادیکال تر آن را نیز که در لحظه قاطع ، یعنی در آستانه کودتای نظامی ، تزلزل هلاکتبار از خود نشان داد ، ملاحظه کردیم*

۱۰- تجربه همکاری حزب طبقه کارگر ایران با بورژوازی ملی حاکی است که فقط با در نظر گرفتن تمام خصوصیات (خصوصیات عام و خصوصیات خاص در هر کشور) بورژوازی ملی (که هنوز بخش قابل ملاحظه ای از خود بورژوازی شهرواد نبال میکند) ، تعیین صحیح مواضع سیاسی آن در هر یک از مراحل مبارزه ضمن تلقیق همکاری با انعقاد صحیح افشاگرانه میتوان مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و فئودالیسم را با موفقیت انجام داد*

۱۱- حزب توده ایران با تمام ظاهرواشکال استعمار مبارزه میکند* حزب توده بدون آنکه مبارزه ضد امپریالیستی را در مقیاس وسیع قطع کند ، در هر لحظه مشخص این مبارزه را در جهت امپریالیسم خطرناک تر سوق داد و است* مثلا در زمان جنگ لیه نیز این مبارزه بطور عد* علیه فاشیسم آلمان توجه بود* این حزب که کاملا جوان بود ، با مبارزات جسورانه خود علیه هواداری سنتی از آلمان ، سیاسی واقف امپریالیسم آلمان را روشن ساخت و در این راه از تمام امکانات خود استفاد نمود* پس از سرکوب آلمان هیتلری ، امپریالیسم آمریکا وانگلیس هدف عد* مبارزه ضد امپریالیستی حزب توده گردید*

۱۲- تجربه جنبش آزاد بخش ملی ایران و سایر کشورهای خاور نزدیک و میانه حاکی است که اکنون امپریالیسم آمریکا عد* استعمار را تشکیل میدهد* نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی بسرای تعرض مشترک علیه جنبش آزاد بخش ، در اطراف امپریالیسم امریکا متمرکز میشوند*

خدت حزب توده ایران در این بود که علیه امپریالیسم امریکا به مبارزه بگیرد و موفقیت آمیز برداخت و آنرا افشا کرد و تصورات ولهی در باره این امپریالیسم را در هم ریخت و ثابت کرد که امپریالیسم امریکا اکنون عد* ترین دشمن تمام جنبش های آزاد بخش ملی است*

۱۳- امپریالیسم جهانی ، موفقیت های خلق های کشورهای مستعمره و وابسته و مبارزه آنان را در راه آزادی ملی ، عامل شکست سیستم استعماری خود میداند* با نتیجه زمانیکه جنبش آزاد بخش ملی اعتلا مییابد ، امپریالیسم ها ، حتی زمانی که تضاد های میان آنها به حد ترین نحو بروز کرده باشد ، حاضرند برای سرکوب جنبش به سازش موقت بردازند و با نیروی مشترک عمل کنند*

رژیم های سلطنتی و اربود سته مالکان و کهراد و رها تکیه گاه امپریالیسم را در داخل این کشورها تشکیل میدهند* تاریخ جنبش آزاد بخش ایران نمونه بارز آن است*

۱۴- تجربه مبارزه رهائی بخش ملی خلق های ایران نشان میدهد که هیئت حاکمه خود فروش حاضر است به چه تحریکات و طسده جوش ها و خیانت های تن در دهد* اقداماتی نظیر مبارزه مشترک ارتجاع داخلی و امپریالیسم برای سرکوب اعتراضات خوزستان ، متحد کردن عشار برجنوب (بدست امپریالیسم ها) و استفاد ه ارتجاع از شورش این عشار بعنوان دستاویزی برای تعرض بسسه جنبش د مکرانیک آذربایجان ، انعقاد قرارداد های سری با امریکا برای تامین کنترل گام مسلسل امریکایی ها بر ارتش و ژاندارمری ، انعقاد " قرارداد الحاقی " با شرکت نفت و بسیاری اقدامات دیگر - نمونه آن است*

۱۵- بکار بردن شیوه های فاشیستی از طرف هیئت حاکمه بمعنای ضعف ارتجاع است و قدرت آن* ارتجاع زمانی به این شیوه ها متوسل شد که جنبش می توانست از ابتدائی ترین آزاد پنهی موجود در ایران برنجوی موفقیت آمیز استفاد ه کند* ارتجاع برای رسیدن به هدف های خود از تمام وسائل استفاد ه میکرد* ایجاد احزاب د ولس و سندیکاهای ساختگی ، تشکیل د اربود سته های ترسیمی فعالین حزبی را مورد ضرب و جرح فرار میدادند و سازمان های د مکرانیک را غارت کرده و آتش میزدند و سرانجام تغییر در قوانین موجود و حتی قانون اساسی بظهور جنبسه قانونی دادن به خود سری های د سنگاه حاکمه*

۱۶- امپریالیسم ها و ارتجاع داخلی در شرایط کنونی مبارزه با نیروهای ترقی راجت عنوان " مبارزه با خطر کمونسم " موثر تر نمیدانند و برای این کار از توسل به هنر و فرهنگ انگیزی و د سیمه بازی اسنادند* آنان میخواهند به این وسیله بخشی از نیروهای ضد امپریالیستی (بورژوازی ملی) خرد ه بورژوازی شهرواد (رابترسانند و آنرا از جنبش ضد امپریالیستی جد کنند* تقریبا تمام مبارزه هیئت حاکمه علیه حزب توده ایران و سازمان ها وسند بکاهای د مکرانیک وابسته به آن و حتی مبارزه با جمعیت هواداران صلح نیز زیر علم مبارزه با کمونسم انجام میگرفت*

۱۷- روزیونیمت های راست و " چپ " بشایه متحد بین امپریالیسم و ارتجاع داخلی عمل میکنند* امپریالیست ها و ارتجاع داخلی به انعجار حزب توده ایران ازد داخل بدست گروه های انشعابی کسه د دارای مواضع روزیونیمتی بودند ، امید فراوان داشتند* این گروه ها مانند روزیونیمت بین المللی ، اصول انترناسیونالیسم پرولتری را نمیگیرند و میگویند د حزب طبقه کارگرا با بسود سازند و ماهیت طبقاتی حزب را منسخ کنند و مبارزه آنرا طبقه امپریالیسم تضعیف نمایند*

گروه هایی که در داخل حزب توده ایران د دارای موضعگیری روزیونیمتی بودند و در اطراف لابل ملکی متحد شده بودند ، در رجا به دشمنان میگویند خود* طبقه کارگر و دستپاران مستقیم ارتجاع تبدیل شدند*

این گروه ها هنگام نهضت ملی کردن صنعت نفت ، برای ایجاد تفرقه در میان نیرو های ضد امپریالیست ، از تمام وسائل استفاد ه میکردند*

۱۸- حزب توده ایران فقط در اثر نرمش و بالاتر از آن در اثر اجرای صحیح اصل لنینی مرکزیت د مکران توانست مبارزه با گروههای ایپوزیسیون را با موفقیت انجام دهد* حزب د ر نتیجه مباحثه درونی که بخشی سازمان یافته بود ، ایپوزیسیون را کاملا منقرذ کرد و توانست مبارزه را چنان گسترش دهد که هر یک از اعضا " فعال حزب خود به نادرستی و ضد حزبی بودن مواضع ایپوزیسیون پی برد " ریشه کن کردن سازمانی ایپوزیسیون فقط پس از شکست اید کولونیک آن میسر گردید*

۱۹- خلق های ایران ، مانند سایر خلق های ستمدیده ، دوست وفاداری چون اتحاد شوروی و تکیه

گاه استواری چون جامعه کثوهای سوسیالیستی دارند. پیروزی اتحاد شوروی بر فاشیسم ،
 خلقهای ایران را برای تشدید مبارزه در راه رهایی خود الهام میبخشید.
 اتحاد شوروی پیوسته از استقلال و تمامیت ایران دفاع کرده است. فقط در نتیجه مخالفت
 قاطع اتحاد شوروی بود که امپریالیسم امریکا و انگلیس ناچار شد تا از ایجاد کمیسیون سه گانه که عملاً
 بمعنای برقراری هيومت بر ایران بود ، صرف نظر کنند ، نمایند ه شوروی در شورای امنیت سازمان
 ملل از مردم ایران بنحوی قاطع پشتیبانی نمود . پشتیبانی موثر اتحاد شوروی از خلق های ستمدیده
 ای که در راه هاش خود مبارزه میکنند ، برای خلق های ایران نیز دارای اهمیت جدی است.
 رشد اقتصادی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ، برای پشتیبانی از مبارزه خلق ها
 بخاطر آزادی خویش و برای مقابله باتهدید امپریالیست ها امکانات بیشتری بوجود می آورد .
 اکنون که برای مقابله بانقشه های امپریالیستی و شکست دادن تجار و کاران نیروی عظیمی
 وجود دارد ، کشورهای امپریالیستی باید در باره عواقب اقدامات ماجراجویانه خود بنحوی جدی
 بهاند پشند .

مهر

تاسیس
 کمیته تخصصی
 تاریخ ۱۳۷۴

کتابخانه
 ۷۷۷۸۸
 ۷۷۷۸۸